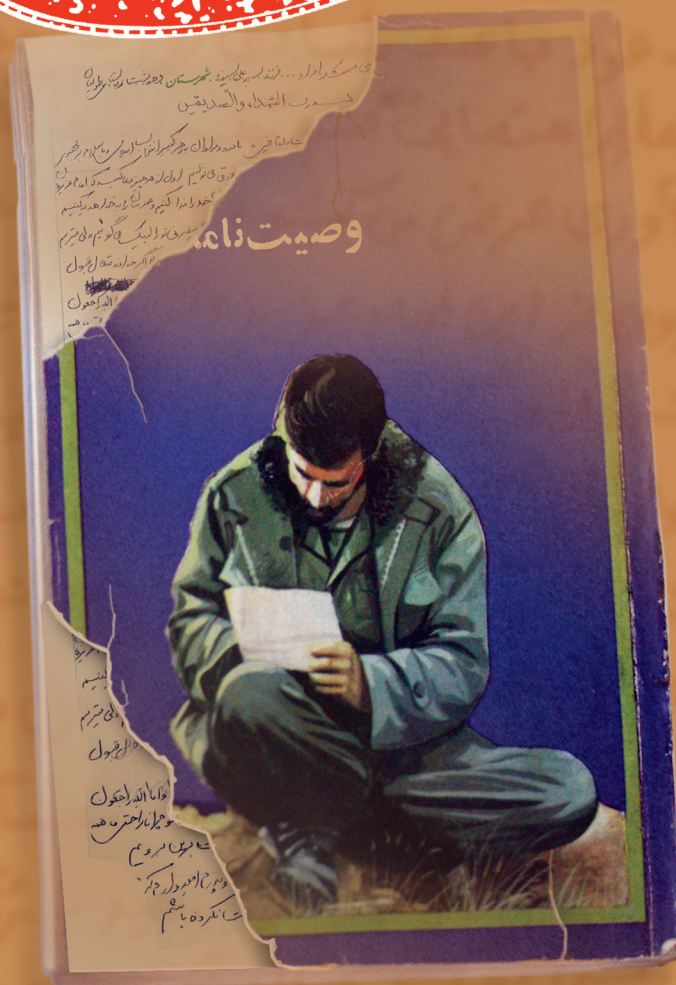


آثار و اسناد شهدا و ایثارگران (۸)

وصیت نامه کامل شهدا  
استان ایلام  
دفتر اول

# وصیت نامه کامل شهدا



امام خمینی: این وصیت نامه هایی که این عزیزان می نویسند، مطالعه کنید  
پنجاه سال عبادت کردید و خدا قبول کند، یک روز هم یکی از این وصیت  
نامه ها را بگیرد و مطالعه کنید و تفکر کنید.

صحیفه نور، جلد ۱۵ ص ۳۲

مقام معظم رهبری: منشور رسمی و قانونی انقلاب و کشور عبارت است  
از قانون اساسی ما... منشور معنوی انقلاب هم وصیت نامه‌ی امام و وصیت  
نامه‌های شهداست،....

نماز جمعه تهران آذر ماه ۸۱

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



آثار و اسناد شهدا و ایثارگران (۱۸)

وصیت نامه کامل شهدا

استان ایلام



دقرا اول

آ-حس

آمانگاه-حسینی

به کوشش:

دکتر ممنونچهر اکبری



سازمان اسناد و کتابخانه ملی  
جمهوری اسلامی ایران

اداره کل اسناد و انتشارات

پاییز ۱۳۹۴

سرشناسه: اکبری، منوچهر ۱۳۳۵، گردآورنده

عنوان و نام پدیدآور: وصیت‌نامه کامل شهدا/ استان ایلام/ دفتر اول آ- حس (آبانگاه- حسینی)/ اداره کل اسناد و انتشارات  
مشخصات نشر: تهران، بنیاد شهید و امور ایثارگران، معاونت فرهنگی و امور اجتماعی، اداره کل اسناد و انتشارات ،  
نشر شاهد، ۱۳۹۳

مشخصات ظاهری: ۶۷۵ صفحه، مصور، نقشه

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۳۹۴-۵۱۳-۸

وضعیت فهرست‌نویسی: فیا

مندرجات: ج ۱. دفتر اول آ- حس (آبانگاه، یحیی - حسینی، سیدموسی)

موضوع: شهیدان- ایران -- ایلام (استان) -- وصیت‌نامه ها

موضوع: جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹-۱۳۶۷ -- شهیدان -- وصیت‌نامه

شناسه افزوده: بنیاد شهید و امور ایثارگران، نشر شاهد

رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۳ ۵۴ و ۶۸۲۴ الف / DSR ۱۶۲۵

رده‌بندی دیویی: ۹۵۵/۰۸۴۳۰۹۲۲

شماره کتابشناسی ملی: ۳۵۴۴۸۹۲



اداره کل اسناد و انتشارات

آثار و اسناد شهدا و ایثارگران (۱۸)

وصیت‌نامه کامل شهدای استان ایلام ♦ دفتر اول آ- حس (آبانگاه- حسینی)

به کوشش: دکتر منوچهر اکبری (استاد دانشگاه تهران)

نوبت چاپ: چاپ اول پاییز ۱۳۹۴ ♦ تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

مدیر تولید: محبوب شهبازی ♦ ناظر فنی: رضا حاجی آبادی

مستند سازی اسناد: یوسف قدیانی ♦ هماهنگی تولید: زهرا شیرکوند

ناظر چاپ: شاپور محمد حسن زاده ♦ صفحه آرایی: نسترن حاجی‌زاده سابق

نمونه‌خوانی: لیلا افشار تاجری ♦ حروف‌چینی: مینا صفری

امور لیتوگرافی، چاپ و صحافی: مجتمع چاپ کوثر

قیمت: ۳۰۰/۰۰۰ ریال ♦ شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۳۹۴-۵۱۳-۸

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به بنیاد شهید و امور ایثارگران است.

نشانی: تهران- خیابان آیت‌الله طالقانی- خیابان ملک‌الشعرای بهار شمالی- شماره ۵ معاونت فرهنگی و امور اجتماعی بنیاد

شهید و امور ایثارگران- نشر شاهد تلفن: ۸۸۳۰۸۰۸۹-۸۸۳۰۹۲۴۹ ♦ توزیع: مؤسسه فرهنگی هنری شاهد ♦ مرکز

پخش: تهران ۶۶۴۹۱۸۵۱؛ فروشگاه‌های نشر شاهد و سایر فروشگاه‌های معتبر

www.navideshahed.com

## فهرست

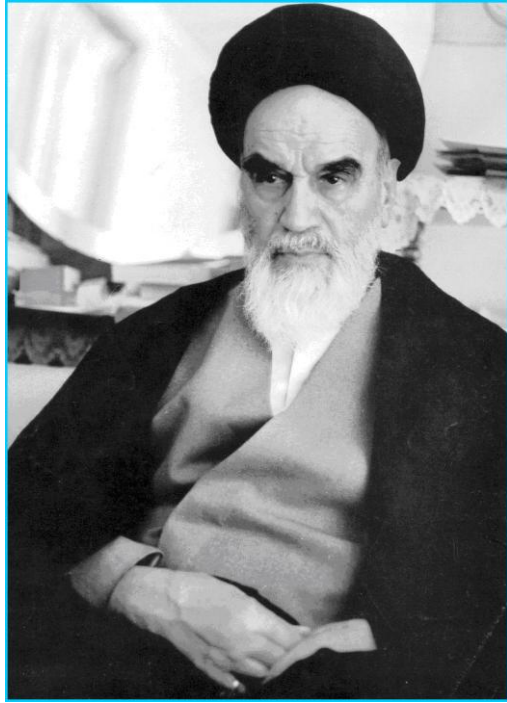
۱۳۳	احمدزاده، جاسم	۱۱	سخن ناشر
۱۳۷	احمدسوزه، صباح	۱۵	پیشگفتار
۱۴۲	احمدی، حسین	۳۱	آبانگاه، یحیی
۱۴۵	احمدی، عسگر	۳۶	آبروشن، یوسف
۱۴۷	احمدی، علی	۳۹	آبسالان، نصراله
۱۵۱	اخزری، صیدعلی	۴۹	آذرپیرا، علیرضا
۱۵۴	اخلاوه، صادق	۵۳	آستوی، عیسی
۱۵۸	ارسن، احمد	۶۳	آفاق، احمد
۱۶۲	استرون، حسن	۶۸	آفاق، جمعه
۱۶۵	اسدنیا، احمد	۷۳	آقابیگی، منصور
۱۷۰	اسدی، آیت‌الله	۷۸	آقاجانی، طهماسب
۱۷۳	اسدی، رضا	۸۳	آقایی، امیر
۱۷۸	اسفندیاری، محمدرضا	۸۶	آقایی، خلیل
۱۸۴	اسماعیلی، اسلام	۹۱	آقایی، عباس
۱۸۷	اسماعیلی، امیدعلی	۹۷	آواره، احمد
۱۹۳	اسماعیلی، مظفر	۱۰۱	ابراهیمی، رحمت‌اله
۱۹۶	اعتقادی، شیرمحمد	۱۰۵	ابراهیمی، علی‌بخش
۲۰۸	اعتقادی، نارنج	۱۰۹	ابراهیمی، علی‌حسین
۲۱۱	اکبری، عزت‌الله	۱۱۸	ابراهیمی، علی‌نور
۲۱۵	اکبری، عزیز	۱۲۴	ابراهیمی، کریم
۲۱۹	الماسی‌زاده، مجید	۱۲۸	احسانی‌فر، رضا

۳۳۱	بزرگی مقدم، عبدالرحیم	۲۲۵	امامی، جاسم
۳۴۴	بندمه، علی	۲۳۷	امیدی، عبدالامیر
۳۴۹	بیگزاده، علی	۲۴۴	انصاری، غلامرضا
۳۶۱	بیگی، جمال	۲۴۸	اوحام، نامدار
۳۷۳	بیگی، رحمان	۲۵۴	ایمکی، رستم
۳۷۸	بیگی، کرم	۲۵۷	بابایی ملکیان، محمدکریم
۳۸۴	پالیزبان، عبدالحسین	۲۶۰	بارانی، سلمان
۳۸۶	پدرامفر، سعدالله	۲۶۴	بارانی، علی
۳۸۹	پرک، علی اکبر	۲۶۹	باقری، پرویز
۳۹۸	پرکاسی، محمد	۲۷۹	باقری، حاجی
۴۰۲	پورزند، صادق	۲۸۳	باقری، حسن
۴۰۷	پورقاسمی، محمدیار	۲۸۸	باقری، عبدالرضا
۴۱۲	پورمند، عزیزالله	۲۹۳	باقری، نصرالله
۴۲۱	پیرحیاتی، عبدالمهدی	۲۹۹	بالوی زاده، حمید
۴۲۴	پیرنیا، محمود	۳۰۳	بانقلائی، مهدی
۴۲۸	پیروزی، یارمحمد	۳۰۹	باولگ زاده، موسی
۴۳۱	تاراج نسب، رحمان	۳۱۳	باوه پیر محمدی، عبدالعلی
۴۳۵	تام، جعفر	۳۱۶	برتنی، حجت الله
۴۴۹	تندرو، مهرعلی	۳۲۰	برجی، عبدالولی
۴۵۴	تورتیز، سامی	۳۲۵	برگی، کریم
۴۵۹	جابری، اسماعیل	۳۲۸	بره، اسد

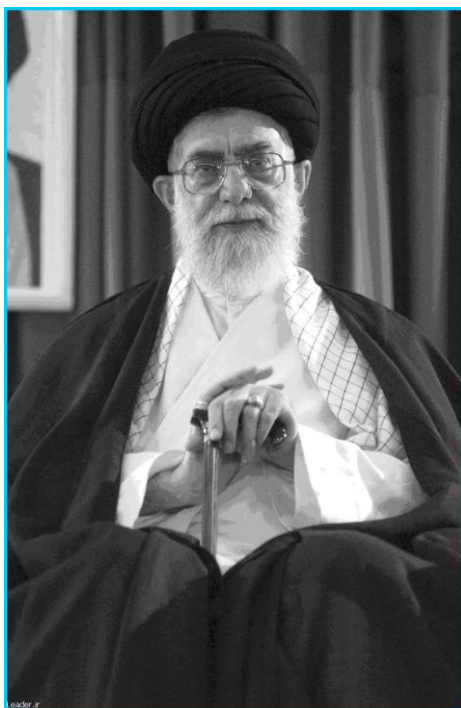
۵۷۰	چناری، حمزه
۵۷۶	حاتمی، برزو
۵۸۰	حاتمی، کریم
۵۸۴	حاتمی، نادر
۵۸۹	حاتمی شیروانی فرد، نصرت الله
۵۹۴	حرمی، نعمت الله
۵۹۷	حسینی پور، سایه
۵۹۹	حسینی، امید
۶۰۴	حسینی، رحمان
۶۰۸	حسینی، سید موسی
۶۱۴	تعلیقات

۴۶۷	جابری، حجت الله
۴۷۴	جابری، نعمت الله
۴۷۹	جاسمی، اسحق
۴۸۲	جاسمی، جوز علی
۴۸۹	جاوید، رضا
۴۹۴	جرایه، علی
۵۰۲	جعفری، جعفر علی
۵۰۴	جعفری، یاسین
۵۰۷	جمال الدینی، علی محمد
۵۱۲	جم زاده، قنبر
۵۱۷	جمالی زاده، شیرزاد
۵۲۰	جندی پور، محمد
۵۲۴	جوهری، علی
۵۲۹	جهانی، ابراهیم
۵۳۲	جهانی، ناصر
۵۴۰	جهشی، احمد
۵۴۴	جیواد، رابع
۵۴۹	چراغی، جعفر
۵۵۳	چماچم، امیر
۵۶۰	چم سورکی، علی نجات
۵۶۳	چناری، جعفر





«این وصیت‌نامه‌هایی که این عزیزان می‌نویسند، مطالعه کنید، پنجاه سال عبادت کردید و خدا قبول کند، یک روز هم یکی از این وصیت‌نامه‌ها را بگیرید و مطالعه کنید و تفکر کنید»  
امام خمینی(ره) - صحیفه نور - جلد ۱۵ ص ۳۲



منشور رسمی و قانونی انقلاب و کشور عبارت است از قانون اساسی ما... همه چیزهایی که برای اداره امور ملت لازم است، به شکل متین و مستحکمی در این منشور وجود دارد. منشور معنوی انقلاب هم وصیت‌نامه امام و وصیت‌نامه‌های شهداست. این وصیت‌نامه‌ها را بخوانید و ببینید شهدا که در میدان جنگ جان خود را فدا کردند، برای چه فدا کردند و دنبال چه بودند. مگر می‌شود از مجموعه فداکارها و آرمانهای یک ملت، کسی به این آسانی دست بشوید! اینها راه ماست؛ اینها مایه‌های سعادت ماست که باید دنبال کنیم.

بیانات مقام معظم رهبری - نماز جمعه تهران - آذرماه ۱۳۸۱



## سخن ناشر

تاریخ و فرهنگ یکی از مهمترین مؤلفه‌هایی است که کشورهای مختلف جهان هنگام تعیین جایگاه خود در جامعه جهانی، به آن استناد کرده و به تناسب تأثیرگذاری در تمدن بشری به آن مباحثات می‌کنند. شکی نیست که کشور ایران به علت برخورداری از تاریخ کهن و فرهنگ غنی ایرانی-اسلامی در صف مدعیان این عرصه قرار داشته و آداب، رسوم و فرهنگ این مرز و بوم که سینه به سینه و نسل به نسل در قرون مختلف، به نسل‌های بعدی منتقل شده است، نشانه هویت و مایه مباحثات این ملت می‌باشد.

امروزه نقش اسناد و مدارک در بازشناسی و تنویر اندیشه بخش‌های مختلف اجتماع، به ویژه کسانی که توفیق لمس و درک فرهنگ و شرایط ویژه دوران تأثیرگذار آن اجتماع را نداشته‌اند، اهمیت فراوانی دارد. این موضوع از چنان اهمیت روزافزونی برخوردار است که بخش عمده‌ای از تلاش و همت مراکز اسنادی و آرشیوی صرف گردآوری، محافظت، نگهداری و مراقبت از این گنجینه‌های گرانقدر فرهنگی می‌شود.

اهمیت این رویکرد در خصوص اسنادی که از بار فرهنگی و هویتی منحصر به فرد و ویژه‌ای برخوردارند، دو چندان می‌نماید. بدون شک این گونه اسناد می‌توانند ضمن ایفای نقش اطلاع‌رسانی که خصیصه اصلی این ارزش‌های مکتوب می‌باشد، خود موجب و موجد یک هویت مستقل فکری و فرهنگی و مبلغ یک جریان انسان‌ساز معنوی باشند.

گردآوری، حفظ و دسترس پذیری اسناد شهدا و ایثارگران به مثابه‌ی حافظه تاریخی و میراث معنوی انقلاب اسلامی و دفاع مقدس یک رسالت تاریخی است. حفظ و نگهداری این اسناد سبب خواهد شد تا آیندگان با بهره‌گیری از این گنج عظیم به بازشناسی و درک صحیح از تاریخ دست یابند.

پس از فرایند گردآوری و مستند سازی اسناد و وصایای شهدا و ایثارگران، انتشار اسناد دست اول شهدا جزو اولویت های نشر شاهد بشمار می رود. به باور اندیشمندان و صاحب نظران فرهنگی و اسنادی، فراهم کردن زمینه برای انتشار اسناد فرهنگی، نیاز ضروری مجامع علمی و پژوهشی بوده و اتخاذ شیوه‌های علمی برای پردازش و نشر آثار ایثارگران به افزایش و توسعه کمی و کیفی انتشار کتاب در سایر زمینه‌ها مدد می‌رساند. توصیه‌های مکرر و مؤکد حضرت امام (علیه السلام) و مقام معظم رهبری (مدظله العالی) برای پرداختن به اسناد و آثار، به‌ویژه وصایای شهدا نشان‌دهنده جایگاه ویژه این اسناد بوده و ضرورت انتشار آن را بر ما آشکارتر می‌سازد.

این کتاب حاوی ۱۱۳ وصیت‌نامه از وصیت‌نامه‌های شهدای استان ایلام (دفتر اول) است که حاصل بررسی‌ها و بازنگری‌های کارشناسانه همکاران محترم بنیاد شهید و امور ایثارگران استان ایلام و اداره کل اسناد و انتشارات است. در اینجا شایسته است که از آقای دکتر منوچهر اکبری استاد گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران، رئیس بنیاد دانشنامه‌نگاری ایران و پژوهشگر ادبیات و تاریخ دفاع مقدس و همکارانشان که زحمت تدوین این مجموعه را بر عهده گرفته و تلاش بی‌وقفه داشته‌اند، تشکر و قدردانی شود.

همچنین جا دارد که از رهنمودها و مساعدت‌های کارشناسان و صاحب نظران گرانقدر آقایان: دکتر محسن میرانصاری، حجج الاسلام احمد مازنی و سید حسن مودنی، دکتر اکبر اشرفی، امیر رزاق‌زاده، دکتر کیانوش کیانی هفت لنگ و تمامی کسانی که در به ثمر رساندن این مجموعه ما را یاری رساندند صمیمانه تقدیر و تشکر نماییم.

در پایان دست صاحب نظران و اندیشمندان عرصه تاریخ و فرهنگ جامعه را برای همکاری، نقد و بررسی صمیمانه می‌فشاریم، امید است این تلاش فرهنگی در شناخت

ابعاد ناپیدای شهدای بزرگوار و دوران با عظمت انقلاب اسلامی و دفاع مقدس مددکار پژوهشگران و حقیقت‌جویان و آیندگان قرار گرفته و موجبات خشنودی شهدای والامقام و امام شهدا و رهبر معظم انقلاب اسلامی و خانواده معظم شهدا و ایثارگران را فراهم سازد.

محبوب شهبازی

مدیر مسئول نشر شاهد

پاییز ۱۳۹۴



## پیشگفتار

### جایگاه و نقش فرهنگی و صایای شهدا

بررسی و صایای شهدا می‌تواند نمادی روشن و مستند باشد از تفکر و اندیشه هر قوم و ملت، شهر و منطقه و حتی خانواده و شخص. نقطه اشتراک همه شهدا فلسفه وجودی همه، از مناطق گوناگون، از شمالی‌ترین نقطه کشور تا سواحل نیلگون خلیج فارس و مناطق غربی و شرقی ایران وحدت و همدلی برای آزاد سازی ایران از دست صدام و شکست برنامه تهاجم امریکا به ایران بود. همه رزمندگان در یک هدف کلی اشتراک مساعی داشتند و آن دفاع از اسلام و ایران عزیز و لیبیک عاشقانه به ندای حضرت امام خمینی (علیه السلام) بود. در این حضور و انجام تکلیف هیچ منطقه و قوم و نژادی را بر دیگری رجحان نبود. دفتر روشن شهادت نام و نشانی را ثبت نکرده است که جز برای رضای حضرت حق و یاری و نصرت نایب امام عصر (عج) حضرت روح الله (علیه السلام) جان در کف اخلاص نهاده باشد. حماسه‌هایی در دوران دفاع مقدس رقم خورده است که واقعاً قلم از بیان و توصیف آنها عاجز است. شکوه حضور نیروهایی مردمی از سطوح و سنین مختلف از جوانان، نوجوانان نو خطی که ۱۳ ساله‌های آن در صف شهادت ایستاده، تا پیران محاسن سفیدی که بعضاً با نوه و فرزند خویش همسنگر بودند، اگر مدعی نباشیم که تکرار ناشدنی است، حداقل می‌توان بر این نکته پای فشرد که پیش از این ایران چنین تجربه‌ای نداشته است. مادرانی که فقط برای رضای خدا از عزیزان خویش دل می‌کنند و خم بر ابرو نمی‌آوردند. جوانانی که خلاف



طبع و انتظار جوانی بقدری از ایمان و رشادت و اخلاص سرشار بودند که به تعبیر بلند امام علی (علیه السلام) مرگ را «شیرین‌تر از عسل» می‌دانستند. وصایای شهدا تنها به انگیزه توصیه شرعی نوشته نشده‌اند. وصایای شهدا دفتر معرفت و ایمان و اخلاص دلاور مردانی است که صرفاً برای آزادسازی نقطه یا ناحیه‌ای از ایران به استقبال مرگ نمی‌رفتند. در درجه اول رضای خدا و خشنودی امام عصر (عج الله) و اطاعت از ولی‌امر مسلمین امام خمینی (علیه السلام) انگیزه حضورشان در جبهه‌ها بوده است. در حالت عادی هم هر مسلمان موظف است برای فردای خود وصیت‌نامه‌ای داشته باشد. وصایای شهدا از لون و صبغه و رنگ دیگری است. وصایای شهدا دانشنامه سلوک و معرفت و عرفان حماسی است. شاید فقط در برخی از دوره‌هایی از تاریخ بتوان چنین شرایطی فراهم آید تا چنین مردانی پای در میدان رشادت و غیرت و آزادگی بگذارند. بی‌تردید وقتی خداوند سبحان از بندگانی اخلاص و پاکی و صداقت ببیند، عنایت خاص خود را برای الهی شدن یک امت شامل می‌گرداند.

اسناد شهدا به خصوص وصایای آنان نمایانگر ظرفیت و میزان معرفت آنان از اسلام و ولایت است. وصایا سندی است برای انتقال تجارب ارزشمند دفاعی نسلی که در واقع تمام قد در برابر استکبار جهانی و اذنانب و اقمارش ایستاده و از کیان عقیدتی خویش دفاع کرده است. محتوی این وصایا پاسخی است به چرایی جنگ. با همین اسناد معتبر می‌توان از حقانیت و مظلومیت جمهوری اسلامی ایران در مجامع بین‌المللی دفاع کرد.

هر وصیت‌نامه مدرک معتبری است برای معرفی و شناخت دقیق رزمندگان. به خصوص که این وصایا در شرایطی نوشته شده‌اند که افراد از همه قیود و تعلقات دنیوی رها شده و انگیزه ناب و ایمان زلال و معنوی آنان در وصایایشان متجلی است. این وصایا آینه عبرت و آگاهی ملتی است که جوانان آن در مسیر تاریخ و خمگردهای راه پر پیچ و خم زندگی حماسه آفرینند. این وصایا می‌تواند از ایجاد شکاف نسلی و فکری بین دیروز و فردای ما ممانعت کند. بی‌تردید نسل‌های کنجکاو و پیچیده بعد، نسل‌های پرسشگر را می‌توان با وجود این وصایا در برابر «چرا جنگ» متقاعد کرد.

## اعتبار اسنادی

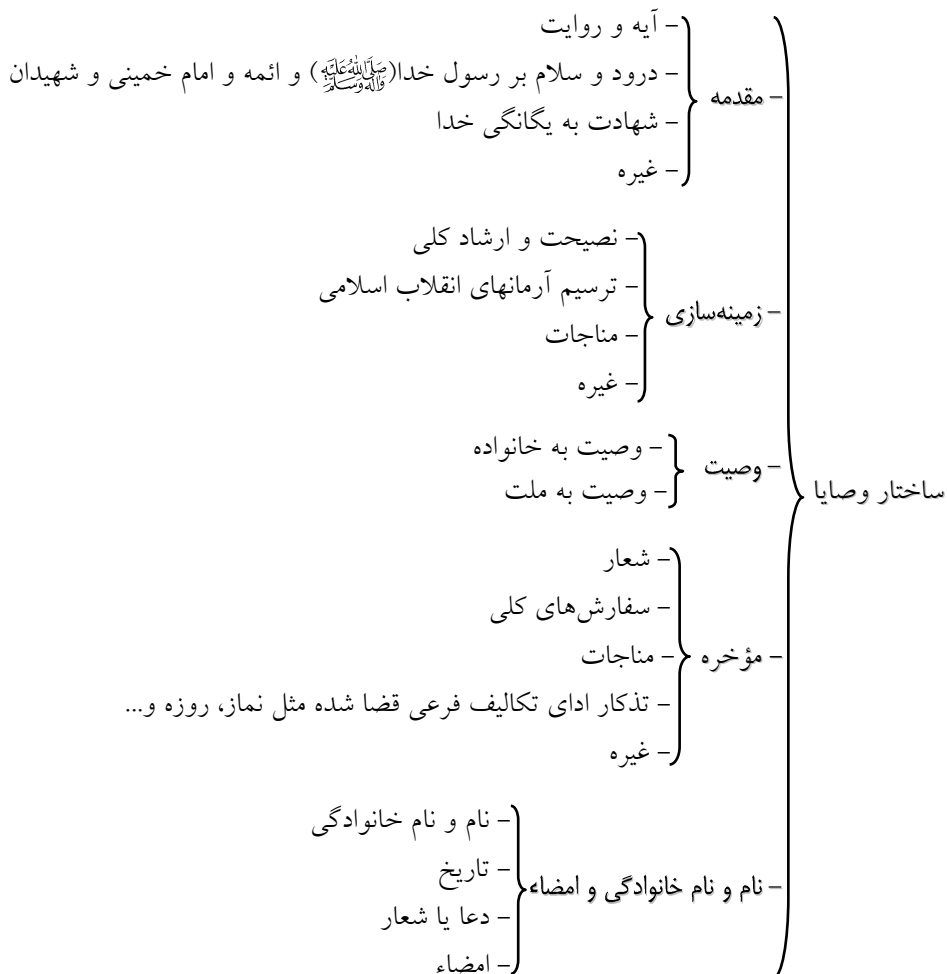
وصیت‌نامه شهدا، ابتدا به لحاظ سندی مورد بررسی قرار گرفته و فرآیند مستند سازی را

طی می کند و همچنین اطلاعات پایه ای آنها از مراکز ذربط بنیاد شهید و امور ایثارگران دریافت می شود تا اصل معتبر بودن اسناد و اطلاعات در تدوین کتاب رعایت شود. اصل اصالت و احترام به منشا سند و رعایت حفظ نظم و ترتیب اولیه توجه به اهمیت و ارزش معنوی اسناد از دیگر اصول آرشیویی است که می بایست دقیقاً رعایت شود. در تصحیح متون خطی و اسناد پژوهشگر مجاز به تغییر یا دست بردن در اصل سند حتی با توجیه اصلاح نیست. به دیگر سخن، دست بردن در اصل اسناد آن را خدشه دار می کند و از اعتبار ساقط می سازد. یقیناً در نسخه بازنویسی و تایپ شده و منقح تا آنجا که به روح کلی و اصالت عبارت‌ها لطمه وارد نشود می توان با توجه به روش‌های علمی و ویراستاری بر روی اسناد انجام داد. رعایت امانت و توضیح در پانویس هر صفحه ضروری است. در اکثر وصایا امکان مقایسه و تطبیق چند نسخه از یک متن وجود ندارد، زیرا وصیت‌نامه در یک نسخه نوشته شده، به دیگر زبان مصحح، با تصحیح یک سند تک نسخه‌ای روبروست.

تصحیح تک نسخه ای کاری سهل و ممتنع است. سهل است چون مصحح موظف نیست در تصحیح، پنج یا ده نسخه را که در زمان‌های متفاوت و با خطوط مختلف تحریر شده است، با یکدیگر مقایسه و با شم و تجربه و تخصص، نسخه اصلی را معین و سایر نسخه‌ها را با نسخه اصلی یا مادر مقایسه کند، ممتنع است زیرا بعضاً از شهید، هیچ اثر دیگری وجود ندارد که با بررسی و مقایسه ساختار نگارش، جمله‌بندی، نوع قلم، کاغذ و نگارش عصری و سبکی بر مبنای تصحیح قیاسی، اصلاحات لازم را اعمال نماید یا بر مبنای اصل استحسان، در مواردی گمانه‌زنی‌ها یا کنار هم گذاشتن مشابهت‌های تحریری و خطی یا نوع قلم، مصحح را کمک کند تا به اصالت یکی از نسخه‌ها یقین کند.

## ساختار وصایای شهدا

وصایای شهدا در کلی‌ترین سطح از الگوی معینی پیروی می‌کند که در نمودار زیر به خلاصه ترسیم شده است:



الگوی کلی وصایای شهدا که عناصر آن در اکثر وصایا تکرار شده است، الگوی فوق است. البته این الگو در وصایای مختلف، گاه تفاوت می‌کند و گاه نیز در موارد معدودی از این الگو پیروی نشده است و حتی در مواردی عناصر ذکر شده، ترتیبی متفاوت از نمودار

را دارند، اما اصولاً در مطالعات علمی، وجه غالب در نظر گرفته می‌شود و وجه غالب در الگوی وصایای شهدا همین است که ترسیم شد. نکاتی که باید در باب این ساختار و الگوی کلی گفت این که بعضی از عناصر این ساختار ممکن است مفصل یا مختصرتر از دیگر قسمت‌ها باشد و این در وصایا تفاوت دارد. گاه مقدمه‌ای مفصل و مؤخره‌ای یا وصیتی مجمل و گاه در وصیتی تمام عناصر وصایا وجود دارد و در وصیتی دیگر فقط چند عنصر به چشم می‌خورد.

### ویژگی‌های کلی وصایا

این وصایا چون با خط خود شهیدان نوشته شده و پشتوانه روح بلند و نفس گرم و مسیحیایی و مطهر شهیدان را دارد جان‌های شیفته را با خود همراه می‌سازد. چاپ این وصایا در واقع انتشار و ترویج فرهنگ شهادت است، ترسیم خط روشنی است در برابر نسل‌های در راه، به دیگر زبان نقشه راه است برای آنان که در خم‌خام و پیچ‌پیچ دنیا سرگردانند، چراغ هدایت است از وادی دنیا تا سرای آخرت.

نویسندگان این وصایای ارزشمند از سطوح علمی و معرفتی و تحصیلی متفاوتی برخوردار بوده‌اند. برخی حتی از نعمت تحصیل رسمی محروم بوده‌اند، در حالی که در جایگاه معرفتی بالایی نشسته بودند. یقیناً تنوع وصایا از جهت ظاهر و نوع خط و عبارت پردازی و ادبیات، گویای تکرر اقشار مختلف جامعه در دفاع مقدس است. از دل این وصایا به‌خوبی می‌توان دفاع مقدس را یک دفاع مردمی و مسئله ملی و فراگیر دانست. این وصایا آینه‌ای است از حضور اقشار شهری و روستایی، دانشگاهی، بازاری، روحانی، کشاورز، کارگر، دانشجو، معلم و صنوف دیگر از اقشار جامعه. بسیاری از شهدا به‌قدری در جمال حضرت دوست غرق بودند که حتی وصیت نوشتن را نوعی تعلق دنیوی می‌دانستند، و البته بسیاری از وصایا در شرایط خاص جنگی و حملات و عوارض طبیعی جنگ از دست رفته است. بسیاری از وصایا به خط خود شهید قبل از شهادت با ذکر دقیق تاریخ و روز و بعضاً ساعت معینی قلمی شده است. برخی از شهدا چون از نعمت نوشتن محروم بوده‌اند از هم‌زمان و دوستان خود برای نوشتن وصیت‌نامه کمک گرفته‌اند. در مواردی چنین برمی‌آید که برخی از رزمندگان با وجود توان نوشتن از دیگران تقلید کرده‌اند. چنین

برمی‌آید که برخی از رزمندگان در سنگر مشترک در فراغ بال و فرصت مناسب وصیت‌نامه نوشته و از وصایای یکدیگر باخبر بوده‌اند. برخی در دفترچه یادداشت این وصیت‌نامه‌ها را می‌نوشتند. برخی در برگه‌های مخصوص وصیت‌نامه، وصایا را قلمی کرده‌اند. برخی در شرایط خاص جنگی و در تنگنای زمان به این مهم دست زده‌اند، حتی فرصت تکمیل وصیت را نداشته و کلی و عام سخن رانده‌اند. برخی با حوصله با ذکر مقدمه و حتی آمیخته با نوعی تحلیل از جنگ و منطقه و اوضاع سیاسی اجتماعی ایران و کشورهای منطقه و شهر و محل خدمتشان بیان فلسفه حضور در جبهه‌ها و نقش عوامل داخلی و ستون پنجم استکبار در کشور حرف زده‌اند. برخی وصایای عمومی و سیاسی را از وصایای شخصی و خانوادگی جدا کرده‌اند. برخی ریزترین مسئله شخصی را یادآور شده‌اند. از جمله نقاط مشترک این وصایا که فلسفه وجودی جنگ و نوع اعتقاد رزمندگان را روشن می‌کند، تعهد به تکالیف شرعی است. از جمله اینکه چند روزی روزه و نماز قضا دارند که از بازماندگان خواسته‌اند ادا شود. برخی وصایا در چند نسخه و خط موجود است. برای مثال اصل دستخط شهید موجود است. پس از شهادت عین همان نوشته بدون کم و کاست از سوی مراکز فرهنگی نهادها و ارگان‌ها اعم از سپاه و بسیج یا بنیاد شهید و حتی واحد تعاون سپاه و ارتش تایپ شده و تصویری هم از شهید کنار وصیت قرار گرفته و حتی جمله‌ای از امام خمینی (علیه السلام) یا حدیثی از ائمه (ع) بر پیشانی برگه قرار گرفته است.

برخی از وصایا را در بازنویسی، خلاصه کرده‌اند. در مواردی عین وصیت‌نامه شهید با خط خوش و شیوا، بازنویسی شده است و اغلاط احتمالی و سهوی وصایا نیز رفع شده است. در مواردی تمام وصیت شهید در اختیار نیست از آن چند سطر یا بعضاً صفحه‌ای افتاده است. در مواردی در تایپ مجدد اغلاطی دیده می‌شود که یقیناً با اصل نسخه مغایر است. این اغلاط می‌تواند اغلاط تایپی باشد. به خصوص که بسیاری از این وصایا در شرایط اضطراری تایپ شده و کسی با دقت و حوصله به تطبیق نسخه و نمونه تایپی با دست‌نویس نپرداخته است. در مواردی شهید قبل از اعزام به جبهه وصیت خود را با زبان خود بازگو کرده و در نواری از خود به یادگار گذاشته، پس از شهادت، از نوار پیاده شده است. چه بسا در حین خواندن، جمله یا کلمه یا عبارتی را نتوانسته بخوانند یا اشتباه خوانده‌اند. در مواردی هم اصل اغلاط املائی در خود وصیت‌نامه بوده و در تایپ هم همان

موارد تکرار شده است. در مواردی هم فقط نسخه تاییبی از وصیت‌نامه در اختیار است حتی بدون امضای شهید. نمونه‌هایی هم موجود است که نسخه خطاطی شده از وصیت باقی مانده است. در اندک موارد انگشت‌شمار هم، به نسخه وصیت‌نامه مطالبی اضافه شده است که با توجه به تطبیق خط و نوع قلم وصیت‌نامه برمی‌آید که توسط خود شهید اضافاتی صورت گرفته، دلایل این کار می‌تواند فاصله نوشتن وصیت و شهادت باشد. یعنی شهیدی به کرات به جبهه اعزام شده و شرایط خانوادگی یا سیاسی تغییر کرده و شهید به بازنویسی یا به روز کردن وصایا پرداخته است. در محدود وصایایی هم افراد دیگری در اصل وصایا مطالبی را اضافه یا خط کشیده‌اند. بعضی از شهدا دارای وصایای متعدد حتی تا سقف ۹ مورد هم هستند، که در تاریخ‌های گوناگون و اعزام‌های متعدد نوشته‌اند. طبیعی است که سیاق و عبارات‌های برخی از وصایا مشابه و در قسمت‌هایی یکسان باشد. می‌تواند در مواردی شباهت‌های دو وصیت‌نامه از دو رزمنده در اثر توارد باشد. بدون اینکه حتی در عمرشان یکدیگر را دیده باشند، یا از وصایای همدیگر باخبر باشند. این شباهت‌ها می‌تواند در اثر شرایط خاص و سطح دانش یکسان و یا مشابهت کلاس‌های آموزش عقیدتی یا معارف یا فعالیت‌های فرهنگی تبلیغی قبل از اعزام فراهم آید. رشته تحصیلی، پیشینه مطالعاتی و ذوق ادبی و مطالعه و علاقه برخی را به‌خوبی می‌توان از نوع نگارش، فحوای کلام و سبک عبارت‌پردازی آنان دریافت. حتی می‌توان از دیدی کلی وصایا را به دو نوع سنتی و غیر سنتی تقسیم کرد. در نوشتن وصایا و نوع نگارش و عبارات‌ها و جمله‌بندی آنها تفاوت‌هایی محسوس است. برخی با زبان گفتار و محاوره‌ای مطالب را نوشته و برخی با زبان ادبی با رعایت کامل اصول نگارش و حتی نثر مسجع و آهنگین و شعرگونه. برخی از ذوق شعری و حافظه بسیار قوی برخوردار بوده‌اند. برخی از شهدا در وصیت‌نامه هم از آثار و کتاب‌هایی که مطالعه کرده‌اند، تأثیر پذیرفته حتی به نقل عبارات‌ها و جمله‌های معروف از یک نویسنده پرداخته‌اند. بی‌تردید دقت و تأثیری که کلام و سخنان حضرت امام(ره) بر آنان داشته در اکثر وصایا مشهود است. عبارات‌ها و کلمات قصار امام را در حافظه داشته و حرف‌ها و نصایح خود را با عبارات‌ها و توصیه‌های امام مزین و مستند کرده‌اند. روح حماسی و سلحشوری که لازمه این گونه افراد است حتی در وصیت‌نامه‌هایشان نیز ریشه دوانده و متجلی است. عطش و شوقی که به شهادت داشته‌اند،

نقطه اشتراک همه آنان است. عواطف انسانی نسبت به اقوام و خانواده و حتی همشهری‌ها و هموطنان از خصلت متعالی انسانی آنان خیر می‌دهد.

چون برخی از شهیدان احتمال می‌دادند که وصایا و دست نوشته آنان در اختیار دشمن قرار گیرد با دقت خاص امنیتی و با کنایه از منطقه عملیاتی یاد کرده‌اند. این تعهد و احساس مسئولیت آنها قابل تحسین است.

از آنجا که در این مجموعه مأموریت ما تحلیل و نقد وصایای شهدا نیست، از وصیت‌نامه در اختیار، مهم‌ترین عبارت‌ها و نکات استخراج، و با عنوان «عبارت‌های کلیدی» در جمله‌های کوتاه آورده شده است. بی‌تردید پس از چاپ این آثار گنجینه‌ای بسیار غنی و عبرت‌آموز در اختیار همگان است. در آن صورت می‌توان پایان‌نامه‌های متعددی را به بررسی و تحلیل وصایا و حتی به ترسیم و بازشناخت شخصیت شهیدان اختصاص داد و فرصت خوبی است که این آثار از زوایای گوناگون تحلیل شوند. معمولاً آنچه با عنوان عبارت‌های کلیدی از وصایا استخراج می‌شود بین ۵ تا ۱۰ عبارت است. شاید تنها کاری که روی نسخه اصلی وصایا شده و به نوعی اصالت بخشی بدانان است. سعی شده تمام اعداد و نوشته‌هایی که پس از شهادت به وصایا اضافه شده پاک شود از جمله برخی در شرایط خاص و یقیناً شناختی که از شهید داشته‌اند مسائلی را در حاشیه وصیت‌نامه آورده که معلوم است پس از شهادت صورت پذیرفته.

در برخی از وصایا ذیل عبارت‌ها و جملاتی از وصایا خط کشیده شده که در خلاصه‌سازی یا مناسبت نکوداشت شهید، فزازهایی از وصیت آن را به اطلاع عموم برسانند به همین دلیل در اصلاح و منقح‌سازی، این خطوط را هم برداشته‌ایم تا به اصالت وصیت‌نامه شهید نزدیک‌تر شویم.

هرگونه یادداشت اضافی از وصایا پاک شده است. مثلاً ذیل برخی وصایا نوشته شده این وصیت از سوی واحد فرهنگی بنیاد شهید تایپ و تکثیر شده است یا اطلاعات یا نحوه ارسال وصیت‌نامه از سوی نهاد اعزامی اضافه شده یا از برخی وصایا فیش‌برداری شده یا خلاصه‌سازی صورت پذیرفته است که یقیناً خارج از وصیت‌نامه تلقی می‌گردد. از مهم‌ترین کارهایی که در تصحیح و آماده‌سازی وصایا صورت پذیرفته عبارتند از:

- ۱- در حد امکان سعی شده همه وصایا با آیه شریفه «بسم الله الرحمن الرحيم» شروع شوند.
- ۲- آیات و احادیثی که در متن وصیت‌نامه موجود است از جهت نام سوره یا رقم آیه یا آیات مشخص شده است.
- ۳- در عبارت‌هایی که افتادگی کلمه به‌خصوص حروف ربط یا فعل صورت گرفته با حفظ امانت، واژه اصلاحی داخل [] آورده شده است.
- ۴- در موارد بسیار خاص که تکرار واژه به‌خصوص حروف ربط و اضافه عبارت را از اعتبار یا فصاحت می‌اندازد واژه یا حرف تکراری داخل [] آورده شده است.
- ۵- در پیوسته یا مجزائوی عبارتها یا ترکیب‌ها جهت کلی به شیوه فرهنگستان زبان و ادب فارسی است. در مواردی که پیوسته‌نویسی موجب غلط خوانی نشده است، اصل بر شیوه نگارش شهید قرار دارد.
- ۶- کلیه اغلاط تایپی یا ارقام اشتباه و شماره‌های آیات با ذکر اصل کلمه، در پانویس اصلاح شده است.
- ۷- در مواردی که خواندن کلمه یا عبارتی مشکل بوده روی نسخه تایپی بالای کلمه یا عبارت شماره‌گذاری شده و در پانویس با عنوان «خوانا نیست» آمده است.
- ۸- هر جا که شهید کلمه الله را به‌صورت «...» آورده، کلمه مقدس الله جایگزین شده است.
- ۹- هر جا که کلمه یا عبارتی خوانا نبوده اعم از اینکه واژه یا واژه‌هایی ذیل با عنوان آرم «مرکز اسناد ایثارگران» یا به‌جهت نوع خط، رطوبت، حتی تاشدگی و یا رنگ پدیدگی صورت پذیرفته با قرار دادن [...] مشکل را یادآور شده یا در پانویس «خوانا نیست» آمده است.
- ۱۰- آنجا که در عبارتی به ترجمه آیه قرآن یا حدیث مبارک یا به سخنان شاخص حضرت امام اشاره داشته، از منابع معتبر و مراجع مستند، گویا سازی شده است.
- ۱۱- در مواردی که عبارت دست‌نوشته شهید، عین جمله امام خمینی (علیه السلام) نیست بلکه اقتباس از سخن امام، است در پانویس با ذکر عدد عین عبارت یا سخنان امام خمینی (علیه السلام) آورده شده است.



۱۲- در مواردی شهید آیه یا حدیثی را بکار برده اما چون از حافظه کمک گرفته یا در شرایط سخت جنگی بوده رقم آیه و حتی نام سوره را به جهت شباهت آیات، اشتباه نوشته، در پانویس صحیح آن آمده است.

۱۳- در وصایایی که اشعاری به خط شهید یا بعضاً تاییبی آمده، سعی شده است با ذکر دقیق منبع، شاعر معرفی گردد.

۱۴- برخی از اشعار که به صورت نوحه یا اشعار مدحی است و معلوم نیست واقعاً سراینده خود شهید است یا فرد دیگر به نوشته شهید اعتماد شده است.

۱۵- در تنظیم وصایایی که متعددند اصل بر آن است که ترتیب تاریخی آنها رعایت شود.

۱۶- عبارات‌های کلیدی را حتی الامکان از آخرین وصیت شهید برگرفته‌ایم و در تنظیم به جز وصیت اول در آغاز هر یک عبارت «وصیت دیگر» آمده است.

۱۷- خود را موظف دانسته مجموعه اطلاعات کلی اعم از اطلاعات پایه‌ای شهید، تصویر و عبارات‌های کلیدی را در یک صفحه جای دهیم.

۱۸- اصل بر این است که پس از ذکر نام مبارک ائمه هدی، حضرت ختمی مرتبت در صورتی که خود شهید حروف (ع، ص، س) را آورده به همان حروف و علائم اختصاری بسنده شود و در سایر موارد (ﷺ) برای رسول اکرم، (علیه السلام) برای ائمه (علیهم السلام) برای حضرت زهرا و حضرت زینب در نظر گرفته شده است. در صورتی که شهید صراحتاً از ذکر نام پیامبر یا ائمه خودداری کرده باشد مثلاً نوشته پیامبر اکرم، رسول اکرم یا امام زمان یا امام عصر (عج) به همان صورت دست نوشته اکتفا شده است.

۱۹- معیار مجلدات موجود بیش از یکصد و پنجاه وصیت‌نامه است البته در صورتی که در جلد آخر تعداد وصایا به حدی باشد که قطر یک جلد از حد معمول اضافه نشود، می‌توان تعداد باقی‌مانده را به عدد مذکور اضافه کرد.

۲۰- اگر پس از چاپ نخست وصایا، وصیت‌نامه‌ای از سوی بنیاد شهید استان و اداره کل اسناد و انتشارات مرکز تأیید شود می‌توان در چاپ‌های بعد آنها را لحاظ کرد. یا اگر پس از چاپ کل وصایای یک استان اطلاعات جدید برسد در کتابی با شماره ممیز آخرین کتاب استان شماره‌گذاری و منتشر می‌شود.

۲۱- اینک که بین تاریخ شهادت این عزیزان و ما که چشم‌مان به جمال وصایایشان منور می‌گردد، بیش از سی سال فاصله است، نسل امروز حتی توفیق دیدار افراد و بزرگانی چون شهید رجایی، شهید بهشتی، شهید باهنر، شهید دستغیب، شهید مطهری را نداشته با ذکر عدد به پانویس ارجاع شده است. در تعلیقات معرفی کوتاهی از شهیدان شاخص را آورده‌ایم تا انگیزه‌ای باشد برای مطالعه دقیق زندگی و آثار و اندیشه‌ها و نقش و جایگاه آنان در انقلاب و نزد حضرت امام. برخی از مناطق جنگی را که در وصیت بدان اشاره شده به اختصار معرفی کرده‌ایم. همه این گویا سازی‌ها برای دفع سوال مقدری است که به جهت فاصله نسلی فراهم می‌آید و امری طبیعی تلقی می‌گردد.

۲۲- از آنجا که تکرار مطالب پانویس خارج از عرف علمی تصحیح و تعلیقه‌نویسی است به جز عبارت‌های خاص و اشکال‌های تاپپی و اغلاط املایی، سایر موارد به ذکر ر.ک. تعلیقات به پایان کتاب قسمت تعلیقات ارجاع شده است.

۲۳- در وصایایی که در فرم‌های چاپی در اختیار شهدا گذاشته شده، تمام متن وصایا را مورد تأیید شهید می‌دانیم و همه وصایا که مجدداً تایپ شده بدان شهید اختصاص می‌یابد.

۲۴- وصایای تاپپی همگی از سوی اداره کل اسناد و انتشارات مهر شده و برای ما ملاک اعتبار وصایاست. این وصایا از سوی واحدهای فرهنگی نهادها، سازمان‌ها و ارگان‌های مرتبط از روی نسخه اصلی دست‌نویس و یا تایپ شده است. در مواردی که نسخه اصلی و دست‌نویس شهید وجود ندارد، به نسخه تاپپی ممه‌ور، استناد شده است.

۲۵- از برخی وصایایی که از شهیدان معزز استان ایلام و حتی سایر استان‌ها بجای مانده فقط نسخه تایپ شده در اختیار است. البته این نسخه از وصایا از سوی اداره کل بنیاد شهید استان ایلام تأیید شده است. این موضوع را باید مسبق به دلایل و شرایطی دانست. احتمال دارد نسخه اصلی وصیت‌نامه را پس از تایپ به خانواده مکرّم شهید برگردانده باشند، یا خود خانواده شهید بجای تحویل نسخه دست‌نویس وصایا آن را تایپ کرده و نسخه تاپپی را در مراحل تکمیل پرونده به بنیاد شهید استان یا شهرستان تحویل داده باشند. برخی از خانواده‌های محترم شهدا دست نوشته فرزندشان را به‌عنوان یادگاری ارزشمند از شهید نزد خود نگه داشته‌اند. احتمال می‌رود پس از باز کردن

پاکی که در آن وصیت‌نامه شهید بوده، برای مراسم ختم یا چهلم یا حتی سالگرد، نسخه تایپی وصیت‌نامه را برای مطالعه دیگران آماده کرده و در مجلس ختم یا سایر مراسم مثلاً نماز جمعه یا دعای کمیل و یا مجالس قرائت قرآن، بین حاضران توزیع کرده‌اند. چه بسا متأسفانه اینک اصل دست‌نوشته هم در اختیار نباشد. اما از آنجا که از طرف بنیاد شهید استان و خانواده مکرم شهیدان مستند بودن متن وصیت مورد تأیید قرار گرفته، به گویاسازی وصیت‌نامه پرداخته و از قرار دادن مجدد نسخه تایپی که در موارد متعدد هم بصورت تایپ‌های موسوم به IBM (شیوه قدیم تایپ‌های ملخی و نه دیجیتالی هستند) خودداری شده است. این نکته را طرح کردیم که پس از چاپ کتاب سؤال نشود، چرا از قراردادن نسخه دست‌نویس وصایا خودداری شده است.

آنچه در خاتمه در باب این کتاب باید به آن اشاره کرد این است که مصحح در این مجموعه به امر تصحیح یکصد و سیزده وصیت‌نامه از وصایای شهدای استان ایلام اقدام کرده‌است و از آنجا که وصایای شهدا برحسب حروف الفبا تنظیم شده، این مجموعه مجلد اول وصیت‌نامه‌ی ثبت شده شهدای این استان را دربرمی‌گیرد، کل وصایای شهدای این استان در چهار مجلد فراهم آمده و در مجلد چهارم نمایه‌های چهار مجلد درج شده و در اختیار خوانندگان و پژوهشگران قرار گرفته است.

### معرفی کوتاه از استان ایلام

استان ایلام با مساحتی به وسعت ۱۹۰۴۴ کیلومترمربع حدود ۱/۲ درصد از مساحت کل کشور و ارتفاع آن از سطح دریا در بلندترین نقطه ۱۱۷۴ متر است. جمعیت کل استان بالغ بر ۵۶۶۳۳۲ متر است. این استان از شمال به استان کرمانشاه، از غرب به کشور عراق، از جنوب به استان خوزستان و عراق و از شرق به استان لرستان محدود است. براساس آخرین تقسیمات کشوری ایلام دارای ۸ شهرستان، نوزده شهر، نوزده بخش، سی و نه دهستان و ۷۵۳ آبادی است.

شهرستان‌های استان ایلام عبارتند از: ایلام، مهران، دهلران، دره‌شهر، شیروان و چرداول، ایوان، آبدانان و ملکشاهی.

اول مرز مشترک استان ایلام با کشور عراق ۴۲۵ کیلومتر است که بدین منظور براساس تقسیمات سیاسی و بین‌المللی دارای طولانی‌ترین مرز خشکی با کشور عراق است. استان ایلام دارای بقاع متبرکه و اماکن زیارتی متعددی است. از آن جمله‌اند: بقعه امامزاده علی صالح (علیه‌السلام) که به خاصّ علی معروف و از نوادگان حضرت سجاد (علیه‌السلام) است. این بقعه در ۳۵ کیلومتری جنوب شهر ایلام در صالح‌آباد است. امامزاده سیدحسن واقع در جنوب شرقی شهر مهران، امامزاده سیدابراهیم، امامزاده سید ناصرالدین از نوادگان امام موسی کاظم (علیه‌السلام) در روستای علی‌آباد از توابع زرین‌آباد است.

شهرستان ایلام به‌عنوان مرکز استان با جمعیتی بالغ بر ۲۰۷۰۳۰ نفر از جمله شهرهای تاریخی منطقه محسوب می‌گردد. شهرستان ایلام در دامنه کوه‌های شلم، انار، سیران و سیاه‌کوه واقع شده است. از دیرباز جایگاه تمدن و تاریخ ایلامی بوده است. این استان از جمله مناطقی است که بلافاصله پس از پیروزی انقلاب اسلامی مورد تعرضات و اختلافات مرزی از سوی حکومت عراق قرار گرفت. هنوز یکماه از شروع جنگ نگذشته بود که دشمن بعثی با حمله به ارتفاعات میمک بخش‌هایی از منطقه را اشغال و به تصرف خود درآورد. این استان، با بیش از ۴۲۵ کیلومتر مرز مشترک زمینی با عراق همواره در برابر سختی‌ها و مشکلات جنگ، مقاومت سلحشورانه‌ای از خویش نشان داد. مناطقی چون: مهران، چنگوله، چیلات، دهلران، موسیان، فکه و حوزه نفتی بیات از سوی دشمن متجاوز اشغال شد. در اهمیت و نقش و جایگاه این استان در دفاع مقدس همین بس که عملیات ضربت ذوالفقار، عاشورا، نصر ۲، نصر ۶، فتح‌المبین، محرم، والفجر ۱، والفجر ۶، عاشورای ۳، قدس ۳، ظفر ۴، شرفانی، والفجر ۳، والفجر ۵، عاشورای ۲، کربلای ۱. در این استان و برای آزادسازی مناطق اشغال شده این استان از دست نیروهای عراقی صورت پذیرفت. تقریباً تمام نقاط حساس این استان جزء مناطق فعال عملیاتی به حساب می‌آیند. حتی مناطقی که از این استان توسط منافقین اشغال شد از تمامی استانهای جنگی بیشتر است. حماسه‌هایی که از سوی دلاورمردانی چون شهید شیرودی و شهید کشوری و شهید دستواره و سهیلی، شهید خرازی و شهید صیاد شیرازی و شهید همت، شهید غلامرضا صالحی و نیروهای ناصح تحت امرشان اعم از لشکر ۲۷ محمد رسول... و لشکر ۱۱ امیرالمؤمنین و لشکر ۲۱ پیاده حمزه و ۷۷ خراسان و تیپ ۸۴ پیاده خرم‌آباد و تیپ ۴ لشکر

۲۱ حمزه کوثری، لشکر ۷ ولیعصر، تیپ ۱ لشکر ۸۱ زرهی کرمانشاه و هوانیروز ارتش و نیروهای سپاهی و بسیج عشایری، تیپ ۳۷ زرهی شیراز، تیپ ۲، لشکر ۹۲ زرهی اهواز ایلام، حماسه جاوید و تاریخی رقم خورد. نیروهای عشایر استان که تاریخی دیرپای دارند، در دوران دفاع مقدس، نخست به صورت مردمی و بعدها با سازماندهی بسیج تحت عنوان بسیج عشایر انصافاً رشادتها و دلاوری‌های چشمگیری از خویش نشان دادند. نیروهای مردمی استان ایلام از جهت مقاومت سرآمد بودند، هرگز حاضر به ترک استان و یا شهرستانشان نشدند تا آنجا که وقتی منطقه‌ای از این استان اشغال می‌شد، در حوالی و حواشی شهر یا منطقه اشغال شده چادر می‌زدند، پس از دزفول بیشترین حملات موشکی در دوران دفاع مقدس به استان ایلام صورت پذیرفته است و اما در تمجید و تعریف و تحسین از مقاومت مردم استان ایلام و عشایر و ایلات بر مبنای ختامه مسک، سخنان مقام معظم رهبری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای را می‌آوریم در تاریخ ۱۳۶۸/۱/۱۶ در شهر ایلام در جمع مردم بیان فرمودند: «واقعاً جای تحسین و تقدیر هم بوده و هست، در طول ۸ سال، مردم استان و عشایر و ایلات غیور و سلحشور این استان هم در میدان‌های مبارزه شرکت کرده‌اند و با حضور خودشان میدان نبرد را کیفیت بخشیدند و دشمن را سرنگون کردند و هم به عنوان شهروندانی که حفظ شهر و امنیت شهر و نظم شهر بر عهده آنهاست، به بهترین شکلی عمل کردند و مردم این استان به عنوان آواره جنگی در هیچ استان دیگری تحمیل نشده‌اند و در خانه خود و در شهر خود و در منطقه خود ماندند از انقلابشان، از مرزهایشان، از نظام جمهوری اسلامی‌شان دفاع کردند و امروز بحمدالله ما می‌توانیم ادعا کنیم که مردم ایلام یکی از روسپیدترین و پرافتخارترین مردم برای کشور در طول ۸ سال جنگ تحمیلی هستند.

### منابع:

- ایل من ایلام، بررسی جامع تاریخ، جغرافیا، تمدن و فرهنگ استان ایلام، صید محمد درخشنده، انتشارات زانا، چاپ دوم، سال ۱۳۹۰، ایلام.





نام: یحیی  
نام خانوادگی: آبانگاه  
نام پدر: محمد  
نام مادر: هاجر  
تاریخ تولد: بیستم شهریور 1343  
محل تولد: روستای بسطام آباد از توابع شهرستان  
دره شهر  
تحصیلات: اول راهنمایی  
ارگان اعزام کننده: سپاه  
تاریخ شهادت: بیست و ششم دی 1365  
محل شهادت: شلمچه  
نحوه شهادت: اصابت ترکش  
مزار: گلزار شهرستان زادگاهش



## عبارت‌های کلیدی

- ا اگر شهادت نصیب من شد بزرگترین افتخاری است برای من و شما.
- ا نگذارید خون ما اگر شهادت نصیب شد، هدر رود.
- ا سپاس بی کران به درگاه خدا که بر من منت نهاده و راه راست را نشانم داد.
- ا در دعاهایتان امام زمان را از یاد نبرید. من مطمئن هستم روزی نور اسلام بر سرتاسر جهان پرتو افکن خواهد شد.
- ا خواهر مسلمانم تو نیز زینب زمان باش.
- ا ای برادران عزیزم راه خدا بهترین راه است.



## یحیی آبانگاه

## بسم الله الرحمن الرحيم

وصیت‌نامه شهید یحیی آبانگاه

در مورخه 15/10/64

من برای چندین بار برای خود وظیفه شرعی و اسلامی دانستم به جبهه حق علیه باطل بیایم و با دشمنان اسلام بجنگم اکنون که حسین زمان ندای «هل من ناصر ینصرنی»<sup>1</sup> سر داده و باید از جان و مال و فرزند دختر کوچولویم<sup>2</sup> و زن و مادر عزیزم و پدرم و برادرانم و خواهرانم بگذرم و به کمک او شتافت تا بتوانم<sup>3</sup> اسلام را کمک کنم. پدر و مادرم اکنون اگر شهادت نصیب من شد بزرگترین افتخاری است برای من و شما، که چنین پسری را بزرگ کرده و در راه اسلام قربانی داده‌اید و به برادران از من بزرگتر بگویید، که در خط اسلام باشید، که این خط، امت مستضعفان را بر مشرکان پیروز خواهد کرد. پدر و مادر و برادرانم و خواهرانم شما باید شاد و خرم باشید و افتخار کنید، چون من از امامان هم چون علی اکبر<sup>4</sup> (7) بهتر نیستم و نگذارید خون ما اگر شهادت نصیب شد، هدر رود و به برادرانم خواهش می‌کنم بعد از شهادت من منافقین<sup>5</sup> و گروهک‌ها چپی‌ها<sup>6</sup> را سرکوب کنند. سپاس بی‌کران به درگاه خدا که بر من منت نهاده و راه راست را نشانم داد و رحمت خدا به شیر پاک مادرم و قدردانی از پدرم، که توانست پسری بزرگ کند و به اسلام قربانی بدهد. انشاءالله ای پدر ارجمندم، مرا حلال کن و در دعاهایتان امام زمان را از یاد نبرید. من مطمئن هستم روزی نور اسلام بر سرتاسر جهان پرتو افکن خواهد شد. باری مادر مهربان و عزیزم، سلام مرا بپذیر، حلالم کن و خواهر مسلمانم تو نیز زینب زمان باش و در راه

1- ر.ک. تعلیقات.

2- در اصل وصیت «کوچولو».

3- در اصل وصیت «به‌توانم».

4- ر.ک. تعلیقات.

5- ر.ک. تعلیقات.

6- ر.ک. تعلیقات.

خدا مبارزه کن. هم چون همسرم. ای برادران عزیزم راه خدا بهترین راههاست. از بچه کوچکم که دختری است حمایت ورزید و با رفتن من این چند کلمه [را] با یکی از برادران رزمنده [...] <sup>1</sup> چون در جایی <sup>2</sup> بودم <sup>3</sup> که دسترسی به کاغذ نداشتم، مجبور بودم که پشت نامه که برادران چند ماه پیش مرا معرفی کرده بودند - این چند جمله که اگر خداوند بزرگ قبول کند - این عقیده را، نوشتم با همکاری یکی از برادران رزمنده همسنگرم.

«والسلام»<sup>4</sup>

خدایا خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگهدار.<sup>5</sup>

---

1- خوانا نیست.

2- در اصل وصیت «جای».

3- در اصل وصیت «بودیم».

4- در اصل وصیت «وسلام».


5- شهید ادامه وصیت نامه اش را ذیل برگه معرفی به بیمارستان نوشته است.

بسم الله الرحمن الرحيم  
 وصیت نامه  
 ۱۵ شهریور ۱۳۵۷  
 من برای چندین بار برای خود وظیفه شرفین و اسلامی دانستم به چشمه  
 حق علیم باطن پیام و مادتش (ان اسلام ب جنگم اکنون که همین زمان ندای  
 در هل من امری صبری کرده ام و باید از جان و مال و فرزندی دختر کوهلوم و  
 زون بانه عزیزم بدم برادرانم و خواهرم گذشتت و یک کتب اوشتت فلت تاب  
 تو انم اسلام را که یک روز - پدر و مادرم اکنون اگر شهادت نصیب من باشد  
 جبرگت این افتخاری است من برای من و شما که چنین دیگری را برتر  
 کرده و در راه اسلام قربان داده ام و برادران از من برترند و شایسته  
 نگهداری اسلام باشد که این خط است شهنشاهان را بر شهنشاهان  
 باید روز خواهد کرد و پدر و مادر و برادرانم و خواهرانم شما باید تا روز  
 پسند و اعتماد کنید چون من از این همه علی اکبر (ع) بهتر نیستم و  
 شهادت من با آن شهادت نصیب هر هر روز و با برادرانم خواهش می کنم  
 بعد از شهادت من هر منافق و تودر که کسی ها را سر توب کنند بیایند  
 کمران به ده گاه خدا که بر من شف تمام در راه راست راستانم داد و  
 رحمت خدا به شیر پاک مادام و قدر دانی از پدرم که تو اعدای منی گرا  
 کند و به اسلام شهادت بدهد ان الله ای پیر را عهدم مرا حلال کن و  
 مدد و عاقبتان امام زمان را از یاد من برید من مطمئن هشتم روزی به  
 اسلام بر شهادت سر جهان بر ترا فتن خواهد شد باری مادر من بان و عزیزم  
 تمام مرا به پیر حلال کن و خواهر منم تو نیز نصیب زان باشی و در راه خدا  
 مبارزه کن هر چه همرم ای برادران عزیزم راه خدا بهترین راه است از آنچه  
 گویم که قدری است می بیند در راه و در حق این همه که پیران را از راه  
 ها شهنشاهان و در شهنشاهان


۲۹۰۲ - ۲۰۲۲

۱۶۰۵۰۲۹

۷۵۰۰۰۱۲



وزارت آموزش عالی




به = ستاد منطقه ۲ کرمان = بیدار  
از = ستاد تهیه ۱۴ امیرالمومنین (ع) = بیدار  
موسس = برادر یحیی آبانگاه

سلام علیکم

بدینوسیله برادر فاضله که عضو هیئت مدیره این هیئت است و در حال حاضر در تهران  
شماره اند لذا جهت مداوا و حضور در محرم میگرد و خواهشمند است  
آنها را نام را بنمایند

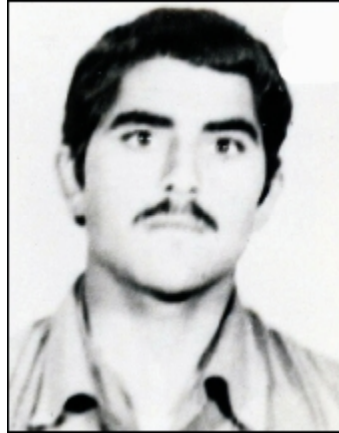
---



ستاد تهیه ۱۴ امیرالمومنین (ع)

چون درهای بودیم که دست به کاغذ نداشتیم مجبور بودیم  
پشت نامه که برادران چند ما را پیش سرام معرفی کرده بودند این  
چند جمله که اگر فضا ندهند مژده قبول کند این عقیده را فرستیم  
با همتای یکی از برادران رهنده ۳۳ سنکر ۳ ولایت  
عنه یا خدایا تا انقلاب فدا میمانیم و انکه...

نام: یوسف  
نام خانوادگی: آبروشن  
نام پدر: علیرضا  
نام مادر: حمدیه  
تاریخ تولد: 1342  
محل تولد: در بخش ملکشاهی از توابع  
شهرستان مهران  
تحصیلات: بی سواد  
ارگان اعزام کننده: بسیج  
تاریخ شهادت: یکم آذر 1363  
محل شهادت: شهرستان زادگاهش  
نحوه شهادت: اصابت ترکش  
مزار: در بخش صالح آباد از توابع همان  
شهرستان



## عبارت‌های کلیدی

- ۱ هر فرد اسلامی باید وظیفه شرعی دین اسلام را یک نوع وظیفه دائمی خود بداند و از تمام  
کیان دین مبین اسلام پیروی نمایند.
- ۱ اگر هم شهید شدیم خونبهای ما خداوند سبحان است.
- ۱ اگر شهید شدم باید برادران سلاحم را بر دوش بگیرند و با دشمن مبارزه نمایند.
- ۱ هر نوع وظیفه شرعی به هر مسلمانی داده شود باید با دل و جان آن را اطاعت نماید.
- ۱ همیشه گوش به فرمان رهبر بزرگ و فرماندهان خود باشند تا بر دشمن پیروز باشید.

## یوسف آبروشن

### بسم الله الرحمن الرحيم

وصیت من این است که هر فرد اسلامی باید وظیفه شرعی دین اسلام را یک نوع وظیفه دائمی خود بدانند و از تمام کیان دین مبین اسلام پیروی نمایند و هر نوع وظیفه شرعی به هر مسلمانی داده شود باید با دل و جان آن را اطاعت نماید. چون ما در حال حاضر جنگ در سرزمینمان است و به دستور امام بزرگوارمان خمینی بت شکن دستور داده شد به هر فردی که توان جنگیدن دارد باید در مبارزه با دشمن مبارزه نماید<sup>1</sup> و اگر هر مسلمانی در راه خدا، دین و قرآن و ناموس سرزمین کشته شود، شهید نامیده می شود و ما باید تا آخرین قطره خون خود از این راه پاسداری کنیم و اگر هم شهید شدیم خونبهای ما خداوند سبحان است و من وصیتی که دارم این است اگر شهید شدم باید برادران سلاحم را بر دوش بگیرند و با دشمن مبارزه نمایند چون حق بر باطل پیروز است و از کلیه نیروهای جمهوری اسلامی تقاضا دارم که همیشه با دلی پاک و توکل به خداوند بزرگ در تمام مرزهای ایران با دل و جان از این سرزمین پاسداری نمایند و همیشه گوش به فرمان رهبر بزرگ و فرماندهان خود باشند تا بر دشمن پیروز باشید و خواب را از<sup>2</sup> چشم دشمنان داخلی و خارجی برابند<sup>3</sup> و به خود [ترس] راه ندهید که دشمن از میهنمان سودی ببرد و چشم بیگانگان را از [طمع به]<sup>4</sup> سرزمین ایران کور کنید و ما الان در حال حاضر با دشمنان بعضی<sup>5</sup> در سرزمینمان مبارزه می کنیم و روز به روز بر آنها پیروز هستیم و دشمن را از این خاک بیرون خواهیم نمود.

«انشاءالله»

---

1- در اصل وصیت «نمایند».

2- در اصل وصیت «در».

3- در اصل وصیت «خشک نمایید».

4- [طمع به] برای تکمیل جمله اضافه شده است.

5- ر.ک. تعلیقات.

و وصیت نامه « کبیده » « دوست آبروش »

وصیت من این است که هر فرد اسلامی باید تعلقش شوی درین اسلام و یک نوع وظیفه

دائمی خود باشی و از تمام لیاقت های حسین و نظام پیروی نمایند و هر نوع غبطه شوی

بر هر مسلمانی داده شود با هر ادل و محفل کنی و اطاعت نماید چون مادر جان محافظ

چنگ در سزای من مانده است و در دست و پاهای من بود و ایمن نجیبی است شکر و شکر

داده کتب هر فردی که توان چنگیدن دارد باید در مبارزه با دشمن مبارزه نماید و اگر هر

مسلمانی در راه خود این فرمان اول سزای گشته شود کبیده نامه می شود و ما باید

تا آخرین قطره خون خود را برای راه پادشاهی کنیم و او هم کبیده کنیم خونهای ما خواهد بود

عصای است و وصیتی که ما هم می بینیم نامه مبارزه را در اسلام را بر روی

گیرند و ما دشمن مبارزه نمایند چون حق بر ما ظلم می رود راست و از کلبه نبردهای

حمیدری اسلامی نفاذ داریم که همیشه با دلی یک کف و توکل به خداوند ترک در تمام

مرزهای ایران مادل و محفل با زاین سزای پیاده های نامه و همیشه گوش به فرمان رهبر

بزرگ و فوج نرها را خود با کشته بشویم پیروز کنیم و محراب چشم دشمن داخلی

و هر چه حمله نماید و به خود راه برهیم که دشمن از پیشه نشان سردی بود چشم بیگانه گان

از سزای ایران که کبیده ما العان در حق محافظ دشمن یعنی روزی نشان مبارزه

می کنیم و روزی بر ما کتفا پیروز هستیم و دشمن را از این جانب بیرون خواهیم نمود

اشاء الله  
 حسین بن علی  
 علیه السلام

نام: نصرالله  
نام خانوادگی: آبسالان  
نام پدر: علی محمد  
نام مادر: مکيه  
تاریخ تولد: یکم شهریور 1348  
محل تولد: روستای بیشه‌دراز از توابع  
شهرستان دهلران  
تحصیلات: دوم متوسطه  
ارگان اعزام‌کننده: سپاه  
تاریخ شهادت: دوازدهم شهریور 1366  
محل شهادت: شهرستان زادگاهش  
نحوه شهادت: انفجار مین و اصابت ترکش  
مزار: گلزار شهدای امامزاده سیداکبر همان  
شهرستان



## عبارت‌های کلیدی

- ا گواهی می‌دهم انقلاب ما بر حق است و رهبر ما حق است.
- ا ای برادران و خواهران مسلمان و مومن و خداپرست قدر این امام را بدانید.
- ا آنچه موجب قرب و عزت انسان می‌شود تقوی است نه مقام و ریاست و نه قبيله و لباس.
- ا تک تک ما در قبال خون شهدا و خانواده‌های مظلوم آنها مسئول هستیم.
- ا همسرم حجاب اسلامی را کاملاً رعایت کن و زینب‌وار باش.
- ا احترام مادرم و برادرم بر شما همانند نماز واجب است.
- ا به تکالیف دینی احترام بگذارید.
- ا درس‌هایتان را بهتر انجام دهید نمازهایتان را به جماعت بخوانید.
- ا ساده زیستن را پیشه کنید.
- ا از حق دفاع کنید، از مظلوم دفاع کنید.
- ا نماز، نماز، نماز را فراموش نکنید.



نصرالله آبسالان<sup>1</sup>

بسم الله الرحمن الرحيم

«مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَن قَضَىٰ نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَن يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا»<sup>2</sup>

با سلام و درود به خدمت امام عزیزمان و خانواده‌های محترم شهدا اینجانب نصرالله آبسالان، فرزند علی محمد، شهادت می‌دهم که خداوند یکی است و هیچگونه شریکی ندارد و شهادت می‌دهم که محمد (6) فرستاده خداوند است و گواهی می‌دهم که علی امام و ولی خداوند است و شهادت می‌دهم که مرگ حق است و قیامت حق است و هر انسانی خواه و ناخواه مزه مرگ را می‌چشد و گواهی می‌دهم انقلاب ما بر حق است و رهبر ما حق است. ای برادران و خواهران مسلمان و مومن و خداپرست قدر این امام را بدانید و بدانید آنچه که ما داریم از همین امام بزرگوار و دلسوز داریم و بدانید آنچه که موجب قرب و عزت انسان می‌شود تقوی است نه مقام و ریاست و نه قبيله و نه لباس، قلب‌های خودتان را با خدا صاف کنید و فقط از او پیروی کنید و فقط در مقابل او خاضع و خاشع باشید. سخنی با برادران هم‌رزم پاسدارم! سلام برادران عزیز، سلام ای سربازان امام زمان، سلام از بنده خدا نصرالله آبسالان به تک‌تک برادران. برادران پاسدارم، بدانید که همه ما مسئول هستیم در آن دنیا، تمام شهدا یقه من و تو را می‌گیرند، ما خون دادیم شما چه کردید؟ ما جان و مال دادیم شما چه کردید؟ سعی کنیم از پاسداری خوب پاسداری کنیم، بدانید که تک‌تک ما در قبال خون شهدا و خانواده‌های مظلوم آنها مسئول هستیم، سعی کنیم در تمام مراحل طوری برخورد کنیم که خانواده‌های شهدا خوشحال شوند، خدای نخواستہ شیطان ما را از مسیر اصلی مان که همان قرب به خداوند است و

1- بالای سمت چپ وصیت‌نامه این عبارت نوشته شده است «سلام مرا به امام عزیز برسانید و دست مبارکشان را به‌جای من ببوسید و بگویید همان‌طوری که شما را خواب دیدم، برایم دعا کنید و از خدا برای بنده حقیر طلب مغفرت کنید».

2- احزاب/ 23. ترجمه: «برخی از مؤمنان بزرگ‌مردانی هستند که به عهد و پیمانی که با خدا بستند کاملاً وفا کردند پس برخی بر آن عهد ایستادگی کردند. (تا به راه خدا شهید شدند) و برخی به انتظار مقاومت کرده و هیچ عهد خود را تغییر ندادند».

دفاع از حق محرومان جهان است، منحرف نسازد. بچه ها و زن هایمان ایمانهایمان نشوند، به این مسئولیت های کلیدی دلخوش نشویم که به گفته امام شعیان علی (7) مقام و پست میدان آزمایش است، پس باید سعی کنیم از این آزمایش موفق بیرون بیاییم. اما برادران مسئول این مسئولیت های کلیدی شما را نفریید و مردم را به خاطر یک امضاء این ور و آن ور نفرستید بدانید که موت یک روزی گریبان شما را خواهد گرفت، پس بیایید به خدا پناه ببرید.

### سخنی با پدر و مادر:

پدر و مادر عزیزم از این که نتوانستم برای آخرین بار از شما خداحافظی کنم شرمنده هستم و آنچه برای من کردید حلالم کنید و در حین مرگ من آرام و خونسرد باشید به همین خاطر دیگر حتی برای یک لحظه هم که شده مرا نخواهید دید. پس روحیه و صبر انقلابی داشته باشید. از بچه های یتیم من خوب سرپرستی کنید و طوری با آنها رفتار شود که خیال نکنند یتیمند و بدانید این دو پسر جانشینان من در بین شما هستند، هرکس آنها را اذیت یا آزاری برساند، بداند که آن موقع است که قبرم می لرزد و اگر از آنها سرپرستی و شاد کنید قلب مرا خوشحال کرده است. خیال نکنید که من از بچه هایم دور هستم بلکه همیشه ناظر بر بچه هایم هستم و آنها را می بوسم ولی شما نمی بینید و اگر بچه هایم بزرگ شوند آنها را به مدرسه خوبی نفرستید تا اینکه باسواد شوند، تا وقتی بزرگ شدند خودشان وصیت نامه پدرشان را بخوانند و در آخر سفارش می کنم که هیچ کس حق ندارد به عنوان صدقه چیزی به بچه هایم بدهد، صدقه را باید به مستحقش بدهند. همسرم حجاب اسلامی را کاملاً حفظ کن و زینب وار باش اگر خدای نخواسته لغزشی پیدا کردید آن موقع است که باید به خدا پناه ببرید از بچه هایم خوب نگهداری و تربیت کن. هر وقت خواستید ازدواج کنی مانعی نیست، اما باید بچه هایم را به مادرم بسپارید و در ضمن آن سکه طلا را به عنوان یادگاری به فرزندم مقداد بدهید و موتور مال محمد است. نماز و روزه برایم بخوانید و بگیریید و در پیش مهدی دفن کنید و مرا ببخشید اگر شما را اذیت کردم. احترام مادرم و برادرم بر شما همانند نماز واجب است و تا زمانی که قصد ازدواج ندارید، باید پیش مادرم باشید و حق نداری بدون اجازه مادرم بیرون بروی و اگر به وصیت من عمل نکنی، گناه کرده ای و مستحق عذاب هستی. تا یک هفته بچه هایم را سیاه پوش کنید، تا قلبشان از دشمنان اسلام

و قاتلان پدرشان سیاه شود و بعد از آن یک هفته سفیدپوش کنید، تا نسبت به خدا روشن بین و مؤمن شوند و حق ندارید آزادانه بگردید و با نامحرم صحبت کنید به جز پدرم و برادرم تمام مردم دیگر نامحرم تو هستند و احترام پدر و مادرم بر تو واجب است.

### سخنی با فرزندانم:

فرزندانم شما محبوبترین افراد [ی] بعد از پیامبر و عترت او و امام بزرگوارم پیش من هستید. سعی کنید قدر این محبوبیت را بدانید و خدای نخواستہ از مسیر اصلی پدرتان که همانا مسیر ائمه بود منحرف نشوید. درس‌هایتان را خوب بخوانید تا در آینده چراغ راهنمایی باشید برای دیگران. من به شما افتخار می‌کنم و شما هم به من افتخار می‌کنید و به تکالیف دینی احترام بگذارید و درس‌هایتان را بهتر انجام دهید. نمازهایتان را به جماعت بخوانید و اگر در جایی بودید که نماز جماعت در آنجا نبود دو تا برادر با هم نماز بخوانید هر کدامتان تقوایش بیشتر است جلو بایستد و دیگری به او اقتدا کند و آنچه که من به آن تکیه دارم این است که در همه حال با هم باشید و آنی از هم جدا نشوید که آن لحظه لحظه مرگ شماست. زن‌هایتان، ایمان‌هایتان نشوند و در کارها با زن‌هایتان مشورت کنید، اما به قول آنها کاری انجام ندهید و قدر یکتا عمویتان را بدانید و به او احترام بگذارید و او هم به شما احترام بگذارد. قدر تنها عمه تان را بدانید و از او سرکشی کنید<sup>1</sup> شما جانشین پدرتان هستید. بزرگوار باشید و با بزرگان بنشینید با انسان‌های لایبالی دوستی نکنید و نگردید. با انسان ترسو سفر نکنید و با انسان‌های دروغگو، فاسد، دزد و منافق<sup>2</sup> ننشینید و پیرو خدا باشید خداپرست و خداشناس باشید، به مردم کمک کنید، آنقدر خودتان را خوار و ذلیل نگیرید که حقتان پایمال شود، ساده زیستن را پیشه کنید، از حق دفاع کنید، از مظلوم دفاع کنید، و نماز، نماز، نماز را فراموش نکنید.

فرزندم مقدار شما در حیات پدر خیلی کوچک نبودید، در جلوی چشمانم راه می‌رفتی و من هم به شما عشق می‌ورزیدم. شما را سوار موتور می‌کردم و به گردش می‌بردیم و وقتی بهت می‌گفتم برادر کوچکت محمد را می‌بوسیدی. دست برادرت را به شما می‌دهم و

1- منظور شهید سرزدن است نه نافرمانی.

2- رک. تعلیقات.

حتماً از او نگهداری کنید، نگذارید زندگی به او سخت شود، اگر ناراحتی داشت، ناراحتی او را برطرف کنید، هیچ وقت به او عصبانی نشو و احترام او را داشته باش و او هم همین طور و او هم از شما یک سالی کوچکتر است اگر حرفی از او شنیدید به خاطر همین کوچکی از او بگذر، مانند دوتا دوست با هم برخورد کنید هیچ وقت او را تنها نگذار و او را تنها به جایی نفرست، هیچ وقت با هم دعوا نکنید، پُشتکار داشته باشید، به بزرگترها احترام بگذارید که احترام داشتن به دیگران باعث کسر شأن نمی شود، بلکه باعث می شود که شخصیت انسان را بالا ببرد، در کارهایتان دو تا برادر با هم مشورت کنید و آن کاری را که به صلاح جامعه و خودتان است انجام بدهید، در زندگیتان هیچ وقت تکراری و خودسر نباشید، در کارهایتان خودرسانی و خودشیرینی نکنید که این خصلت<sup>1</sup> هیچ وقت در پدرتان نبود، دنبال کار حرام نروید و اگر شیطان در شما وسوسه کرد در آن لحظه به خدا پناه ببرید و پسر محمد شمایی که شباهت به پدرت برده، بگذار روحت هم به پدرت ببرد که همیشه از حق دفاع می کرد، دروغ نمی گفت و خودرسانی نمی کرد.

از برادر بزرگ پیروی کن و هر چه می گوید انجام بده، هیچ وقت خودسرانه به جایی نرو و اگر خواستید بروید با برادرت در میان بگذار و اگر او صلاح دانست به شما اجازه خواهند داد.

و اما خواهرم و برادرم اگر از من بدی دیده‌اید، امیدوارم که مرا ببخشید، بچه‌های یتیم برادرتان را فراموش نکنید، به بچه‌هایم احترام بگذارید، برادرم از بچه‌هایم خوب نگهداری بکن و مانند یک پدر دلسوز باش برای آنها. هیچ وقت با آنها با تندی برخورد نکنید. مگر در مسائل دینی که اگر به غیر از این باشد روح مرا آزرده‌اید و برای آنها لوازم آسایش فراهم کن و اگر زمانی به امید خدا زن گرفتید سعی کن زن باشخصیت و مؤمنه و پاک و درستکار و دوستدار اهل بیت باشد، زنت باعث نشود که بچه‌های برادرت را فراموش کنید و هیچ وقت به حرف زنت گوش نکن، اما در مقابل به او احترام بگذار، بچه‌های مرا بچه‌های خودت فرض کن، بلکه بهتر از بچه‌های خودت دوست داشته باش، در ضمن پسرانم مقدار و محمد اگر بزرگ شدید به یتیمان احترام بگذارید و بدانید که یتیمی چه درد بزرگی است.

داییم (رمضان) از طرف من وکیل هستند، هر چه گفتند قبول کنید و در آخر از تمام بستگان، اقوام و آشنایان خداحافظی می‌کنم و خواهش می‌کنم شب اول قبر برای من نماز وحشت بخوانند و هر موقع آمدند بر سر مزارم میهمان من خواهند بود و از آنها پذیرایی خواهم کرد.

بنده خدا

نصرالله آبسالان

66/5/20

بسم الله الرحمن الرحیم روایت نامه

و سلام بر امام شهرزاد به سینه  
روایت مبارکشان که برای من بهتر شد  
و تکریم جانسود آن نرسنا و انوار دلم مرا  
که کلمه را و بخشاید برای من بهر بهر که گفت

من المؤمنین الرجال الصدوق بسند  
من المؤمنین رجال صدقوا ما عاهدوا الله عليه فانكسر  
عنهم موق قضي سنحده وفلهم موت ينتظرون وما بدلوا تبديلا  
بسلام و در روایت امام عزیزی و شانزدهم های صحیح امام را

این باب نورانی با لال شد و علیه خبر شهادت و ی دهم که در این است و یکنه در شکی برآورد  
و نه است و دهم که در این است و یکنه در شکی برآورد و یکنه در شکی برآورد  
و دهم که در این است و یکنه در شکی برآورد و یکنه در شکی برآورد  
و دهم که در این است و یکنه در شکی برآورد و یکنه در شکی برآورد  
و دهم که در این است و یکنه در شکی برآورد و یکنه در شکی برآورد  
و دهم که در این است و یکنه در شکی برآورد و یکنه در شکی برآورد  
و دهم که در این است و یکنه در شکی برآورد و یکنه در شکی برآورد  
و دهم که در این است و یکنه در شکی برآورد و یکنه در شکی برآورد

بعضی دارند از هرگز اسلام اسلام برادران عزیز اسلام ای برادران امام زمان سلام بر شما سلام از  
بند خدا و اول آبسالان به نیکو بخت برادران و برادران یا سلام بر شما که همانا متولیان هستیم  
در آن دنیا صد تمام کنده ای که من دین را میگیرم و در هر روز که میفرماید ما در این دنیا که در دوزخ است و مانی  
دائم شایع گردیده است که این اسلام را خوب یا سزاوار کنیم و بعد از آنکه است ما در حساب خداوند  
شهادت نامه های مسلمانی است. همیشه همه کنیم در تمام مراحل عمری و بخورد کنیم که  
سازنده های شهادت و در تمام دنیا و مافی آن است و مافی آن است و مافی آن است و مافی آن است  
که در این دنیا که در دوزخ است و مانی  
دائم شایع گردیده است که این اسلام را خوب یا سزاوار کنیم و بعد از آنکه است ما در حساب خداوند  
شهادت نامه های مسلمانی است. همیشه همه کنیم در تمام مراحل عمری و بخورد کنیم که  
سازنده های شهادت و در تمام دنیا و مافی آن است و مافی آن است و مافی آن است و مافی آن است  
که در این دنیا که در دوزخ است و مانی  
دائم شایع گردیده است که این اسلام را خوب یا سزاوار کنیم و بعد از آنکه است ما در حساب خداوند  
شهادت نامه های مسلمانی است. همیشه همه کنیم در تمام مراحل عمری و بخورد کنیم که  
سازنده های شهادت و در تمام دنیا و مافی آن است و مافی آن است و مافی آن است و مافی آن است

تا آنکه چشمم به عالم رسید و چون کلبه تا قطعه ای از دنیا ان - سلام و خاتمه آن دنیا ان - سیاه بشود در میان آن  
یکهفته در این دنیا کلبه تا قطعه ای از دنیا ان - سلام و خاتمه آن دنیا ان - سیاه بشود در میان آن  
نخستین مادام تا سرزمین کعبه تا قطعه ای از دنیا ان - سلام و خاتمه آن دنیا ان - سیاه بشود در میان آن

حقیقتم بر یک هزاران اگر تا حق است و حق با حق است و حق با حق است و حق با حق است

اما در این دنیا کلبه تا قطعه ای از دنیا ان - سلام و خاتمه آن دنیا ان - سیاه بشود در میان آن  
اینکه در این دنیا کلبه تا قطعه ای از دنیا ان - سلام و خاتمه آن دنیا ان - سیاه بشود در میان آن  
چون بیایید دنیا پناه ببرید بر  
سختی با برده مادام

چند روزی که در این دنیا کلبه تا قطعه ای از دنیا ان - سلام و خاتمه آن دنیا ان - سیاه بشود در میان آن  
برای من گذریه سلطان کلبه تا قطعه ای از دنیا ان - سلام و خاتمه آن دنیا ان - سیاه بشود در میان آن  
برای کلبه تا قطعه ای از دنیا ان - سلام و خاتمه آن دنیا ان - سیاه بشود در میان آن  
دینم من خدایم سر برستی کلبه تا قطعه ای از دنیا ان - سلام و خاتمه آن دنیا ان - سیاه بشود در میان آن  
این دو چیز جا نشینان من درین دنیا کلبه تا قطعه ای از دنیا ان - سلام و خاتمه آن دنیا ان - سیاه بشود در میان آن

نماز که آن در وقت است که چشم من لرزد و در گمراهی سر برستی و خدا کلبه تا قطعه ای از دنیا ان - سلام و خاتمه آن دنیا ان - سیاه بشود در میان آن  
که است خیال کلبه تا قطعه ای از دنیا ان - سلام و خاتمه آن دنیا ان - سیاه بشود در میان آن  
و آن نمازی بودم و آن نمازی کلبه تا قطعه ای از دنیا ان - سلام و خاتمه آن دنیا ان - سیاه بشود در میان آن  
پندستی تا آنکه با سوار شوم تا فوق بزرگ کلبه تا قطعه ای از دنیا ان - سلام و خاتمه آن دنیا ان - سیاه بشود در میان آن  
پندستی را بخوانند و در کافران سر برستی من کلبه تا قطعه ای از دنیا ان - سلام و خاتمه آن دنیا ان - سیاه بشود در میان آن

صورتی چیزی در نیم عالم بدهدم بدهدم صورتی را چایو بر سسوقش میوه دهد  
چشم من کلبه تا قطعه ای از دنیا ان - سلام و خاتمه آن دنیا ان - سیاه بشود در میان آن  
که خدا پندارم چه میازیم عالم عرب کلبه تا قطعه ای از دنیا ان - سلام و خاتمه آن دنیا ان - سیاه بشود در میان آن  
اما این پندارم بدو در دنیا کلبه تا قطعه ای از دنیا ان - سلام و خاتمه آن دنیا ان - سیاه بشود در میان آن  
مال خیر است تا زور روز برام نماند و کلبه تا قطعه ای از دنیا ان - سلام و خاتمه آن دنیا ان - سیاه بشود در میان آن  
کردم پندارم مادام در این دنیا کلبه تا قطعه ای از دنیا ان - سلام و خاتمه آن دنیا ان - سیاه بشود در میان آن  
باشید حق نمازید چون این مادام بیرون بروم عالم بر وصیت من کلبه تا قطعه ای از دنیا ان - سلام و خاتمه آن دنیا ان - سیاه بشود در میان آن

هنرمندانه

افزونی

خودنوازش نشنا محسوب می‌گردد و باید به عزت او و امام بی‌گناه بزرگوارم پیش من همیشه سعی کنید  
 دوران محبت را بجا بیاورید و شایسته از سبب اصلی پند و تان که خداوند سیرالهدی بود سبب نشود  
 در میانان را توب بنوا نیز تاد که اینها را در رهنمایی با شیشه برای دیگران من بشما افتخار  
 می‌کنم رضا هم به من افتخار می‌کنید و به تکالیف دین احترام بگذارید و از رشتگان بجز آنها هم به هیچ  
 نماز هدایتان با جماعت بنویسید و اگر در مانی بود دیگر که نه با نمازها است خنده و در نمازها هم نماز  
 نماز نیز هر که استان که می‌باید است سبب بایستد و دیگری با او خدا کند که نه من آن  
 کنیم و ام این است که در سال با هم باشد و من می‌باید که خداوند بیکدیگر کند و جمله خود سبب است  
 زنها تان، ایمان تان است و در نمازها از نماز تان است و در تکلیف ایمان خود که نماز تان را بنام  
 نصیب و تقدیر تان را با بنام او احترام بگذارید و او هم بر شما احترام بگذارد و مخلص است  
 می‌تان را بر اندازید و هر کس که خداوند است و شما را می‌داند هستی و بزرگوار با شیشه با تان  
 بنشینید با انسانهای لا اله الا الله در حق نشینید و بزرگوار با انسان شود و خداوند با انسانهای  
 در و کله فاسد در و منافق نشینید و بیرون خدا! سید خدا بیست و خدات س با شیشه و مردم  
 کمک کنید که دیده خدوتان را طرد و دلیل نگه بزرگوار است از برای خدوتان ساد و زیست و را سید کنید  
 از حق و مانع کنید از مظلوم و مانع کنید و نماز نماز نماز را فراموش نکنید

خودنوازش نشنا در حیات بیرون خیلی کوریک نشود دیده در جوی شیشه هم راه می‌زنید و بنشینید  
 من هم به شما سخن می‌گویم شما را سوار بجز سوار می‌کنم و بی‌گزارش مردم و در حق می‌گفتم  
 برادر که کت می‌دهد را می‌بوسید دست بردار تان شامی دهم و حتماً بر او نگه دارن کنید  
 نگذارن زنگی با او نیست شود اگر با او نیست نازحتن او را بر طرف کنید همیشه تان به او عصیان نشود  
 احترام او را داشته باش و او هم همین طور او و شما یکسانی که در است اگر مرض از او سبب



ع

بجای هر چه بود که در آن روزگار با هم بر خیزد و کتب و غیره را در اختیار او را ننهد  
 نگذارم و او را در تمام بجای خود فرستاد هیچ وقت با هم در دعوا نگیرم بپشت کارها دستم به تنه او نبرم  
 بر آنکه ما اسلام بگذاریم که اگر آن کذا است یعنی نه گفتار او باعث کسر شرف من نشود و بگویم با من  
 می بیند که شخصیت انسان را بالا ببرد و در کارها میان دو تا با هم مشورت کند  
 و اگر کاری که به صلاح ما و همه خودتان است انجام بدهید و در آن میان هیچ وقت  
 تنگ رای و غمخوردی نباشد و در کارها میان مشورت بسیار می شود و شایسته آنست که این  
 خصلت هر وقت در دیدتان خیزد که دنبال کارهای من نروید و اگر در میان و در مشورت  
 کرد و در آن لحظه بفرمایید پس بفرمایید همه شما فی کس با احتیاط مشورت کرده  
 نگذارید و هر وقت پس بدو که همیشه از حق دفاع بکنید و در حق نگذارد و در میان  
 از برادر بزرگتر می رود آن عیب حق نگذارد انجام ندهد هیچ وقت غمخوردی به او نگیرد و خط مشی  
 برود بد با بدو در میان نهاده شود اگر اصلاح دانست همیشه ایماز خدا دهند داد  
 و اما خطایم و بیادرم اگر از من بویده آید امیدوارم که سر به پیشانی من حان و چشم بگردان  
 از خدایتان نگذرد و چه می دانم اسلام بگذارید و ما در از بی هم خود بگذارد من چه باشد تک پوز  
 و مسوول باشی برای کارهای من هیچ وقت با آنجا نمی بروم و تقصیر میگویم مسائل دینی که اگر چه بلیغ  
 انان باشد روح مرا بگردانید و ایضا از این اسلام که اسلیم فلاح من و اگر زمین با امید خدا  
 گزیند سوگو کن زن با شخصیت و دلزنده و پاک در دست آورد و خدا را اهل بیت پاست  
 زنت باعث خسرو که بویجی های سردریت را فدا کنی و همیشه وقت به حرف زنت  
 گوش کنی اساده مقابل جارا اشرا م بگذار بیجی حاجی من را بویجی های خودت فرض کن  
 با بد بویجی های خودت در دست داشته باش در ضمن پیروان مستقاده خود اگر بزرگ  
 شد بیو میکان از آن بزرگوار و برادر شد که بیکی بی دو بزرگ است  
 و این همه صفات از طرف من و کلی هستم هر گز گزیند که در آن خطایم استگان از انوار  
 آستینان خدا صفا چشم و آتش و آتش من است اول غیر برای من نماز است و هر چه بود که در  
 بر سر خطایم میماند من همیشه با آن خطایم از خود خوارم نمود  
 دوزخ خدا اول است

ص ۴

نام: علیرضا  
نام خانوادگی: آذرپیرا  
نام پدر: شفیع  
نام مادر: راضیه  
تاریخ تولد: دوم اسفند 1277  
محل تولد: روستای بیشه‌دراز از توابع  
شهرستان دهلران  
تحصیلات: در حد خواندن و نوشتن  
ارگان اعزام‌کننده: -  
تاریخ شهادت: بیست‌ودوم تیر 1367  
محل شهادت: زادگاهش  
نحوه شهادت: اصابت ترکش  
مزار: گلزار شهدای امامزاده سیدابراهیم  
شهرستان زادگاهش



## عبارت‌های کلیدی

- ۱ راه شهدا راه اولیاء الهی و خاصان درگاه خداست.
- ۱ تا توان دارند از اسلام و قرآن دفاع نمایند و پشتیبان ولایت فقیه باشید.
- ۱ در عباداتتان تعلل نکنید.
- ۱ هر کاری که انجام می‌دهید برای رضای خدا باشد.
- ۱ این دنیای فانی را به بهای بی‌ارزش زر و زیور دنیا نفروشید.
- ۱ در جهان آخرت که جهان باقی است کسانی رستگار خواهند شد که در این دنیا برای رضای خدا زندگی کرده‌اند.

## علیرضا آذرپیرا

بسم الله الرحمن الرحيم

بسمه تعالی

با سلام و تحیات فراوان به پیامبران الهی از حضرت آدم (7) تا حضرت خاتم (6) و ائمه معصومین (:) و با سلام بر ارواح پاک و طیبه شهدای اسلام و با سلام به حضرت امام خمینی رهبر کبیر انقلاب اسلامی و با آرزوی پیروزی لشکریان اسلام. اینجانب علیرضا آذرپیرا وصیت نامه ام را شروع می‌کنم. حقیر پیرمردی هستم که در طول زندگی همواره سعی کرده‌ام عبادات الهی خود را انجام دهم و الحمدلله اگر خدا قبول کند تا آنجا که توانسته‌ام در راه یاری و پیروزی دین اسلام سعی و تلاش خود را نموده‌ام. وصیتم به فرزندانم و به هر مسلمانی که دین اسلام را پذیرفته است این است که راه شهدا را ادامه دهند، چرا که راه شهدا راه اولیاء الهی و خاصان درگاه خداست که با نثار قطرات خون خود انقلاب اسلامی را به ارمغان آورده‌اند و همه ما مدیون خون آن عزیزان می‌باشیم.

خدایا، از تو می‌خواهم که این فیض عظمی را نیز شامل حال این حقیر گردانی و از این نعمت خود بهره‌مند نمایی و به پسران و نوادگانم و خانواده‌ام کلاً وصیت می‌کنم که تا توان دارند از اسلام و قرآن دفاع نمایند و پشتیبان ولایت فقیه باشید و از دستاوردهای انقلاب اسلامی که با خون هزاران هزار شهید به دست آمده حمایت کنید. و در عباداتتان تعلل نکنید و هر کاری که انجام می‌دهید برای رضای خدا باشد.

وصیتم به کسانی که در سن من هستند این است که همانند یاران حضرت پیامبر (6) و حضرت علی (7) ابوذروار<sup>1</sup> زندگی کنید و این دنیای فانی را به بهای بی‌ارزش زر و زیور دنیا نفروشید که همانا در جهان آخرت که جهان باقی است، کسانی رستگار خواهند شد که در این دنیا برای رضای خدا زندگی کرده‌اند. کارهای نیکو انجام

داده و اعمالی شایسته داشته‌اند. امیدوارم از خداوند بزرگ برایم طلب مغفرت و آمرزش بکنید و برای همه توفیق سعادت آرزو می‌کنم.

«والسّلام علیکم و رحمة الله [و برکاته]»

حاج علیرضا آذربیرا



نام: عیسی  
نام خانوادگی: آستوی  
نام پدر: محمد  
نام مادر: سکینه  
تاریخ تولد: نوزدهم تیر 1340  
محل تولد: کشور عراق  
تحصیلات: دیپلم  
ارگان اعزام کننده: سپاه  
تاریخ شهادت: بیست و چهارم مهر 1363  
محل شهادت: میمک  
نحوه شهادت: -  
مزار: -



## عبارت‌های کلیدی

- ۱ برای جهاد در راه خدا به فرمان امام هدایت‌گر و راهنما به جبهه اسلام علیه باطل عازم می‌شوم.
- ۱ در راه خدا کار کنید و بیشتر به یاد و ذکر خدا باشید.
- ۱ به پدر و مادرم تا آنجا که توانایی دارید خدمت کنید که خدمت به پدر و مادر عبادت است.
- ۱ جان دادن در راه خدا چه شیرین است.
- ۱ پدر و مادر باید راه اسلام و امام امت و راه شهدا را ادامه دهید.
- ۱ امام را تنها نگذارید.
- ۱ اولین پاسدار اسلام امام حسین (7) بود.
- ۱ می‌خواهم راه شهید را ادامه بدهم و اگر خداوند توفیق داد که در راه خدا کشته شدم، از شهادت بنده ناراحت نشوید.
- ۱ هرگاه خیر شهادت بنده را به شما دادند خدا را شکر بگو.

## عیسی آستوی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ تَعَالَى

«إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَىٰ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنَّ لَهُمُ الْجَنَّةَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ»<sup>1</sup>  
(توبه/111)

پدر و مادر شهید پرورم بنده برای جهاد در راه خدا به فرمان امام هدایت گر و راهنما به جبهه اسلام علیه باطل عازم می شوم که به ندای رهبر و مرجع خود لبیک گفته و خدمتی به اسلام و قرآن بکنم. ای پدر و مادر، بنده حقیر شما را خیلی آزار و اذیت کردم، انشاءالله که مرا به بزرگواری خودتان ببخشید.

ای مادر اگر شهید شدم که این هم نصیب هر کسی نمی شود، امام را تنها نگذارید بلکه برادران کوچکم را بگذار راه شهدا را ادامه دهند و مطیع رهبر باشند که انشاءالله شما در این کار که انجام می دهید اجرش با خداست و مجلس برای پسر حقیرتان اگر برپا کردید، انشاءالله، ساده باشد، که روحم شاد باشد و از [برپایی] مجالس باشکوه، برایم چون لیاقت آن را ندارم، [خودداری کنید]. ای برادر شما هم تا می توانید در راه خدا کار کنید و بیشتر به یاد و ذکر خدا باشید و خداوند می فرماید: «یک ساعت فکر کردن از هفتاد سال عبادت افضل تر است».<sup>2</sup> کمی به خودت فکر کن، که انشاءالله از حرفهای بنده حقیر ناراحت نشده باشید و به پدر و مادرم تا آنجا که توانایی دارید خدمت کنید که خدمت به پدر و مادر عبادت است. ای پدر و مادر: شما را خیلی اذیت و وقت شما را گرفتم. شما خیلی برای بنده زحمت و مشقت کشیدید و به اینجا رساندید که یک چنین شخصی از بنده ساختید که اگر صد جان داشتیم، دوباره زنده می شدم باز در راه خدا و اسلام و قرآن و رهبر

1- ترجمه: «خدای از مؤمنان جانها و مالهاشان را بخرد و به بهای آنکه بهشت را بر آنان باشد در راه خدا کارزار می کنند».

2- ترجمه حدیثی است که از امام جعفر صادق (7) نقل شده است: «تفکر ساعة خیر من عبادة سنة»، (بحارالانوار، ج68، ص327). در اصل وصیت ترجمه حدیث فوق را آیه قرآن دانسته است.

عظیم و مرجع بت‌شکنمان باز هم جان می‌دادم و جان دادن در راه خدا و قرآن و اسلام بر یکایک ما واجب است و جان دادن در راه خدا چه شیرین است. به خواهران و برادران خود سلام<sup>1</sup> می‌رسانم و همچنین به دوستان.

پسر خدمتگزار

عیسی آستوی

شما را به خدا می‌سپارم به امید زیارت کربلا و نجف و قدس<sup>2</sup> به امید ادامه دادن انقلاب اسلامی ایران و جهانی شدن آن. یوسف حدود ده هزار تومان به بیت‌المال - بیشتر آن پیش مردم - بدهکار هستم. انشاءالله در همه کارهاتان که برای رضای خدا هستند موفق و پیروز باشید.

61/11/25

«وصیت‌نامه»

[وصیت‌نامه‌ای دیگر]

بسم الله الرحمن الرحيم

بسمه تعالی

پدر و مادر عزیز: پس از عرض سلام و سلامتی شما را از درگاه خداوند متعال خواستارم که انشاءالله خوب و سلامت و سرحال باشید و هر کاری را که برای رضای خدا انجام می‌دهید، موفق و پیروز باشید و حال بنده خوب است و سلام مرا به تمام برادران و خواهران برسانید و سلام مرا به تمام نزدیکان و همسایگان برسانید و سلام مرا به تمام دوستان محترم برسانید و اگرچه<sup>3</sup> حقیر که لایق آن نیستم شهید شدم، پدر و مادر باید راه اسلام و امام امت و راه شهدا را ادامه دهید، که به وسیله برادران عزیزم انشاءالله انجام می‌شود که با همت شما شهیدپرور می‌باشد.

1- در اصل وصیت «سلام مرا به خواهران و برادران خود می‌رسانم».

2- ر.ک. تعلیقات.

3- در اصل وصیت «من».



امام امت را تنها نگذارید که خدا شما<sup>1</sup> [را] موفق و پیروز و سربلند کند.

عیسی آستوی

[وصیت‌نامه‌ای دیگر]

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

«إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ»<sup>2</sup>

با درود و سلام به منجی عالم بشریت و روشن‌کننده جهان، مهدی (عج) موعود، و با درود و سلام به نایب برحقش امام خمینی و درود و سلام به رزمندگان اسلام و درود و سلام به شهدای اسلام و درود و سلام به شما پدر و مادر خوبم.

پدر جان برای رضای خدا پاسدار شدم و پاسدار شدن آسان نیست. چونکه اولین پاسدار اسلام امام حسین (7) بود که همه می‌دانید که به چه صورت آن بزرگوار را شهید کردند، بنده اگر خداوند قبول کند، می‌خواهم راه شهید را ادامه دهم و اگر خداوند توفیق داد که در راه خدا کشته شدم، از شهادت بنده ناراحت نشوید، چونکه ناراحت شدن شما باعث خوشحالی دشمنان اسلام می‌شود. پدر جان نگذار اسلحه من به زمین باشد، بلکه آن را بدست موسی و جواد بده که راهم را ادامه دهند. پدر جان یادتان<sup>3</sup> نرود که امام امت خمینی کبیر را تنها نگذارید، [که] او بود که ما را به راه راست که [ماها] فراموش کرده بودیم، هدایت کرد. پدر جان از شهادت بنده خوشحال باش و هرگاه خبر شهادت بنده را به شما دادند خدایا شکر بگو، پدر جان مرا حلال کنید که خداوند از من راضی باشد، من شماها را زیاد اذیت کردم، مرا به بزرگواری خودتان ببخشید.

مادرم: شما هم مرا حلال کنید، شما مادر خوبی برایم بودید که انشاءالله خدا از شما راضی باشد، مادر جان اگر شهید شدم نگذارید اسلحه [من] به زمین بیفتد، بلکه به دست موسی و جواد بده که راهم را ادامه دهند. مادر جان از شهادت بنده ناراحت نشوید، چون که در راه خدا بوده و خدای نکرده نکند که سر و صورت خود را بخراشی، که دشمنان

1- در اصل وصیت «به شما».

2- بقره/156.

3- در اصل وصیت «یاد».

اسلام خوشحال شوند و همچنین سلام مرا به یوسف و [...] <sup>1</sup> و موسی و جواد و زینب و نجات و افتخار و حیات و زهرا برسانید و افتخار کنند که همچون برادری داشتند که در راه خدا شهید شده و هم چنین سلام مرا به کلیه برادران و دوستان عزیز برسانید. چون وقت نمانده.

التماس دعا

دعا به جان امام فراموش نشود <sup>2</sup>

آستوی

63/7/24

---

1- خوانا نیست.

2- در اصل وصیت «دعا امام فراموش».





بسم تعالی  
 ۱۱/۲۶ / ۱۳۴۶  
 وصیت نامه  
 پروردگار من سلام بر سیدنا محمد و آله و صحبه اجمعین  
 که این نامه بعد از وفات من در میان خانواده و اقربای من  
 که ایام حرام و حلال را بداند و باقیه در حال بنده موجب است و بیم  
 است تمام برادران و خواهران و بستایان و اقربای من  
 و فرزندان و حقیقتاً من تمام دوستان و عزیزان  
 و بستایان را در حقیر که اتفاقاً آن قسم سجده شده پروردگار  
 باری را در اسلام و اسلام است و <sup>راه شهید</sup> ~~و~~ ادامه حقیر که برسد برادران عزیز  
 است و این ایام را مسود که با محبت شما و سینه پروردگار است  
 در دست و امام است را تمام کند از هر که از شما سر ققاری نیاز کند  
 محمد آرمی

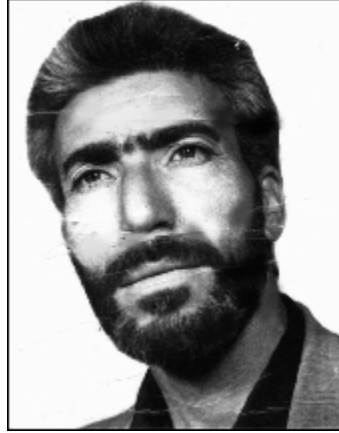
روحیت امام حسین آستوی . بسم الله الرحمن الرحیم

انا لله وانا اليه راجعون

یاد درود و سلام به منی امام شصت و هفتمین سالگرد میلاد مبارک و درود و سلام  
 به شایب رحمتش امام حسین درود و سلام به رسته گان اسلام درود و سلام به شما  
 اسلام درود و سلام به شما بدر سادریه احوال . بیرون خود بران رسا و خدا سلام  
 ششم بیامده ارشاد و آنکس نیست چه بلکه ایجا با سار اسلام امام حسین (ع) بود  
 محبتی می دانید که به چه صورت آن بزرگواران شهید کردند و به فکر خدا و حق که  
 می فرماید را به شهیدان را با کمال طهارت و تقوی داد که در راه ما کشته شوم .  
 بر جان از شهیدان شد که با ما است شهیدان که ما را از دست دشمنان نجات دادند  
 ما را کشته شود . در جان که با سار سار سار (ع) است بلکه باید اسلحه را به دست خود نهاد  
 ما که سار هم را ادامه دهند در جان ما در که امام است همین کیم را تنها نگه ای که بود  
 کار به راه راست که ما را میروشن کرده بودیم هدایت کرد . بر جان از شهیدان است



نام: احمد  
نام خانوادگی: آفاق  
نام پدر: یارمحمد  
نام مادر: ماه بانو  
تاریخ تولد: سوم خرداد 1324  
محل تولد: روستای نادرآباد از توابع  
شهرستان مهران  
تحصیلات: در حد خواندن و نوشتن  
ارگان اعزام کننده: بسیج  
تاریخ شهادت: یازدهم شهریور 1363  
محل شهادت: چنگوله  
نحوه شهادت: اصابت ترکش  
مزار: بخش صالح آباد از توابع شهرستان  
زادگاهش



## عبارت‌های کلیدی

- ا چون پایبند به جمهوری اسلامی هستیم به ندای امام لیبیک گفته و راهی جبهه گشته‌ایم.
- ا بنده شب و روز با خودم گفتم که کاش من هم شرکت می‌کردم و به فیض شهادت می‌رسیدم.
- ا امیدوارم که من هم مثل برادرم به فیض شهادت نائل گردم.
- ا اگر من به فیض شهادت رسیدم امیدوارم که جای من را خالی نگذارند.
- ا همسرم بنده از شما می‌خواهم که بچه‌هایم را زینب‌وار تربیت کنی.



## احمد آفاق

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِهِ تَعَالَى

پس به راستی حزب خداوند پیروز است.<sup>1</sup>

با سلام بر مهدی موعود (عج) و نایب برحقش امام خمینی

اینجانب احمد آفاق که در تاریخ 62/9/15 با برادرم جمعه آفاق چون پایبند به جمهوری اسلامی هستیم به ندای امام لبیک گفته و راهی جبهه شدیم و به جبهه‌های حق اعزام شدم. چون بنده برای خدا و برای جمهوری اسلامی به خدمت سپاه رفتم، به<sup>2</sup> خط مقدم اعزام شدم و چندین ماه بود که با برادرم و چندی<sup>3</sup> از برادران دیگر که در چنگوله بودیم که در تاریخ 62/5/15 که عملیات والفجر<sup>4</sup> شروع<sup>5</sup> شد، من با برادرم<sup>6</sup> با هم آمدیم که در این عملیات شرکت کنیم، این بود که برادرم گفت اگر شما<sup>7</sup> در این عملیات شرکت کنید، من هم می‌آیم و برادرم خودش رفت و شرکت کرد و گفت که حالا دیگر شما در<sup>8</sup> عملیات دیگری شرکت کنید. چون برادرم لیاقت شهادت را داشت،<sup>9</sup> در عملیات والفجر<sup>3</sup> شرکت کرد و به شهادت رسید و بنده شب و روز با خودم می‌گفتم که کاش من هم شرکت می‌کردم و به فیض شهادت می‌رسیدم و بنده خاطراتی که بعد از عملیات والفجر<sup>3</sup> دارم به شرح زیر است:

---

1- ترجمه آیه «... الا ان حزب الله هم الغالبون».

2- در اصل وصیت «برای».

3- در اصل وصیت «چندینی».

4- ر.ک. تعلیقات.

5- در اصل وصیت «شروع».

6- در اصل وصیت «برادر».

7- در اصل وصیت «شما از این عملیات شرکت اگر کنید».

8- در اصل وصیت «از عملیات بعدی شرکت کن».

9- در اصل وصیت «داشته بود».

در تاریخ 63/6/11 بود که عملیات والفجر<sup>15</sup> شروع شد و بنده در این عملیات شرکت داشتم و بنده مجروح<sup>2</sup> شدم و موقعی که مجروح<sup>3</sup> شدم گفتم کاش به شهادت می‌رسیدم و خاطرات بسیار جالبی از این عملیات به یاد دارم موقعی که<sup>4</sup> مهمات جمع‌آوری می‌کردیم. خمپاره بعثیون<sup>5</sup> کافر مثل باران بر روی سر ما می‌بارید و ما در قلب دشمن بودیم و چندین اسیر<sup>6</sup> و مهمات به اسارت<sup>7</sup> گرفتیم و چندین کیلومتر از خاک کفار<sup>8</sup> گرفتیم. و امیدوارم که من هم مثل برادرم به فیض شهادت نائل<sup>9</sup> گردم و باری پدرم و مادرم، برادرانم و خواهرانم و همسرم و بچه‌هایم اگر من به فیض شهادت رسیدم، امیدوارم که جای من را خالی نگذارید و باری مادرم شیرت را حلالم کن و باری پدرم اگر من شهید شدم، زحمتی را که برایم کشیده‌اید، مرا ببخشید، چون من برای شما زحمت نکشیده‌ام و باری همسرم بنده از شما می‌خواهم که بچه‌هایم را زینب‌وار تربیت کنی<sup>10</sup> و «آنها را راهنمایی و به مدرسه بفرست تا قرآن بیاموزند»<sup>11</sup>.

من رفتم خداحافظ

برادر آفاق

1- ر.ک. تعلیقات.

2- در اصل وصیت «مجروح».

3- در اصل وصیت «مجروح».

4- در اصل وصیت «موقع که».

5- ر.ک. تعلیقات.

6- در اصل وصیت «امیر».

7- در اصل وصیت «ثارت».

8- در اصل وصیت «کافر».

9- در اصل وصیت «ناعل».

10- در اصل وصیت «مثل زینب‌وار تربیت کنید».

11- در اصل وصیت «و آنها را راهنمایی به مدرسه و قرآن کنید».

کَانَ حَرَبِ الْعَرَبِ الْفَائِزِينَ

شماره ۶۲، ۱۵

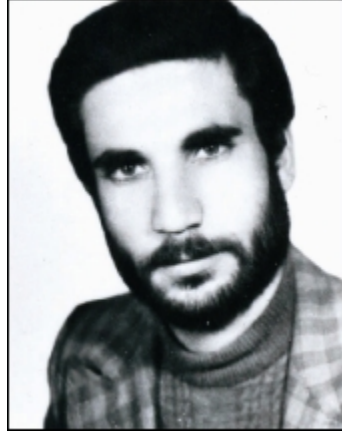
باسم برتری حزب خداوند بزرگ است

با سلام بر سید کاسر و عود (ص) نامیب بر حقیقت معرفت (ام خمینی)

اینجانب احمد آمانی در روز ۱۵ ر ۶۲ و با برادرم جمعی آمان چون پاینده  
 جمهوری اسلام هستیم به نوبت ام لیک گفته ایم و راهی جمعی شدیم و جمعی با حق اعزام  
 شدیم چون نبودیم برای خدا و برای جمهوری اسلام به خدمت سپار رفتیم برای خط مقدم اعزام شدیم  
 و چندین باره بود با برادرم و چندین باره از برادران دیگر که در جنگ بوده ایم که در تاریخ ۱۵ ر ۶۲  
 که عملیات والفجر به شرح شد من با برادرم آجور که در این عملیات شرکت کنیم  
 این بود که برادرم گفت نمی آران عملیات شرکت آرنی می هم می آیم و برادرم  
 خودش رفت و شرکت کرد و گفت شما از عملیات دیگر شرکت کن چون چونکه برادرم  
 لیامت شهادت داشته بود در عملیات والفجر به شرکت کرد به شهادت رسید  
 و بعد شب روز با خودم من گفتم که شی من هم شرکت می کردم و بی فیض شهادت  
 ما رسیدیم و بنده خاطر است که بعد از عملیات والفجر به دام برتر می راست  
 در تاریخ ۱۶ ر ۶۲ بود که عملیات والفجر به شرح شد و چندین عملیات شرکت  
 داشتیم و چند سبوری شدیم و موقع هجوم شدیم گفتیم که شی شهادت ما رسیدیم  
 و خاطر است بسیار جالبی از این عملیات به یاد دارم و موقع شهادت جمعی آوران ما در  
 خیابان بعثت که فرشته باران بر روی ما بارید و ما در قلب دستهای بودیم  
 و چندین اسیر و شهادت به آثارش رفتیم و چندین لیلیه سر از جانب او فر رفتیم

و امید دارم که هیچ هم مثل برادرم به فیضی شهادت الهی ناعلم بگردم  
و بارها پدرم و مادرم در بارانم و خواهرانم و همسرم و بچه هایم آرسن بر فیضی  
شهادت رسیدیم امیدوارم در جای من را خالی نگذارید و بارها دارم  
شیرت را خلاص کنید و بارها پدرم آرسن تسبیح تسبیح زحمی به ارم  
تسبیح اید بر این تسبیح چون من برای شما هیچ زحمت نطلبید ام  
و بارها همسر منده از شما ما خواهیم و بچه هایم مثل زینب و ارتضی تسبیح کنید  
و آنرا در راه خود را راهتی می بردید و بر قرآن کنید  
من رستم خدا حافظ برادر آفاق

نام: جمعه  
نام خانوادگی: آفاق  
نام پدر: یارمحمد  
نام مادر: ماهبانو  
تاریخ تولد: یکم فروردین 1342  
محل تولد: روستای نادراآباد از توابع شهرستان  
مهران  
تحصیلات: در حد خواندن و نوشتن  
ارگان اعزامکننده: بسیج  
تاریخ شهادت: هشتم مرداد 1362  
محل شهادت: شهرستان زادگاهش  
نحوه شهادت: اصابت ترکش  
مزار: بخش صالحآباد از توابع همان شهرستان



## عبارت‌های کلیدی

- ۱ پدر و مادر عزیزم: ما امانت‌هایی هستیم که خداوند به شماها داده و هر وقتی که اراده کند، از شما می‌گیرد.
- ۱ از خدا بخواهید که به شما صبر و استقامت بدهد.
- ۱ ای همسر عزیزم، امیدوارم همسری فداکار باشید.
- ۱ از شما می‌خواهم یگانه فرزندم محمدرضا را خوب تربیت کنید و تحویل این جامعه اسلامی بدهید.
- ۱ به همه شما می‌گویم که اگر شهید شدم ناراحت نشوید.
- ۱ مادر عزیز، شیرت را حلالم کن.
- ۱ خیلی آرزوی شهادت دارم برای من دعا کنید.
- ۱ اگر شربت شهادت نصیبم شد ناراحت نشوید چون شهادت گریه و زاری ندارد.
- ۱ پسر شما در خدمت اسلام و در دفاع و ناموس کشور به شهادت رسیده و باعث افتخار من است.
- ۱ اگر می‌خواهید من خوشحال گردم باید جهاد در راه خدا را فراموش نکنید.
- ۱ بر هر فرد مسلمان واجب است جهاد کردن که این خود بهترین راه است.

## جمعه آفاق

### بسم الله الرحمن الرحيم

با سلام و درود فراوان به رهبر کبیر انقلاب اسلامی و سلام و درود فراوان به روح شهیدان از صدر اسلام تا شهیدان کربلا و شهیدان انقلاب اسلامی ایران و با سلام [و] درود بسیار بر ملت ایران و تمام مسلمانان جهان و سلام [و] درود بر تو ای پدر و مادر گرامی، می‌دانید که من الان در میان آتش و خون هستم و در جبهه حق علیه باطل، در حال نبرد با کفار [و] دشمنان اسلام می‌باشم و هر لحظه است که به لقاء الله پیوندم و از این فیض عظیم شهادت بهره‌مند شوم و این را خدا می‌داند. «ولی بر هر فرد مسلمان واجب است که وقتی در راه خدا و اسلام به جهاد می‌رود وصیت‌نامه‌ای داشته باشد»<sup>1</sup>، من با آن سواد کمی که دارم آنچه در دلم است و می‌توانم بنویسم، می‌نویسم.

پدر و مادر عزیزم: اگر شهید شدم ناراحت نباشید. چون این خواست خداوند بزرگ است، که ما امانت‌هایی هستیم که خداوند به شماها داده و هر وقتی که اراده کند، از شما می‌گیرد و من هم یکی از آن امانت‌های هستم که در راه الله شهید می‌شوم، پس هیچ ناراحتی ندارد و افتخار کنید که چنین فرزندی را دارید، من [را] خود بزرگ کرده‌اید و تقدیم خدا و اسلام کرده‌اید و از خدا بخواهید که به شما صبر و استقامت بدهد. «إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ»<sup>2</sup> ما از خداییم و بسوی او باز می‌گردیم و ای برادران عزیز: سلام فراوان به شما و خانواده‌هایتان، یک‌بیک می‌رسانم و امیدوارم که فرزندان خوبی هم برای پدر و هم برای مادر و هم برای جامعه<sup>3</sup> انقلاب اسلامی باشید، و تو ای همسر عزیزم: امیدوارم همسری فداکار باشید و از تو می‌خواهم، یگانه فرزندم محمدرضا را خوب تربیت کنید و تحویل این جامعه<sup>4</sup> اسلامی بدهید، وقتی بزرگ شد، از شما پرسید که پدرم چه شد؟ به او

1- ترجمه این حدیث است: «ها ینبغی لامری مسلم این بییت لیلۃ الأ وصیته تحت رأسه» (بحارالانوار، ج 3، ص 103).

2- بقره/ 156.

3- در اصل وصیت «جامعه‌ای».

4- در اصل وصیت «جامعه‌ای».

دروغ نگویند<sup>1</sup> و راستش را بگویند<sup>2</sup> که در راه خدا و اسلام شهید شد، تا راهم را ادامه دهد، امیدوارم که خداوند به تو صبر و بردباری بدهد، مانند زنان صدر اسلام زینب‌وار فرزندم را تربیت کنی و باز به همه شما می‌گویم که اگر شهید شدم ناراحت نشوید و حرف آخرم را با مادرم می‌گویم، مادر عزیز: شیرت را حلالم کن. اگر شما و پدرم ناراحتی از من دیده‌اید، به بزرگی خودتان مرا ببخشید. خداوند به شما صبر و بردباری بدهد، خیلی آرزوی شهادت دارم برای من دعا کنید.

خداحافظ

آفاق 1362/5/1

[وصیت‌نامه‌ای دیگر]

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

«وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قَتَلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزُقُونَ»<sup>3</sup>

[...] <sup>4</sup> بر جا مانده است من چیزی ندارم بنویسم. ولی بر هر فرد مسلمان واجب است وصیت‌نامه جا بگذارد. و با سلام و درود فراوان به پیشگاه رهبر انقلاب امام خمینی و با سلام و درود فراوان بر تمامی شهدای اسلام و کربلا و شهیدان انقلاب اسلامی ایران و با سلام و درود فراوان بسیار بر ملت ایران و تمام مسلمانان جهان اسلام و سلام فراوان بر تو ای پدر بزرگوار و مادر عزیزم و سلام بر تو و درود فراوان بر تو ای مادر گرامی و مهربانم که برای من و برادرانم هم پدر بودی و هم مادر و امیدوارم هر بدی از من دیدی مرا ببخشی و شیرت را حلالم کنی و سلام فراوان دارم به خدمت همسر عزیزم و صبور و فداکارم. امیدوارم از پسر کوچکم خوب نگهداری کنی و او را فرد خوبی برای جامعه بسازی و سلام دارم به خدمت برادران و خواهران عزیزم و حال ای پدر و مادر و همسر

1- در اصل وصیت «نگویند».

2- در اصل وصیت «بگویند».

3- آل‌عمران/ 169. ترجمه: «البته نپندارید که شهیدان راه خدا مرده‌اند، بلکه زنده‌اند (به حیات جاوید و ابدی) و نزد خدا متعمر خواهند بود».

4- قسمتی از وصیت‌نامه موجود نیست.

گرامی در چند روز آینده من در جبهه به عملیات خواهم رفت و اگر شربت شهادت نصیبم شد ناراحت نشوید چون شهادت گریه و زاری ندارد بلکه باید خوشحال باشید چون که پسر شما در خدمت اسلام و در دفاع [از]<sup>1</sup> ناموس کشور به شهادت رسیده و باعث افتخار من است که در این راه به شهادت برسم و باز به شما توصیه می‌کنم که برای من ناراحت نشوید. اگر می‌خواهید من خوشحال گردم باید جهاد در راه خدا را فراموش نکنید و بر هر فرد مسلمان واجب است جهاد کردن که این خود بهترین راه است و در خاتمه دیگر چیزی ندارم بگویم و آنچه بر من واجب بود بر روی این کاغذ نوشته‌ام دیگر عرضی نیست جز سلامتی اهل خانواده.

خدانگهدار

جمعه آفاق

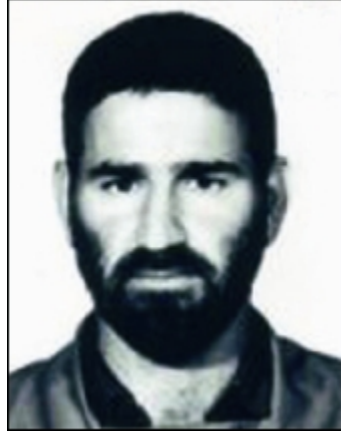
---

1- در اصل وصیت «و» آمده است.





نام: منصور  
نام خانوادگی: آقاییگی  
نام پدر: نورمحمد  
نام مادر: فرصت  
تاریخ تولد: 1334  
محل تولد: روستای حسن گاوداری از توابع  
شهرستان شیروان و چرداول  
تحصیلات: دوم راهنمایی  
ارگان اعزام کننده: سپاه  
تاریخ شهادت: بیست و هشتم مرداد 1367  
محل شهادت: ششدار ایلام  
نحوه شهادت: اصابت ترکش  
مزار: بخش صالح آباد از توابع شهرستان مهران



## عبارت های کلیدی

- ۱ مادر جان نگذارید بچه ها اذیت شوند.
- ۱ به امید پیروزی اسلام بر کفر جهانی.

## منصور آفابیگی

## بسم الله الرحمن الرحيم

با درود فراوان به رهبر انقلاب این پیر<sup>1</sup> جماران، این بت شکن زمان، این قلب تپنده مستضعفان، این خاطرات را هنگامی می‌نوشتم آماده جنگ با کافرین بودیم، نزدیک [است]<sup>2</sup> حمله شروع شود، سلام گرم از پدر مهربان و مادر عزیزم و برادران یک‌به‌یک سلام می‌رسانم. سلام گرم از فرزندان عزیزم فرشید و امیر و مهناز می‌رسانم. امیدوارم که حالتان خوب باشد و باری پدر و مادرم و برادران، اگر چنانچه به خدمتتان نرسیدم، باید مرا به بزرگی خودتان ببخشید و باری مادر جان، اگر از ما سهل‌انگاری می‌دیدید خلاصه به بزرگی خودت می‌بخشی. مادر جان مواظب بچه‌های ما باشید. مادر جان به خدا زیاد دوست داشتم که از نزدیک شما را زیارت کنم، ولی موفق نشدم. باز هم در موضوع بچه‌ها تکرار می‌کنم، مادر جان نگذارید اذیت شوند. این یک خاطراتی است که در همین جا نوشتم و در ضمن دوتا گوسفند از منصور خان جمشیدی خریدم 700 تومان به او داده‌ام و بقیه 500 تومان دیگر پهلویم مانده است. هرطوری کرده‌اید این را به او بدهید.

باری یا فرزند عزیزم فرشید اگر خدا کمک کرد، در این مرحله عملیات پیروزی به دست آوردیم و شهید نشدیم به حضورتان مشرف می‌شوم و با هم «ساختمان را به جای آخر خود می‌بریم»<sup>3</sup> و امیدوارم به خدای متعال که یکدفعه<sup>4</sup> دیگر با هم جمع شویم و آن شور و هیجان [را] که باید داشته باشیم به پا کنیم. به امید پیروزی اسلام بر کفر جهانی.

منصور آفا بیگی

تاریخ 62/5/6

1- ر.ک. تعلیقات.

2- واژه «است» به وصیت اضافه شده.

3- «ساختمان را به جای آخر خود می‌بریم» یعنی ساختمان را تمام می‌کنیم، آن را می‌سازیم.

4- در اصل وصیت «یکدفی»



### خاطرات

• نگارنده: سید زینب  
• متن: فاضل، میرزا محمد، جوهرت زاری، علی شکر، شایان،  
سید، سعادت، پروین، راستگویی، شاد قاری امامزادان (ع)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
بنام خداوند بخشنده مهربان

با درود فرادان، در عهد انقلاب این سر  
جهان این بیت شکر زمان این  
طلب پندیده استقصایان این  
خاطرات را هنگامیکه من نوشتم آماده  
جنگ با کافرین بودیم نزدیک حمله شروع  
شود سلام گرم از پدر مهربان و مادر عزیزم  
و برادران یک یک سلام گرم میرسانم  
سلام گرم از فرزندان عزیزم فرستید  
و امیر و مهدی و میرسانم امیدوارم که



خاطرات

پایان: بواسطه جراحی نادره که به سلامت و روشن تر  
 از اسناد روحی از جود و کرمی روحی از جود و کرمی روحی از  
 پدر و مادر

حالتان خوب باشد و بارش یا پدر و مادرم  
 و برادران اگر چنانچه به خدمتشان نرسیدیم  
 باید مراد به بزرگن خودتان می‌بخشید و بارش  
 مادر جان که از ما و سوهانقا رس می‌دیدید  
 خلاصه به بزرگن خودت من بخش مادرم  
 مواظب بچه‌ها را ما با بسید مادر جان  
 به خدا نزدیک دوست داشتیم که از نزدیک  
 شما زیارت کنیم ولی موافق نردم  
 یازم در موضوع بچه‌ها تکرار می‌کنم که مادر جان  
 نگذارید از دست بگوئید این یک خاطراتی  
 است که در همین جا شو تقسیم





### خاطرات

در کعبه از کسی که سخن بگوید، زبان جگر به جسد  
و در کعبه از کسی که سخن به جسد نبرد، کعبه از او پیش  
برود و او در کعبه از کسی که در کعبه بیرون آید، دست به  
عقل نهد، خدا، کعبه، آن خطا بر سر او افتد.

ولورفته دو تا گو سفند از منصرفان  
چهارصد خریدیم بی تومان به او داده ام  
و بقیه ۵۰۰ تومان دیگر بر رویم مانده است  
هر طور کرده اند این را به او دیده اند

بارس یا فرزند عزیزم فرستید که خاکش کرد در این  
مرحله عملیات بیرون بدست آوردیم و سر  
شدهیم بخضرتان مشرف می شویم و با هم ساکنان  
راه جان آخر خود من بریم و امیدوارم بخیران  
مقال که بگذری دیگر با هم جمع شویم و آن  
شور و هیجان که باید داشتند یا سینه پاره  
کنیم به امید پیروزی اسلام بود که جوانی

منصور آقابیک تاریخ ۶/۵/۶۲

نام: صیدطهماسب  
نام خانوادگی: آقاجانی  
نام پدر: میرطهماسب  
نام مادر: شیرین طلا  
تاریخ تولد: سیزدهم تیر 1334  
محل تولد: روستای رومشکان از توابع  
شهرستان خرم آباد  
تحصیلات: اول راهنمایی  
ارگان اعزام کننده: بسیج  
تاریخ شهادت: بیست و نهم خرداد 1367  
محل شهادت: مهران  
نحوه شهادت: اصابت ترکش هنگام  
درگیری با منافقین  
مزار: گلزار شهدای شهرستان دره شهر



## عبارت‌های کلیدی

- ۱ من پاسداری هستم از سلاله خون جملگی شهیدان اسلام.
- ۱ من سرباز اسلام و فرزند خمینی هستم.
- ۱ این کوردلان باید بدانند اگر اسلام پای گیرد جای آنان دیگر در زباله‌دان تاریخ است.
- ۱ سنگرها را خالی نکنید، که خالی گذاشتن آنها خیانت به اسلام و خون شهیدان است.
- ۱ از پدر و مادرم تشکر می‌کنم که برای من زحمات فراوان کشیده‌اند و مرا این گونه تربیت کردند که بتوانم حسین‌وار زندگی کنم و حسین‌وار شهید شوم.

## صیدطهماسب آقاجانی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

«وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرَزِّقُونَ»<sup>1</sup>

«هرگز گمان مبرید کسانی که در راه خدا شهید گردیده‌اند، مرده‌اند بلکه آنان زنده‌اند و در نزد پروردگار روزی می‌خورند».

من پاسداری هستم از سلاله خون جملگی شهیدان اسلام و وارث خون‌های قرن خطِ سرخِ شهادت و تشیع، که در زمانه [ای] و مقطعی پرمخاطره قرار گرفته‌ام و مسئولیت‌ها بر دوشم [بار] سنگینی افکنده‌اند و آینده را با چشم‌های خود می‌نگرم. پس به فکر این افتاده‌ام که دو راه در پیش دارم، یکی راه حسین وار، مانند شهدای گذشته، با تمامی وجودم، راه پوییدن و رفتن را انتخاب کنم و به صفوف شهدا بپیوندم و یا راه یزیدیان زمان را انتخاب کنم.

من سرباز اسلام و فرزند خمینی هستم و من تصمیم گرفته‌ام که به سهم خودم به جبهه بروم و برای آزادی کشورم بکوشم و بله این کوردلان باید بدانند اگر اسلام پای گیرد جای آنان دیگر در زباله دان تاریخ است. چنانکه علی (7) در محراب شهید شد، و «به خدا قسم خورد که از این دنیا راحت شدم» پس من نیز باید بگویم. در صحنه باشم که اگر نباشم تنها نامم شیعه است و رسمم شرک.

لذا برادران و دوستان و هم‌زمان می‌خواهم برای شادی روح من سنگرها را خالی نکنید، که خالی گذاشتن آنها خیانت به اسلام و خون شهدا است.  
خدایا خدایا تا انقلاب مهدی (عج) خمینی را نگه دار.

پس از پدر و مادرم تشکر می‌کنم که پای من زحمات فراوان کشیده‌اند و مرا این گونه تربیت کردند که بتوانم حسین وار زندگی کنم و حسین وار شهید شوم و در آخر شما را به صبر و تقوی<sup>2</sup> سفارش می‌کنم و از شما می‌خواهم ای همسر طوری برای من عزاداری

1- آل عمران/ 169.

2- در اصل وصیت «تقوای».



کنید که خدای نکرده ضجه و گریه شما باعث خوشحالی دشمنان [و] غمگینی بچه‌هایم شود و بچه‌هایم را به راه اسلام و قرآن هدایت کن، همانند راه من و موفقیت همه شما را از خداوند خواستارم.

«والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته»

حقیر شما صیدطهماسب<sup>1</sup> آقاجانی

در تاریخ: 65/9/7

بسم تعالی مریم را راه  
 به تحسین لاله بین قتلوا فی سبیل اللہ (موا تا قبل احواء غنہ رحم برزقون)

مرکز استان ایلام  
 در راه خردمند که کسای در راه خردمند گردیده اند مرده اند کلبه آمان  
 هواره زنده اند و در نزد خدا منتقم خواهند شد

من با ساری هستیم از سلا لاله خون علی محمدان اسلام و وارث خودها  
 قون طاسرح نهادت و شمع که در زمان ای و عظمی بر نفاطه قرار گرفته ام  
 و شویو لیتها بردوشم نسلینی آفنده اند و آئنده را با جسمهای خود می گویم من به  
 خردی افتاده ام نه دوره در پیش دارم بی راه من و اما تند محمد را می گذرسته  
 یا تهمی وجودم راه پویدن و زرقین انتخاب کنیم و به صوت محمد با پیوستیم  
 و باره نیز بدان زمان را انتخاب کنیم (یعنی مکتب محمد) لا  
 من سر بازی اسلام و فرزین عشق هستیم و من تصمیم گرفته ام که به پیغم خودم  
 به جمل بروم و برای آزادی کشورم بگویم (بله این کوردلان بیا شد از اسلام  
 با گوگیر جایی آنان زگو در زمانه دان یار و است)

چنانکه علی در حباب محمد شد و قسم محمد خوردند از این دنیا راحت شدیم من  
 من نیز باید بگویم در صفت با شما که اگر نباشم و تنها نامم شیعه است  
 در رسم شرف. لذا برادران و دوستان و همزمان من خواهم برای شادی  
 روم من سگهارا خانی نکلید که خانی ندانستن آنرا ضایعت به اسلام و  
 خون محمدان باشد.

خداوند خدایان انوار محمدی را بگردار



۶۲۲۲

این از پدرم و مادرم تشکر من کنم که با بی من رحمت فرلوان کشیده اند  
و برای این گونه تربیت کردن که بتوانم حسین وارز زنگی کنم و  
حسین وارز بخندم و در راه فرشته را به صبر و تقوای سفارش من کنم .

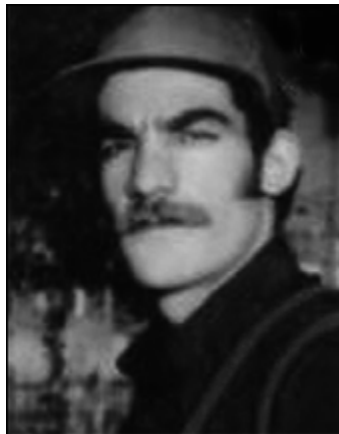
و از شما من خواهم این عزم طوری برایم عذارای کشیده خدای نکرده همه دیگر من  
باعث خوشی در شما و محبتی بجهت ما شود و بجهت ما راه اسلام قرآن  
هدایت کن می تدر راه من و توفیق همه شما را از فراز خواستارم .

و سلام بکنم و رعایت برکات

قدت صدق من استقامتی در تاریخ ۷، ۹، ۱۰



نام: امیر  
نام خانوادگی: آقایی  
نام پدر: جهانگیر  
نام مادر: حیران  
تاریخ تولد: دوم شهریور 1337  
محل تولد: روستای سر تنگ از توابع  
شهرستان ایوان  
تحصیلات: بی سواد  
ارگان اعزام کننده: ژاندارمری  
تاریخ شهادت: دوم فروردین 1361  
محل شهادت: شوش  
نحوه شهادت: اصابت گلوله  
مزار: گلزار شهدای شهرستان زادگاهش



## عبارت‌های کلیدی

- ۱ در زندگی همواره جانب حق را بگیرید.
- ۱ از این که می توانم در جبهه حق علیه باطل، بجنگم بسیار خوشحال هستم.
- ۱ درخت اسلام باید با خون ما مسلمان‌ها آبیاری شود تا رشد نماید.
- ۱ خواهش می‌کنم با از دست دادن من نسبت به امام و اسلام دلسرد نشوید.

## امیر آقایی<sup>1</sup>

### بسم الله الرحمن الرحيم

با درود بر رهبر کبیر انقلاب و پیروزی اسلام و طلب مغفرت از خداوند سبحان و درود بر پدر و مادر مهربانم، سخنان خود را با آنان چنین آغاز می‌نمایم.

پدر و مادر عزیزم امیدوارم در زندگی موفق باشید و همواره جانب حق را بگیرید. پدر جان من از این که می‌توانم در جبهه حق علیه باطل، بجنگم بسیار خوشحال هستم، در صورتی که سعادت نصیب شد و شهید شدم برای من ناراحت نباشید و اصلاً برایم گریه نکنید. چون درخت اسلام باید با خون ما مسلمان‌ها آبیاری شود تا رشد نماید. خواهش می‌کنم با از دست دادن من نسبت به امام و اسلام دلسرد نشوید و عوض گریه کردن و تأسف، از خداوند برایم طلب آمرزش و عفو نمایید. من می‌دانم تمام وجودم بعد از خداوند از شماست. امیدوارم زحمات و رنجی که در راه رشد من متحمل شده‌اید بر من حلال<sup>2</sup> کنید.

خداحافظ شما - به امید پیروزی اسلام و نابودی کفر در جهان.

«والسلام<sup>3</sup> علیکم و رحمة الله و برکاته»

فرزند شما

امیر آقایی از جبهه شوش

---

1- در اصل وصیت «آقایی».

2- در اصل وصیت «هلال».

3- در اصل وصیت «وسلام».

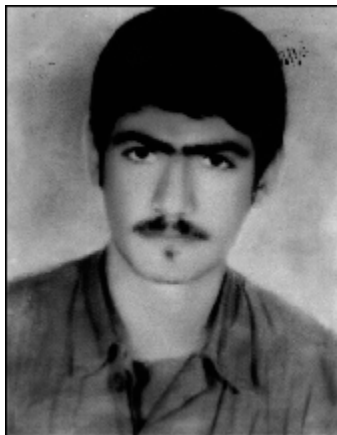


و جناب فقید لیسر آناه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ : درود بر حکیم کبیر الادب و پیر دردمند و طلب  
 سعادت که طایفه ایمان دلور و بید و مایه دردمند هم سخنان خود را - آدل خیرین  
 آغاز میهنیم . بد و داد عزیزم لیسر ایلام در زنده نگه داشتن موقوفه ، تشیخ و حموله حساب خوبیا  
 بفریدید بد و بد من از آنکه نتوانم در خود حق عهد باطن و تکلم بیدار خود بخدا  
 حقیقت در هر یک که در دست نصیبم شد که تشیخ تمام بر امر و نه راحت باشد و ایضا  
 بر ایم کرد تشیخ چون رحمت ایلام بید ، خون و مسکنها آید بر روی خود آورده تا  
 خواجش هر کس ، دل بست ، دلان من نسبت به نام و ایلام و مسرد تشیخ و در هر یک  
 آدل و در ایلام که طایفه بر ایم طلب آید از من و عهد با نزد من سواد تمام نام و ایلام  
 عدله خدایه آید است امید ایلام ز غایت در تخم کند در داد بسته من محفل تشیخ و ایلام  
 در من حصول کند در ادب و طایفه

امید بر در ایلام و داد بر در خود من و ایلام و تکلم و تشیخ  
 در ایلام لیسر آناه که خود نوشت

نام: خلیل  
نام خانوادگی: آقایی  
نام پدر: علی  
نام مادر: گوهرتاج  
تاریخ تولد: هفتم اردیبهشت 1346  
محل تولد: روستای گل گل از توابع  
شهرستان آبدانان  
تحصیلات: پایان دوره راهنمایی  
ارگان اعزام کننده: سپاه  
تاریخ شهادت: سی و یکم خرداد 1366  
محل شهادت: بانه  
نحوه شهادت: اصابت ترکش  
مزار: گلزار شهدای شهرستان زادگاهش



## عبارت‌های کلیدی

- ۱ من نمی‌ترسم از مرگی که خود زندگی است.
- ۱ اماما به ندایت لیبیک گفتم.
- ۱ ندای «هل من ناصر ینصرنی» آن امام مظلوم حسین (7) را لیبیک گفتم.
- ۱ برادران عزیزم بعد از من سنگرم را خالی نکنید.
- ۱ سلاحم را به دست بگیرید و در میدان نبرد برزمید.
- ۱ ای مردم مسلمان ایران مساجد را خالی نگذارید.
- ۱ پشت جبهه را قوی نگه‌دارید.

## خلیل آقای

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِهِ تَعَالَى

خرم آن روز کزین منزل ویران بروم راحت جان طلبم وز پی جانان بروم<sup>1</sup>  
«الَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ<sup>2</sup> وَأَنْفُسِهِمْ أَكْبَرُ دَرَجَةً عِنْدَ اللَّهِ»<sup>4</sup>  
«کسانی که در راه خداوند ایمان آورده‌اند و در راه خدا جهاد و هجرت نمودند درجات  
بلندی نزد خدای دارند»<sup>5</sup>.

من نمی‌ترسم از مرگی که خود زندگی است، مرگی که روحبخش دل‌ها و [موجب]<sup>6</sup>  
آرامش قلب‌ها می‌گردد. اماما<sup>7</sup> به ندایت لبیک گفتم و ندای «هل من ناصر ينصرني»<sup>8</sup> آن امام  
مظلوم حسین (7) را لبیک گفتم. ای جوان‌های اسلام هی نگویید<sup>9</sup> که من چندمین بار  
است که به جبهه می‌آیم، به خدا قسم وقتی که من از جبهه به مرخصی می‌رفتم قلبم آرام<sup>10</sup>  
نمی‌گرفت، و فکر می‌کردم که مبادا هم سنگران بنده شهید بشوند و من زنده بمانم. مادر  
جان مبادا در فقدان من گریه کنید، چون که [با] گریه کردن بر مزار من، قلب دشمن را  
روشن می‌کنید، و از گریه کردن شما [...].<sup>11</sup>

1- شعر از حافظ است.

2- در اصل وصیت «سبيله الله».

3- در اصل وصیت «به اموالهم».

4- توبه/ 20.

5- در اصل وصیت «دارند».

6- در اصل وصیت واژه «موجب» افتاده است.

7- در اصل وصیت «امام ما».

8- ر.ک. تعلیقات.

9- در اصل وصیت «نگوئید».

10- در اصل وصیت «آرامش».

11- گویا قسمتی از وصیت افتاده است.



برادران عزیزم بعد از من سنگرم را خالی نکنید و سلاحم را به دست بگیرید و در میدان نبرد برزمید. ای مردم مسلمان ایران مساجد را خالی نگذارید، چون که امام می‌فرمایند «مسجد را پر کنید چون مسجد سنگر است»<sup>1</sup> سنگر مسجد خالی نماند. پشت جبهه را قوی نگه دارید. پس باید مساجد را پر کنید. در پایان سلام مرا [به] تمام اقوام و آشنایان برسانید و بگویید کسانی که از بنده ناراحت می‌باشند، ما را ببخشند.<sup>2</sup> و ادامه دهنده راه ما باشید.

به امید پیروزی رزمندگان اسلام بر کفر جهانی و به امید زیارت کربلا و قدس<sup>3</sup> عزیز.

با تقدیم احترام

خلیل آقایی

---

1- صحیفه امام، ج 12، ص 1393.

2- در اصل وصیت «ببخشید».

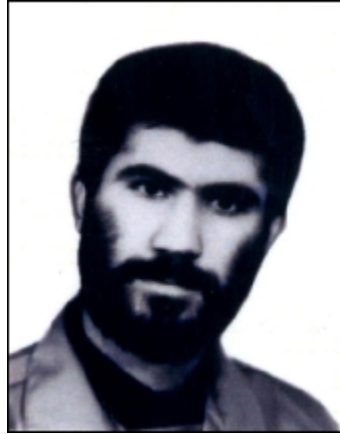
3- ر.ک. تعلیقات.

لذت

ختم علی رضا کون منزل دیوانم  
 طاعت ما طلبم دی جانانم  
 لیسیم سعاد و هاجروا و جاهدوا به انوارهم و انفسهم فی سبیل الله اعظم درقه  
 نمودار - گناهی که در راه فریادند ای کس در ده اند و در راه خود جهاد و هجرت  
 نمودند و در راه خود جهاد و هجرت نمودند - فرستیم از مری که فرد روزی است  
 رنگی که در بعضی دلها و آرزویش قلمها میزد - اما گناه نه است لیک گنیم و پای  
 حل من داور صبر در آن امام مظلوم (ع) را بیک لقمه ای جویانند مظلوم  
 حق نگردد که در عین صبر بار است که به جبهه می آید خدا انتم و فرزند که من از جبهه  
 به هر عصری در فتنه طلبیم آرزویش می گویند و هر کس که در آن جهاد کند  
 شهید می شود و موسم زوره بجای هر باره ای عبادا در فتنه ای می گویند چه کند  
 سگ که در آن در سزار غم تب و دشمنی را می کشند و از روی گردان می شود

و در آن روز که خداوند بخواهد در روز قیامت  
 بجز عید اربعین سال اول و دوم را خالص کند  
 و بکند چون عید شکر است که در آن روز است  
 میوه و عید را که کند در روز شکر از تمام عید  
 و عید و عید را که کند از همه عیدها و عیدها  
 و عیدها به عید و عید و عید و عید و عید  
 عید اربعین عید اربعین عید اربعین

نام: عباس  
نام خانوادگی: آقایی  
نام پدر: حاجی عباس  
نام مادر: صنم  
تاریخ تولد: دهم اسفند 1338  
محل تولد: شهرستان ایلام  
تحصیلات: سوم متوسطه  
ارگان اعزام کننده: سپاه  
تاریخ شهادت: چهاردهم بهمن 1362  
محل شهادت: سومار  
نحوه شهادت: سانحه رانندگی  
مزار: بخش صالح آباد از توابع شهرستان مهران



## عبارت‌های کلیدی

- ا شهادت مسیری است که هر از راه رسیده‌ای [را] توان قدم نهادن و پیمودن آن نیست.
- ا مؤمن در هر مقطع و زمان و مکانی که باشد، آماده لبیک به ندای حق است.
- ا پوشیدن جامه شهادت بر تنم بالاترین آرزویم همین بود.
- ا ما می‌رویم تا آنچه از ابراهیم به محمد و از محمد (ﷺ) به اهل بیت و از آنها به اولیاء بر حق مسلمین، رسیده است، زنده بماند.
- ا مفهوم انسان مسلمان بودن، یعنی سراپا تعهد و مسئولیت و امانت داری.
- ا من با خونم امام را یاری می‌کنم، در حیاتم که یاری نتوانستم.
- ا مادرم ما زنده به آنیم که مکتب زنده است.
- ا مادرم پیش از آنکه فرزند تو باشم، بنده خدایم.

عباس آقایی<sup>1</sup>

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

و بِسْمِ رَبِّ الشَّهَادَا

«اللَّهُ اشْتَرَىٰ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةُ»<sup>2</sup> (سوره توبه آیه 111)

شاید برای پیروان راه حق و پویندگان حقیقت و ایمان آورندگان به توحید و معاد تنها مفهوم همین آیه، که قطره‌ای از دریای بیکران نور قرآن است، کافی باشد که خداوند از بنده ناچیز خود چه چیزی را خریداری می‌نماید و در عوض چه‌ها که به او عطا نمی‌کند، نازلترین، ناچیزترین و ناقص‌ترین بها، در مقابل بالاترین، والاترین و نادرترین کالا.

شهادت هدفی است که همه کس [را] یارای رسیدن بدان نیست و مسیری است که هر از راه رسیده‌ای [را] توان قدم نهادن و پیمودن آن نیست مگر مؤمنین و آنان که در انتها و سر حدّ هر سیر تکاملی خویش، تنها معبودشان که الله است، قرار داشته باشد و یا در هر تحرکشان به قول امام سجّاد (7) از من الله [و] به‌الی الله و در جهت رضاء الله باشد و آن وقت است که اگر این آرمان تحقق یابد، مؤمن در هر مقطع و زمان و مکانی که باشد، آماده لیبیک به ندای حق است. و اما سخنی با شما والدینم و دوستانم، قبل از هر چیز به مادرم و اینک مادرم که از همه کس و از هر چیز بجز هدفم برایم مقدس‌تری<sup>3</sup>، به تو می‌گویم که در پیمودن این صراط و انتخاب این هدف و پوشیدن جامه<sup>4</sup> شهادت بر تنم و بالاترین آرزویم همین بود، هیچ اجبار و تعبدی نبوده است و تنها برای تحقق آرمان‌های مکتب و لیبیک به ندای حق که می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًّا كَأَنَّهُمْ بُنْيَانٌ مَّرْصُومٌ»<sup>5</sup>

1- بالای وصیت شهید آقایی این مطالب را نوشته‌اند: «متن وصیت‌نامه پاسدار شهید عباس آقایی فرمانده سابق پاسداران ایوانغرب که در تاریخ 21 رمضان سال 1360 مصادف با شهادت مولای متقاضیان علی (7) بر روی نوار کاست ایراد فرموده بودند».

2- ترجمه: «همانا خداوند از مؤمنین جان‌ها و اموالشان را می‌خرد و در مقابل بدانان بهشت را خواهد داد».

3- در اصل وصیت «مقدسی».

4- در اصل وصیت «برگزیدن جامعه».

5- صف / 4. ترجمه: «خداوند کسانی را که در راهش می‌جنگند و مانند بنیان مستحکم و شکست‌ناپذیر مقاومت می‌کنند، دوست می‌دارد».

و تنها برای پیوستن به برادرانم از عهد هابیل<sup>1</sup> تا کربلای خمینی که همواره با نثار خونشان، دست رد بر سینه هر طاغی زدند و با اهداء سرمایه حیاتشان به خفتگان تاریخ فهماندند که ما می‌رویم تا آنچه از ابراهیم به محمد و از محمد (6) به اهل بیت و از آنها به اولیاء بر حق مسلمین، رسیده است، زنده بماند و ما می‌رویم تا دیگران عبرت گیرند و آنها نیز با نثار حیاتشان، این ودیعه را سالم و در چهره واقعی به نسل‌های آینده واگذار نمایند، تنها به همین خاطر و افتخاراً این صراط را انتخاب کردم و مطمئن باشید بهترین انتخاب است.

مادرم، پیش از آنکه فرزند تو باشم، بنده خدایم، تو برایم مقدسی، عزیزی، سروری، اما معبود و هدفم نیستی و برای نیل به هدف، باید از همه چیز گذشت، حتی از تو، زیرا ما زنده به آنیم که مکتب زنده است، وای به روزی که برسد امروز و رسیده است و می‌دانم این انتخاب برای تو بسیار دشوار است. اما مادرم، باز به خود آییم<sup>2</sup> و کلام خدا را بنگریم که می‌فرماید: «فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا فَإِذَا فَرَغْتَ فَانصَبْ وَإِلَىٰ رَبِّكَ فَارْغَب»<sup>3</sup> به به که چه آیتی. اگر می‌خواهید روح مرا شاد کنید، هیچ وقت برایم گریه مکن و به خود افتخار کن که تو نیز به سعادت رسیده‌ای و جگر گوشه‌ات را به خدا سپرده‌ای، نه به چیز دیگر. پدران، برادران، یاران و دوستان، دیگر جایی در این سرزمین برای زیستن ما نخواهد بود، اگر به رسالت خویش تعهد داشته باشیم. اگر ما تعهد داشته باشیم، رسالتمان این است که علی (7) می‌فرماید: «ذلیل ترین مردم قومی هستند که کوچه‌های شهرهایشان در زیر پای بیگانگان بلرزد»<sup>4</sup> و اینک این فرموده علی (7) و این هم ما و این شهرهای غصب شده ما و مصیبات وارده، قضاوت با خودمان. آری مسلمان که سهل است، هر فرد که تعهد انسانی داشته باشد، پس از این همه جنایت، تحمل و سکوت

1- ر.ک. تعلیقات.

2- در اصل وصیت «به خود آئیم».

3- انشراح / 5-8. ترجمه: «همانا با دشواری آسانی است. پس چون [از کار] فارغ شدی به عبادت کوش و رنج آن را بر خود هموار کن و به سوی پروردگارت روی آر».

4- فعل «می‌فرماید» تکراری است.

5- نزدیک‌ترین عبارت از سخنان حضرت علی (7)، فرازی از خطبه 27 «جهاد» است. «فمن ترکه رغبة عنه البسه الله ثوب الذلّ و شملة البلاء» (خطبه 27، نهج البلاغه ترجمه سیدجعفر شهیدی، ص 27).

برایش مفهومی ندارد. مادرم، برادرانم، یارانم و دوستانم به خدا سوگند، بدانید بهترین و با عظمت‌ترین لحظات شادیم هنگامی است که پیکرم پس از تطهیر بسوی گورستان، به میعادگاه برادرانم و عزیزانم که از میان جاهلیت ایلی و قومی برخاستند و ندای حق را در کربلای میمک<sup>1</sup> و سایر صحنه‌های امتحان لبیک گفتند، حرکت داده می‌شود. آری والاترین ایام است آن هنگامی که در معیت پروردگار، عزیز و روح الله و اکبر<sup>2</sup> و سایر برادرانم را ملاقات می‌کنم و نیز آن زمان است که برای خود ارزش قائل می‌شوم که مفهوم انسان مسلمان بودن، یعنی سرا پا تعهد و مسئولیت و امانت داری در خود دیدن و آن هنگام است که درک می‌کنم و آرمی که روی سینه‌ام نصب شده است<sup>3</sup> «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ»<sup>4</sup> بی‌تعهد نبودم و من هم به عنوان انسانی مسئول، وظیفه‌ای که الله برای هر فرد مسئول تعیین نموده و ودیعه‌ای که به من سپرده شده بود، آنچه داشتم قربانیش کردم و به‌دست تو ای هم‌رمز و ای انسان مسئول و ای مسلمان خادم حسین (7)، سپردم که در این امانت، جز تا به‌دست مهدی (عج‌الله) رسیدن، غفلت، خیانتی بس عظیم است. و اینک من با خونم امام را یاری می‌کنم، در حیاتم که یاری نتوانستم.

«وَالسَّلَامُ عَلَيَّ مِنْ أَتَّبِعِ الْهُدَى»

«وَالسَّلَامُ عَلَيَّ الشَّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ»

«وَالسَّلَامُ عَلَيَّ الشَّهَدَاءِ وَالصَّادِقِينَ»

1- ر.ک. تعلیقات.

2- در معرفی افراد موردنظر ذیل وصیت‌نامه این عبارت آمده است «منظور ایشان شهیدان عزیز نیازیان، روح‌الله شنبه‌ای و اکبر فرجیانزاده که هم‌رمز بوده‌اند».

3- غرض از آرم، آرمی است که بر لباس‌های سازمانی اعضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نصب است و بر آن بخشی از آیه 60 از سوره انفال به چشم می‌خورد.

4- بخشی از انفال/ 60، ترجمه: «برای کارزار با آنها آنچه می‌توانید نیرو و اسبان بسته و زین کرده آماده سازید».

بسم الله

سنت و عیبت نه در راه شهر **ع** کما یح فرزند سابق سیاه اسدوان **ا** قرب که در تاریخ ۲۱ رمضان سال ۱۳۹۰ هجری قمری در راه شقایق ۲۰۲۰ بر روی نوار کماست ایلام فرزند، پسران.

بسم القدر حق المزمع و بسم الله

ای الله انشر من الریح الغمام واسأل بان تم الحینه

شعبه بر روی پسران راه حق و بر میزبان حقیقت و ایمان آورنده آن به شهادت و داد، آنکه معلوم همین است که مظلومان از دریا بیگانه نمانند، است که نه باشد که خداوند از بندگانش چیز خود میبرد پس از هر چیزی که نامش در حقش بیرون آید که به او محال نماند، نازترین و عزیزترین و ناقصترین بها، در سوال بالادریز، و بالاترین و نادرترین گام است.

نه است هدفیت که همه کسی یادش رسیدن بدان نیست و سر نیست که هر از راه سینه های توان قدم نهادن بر میزبان آن نیست، مگر سوزش و آنکه که در انتها و سرحد هر سرگشایی خورشید، تنها عبودت آن که الله است، و قرار نیست باشد، و با در هر حرکتی که در آن هم چهار تا، از سن الله و با حق و در جهت و با الله باشد، و آن وقت است که اگر این امران تحقق یابد، سوزش در هر صفت و نوزاد و مکانی که باشد، و آنگاه که یک، نادر حق است.

صافا سینه با مشا و الیم و در ستان، جل از هر چیز با آدم، و آنیک با هم که از هر کسی و از هر چیز بجز هدفم میزبان حدس و به تر سوزیم که در میزبان این صراط و انتساب این هدف و بر میزبان جامعیت است بر تنم، و بالا ترین که دریم همین بود، هیچ چیزی و عقیده نبوده است و تنها برای تحقق آرزوی ما کتب و لیکت، به نام حق که در میزبان:

ای الله یجب له ان یفعل من سبیل صفا، کما نعم شیخ مخصوص، و تنها برای پیوستن به برادرم از عهد هایل تا کربلا، همین که هر را، با شاد خندان، دست از بر سینه هر طایفه زنده با اهدا سر نه با بیانشان، و حقیقت آن که هیچ فغانه که ما در روم تا آنچه از ابراهیم، محمد و از محمد پس، به اصل بیست و وار آنکه، او به بر حق مسلمانی رسیده است زنده ماند، و ما در روم تا کربلا عبرت گیرند و آنچه نیز با خاد حیاستان، این در سینه را سالم و

در هر راه و امن به سینه آینه بر آینه از نایب، تنها به همین خاطر و اقتدار این صراط را در کتاب کردم و مطلق - بشید بهترین انتساب است.

مادم، و پیش از آنکه فرزند که چشم، بنده خدایم، تو میزبان مدس، عزیزم، سروری، اما عبود و هدفم بر من صبرایم مثل: هدف، با به از همه چیز که نه است، صفا از تو، زیرا ما زنده بودیم که کتب زنده است، و با ما روزی که برسد امروز در رسید، و در دایم این انتساب بر ما تر بسیار دشوار است، اما مادام و باز



به خود آئیم و سلام خدا را بفرستیم که من فرماید: «بِقَوْلِكَ سَعِ الْتَسْبِيحُ سِرًّا إِنَّ سَعِ الْتَسْبِيحُ سِرًّا يُبَادِرُ الْفَرْقَةَ  
فَمَا نَصَبَ وَإِنَّ رُبَّكَ تَارُغِبُ» به به که چه آید آن ، اکثری ظاهره در جمع مرا شد و گنبد هیچ وقت  
برایم گنبد کن و به خود اشیا کن که من نیز به سعادت رسیده ام و جگر گوی وقت را به خدا سپردم نه به پیوسته  
بیرون ، برادران ، یاران ، دوستان ، دیگر جایی در این سرزمین برای زمین ما نخواهد بود ، آخرت رست خردن تقد  
درشته باشیم ، اگر ما تقد داشته باشیم ، رسانتان این است که علی <sup>ع</sup> فرماید من فرماید: «بِقَوْلِكَ سَعِ الْتَسْبِيحُ سِرًّا  
فَمَا نَصَبَ» که چه من گنبد کن روزی با من نگاهت کن بود ؟ و آنکه این فرموده علی <sup>ع</sup> را این هم ما و  
این ترها هم عقب رفته ما و معنیات ولده ، تقد و است با خودمان .

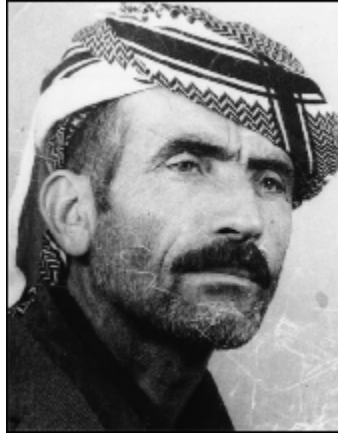
آدم سنان که سهل است ، هر فرد که تقد انسان داشته باشد ، پس از زمین در جنایت ، تحمل و سکوت باقی  
مقدوم ندارد .

با دم ، برادرانم ، یارانم ، دوستانم ، بنده سوگند بدانید بهترین و به عظمت ترین لحظات شب بهم هنگام است که  
بیکرم پس از آنکه نظیر بسوی گنبدستان ، ای سعادتگاه ، برادرانم و عزیزانم که از میان جاصلیت ایلی و شهرت برخواستند و  
نداشتن حق را در گنبدان بیگانه و سایر معجزات است آن لبیک گفته ، حرکت داده می شود .

آدم و بالاترین ایام است آن هنگام که در معیت برادرانم ، عزیزانم و روح الهی را که برادرانم و ملاقات  
میکنم و نیز آن زمان است که برادران خود از من تامل می کنم که مقدم انسان سنان بودن ، یعنی سرایان تقد  
و مشورت و استواران در من در خدمت دیدن و آن هنگام است که در گنبد گنبد که در من سینه ام نصب شده  
است . . . و بعد از آن با استقامت من ، قره قرین را تا اعمیل تر جهول به عدولت و قدونم . . . می تقد نمودم و من  
هم بعضی از انسان مشول ، و غنچه های که الله برای هر فرد مشول تعیین نموده و در دیده ام که با من سپرده  
شده بود ، آنچه که در چشم قره قرینم کرده و به دست تقد این عزیزان و ان انسان مشول و ان سنان خادم حسین  
سپردم که در این امانت ، جز تا بر دست خودی رسیدن ، حفظت ، خیانتت پس عظیم است .

و آنکس من با خدمت امام را یاری می کنم ، در حقیقتم که یاری سترافتم .  
و اهدام معز من آتی الله  
و اهدام معز من آتی الله  
و اهدام معز من آتی الله

① مقدوم و نیز عزیزانم ، روح الله شهیدان را که فرجیا نژاده است که هرگز برود اند .



نام: احمد  
نام خانوادگی: آواره  
نام پدر: ابراهیم  
نام مادر: چرمه  
تاریخ تولد: ششم اسفند 1315  
محل تولد: روستای باولگ از توابع شهرستان مهران  
تحصیلات: در حد خواندن و نوشتن  
ارگان اعزام کننده: بسیج  
تاریخ شهادت: یکم دی 1363  
محل شهادت: چنگوله  
نحوه شهادت: اصابت گلوله  
مزار: امامزاده پیرمحمد شهرستان زادگاهش

## عبارت های کلیدی

- ا افتخارم شهادت است.
- ا عشق به الله چنان مرا شیفته کرده که دیگر عازم خانه نمی شوم.
- ا چه افتخاری [بس] عظیم [تر از] شهادت.
- ا امیدوارم که با مدد و استعانت خداوند متعال چنان بر پیکر زیون و [دشمن] ناخلف لرزه افکنیم، تا دیگر نامی از این ملعون جنایتکار باقی نماند.
- ا تا قطره ای خون در بدن دارم، شعار «حسین حسین شعار ماست، شهادت افتخار ماست» را هرگز فراموش نخواهم کرد.
- ا آرزوی بنده چنین است که پرچم «اسلام ناب محمدی» در سرتاسر جهان به اهتزاز در آید.

## احمد آواره

## بسم الله الرحمن الرحيم

دروود بیکران بر رهبر معظم انقلاب اسلامی امام خمینی سلام ای برادر که تو وصیت این برادر بسیجی [را]<sup>1</sup> می‌خوانی و جمله را منتشر می‌نمایی. افتخارم شهادت است. راه برادرانی که در وادی‌های قلاویزان<sup>2</sup> و مهران<sup>3</sup> به درجه رفیع شهادت نائل آمده‌اند، ادامه می‌دهیم.

بر تو ای زن و فرزندانم و سایر بستگانم سلام می‌رسانم و می‌دانم که همگی چشم انتظار این رزمنده بسیجیان می‌باشید. چه کنم که عشق به الله چنان مرا شیفته<sup>4</sup> کرده که دیگر عازم خانه نمی‌شوم. عازم برای کوبیدن و رزمیدن و من جان برکف، چه افتخاری [بس] عظیم [تر از]<sup>5</sup> شهادت که مرا به سوی خویش مجذوب کرده که مرا یک دم و یک لحظه در طاقت و قرارم و این بادبانهای خروشان اسلام، هرگز فراموشی نمی‌پذیرد.

بار دیگر مجدداً سلام را که همراه با هزاران<sup>6</sup> شور و شوق از اعماق قلبم سرچشمه گرفته، تقدیم می‌نمایم، حلالم کنید که من رفتم، دیگر جای مراجعت نیست و امیدوارم که با مدد و استعانت از خداوند متعال چنان بر پیکر زبون و [دشمن]<sup>7</sup> ناخلف صدام لרزه افکنیم، تا دیگر نامی از این ملعون جنایتکار باقی نماند. وجدانم به بنده اجازه برگشتن را نمی‌دهد و تا قطره‌ای خون که در بدن دارم، شعار «حسین حسین شعار ماست، شهادت

---

1- در اصل وصیت «را» افتاده است.

2- ر.ک. تعلیقات.

3- ر.ک. تعلیقات.

4- در اصل وصیت «سراسام».

5- در اصل وصیت «افتخاریب بس عظیم شهادت».

6- در اصل وصیت «هزارن».

7- در اصل وصیت «دشمن» افتاده است.

افتخار ماست» را هرگز فراموش نخواهم کرد و آرزوی بنده چنین است که پرچم «اسلام ناب محمدی»<sup>1</sup> در سرتاسر جهان به اهتزاز در آید.

سرانجام باید به خاک رفت      خوشا آنکه پاک آمد و پاک رفت

خداحافظ

احمد آواره



دفتر اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران  
مرکز اسناد ایثارگران

بسم الله الرحمن الرحیم  
من بعد از این وفات من در هر چه از من باقی ماند  
از جمله اموال من و غیره را به خیرات و صدقات  
و امور خیریه تقسیم فرمایید و در هر چه  
از من باقی ماند از جمله اموال من و غیره  
را به خیرات و صدقات و امور خیریه تقسیم  
فرمایید و در هر چه از من باقی ماند  
از جمله اموال من و غیره را به خیرات  
و صدقات و امور خیریه تقسیم فرمایید  
و در هر چه از من باقی ماند از جمله  
اموال من و غیره را به خیرات و صدقات  
و امور خیریه تقسیم فرمایید

سید کاظم باقری  
عزیز الله

عزیز الله

عزیز الله  
عزیز الله

نام: رحمت‌الله  
نام خانوادگی: ابراهیمی  
نام پدر: مرتضی  
نام مادر: فتومه  
تاریخ تولد: یکم آذر 1339  
محل تولد: مهران  
تحصیلات: پایان دوره ابتدایی  
ارگان اعزام‌کننده: سپاه  
تاریخ شهادت: نوزدهم دی 1370  
محل شهادت: چنگوله  
نحوه شهادت: انفجار مین و اصابت ترکش  
مزار: گلزار شهدای صالح‌آباد از توابع زادگاهش



## عبارت‌های کلیدی

- ا این دفعه هم وصیت‌نامه می‌نویسم، که شاید لیاقت پیدا کرده باشم و این تن و سر و خون ناچیزم را به بهایی بس پرارزش یعنی قرب تو ای خدای من می‌دهم، بپذیری.
- ا مرا بپذیر و عروس خوشبختی را که همانا شهادت است نصیبم گردان.
- ا ای مردم شریف و قهرمان‌پرور امامتان را تنها نگذارید و تاریخ را تکرار نکنید.
- ا مبدا خدای ناکرده مانند اهل کوفه شوید و امام را تنها بگذارید.
- ا پشتیبان ولایت فقیه که همان ولایت علی (7) است باشید.
- ا این همان زمان است که خداوند بر ما منت نهاده و کربلای حسینی را برای امتحان ما درست کرده.
- ا نکند خدای ناکرده مرگ من موجب گناهی بر شما شود. یعنی بی‌صبری و بیقراری.
- ا خوشحال باشید، با رفتنم از دنیا [و] شهادتم باعث فخر و مباهات شما شدم.

## رحمت‌الله ابراهیمی

## بسم الله الرحمن الرحيم

«الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمْ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ»<sup>1</sup> (بقره/156)

پس از عرض ارادت به محضر حضرت امام زمان (عج) و نایب برحقش امام خمینی سخنی را به روی کاغذ می‌آورم.

بارها، تو شاهدی که این چندمین بار است، که قلم ناتوان در دست گرفته و وصیت‌نامه می‌نویسم، ولی تاکنون لیاقت وصال تو را نداشتم، این دفعه هم وصیت‌نامه می‌نویسم، که شاید لیاقت پیدا کرده باشم و این تن و سر و خون ناچیزم را به بهایی بس پرارزش یعنی قرب تو ای خدای من می‌دهم، بپذیری. مولای من قلم ناتوان، دست لزان، دل گریان، نمی‌توانم آنچه را دردرون دارم به تحریر در بیاورم. یا سیدی و ربی من لی غیرک.<sup>2</sup> خدایا، تو شاهدی که به جز تو کسی را ندارم، پس تو ای مهربانترین مهربانان گناهانم را ببخش و قلم عفو بر روی جرایم اعمالم بکش.

خدایا، به گذشته خود فکر می‌کنم، راه روشنی ندارم، جز «معصیت و ظلم به نفس خودم».<sup>3</sup> پس خدایا تنها راه سعادت من را بپذیر، پس مرا بپذیر و عروس خوشبختی را که همانا شهادت است نصیبم گردان. اما سخنی کوتاه با مردم شریف ایران: همان‌طوری که برای هر فردی لازم است که وصیت‌نامه‌ای داشته باشد. من هم این چند کلام را به شماها توصیه می‌کنم. هر چند [که] من لیاقت ندارم، که شماها را توصیه کنم، ولی به خودم اجازه سکوت نمی‌دهم: ای مردم شریف و قهرمان‌پرور امامتان را تنها نگذارید و تاریخ را تکرار نکنید. مبدا خدای ناکرده مانند اهل کوفه<sup>4</sup> شوید و امام را تنها بگذارید. پشتیبان ولایت فقیه که همان ولایت علی (7) است باشید که در گرداب جهالت غرق نشوید.

1- ترجمه «آنان که چون به حادثه سخت و ناگوار دچار شوند صبوری پیش گرفته، گویند به فرمان خدا آمده به‌سوی او رجوع خواهیم کرد».

2- فرازی از دعای کمیل. ترجمه: «سید و آقای من و خدای من جز تو کسی را ندارم.» مفاتیح الجنان.

3- ترجمه فرازی از دعای کمیل است. «ظلمت نفسی» مفاتیح الجنان.

4- رک. تعلیقات.

زمانی بود که ما می‌گفتیم «ای کاش در زمان امام حسین (7) می‌بودیم و جان را فدا می‌کردیم.»<sup>1</sup> ولی این همان زمان است که خداوند بر ما منت نهاده و کربلایی و حسینی را برای امتحان ما درست کرده، که تا چه حد ما صادق بودیم و در این موقعیت باید انسان دقت کند که اشتباه نرود. «شهادت فوزی بس عظیم است»<sup>2</sup> «و صیکم بتقوی الله و نظم امرکم».<sup>3</sup>

و اما والدین عزیزم: پدر و مادر مهربانم در زمان زندگی فرزند خوبی نبودم، آن‌طور که شما به وجود من فخر بورزید ولی خوشحال باشید، با رفتنم از دنیا [و] شهادتم باعث فخر و مباهات شما شدم. چون شما را در مقابل علی (7) و زهرا (3) و ائمه و خانواده شهدا سربلند کردم، پس حلالم کنید و مرا ببخشید. می‌دانم که هر کسی جوانی را از دست بدهد ناراحت می‌شود، شماها هم حق دارید ناراحت شوید ولی نه از حد فزون. نکند خدای ناکرده مرگ من موجب گناهی بر شما شود. یعنی بی‌صبری و بی‌قراری، چون صبر به منزله سرایمان است پس اگر بی‌تابی کنید، ایمانتان را پایمال کرده‌اید. «واصبر لحکم ربک».

اما برادران و خواهران و دوستان و اقوامم مرا حلال کنید و برای من طلب آمرزش کنید و هرگونه خوبی و بدی را از من دیده‌اید، نادیده گرفته و مرا ببخشید.

هر کسی روح مرا با فاتحه‌ای شاد کند ایزد خاطرش از معرفت آباد کند

و اما همسر عزیزم مهتر را حلال کن. آن‌طور که باید برای شما شریک زندگی خوبی نبودم. ولی آخرین خواسته ام را به مرحله اجرا بگذار و با حفظ حجاب صبر و شکیبایی<sup>4</sup> بر مصیبت، راه مرا یاری بخش. «اللهم ارزقنا توفیق الشهادة فی سبیلک» «اللهم انصر الاسلام و المسلمین».

1- ترجمه این فراز از زیارت عاشورا است. «یا لیتنا کنا معکم فنفوز فوزاً عظیماً». مفاتیح‌الجنان.

2- عبارت امام خمینی درباره شهادت چنین است «ملتی که شهادت برای او فوز عظیم است، عقب نمی‌نشینند». (صحیفه امام، ج 7، ص 190).

3- شرح نهج‌البلاغه، خطبه 47، ص 421. از وصیت حضرت علی (7) به امام حسن (7) و امام حسین (7).

4- در اصل وصیت «شکیبائی».





محمد باقر

وصیتنامه باسقاط رشید سلیم شهید رحمت الله ابراهیمی

میدانله الرحمن الرحیم

«یا ایها الذین آمنوا! انا انبأکم بحقیقۃ عظیمه فلیقوا الله وانا الیه راجعون»

این امر عرض اراحت به جعفر حضرت امام زمان آج او نائب برجسته ایام چندینی معنی را به روی کاغذ من آورم

در ایلیا نوشهانی که این چشموں مبارک است که قلم بانوان هر دست گزیده و موهبتنامه منویسم ولی تاکنون ایضاقت و حال خود  
تفکرت این خدمت هم عیسایه میبرسم که عقاید لاجت پیدا کرده با تیر و اسن و سر و خون ما هر روز به میانش پس  
ش یعنی قرب نواب خدای من میخدمت بندیری - جولای من قلم بایوان - دست لوزان - فل گریبان ایستادم آنچه از قلم هر روز  
روز به تهریز در محاورم اما صدی و رس من لی فیرتد اما طمانا تو شاهدی که سخن تو کسی را ستارم پس تو ای میرمانتر پس  
بهر یاقان گناهانرا بخشن و قلم مغرور روی جراتم اما عالم بکش - خدایا به گذشته خود فکر میکنم راه روشی ستارم جسر  
صمیمت و قلم به دلس خردم - پس خدایا تسبیح را به سعادتتم را در شبانت بر میسم پس مرا بپذیر و عروس خونبختی را که هفتاد

سپاست است نصیبم گران - اما سخن کوتاه ما در خدمتت یاف ایران : همانطوریکه برای هر فردی لازم است که وصیت نامه ای داشته  
باشد من هم این چند کلام را بشما فرستادم هر چند که من ذیالافت ندم که شما را توصیه کنم ولی به طریقه ای که دوست  
دیده ام : ای مردم هر یک و قهرمان هر روز اما نشان را تسبیح بگذارید و نارین را تکرار نکنید ما به خدای بخشنه مانند اجل گوید شویبه و  
انما اورا تسبیح بگذرید - بپشتیمان زلاحت فقیه که همان ولایت علی آج است باشد که بر گردان جهان قری نبود - رسانی  
بگما می گفتیم آن گشت در زمان امام - من این امر چندین روزی را تا میگویم ولی این جواب بزرگوار است که در این  
قیلاش و صمیمی دامان امتحان ما درست کرده که ناچه خدا ما ذائق میبندم و بر این موضوعات با به نامت دست کند که ان شاء الله

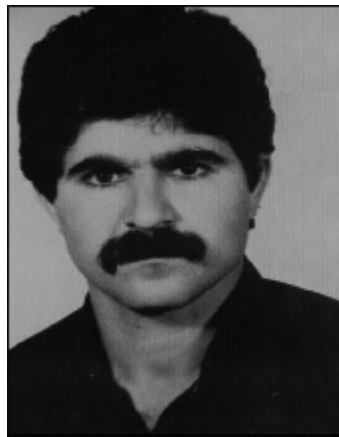
«تبیات فسوی بیس مقیم است» - او میگوید به کلوی آفتاب و کلایه کرم گشت»

و اما والذین بریزند - پسر و مادر میبریم در زمان زندگی هر روز خوبی بود و قیظور که شما به وجود من فکر بویزد ولی خونخوار  
خافه بار خدایم از عیبا لشبانت اما مت فکر صباقت شما شمع چون شما را در مسائل منی و رهبر و انده و طاروته تسبیح  
میربندم کرم - پس خلاصم کنید و سرا بپخشید - همانم که هر کسی که جوانی را از دست بدهد ساراقت عیبود شما را حق هار میسد  
فراحت شود ولی نه از حد فزون - کند خدای ناگفته برگس مرچب گنای بر شما نبود بعدی من صبری و بیقراران گنبد چون منسمر  
بمخوله بر ایمان است پس اگر بیایس فقه ایمانی را بیایس - کره هاید - «والعصر حکیم بر سکه»

قلم بر ایران و طواغیران و مومنان و اولاد مرا خلیل کنید و برای من طلب آموزش کنید و هر گونه خوبی و بدی را از من بپندارید  
تأدیبه گرفته و سرا بپخشید - «هرکس روح مرا با فتنه ای تا نگذرد - امر بخاطرش و معرفت آن است»  
و اما عصر عزیزم سیرت را خلاصم کن - نظیر که باید بوی کند شربت زندگی خوبی سود ولی نظریس خزانم را به مرحله جسر  
بگذار و ما حلقه حجاب - صبر و شکیبایی بی صمیمیت راه مرا بتری سخن

اللهم انصر الاسلام والمسلمین - اللهم انصرنا فی سبیلک

نام: علی بخش  
نام خانوادگی: ابراهیمی  
نام پدر: ابراهیم  
نام مادر: ماه پاره  
تاریخ تولد: سوم تیر 1336  
محل تولد: روستای تخت بسطام شهرستان  
شیروان و چرداول  
تحصیلات: چهارم ابتدایی  
ارگان اعزام کننده: -  
تاریخ شهادت: دوم مرداد 1365  
محل شهادت: شاوله قصر شیرین  
نحوه شهادت: اصابت ترکش  
مزار: گلزار شهدای روستای زیرتنگ بیجونند  
شهرستان زادگاهش



## عبارت‌های کلیدی

- ۱ پروردگارا به یگانگی تو شهادت می‌دهم و با قلبی مملو از عشق و مهر و محبت به تو مشتاق شهادتم.
- ۱ وصیت می‌کنم، که امام را تنها نگذارید.
- ۱ راه امام را از سر گیرید.
- ۱ درخت انقلاب را که ثمره خون هزاران لاله پرپر شده است، تا پای جان حفظ کنید.
- ۱ کشتی انقلاب اسلامی ایران را از تند بادهای شرق و طوفان‌های غرب نجات بخشیده و به ساحل جمهوری اسلامی بکشانید.
- ۱ شما را به صبر و تقوا سفارش می‌کنم.
- ۱ به امید آن روز که خورشید اسلام بر سرتاسر جهان به تابش درآمده و دل‌های حسرت‌زده از سلطه جباران، مملو از شادی و شادمانی گردد.
- ۱ این انقلاب، انقلابی است که تمام دشمنان اسلام را به لرزه درآورده است.
- ۱ فتنه جویان برآنند که به هر طریقی، ضربه‌ای به این انقلاب بزنند.

## علی بخش ابراهیمی

### بسم الله الرحمن الرحيم<sup>1</sup>

قال امام حسین (7): «موت فی عز خیر من حیات فی ذل»<sup>2</sup>، «مرگ با عزت ارزشمندتر از زندگی با ذلت» پروردگارا به یگانگی تو شهادت می‌دهم و با قلبی مملو از عشق و مهر و محبت به تو مشتاق شهادتم. «بارالها، اگر مرا از دوستان خود جدا سازی میان اهل بلا رها سازی و با دشمنان خود عقوبت کنی، بر عذاب و سوزش آتش صبر توانم کرد اما جدایی تو را چگونه تحمل نمایم.»<sup>3</sup> پروردگارا مرا در این راه (شهادت فی سبیل الله) هدایت کن و از هرگونه لغزش مصون و در امانم دار. قلم را در دست می‌گیرم شاید این آخرین دیدار کتبی من و ملت من و یا با خانواده‌ام باشد. البته من کوچک‌تر از آنم، ملتی را وصیت کنم که کوچک و بزرگشان در به اهتزاز درآوردن پرچم توحید، کوشا هستند، اما به‌عنوان یک برادر و یک خدمتگزار خالص، به میهن به تمامی شما وصیت می‌کنم، امام را تنها نگذارید، راه امام را از سر گیرید و درخت انقلاب را که ثمره خون هزاران لاله پرپر شده است، تا پای جان حفظ و کشتی انقلاب اسلامی ایران را از تند بادهای شرق و طوفان‌های غرب نجات بخشیده و به ساحل جمهوری اسلامی بکشانید. همه باید بدانید که این انقلاب، انقلابی است که تمام دشمنان اسلام را به لرزه درآورده و این فتنه جویان برآند که به هر طریقی، ضربه‌ای به این انقلاب بزنند، ولی به امید خدا با هوشیاری شما تمامی افکار آنان نقش بر آب می‌شود.

به پدر و مادر و برادرانم وصیت می‌کنم، که اگر خداوند متعال مرا پذیرفت، مبادا ناراحت شوید و بدانید که من مورد لطف و مرحمت پروردگار قرار گرفته‌ام. آری مادر عزیز پیمودن راه برادر شهیدم «علی نور» یگانه هدف من و مجاورت و همسایگی او

1- بالای وصیت‌نامه شهید ابراهیمی نوشته‌اند: «وصیت‌نامه شهید علی بخشی ابراهیمی یکی از کارمندان دلسوز شرکت نفت باختران، تاریخ شهادت 65/5/2».

2- از سخنان امام حسین (7) است. (المناقب، ج 4، ص 68).

3- ترجمه فراهایی از دعای کمیل است.

آرزوی دیرینه من بود. خوشا بر من که به آرزویم توسل جستیم. سپاسگزارم ای رب متعال... امیدوارم رفتن من چون قطره ای باشد، که از دریایی<sup>1</sup> جدا شود و هیچ گونه لغزشی در اراده خلل ناپذیر شما رخ ندهد، ادامه دهنده راهم باشید، همانطوری که من راه حسین (7) را ادامه دادم، تا موجب شادی روح من و هزاران رزمنده شهید دیگر شود. در پایان شما را به صبر و تقوا سفارش می کنم. به امید این که دشمنان اسلام از سپر صبر و تقوایتان به ستوه بیایند. به امید آن روز که خورشید اسلام بر سرتاسر جهان به تابش درآمده و دل های حسرت زده از سلطه جابران، مملو از شادی و شادمانی گردد و استعمارگران رهسپار نابودی شوند.<sup>2</sup>

---

1- در اصل وصیت «دریائی».

2- ذیل وصیت نامه نوشته است: «مادر شهید ماه پاره».



نام: علی حسین  
نام خانوادگی: ابراهیمی  
نام پدر: یاره  
نام مادر: سیما  
تاریخ تولد: نوزدهم مهر 1338  
محل تولد: روستای چم آب شهرستان مهران  
تحصیلات: پایان دوره راهنمایی  
ارگان اعزام کننده: سپاه  
تاریخ شهادت: دوازدهم مرداد 1362  
محل شهادت: شهرستان زادگاهش  
نحوه شهادت: اصابت ترکش  
مزار: بخش صالح آباد توابع شهرستان زادگاهش



## عبارت‌های کلیدی

- ا امیدوارم که شما مثل خانواده‌های شهدا صبور و مقاوم بوده باشید.
- ا خانواده عزیزم خدا نخواستہ، بعد از شهادتم کاری نکنید که خیانت به خون من بکنید.
- ا پیرو خط راستین اسلام و امام باشید.
- ا امیدوارم که این کلمه پر برکت را از یادتان نرود. خدایا خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگهدار.
- ا برادر گرامیم از شما می‌خواهم پدر و مادرم را تنها نگذارید.
- ا امیدوارم که زینب‌وار بتوانید بعد از شهادتم خدمت به اسلام و انقلاب بنمایید.
- ا امام بود که این انقلاب پر شکوه را به چنین جایی رسانده.

## علی حسین ابراهیمی

### بسم الله الرحمن الرحيم

ملتی که شهادت دارد اسارت ندارد.<sup>1</sup>

چند کلمه با شما خانواده محترم و گرامیم بگویم و شما را به خدای منان بسپارم پدر و مادر مهربان امیدوارم که از خبر شهادت من هیچ‌گونه ناراحتی و گریه و زاری از دل خودتان راه ندهید. شما خوب فکر کنید و به خانواده‌های شهدا تماشا کنید و ببینید که چه روحیه و شوقی دارند موقعی که پسرانشان شهید می‌شوند، چه شوقی دارند. امیدوارم که شما مثل خانواده‌های شهدا صبور و مقاوم بوده باشید و خانواده عزیزم خدا نخواست، بعد از شهادتم کاری نکنید که خیانت به خون من بکنید و نفرین امام و انقلاب بکنید. اگر این کار [را] کنید، نه خودم شما را عفو می‌کنم و نه خدا و نه امام و نه اسلام و نه صاحب الزمان. امیدوارم که چنین نباشید و پیرو خط راستین اسلام و امام باشید و این را هم بگویم تا آنجایی که<sup>2</sup> می‌توانید دعا برای امام کنید. چون امام بود که این انقلاب پرشکوه را به چنین جایی رسانده. امیدوارم که این کلمه پر برکت را از یادتان نرود.

خدایا خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگهدار.

و از جای من از تمام اقوام<sup>3</sup> و خویشانم خداحافظی کنید و [از جای] من از آنها معذرت می‌خواهم. خلاصه، اگر بدی از ما دیده‌اند حتماً ما را ببخشند و هم‌چنین از فوزیه و بچه‌هایش چون آن روز حیدر من را خیلی ناراحت کرد. مادرم آن حرف‌های که حیدر آن روز به من زد، نه این‌که از یادت برود، چون اینها قوم نیستند. اینها فامیل نیستند، اینها ضد فامیل هستند و این [را] هم بگویم، این [را] تقریباً دو سال است که با کسی نگفتم از جای من چشم‌هایش را ببوسید و به او بگویید که من را ببخشد چون امکان دارد آن کسی که این حرف‌ها [را] برای من گفت از فضولی گفته بود. از جای من از او معذرت خواهی

1- امام خمینی چنین عبارتی ندارد، مشابه این سخن می‌فرماید: «ملتی که شهادت برای او سعادت است پیروز است».

(صحیفه امام، ج 13، ص 187).

2- در اصل وصیت «آنجانیکه».

3- در اصل وصیت «قومان».

کنید و بگویید<sup>1</sup> که ما را ببخشید. و این وصیت [را] به برادرم عبدل دارم که برادر عزیزم شما در طول این عمری که کردید، خیلی برای ما رنج کشیدید و خیلی دردها، چون خودم با چشم خودم دیدم و در عوض این همه رنج‌ها و دردها، من شخصاً خودم هیچ‌گونه خوبی برای شما انجام نداده‌ام.

امیدوارم برادر عزیزم که ما را حلال کنید و ما را ببخشید و می‌خواهم این را بگویم برادر گرامیم از شما می‌خواهم پدر و مادرم را تنها نگذارید و آنها را رها نکنید، چون باقر هنوز بچه هست، خدای نخواستہ از روی ناراحتی و یا این‌که حرفی چیزی خودت را از آنها جدا کنی، حتماً از شما می‌خواهم که این حرف و این حرف‌ها از مغز شما راه ندهید و از برادرم باقر هم می‌خواهم حتماً و جدی می‌گویم که ادامه تحصیل دهید چون انقلاب ما نیاز بسیار به تحصیل دارد. آن تحصیل هم در راه اسلام باشد و با خانواده هم خوب باشید. بدقولی [به] پدر و مادرم و برادرم عبدل نکنید. این وصیت [را] به شما دارم و این را هم بگویم، هیچ‌گونه بدقولی [به] عبدل نکنید. چون برای ماها زیاد زحمت کشیده است و قبلاً هم ذکر کردم که بنده هیچ خوبی برای او نکرده‌ام. امیدوارم که شما هم خوبی من و هم خوبی خودت را به آن برادر ارجمند و گرامیم ادا نمایید. و این کلمه با پدر و مادرم و عبدل [و] باقر بگویم، خانواده محترم اگر من شهید شدم، [این] وصیت می‌کنم که نگذارید دیگران نامزدم را ببرند. آنرا حتی برای باقر بگیرید. بدون هیچ‌گونه اشکالی این کار [را] حتماً انجام بدهید. اگر انجام ندهید خیانت به خون من کرده‌اید. چون بنده در این مورد زیاد رنج کشیدم و هیچ‌گونه ثمری در آن نبردم و این را هم بگویم خانواده عزیزم این حرف‌های خانواده [...] از یادتان نرود. چون بنده را زیاد رنج دادند.

و حال با شما دختر عموی گرامیم خدیجه شیرمحمدی چند کلمه را بگویم، عموزاده عزیزم امیدوارم از خبر رسیدن شهادتم، هیچ‌گونه ناراحتی و گریه زاری در دل خودت راه ندهید و باید خوب فکر کنید به این همه شهدا و این‌ها، خانواده‌های شهدا، تماشا کنید کسانی هستند عقد کرده‌اند و یا اینکه یک هفته عروسی کرده‌اند و می‌روند شهید می‌شوند،

1- در اصل وصیت «بگوئید».

2- خوانا نیست.



چه شوق و چه علاقه‌ای به اسلام و امام و انقلاب پیدا می‌کنند و چه روحیه‌ای دارند امیدوارم به درگاه خداوند منان، شما هم مثل این جور کسانی باشید. و از شما می‌خواهم بعد از شهادتم با خانواده‌ام رابطه خوب و صمیمانه برقرار کنید و کسی باشید [که] از جای من به مادرم دل خوشی بدهید. عموزاده عزیزم دوست داشتم که چند مدتی در پیش هم، در کنار هم، زندگی کنیم، اما وقتی که تکلیف شد. [باید از] این همه زندگی و زن و بچه خود گذشت و در راه قرآن و اسلام و پیروی از امام عزیزمان جهاد نمود. امیدوارم که زینب‌وار بتوانید بعد از شهادتم خدمت به اسلام و انقلاب بنمایید و از شما می‌خواهم با<sup>1</sup> خانواده‌ام رابطه خوب و صمیمانه برقرار کنید و مادرم را از جای من نوازش بدهید. و این هم بگویم بعد از شهادتم شما حق ندارید، به هیچکس دیگر شوهر کنید، غیر از باقر که به خانواده‌ام وصیت کرده‌ام «اگر دوست من دارید»،<sup>2</sup> این کار [را] باید حتماً انجام بدهید و از عمویم نوروز می‌خواهم که [اگر] ناراحتی از من دیده است ما را ببخشد و در ضمن، این هم بگویم خانواده عزیزم از شما می‌خواهم که با نامزدم خوبی کنید و هر برج از حقوقم 500 تومان به او بدهید. اگر دوست من دارید، باید زنم را هم دوست داشته باشید.

«والسّلام»

خداحافظ 62/5/5

و در پایان امیدوارم به درگاه خداوند منان همه ماها را برای اسلام و انقلاب اسلامی ایران و حتی جهان حفظ بفرماید به رهبری امام امت خمینی بت شکن.  
خدایا خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگهدار

مهران

علی حسین ابراهیمی 62/5/5

خداحافظ خانواده گرامیم باید ببخشید چون وقت نداشتم و این چند کلمه را با عجله نوشتم.

1- در اصل وصیت «این».

2- تعبیر «اگر دوست من دارید» یعنی اگر مرا دوست دارید و نیز باید دوست زن هم داشته باشید.

**وصفیه حبیه**

بیتنا  
 در پیروزیه شهیدان دارو اسبغ زیاده امام فخری  
 خنده ملک به نماندند در عزم و اراده امیر فخریم و شهادت خدیجه خدیجه بی بی  
 پروردگار ما در عزم امیر و امام که از خیزشها دست به دست هم دادند و بی شک  
 زاری از دل خسته سازد که نه هدی که فوج فوج شهید و به خاطر داد خدای  
 سرور اما کینه و بیند که چه روح و شمع دل از نور و قدیم بهر آنکه سرور  
 خود کلمه و ارکانی مگر نماندند در عزم امیر و عقده امیر و به پیش  
 به خار زده عزم خدیجه خدیجه خدیجه خدیجه خدیجه خدیجه خدیجه خدیجه خدیجه  
 به کینه و نگرش امام و انقواب بکنند از این خیزشها که خدیجه خدیجه  
 عزم خدیجه و نماندند و نماندند و نماندند و نماندند و نماندند و نماندند و نماندند  
 که خدیجه خدیجه خدیجه خدیجه خدیجه خدیجه خدیجه خدیجه خدیجه خدیجه  
 که خدیجه خدیجه خدیجه خدیجه خدیجه خدیجه خدیجه خدیجه خدیجه خدیجه

جهاد سازندگی در جنگ چقدر کار کرده است، این بخاطر حدیثی است  
 که جو آنها دارند و بر ای خدا کار می کنند.  
 (امام خمینی)







۱۲  
 جغرافیای انسانی

۲۶  
 استناد

جمعه

در این بخش از کتاب ما می بینیم که قتل و کشتن در جنگ ها بسیار رایج است و این امر باعث می شود که انسان ها از ترس و ناامنی در زندگی خود رنج ببرند.

اما در اسلام با وجود جنگ ها، قتل بی مورد ممنوع است و هر کس که بی دلیل قتل دیگری را بکشد، گناه بزرگی مرتکب شده است.

خداوند این عمل را در قرآن مجید تحریم کرده و وعده عذاب داده است.

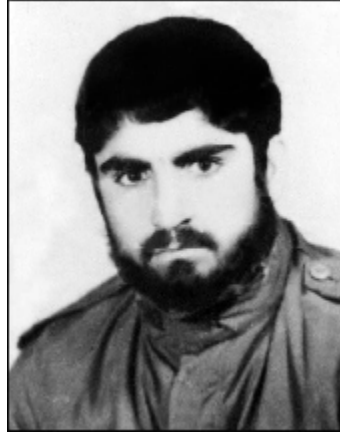
خداوند تعالی را شکر می گویم که ما را از این گناه بزرگ آگاه کرد.

این بخش از کتاب ما می بینیم که قتل و کشتن در جنگ ها بسیار رایج است و این امر باعث می شود که انسان ها از ترس و ناامنی در زندگی خود رنج ببرند.

اما در اسلام با وجود جنگ ها، قتل بی مورد ممنوع است و هر کس که بی دلیل قتل دیگری را بکشد، گناه بزرگی مرتکب شده است.

خداوند این عمل را در قرآن مجید تحریم کرده و وعده عذاب داده است.

با منطبق ایمان و شهادت ، سلاح های اسرائیل را استقبالی کنید .  
 (آیت الله العظمی منتظری)



نام: علی نور  
نام خانوادگی: ابراهیمی  
نام پدر: ابراهیم  
نام مادر: ماه پاره  
تاریخ تولد: هفتم مهر 1343  
محل تولد: روستای تخت بسطام از توابع  
شهرستان شیروان و چرداول  
تحصیلات: در حد خواندن و نوشتن  
ارگان اعزام کننده: ارتش  
تاریخ شهادت: بیستم مهر 1364  
محل شهادت: بانه  
نحوه شهادت: سخته قلبی

## عبارت‌های کلیدی

- ۱ من به‌عنوان فرزند امام و یکی از سربازان اسلام تصمیم گرفته‌ام که به سهم خود برخیزم و برای آزادی هموطنان بکوشم.
- ۱ امت شهید پرور شهادت، جوانمردی، مرگ با عزت تکیه کلام سالار شهیدان بوده.
- ۱ دیگر ما را از مرگ چه بیم است چون که مرگ سرخ بهتر از زندگی ننگین است.
- ۱ من پاسداری از سلاله خون تمام شهدای اسلام هستم.
- ۱ در چنین موقعیتی بر هر مسلمانی فریضه است که از اسلام دفاع نماید.
- ۱ ظالمان و استعمارگران هدفشان به مسلخ کشیدن مسلمین است.
- ۱ بر خود واجب دانستم که در راه خدا، علیه دشمنان قرآن مبارزه نمایم.

## علی نور ابراهیمی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ تَعَالَى

وصیت‌نامه شهید علی نور ابراهیمی (یکی از رزمندگان دلاور جبهه‌های کردستان)  
«وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزُقُونَ»<sup>1</sup> (قرآن کریم)  
«کسانی که در راه خدا کشته می‌شوند مرده میندازید بلکه آنها زنده‌اند و نزد پروردگارشان روزی می‌گیرند».

حجاب چهره جان می‌شود غبار تنم      خوشا دمی که از این چهره پرده برفکنم<sup>2</sup>

با سلام و درود فراوان به رهبر کبیر انقلاب اسلامی و تمام شهدای صدر اسلام تا انقلاب اسلامی ایران. من پاسداری از سلاله خون تمام شهدای اسلام و وارث خون‌های شهیدان گرانبها، تحت رهبری سالار شهیدان حسین بن علی (7)<sup>3</sup> هستم زمانه و این مقطع پرمخاطره که در آن قرار گرفته‌ام، مسئولیت‌های سنگین بر دوشم افکنده و پس از تفکرات فراوان به این نتیجه دست یافته‌ام که حسین‌وار مانند شهدای گذشته راه سعادت و جاودانگی را در پیش گرفته و به صف شهدا بپیوندم از آنجا که در چنین موقعیتی بر هر مسلمانی فریضه است که از اسلام دفاع نماید و وجود این ظالمان استعمارگران [را] که هدفشان به مسلخ کشیدن مسلمین است، از سطح کره زمین پاک سازند. لذا من به‌عنوان فرزند امام و یکی از سربازان اسلام تصمیم گرفته‌ام که به سهم خود برخیزم و برای آزادی هموطنان خود بکوشم و مسلمین را از دست این ابرقدرت‌های جهانخوار رهایی بخشم. آری تصمیم گرفته‌ام برای رفتن به دیار همیشگی و به‌سوی جهان ابدی<sup>4</sup> هجرت نموده و با فدا کردن خود و گذشت از دنیا و مافیها، این فتنه‌جویان وابسته به امپریالیسم شرق و غرب

---

1- آل عمران/ 169.

2- شعر از حافظ است.

3- در اصل وصیت «علیه سلام».

4- در اصل وصیت «جهان عبدی».



غرب را از دسترسی به میهن اسلامی مایوس و مهجور نمایم. امت شهید پرور شهادت، جوانمردی، مرگ با عزت تکیه کلام سالار شهیدان بوده، عجب درسی! چه زیبا مکتبی و چه دانا معلمی وجودم را به لرزه آورده‌اند ولی مصمم‌تر می‌شوم که با شتاب حرکت کنم، تکامل یابم و کامل شوم که عزت این است و بس. هنگامی که مولای متقیان بفرماید که: (علاقه من به مرگ بیشتر از علاقه طفل به شیر مادر است)<sup>1</sup> دیگر ما را از مرگ چه بیم است چون که مرگ سرخ بهتر از زندگی ننگین است. مادر و پدر عزیز اگر به این فیض بزرگ که از الطاف ایزد فرزانه می‌باشد، نائل آمدم لحظه‌ای افسرده خاطر و دل پریش نباشید. بعد از شهادت من گرچه می‌دانم ناراحت می‌شوید اما خوشحالی و شادی مرا از اعماق دل باور کنید و صبر و تقوا را یگانه پیشه خود سازید. مادرم: حق دارم که بجنگم چه کنم؟ مسئولیتم بس سنگین است پاسدارم پس وظیفه دارم میهن اسلامی را پاس دارم باید از خط سرخ پرچمدار اسلام پیروی کنم و غربی‌ها و شرقی‌ها را [...] <sup>2</sup> بدور انداخته آنگاه امتی خالص و معتقد به مکتب اسلام به وجود آورم. آری مادر عزیزم خداوند فرموده است: «آنانکه به پروردگارشان ایمان آورده و برای برقراری دین الله از دنیایشان هجرت می‌کنند و با جان و مالشان در راه خدا جهاد می‌کنند بزرگترین درجه و مقام در نزد من دارند و همانا آنان رستگارانند».<sup>3</sup> پس [در] چنین موقعیتی که سعادت در نزدیکی ماست چگونه کوس رحلت نکنیم و خود را به آنجا نرسانیم. پس بر خود واجب دانستم که در راه خدا بر علیه دشمنان قرآن مبارزه نمایم تا هم‌چون افراد فرار کرده از اصحاب حسین (7) حسرت ای کاش در کربلا بودم را نخورم.

بار دیگر در پایان این مبحث شماها را به صبر و تقوا و پرهیزکاری سفارش می‌کنم و خواستار آنم که برای من طوری عزاداری کنید که صدای ناله و افغان شما به گوش دشمنان

1- ترجمه حدیث «والله لابن ابيطالب انس بالموت من الطفل بثدي امه» (نهج البلاغه، خطبه 5).

2- در اصل وصیت افتادگی دارد.

3- ترجمه آیه 20 از سوره توبه است. «الَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ أَكْبَرُ دَرَجَةً عِنْدَ اللَّهِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ».

اسلام نرسد، که باعث خوشحالی آنان است. و هم‌چنین موفقیت و سربلندی ایران اسلامی را از درگاه حی سبحان مسئلت می‌نمایم.

«اللهم ارزقنا اشرف القتل فی سبیلک»<sup>1</sup>. «تنصرنی و تنصر رسولک او اختم عاقبتنا بالشهادة»

آنکه با روح خدا همسفر دلها بود	صورتی داشت که صورتگر از او پیدا بود
زنده با عشق خدا بود و بقایافت ز مرگ	مردنی داشت که چون زندگیش زیبا بود

«والسلام»

من الله توفیقکم فی کل امور الحسنة

علی نور ابراهیمی

---

1- عبارت «اللهم ارزقنا القتل فی سبیلک» دعایی است که شهید تحت تأثیر این حدیث نبوی نوشته است: «اشرف الموت القتل فی سبیل الله» (بحارالانوار، ج 97، ص 8).



ما من اسلام به پادشاه و مردم که خط بر رخ بر روی او کشیدیم. چیزش در غریب و شرقی  
 و دور از دسته آنگاه این مخلوق و حقیقت معلوم است که نام محمد اکرم آری ما در این  
 قرار داده است؛ آنگاه به چهره و آستان این آفریده در این برتر از این و غیر آن در این است  
 که در این زمان و سال و در راه خدا بر روی کشید و در این برتر از این و غیر آن در این است  
 آنان است که از این و این چنین مویز که در این است. در این است که در این است که در این است  
 و خرد به آنجا نرسانیم. پس بر خود واجب دانستیم که در این خدا بر علیه دشمنان شران مبارزه نام  
 تا جویع اغزار فرار کرده از اصحاب حسین  $\text{ع}$  در حضرت  $\text{ع}$  ای کاش که اگر ایام را فراموش  
 بیاوریم در پایان این محبت تمام عید و تقوا و پروردگاری معافتر است. و خوار است آن که  
 برای من طوری خدا دارد کشید که هزار نام و افتخار است.  $\text{ع}$  ای کاش که اگر ایام را فراموش  
 خوشتر از آن است و همچنین موفقت و برتر از این است.  $\text{ع}$  ای کاش که اگر ایام را فراموش  
 مستقیم بنام  $\text{ع}$

« وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا فِي قُلُوبِكُمْ »  
 « وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا فِي قُلُوبِكُمْ »

آنکه بارخ خدا همسر دلها بود  
 مورد تو است که هرگز از او جدا بود

در هر با عیش خدا بود و جدا از مرد  
 بودی داشت که هرگز از او جدا بود

والسلام: من الله فارجعوا اليه  
 [Redacted]

محمد علی نور ابراهیمی

نام: کریم  
نام خانوادگی: ابراهیمی  
نام پدر: اسد  
نام مادر: نورمحل  
تاریخ تولد: سوم دی 1347  
محل تولد: شهرستان دره شهر  
تحصیلات: دوم متوسطه  
ارگان اعزام کننده: بسیج  
تاریخ شهادت: سی و یکم تیر 1368  
محل شهادت: صالح آباد  
نحوه شهادت: اصابت ترکش  
مزار: گلزار شهدای زادگاهش



## عبارت‌های کلیدی

- ۱ مرگ نقطه پایانی است بر زندگی این دنیایی انسان‌ها، و بازگشت به سرچشمه اولی حیات.
- ۱ پس من با چشمی باز و بصیرتی واقفانه این راه «شهادت» را بر می‌گزینیم.
- ۱ شهادت در راه خدا برای مسلمان افتخاری است که خداوند به بندگان خود عنایت می‌کند.
- ۱ وصیت من به ملت عزیز ایران این است که در برابر هر باطلی علیرغم هر مصلحتی حتی به قیمت جان خویش بایستند.
- ۱ می‌خواهم این امتحان را بدهم، اگر خداوند فوز عظیم شهادت را نصیبم گرداند.
- ۱ به‌طور یقین درک کرده‌ام که شهادت تصادفی نیست، بلکه سعادت است بزرگ.
- ۱ شهادت بزرگترین هدیه خداوند به بندگان است.
- ۱ خداوند ما را در بوته آزمایش قرار داده، باید کوشش کنیم که به یاری خدا پیروز و سربلند از عهده آن برآیم.

## کریم ابراهیمی

### بسم الله الرحمن الرحيم

«وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قَاتَلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرَزَقُونَ»<sup>1</sup>

وصیت نامه برادر شهید کریم ابراهیمی

مرگ نقطه پایانی است بر زندگی این دنیایی انسان‌ها، و بازگشت به سرچشمه اولی حیات و رسیدن به آنجا که برای زندگی جاوید آماده شویم، که این طی طریق مختلف است، پس چه بهتر که انسان برای رسیدن به معبودش، بهترین راه را انتخاب نماید و آن جز سلک شهادت چیزی دیگر نیست، پس من با چشمی باز و بصیرتی واقفانه این راه را برمی‌گزینم و با آغوش باز به سراغ مرگ می‌روم، زیرا دنبال گشتن آن هم در سایه امام عصر (عج‌الله) و در راه اعتلای آرمان‌های اسلام را بر ایستادن درگیر و دار بندها و قیود ذلت‌بار دنیا، و این‌که انسان غافل و بی‌اطلاع و بدون انتخاب در کام مرگ فرو رود، ترجیح می‌دهم. پس بدانید شهادت در راه خدا برای مسلمان افتخاری است که خداوند به بندگان خود عنایت می‌کند، آنچه فرق است بین این مرگ (شهادت) و آن مرگ در رختخواب، این است که اولی را انسان با اختیاری که از طرف خداوند دارد انتخاب می‌کند، ولی دومی آن است که مرگ تو را انتخاب می‌کند.

من به‌طور یقین درک کرده‌ام که شهادت تصادفی نیست، بلکه سعادت است بزرگ، وصیت من به ملت عزیز ایران این است که، در برابر هر باطلی علیرغم هر مصلحتی حتی به قیمت جان خویش بایستند، اکنون نوبت ما رسیده و خداوند ما را در بوته آزمایش قرار داده و باید کوشش کنیم که به یاری خدا پیروز و سر بلند از عهده آن بر آییم. پس پدرم و مادرم من اکنون که در جبهه در کنار هم‌زمان عزیزم هستم می‌خواهم این امتحان را بدهم، اگر خداوند فوز عظیم شهادت را نصیبم گرداند و به جان باختگان راه الله پیوستم، چون کوه استوار باشید و غم و اندوه را به دل راه ندهید که یقین دارم شما دارای دل‌هایی قوی هستید، زیرا که قلب شما از عشق به حسین (7) و امام عزیزمان سرشار است. از خداوند

متعال طلب آنرا دارم که در این امتحان بزرگ الهی شهادت را که بزرگترین هدیه خداوند به بندگان است قسمتم شود، شاید که قطرات خون ناچیز من، چیزی باشد در جهت تداوم انقلاب اسلامیمان به رهبری امام خمینی تا ظهور حضرت مهدی (عج). در پایان برای پدر و مادر و برادران و خواهران و اقوام و آشنایان طلب صبر و شکیبایی می‌نمایم و از خداوند بزرگ برای همگی طلب مغفرت و آمرزش می‌نمایم.

«والسلام علی من اتبع الهدی»

منطقه عملیاتی مهران ل 11 ح امیر گردان 1365/3/31 506

کریم ابراهیمی



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
الَّذِينَ قَتَلُوا ابْنِ سَبِيلِ اللَّهِ أَوْنَاتُوا بِلَهِّ أَوْلِيَاءَ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُؤْزَرُونَ

«و وصیت نامه برادر شهید کریم ابراهیمی (ع)»

مرکز اسناد و انتشارات

در سید بن طاووس است برای زندگی جاوید آماده نمودیم، که این همی طریق مختلف است،  
پس چه بجز که انسان برای رسیدن به مهدش بهترین راه را انتخاب نماید و آن مری سلک شهادت  
چیزی دیگر نیست، پس من با چشمی باز و بصیرتی واقفانه این راه را بر تنم و با آغوش باز  
به سراغ مرگ بروم. در این سالگرد شستن آن هم در سایه امام عصر (عج) و در راه اعتلای  
آرامشای اسلام را برستانم در گردن دار بندها و شویذ ذات بار دنیا، و اینکه انسان غافل و بی  
اطلاع و بدون انتخاب در کام مرگ فرو رود ترجیحی دهم. پس بوانید شهادت در راه فدا  
برای مسلمانان انتخاب است که خداوند به نیکان خود عنایت می کند، آنچه فرق است بین  
این مرگ (شهادت) و آن مرگ، در وقت خواب، این است که اولی را انسان با  
اختیار می کند. از طرف خداوند دارد انتخاب می کند، رنی دوم آن است که مرگ شود انتخاب  
من، یعنی درک کرده ام که شهادت تضاد حقیت، مایه سعادت است بزرگ،  
و صیت من به ملت عزیز ایران این است که در برابر باطلی علیرغم هر مصلحتی حتی به قیمت جان  
خویش بایستد، اکنون نوبت ما رسیده و خداوند ما را در نوبت آرزایش قرار داده و ما باید کوشش  
کنیم که به پاری خدا بپردازیم و سر بلند از عمده آن بر آئیم. پس پدرم و مادرم من اکنون که در جهنم گرفتار  
هر زمان عزیزم هستم خواهی این ایمان را بدهم، اگر خداوند غور عظیم شهادت را بسیم گرداند  
و به جان با خنکان راه الله میروم، چون که (سوار باشم و غم و اندوه را به دل راه ندهم که یقین دارم  
شما دارم) دلمای قوی هستم، زیرا که قلب شما از عشق به صحن و دام عزیزان سرشار است.  
از خداوند متعال طلب آنرا دارم که در این ایمان بزرگ الهی شهادت را که بزرگترین حدیه خداوند  
بندهگان است قسم شود، شاید که فقرات خون ناچیز من، چیزی باشد در جهت تدویم انقلاب  
اسلامی که به جری دام خنجر نا ظهور حضرت مهدی (عج) - در پایان برای پدر و مادر و برادران  
و خواهران و اقوام و آشنایان طلب صبر و شکیبایی می نمایم و از خداوند بزرگ برای حکم قلب مغز  
آمزش می نمایم و السلام علی من اتبع الهدی

منطقه عملیاتی مراد ل ۱۱۰۰ ایر کردان ۵۰۲

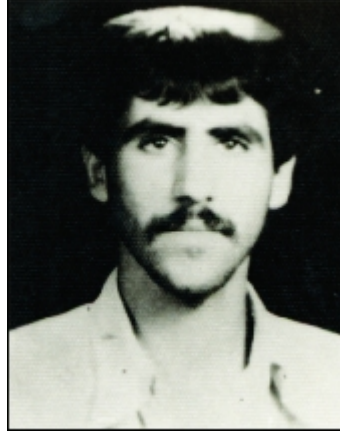
۱۳۲۵/۳/۳۱

کریم ابراهیمی





نام: رضا  
نام خانوادگی: احسانی فر  
نام پدر: حسن  
نام مادر: گوهر  
تاریخ تولد: بیستم دی 1342  
محل تولد: روستای یخی از توابع  
شهرستان آبدانان  
تحصیلات: پایان دوره راهنمایی  
ارگان اعزام کننده: ارتش  
تاریخ شهادت: بیست و نهم 1363  
محل شهادت: چنگوله  
نحوه شهادت: اصابت ترکش  
مزار: گلزار شهدای شهرستان زادگاهش



## عبارت‌های کلیدی

- ۱ آنچه که ما در این برهه از زمان احتیاج مبرم به آن داریم متحدبودن شما توده‌های مردم مسلمان است.
- ۱ اگر خدای ناکرده شما لحظه‌ای غفلت کنید و توجه به همبستگی و کلمه اتحاد نداشته باشید، بار دیگر استکبار جهانی برگردن اسلام و مملکت ما حلقه می‌افکند.
- ۱ با استفاده از کلمه وحدت است که شما می‌توانید مانع راه استکبار جهانی بشوید.
- ۱ از ولایت فقیه و امام بزرگوارمان خمینی کبیر حمایت کنید و پیرو خط او باشید زیرا حمایت از ولایت فقیه حمایت از خداوند است.
- ۱ خداوند می‌فرماید: «اطاعت از پدر و مادر اطاعت از خداوند است».
- ۱ ولایت فقیه مانند کشتی نوح می‌ماند که هر کس بر آن سوار شد رستگار و هر کس از آن سرپیچی نمود به قعر دریا خواهد افتاد.

## رضا احسانی فر

### بسم الله الرحمن الرحيم

«وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قَاتَلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرَرِّقُونَ»

«مپندارید آن‌هایی که در راه خدا کشته می‌شوند مرده‌اند بلکه آنها زنده‌اند و نزد پروردگارشان روزی می‌خورند». (آل عمران/ 169)

با سلام و درود فراوان به رهبر کبیر انقلاب خمینی بت شکن و با درود فراوان به ملت شهیدپرور ایران. وصیت من به ملت غیور ایران این است که همانطوری که قرآن می‌فرماید: «چنگ بزیند به ریسمان خداوند و متفرق نشوید».<sup>1</sup> به ریسمان خداوند چنگ بزنند و اتحادی که همیشه داشته اند، استوارتر سازند. زیرا آنچه که ما در این برهه از زمان احتیاج مبرم به آن داریم، متحد بودن شما توده‌های مردم مسلمان است، چون اگر خدای نکرده شما لحظه‌ای غفلت کنید و توجه به همبستگی و کلمه اتحاد نداشته باشید، بار دیگر استکبار جهانی برگردن اسلام و مملکت ما حلقه می‌افکند و مملکت ما را به زیر یوغ خود می‌کشد. پس با استفاده از کلمه وحدت است که شما می‌توانید مانع راه استکبار جهانی بشوید و از ولایت فقیه و امام بزرگوارمان خمینی کبیر حمایت کنید و پیرو خط او باشید، زیرا حمایت از ولایت فقیه حمایت از خداوند است و ولایت فقیه مانند «کشتی نوح می‌ماند که هرکس بر آن سوار شد رستگار و هرکس از آن سرپیچی نمود به قعر دریا خواهد افتاد».<sup>2</sup>

من الله التوفيق

رضا احسانی فر

وصیت به مادرم: مادرم اکنون که فرزندان با دلی افروخته، پیاله‌های شراب صبر را می‌نوشد از درون اعماق این دریای ژرف با گلوی پاره‌اش با خونس آتش آزادی افروخته.

1- ترجمه بخشی از آیه 103 سوره آل عمران است: «واعتصموا بحبل الله جميعاً ولا تفرقوا».

2- ترجمه حدیث نبوی است: «مثل اهل بیتی کسفینه نوح من ركبها نجا و من تخلف عنها غرق» (وسائل الشیعه، ج 27، ص 34).

مادرم: مادر نازنینم امشب لباسهایم را دسته کن، پاره‌ها را وصله کن و در ساک پاره‌ام بگذار. مادرم سفری دراز درپیش دارم، زیرا که درنگ جایز نیست. امشب قلب ملتهبم<sup>1</sup> ترسم از سینه ام بسان آن کبوتر بچه پر بگیرد. امشب ترسم خواب بر من چیره شود. پس مادر نازنینم: مواظب باش زیرا فرزندت مسافر است. مادر نازنینم از تو می‌خواهم که دل‌تنگ نشوی، سحرگاهان که به‌سوی تاریخ گام برمی‌دارم تو بدرقه ام کنی. مادر عزیزم مواظب باش که فرزندت قوت قلب می‌خواهد، مزه چنگ بر سر و صورت که ننگ است. برایت سوغات می‌فرستم آن دم که لباس‌هایم را دسته می‌کنید، مواظب باش هر دم لکه‌های خون را بر تمام مادران بنما. در پایان امیدوارم که شیرت را حلالم کنید، هر چند مدتی که در طی زندگی‌ام مزاحمت شده‌ام مرا ببخشید. زیرا خداوند می‌فرماید: «طاعت از پدر و مادر اطاعت از خداوند است».<sup>2</sup> در ضمن این شعر را از زبان مادرم بر مزارم بنویسید.

سربرآورده ز خاک و گل من خفته به خاک	نو بهار آمد و گلها همه خوش منظر و پاک
که خود آسوده شد و کار مرا مشکل ساخت	حاصل عمر من آن میوه دل یادش باد

فرزندت رضا احسانی فر

1- در اصل وصیت «التهابم».

2- ترجمه بخشی از آیه 59 سوره نساء.

۱۱۴

بسم تعالی

ولا تحسبن الذين قتلوا في سبيل الله اولياء الله لا بل احياء عند ربهم

يعدون

میزارند و آنانی که در راه خدا کشته شدند میگویند زنده اند بلکه آنانی زنده اند و اینها  
خلوفا و روزی دارند

۶۴۶-۶۴۷-۱۱۰۰

و سلام درود فرمواند به بزرگوارترین خلق و محبت است

و درود فرمواند به صفت شریفه برادر ایلام

« و صفت به صفت غیر از ایلام است که هم نظر به قرآن میفرماید صفت  
بزرگواران خداوند و شرفی نشود بر کسی خداوند صفت بزرگواران  
و انما درین که صفت داشته اند است که در تمام دنیا از زیر آسمان تا به زمین  
زمانه از صفت بزرگواران و در این صفت بزرگواران که در سبک مردم است  
چو در خدایان که همه شما صفت بر صفت کنید و در همه صفت و صفت انما در است  
بشیر و دیگر است صفت بزرگواران است و صفت ما صفت میمانند و صفت  
ما را بر زیر پروردگاریست با استقامت در حکم و وحدت است که هم صفت اند  
مانع از استکبار و کبر است و در ولایت فقیه و امام بزرگواران صفت است  
کنند و برود خدا را بشود زیرا صفت از ولایت فقیه صفت است خداوند است  
و هر کسی که ولایت فقیه مانند گشته نوع حیوانات که هر کسی بر آن سوار شود  
و هر کسی که آن سوار می شود قهر در بر خواهد داشت »

من الله... انتم فتح

رضا احسانی فر



۲۴

وصیت به مادرم:  
مادرم! آنقدر که مرز عدت با دل لغز هفت پیدای شراب مبر را در نشسته از دست لایق ایام  
دریا می شوی با کندی پا در لایق با خوشی آتش آرزوی لغز هفت.

مادرم: مادر ما زینبیم: از شب تا شبیم در دستم بخیر و در دستم کن و در دستم با راهم  
بگذرد

مادرم! سفری درازند پیش دارم زیرا که در دنیا جای نیت امشب خب از تمام ترسم از سیه ام  
بساز آگاه که تو چه نمی یوی بگویی. از شب تا شبم خراب بوی میوه شود.  
پس ما در ما زینبیم: مرا خب باش زیرا فرزندان مسافر است.  
ما در ما زینبیم که در دنیا هم که در دست نشوی. سحرگاه که بسوی تاریخ جام بر عهد دارم  
تو بدرقه ای که کنی.

۱۰ ما در غریبیم در طلب باش که فرزندان تو خب همی راه منزلت بر سر در دست  
که تک است.

۱۱ برای سوخات میفرستم که با سیم در دستم که کنی در طلب باش  
هر دم که که می خدای و بر تمام ما دران بنفای.

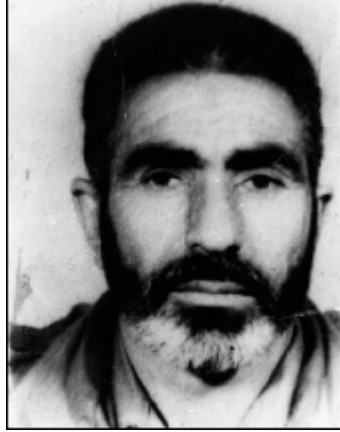
۱۲ دوری با دل لغز هفت و دردم که سعیرت را حلال کنم سعیرت هر چند بود که مدعی و ندیم  
فرزانت شدیم مرا بخیرید. زیرا خود او در میفرماید لطافت از سر بود و در لطافت  
تو خداوند است. در دستم این شعر را از زبان مادرم بومندارم بنویسید.

تو بگو که آمد و خدایم فرستد سطر و یک  
سود بود که سله ز خاک و گل میوه خسته خاک  
حاصل غم من آن معیبه دلی بود که با د  
که فرود آورده شد و کار را عمل است

فرزندان رضایح فر

۱۱

نام: جاسم  
نام خانوادگی: احمدزاده  
نام پدر: عبدالله  
نام مادر: گوهر  
تاریخ تولد: پانزدهم فروردین 1312  
محل تولد: روستای شهاب شهرستان  
شیروان و چرداول  
تحصیلات: بیسواد  
ارگان اعزام‌کننده: بسیج  
تاریخ شهادت: بیست و پنجم شهریور 1362  
محل شهادت: مهران  
نحوه شهادت: اصابت ترکش  
مزار: گلزار شهدای زادگاهش



## عبارت‌های کلیدی

- ۱ هدفم اسلام است و مقلدِ امام خمینی بوده‌ام.
- ۱ به برادران و دوستان توصیه می‌کنم، دست از اسلام برندارند.
- ۱ امام امت را دعا کنید و دعای خیر برای ما بفرستید.
- ۱ مقلد این پیر جماران باشید چون او پیرو حسین (7) است.
- ۱ خواهشمندم فرزندانم دست از اسلام برندارند و برای اسلام الگو باشند.
- ۱ همسر، خواهشمندم صابر باشد، چون خداوند رحمت‌کننده صابری است.

## جاسم احمدزاده

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

«وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قَاتَلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ»<sup>2</sup>

«آنان که در راه خدا کشته می‌شوند مرده مپندارید بلکه آنان زنده‌اند و نزد پروردگارشان روزی می‌خورند».

دروود فراوان به رهبر کبیر بت‌شکن امام خمینی و سلام بر شهدای راه حق، از صدر اسلام تا انقلاب شکوهمند ایران. این جانب جاسم احمدزاده فرزند عبدالله<sup>3</sup> از فرماندهان شیروان چرداول شهرک شباب. «إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ»<sup>4</sup>.

من [از] 12 سالگی نماز خالصانه خود را ادا نموده‌ام و [از] 18 سالگی به بعد روزه خود را نخورده‌ام. هدفم اسلام است و مقلد امام خمینی بوده‌ام و اگر مالی داشته‌ام خمس و زکاتش را داده‌ام و الآن دارای مالی نیستم که قابل بخشیدن باشد، چون بچه‌های خرد و ریز دارم و هرگاه من شهید شدم ولی من، اردشیر احمدزاده است، توصیه به همسر من این‌که می‌تواند قیم<sup>5</sup> بچه‌ها باشد، اگر می‌خواهد بماند اگر نمی‌خواهد آزاد است. چون تکلیف شرعی است. به پدر بزرگم و مادر مهربانم توصیه می‌کنم زحمتی که کشیده‌اند و شیری که به من داده [و] مرا حلالم کنند و به برادران و دوستان توصیه می‌کنم، دست از اسلام برندارند و امام امت را دعا کنند و دعای خیر برای ما بفرستند و هرگاه به سر قبر رفتند فاتحه خیری برای ما بفرستند و خواهش منم تا ابد پیرو خط امام باشند و مقلد این پیر جماران<sup>6</sup> باشند چون او پیرو حسین (7) است. وصیت من به [....]<sup>7</sup> و حاتم احمدزاده و

1- در اصل وصیت «قتلوا».

2- آل عمران/ 169.

3- در اصل وصیت «عبدالله».

4- بخشی از آیه 154 سوره بقره.

5- در اصل وصیت «قیموم».

6- ر.ک. تعلیقات.

7- خوانا نیست.

فرزند و برادرم و به فرزندان خواهشمندم راه خمینی که حق است و امیدوارم هیچ‌کس برای من صورت خراش و پیراهن سیاه و هیچ‌گونه کار غیر قانون شرع اسلام [برای من] انجام ندهند و به همسرم توصیه می‌کنم مبلغ 1800 تومان از برای بیت‌المال جمع کرده‌ام، تحویل انجمن اسلامی دهند. چون آن را برای بلندگوی مسجد شهاب جمع کرده‌ام. برادران و دوستان مرا می‌شناسند می‌دانند که من از روز اول، که انقلاب شروع شد، برای اسلام چگونه شخصی بوده‌ام. البته هر چه از دستم آمده [...] <sup>1</sup> کاری چه تبلیغاتی انجام داده‌ام، می‌دانید چه آدم الگو و شاید برای اسلام بد نبوده‌ام، خواهشمندم فرزندانم دست از اسلام برندارند و برای اسلام الگو باشند. شرح دیگری درباره همسرم می‌گویم، خواهشمندم صابر باشد، چون خداوند رحمت‌کننده صابری است. به <sup>2</sup> شما توصیه می‌کنم زمانی که من شهید شدم می‌توانید پیش بچه‌ها بمانید آنها را قیّم <sup>3</sup> باشید هرگاه میل دارید به خانه پدرت بروید، مسئله‌ای نیست خودت می‌دانید.

«والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته»

برادران و دوستان مرا یاد کنید. و با فاتحه خیری مرا یاد کنید.

توصیه به دوستان بیگانه از اسلام نمایی، هرگاه توانستید بر سر قبرم سوره قرآن بخوانی

جاسم احمدزاده

1- خوانا نیست.

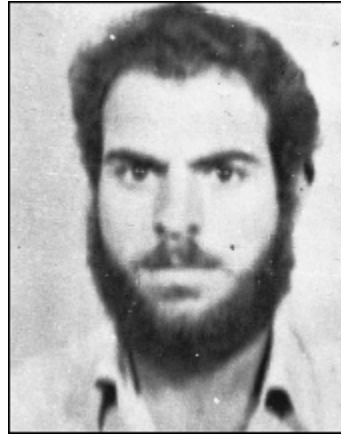
2- در اصل وصیت «از».

3- در اصل وصیت «وسلام».





نام: صباح  
نام خانوادگی: احمدسوزه  
نام پدر: احمد  
نام مادر: خدایس  
تاریخ تولد: 1341  
محل تولد: کشور عراق  
تحصیلات: پایان دوره راهنمایی  
ارگان اعزام کننده: بسیج  
تاریخ شهادت: دوم بهمن 1363  
محل شهادت: شرق بصره  
نحوه شهادت: اصابت ترکش  
مزار: بخش صالح آباد از توابع شهرستان مهران



## عبارت‌های کلیدی

- ا خدایا عظمت و رحمت وجود تو باعث شده که من به اینجا برسم.
- ا خدایا روح الله با کلماتش ملتی را متحول کرد.
- ا شهادت امید و آرزوی درونی من است.
- ا در مکتب و عقیده ما از رحمت خدا یاس و ناامیدی وجود ندارد.
- ا وصیت می‌کنم برادران دینی تکرار نکنید، حادثه مسلم ابن عقیل را در کوفه.
- ا امام را الگو قرار دهید و هیچگاه او را تنها نگذارید.

صبح احمدسوزه<sup>1</sup>

## بسم الله الرحمن الرحيم

به نام خدا و در راه خدا با دعای [من] شروع می‌کنم. ستایش خدا و تنها او آرامش دهنده کسانی که بر آنها غالب شده و نجات دهنده افراد صالح و نیکوکار و رتبه و مقام مستضعفین را بالا می‌برد و فنا و نابود کننده مستکبرین و حکومت‌های جابر را نابود و جای آنها حکومت‌های دیگری برقرار می‌کند و خداوند بر همه بزرگتر و تواناتر است، خداوند در حال حاضر هیچ چیز بر مغزم خطور نمی‌کند که وقتی می‌آید من مشغول نوشتن وصیت‌نامه خودم باشم و این راحتی در خواب هم نمی‌دیدم که مشغول وصیت‌نامه خویش باشم ولی خدایا این عظمت و رحمت وجود تو باعث شده که من به اینجا برسم و این کار به حقیقت بیبوندد و بعد از چند لحظه عملیات با شور و عظمت بسیار شروع خواهد شد و در این موقع که من دارم این وصیت‌نامه را می‌نویسم عقربه‌های ساعت چهار و نیم بعد از ظهر را نشان می‌دهد و سربازهای جُنْدالله در حال استراحت و کدام استراحت؟ اگر آنها را می‌دیدید صورت‌های آنها پر از قطرات عرق که مانند مروارید بر روی پیشانی آنها می‌درخشد. خدایا چه قدرتی آنها را از کنار مادر، پدر [...] <sup>2</sup>مدرسه، آرامش خانوادگی، این جوانان رابه اینجا کشانده و به استقبال مرگ پیش می‌روند؟ خدایا کیست روح الله؟ اینکه با کلماتش ملتی را متحول کرد، بعد از اینکه افکار جامدی داشتند، افکار آنها را دگرگون کرد و زندگی تازه‌ای به روح و جانشان بخشید. خداوند عمر طولانی به وی ببخش و همیشه ایشان را پیروز گردان آمین یا رب العالمین.

این وصیت‌نامه‌ام به این معنی نیست که لیاقت شهادت را داشته باشم. بلکه شهادت امید و آرزوی درونی من است و من این حس را ندارم تا این اندازه که استحقاق درجه رفیع شهادت را دارا باشم. اما از رحمت خدا ناامید و مأیوس نیستم، چون در مکتب و

1- چنانکه از عبارت پایانی وصیت‌نامه برمی‌آید نام شهید صبح احمد است معروف به ابونجم و باید عراقی‌الاصل باشد. از جمله ایرانیانی است که در عراق متولد شده مدتی را در عراق و مدتی را در ایران سپری کرده‌اند.

2- خوانا نیست.

عقیده ما از رحمت خدا یأس و ناامیدی وجود ندارد و در این حالت سعادت و شیرینی شهادت در راه خدا و ائمه اطهار و ملت حزب‌الله و پیروان حضرت محمد (6) پیروان امام خمینی نصیب شود.

اما بعضی از سفارش‌های من به ملت حزب‌الله و پیروان حضرت محمد (6) و امام خمینی و امام مهدی (عج) که با چشم افتخار و عزت‌آمیز به شما نگاه می‌کنند، به شما وصیت می‌کنم برادران دینی که تکرار نکنید، حادثه مسلم ابن عقیل<sup>1</sup> در کوفه و طلحه<sup>2</sup> و زبیر<sup>3</sup> و خدا نکند این حادثه تکرار شود چون اگر تکرار شد عذاب بر ما نازل می‌شود و خفت و خواری برای مملکت بوجود خواهد آمد.

و امام را الگو قرار دهید و هیچگاه او را تنها نگذارید، چون وی یار و یاور محرومان و مستضعفان است که بت‌های طاغوت و کافران را بر هم شکست و یکی از سفارشاتم اینکه اگر شهید شوم مرا در بهشت زهرا دفن کنید و بعد از آن مرا به نجف اشرف منتقل کنید و عکسم را روی قبرم قرار دهید که من این راه را انتخاب کردم و این راه، راه حق علیه باطل است. با تشکر پسر شما «صبح احمد» که اسم حقیقی من است و معروف به ابونجم عراقی هستم.

صبح احمدسوزه

---

1- ر.ک. تعلیقات.

2- ر.ک. تعلیقات.

3- ر.ک. تعلیقات.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

نام خدا و در راه خدا باوقالی می شروع کنم و شاید خداوند او را از من دور کند.  
 کسی که بر آنجا غلبه شده و غایت دهنده از راه صلح و سبوت و رسته و هنگام مدفن  
 را بالا ببرد و خدا و ما بودستند. مستعدترین و حکومتها جبار را نامور و جای آنجا حکومتها  
 کنونی و حکام می کنند و خداوند برده برزگستر و خداوند تراست خداوند را در حال حاضر همیشه  
 بودم حضور نماز که حقیقت می آید که من منقول نوشتم و وصیت نامه خدمت با نام  
 و این را حتی در مقام هم نمادیم که منقل وصیت نامه خویش با نام ولی خدا این  
 عقلت و رحمت و خودت باعث شده که من به اینها برسم و این کار به حقیقت  
 بیسوزند و بعد از چند لحظه عیال با مشور و عقلت بسیار شروع خواهد شد  
 و در این موقع که من دارم این وصیت نامه را می نویسم عقوبت های باستان چه در این بیزار  
 ظهر ایشان می دهد و سینه های جنالام در حال انصاف و تمام انصاف آنرا که ای  
 دیدی صورت های آنجا بر از قطرات عرق که مانند سردار به بر روی بیتن آنجا  
 چه در غنچه خدایا چه قدر می آنجا را از کار هار و به به روحی مدوم آراست. خداوند  
 این جوانان را به اینها کشته و به استقبال مویک پیوسته می روند خدایا که است  
 روح لسان اینک با که تهن ملتم را منقول کرد بعد از اینک افکار جامدی داشتند

افسار استغابا که گویان کرد و پیش نماند پس به رسم و حدیثان بخشید خداوند عزوجل این  
 به روی بیعتی در هیت ایشان را بیرون کرد و این یارب العالمین . این وصیت نام  
 به این معنی است که کائنات شهادت بر داشته باشد تا هم بداند که شهادت امیدوار است  
 در روز من است و من این حسودا بدارم تا این اندازه که استیفاء در حق بر من  
 شهادت بر دادا با هم اما از رحمت خدا نا امید و ما یوس نیستیم چون در کتاب  
 و عقیده ما از رحمت خدا یاس و ناامیدی وجود ندارد در این حالت شهادت  
 و شرف شهادت در راه خدا و الله اعلم و ملت حزب الله و بیرون حضرت قدام  
 و بیرون امام خمینی تقسیم نمود . اما بعضی از سفارش های من بعد از حزب الله  
 و بیرون حضرت محمد و امام خمین و امام موسی که با هم اختلاف داشتند و این بر ما  
 گناه تر است به خدا و صیت هر کس برادران این که قمار کنند حادثه مسلم این عقوبت را  
 و ظلم و زبیر و خدا کند این حادثه ها فکر شود چاره آن نگارنده غدا بر ما  
 نازل می شود و حفت و مغایر بیس مکتب بوجود خواهد آمد . و امام را اللوکر الله  
 و هیچگاه . او را تنها نگذارید چون در یار و یار و یار و یار و یار و یار و یار و یار  
 که بطای طاعت و کائنات را بر هم شکست و بر آن سفر شام اینته اگر شکر خود مراد  
 بهشت تنها وضع کنید و بعد از آن ما به نجف اشرف مشرف کنید و مسلم اینها  
 نگارنده که مسلمانان را انضباط کرد ما این را با حق علیه باطل است باز تر بر ما  
 صباح احمد که اسم حقیقی من است و معروف به ابو نجم عراقی هستم .

نام: حسین  
نام خانوادگی: احمدی  
نام پدر: جعفر  
نام مادر: نصرت  
تاریخ تولد: دوازدهم آذر 1341  
محل تولد: شهرستان مهران  
تحصیلات: در حد خواندن و نوشتن  
ارگان اعزام کننده: بسیج  
تاریخ شهادت: دوم اسفند 1363  
محل شهادت: چنگوله  
نحوه شهادت: اصابت ترکش  
مزار: گلزار شهدای بخش صالح آباد از  
توابع زادگاهش



## عبارت‌های کلیدی

- ۱ دیگر ملت ایران زیر بار هیچ ظلمی نخواهند رفت.
- ۱ با وحدت خویش دشمنان را به یأس و نابودی بکشانید.
- ۱ ای پدران و مادران شهدا خوشا به حالتان که امتحان خویش را خوب دادید.
- ۱ از برادرانم می‌خواهم اسلحه خونین مرا به زمین نگذارید.
- ۱ از خواهرم می‌خواهم که با حجاب اسلامی مشت محکمی بر دهان استکبار جهانی بزنید.

## حسین احمدی

### بسم الله الرحمن الرحيم

دروود بر منجی عالم بشریت حضرت مهدی (عج) و با سلام به امام امت خمینی بت شکن و با سلام و درود بر شما ملت فداکار و ایثارگر و با درود فراوان به روح پاک شهدای اسلام از صدر تا کربلای خونین اباعبدالله الحسین (7) و تا کربلای خونین ایران.

ملت ایثارگر ایران درود خدا بر شما باد که به حق پیرو راستین سرور شهیدان حضرت اباعبدالله الحسین (7) هستید و مانند حسین (7) و یارانش از تمام هستی گذشتید و با فداکاری و استقامتتان دشمن اسلام و قرآن را به خاک مذلت نشانید و به آنها فهمانید که دیگر ملت ایران زیر بار هیچ ظلمی نخواهند رفت و با خون دادن تمام دشمنان خویش را به رسوائی می کشند. ملت غیور ایران به شما وصیت می کنم با وحدت خویش دشمنان را به یأس و نابودی بکشانید. ای پدران و مادران شهدا خوشا به حالتان که امتحان خویش خوب دادید و خوب در پیشگاه خدا قبول شدید. پدر و مادر مهربانم از شما می خواهم که مرا حلال کنید و از برادرانم می خواهم اسلحه خونین مرا به زمین نگذارید و از خواهرم می خواهم که با حجاب اسلامی مشت محکمی بر دهان استکبار جهانی بزنید.

حسین احمدی





بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم  
 در روز مغرب عالم بترت حضرت محمد کرامت و با ۱۴۴۴ هجری قمری ۱۳۶۳ شمسی  
 مراستاد ایثارگرانم و در روز شنبه هفت مهر ماه در وقت صبح در منزل خود در تهران  
 ۱۴۴۴ هجری قمری آن روز که خونین از خیمه العین (ع) و آن تر بودی خونین ایوان  
 هست ایثارگرانم در روز خوار و تابان در حق سرور را بقتل سرور و عیب آن حضرت  
 ای عباد الله العین (ع) هتید و ما نتجین (ع) و در آن روز تمام هستم نه نشسته  
 و با تمام کار و استقامت در شش ماه و قرآن را به حالت مذمت نشانی و در آنجا  
 فریاد می‌کنم در سر طایفه ای که از هیچ قلمر نخواهند داشت و خون دلان تمام  
 دشمنانم خون را به رسولان قلمر شده است غمناک آن به تمام و همه است  
 خون من است و با سر و پا بودی ای ایثارگرانم در آن صبح خوش جانان  
 آن امتحان خون کفوف را در کفوف در یک نگاه در آن قبول کردم ۱۰ پرونده را در هر یک  
 حصه از شما میخواهم که مرا در آن سینه و از یاد من میخواهم اسلحه خونین مرا به زمین  
 نندازید و در خطا هم میخواهم که عجب ۱۴۴۴ هجری قمری تمام است ای ایثارگرانم  
 بی‌شک

مین ام



نام: عسگر  
نام خانوادگی: احمدی  
نام پدر: یارمحمد  
نام مادر: هاجر  
تاریخ تولد: یکم شهریور 1342  
محل تولد: بخش ملکشاهی توابع شهرستان مهران  
تحصیلات: اول راهنمایی  
ارگان اعزام کننده: سپاه  
تاریخ شهادت: بیست و نهم آبان 1366  
محل شهادت: پانه  
نحوه شهادت: اصابت ترکش  
مزار: امامزاده پیرمحمد شهرستان زادگاهش

## عبارت های کلیدی

- ۱ از اول می دانستم که شهادت در کمین است.
- ۱ شهادت راه امامان و معصومین خداست و ما را از شهادت باکی نیست.
- ۱ بخشش بنده را بطلیبید که در قیامت پیش حضرت رسول و در گاه خداوند رو سفید باشم.
- ۱ بعد از من نامزد بنده را ملاقات کنید و از او جلوگیری نکنید و بگذارید با هرکس که دلش می خواهد ازدواج کند.

## عسگر احمدی

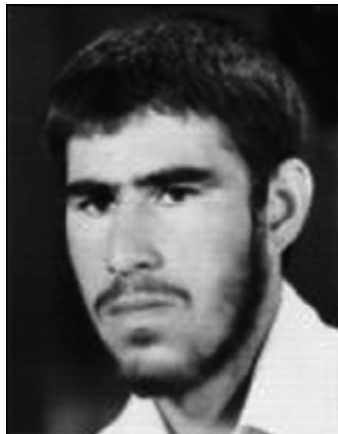
### بسم الله الرحمن الرحيم

مادر مهربان و پدر گرامی برادران عزیز و خواهران دلسوزم می‌دانم که از بچگی با هم شادی و غم خوب و بد شور و شیرین را با هم گذرانیدیم و در این سن که بنده وظیفه دانستم و این راه را انتخاب نمودم و از اول می‌دانستم که شهادت در کمین است شهادت راه امامان و معصومین خداست و ما را از شهادت باکی نیست. امیدوارم که بنده را حلال کنید از زحماتی که کشیده‌اید و مرا ببخشید نکته‌ای که می‌خواهم ذکر کنم که بعد از من نامزد بنده را ملاقات کنید و از او جلوگیری نکنید و بگذارید با هر کس که دلش می‌خواهد ازدواج کند و از طرف بنده از او حلالیت بخواهید که بنده را ببخشد و نیز پدر و مادر و برادرانش نیز بخشش بنده را بطلبید که در قیامت پیش حضرت رسول و درگاه خداوند رو سفید باشم. انشاءالله و به حق حضرت زهرا (3) همه مسلمین را خدا بیامزد.

«والسّلام علیکم و رحمة الله و برکاته»

66/8/3

نام: علی  
نام خانوادگی: احمدی  
نام پدر: کشکول  
نام مادر: فاطمه  
تاریخ تولد: 1340  
محل تولد: روستای چالانچی از توابع  
شهرستان ایوان  
تحصیلات: دیپلم  
ارگان اعزام کننده: سپاه  
تاریخ شهادت: دوم تیر 1366  
محل شهادت: شاخ شمیران عراق  
نحوه شهادت: اصابت گلوله  
مزار: روستای حاجی حاضر از توابع  
شهرستان زادگاهش



## عبارت‌های کلیدی

- ۱ شکر خدای را که نعمتی بزرگ به ملت ایران و مستضعفین جهان ارزانی داشت و آن زنده شدن اسلام و احکام اسلامی است.
- ۱ مادر جان اگر فرزندت را دوست داری، اگر شهید شدم انشاءالله محکم و استوار و صبور باشید.
- ۱ هیچگاه شیاطین شما را وسوسه نکنند.
- ۱ از برادرانم می‌خواهم که ادامه‌دهنده راه شهیدان عزیز راه اسلام باشند و با شکیبایی پشت سر امام امت حرکت کنند.
- ۱ جدایی از روحانیت فقاهتی، پیوستن به شیاطین است.
- ۱ شکر خدای را که نعمتی بزرگ به ملت ایران و مستضعفین جهان ارزانی داشت و آن زنده شدن حکومت الله بر قلب‌های الله جویان به رهبری مردی از خاندان پیغمبر (6) حضرت آیت الله العظمی خمینی است.

## علی احمدی

بسم الله الرحمن الرحيم

«يُسَبِّحُ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ لَهُ الْمُلْكُ وَكَهَّ الْعَمْدُ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ»  
(سوره تغابن<sup>1</sup> آیه یک)

شکر خدای را که به ما توانایی داد و هدایت فرمود که انشاءالله در راه او قدم برداشتیم و شکر خدای را که نعمتی بزرگ به ملت ایران و مستضعفین جهان ارزانی داشت و آن زنده شدن اسلام و احکام اسلامی و حکومت الله بر قلب‌های الله جویان زنده گشت و آن به رهبری مردی از خاندان پیغمبر (6) حضرت آیت الله العظمی خمینی است. انشاءالله که در روز قیامت دستمان را بگیرد و دنباله‌رو او باشیم و نجاتمان دهد. انشاءالله که در آن روز شفاعت خواهمان، اهل بیت نبوت باشند و شکرگزاران این نعمت بزرگ بدانند که جدایی از روحانیت فقهاتی<sup>2</sup> پیوستن به شیاطین است.

«وَالسَّلَامُ»

فرزند شما علی احمدی

تاریخ: 61/11/4

از مادرم تقاضا دارم که مرا حلال کند، تمام زحمت‌هایی که برای بنده که نتوانستم عوض یک ذره‌اش را به شما بدهم. و همچنین امیدوارم خداوند ما و شما را به صراط مستقیم و بدون لغزش هدایت کند و نجات بیاپیم. مادر جان اگر فرزندان را دوست دارید، اگر شهید شدم انشاءالله محکم و استوار و صبور باشی که هیچگاه شیاطین شما را وسوسه نکنند.

از پدرم می‌خواهم تا مرا حلال کند و ناراحتی را به خودش راه ندهد و همیشه فکر و کارش ذکر خدا باشد.

1- در اصل وصیت «سوره تغابن» ترجمه: «خداوند را هر آنچه در آسمان‌ها و زمین است تسبیح می‌کنند و ملک و



حکومت و پادشاهی از آن اوست، ستایش از آن اوست و او به هر کاری قادر است.»

2- ر.ک. تعلیقات ذیل اسلام فقهاتی.

از همسر می‌خواهم که با وجود اینکه بنده نتوانستم به شما خدمتی بکنم مرا حلال و از خداوند بخواهد سرانجام زندگی کوتاهمان در این دنیا به خوبی و خیر باشد.  
از برادرانم می‌خواهم که ادامه دهنده راه شهیدان عزیز راه اسلام باشند و با شکیبایی پشت سر امام امت حرکت کنند. انشاءالله

«وَالسَّلَامُ عَلَيكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ»

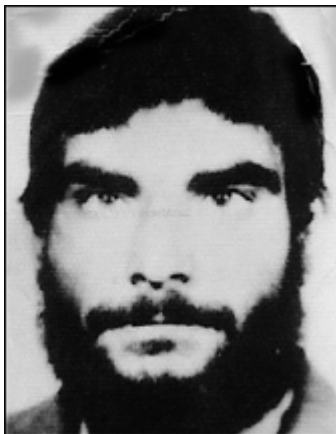
به امید پیروزی اسلام


 الرضی الرضی 
 یسقی لنا ما فی السموات وما فی الارض  
 در اسناد ایثارگران ولله الحمد و مغر علی کل شیء قدیر - سوره القاب - آیه ۱

تصور ضایع را به جانم ای داد و هدایت فرموده استقامت در راه او قدم بردارم  
 و شکر خدای را که نعمتی بزرگ است از آن استغفری جانم در آن داشت و آن  
 زنده شدن اسلام و احکام اسلام و حکومت الله بر قلبهای الله جویان زنده شد  
 و آن رهبری من از خاندان پیغمبر صلی الله علیه و آله حضرت آیه الله العظمی الخمينی است  
 استقامت در هر قیامت و نشان را بگرد و دنیا را در او استم و ما نشان دهنده استقامت  
 در آن روز که شاعت خاندان اهل بیت نبوت استم  
 و شکر از این نعمت استم که ما را در دنیا و آخرت فدا کنی پس از این  
 والسلام بر همه شما می آید

از مادرم تمام مایه مرا مرخص کرده  
 تمام زحمتهای من را که می توانستم عودت را بشاگردم و همچنین اسیر وارم عمارت  
 ما در تمام صراط مستقیم و در آن نفس من حمایت شد و حمایت بیایم - مادری که همیشه زادت  
 از جرم میفرمادم / مادری که شکر شده استقامت... حکم دادند و او را صبر را می بیند  
 تمام مراحل کند و از این / شایسته تمام راه سوخته نکند  
 راه خود را راه نه هر و همیشه و در هر کارش در خدا باشد  
 از جسم میفرمادم که هر خود استم به تو از من تنها عدتی کنم مرخص و در جاورد خود آمد  
 سر قلم زنی که توان همان در این دنیا خبری تو همین باشد - در راه و در آن میفرمادم که انانم در چشم  
 راه شهیدان عزیز را استم باشد و اینها می و شکر سر راه است حرکت کند استقامت...  
 و اولی عظمی و صلوات بر کافه ای که نامید میروند استقامت...

نام: صیدعلی  
نام خانوادگی: اخزری  
نام پدر: غلامعلی  
نام مادر: زنوبه  
تاریخ تولد: چهارم اردیبهشت 1344  
محل تولد: روستای زرین‌آباد از توابع  
شهرستان دهلران  
تحصیلات: پایان دوره راهنمایی  
ارگان اعزام‌کننده: بسیج  
تاریخ شهادت: هشتم مرداد 1362  
محل شهادت: کله قندی  
نحوه شهادت: اصابت ترکش  
مزار: گلزار شهدای امامزاده سید ابراهیم  
شهرستان زادگاهش



## عبارت‌های کلیدی

- ۱ مرگ در راه خدا سعادت ابدی و مرگی توام با عزت و شرف می‌باشد.
- ۱ وصیت می‌کنم به برادران حزب‌اللهی که راه امام بزرگوارمان را تا انقلاب مهدی (عج) ادامه دهند.
- ۱ پدر و مادرم شما فرزندی را در گهواره و آغوش خود پروراندید، که شیفته امام خود شد و راه شهدا همان راه حسین بن علی (7) است.
- ۱ به شما وصیت می‌کنم که پاسدار اسلام و جمهوری اسلامی باشید.
- ۱ پدر و مادر عزیزم با شهادت من شما هدیه خود را تقدیم خدای خویش کردید.



## صیدعلی اخزری

### بسم الله الرحمن الرحيم

«وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قَاتَلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرَزِّقُونَ»<sup>1</sup> (آل عمران 169)

با درود فراوان بر امام بزرگوارمان، خمینی بت شکن و امت شهیدپرور ایران وصیت‌نامه خود را این چنین بیان می‌دارم.

اول سخنی با مردم مسلمان و حزب‌الله ایران: برادران حزب الهی چه چیزی در این دنیا بیشتر از سعادت دنیا و آخرت را به دست می‌آورد؟ یک قدری فکر کنیم چه چیزی باعث عزت و شرف ماها می‌باشد؟ مرگ در راه خدا سعادت ابدی و مرگی توام با عزت و شرف می‌باشد. حالا باید این راه پرافتخار را انتخاب کنیم. من وصیت می‌کنم به برادران حزب‌اللهی<sup>2</sup> که آنچه [را که] باعث سربلندی ملت است، انتخاب کنند و راه امام بزرگوارمان را تا انقلاب مهدی (عج‌الله) ادامه دهند.

دوم سخنی با پدر و مادرم عزیزم: پدر و مادر گرامی، شما فرزندی را در گهواره و آغوش خود پروراندید، که شیفته امام خود شد و راه شهدا [را] که همان راه حسین بن علی (7) است، ادامه داد، اینک مایه سربلندی و افتخار شماست که هدیه خود را تقدیم خدای خویش کردید، مبادا برای از دست رفتن من ناراحت باشید. اگر گریه و زاری نمودید به یاد اباعبدالله الحسین (7) گریه کنید. مادر مهربانم خدا کند من با هدیه خون خودم در راه وطن اسلامی و خدای خویش، بتوانم شما را سربلند و باعزت نمایم. امید است که آن شیر پاک<sup>3</sup> را که به من دادی حلالم کنی. سوم سخنی با برادرانم و عموهای گرامی‌ام: خدا کند مصیبت‌هایی که از طرف مظالم دنیا بر شما وارد می‌شود تحمل نمایید<sup>4</sup> و راه مقدس شهدا را ادامه دهید. مگر ما از هفتاد و دو تن<sup>5</sup> عزیزتر می‌باشیم؟ مگر

1- ترجمه: «آنان که در راه خدا کشته می‌شوند مرده مپندارید، بلکه زنده‌اند و نزد خداوند روزی دارند».

2- در اصل وصیت «حزب الهی».

3- در اصل وصیت «مقدس».

4- در اصل وصیت «نمائید».

5- منظور از هفتاد و دو تن شهدای کربلاست.

خون ما از خون حسین (7) رنگین تر است؟ به شما وصیت می‌نمایم که پاسدار اسلام و جمهوری اسلامی باشید. در پایان به همه توصیه می‌کنم، که هیچگاه برای من ناراحت نباشید، چون «ما شهدا در نزد خدای خود روزی می‌خوریم».<sup>1</sup>

«والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته»

صیدعلی اخزری

---

1- ترجمه بخشی از آیه 169 از سوره آل عمران «... عند ربهم یرزقون».

نام: صادق  
نام خانوادگی: اخلاوه  
نام پدر: عبدالرضا  
نام مادر: بدریه  
تاریخ تولد: یکم آذر 1344  
محل تولد: ایلام  
تحصیلات: چهارم ابتدایی  
ارگان اعزام کننده: بسیج  
تاریخ شهادت: سی ام بهمن 1362  
محل شهادت: چنگوله  
نحوه شهادت: اصابت ترکش  
مزار: بخش صالح آباد از توابع شهرستان مهران



## عبارت های کلیدی

- ۱ وصیت من به برادرم جواد این که در سنگر حقیقت باش و از اسلام دفاع کن.
- ۱ خواهرم تو در سنگر مدرسه از مقدسات انقلابمان دفاع کن.
- ۱ به فرموده امام عزیزمان ما آنچه را داریم از عاشوار داریم.
- ۱ پدر و مادر عزیزم دل هایتان را محکم نگه دارید.
- ۱ پدر و مادر عزیزم استوار و مقاوم در برابر دشمنان بایستید.
- ۱ ای خانواده شهدا بر شهیدان کربلا گریه کنید.
- ۱ ما پیرو عاشورا هستیم و رهبرمان امام حسین (7) است.
- ۱ به دشمنان می گوئیم برای پا بر جا بودن انقلابمان سینه هایمان را در مقابل سرنیزه های شما سپر قرار می دهیم.

## صادق اخلاوه<sup>1</sup>

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

«سَلَامٌ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ»<sup>2</sup>

خدمت پدر عزیزم و مادر مهربانم سلام عرض می‌کنم امیدوارم در تحت عنایات الهی و توجهات حضرت بقیه‌الله (عج الله) باشید و برای من طلب مغفرت نمایید. پدر مهربانم من زحمات شما را فراموش نخواهم کرد و رنج‌هایی که مادرم برای من کشید جبران ناپذیر است، ولی باید بدانید که زحمات شما هدر نرفته است، دل‌هایتان را محکم نگه دارید و استوار و مقاوم در مقابل دشمنان بایستید، که پیروز هستید، مادرم بر من گریه مکن و اگر گریه خواستی بکنی بر حسین (7) مظلوم سرور شهیدان گریه کن که بدنش را پاره پاره کردند و فرزندانش را حتی فرزند شش ماهه‌اش<sup>3</sup> را شهید کردند و زن و فرزندانش و خواهرانش را اسیر کردند.<sup>4</sup> آری شما، ای خانواده شهدا بر شهیدان کربلا گریه کنید که مظلومانه در چنگال اهریمنان شهید شدند<sup>5</sup> و با شهادت خود به ما درس فداکاری آموختند و «ما آنچه را داریم به‌فرمایش امام عزیزمان از عاشوار داریم»<sup>6</sup> پیرو عاشورا هستیم و رهبرمان امام حسین (7) است اگر امام حسین (7) در آن روز فریاد بر می‌آورد، که «اگر دین جدم پا بر جا نمی‌ماند مگر به قتل من ای شمشیرها مرا دریابید»<sup>7</sup> امروز ما به دشمنان<sup>8</sup> روزگار می‌گوییم برای پا برجا بودن انقلابمان سینه‌هایمان را در مقابل

---

1- بالای وصیت‌نامه این جمله از امام خمینی آمده است: «هرگز از دشمن هراسی نداشته باشید کسی که خدا با اوست

از هیچ قدرتی جز قدرت او هراس ندارد».

2- رعد/ 24. ترجمه: «گویند سلام بر شما به پاداش صبری که کردید، پس چه نیک است سرانجام این سرای».

3- ر.ک. تعلیقات.

4- در اصل وصیت «کردن».

5- در اصل وصیت «شدن».

6- در آثار امام تعبیر «آنچه داریم از عاشورا داریم» ندارند شاید نزدیکترین سخن امام به عبارت شهید این باشد «عاشورا را زنده نگه‌دارید که با نگه‌داشتن عاشورا کشور شما آسیب نخواهد دید» (صحیفه امام، ج 15، ص 1333).

7- ر.ک. تعلیقات ذیل ان کان دین محمد.

8- در اصل وصیت «دوستان».

سرنیزه‌های<sup>1</sup> شما سپر قرار می‌دهیم و از انقلابمان نگهداری می‌نماییم. به امید آنکه بتوانیم مظلومان عالم را نجات دهیم. با درود فراوان به روان پاک شهیدان اسلام و انقلاب اسلامی و سلام بر شما خانواده شهدا و با درود به امام عزیزمان، بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران. پدرم اگر بدن من را برای شما آوردند،<sup>2</sup> در هر کجا که دوست داشتید، دفن کنید و اگر در کنار مادربزرگم باشد، بهتر است و من به حسین افتخاری 100 تومان بدهکارم و به محمد که از دوستان خوزستانی من بود 25 تومان بدهکارم و وصیت من به برادرم جواد این که در سنگر مقدست باشی و از اسلام دفاع کن و خواهرم تو در سنگر مدرسه از مقدسات انقلابمان دفاع کن. به امید پیروزی اسلام.

صادق اخلاوه

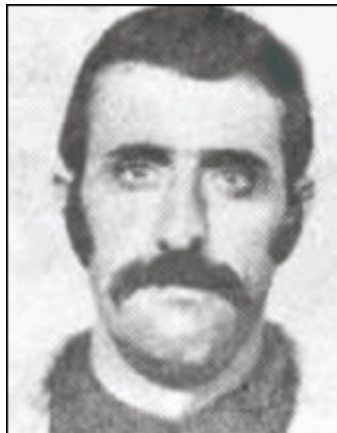
---

1- در اصل وصیت «سرتبرهای».

2- در اصل وصیت «آوردن».



نام: احمد  
نام خانوادگی: ارسن  
نام پدر: گل محمد  
نام مادر: تهمینه  
تاریخ تولد: هشتم شهریور 1337  
محل تولد: روستای ورکبود از توابع  
شهرستان مهران  
تحصیلات: پایان دوره ابتدایی  
ارگان اعزام کننده: -  
تاریخ شهادت: هفدهم خرداد 1364  
محل شهادت: زادگاهش  
نحوه شهادت: اصابت ترکش  
مزار: امامزاده پیرمحمد شهرستان زادگاهش



## عبارت‌های کلیدی

- 1 به همسر و وصیت می‌کنم که همواره ایمان به خدا داشته باشد.
- 1 همسر همیشه در راه‌های پرپیچ و خم استوار بماند و صبر و استقامت به خرج دهد.
- 1 آرزو داشتم دخترهایم را زینب‌گونه تربیت کنم.
- 1 اینک بر عهده شماست که آنان [فرزندان] را خداترس و متقی و دلسوز به کشور و پایبند به اسلام تربیت کنی.
- 1 به تمامی ملت خصوصاً مسئولین امر تذکر می‌دهم که همیشه در جهت اسلام و قرآن باشید.
- 1 پشتیبان امام این فرزند پاک حضرت زهرا (3) [باشید] و از بازوی محکم اسلام دست بردارید.

## احمد ارسن

### بسم الله الرَّحْمَن الرَّحِيم

[با] این چند کلام ناقص وصیت خویش در چند سطر<sup>1</sup> بنا به وظیفه‌ای که دارم می‌نویسم و گر نه من کوچک‌تر از آنم که به کسی پیامی داشته باشم. ای پدر عزیز و بزرگوار می‌خواهم چند کلمه‌ای با شما درد دل کنم؛ که اولاً اگر از من بدی دیدی، به بزرگواری خودت مرا عفو کن. اگر من کاری کرده‌ام که شما از دست من رنجیده خاطر شده‌اید، باز هم می‌گویم به بزرگی خودتان مرا ببخشید و مرا حلال کنید و از صمیم قلب برایم دعا کنید. پدر عزیز اگر با قلم خویش نمی‌توانم از زحمات شما تشکر کنم، ولی بنا به وظیفه از خداوند می‌خواهم که پاداش جمیل و اجر جزیل و صبر کثیر بر شما عطا فرماید. به همسر و وصیت می‌کنم که همواره ایمان به خدا داشته باشد و همیشه در راه‌های پرپیچ و خم استوار بماند و صبر و استقامت به خرج دهد و مثل یک شیرزن از بچه‌هایم مواظبت کند. آرزو داشتم دخترهایم را زینب‌گونه تربیت کنم اما اینک بر عهده شماست که آنان را خداترس و متقی و دلسوز به کشور و پایند به اسلام تربیت کنی با<sup>2</sup> پسرانم نیز همینطور رفتار بنما. به عنوان فردی از آحاد ملت مسلمان، به تمامی ملت خصوصاً مسئولین امر تذکر می‌دهم که همیشه در جهت اسلام و قرآن باشید و هیچ مسئله و روشی شما را از هدف و جهتی که دارید منحرف ننماید. به برادران نیز توصیه می‌کنم که پشتیبان امام این فرزند پاک حضرت زهرا (3) [باشید] و از بازوی محکم اسلام دست برمدارید، چون امام خیلی حق برگردن یکایک ماها دارد. در پایان می‌خواهم که مرا حلال کنید و کسانی که به هر نحو با این حقیر آشنایی داشته‌اند، تقاضای حلالیت بطلبید. برایم نماز بخوانند و از دعای خیر بهره‌مند<sup>3</sup> گردانند.

احمد ارسن

1- در اصل وصیت «قلم».

2- در اصل وصیت «به».

3- در اصل وصیت «بهره‌مند».



بِسْمِ تَعَالَى



سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

بسم الله الرحمن الرحيم  
 در عرض کوفت روزگاری که من در آنجا بودم ای پسر عزیز و شریف تو را  
 می خواهم حیدر علی ای پسر عزیز و دل نغم که او را از من بوی دلجویی  
 نیز تو را می خورم مرا عفو کن ای پسر عزیز که من کرده ام که همان روزی که من را بخندم  
 که با تو با هم می گذرم در روزی که در این بنشیند و مواجده لکن در روزی که من  
 تمام دعا کند پسر عزیز اگر ما تمام فرستی تو تمام از رحمت خدا شکر کنم  
 و کل نماز و طهارت از خدا تو را می خواهم که با او هر جمیل و اجر جزیل و عمری شیرین  
 می بخشد فرما حیدر علی هم و وصیتی کنم که هر دو عالم را به تو داد کند و هر دو عالم  
 در راه های بیرون و بیرون و هم استوار ماند و هر دو عالم است بخیر و هم و بی مثل  
 شیرین از همه های مواظبت کند از روزی که من در فر هام از نصیب  
 شربت کنم اما اینک بر عهدی که من با تو کرده ام و خدا تو را عفو کن و  
 در روزی که تو رو بیاورد اسلام شربت کنی به پسران نیز همطور هم  
 بنام خداوند فردی از آنجا که در وقت میماند به قاضی وقت حضور استوار  
 است نیز گریه در هم که در وقت اسلام و فرما که بخشد و هیچ مشکو

شوق را در حد و در همی که در آن منتظر فب لغایم  
در راه طبع تو که می نامی که بیست و نام این فرشته یار  
و بدو من هم نام دست در راه چون نام خیر حق بر  
هر پایی که من نام که مرا احلا کبر و نامی که  
پس نشانی از شاهانه و تلامی که بطلاید هم نام  
و از دعای خیر بهر مینه و نامی که  
احمد ارسن

نام: حسن  
نام خانوادگی: استرون  
نام پدر: یاره  
نام مادر: شریتی  
تاریخ تولد: نهم مرداد 1347  
محل تولد: شهرستان دهلران  
تحصیلات: دوم راهنمایی  
ارگان اعزام کننده: سپاه  
تاریخ شهادت: چهارم اردیبهشت 1366  
محل شهادت: بانه  
نحوه شهادت: اصابت ترکش  
مزار: گلزار شهدای امامزاده سیدابراهیم  
زادگاهش



## عبارت‌های کلیدی

- | به ملت ایران وصیت می‌کنم که همیشه به یاد خدا باشند.
- | همیشه دعا گوی اسلام، امام و رزمندگان کفر ستیز و پیکار جویان راه خدا باشید.
- | همیشه و همیشه پشتیبان ولایت فقیه باشید.
- | از دولتمردان حکومت الله می‌خواهیم گول اجانب را نخورند.
- | همیشه پشتیبان روحانیت باشند. «زیرا طیب جامعه هستند».
- | اگر روحانیت نبود وجود اسلام غیر ممکن می‌شد.

## حسن استرون

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

«وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ»<sup>2</sup>

«آنانکه در راه خدا کشته شدند مرده می پندارند بلکه زنده ماند و نزد خدای ایشان روزی می خورند».

بنده وصیت هایی دارم که الحمدلله ملت شهید پرور مجاهد و و قهرمان ایران خود آگاهی کامل و روشن دارند. بنده به ملت ایران وصیت می کنم که همیشه به یاد خدا باشند و همیشه دعا گوی اسلام، امام و رزمندگان کفرستیز و پیکارجویان راه خدا باشند و از خدا بخواهند که علمای اعلام و فقهاء شریف و متعهد اسلام را تا انقلاب آقا امام زمان مهدی موعود (عج) نگه دارد و همیشه و همیشه پشتیبان ولایت فقیه باشند. چنان که الان هستند و از دولتمردان حکومت الله می خواهیم گول اجانب را نخورند. و مردم کاری کنند که نمایندگان صالح و پاک و از خود مردم باشند. همان نمایندگانی باشند که شایسته ورود در مجلس باشند. و از ملت ایران خواستارم که دعا و کاری کنند هر چه زودتر ریشه منافقین<sup>3</sup> از خدا بی خبر را از روی زمین بردارند و همیشه پشتیبان روحانیت باشند. «زیرا طیب جامعه هستند»<sup>4</sup> و مانند چشم جامعه می باشند و اگر روحانیت نبود وجود اسلام نیز غیر ممکن می شد.

1- در اصل وصیت «قتلوا».

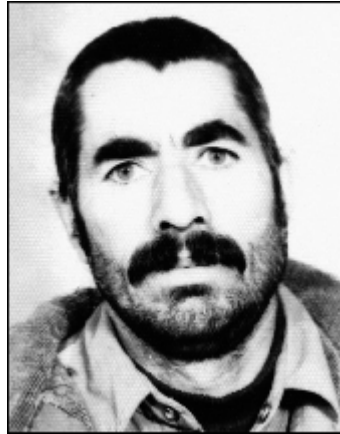
2- آل عمران/ 169.

3- ر.ک. تعلیقات.

4- امام عبارتی مشابه سخن شهید دارد. «اسلام بدون روحانیت مثل کشور بدون طیب است» (صحیفه امام، ج 14، ص 190).

<p style="text-align: right;">وصیتنامه</p> <p>بسم الله الرحمن الرحيم          جب صلت ایران و وصیت حکیم که همیشه بیاد تو را داشته          همیشه دعا گوئی اسعد ما مام و بر سر کار کن که همیشه          و دیگر چه بیان راه هزار بار بشود و از تو اجزا همه که همه          اسعدم و فقها و کسوف و عقیده اسعدم و اتا کفایت          آری اسام زمان معجزه کنی بود ننگوار و همیشه همیشه          بیشترین و ملامت و فتنه ما همیشه بیاد اللان کنی</p> <p style="text-align: right;">ایران</p>	<p style="text-align: right;">وصیتنامه</p> <p style="text-align: center;">بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ</p> <p>والله اعلم          عوالات حسن ازین قندو قاسیل الله هوکتابا اعلیٰ و عظیم          بر تو کن حساس کنی تا ناکند در راه خدا کشته شود          سرده که نیکو زنده و زنده و زنده و زنده و زنده و زنده          نیز و وصیت کنی در راه خدا که همیشه پروردگار و معاهد          قهرمان ایران عزت انکار کنی که این جور خوشی را از زمین</p>
<p style="text-align: right;">وصیتنامه</p> <p>و همیشه در شوقان روحانیت با همیشه زنده و زنده          جامع همیشه و زمانه عظیم جامع همیشه و زنده          روحانیت انبیا و عهد اسعدم نیز و غیر ممکن          همیشه</p>	<p style="text-align: right;">وصیتنامه</p> <p style="text-align: center;">بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ</p> <p>و که زنده است و سلطان عیون القیوم هم که کوه انجا          را هنوز و مردم دارد و کینه که غایب کنی که صالح و پاک          حکم خود مردم با سرشده همه شایسته کنی که با کینه          همیشه و زنده و زنده و زنده و زنده و زنده و زنده          غایب تمام کرد و کینه و کاری که همیشه و زنده          همیشه و زنده و زنده و زنده و زنده و زنده و زنده</p>

نام: احمد  
نام خانوادگی: اسدینیا  
نام پدر: عبدالرضا  
نام مادر: خانم  
تاریخ تولد: دهم دی 1328  
محل تولد: بخش ملکشاهی توابع شهرستان مهران  
تحصیلات: بیسواد  
ارگان اعزام کننده: بسیج  
تاریخ شهادت: بیستم فروردین 1364  
محل شهادت: چنگوله  
نحوه شهادت: اصابت ترکش  
مزار: گلزار شهدای روستای سید محمد عابد  
شهرستان زادگاهش



## عبارت‌های کلیدی

- ا می‌روم تا با دادن خون خود، جلوی دشمن را بگیرم.
- ا من می‌جنگم تا شما ای برادرم و ای خواهرم و ای فرزندم آزاد و آرام زندگی کنید.
- ا گوش بفرمان امام باشید و غیر از راه امام راه دیگری نروید.
- ا ای فرزندم در سنگر درس و مدرسه از خون شهیدان حمایت کن.
- ا همیشه یار امام باش. چون اگر امام نباشد و راه امام نباشد زحمات همه شهیدان به هدر می‌رود.
- ا برای مرگ من ناراحت نباشید، چون همه روزی بایستی بمیریم و از این جهان برویم.
- ا زندگی با ذلت ارزشی ندارد.

## احمد اسدنیآ

## بسم الله الرحمن الرحيم

به نام خدا اینجانب احمد اسدنیآ به خاطر دفاع از میهن اسلامی، که از جانب دشمن همسایه مورد حمله قرار گرفته است، می‌روم تا با دادن خون خود، جلوی دشمن را بگیرم و با تمام توان و قدرت با تفنگ و چنگ و دندان تا سر حد شهادت بچنگم. چرا چون زندگی همراه با ذلت ارزشی ندارد و من می‌چنگم تا شما<sup>1</sup> ای برادرم و ای خواهرم و ای فرزندم آزاد و آرام زندگی کنید و دشمن دیگر به شما ظلم نکند و زور نگوید.

وصیتم به تو ای همسرم این است که در پشت جبهه از برادران زنده پشتیبانی کنید، با رفتن در مراسم و رفتن در مساجد و شرکت در راهپیمایی‌ها، و گوش بفرمان امام باشید و غیر از راه امام راه دیگری نروید چون همگی کافر هستند و فقط راه امام حق است.

ای فرزندم در سنگر درس و مدرسه از خون شهیدان حمایت کن و همیشه یار امام باش. چون اگر امام نباشد و راه امام نباشد زحمات همه شهیدان به هدر می‌رود.

وصیتم به تو ای مادر این است به خوبی از بچه‌هایم مواظبت کنید و آنها را خوب تربیت کنید.<sup>2</sup> اگر من نتوانسته‌ام کاری برای شما، یا خدمتی برای شما، بکنم و نتوانسته‌ام، مرا ببخشید. شیرت را حلالم کن<sup>3</sup> و از تمام فامیل‌ها و همسایه‌ها حلالیت طلب نمایید. برای مرگ من ناراحت نباشید. چون همه روزی بایستی بمیریم و از این جهان برویم.

«والسلام علیکم ورحمةالله»

1- در اصل وصیت «تو».

2- در اصل وصیت «دهید».

3- در اصل وصیت «کنید».

## [وصیت‌نامه‌ای دیگر]

بسم الله الرحمن الرحيم

بسمه تعالی

«خدایا مرا راهنمایی کن که از گمراه بودن نجات پیدا کنم و مرا از غرور و حرص و سایر اخلاق [رذیله نجات بده]<sup>1</sup> تا فقط بتوانم به تو توجه پیدا کنم زیرا من جز بنده کوچکی در مقابل بزرگی و قدرت تو نیستم و می‌دانی که هدفم جز ریختن خونم در راه کسب رضای تو نیست و هدفم را انتخاب کرده‌ام و امیدوارم که امانت خودت را قبول کنی و کاش می‌توانستم از این بیشتر در راه تو خدمت و عبادت کنم. مادرم! برای من خیلی زحمت کشیدی و با چه محرومیت‌هایی که مرا تربیت کردی. اینک که راهی جبهه شده‌ام امیدوارم که مرا حلال کنی و با رضایت کامل و با عشق به خدا امانت او را با رضایت پس‌دهی و در غم شهادتم نگران نباش. همسر! امیدوارم که تو هم مرا حلال کنی و فرزندانمان را با تربیت اسلامی بزرگ کنی و حجاب و اخلاق درست را به آنان بیاموز. اکنون که وطن ما مورد هجوم دشمن قرار گرفته وظیفه خود می‌دانم که به جبهه روم و جانم را فدای اسلام و قرآن کنم و شاید بتوانم خدمتی ناچیز به انقلاب و امام کرده باشم پس اگر شهادت نصیبم شد از مرگ من ناراحت نباشید و به خدا توکل کنید و خدا با صابران است.<sup>2</sup>

63/3/7

احمد اسدنیا

---

1- در اصل وصیت افتادگی دارد اما به سیاق کلام باید [رذیله نجات بده] اضافه شود.

2- ذیل وصیت‌نامه شهید توسط فرزند شهید شهناز اسدنیا این عبارت آمده است: «بسمه تعالی - اینجانب شهناز اسدنیا فرزند شهید تأیید می‌نمایم وصیت‌نامه فوق متعلق به شهید احمد اسدنیا پدر بزرگوارم می‌باشد. 89/9/22 . اسدنیا».



بسم الله الرحمن الرحيم

وصیت نامہ : منا خدا انصاف اور مددگار بناؤ، پکارو و نمانے از پیوں اسلامی کہ از جانب  
 دشمن همسایہ ہر درجہ ترانگہ است سر دم تا باداد خون خود جلوی دشمن را بیدوم و با  
 توان و قدرت با شرف و جگ و دراز تا سر حد شہادت بکنم چرا چون زندگی حواہ با ذلت از منی ندارد  
 و من ہی جنگ تا تازی بادم رای خواہم دای فرزندم آزاد و آرام زندگی کیسود من دیگر نہ نما ظلم کند و در کرم  
 وصیت بنوای حرم این است کہ در پشت جبہ از برادر زنده بشتن کند با رفتن در مراسم و رفتن دست برد  
 و شولکت در اہمیت ہا و گوشی بخواہ اما با شہد و غیر از راہ اما راہ رنگی شود مع چون  
 ہن کار ہستند و فقط راہ افام حق است ای فرزندم از سرگردن و مدرسہ از خون شہیدان  
 ہائیکن و ہمیشہ یاد اما پیش چون گواہم نباشد و راہ افام نباشد نہ ہر ہر شہیدان بہ صبر  
 ہی رود وصیت بہ نواس مادر این است بہ خوں از بچہ حاتم مواظبت کنید و اگر از خوب تربیت دہم  
 اگر من نہ نوشته ام کاری نہ ہستد از ... یا خدمتی بر او نہ بکنم و نہ توانستہ ام طاعتی  
 شہرت را حلالم کنید از ہم غلبہ و ہا یہا ولایت طلب نہ شید برای مرگ من نارادت  
 نہ شید چون ہر روزی با رہی بپریم و از این بچہ بریم والسلام علیکم ورحمۃ اللہ

«سید عالی» (حضرت امام)

«جدا بیا بر ارحامی کن که از گمراه بودن غایت پیدا کنم دمر از عز و در و حسن و سایر اصفون  
 تا فقط بترامم به تو جنبه پیدا کنم زیرا این جزو زنده گوئی در معانی بزرگی و قدرت تو چشم  
 و من دلم که خدمت جز به تو در پیش تو نم در راه کسده ضعیفی تو نیست و هم را انتخاب  
 کرده ام و امیدوارم که امانت خودت مانتول کنی و کلاش می توانم از این بیشتر در راه تو  
 خدمت و عبادت کنم مادام که از این من خیلی رحمت کشیدی و با چه مردم منیایی که مرا تربیت  
 کردی با تک که را هر چه شده ام امیدوارم که مطر اصلاح کنی. در ارضایت کامل و با عشق به خدا  
 امانت دورا بار صابت پس دهن. و در غم شکر دهن نگران نباشم حسرت! امیدوارم که تو هم  
 مرا حاصل کنی و زنده بمانی و با تربیت اسلحه بر روی من و صاحب و اهلین درست راه آمان  
 بیایند. اکنون که وطن ما مورد هجوم دشمن قرار گرفته و ضعیف خود می دانم که به چه وجه دهن را  
 بنده اسلحه و قرآن کنم و شاید بتوانم خدمت ناچیز به انقلاب را انجام کرده باشم پس اگر شهادت  
 نصیب من شود لکن من با راحت با سید و به خدا توکل کنید و خدا با ما است»

۶۲، ۳۰۲

در فغانی  
 اینجانب کشته شدم تا زنده بماند و با هم و با هم فون مکتوب  
 بنویسد و بعد به هر کس که می باشد.  
 ۶۲، ۳۰۲

نام: آیت‌الله  
نام خانوادگی: اسدی  
نام پدر: منصور  
نام مادر: زهرا  
تاریخ تولد: چهارم شهریور 1351  
محل تولد: روستای چالانچی اولیا از توابع  
شهرستان ایوان  
تحصیلات: پایان دوره راهنمایی  
ارگان اعزام‌کننده: بسیج  
تاریخ شهادت: بیست و سوم اسفند 1366  
محل شهادت: شاخ شمیران عراق  
نحوه شهادت: اصابت گلوله  
مزار: روستای حاجی حاضر شهرستان زادگاهش



## عبارت‌های کلیدی

- ا ای مسلمین سرای آخرت را بجوید.
- ا امیدوارم که این استقلال و این آزادی و این حضور جمعی تا آخر باقی بماند.
- ا امیدوارم که دولت‌ها آنقدری که به باغ وحش خودشان اهمیت می‌دهند، به اسلام اهمیت بدهند.
- ا آخر به چه جرمی و چه گناهی به شهرهای ما حمله می‌کنند؟
- ا تا آخرین قطره خونمان حق جوانان، کودکان و سالخوردگان و زنان و مردم شجاعمان را از رژیم صهیونیستی بغداد و آمریکا و اسرائیل و فرانسه و مصر و کویت بگیریم.
- ا ما ملت ایران باید در راه خدا بجنگیم.
- ا جنگ با دشمنان خدا باید در راه او باشد نه به خاطر هوای نفس و یا کشورگشایی.
- ا هر شخصی مسئول وظایف و تکالیف خود است.
- ا شما به خداوند تکیه دارید و او قدرتمند است.
- ا از دشمن هراس به دل راه ندهید.

## آیت‌الله اسدی

### بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

«إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَىٰ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنَّ لَهُمُ الْجَنَّةَ...» (قرآن کریم توبه 111)

باسلام و درود بیکران به رهبر کبیر انقلاب اسلامی امام خمینی و سلام و درود به شهدای گلگون‌کفن انقلاب اسلامی.

«الدنیا مزرعة الآخرة»<sup>1</sup>: دنیا کشتگاه آخرت است، ای مسلمان با آنچه خداوند به تو داده، سرای آخرت را بجوی و نصیبت را از زندگی این جهان فراموش مکن.<sup>2</sup> من امیدوارم که همان‌طور که ایران تاکنون آمده است و دست ستمکاران را کوتاه کرده است و [خود را با یک تمدنی خواهد افتاد]<sup>3</sup>. ایران را یک ایران آزاد و مستقل قرار داده است. این استقلال و این آزادی و این حضور جمعی تا آخر باقی بماند. من امیدوارم که دولت‌ها آنقدری که به باغ وحش خودشان اهمیت می‌دهند، به اسلام اهمیت بدهند.

بمباران وحشیانه رژیم عراق علیه شهرهای کشورمان که در این رابطه عزیزانی را از دست داده‌ایم برای من سخت است، گریسته‌ام، اشکم خشکیده است. در سینه‌ام خرمی آتش شعله می‌کشد اما اشکم نمی‌آید و این درد بسیار، بسیار عذابم می‌دهد. ای کاش می‌توانستم گریه کنم و اندوه سنگینی دلم را در، های‌های گریه‌هایم بیرون بریزم. احساس می‌کنم تمامی غم و اندوهم گسترده شده و وسعت یافته است و چندین بار به این مصیبت گرفتار آمده‌ام. امروز در ایران و فردا در لبنان و پس‌فردا در جایی دیگر.

گاهی احساس می‌کنم که در زیر فشار این زندگی بی‌معنی له شده‌ام و به زیستن و زنده ماندن بی‌علاقه می‌شوم. حتی به خودکشی می‌اندیشم. اما بی‌فایده‌اش می‌یابم، چون از رنج و عذابم نخواهد کاست و آنگهی خزان ابدی خواهد آورد، آیا ما مردم شهیدپرور ایران

1- حدیث نبوی، مجموعه ورام، ج 1، ص 183.

2- این جمله شهید در واقع ترجمه آیه قرآن است که در جریان بحث موی و قارون می‌فرماید که با نعمت‌های دنیا آخرت را بجوی و نصیبت را از دنیا فراموش نکن.

3- عبارت داخل [ ] مفهوم نیست.

این عمل بی‌رحمانه را قبول می‌کنیم؟ آخر به چه جرمی و چه گناهی به شهرهای ما حمله می‌کنند؟

پیام ما [به]<sup>1</sup> ملت قهرمان ایران این است: تا آخرین قطره خونمان حق جوانان کودکان و سالخورده‌گان و زنان و مردم شجاعمان را از رژیم صهیونیستی بغداد و آمریکا و اسرائیل و فرانسه و مصر و کویت بگیریم و ملت شریف ایران اگر فکر کنند چه شهیدانی از بمباران‌ها و موشک‌هایی که به دل دزفول و ایلام و شهرهای دیگر داده شد، مگر از یاد مردم ایران می‌رود؟

ما ملت ایران باید در راه خدا بجنگیم و جنگ با دشمنان خدا باید در راه او باشد نه به خاطر هوای نفس و یا کشورگشایی و توسعه‌طلبی بلکه برای حاکم شدن دین خدا و تامین رضای او.

هر شخصی مسئول وظایف و تکالیف خود است. کوتاهی و سهل‌انگاری دیگران در امر جنگ نباید بر انسان تاثیر سوء بگذارد. هر چه دشمن قدرت<sup>2</sup> داشته باشد و بتواند صدمه‌ای بزند، شما از قدرت او و ضربات او نهراسید، زیرا که شما به خداوند تکیه دارید و او قدرتمند است و انتقام شدیدتری از متجاوزان به مرزهای حق و عدالت می‌گیرد و بنابراین از دشمن هراس به دل راه ندهید.

66/8/15

آیت‌الله اسدی

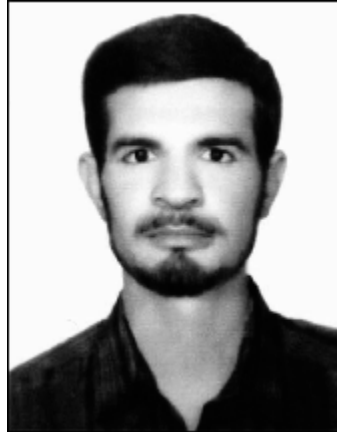
جنگ جنگ تا پیروزی

خدایا خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگه‌دار.

1- در نسخه تاپیی و مورد تأیید بنیاد شهید «به» افتاده است.

2- در نسخه تاپیی و مورد تأیید بنیاد شهید «قدرتی».

نام: رضا  
نام خانوادگی: اسدی  
نام پدر: غضبان  
نام مادر: فاطمه  
تاریخ تولد: بیست و نهم اسفند 1342  
محل تولد: بخش صالح آباد از توابع  
شهرستان مهران  
تحصیلات: سوم متوسطه  
ارگان اعزام کننده: سپاه  
تاریخ شهادت: سیزدهم دی 1369  
محل شهادت: چنگوله  
نحوه شهادت: اصابت ترکش  
مزار: زادگاهش



## عبارت‌های کلیدی

- 1 خدایا اگر گل نیستم در گلستان زمین تو با گل‌هایی که ریشه در کوثر عشق دارند، همسایه‌ام.
- 1 خدایا به محمد (6) بگو پیروانش حماسه آفرینند.
- 1 خدایا به علی (7) بگو شیعیانش قیامت به پا کرده‌اند.
- 1 خدایا به حسین (7) بگو که خونش همچنان در رگ‌ها می‌جوشد.
- 1 فریاد خواهیم زد عشق ما حسینی است، رهبر ما خمینی است.
- 1 شرکت در نماز جمعه مشیت محکمی بر دهان دژخیمان شرق و غرب می‌باشد.
- 1 امیدوارم در دعاها هیچ وقت امام را فراموش نکنید و دعا بر جان امام را امری واجب بدانید.

## رضا اسدی

### بسم الله الرحمن الرحيم

به نام الله، به یاد الله و برای الله با درود بر منجی عالم بشریت ولی عصر (عج الله) و رزمندگان غیور جبهه‌ها، که با نثار خون پاک خویش، درخت پربار انقلاب را آبیاری کرده و می‌کنند و خواهند کرد، خدایا اگر گل نیستم در گلستان زمین تو با گل‌هایی که ریشه در کوثر عشق دارند، همسایه‌ام، خدایا تو را به بوی خوش گل‌های گلستان، شمیم لطفت را بر من نثار کن، تا لیاقت دوستی اینان را بیابم، خدایا ریشه‌ام را به ریشه و ساق و برگ‌هایشان پیوند زن، تا شاید رمز پاکی و صداقت را از اینان وام گیرم و لایق گلستان تو شوم. خدایا های هوی بهشت را می‌شنوم چه غوغایی، حسین (7) به پیشواز یارانش آمد. چه صحنه‌ای، فرشتگان ندا می‌دهند که هم‌زمان ابراهیم، همراهان موسی، هم‌دستان عیسی، هم‌کیشان محمد (6)، هم‌سنگران علی (7)، هم‌فکران حسین (7)، هم‌گامان خمینی از سنگر کربلا آمده‌اند. چه شکوهی! خدایا به محمد (6) بگو پیروانش حماسه آفرینند به علی (7) بگو شیعیانش قیامت به پا کرده‌اند، به حسین (7) بگو که خونش همچنان در رگ‌ها می‌جوشد. خدایا، معبودا، بارالها! من ضعیفم و ناتوانم، دوست دارم تمام بدنم را در راه تو بدهم. پروردگارا اگر هر روز کاروان سرخ‌پوش شهیدان در کوچه هامان بگذرد و نخل غم در سینه مادرانمان کاشته شود و تمامی کوچه‌ها و خیابان‌هایمان به نام شهیدان باشد و دشمن پست و فرومایه چون شب عاشورا، آب و نان را به رویمان ببندد و خانه و کاشانمان چون خیمه‌های حسینی در میان شعله‌های کفر جهانی بسوزد و نمرودیان<sup>1</sup> چون ابراهیم<sup>2</sup> عزیز را به آتش افکندند و اطفالمان را سر ببرند، فریاد خواهیم زد که نهضت ما حسینی است، رهبر ما خمینی است. در خاتمه از کلیه دوستان و فامیل می‌خواهم تا آنجا که می‌توانند در جبهه شرکت نمایند و اگر نمی‌توانند همیشه در پشت جبهه به رزمندگان کمک نمایند. همیشه به نماز جمعه بروند که نماز جمعه مشت محکمی بر دهان دژخیمان شرق و

1- ر.ک. تعلیقات.

2- ر.ک. تعلیقات.

غرب می‌باشد و امیدوارم در دعاها هیچ وقت امام را فراموش نکنند و دعا بر جان امام را امری واجب بدانند.

خدایا خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگهدار  
در ضمن وصیت‌نامه خانواده جدا می‌باشد.

«والسّلام، خداحافظ»

رضا اسدی

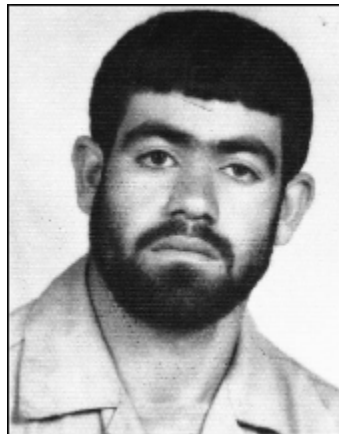
تاریخ: 66/7/6







نام: محمدرضا  
نام خانوادگی: اسفندیاری  
نام پدر: غلام  
نام مادر: سلطنت  
تاریخ تولد: پنجم شهریور 1346  
محل تولد: روستای زنجیره سفلا شهرستان  
شیروان و چرداول  
تحصیلات: پایان دوره راهنمایی  
ارگان اعزام کننده: سپاه  
تاریخ شهادت: بیست و سوم اسفند 1366  
محل شهادت: شاخ شمیران عراق  
نحوه شهادت: اصابت ترکش  
مزار: گلزار شهدای زادگاهش



## عبارت‌های کلیدی

- ۱ باید جانمان را در راه اسلام و قرآن فدا کنیم.
- ۱ اگر رقتم نگران نباشید. چون که فرزندان در راه خدا و قرآن جان خود را از دست داده است.
- ۱ نماز را به پای دارید که ما هرچه داریم از نماز و عبادت است.
- ۱ به جای گریه و زاری شادی کنید که شهید شدن خودش سعادت می‌خواهد.
- ۱ دفاع از اسلام، از قرآن، از دین و از وطن به پیر و جوان بودن نیست.
- ۱ توشه راه آخرت من قرآن است، قرآن برایم بخوانید.
- ۱ دعا برای امام و امت اسلامی را فراموش نکنید.
- ۱ دنیا ارزش ندارد و نباید به آن دل بست فقط به یاد خانه آخرت باشید.
- ۱ به درگاه خداوند تقاضا کرده‌ام که شهید بشوم شاید خداوند این تقاضای مرا قبول کرد.

## محمدرضا اسفندیاری

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

«وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّىٰ لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ لِلَّهِ...»<sup>1</sup>

به نام خدایی که انسان را از هیچ درست کرد و به او خط داد، که چگونه راه خود را انتخاب کند، نه از مسئولیت گریزان و نه خود را فریب دهد. نه [با] وسایل سرگرم کننده و حال با توجه به اینکه می‌بینیم که اسلام احتیاج به خون دادن دارد، من هم بنا بر وظیفه‌ای<sup>2</sup> که احساس می‌کنم، راهم را انتخاب کرده‌ام و تا آخرین قطره خونم، از آرمانم دفاع می‌کنم و می‌میرم ولی سازش را قبول نخواهم داشت. «خداوند ما را از خاک درست کرده است و باید به خاک برگردیم.»<sup>3</sup> حالا که اینطور باید باشیم، چرا به مرگ عادی بمیریم؟ باید جانمان<sup>4</sup> را در راه اسلام و قرآن فدا کنیم. خوب است که در موقعیتی قرار گرفته‌ایم که خودبه‌خود راهمان را انتخاب کرده‌ایم و ادامه‌اش<sup>5</sup> خواهیم داد، تا لحظه‌ای که جان در بدن خواهیم داشت. اما پدر و مادر، من می‌روم اما راهم را هم خوب انتخاب کرده‌ام. اگر رفتم نگران نباشید. چون که فرزندان در راه خدا و قرآن جان خود را از داده است و از این موضوع باید خوشحال باشید، که هدیه‌ای<sup>6</sup> را به پیشگاه با عظمت الهی تقدیم نموده‌اید.

برادرانم رضا، علی و محسن من می‌روم، چون که امامان ندا داده است و من هم لبیک گفته‌ام و صادقانه راهم را انتخاب کردم و شما ناراحت نباشید که هر کس که از مادر پیدا می‌شود، باید برود و این راه ماست چه بهتر که شهید باشیم. راهتان را خوب انتخاب کنید نماز را به پای دارید که ما هرچه داریم از نماز و عبادت است برادرم علی تو درست را خوب بخوان، که درس خواندن هم عبادت است.

1- ترجمه سوره بقره آیه 193 «بجنگید (با کفار) تا زمانی که فتنه از روی زمین برچیده شود و دین از آن خدا باشد».

2- در اصل وصیت ناخواناست اما از سیاق کلام برمی‌آید که «وظیفه‌ای» باشد.

3- الرحمن / 14.

4- در اصل وصیت «ان» اما به سیاق عبارت باید «جانمان» باشد.

5- در اصل وصیت «امه‌اش».

6- در اصل وصیت «هدی».

پدر و مادر، برادران و خواهران و قومان و خویشان، در مرگ من گریه نکنید، گریه کردن ضعف است. اگر گریه کنید دشمنان اسلام شاد خواهند شد. پس به جای گریه و زاری شادی کنید که شهید شدن<sup>1</sup> خودش سعادت می‌خواهد.

ای عزیزانم برای نجف عزیززاده<sup>2</sup> و بندر محسن زاده<sup>3</sup> گریه کنید و به یاد آنان باشید که گل‌های خوشبویی بودند که وجودشان پرپرگشت و راه اصلی خود را طی نمودند. اما ای هم‌ولایتی‌ها اگر از من نگران هستید و ناراحتی دارید، مرا ببخشید. اضافه می‌کنم ای پدر دفاع از اسلام، از قرآن، از دین و از وطن به پیر و جوان نیست. این راه من ادامه دارد و آن را ادامه بدهید و توشه راه آخرت من قرآن است، قرآن برایم بخوانید و دعا برای امام و امت اسلامی را فراموش نکنید و پدرم و مادرم و اقوامم را فراموش نکنید و شب‌های جمعه مرا به یاد داشته باشید و اگر خدای نخواست، ندانسته حرفی به شماها گفته‌ام، مرا حلال کنید و سلامی که بعد از خودم به وسیله این وصیت‌نامه می‌فرستم به هم‌قطاران و دوستان و فامیل‌ها و آشنایانم برسانید. [...] <sup>4</sup> دنیا ارزش ندارد و نباید به آن دل بست. فقط به یاد خانه آخرت باشید و مبادا کسی را از خود برنجانید، که اگر احیانا کسی به شما حرفی ناپسند زد، شما در عوض با آن شخص با کمال مهربانی رفتار کنید، که این برنامه از خصلت پیامبر اسلام حضرت محمد بن عبدالله (6) می‌باشد. باز به شما سفارش می‌کنم این دستوراتی که در این وصیت‌نامه نوشته‌ام آن را به طور کامل تا مادام‌العمر در نظر داشته باشید. آیا شما خبر دارید که این وصیت‌نامه را در کجا و در چه منطقه‌ای و در چه زمینی می‌نویسم؟ در حقیقت من گمان ندارم که از این سفر برگردم. چون به درگاه خداوند تقاضا کرده‌ام که شهید شوم شاید خداوند این تقاضای مرا قبول کرد و به هدف اصلی خود که همان شهادت در راه خدا باشد نائل آمدم، در هر صورت مرا حلال کنید، شاید همدیگر را ندیدیم.

1- در اصل وصیت «دن» از سیاق عبارت اصل واژه «شدن» است.

2- از دوستان شهید اسفندیاری است که قبل از او شهید شده است.

3- از دوستان شهید اسفندیاری است که قبل از او شهید شده است.

4- در اصل وصیت واژه‌ای افتاده است.

این وصیت نامه [را] در مورخه 66/12/13 در جوانرود<sup>1</sup> نوشته ام که اگر شهید شدم بعدا برای دوستان و آشنایان و اقوام و هم‌سنگران پادگان من قرائت شود. بیشتر از این مزاحم<sup>2</sup> نمی‌شوم.

محمدرضا اسفندیاری

66/12/13 - جوانرود

---

1- ر.ک. تعلیقات.

2- در اصل وصیت «مزاحم».





بسم الله الرحمن الرحيم  
 این سند در روز ... در شهر ...  
 در حضور ...  
 در مورد ...  
 در تاریخ ...  
 در حضور ...  
 در مورد ...

۱۳۰۰

این سند در روز ... در شهر ...  
 در حضور ...  
 در مورد ...

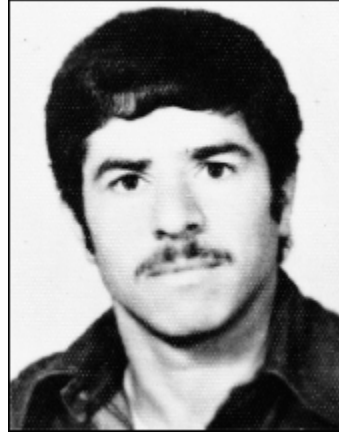
بیتراکلی بزایم بنیام

بسم الله الرحمن الرحيم

محمد رضا اسفندیاری  
 قائم مقام  
 اسفندیاری



نام: اسلام  
نام خانوادگی: اسماعیلی  
نام پدر: عزیز  
نام مادر: فردوس  
تاریخ تولد: 1338  
محل تولد: روستای اسماعیلی سفلا از توابع  
شهرستان ایوان  
تحصیلات: چهارم متوسطه  
ارگان اعزام کننده: -  
تاریخ شهادت: هجدهم خرداد 1364  
محل شهادت: زادگاهش  
نحوه شهادت: اصابت ترکش  
مزار: روستای حاجی حاضر شهرستان ایوان



## عبارت‌های کلیدی

- ۱ مادر از من نصیحت، که تا می‌توانی در راه خدا کوشش کن.
- ۱ مادرم هیچ وقت خدا را فراموش نکن.
- ۱ مادر من هدیه تو هستم که به سالار شهیدان حسین (7) می‌دهید.
- ۱ پدر و مادر برایم ناراحت مباشید، که من زنده‌ام برای دین خدا.

## اسلام اسماعیلی

### بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وصیت‌نامه خود به پدر و مادرم

«إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ»<sup>1</sup>

پدر و مادر مهربان و زحمت‌کش، چند کلمه‌ای که می‌نویسم به یاد شیرت و به یاد مهربانی توست. مادر من، شیرت را حلالم کن، که شاید خدا مرا از عذاب دوزخ، رنج و زحمتی که برایم کشیدی عفو فرماید. مادر خداوند ما را لخت آفریده و لخت از دنیا می‌رویم. مادر از من نصیحت، تا آنجا که می‌توانی در راه خدا کوشش کن و برای من ناراحت نباش و هیچ موقع خدا را فراموش مکن، من هدیه تو هستم که به سالار شهیدان حسین (7) می‌دهید. مادر شیرت را حلالم کن و گریه و زاری برایم مکن و پدر من نمی‌توانم زحمت تو را پس بدهم. مگر خدای بزرگ از طرف شما مرا عفو نمایند. از تو چه بگویم؟ ولی پدر و مادر، برادران و خواهرانم ترا به خدا برایم ناراحت مباشید،<sup>2</sup> که من زنده‌ام برای دین خدا، [از] اسلام اصیل دفاع کنید<sup>3</sup> که پوزه صدامیان [را] به خاک بمالید.

### خداحافظ

### اسلام اسماعیلی

شب جمعه ساعت ده وصیت‌نامه را نوشتم و برای جبهه آماده می‌باشم.

برادر مرا فراموش مکن که عاشق حسین بودم.

برادرانم [بگذارید]، همیشه دوست و مهربان باشد<sup>4</sup>، تا نزد همه عزیزتر باشید.

برو کار می‌کن مگو چیست کار که سرمایه جاودانی است کار

همیشه به سر قبرم بیایید و روح مرا شاد کنید و شهیدان را از یاد نبرید.

---

1- بقره/ 156. ترجمه: «ما از خداییم و به سوی او برمی‌گردیم».

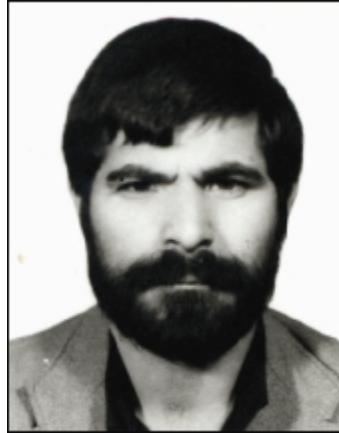
2- در اصل وصیت «مباش».

3- در اصل وصیت «کن».

4- در اصل وصیت «باش».



نام: امیدعلی  
نام خانوادگی: اسماعیلی  
نام پدر: غلامعلی  
نام مادر: شربتی  
تاریخ تولد: هشتم تیر 1331  
محل تولد: شهرستان مهران  
تحصیلات: دیپلم  
ارگان اعزام کننده: بسیج  
تاریخ شهادت: بیست و سوم اسفند 1366  
محل شهادت: شاخ شمیران عراق  
نحوه شهادت: -  
مزار: گلزار شهدای بخش صالح آباد زادگاهش



## عبارت های کلیدی

- 1 من راه شهادت را آگاهانه و از روی بینش و با طیب خاطر انتخاب کرده ام.
- 1 من که یک شیعه هستم در این سرا از مولایم حسین ابن علی (7) آموخته ام که فرمود:  
«هیئات من الذلة».
- 1 پدرجان تو خوشحال باش که فرزندت موفق شده است با خدایش سودایی به این عظمت انجام دهد.
- 1 فرزندم امیدوارم بعد از اینکه به سن 7 سالگی رسیدی نماز خواندن را که رکن دین است آغاز کنی.
- 1 چنانچه پاسدار حرمت خون شهیدان و بالخصوص خون حقیر می باشید از این به بعد بهتر از قبل از اسلام و ولایت فقیه پشتیبانی و حمایت کنید.
- 1 فرزندم در پیروی از دین مبین اسلام و ولایت فقیه کوشا باش.
- 1 یاران صدیقی برای ولایت فقیه باشید، زیرا قصور در این خصوص مساوی است با پایمال شدن خون شهیدان.

## امیدعلی اسماعیلی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

«وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قَتَلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرَزِّقُونَ»<sup>1</sup>

وصیت‌نامه معلم و دانشجوی شهید امیدعلی اسماعیلی

با سلام و درود به پیشگاه یگانه منجی عالم بشریت حضرت محمد (6) و درود به محضر گرامی<sup>2</sup> امام زمان (عج‌الله) و سلام به حضور نایب برحقش امام خمینی و با درود به شهدای اسلام از هابیل<sup>3</sup> تا شهدای جنگ تحمیلی.

خداوندا تو خود آگاهی که من راه شهادت را آگاهانه، از روی بینش و با طیب خاطر انتخاب کرده‌ام، زیرا مطمئنم که تو به عهد خود وفا خواهی کرد و ما را از روزی خود بی‌نصیب نخواهی نمود. و از طرفی یقین دارم که حمایت کردن از حکومت جمهوری اسلامی مورد رضای توست و من هم راضی به رضای توام و با علم به اینکه در طول تاریخ همواره حق و باطل با یکدیگر در ستیز بوده‌اند و تو همواره حق را یاری نموده‌ای.

پس بنابراین انسان واقعی کسی است که تا حق را تشخیص داد، جانب آن را گرفته و جامه ذلت که همانا خاموشی [است] نپوشد و من که یک شیعه هستم این درس را از مولایم حسین‌ابن‌علی (7) آموختم که فرمود: «هیهات من‌الدله»<sup>4</sup> و اکنون که فرزند برحقش، پرچم حق را برافراشته، بر ما حسینیان است که با خون خود نهال اسلام را آبیاری کنیم و این پرچم را هم‌چنان برافراشته نگه‌داریم، تا شاید خداوند رحمان از سر تقصیر من گنهکار بگذرد و قلم عفو بر صفحه اعمالم بکشد. انشاءالله.

1- آل‌عمران/ 169.

2- در اصل وصیت «گرامیش».

3- ر.ک. تعلیقات.

4- از جمله شعارهای عاشورایی حضرت امام حسین (7) است. در اصل وصیت «هیهات من‌الدله». «از ما ذلت و خواری دور باد» (فرهنگ عاشورا، ص 505، جواد محدثی).

حال با این مقدمه چند سطری درد دل با شما پدر، مادر، همسر، فرزند، برادر، خواهر، و دیگر بستگان می‌دانم همه شما به من دلبستگی کامل دارید و جداییم<sup>1</sup> برای شما ناگوار و طاقت فرساست و من هم به یکایک [شما] عشق می‌ورزم و بریدن از شما برایم تحمل‌ناپذیر است، اما راهی که انتخاب کرده‌ام عشقی است فراتر از عشق به شما و آنهم شهادت در راه خداست و این بزرگترین معامله و سعادت است که انسان می‌تواند با خدای خود انجام دهد.

اکنون پدر جان تو خوشحال باش که فرزندت موفق شده است با خدایش سودایی به این عظمت انجام دهد.

و تو مادرم شیردل باش و از اینکه فرزندت را از دست داده‌ای غم مخور و برایم گریه مکن و رضا را به جای من بو کن و از هدیه‌ای که در راه خدا داده‌اید، اظهار پشیمانی و ندامت مکن و از خدا بخواه که به تو صبر و استقامت عطا کند و بچه‌هایم را چنان سرپرستی کن که کمبود پدر را احساس نکنند.

و تو همسر رنج‌دیده‌ام می‌دانم در این مدت کوتاه زندگی که با من بودی روز خوش به خود ندیده‌ای. امیدوارم پاداش این همه زحمت من را خداوند در روز قیامت به تو ارزانی دارد. همسر من از این به بعد برای فرزندانم هم پدر باش و هم مادر.

و شما برادرانم برای هر کدام از بچه‌هایم پدری دلسوز و مهربان باشید و رضا را به جای من به برادری قبول کنید و شما خواهرانم از کمبود من نگران نباشید و فرزندانم را به جای من بپذیرید.

و تو فرزندم رضا از کمبود من نگران نباش. زیرا در پیشگاه خداوند عزیز هستید، امیدوارم بعد از اینکه به سن 7 سالگی رسیدی نماز خواندن را که رکن دین است آغاز کنی و در پیروی از دین مبین اسلام و ولایت فقیه کوشا باشی و از به جا آوردن فروع دین کوتاهی مکن.

و شما دخترانم امیدوارم در آینده زنانی مؤمنه و معتقد به اسلام و یاران خوبی برای اسلام باشید.

---

1- در اصل وصیت «جدائیم».

و در مجموع به خانواده‌ام سفارش می‌کنم چنانچه مایل به پاسداری از حرمت خون شهیدان و بالخصوص خون حقیر می‌باشید از این به بعد بهتر از قبل از اسلام و ولایت فقیه حمایت و پشتیبانی کنید، مبدا شهید شدن من باعث دلسردی شما بشود. انتظار دارم دوستان و یاران صدیقی برای ولایت فقیه باشید، زیرا قصور در این خصوص مساوی است با پایمال شدن خون شهیدان و حاشا از شما که چنین باشید. با احترام به خون پاک شهیدان و امید به پیروزی رزمندگان اسلام.

امیدعلی اسماعیلی

اعزامی از سپاه پاسداران تهران

1366/12/19

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَلَا تُحْسِبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا سَوَاءً أُنذِرْتَهُمْ أَمْ لَمْ تُنذِرْهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ  
بیت نام معلم و دانشجوی شهید اسودعلی اسماعیلی (۱)



**مژگان استاد ایثارگران** نگاه یکمانه منور عالم مشرب است محبت محمد (ص) بود و در محضر تواترین انسانان عالم و اسلام  
و اسلام کهنه آنگاه که مشربان عالمین و بارود، شعله ای اسلام از راه بی تا شهیدی چند جمعی خدایند و نور خود را طبع  
هون راه شعلات را آنگاه، زلزله روی، بیفتن و با طیب خاطر اتقاب مکرر امام بر ما صلواتیم که تو به میزود و با نوا  
کردیم با از روزی خود بر نصیب نخبه های نورا و از طرفی بقول امام که «ماست سون از حکومت همه کس»  
اسلامی مورد رضای توست و من هم رضای تویم و با علم بر اینکه در طول تاریخ هوادار حق و اهل با  
ایلیگی درستی بوده اند و تو هوادار حق و ایاری نموده ای، پس بنابر این انسان با قدر کسی است که تا حق را  
تشخیص در جانب اگر گرفته و جسد ذلت ره نماند و نیست نبی شد و من که مکی شهیدم این  
دین را از مولایم حسین ای مطهر عالم خودم در مورد جهادات منورانه دانم که در زینب و قمری بر من حق  
را یازده مرتبه در احیای آن است که با خون خود نهال اسلام را آبیاری کنیم و این برجم است و این (و از شهیدم)  
تا شاد به جراته من اگر سر تقییر من گنجد، عقیده دینم عقرب بر من است اسلام بدو است...

حال این مقدمه چیده مطری در دل باشا، پیر خادری همسفر نما براد، به وفاداری و در میستان میدان شای  
به من دلستنی کامل دارم و جدا ایم برای شما تا نور طاقت زماست و من هم به کیناس، هر کدام مشق بر و زما  
در جریان از شما بلام تحمل ناپدید است اما راهی که انتخاب کرده ایم عشق است فزانه از عشق به شما و آنهم  
شهادت در راه خداست و این مزدترین معاند رعایت است که انسان می تواند اخذای خود انجام دهد.  
انفک به بیان خود خشنال با منم که فرزندت موقوف شده است با خدا هیچ معاد این با این عظمت انجام  
و تو ما در مشربان باشم و از انگیه فرزندت را از دست داد و در نعم محمد و برام که ممکن بود و جای من  
تو من را زهد بایی که راه خدا دارد و از اقل و بسیار و فزاد است که می تواند خدا بخواهد که تو صبر و تقوات  
عطا کند و بجهت ایم را حیثان من بر کسی که نه نمود بود و احسان کنند و تو همسر شهید ایم میدانم  
در این مدت که از زندگی که با من بوده اند که خوشی به خود نندیدید امیدوارم با از این همه زحمت  
من را خدا اولد و در قیامت نتواند زانی بدارد همسر از این معجز برای فزودنم هم بهر نازش هم  
مبارک و شای برادرانم برای هر کدام از بجهت ایم دوری دلست و همه ما با ما... در خدا با کمال به...

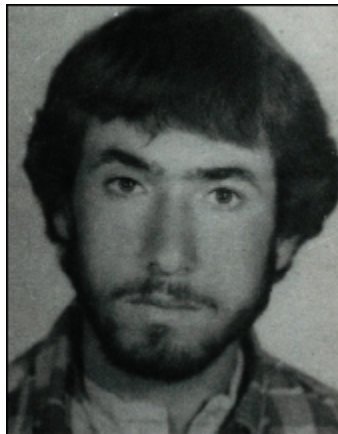


بر این گفتم و شما خواهانم که گمراهی و گمراهی منان گمراهی و فرزند نام و بجای من پیروز بود و تو مرا  
 پس نگران نباشم زیرا در پیگاه خدا در عزت هستی و امیدوارم بعبادان الله پس هفت  
 مرکز ایثارگران **مرکز ایثارگران** و در یکی دین است آمار من و در پیروی از دین مسیوم اسلام و ولایت  
 فقیه کوشا با شکر و از برای آوردن فروع دین کوتاه می کنم و شما افتخارم امیدوارم در آینده زمانی  
 مؤمنه و معتقد به اسلام و ایران خودم برای اسلام، شکر و در جمیع بدکلیه خاتمه زده ام بخاطر  
 می کنم حیانتی به یاری به بار آورده که هر مست خون شمشیر آن و با لاف حق خون حقیقی را شکر از این  
 پیغمبر بهتر از قبل از اسلام و ولایت فقیه حاست و ششبعانی گفتم میباید شکر از این من باعث  
 دانست که شما بشنود و انتظار دارم در کشور و ایران صدق برای ولایت فقیه با شکر و زاری  
 تصور در این صحنه حقیقی من است بیایا برای شکر خون شمشیران و هاشماز شما  
 که چنین باشد

با احترام سخنان یاد شمشیران  
 ماه پیروز می از مسلمان اسلام  
 احمد علی آسما علیی انما من از سجاد با برادران  
 ۱۳۶۶ ار ۱۲/۱۲

۰۸۱۱۸۲۵۶۷۷۸  
 مهر  
 (۸۸۸۸۸۸)

نام: مظفر  
نام خانوادگی: اسماعیلی  
نام پدر: عزیز  
نام مادر: فردوس  
تاریخ تولد: نهم شهریور 1340  
محل تولد: روستای اسماعیلی سفلا از توابع  
شهرستان ایوان  
تحصیلات: سوم متوسطه  
ارگان اعزام کننده: سپاه  
تاریخ شهادت: پنجم مرداد 1362  
محل شهادت: قصر شیرین  
نحوه شهادت: اصابت گلوله  
مزار: روستای حاجی حاضر شهرستان زادگاهش



## عبارت‌های کلیدی

- ۱ | مادرم هیچ موقع خدا را فراموش نکن.
- ۱ | مادرم من هدیه تو هستم به سالار شهیدان حسین ابن علی (7).
- ۱ | مادرم اگر شهادت نصیب من شود، خدا را شکر کن.
- ۱ | من زنده‌ام که پوزه صدامیان را به خاک بمالیم.

## مظفر اسماعیلی<sup>1</sup>

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

«إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ»<sup>2</sup>

با سلام و درود به رهبر بزرگ امام امت خمینی بت شکن پدر و مادر مهربان و زحمت کش چند کلمه که به یاد شیرت و به یاد مهربانی توست، برایتان بیان می‌کنم. مادر شیرت را حلالم<sup>3</sup> کن، که شاید خداوند مرا از عذاب و رنجی که برایم کشیدی عفو نماید. مادر ناراحت مباش که همان طوری که در آیه بالا ذکر شد، ما دوباره به سوی خدا باز می‌گردیم.

خدا مرا به فرمان خود لخت<sup>4</sup> آفریده و به فرمان خودش هم لخت<sup>5</sup> از دنیا می‌رویم. مادر از من نصیحت که در راه خدا کوشش<sup>6</sup> کن و برای من ناراحت نباش و هیچ موقع خدا را فراموش مکن، من هدیه تو هستم که به سالار شهیدان حسین ابن علی (7) می‌دهید. برای این که هدیه شما [را] خداوند قبول کند و شاید شهادت نصیب من شود. خدا را شکر کن و بگو: آمین یا رب العالمین.

ای پدر و مادر و ای برادران و خواهرانم ترا به خدا برایم ناراحت مباش که من زنده‌ام، برای دین اسلام و قرآن و خدا دفاع می‌کنم، که پوزه صدامیان را به خاک بمالیم.

قربان شما - مظفر اسماعیلی

---

1- بالای وصیت‌نامه نوشته شده است «وصیت‌نامه به پدر و مادر از مظفر اسماعیلی».

2- بقره/ 156. ترجمه «ما از خداییم و به سوی او برمی‌گردیم».

3- در اصل وصیت «حاکم».

4- در اصل وصیت «لوخت».

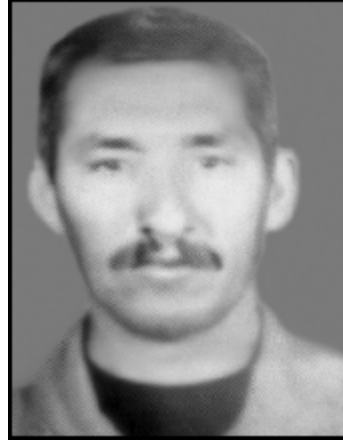
5- در اصل وصیت «لوخت».

6- در اصل وصیت «کوشش».

دست نامه پدر و مادر از مظفر اسماعیلی  
آیا ما را خدا ایامی

بسلام و درود بر بزرگوار امام استغفر استغفر  
پدر و مادر و برادران رحمتش خندم که در دنیا کثرت دریا در هر روز دوست برادران ایلام  
ما هم مادر نیستیم منی که شاید خداوند ما از عذاب و عجز که برایم کسیر عفو نماید  
مادر ناراحتی مثل آن که همان طوری که در آیه بالا ذکر شد مادر باره جسد خود باز مگر  
خدا ما فریاد خود که نشنا آفریده و فریاد خود من هم دوست از دنیا میرم مادر ازین  
نصبت که در راه خدا کوشش کن و برادر من ناراحتی میباش و هم نوع خود ادا  
فراموش من من هدیه تو هم که به سالار شهیدان حسین ابن علی (ع) ما هدیه  
برادر بزرگوار هدیه ما خداوند قبول کند و شاید شهادت نصیب من شود خدا  
را شکر من و بدو امین یا رب العالمین ای پدر و مادر و برادران و خواهران  
قران خود را بیایم ناراحتی میباش کس زنده ام برادر و نیز اسلام و قرآن و خدا دفاع  
ما کنم که کوزه صفا سال و بنجد بیایم قرآن استغفر اسماعیلی

نام: شیرمحمد  
نام خانوادگی: اعتقادی  
نام پدر: علی کرم  
نام مادر: سکینه  
تاریخ تولد: دهم خرداد 1330  
محل تولد: روستای کلک از توابع شهرستان  
مهران  
تحصیلات: در حد خواندن و نوشتن  
ارگان اعزام کننده: ژاندارمری  
تاریخ شهادت: هشتم آذر 1363  
محل شهادت: میمک  
نحوه شهادت: اصابت گلوله  
مزار: امامزاده پیرمحمد شهرستان زادگاهش



## عبارت های کلیدی

- ۱ برای رسیدن به انسانیت باید راهی را انتخاب کنیم که جز راه الله راه دیگری نباشد.
- ۱ تا انسان خودش را آماده سفر آخرت نکند، پیروز و موفق نخواهد شد. خدای سعادت و افتخار را نصیب من کرد تا بتوانم در راهش قدم بردارم.
- ۱ با اعزام به جبهه باز می فهمیم که خداوند ما خیلی ارحم الراحمین است.
- ۱ هنگامی که انسان یک قدم به خاطر معبودش برمی دارد، درهای رحمت الهی به سویش گشوده می شود.
- ۱ باید از این دنیای فریبکار و وسوسه گر بریده تا ببینید که آغاز پرواز انسان به سوی الله است. خوشبختی ما زمانی است که عملمان روشنایی بخش دیگران باشد.
- ۱ مانند حسین (7) گام بردارم و حسین وار به سوی شهادت روم.
- ۱ تقوی همان روح اسلام است که بدون آن هیچ عملی مورد قبول پروردگار نیست.
- ۱ مادر مهربانم، به خاطر حفظ دین اسلام، ناموس، حجاب و عفت خود، مرا راهی جبهه حق کردی.
- ۱ مانند فاطمه (3) باش و خواهرم را زینب گونه تربیت نما.

## شیرمحمد اعتقادی

### بسم الله الرحمن الرحيم

«إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ»<sup>1</sup>

«ما همه از آن او هستیم و به او باز خواهیم گشت».

حال که ما به او باز خواهیم گشت چه خوب است این بازگشتن در راه خودش باشد.

«وَكَمَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قَتَلُوا<sup>2</sup> فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزُقُونَ»<sup>3</sup>

«و مپندارید کسانی که در راه خدا کشته می شوند مرده اند بلکه اینان زنده اند و در نزد خدا روزی می خورند».

با سلام به حضور مقدس امام ولی عصر «عج» و نایب برحقش امام خمینی و تمامی پاک خونان، رفتگان سوی خدا و تمامی پاک دلان شب زنده دار سنگر نشین.

به نام خداوندی که ما را بدون اراده خودمان به این دنیا می آورد و بی اختیار از این دنیا می برد. بنابراین برای رسیدن به انسانیت باید راهی را انتخاب کنیم که جز راه الله راه دیگری نباشد. تا انسان خودش را آماده سفر آخرت نکند، پیروز و موفق نخواهد شد. خدای سعادت و افتخار را نصیب من کرد تا بتوانم در راهش قدم بردارم و از بار گناهی که بر دوشم هست و همیشه وجدانم را ناراحت کرده و جز آه و افسوس چیزی نبود کم کنم. ولی با اعزام به جبهه باز می فهمیم که خداوند ما خیلی ارحم الراحمین است. هنگامی که انسان یک قدم به خاطر معبودش برمی دارد، درهای رحمت الهی به سویش گشوده می شود، ای هم نوعان به خدایی خدا سوگند که باید از این دنیای فریبکار و وسوسه گر بریده تا ببینید که آغاز پرواز انسان به سوی الله است. خوشبختی ما زمانی است که عملمان روشنایی بخش دیگران باشد و در حالی خدای خود را ملاقات کنیم که سربلند و پیروز باشیم.

1- بخشی از آیه 156 سوره بقره.

2- در اصل وصیت «قتلو».

3- آل عمران / 169.

در آخر نوشته شود: برای این دوست دارم نامم حسین باشد چون دوست دارم مانند حسین (7) گام بردارم و حسین وار به سوی شهادت روم. من چه وصیتی می‌توانم داشته باشم جز وصیت مولایم حضرت علی (7) که فرموده: «اوصیکم بتقوی الله»<sup>1</sup> برادران شما را به تقوی دعوت می‌کنم، این سخن مولای متقیان است که همگان را به تقوی دعوت می‌کند، تقوی همان روح اسلام است که بدون آن هیچ عملی مورد قبول پروردگار نیست. مادرم، مادر عزیزم، مادر مهربانم، مادری که به‌خاطر حفظ دین اسلام، ناموس، حجاب و عفت<sup>2</sup> خود مرا راهی جبهه حق کردی، خداوند این اجر عظیم را نصیب کند تا مانند فاطمه زهرا (3) بتوانی پاک‌دامن باشی. تو از من چشم پوشیدی تا بتوانی قدری خیلی کم و کوچک از دینت [را] ادا<sup>3</sup> کنی و مادرم می‌خواهم برای حفظ دین و انقلاب و ناموس حال که مرا با دست‌های خودت فرستادی سوی دشمن دین خدا با همان دست‌ها [را]<sup>4</sup> سوی خدا دراز کن و دعا کن این رفتن در نزد خدا قدری قبول گردد و من بتوانم در سنگر مانند اباعبدالله الحسین (7) شهید گردم. با اینکه خیلی کوچکت از این حرف‌ها هستم. ولی مادرم دعا کن شاید این رفتن پیش خدا قبول گردد و پیش ائمه اطهار ما را نیز نگه<sup>5</sup> دارد و به نزد<sup>6</sup> معصومین برد. می‌خواهم خودت فرزندان را در این عمل خیر راهی جبهه کنی مانند این حقیر چون خودت می‌دانی با هیچ زوری و حرف کسی من به جبهه نرفتم و بی عشق نبود. این رفتن با عشق خدا و حسین (7) و قائم (عج) بود و هست که می‌روم پس دیگر برادرانم را نیز تشویق [به]<sup>7</sup> جبهه نما و با دستان خود راهی آنجا که نور هست کن. تو نیز مانند فاطمه (3) باش و خواهرم را زینب‌گونه تربیت نما. در برادرانم در هیچ چیز جز تقوی فرق نگذار و کاری کن بیشتر از همه چیز به تقوی دعوت شوند.

1- نهج البلاغه، نامه شماره 47، وصیت حضرت علی (7) به امام حسن (7).

2- در اصل وصیت «افت».

3- در اصل وصیت «عدا».

4- در اصل وصیت «را» افتاده است.

5- در اصل وصیت «نگه».

6- در اصل وصیت «نز».

7- در اصل وصیت «به» افتاده است.

برادرانم تک‌به‌تک سوی خدا روند و احکام دین را بیاموزند و [به]<sup>1</sup> فرزندان‌شان آموزش دهند و مادران این فرزندان «یعنی زن داداش‌هایم» به دخترانشان همین‌جور تربیت اسلامی دهند و به دخترانشان حجاب اسلامی بیاموزند انشاءالله.

مادرم به این نکته تکیه کن که آیت‌الله دستغیب گفته که: اگر آه مادری پشت سر کسی باشد کوه، کوه، اعمالش را آتش می‌زند. بنابراین ای مادر می‌خواهم مرا حلال کنی و ببخشی. خدایا صراط‌المستقیم را نصیب من کن. خدایا ایمان به ما عطا کن. ما را نیرو ده تا انسان باشیم و در راه انسان‌ها هم‌پیمان باشیم. در مراسم عزاداری<sup>2</sup> اگر برایم به‌پا می‌کنید مانعی ندارد یا اگر سیاه‌پوشی<sup>3</sup> می‌کنید ولی به یاد حسین (7) باشید چون پوشیدن لباس سیاه و عزاداری سزاوار حسین (7) است که درس شهادت و آزادگی را از آن بزرگوار آموختم و روز شهادتم را عزا میندازید که مدت‌هاست انتظار چنین روزی را می‌کشیدم. می‌خواهم جلوی خانه‌مان چراغ‌باران شود مدتی و اینکه عزیزانی که از رفتن من از بین شما ناراحت می‌شوید شرط بندگی خدا استقامت در سختی‌هاست.

«إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ»<sup>4</sup>. ای کسانی که غرور و تکبر شما را از یکدیگر جدا می‌کند و یک آن که شیطان به جلد انسان می‌آید و فریب می‌دهد شما را که اگر با کسی حرفتان شده و ناراحتی به‌وجود [آمده]<sup>5</sup> و شیطان فریبتان داده، غرور را از خود بیرون کنید و بروید اگر هم طرفتان کاری بد کرده بروید و شما بگویید که خودتان این کار را کردید که شیطان نتواند بر شما پیروز شود. اگر انتظار دارید آن بیاید به شما سلام دهد خودتان پیشگام [تر] باشید و بروید که سلام را زودتر<sup>6</sup> از وی به آن بگویید و از این طریق نفس را خرد<sup>7</sup> کنید،

1- در اصل وصیت «به» افتاده است.

2- در اصل وصیت «عزادار».

3- ر.ک. تعلیقات.

4- بخشی از آیه 156 سوره بقره. قبل از این آیه آمده است (ان تنصروا الله ینصرکم و ینتصرون) البته خود شهید آن را خط زده است.

5- در اصل وصیت «آمده» افتاده است.

6- در اصل وصیت «زوتر».

7- در اصل وصیت «خورد».



از امام پنجم نقل شده که: عزت و کبریایی از خداست، متکبر و عزیز بی‌جهت را در قیامت به جهنم می‌اندازند، پس بیایم و غرور را از خود بیرون کنیم انشاءالله که موفق در این کار خواهیم شد. به امید حق تعالی.

برادران عزیزم: با ضد انقلاب با قاطعیت برخورد کنید و رسالت خون شهیدان را انجام دهید که اگر دین خدا را یاری کردید خدا شما را یاری می‌کند و قدم‌هاتان استوار خواهد گردید. کاری کنید که گناه نکنید و گناه کم شود. از شما تقاضا دارم لغوگوئی نکنید و نمازهایتان را سر وقت با جماعت برگزار کنید. نماز شب‌هاتان ترک نشود. چون قلب انسان با نماز شب روشن می‌گردد و از پیامبر اکرم (6) نقل شده که بسیار از مرگ یاد کنید که بسیار از گناهان می‌کاهد و حب<sup>1</sup> انسان را نسبت به دنیای مادی کم می‌کند و می‌فرماید آیا دوست دارید همگی به بهشت بروید همه گفتند آری، آنگاه فرمود: پس آرزوها را کوتاه کنید و همیشه مرگ را در نظر داشته باشید.

و کسی که در راه خدا تلاش می‌کند، همیشه آماده مرگ است. آخر تا کی ببینیم که محرومان در ستم باشند. ای ملت‌ها به‌پا خیزید و حق این محرومان را از ابرقدرت‌ها بگیرید. همان کاری را که حسین (7) کرد، امام عزیز، رهبر کبیر انقلاب اسلامی، این اسلام مجسم، این آموزگار اخلاق، این قلب طپنده مسلمانان و مستضعفان دنیا، این قلب ملت، این گوهر امامت و ولایت و زعامت، این سلاله پاک رسول‌الله (6) و نبوت را تنها نگذارید. در سنگرهای اداره، کارخانه و کشاورزان در مزارع فعالانه کار<sup>2</sup> کنید تا از وابستگی نجات پیدا کنیم و «آمریکا بدانند هیچ غلطی نمی‌تواند بکند»<sup>3</sup>. از مردم می‌خواهم در آن موقعی که در حال معنویت دعا و راز و نیاز هستید، با خدای خود عاشقانه راز و نیاز می‌کنید، امام و آیت‌الله منتظری<sup>4</sup> را دعا کنید، این امام این هدیه الهی را که با قیام خود عزتی و مقامی به ما و به مملکت اسلامی ما داده است، دعا کنید که خدایا تا ظهور

1- در اصل وصیت «حجت».

2- در اصل وصیت «سالانه کا».

3- عبارت «آمریکا هیچ غلطی نمی‌تواند بکند» از سخنان حضرت امام خمینی است (صحیفه امام، ج 10، ص 515).

4- رک. تعلیقات.

مهدی «عجل الله تعالی فرجه الشریف»<sup>1</sup> آن را برای مسلمین و ستم‌دیدگان<sup>2</sup> و هدایت کوران نگه دارد. برادران عزیزی که در جبهه هستید و به جبهه می‌روید، برادران عزیزم رزمندگان اسلام، شما بدانید که همین جور با اختیار خود به جبهه نیامده‌اید و نمی‌روید. من می‌توانم قسم بخورم که این خداوند جهانیان است که همه را به جبهه روانه می‌کند، پس بیایم و قدر این نعمت عظیم را بدانیم و از امکانات جبهه بدون اسراف<sup>3</sup> استفاده کنیم و به‌خصوص از معنویات جبهه که هیچ جایی به غیر از جبهه جایی به این خوبی برای راز و نیاز نیست، شکرانه<sup>4</sup> خدای را کنیم. برادران همان‌طور که سنگرهای جبهه را خالی نمی‌گذارید، خالی نگذارید و سنگرهای مدارس را نیز مانند جبهه‌ها خالی نکنید.<sup>5</sup>

چندی به برادران پایگاه (القارعه): دوستان، آشنایان، همسنگرم در مسجد امید دارم مرا حلال کنید و مرا ببخشید. درست است که شما را آزردم<sup>6</sup> و خیلی آزار دادم ولی نمی‌خواهم پس از رفتن من اگر چند نفر از شما قدری کم از من ناراضی<sup>7</sup> باشید در آن دنیا مرا آزار دهید و زجر بکشم من. پس مرا حلال کنید انشاءالله که همه راضی<sup>8</sup> می‌شوید و من نیز از تک‌تکتان راضی<sup>9</sup> هستم.

اینکه برادران قدر یکدیگر را بدانید چون وقتی این دنیا رفت [از] دوستان پشیمانی سخت دارید. از مسجد به خوبی استفاده کنید. کلاس بگذارید در کلاس‌ها شرکت کنید و صف‌های نماز جماعت‌ها را فشرده<sup>10</sup> و زیاد تشکیل دهید. سر<sup>11</sup> نگاهیانی‌ها حاضر باشید و

---

1- در اصل وصیت «عج تعالی».

2- در اصل وصیت «ستم دیده‌گان».

3- در اصل وصیت «اسراف».

4- در اصل وصیت «شکرانیه».

5- در اصل وصیت «نکنند».

6- در اصل وصیت «آزوردم».

7- در اصل وصیت «نارازی».

8- در اصل وصیت «رازی».

9- در اصل وصیت «رازی».

10- در اصل وصیت «فشرده».

11- در اصل وصیت «شر».

تا آخر به نحو احسن ایستادگی کنید و تا موقعی که سر شب خوابتان نمی‌برد، سعی کنید مطالعه کنید یا دعا یا سینه‌زنی امام حسین (7) به پا کنید. از لغوگویی و شوخی در مسجد بپرهیزید. و تمام مردم؛ شما عزیزان برادران، خواهران، پدران و مادران، در نماز جماعت‌ها شرکت کنید. نماز جمعه شرکت کنید. دعای کمیل دعا‌های توسل شرکت کنید. به خانواده‌های شهدا سرکشی کنید. مجروحین، جانبازان ملاقات کنید.

به امید روزی که پرچم جهانی «لا اله الا الله» [در] تمام جهان سرفراز گردد انشاءالله. دعا برای امام، رزمندگان، اسیران، جانبازان فراموش نشود.

«اللهم ارزقنی توفیق الشهادة<sup>1</sup> فی سبیلک»

اسم حسین دوست دارم باشد.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ... ﴿الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾

اِنَّا لِلّٰهِ وَاِنَّا اِلَيْهِ رَاٰجِعُونَ - ما همه از آن او هستیم و همه به او بازمی‌گردیم. آنچه که ما هستیم و آنچه که ما هستیم به او بازمی‌گردیم. آنچه که ما هستیم و آنچه که ما هستیم به او بازمی‌گردیم.

ولا تحسبن الذين قتلوا في سبيل الله... امواتا بل احياء عند ربهم يرزقون و خدا  
 و میندارید که کسانی که در راه خدا کشته می‌شوند نه شده اند بلکه اینانی زنده اند و در نزد خدا  
 روزی می‌خورند که چون با سلام به حضور مقربین امام ولی عصر عجل و ان شاء الله بر حق امام خویش  
 تاهای پادشاهان کوفته و تاهای پادشاهان زنده دارنگرستن -

بنام خداوندی که ما را به روی اراده خود مانع از این دنیای آلوده و بی اختیار از این  
 دنیای پرده‌پوش برای رسیدن به انسانیت مایه‌زایی را انتخاب کنیم که جز  
 براه او... راه دیگری نباشد.

تا انسان خودش را آماده سفر اخلاقی نکند که سفری در مسافتی نخواهد بود  
 خدای سعادت و افتخار را نصیب من نکند تا بتوانم در راه حق قدم بردارم  
 و از بارگشایی که بر دوشم هست همیشه وجه انتم را امانت کرده و میراث آن را  
 میراث خودم کنم.

ولی با اعتماد به جیسور بازی می‌فهمیم که خداوند ما را از رحمت الرحمن است.

حکماهی که انسان یک قدم به خاطر سعادتش بر روی دارد که در یکی رحمت الهی به سوی  
 گشوده می‌شود، ای همزمانی به خدائی، خدا سوگند که بایه از این دنیای فریقا روست  
 مگر بریده تا بیخیزد که آغاز برود از انسان بسوی او است. خوشبختی ما زمانی  
 است که محلمان روشائی بخشیم بران باشد و در حالی خود را ملاقات  
 کنیم که سر بلنده و بی‌فرد باشیم.

در آن روزی که در دایره این دوست داریم با هم سخن بگویم چون دوست لازم  
 مانند حسن و کمال بر دایره حسن و ابروی شاد است رحم.

کتابخانه

من به وصیتی می توانم داشته باشم خبر وصیت مولایم حضرت علی علیه السلام که فرموده  
 او حکیم باالتقوی - برادران تقوی دعوت می کنم این معنی مولای مستعان است  
 که حکمان را به تقوی دعوت می کند، تقوی همان روح اسلام است که بدون آن هیچ عملی  
 مورد قبول پروردگار نیست - مادرم - مادر عزیزم - مادر صاحبان بهادران  
 بشاگردین - اسلام - ناسوس - حجاب و امانت خود مدارای خلعت جبهه حق گردی  
 خداوند این اچو محضر عظیم را نصیب کند تا سانه ماطه در راه تقوی باک دامن باقی  
 تا از دست پرورشی پوشیده بماند این قدری می گویم که کوهید از آنچه نیست خدا کنی سرور  
 مادرم می خواهم در حال که با دستهای خودت قوتی سویی دشمن دین که باها  
 دستهای سویی که دراز کن <sup>و ناسوس</sup> در میان این دشمنان در راه خدا که در دهن بدو سن بدو آنم در سنگ  
 ما تامل با عباد الحسن شهید کرده با الله خلی که بیشتر از این عرضا کنم و می مادرم در میان شما این  
 رفتن سیرتی خدا قبول کرده پیش ایشان ائمه اطهار را نیز نگاه دارد و در فرموده و سینه میرده می خواهم  
 خودت قزرتی است را در این عمل <sup>مستحکم</sup> را می جبهه کنی سانه این غیر چون خودت می خانی با  
 هیچ زوری و حرق کسی من به جبهه نرزم من عشق بند دلی و من با عشق خدا که دوست که  
 من روح منی دیگر به دارم را نیز تقوی جبهه بنا و با دست خود راه آنگه که در جبهه  
 کنی قزرتی سانه فاطمه باش و خودم را نیز سبب تو تم تربیت لغا - در ساد را نم در هیچ چیز  
 چیزی مستحق شرفی نگذار و کارهای کن بیشتر از همه چیز به تقوی دعوت شو - به دارم تک  
 به نفس سویی هم از نه و احکام دین را بسوزند و قزرتی ایشان آموز من معصوم مادران این  
 قزرتی ان <sup>دعا</sup> که در دعایم <sup>م</sup> به دختر ایشان همین جور تربیت اسلام دهه و به دختر ایشان  
 حجاب اسلام با سوزنده است <sup>۱۷۱</sup>

(۲)

دوست

سازم به این گفته تکیه کنی که آنجای ایستاد... دستبیا گفته که: اگر آه مادری پست سر کنی  
 باشد کوه - کوه - حاصلش را آتش می زند. یا بر این ای مادر من خواهم موعلا ان کنی و معنی  
 خدا یا صراط المستقیم را ضیاع من کنی خدا یا اعیان به باطل اعان کنی. ما را نشود که ما انسان  
 باشیم و در راه انسانیت نمانیم. یا نسیم درود اسر معزاد اگر بر ایم بیای کنیم ما سانی  
 نداده یا اگر سیه برسی ای کنیم ولی بیاد حسن علیه السلام باشد چون در سن بیست و نه ساله و عزاداری  
 سزاوار حسن (ع) است که در سن شاد است و آواز دگر را از آن نیز گویا را مستم در روز  
 شهادت را معزاد می برد که به تقاسبت انتظار چنین بوزی کنی که هم می خواهم ~~چلو می~~  
 خانیه مان چراغ زار کنی که دست تو معزاد کنی معزاد کنی که از رفتن من از این شما ناراحتی  
 - نبود - شرط شدگی خدا استقامت در سختیها است.

~~و طینت بر او نهد که در سجده است تسلیم و الله و ان الله را جعدنی~~

ای ~~کسانی~~ کسانی که غرض و تکیه شما را از یکدیگر جدا می کند و یک آن که شیطانی به چلد انسان  
 می آید و فریب می دهد تا را که اگر ~~شما~~ ~~تسبیح~~ با کسی عرض می شود و ناراحتی بوجود  
 آید ~~خود~~ و شیطانی بیاد داده غرور را از خود بیرونی کنی و هر چه اگر هم طرفتانی  
~~کاری~~ کاری بیهوده بر روی و شتابی که خودتانی این کار را کردی که شیطانی نتواند بر شما پیروز  
 شود اگر انتظار را در ~~آن~~ ~~باید~~ به شما سلام دهد و وقتا ~~بیکام~~ ~~تربا~~ و پیروید که سلام را  
 نرد که از ویام آن ~~بجای~~ و از این طریق نفس را ~~خود~~ ~~کنند~~ از امام بنیم نقل ~~که~~  
 حسد که عزت و کبر یا حی از حد است، تکبر و عزت بی جهت را در قیاست  
 بی جهنم می اندازند که بین بیاییم و غرور را از خود بیرون کنیم ~~است~~ ~~که~~ ~~موفق~~ ~~در~~ ~~ان~~  
 کا خواهد شد. با همه حق تعالی.

(ع)

برادران عزیزم = یا مندر انقلاب یا ما نصیب بر خورد <sup>کنند</sup> و رسالت خون شهیدان  
 را انجام دهید که اگر دین خدا را بر روی کردید چه اشیا را بر روی کند و قدح جان استدر خواهد  
 کردید کاری کنید که نگاه نگین و نگاه کم شود از شما تقاضا داریم بعد گوئی کنید و سازهایان  
 را سرت با جهامت برگزار کنید و ساز شبها آن تر کش میشود چون قلب انسانی  
 با ساز شب روشن می گردد و از یا می آید <sup>موت</sup> منتقل شده که بسیار از موگ یاد کنید که بسیار از  
 گناهای می تاهد و حجت انسانی را نسبت به دنیا می ماند و می فرماید آیا دوست  
 دارید وقتی به بهشت بروید همه گفته آری آنگاه فرموده پس از و را که آه گنید و میند  
 موکس را در تنه داشته باشید

و کسی که در راه خدا تلاش می کند همیشه آماده جنگ است آخر تا کی بینیم که  
 محدودمان در ستم باشند ای ملتو با خیرید و حق این صحبه و جان را از بر تدرست  
 بگیرید همان کاری را که حق علیه الدام کرد امام یزدین بر سر کعبه انقلاب اسلامی  
 این اسلام مجسم این آسوزگار اخلاق این قلب مینه مسلمانان دست هفتان دنیا این  
 قلب ملت این گوهر امامت و ولایت فرجامت این سلام <sup>موت</sup> است برادران و بیوت را  
 تنها نگذارید در سنگری ای اداره کارخانه و کتا و در زمان در مبارخ سالانه کالشی تا از و ابکی  
 و اجاست پیدا کنیم و امریکا بچانه هیچ غلطی نمی تواند بکند از سودم می خواهیم در آن موقعی که د  
 حال معنویت دعا و راز و نیاز هستید با خدای خود عاشقانه راز و نیاز میکنید امام  
 و آیت الله منتظری را دعا کنید این امام این همه بی الهی را که با قیام خود دعوتی و صفای بی  
 ما و بی مملکت اسلامی ما داده است دعا کنید که خدا یا آفریننده در صحنه "عجیب" آفریننده  
 مسلمین و ستم دیده گمان و حدایت کو را نی نگیند فارغ - برادران عزیز منی که در صحنه



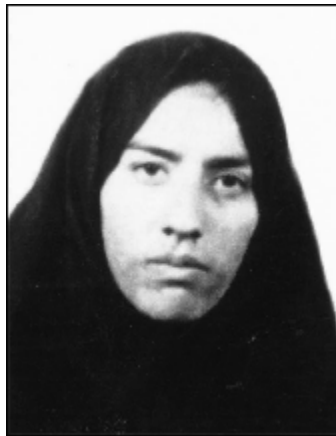
(۵)

و به چه همی رو به قراردادان غیریم رزندگان اسلام - نمایه کنید که همینطور با اعتبار خود  
 به چه آنچه نیامده که و منی رو به من می توانم ~~...~~ قسم بخورم که این قدر است  
 چنانکه است که همه را به چه روانه ساخته و بیله ~~...~~ و قدر این صنعت عظیم را به انتم و از  
 امکانات چه بدون اعتماد استفاده کنیم و بخصوص از صنایع چه که هیچ جایی تغییر از  
 چه جایی به همین نوعی برای ما و نیز از نسبت گذرانده های را کنیم و برادران ~~...~~ همانطور که  
 شکری چه را نمی توانی که این کار به و شکری ما را بر سر این شکری ~~...~~ می دهد که خالی نماند  
 چندی به برادران یا قیامه و التماسه اوستان استانی هنگامی در صحنه امید دارم و مرا حلال  
 کنی و من ببعینه درست است و منقار اگر دردم و غیر ~~...~~ اگر ارادادم و منی خواهم  
 پس از رفتن من اگر قیامه بلیف شرک را نمی توانی که از من را از می باشی در آن دنیا مرا  
 اگر در صحنه و زهر پیوستن من بین مرا حلال کنی است که همه را می می درحوش و  
 و من نیز از رفتن شکری را می هستیم

و آنچه برادران که بر یکدیگر را به اندی چون و وقتی این دنیا رفت در دستان پستی ما می سخت  
 دارم و از صحنه دعوی استناد کنیم کلاس بگیرد و به کلاسها به علم عظیم بعضی  
~~...~~ شرک است که و معنیهای ما را به امتحان ~~...~~ و عوام ~~...~~ تکرار ~~...~~ در حدی شر  
 نگین با نطق حاضر باشد و تا آخر ~~...~~ انجمن ایستادگی کنی و تا وقت که سرتب خوابان  
 نمی بردی کنی مطالع کنی با دانی یا سینه روی لبم ~~...~~ بریا کنی از کف و گوشت و شود ~~...~~ خوی ~~...~~ در  
 صحنه بر هر چیز ~~...~~ و تمام مردم ~~...~~ نگاه بریزان برادران و طور این را به بران  
 صادران - در مقابل آنما شرکست کنی تمام صحنه شرکست کنی و منای کفیل و منهای دراصل شرک  
 کنی ~~...~~ به خادگاه های همه او شرکست کنی صحنه وصلن با بازان ملاقات کنی - و  
 به امید روزی که به جم جانی لا اله الا الله بر تمام جهان سرافرازند داشته است ~~...~~ بیسم - ریشه کمان - اسیران ~~...~~ لایه  
 اللهم ارزقنی ~~...~~ در قیامه که ای بیگ - اسم حسنی در صحنه ~~...~~ شرکست کنی



نام: نارنج  
نام خانوادگی: اعتقادی  
نام پدر: شیرمحمد  
نام مادر: کشور  
تاریخ تولد: یکم مهر 1347  
محل تولد: بخش ملکشاهی از توابع شهرستان  
مهران  
تحصیلات: سوم متوسطه  
ارگان اعزام کننده: -  
تاریخ شهادت: هفدهم خرداد 1364  
محل شهادت: زادگاهش  
نحوه شهادت: بمباران هوایی اصابت ترکش  
مزار: امامزاده پیرمحمد شهرستان زادگاهش



## عبارت های کلیدی

- ۱ برادر و خواهر مسلمان، وظیفه دینی و انسانی است که در پشت جبهه ها توصیه های امام عزیز را جدی تر بگیریم.
- ۱ با استعانت از خداوند منان در برابر تهاجم فرهنگی دشمن با ایمان و تقوی بایستیم.
- ۱ نماز اول وقت را در همه حال بجا بیاوریم.
- ۱ خواهران گرامی از شما می خواهیم که در بحث حجاب و پوشش بسیار دقت نمایید. چرا که یکی از حربه های دشمن، هجوم به مسائل فرهنگی و ناموس و عفت ماست.

## نارنج اعتقادی

### بسم الله الرحمن الرحيم

برادر و خواهر مسلمان، حال که دشمن تا بن دندان مسلح ما را مورد هجوم خود قرار داده است بر ما وظیفه دینی و انسانی است که در پشت جبهه‌ها توصیه‌های امام عزیز را جدی‌تر بگیریم و با استعانت از خداوند منان در برابر تهاجم فرهنگی دشمن با ایمان و تقوی بایستیم و نماز اول وقت را در همه حال بجا بیاوریم. و نسبت به پدر و مادر خویش مهربان باشیم.

خواهران گرامی از شما خالصانه می‌خواهم که در بحث حجاب و پوشش بسیار دقت نمایید<sup>1</sup> چرا که یکی از حربیه‌های دشمن، هجوم به مسائل فرهنگی و ناموس و عفت ماست. باشد که این توصیه‌های حقیر را جامه عمل بپوشانید.

خواهر حقیر شما

نارنج اعتقادی

(بسم الله الرحمن الرحيم)

وصیت نامه

بدر خواجه سلامه جان که دشمن ما را در هجوم خرد تر از راه دست  
بر ما بطیبه نسبی رسانی است که در ریت جبهه ها توصیه ها کنایه ام عزیز  
را جدی تر بگنیم و با دستانت از خردنندگان در برابرها جم فرخنده دشمن  
با این وصی با ایستم و باز اول وقت را در همه حال بجا بیاوریم و دست  
به پروردگار خویش مهربان باشیم.

خواجه کزای از ما خالصانه می خواهم که در عیبت محاسبان و سر  
سایر وقت باشیم چرا که یکی از عیب های دشمن، هجوم به مسائل فرخنده و  
بسیاری عیب است. باشد که این توصیه ها نصیحت را جامه سخن بیرون آید.

خواجه حمید بنیا

تاریخ انعقاد

تاریخ انعقاد که اصل وصیت نامه

تجدید در موقع بیماری احوالی ازین رفته است

رنگه های فوق برگرفته از وصیت نامه تجدید می باشد

نام: عزت‌الله  
نام خانوادگی: اکبری  
نام پدر: غلامرضا  
نام مادر: کوکب  
تاریخ تولد: دوازدهم بهمن 1342  
محل تولد: روستای خسروند از توابع  
شهرستان شیروان و چرداول  
تحصیلات: در حد خواندن و نوشتن  
ارگان اعزام‌کننده: سپاه  
تاریخ شهادت: سی‌ام فروردین 1363  
محل شهادت: فرخ‌آباد مهران  
نحوه شهادت: اصابت ترکش  
مزار: گلزار شهدای بخش صالح‌آباد از توابع  
شهرستان مهران



## عبارت‌های کلیدی

- ۱ در خط امام قدم بردارید و یاور امام باشید.
- ۱ این امام است که تمام ابر قدرت‌ها را به زانو در آورده است.
- ۱ ما در عصری زندگی می‌کنیم که ظلم سراسر جهان را فراگرفته است.
- ۱ باید خون بدهیم و مردن حق است چه بهتر مردنی باشد که در راه خدا و میهن اسلامی خود باشد.
- ۱ نامزد مهربانم امیدوارم که بعد از شهادتم صبور باشید و هیچ‌گونه ناراحتی به دل راه ندهید.

## عزت‌الله اکبری

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ رَبِّ الشَّهَدَاءِ وَالصَّادِقِينَ

خداحافظ، خداحافظ، فرزند شما پاسدار وظیفه عزت اکبری تاریخ نوشتن این وصیت‌نامه  
62/12/2 در والفجر 5.

به نام او، به نام خدا که از اویم و برای اویم. هستم برای اوست. رفتنم برای اوست.  
بازگشتم برای اوست.

«مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَن قَضَىٰ نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَن يَنْتَظِرُ وَمَا  
بَدَّلُوا تَبْدِيلًا»<sup>1</sup>

در اینجا، جبهه خدا را مشاهده می‌کنم. در جبهه جز خدا و پیغمبر و امامان و حضرت  
مهدی (عج) چیز دیگر را نمی‌بینم و تقاضای من این است که در خط امام قدم بردارید و  
یاور امام باشید که امید مستضعفان جهان می‌باشد. وجود این امام سعادت است که  
نصیبمان شده است. این امام است که تمام ابر قدرت‌ها را به زانو در آورده است. بار خدایا  
این قطره خون ناچیز و جان ناقابل مرا در راه گسترش اسلام از جان و دل بپذیر و اگر ما  
آن ارزش را نداشته باشیم، که آن قطره خون ناقابل در راه مکتب ریخته شود و اسلام پیش  
رود، هزارها بار به ما جان بده، تا در راه تو مبارزه کنیم و در راه تو به شهادت برسیم و از  
خدای بزرگ می‌خواهم مرا یاری کند، تا در راه او قدم بردارم و تمام هستیم او باشد، تا در  
این راهی که می‌روم هر گلوله که بر تنم می‌خورد [...]<sup>2</sup> تحمل کنم و بدانید که آگاهانه در  
این راه قدم نهاده‌ام، چرا که خون سرخ شهیدان از هابیل<sup>3</sup> تا حسین (7) و از  
حسین (7) تا شهدای جنوب و غرب ایران، صدایم می‌زنند [که] چرا ایستاده‌اید. ما در

1- احزاب/ 23. ترجمه: «برخی از مؤمنان بزرگ‌مردانی هستند که به عهده‌ای که با خدا بستند کاملاً وفا کردند (تا به راه

خدا شهید شدند) و برخی به انتظار (فیض شهادت) مقاومت کرده هیچ عهد خود را تغییر ندادند».

2- خوانا نیست.

3- رک. تعلیقات.

عصری زندگی می‌کنیم که ظلم سراسر جهان را فراگرفته است باید خون بدهیم و مردن حق است چه بهتر مردنی باشد که در راه خدا و میهن اسلامی خود باشد.

باری مادر و پدر عزیزم می‌دانم بعد از شهادتم ناراحت می‌شوید می‌دانم تو ای پدر جگر سخته می‌شود و باری پدر و مادر مهربانم امیدوارم که بعد از شهادت فرزندتان صبور باشید، تا اینکه منافقین<sup>1</sup> کوردل بدانند که فرزندان ایران با عشق و شوق فراوان به جبهه می‌روند و امیدوارم که برای من گریه و شیون فراوان ننمایید. گرچه می‌دانم بعد از شهادتم گریه و زاری می‌کنی. پدر و مادرم و برادران و خواهران از زحماتی که من در زندگی برای شما ایجاد نموده‌ام، مرا ببخشید. مخصوصاً تو ای مادر عزیز، شیر پاکت را حلالم کن و همیشه صبور باش و باری برادر جان، امیدوارم که راه برادر خود را ادامه دهید و یک سخن با نامزد مهربانم امیدوارم که بعد از شهادتم صبور باشید و هیچ‌گونه ناراحتی به دل راه ندهید و برای آخرین بار از زندگی دنیوی با شما پدر و مادر و برادران و خواهران و دایی و عمویم یک به یک سلام می‌رسانم.



نام: عزیز  
نام خانوادگی: اکبری  
نام پدر: علگه  
نام مادر: صورت  
تاریخ تولد: دوازدهم خرداد 1339  
محل تولد: روستای بهرام‌آباد از توابع  
شهرستان مهران  
تحصیلات: بیسواد  
ارگان اعزام‌کننده: سپاه  
تاریخ شهادت: بیست و هفتم بهمن 1362  
محل شهادت: چنگوله  
نحوه شهادت: اصابت ترکش  
مزار: گلزار شهدای بخش صالح‌آباد شهرستان  
زادگاهش



## عبارت‌های کلیدی

- ۱ رهنمودهای امام یادتان نرود.
- ۱ امام را دعا کنید.



## عزیز اکبری

## بسم الله الرحمن الرحيم

پاسدار وظیفه عزیز اکبری من در جبهه مهران والفجر<sup>3</sup> شرکت داشتم که در شب بعد از حمله در پشت پاسگاه دراجی<sup>2</sup> ترکش به پای چپم اصابت<sup>3</sup> کرد و مجروح شدم و خدا نصیبم<sup>4</sup> نکرد در پهلوی پسر خاله‌ام<sup>5</sup> سعیدیار محمدی شهید شوم و حالا اعزاز به جبهه چنگوله<sup>6</sup> شدم و امروز که 62/11/26 است باز در این روز به حمله می‌رویم، اما خبر به من دادند<sup>7</sup> که کانون کارآموزی دیروز توسط هواپیماهای بعثی بمباران شده و پدرم در این بمباران شهید شده است.<sup>8</sup> اما در چه ساعت به من خبر دادند<sup>9</sup>. در [ساعت] هنگام حرکت برای عملیات، به من خبر دادند<sup>10</sup> که پدرم شهید شده و بقیه<sup>11</sup> خانواده<sup>12</sup> ما معلوم نیست که سالم هستند یا مجروح شدند. اما من خیال می‌کردم خبر شهید شدن من را برای شماها می‌گویند. اما پدر در چه موقعی<sup>13</sup> به من خبر دادند [وقتی]<sup>14</sup> من با هم‌زمان<sup>15</sup> در حال

1- ر.ک. تعلیقات.

2- این پاسگاه از جمله پاسگاه‌های بین ایران و عراق در استان ایلام است بین منطقه نکوه و طاوسیّه واقع شده است.

3- در اصل وصیت «پاسگاه دراجی اثابت ترکش به پای چپم اثابت کرد».

4- در اصل وصیت «نصیبم».

5- در اصل وصیت «خواله‌ام».

6- ر.ک. تعلیقات.

7- در اصل وصیت «دادن».

8- در اصل وصیت «در اثر هواپیمای بعثی بمباران شد و در این اثر بمباران پدرم شهید شد».

9- در اصل وصیت «دادن».

10- در اصل وصیت «دادن».

11- در اصل وصیت «بقیه».

12- در اصل وصیت «خوانواده».

13- در اصل وصیت «موقع».

14- در اصل وصیت «وقتی» افتاده است.

15- در اصل وصیت «هم‌زمان».

حرکت بودم. اما پدر من در این [شرایط]<sup>1</sup> وقت ندارم به<sup>2</sup> بدن<sup>3</sup> سوخته<sup>4</sup> تو برسم. پدر تو شهید شدی، اما فرزندان با نَعش<sup>5</sup> تو نبودند. پدر رفتی خدا همراهت. باری با فرزند عزیزم مهدی<sup>6</sup> شهید شدن پدرم از یادت نرود. مهدی<sup>7</sup> جان من رفتم خداحافظ. مهدی<sup>8</sup> جان مواظب مادرت باش. باری همسر مواظب فرزندت باش، من هم رفتم خداحافظ، می دانم این دفعه بر نمی گردم. خداحافظ.

اما چون که خودم سواد کاملی نداشتم، از این بیشتر [هم] وقت نداشتم که راز خودم را بنویسم. خودتان<sup>9</sup> می دانید که در حال جنگ سخت هم می گذرد. رهنمود<sup>10</sup> های امام [را] یادتان نرود. امام را دعا کنید.

عزیز اکبری

---

1- در اصل وصیت «شرایط» افتاده است.

2- در اصل وصیت «با».

3- در اصل وصیت «بدنه».

4- در اصل وصیت «سوزان».

5- در اصل وصیت «نَعشه».

6- در اصل وصیت «مهدی».

7- در اصل وصیت «مهدی».

8- در اصل وصیت «مهدی».

9- در اصل وصیت «خودان».

10- در اصل وصیت «را نمودی».

تخلیه

با مقدار وظیفه عزیز البری من در جبهه تهران دفتر سپه شرکت داشتم که در شب  
 بعد از حمله در پشت پاسکال دراجی اثبات فرکشن پلای جیم ثابت کرد و جیره شلم  
 و خدا نسیم کرد و در پهلوی سر خطه ام سعید با رجمی شهید شوم و حالا اعزام به جبهه  
 جنگ شلم و امروز که ۲۶ ر ۱۱ ر ۳۱ است باز در این روز به حمله می رویم اما خبر بمن  
 دادن که کافور نگار تسوی دیروز در اثر هواپیماهای روسی معبران شده و در این اثر بسیار  
 بدرم شهید شده اما درجه شست بمن خبر آمد در شست هنگام حرکت عملیات  
 بمن خبر دادن که بدرم شهید شده و بقای خانواده ما معلوم نیست که سالم هستند  
 با جیره شد اما ~~بمن~~ خیال نکردم خبر شهید شدن من را برای شما می گویند اما بعد درجه  
 موثق بمن خبر دادن من با هم زمان در حال حرکت بودم اما بدرم در این وقت تمام  
 بدنه مسدود بودیم بدرم شهید شدی اما فرزندت با نقشه تو نبودند بدرم منی خدا همراهت  
 باری با نزد عزیزم هستی شهید شدن بدرم از یادست نرود مهمتی جان من رقتم خدا حافظ  
 مهمتی جان مواظب مادر است باشی باری ~~مهمتم~~ همسرم مواظب فرزندان باش  
 من هم رقتم خدا حافظ می دانم این دفعه بر نمی گردم خدا حافظ

اما چون که خودم سواد نداشتم از این بیشتر وقت نداشتم ~~مهمتم~~ روز خودم را بنویسم  
 خود را می دانید که در حال جنگ صحت هم می گذرد

عزیز البری

راحمودی امام را یادگاری نمود

ایام را رعایت کنید

نام: مجید  
نام خانوادگی: الماسی زاده  
نام پدر: محمدنبی  
نام مادر: فرگس  
تاریخ تولد: هفتم مرداد 1346  
محل تولد: شهرستان مهران  
تحصیلات: دیپلم  
ارگان اعزام کننده: سپاه  
تاریخ شهادت: بیست و نهم خرداد 1367  
محل شهادت: زادگاهش  
نحوه شهادت: اصابت ترکش  
مزار: بخش صالح آباد از توابع همان شهرستان



## عبارت‌های کلیدی

- ۱ شهادت مرگ نیست رسالت است. شهادت مردن نیست تولد است.
- ۱ شهادت جان دادن نیست بلکه جان یافتن است.
- ۱ شهادت به اجبار رفتن نیست انتخاب کردن است.
- ۱ شهادت سکوت نیست فریاد است. تنفر نیست عشق است.
- ۱ اسلام به این خون‌ها احتیاج دارد و به این چنین جوانانی نیازمند است.
- ۱ از شما می‌خواهم که برای من ناراحت نشوید و ادامه دهنده راه من باشید.
- ۱ امام عزیز را تا آخرین قطره‌های خون خود تنها نگذارید.
- ۱ مانند زینب (3) باشید و همیشه زینب وار زندگی کنید.
- ۱ به دشمنان بفهمانید که شهیدان زنده‌اند.
- ۱ با گریه و زاری خود، دل منافقین را شاد نکنید.
- ۱ امام را مانند مردم بی‌وفای کوفه تنها نگذارید.
- ۱ مادر! این حسین (7) است که مرا بسوی خودش می‌خواند.

مجید الماسی زاده<sup>1</sup>

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

«وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قَاتَلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرَزِّقُونَ»<sup>2</sup>

«مپندارید کسانی که در راه خدا کشته شده‌اند مرده‌اند بلکه زنده‌اند و نزد خدای خویش روزی می‌گیرند».

وصیت‌نامه خود را با درود به رهبر کبیر انقلاب اسلامی پیر جماران و بت شکن عصر ما، خمینی شروع می‌کنم. شهادت مرگ نیست رسالت است. جان دادن نیست بلکه جان یافتن است. به اجبار رفتن نیست انتخاب کردن است. مردن نیست تولد است. سکوت نیست فریاد است. تنفر نیست عشق است. خدایا مرا در خودت حل کن.

**وصیتی به مادر عزیزم:**

مادرم، می‌دانم فرزند از دست دادن غمگین کننده است و می‌دانم که برای فرزندت ناراحت می‌شوی. برای من ناراحت نباش. چون که راهی که انتخاب کرده‌ام راه حسین (7) است و کسی که در این راه کشته شود نمرده است.

مادر، مبدا برای من گریه و زاری کنید دشمنان اسلام از این کار تو خشنود [می‌]شوند. مادر، من که از علی اکبر<sup>3</sup> (7) امام حسین (7) عزیزتر نیستم و اگر خواستی برایم ناراحت شوید سر مزارم بیایید و در آنجا با صدای آهسته برای من و بیاد علی اکبر (7) امام حسین (7) اشک بریز، تا دشمنان از این حرکت خشنود نشوند. می‌دانم که مرا شیر دادی و بزرگ نمودی و به این سن رساندی، چون که اسلام به این خون‌ها احتیاج دارد و به این چنین جوانانی نیازمند است. من می‌روم و این راه که راه انبیا است انتخاب می‌کنم و از تو می‌خواهم شیری را که به من دادی حلالم کنی.

**و حالا سخنی چند با پدر عزیزم:**

1- در بالای وصیت‌نامه آمده است: «وصیت‌نامه پاسدار شهید مجید الماسی».

2- آل عمران/ 169.

3- ر.ک. تعلیقات.

پدر جان، می دانم که هیچ خدمتی به تو نکرده‌ام و همیشه تو را ناراحت نموده‌ام خلاصه مرا می‌بخشید برای اینکه خدمتی به تو نکرده‌ام و برای<sup>1</sup> من زحمت زیادی کشیده‌ای از تو حلالیت می‌طلبم و از تو بخشش می‌خواهم.

### و حالا سخنی چند با برادرانم:

برادر ما در زمانی قرار گرفته‌ایم که مملکت ما احتیاج به خون دارد و [به] جوانانی احتیاج [دارد] که باید جانفشانی کنند. تا دین اسلام و این انقلاب زنده و محفوظ بماند و از شما می‌خواهم که برای من ناراحت نشوید و ادامه دهنده راه من باشید و امام عزیز را تا آخرین قطره‌های خون خود تنها نگذارید و همیشه و در همه حال حافظ خون شهدا باشید و به جبهه‌ها رو بیاورید و اما برادران کوچکترم اگر یک وقتی به شما حرف تندی زده‌ام، مرا ببخشید به بزرگی خودتان.

### سخنی چند با خواهرانم:

خواهران عزیزم برایم گریه نکنید و موی خود را نکند [و] چون که [با] این کارتان قلب مرا آزرده می‌کند مانند زینب (3) باشید و همیشه زینب‌وار زندگی کنید و به دشمنان بفهمانید که شهیدان زنده‌اند و با گریه و زاری خود دل منافقین<sup>2</sup> را شاد نکنید.

وصیتی به هم‌زمان خود، [که] آنها باید بدانند تا آخرین نفر و تا آخرین قطره‌های خون خود باید ادامه دهنده راه ما باشند و امام را مانند مردم بی‌وفای کوفه<sup>3</sup> تنها نگذارند و از تمامی آنها حلالیت می‌طلبم وصیتی دارم این است که روز تشییع جنازه من دستم را از تابوت بیرون بیاورید، تا مردم ببینند که چیزی بجز یک کفن با خودم نبرده‌ام. از تمامی قومان و خویشان حلالیت می‌طلبم و از آنها می‌خواهم که اگر یکی از آنها را ناراحت کرده‌ام ببخشند و آنها را نادیده بگیرند.

مادر نمی‌دانم که این چه جاذبه‌ای است که مرا به سوی خود می‌کشد و نمی‌دانم این چیزی که مرا می‌طلبد چیست؟ مادر! این حسین است که مرا بسوی خودش می‌خواند و

1- در اصل وصیت «با».

2- ر.ک. تعلیقات.

3- ر.ک. تعلیقات.

مرا به‌سوی خویش می‌کشد. مادر می‌دانم که دیگر من نیستم به اسلام خدمت کنم، اما ادامه دهنده‌های راه من هستید و برای این ناراحت نشو که من در میان شما نیستم، برای این ناراحت شو که دیگر من نیستم تا به اسلام خدمت کنم.

الحقیر مجید الماسی زاده

66/12/16

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ وصیت نامه باسوار شهید مجید الماسی

و لا تحسبنّ الذّین قتلوا فی سبیل اللّٰه امواتاً بل احياء عند ربهم یترقبون

پندارید کسانی که در راه خدا کشته می شوند مرده اند بلکه زنده اند و نزد خدای خویش زندگی گیرند  
وصیت نامه خود را با درود به رهبر کبیر انقلاب اسلامی پر چهارم در دست شغل عمر با عین شوق می گفتم  
شهادت مرگش نیت رسالت است جان دادن نیت بقدر جان یا فتن است با اجماع نیت  
نیت انتخاب کردن است نیت تولد است سکونت نیت فریاد است نیت عشق است  
عشق است خدا یا مراد خودت جان کن

وصیتی به مادر عزیزم مادرم می دانم فرزندان دست دادن عین گفته است دی دانم به برای فرزندت  
نا راحت می شوی برای من ناراحت مباش چون که راهی که انتخاب کرده ام راه حسین است و کسی  
که در این راه کشته شود نموده است مادر ما را برای من گریه و دردی کند دشمنان اسلام از این کار تو خشنود شوند  
مادر، من در روز علی ابراهام حسین غریبتر نیستم دگر خواستی بر ایمن ناراحت نموی بر سر فرزام سایه در آفا  
با صدای آهسته برای من و با صدای علی ابراهام حسین اشک بر رویه دشمنان از این حرکت خشنود میشوند  
می دانم که مرثیه دردی و بیزگش نمودی و این سن رساندی چونکه اسلام به این خونها احتیاج دارد  
و به این چنین جوانانی نیازمندانست من می روم و این راه را به انبیا و است انتخاب می کنم و از تو می خواهم



شیری که به من دادی آنرا حلال نمائید و حلال سحیحی چند با پدر عزیزم به رحمتی دلم که هیچ خدمتی به تو نکرده ام  
و همیشه آنرا راحت نموده ام خلاصه مرا می بخشید برای اینکه خدمتی به تو نکرده ام و با من زحمت نپاید کشیدی

از تو حلاست می طلبم و از تو بخشش می خواهم  
و حلال سحیحی چند با برادرانم ، برادر مادر زمانه قرار گرفته ام که مملکت ما احتیاج به خون دارد و جوانانی احتیاج  
که باید جان فشانند تا دین اسلام را این انقلاب زنده و محفوظ بماند و از شما می خواهم که برای من ناراحت نشوید  
و امانم دهده راه من باشید و نام من را تا آخرین قطره های خون خود تنها نگذارید و همیشه و در هر حال جانم  
خون شهدا باشید و به جبهه ها رو آورید و آتما برادرانم که جگر من از کربت و غمی به شما حرف تندی زده ام مرا بخشید  
به بزرگی خودتان .

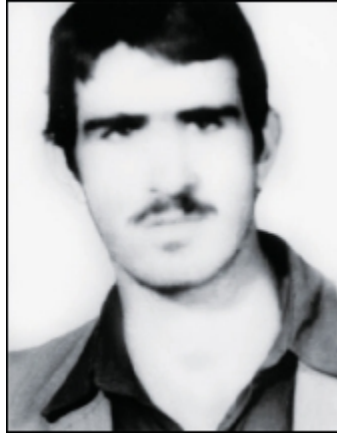
سحیحی چند با خواهرانم ، خواهران عزیزم برایم گریه نکنید و روی خود را نلینید و چونکه این کار بان قلب مرا  
آزاده می کند ما نند و سبب ما ، باشید همیشه زینب و از زینبی کنید و به دشمنان بگویند که شهیدان  
زنده اند و با کرم و زاری خود در منافقین را شاد کنید

و صیتی به هر زمان خود که آنها با بداند تا آخرین نفر و تا آخرین قطره های خون خود با برادرانم دهده راه ما  
باشند و امانم را مانند مردم بی و نای کوفه تنها نگذارند و از غمی آنها حلاست می طلبم و وصیت دارم این است  
که روز شمع جفازه من دستم را از تابوت بیرون بیاورید تا مردم ببینند که چیزی بجز سبک کفن با خود ندارم  
از غمی تو مان و خویشان حلاست می طلبم و از آنها می خواهم که اگر کسی در آنها ناراحت کرده ام مرا بخشند  
و آنها را نادیده بگیرند

مادر منی دلم این چه جادوی است که مرا بسوی خود می کشد و منی دلم این چیزی که مرا می طلبد چیست  
مادر این حسین است که مرا بسوی خودش می خواند و مرا بسوی خویش می کشد مادری دلم که در کرم من  
نیستم به اسلام خدمت کنم آقا امانم دهده های راه من هستند و برای این ناراحت نشوید که من در میان  
شما نیستم برای این ناراحت شو که دیگر من نیستم تا به اسلام خدمت نمایم

الحقیر محمد الای زاده

۱۶/۱۲/۶۶



نام: جاسم  
نام خانوادگی: امامی  
نام پدر: صید محمد  
نام مادر: دولت  
تاریخ تولد: یکم تیر 1342  
محل تولد: روستای هلشی از توابع شهرستان ایوان  
تحصیلات: پایان دوره کاردانی  
ارگان اعزام کننده: سپاه  
تاریخ شهادت: یازدهم بهمن 1365  
محل شهادت: شلمچه  
نحوه شهادت: -  
مزار: روستای حاجی حاضر شهرستان زادگاهش

## عبارت‌های کلیدی

- ا انقلاب آزمایش بود از طرف خداوند برای بندگان و کسانی که در مقابل اجانب مقاومت می‌کنند.
- ا شهیدان چه زیبا در سلک سالکان راه حق ره معشوق را در نور دیدند.
- ا افتخار می‌کنم که پاسدار اسلام باشم.
- ا از شماها می‌خواهم که صبر و استقامت را مثل ائمه اطهار پیشه کنید.
- ا مثل فاطمه (3) و زینب (3) مقاوم باشید و در شهادتم هراسی به خود راه ندهید.
- ا همیشه پیروان دو مکتب با هم در ستیز و جدال بوده‌اند، یکی طرفدار حق و حریت و شرافت و آزادی و دیگری حامی باطل.
- ا امروز همه ما رسالتی بزرگ برای دفاع از اسلام بر دوش داریم.
- ا نماز جمعه و اجتماعات مذهبی را فراموش ننمایید.
- ا پشتیبان ولایت فقیه باشید.
- ا وقتی که دین در معرض خطر قرار گرفت هر کس در هر لباس و وظیفه‌ای که دارد به پا خیزد.
- ا به امید شکست آمریکای جنایتکار.
- ا برقرار باد پرچم لاله‌الاله و محمد رسول‌الله.

## جاسم امامی

### بسم الله الرحمن الرحيم

به نام الله معشوق عاشقان و معبود عارفان وصیت‌نامه خود را آغاز می‌کنم.

«اللهم لك اسلمت و بك امنت و عليك توكلت و بك خاصمت و اليك حاكمت»

«يا ربّ يا ربّ يا ربّ اغفر لي ما قدمت و اخرت و اسررت و ما اعلنت انت الهی لا اله الا انت و صل على محمد و آل محمد و اغفر لي و ارحمني و تب على انك انت التواب الرحيم»<sup>1</sup>

«خدایا به تو تسلیم شدم و به تو ایمان آوردم و بر تو توکل نمودم و به وسیله تو با خصم روبرو شدم و به سوی تو به محاکمه آمدم. ای پروردگارم، ای پروردگارم، ای پروردگارم، بیامرز برایم آنچه پیش و پس کردم، پنهان کردم و آشکار کردم تویی معبود من نیست معبودی جز تو درورد فرست بر محمد و خاندان محمد و بیامرز مرا و به من رحم کن و نظری بر من نما زیرا تویی بسیار توبه‌پذیر بخشنده».

با درود بر اولیاء و امامان معصوم ( ) و درود بر منجی عالم بشریت مهدی موعود و نایب بر حقش امام امت بت شکن تاریخ و کوبنده ظالمان و نجات دهنده مظلومان و درود بر همه شهدای صدر اسلام از هابیل تا شهدای جنگ تحمیلی و درود بر همه جانبازان و معلولین و مجروحین و خانواده‌های معظم شهدا و کلیه خدمتگزاران و ایثارگران جمهوری اسلامی ایران. انقلاب و اسلام همیشه و در طول تاریخ بشری با جنایتکاران و استعمارگران در ستیز بوده است. امروز امام امت این قلب تپنده مسلمین جهان، اسلام اصیل را بر جامعه حاکم نمود. انقلاب آزمایش بود از طرف خداوند برای بندگان و کسانی که در مقابل اجانب مقاومت می‌کنند جامعه اسلامی ما و امت شهیدپرور ایران شهدای بیشماری را در این راه تقدیم نموده است. خدایا، بارالها چگونه می‌توان این همه ایثارگری و گذشت و فداکاری خالصانه در راه تو را توصیف نمود و چگونه می‌توان با این زبان‌های الکن و قلم‌های ناقص این همه شورها و شعورها را وصف نمود. راستی با یک نگرشی کوتاه بر

1- فرازی از دعای عند النوم. (بحار الانوار، ج 73، ص 203). در اصل وصیت به جای «ما اعلنت» «اعلنت» آمده است.

زندگی شهیدان می‌بینیم که هر یک چه ویژگی خاصی داشته. آیا مگر می‌توان [...] <sup>1</sup> منافقان <sup>2</sup> از بند گسسته پیوست. راستی چه خوب هدایت یافتید و چه زیبا فضای هستی و شهادت را دریافتید. دریافتید که باید [...] <sup>3</sup> بود و چه زیباترین، کوتاهترین، حکیمانه‌ترین و ایثارگرانه‌ترین راه شهادت را یافتند. شهیدان چه زیبا در سلک سالکان راه حق ره معشوق را درنوردیدند. آری آنان از هرگونه وابستگی چون فرزند، همسر، مظاهر مادی، شهرت‌طلبی، مقام‌پرستی و هر چیزی که آنان را به خود می‌بندد و از خدایشان دور می‌سازد رهیده‌اند. چند خط شعر ساده در رابطه با مناجات با خداوند بر قلم ناقصم می‌آورم.

به‌نامت ای امید نامیدان	شفای درد جمله دردمندان
به‌نامت ای غنای هر فقیری	نجات هر فقیر و هر اسیری
الهی تو مأوا و پناه بی‌کسانی	تو یار و یاور مستضعفانی
اگر یارب مرا از در برانی	شود تاریخ بر من زندگانی
به هر شکل مرا کردی حمایت	نگاهت بود بر من از عنایت
ما خسته دل و گناه‌کاریم	امید به غیر از تو نداریم
الهی ز باطل پاک گردان این درون را	یکی گردان درون را و برون را
الهی تو معشوق تمام عاشقانی	تو یاور و تکیه‌گاه صادقانی
الهی به طاعت بهترین فرمانبرم کن	لباس عفو و بخشش در برم کن

اکنون در لحظات آخر چند جمله با برادران سپاه و خانواده‌ام و همچنین با برادران و کسانی که با آنها سر و کار داشته‌ام. [...] <sup>4</sup> «سپاهی به قول امام کاری نکنید که مقام پاسداری لکه‌دار شود» <sup>5</sup> اگر سپاه بازوی انقلاب و امام امت است تقوا و ایمان است که این [...] <sup>6</sup> را

1- خوانا نیست.

2- ر.ک. تعلیقات.

3- خوانا نیست.

4- خوانا نیست.

5- «تکند خدای نخواستہ کاری کنید که مقام پاسداری لکه‌دار شود» (صحیفه امام، ج 8، ص 306).

6- خوانا نیست.

می‌آورد و این را همیشه به یاد داشته باشید که «از نفس‌هایتان حساب بکشید قبل از آنکه حساب کشیده شود»<sup>1</sup> از تمامی برادرانی که با آنها در سپاه و جبهه سر و کار داشته‌ام، امیدوارم که مرا ببخشند و حلال نمایند و از کلیه برادران ارگان‌ها و نهادهای انقلابی و مدارس که در امر جبهه کمک و همیاری نموده‌اند تشکر می‌کنم و امیدوارم با بزرگیشان این بندهٔ حقیر را ببخشند. پدر، مادر و برادرانم، من خودم با اختیار و اراده این راه را برگزیدم و افتخار می‌کنم که پاسدار اسلام باشم. از شماها می‌خواهم که صبر و استقامت را مثل ائمه اطهار پیشه کنید. مخصوصاً شما مادرم مرا ببخشید که اسلام امروز به من نیاز دارد که گاهی اوقات در رفتن به جبهه با شما تندی کردم مرا حلال کنید و امیدوارم که مثل فاطمه (3) و زینب (3) مقاوم باشید و در شهادتم هراسی به خود راه ندهید، مقداری نماز و روزه قضا دارم اگر توانستید [...] <sup>2</sup> خداوند به همهٔ رزمندگان و جنگجویان [...] <sup>3</sup>

جاسم امامی

[وصیت‌نامه‌ای دیگر]

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

«إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَىٰ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنَّهُمْ لَخَبَّاتٌ يِّقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ وَعَدًّا عَلَيْهِ حَقًّا فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالْقُرْآنِ وَمَنْ أَوْفَىٰ بِعَهْدِهِ مِنَ اللَّهِ فَاسْتَبْشِرُوا بِيَعْيِكُمُ الَّذِي بَايَعْتُمْ بِهِ وَذَٰلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ».

«به‌نام خداوند بخشندهٔ مهربان. خدا جان و مال اهل ایمان را به بهای بهشت خریداری کرده آنها در راه خدا جهاد کرده می‌کنند که دشمنان دین را بکشند و یا خود کشته شوند این وعده قطعی است بر خدا و عهدی است که در تورات و انجیل و قرآن بیان شده است و کسی که به عهد و میثاق با خدا وفا کند. خداوند او را جزو رستگاران قرار داده و فوزی عظیم نصیبش می‌نماید». (توبه/ 111)

1- حاسبوا قبل ان تحاسبوا.

2- خوانا نیست.

3- خوانا نیست.

درود و سلام به پیشگاه مقدس و محضر مبارک امام زمان منجی عالم بشریت روحی و ارواحنا لمقدمه الفدا و با درود و سلام بی کران و بی نهایت بر امام امت، نایب امام زمان و پرچمدار و علمدار راه انبیاء عظام و اوصیاء، محبوبترین کلمه قرن [...] <sup>1</sup> و عارف و مجاهد فی سبیل الله و فقیه زمان کوبندهٔ ظلمگران و ستمگران و با سلام بر علما و فقها و اندیشمندان و خدمتگزاران و مسئولین نظام جمهوری اسلامی ایران.

و با سلام و درود بر خانواده‌های شهدا و محرومین، مفقودین و جانبازان انقلاب و جنگ تحمیلی و درود بر رزمندگان حماسه‌ساز و قهرمان صحنه‌های حق علیه باطل و نوری در ظلمت و ننگ و نفرین دائم بر اباسفیان <sup>2</sup> و یزید <sup>3</sup> و معاویه <sup>4</sup> و بنی‌امیه و لعنت و نفرین امت [...] <sup>5</sup> بر یزیدیان زمان و حاکمان نظام جور و ظلم و فساد یعنی ریگان <sup>6</sup>، گورباچف <sup>7</sup> و آندره کرومیکو، مارگارت تاچر <sup>8</sup> و شاه حسن <sup>9</sup> و شاه حسین <sup>10</sup> و فهد <sup>11</sup> و صدام <sup>12</sup> و کلیه دلالان و خودفروختگان وابسته به غرب و شرق مسلمان و آگاه ایران اسلامی، همیشه از ابتدا تا انتها در جبههٔ حق علیه باطل پیروان دو مکتب با هم در ستیز و جدال بوده‌اند، یکی طرفدار حق و حریت و شرافت و آزادی و دیگری حامی باطل.

1- خوانا نیست.

2- ر.ک. تعلیقات.

3- ر.ک. تعلیقات.

4- ر.ک. تعلیقات.

5- خوانا نیست.

6- ر.ک. تعلیقات.

7- ر.ک. تعلیقات.

8- ر.ک. تعلیقات.

9- ر.ک. تعلیقات.

10- ر.ک. تعلیقات.

11- ر.ک. تعلیقات.

12- ر.ک. تعلیقات.

همیشه طالوت<sup>1</sup> و جالوت<sup>2</sup>، هابیل<sup>3</sup> و قابیل<sup>4</sup>، موسی و فرعون، حسین و یزید در مقابل هم قرار گرفته‌اند. انقلاب اسلامی ما به رهبری قائد عظیم‌الشان انقلاب تداوم‌بخش و ادامه دهنده راه اباعبدالله [...] <sup>5</sup> و نهضت عاشورای حسینی می‌باشد و امروز ندای «هل من ناصر ینصرنی»<sup>6</sup> سالار شهیدان در تمامی جبهه‌های [...] <sup>7</sup> چه در ایران اسلامی و چه در کشورهای مسلمان نمایانگر است. از آنجایی که امام عزیز می‌فرماید از تبلیغات [...] <sup>8</sup> نترسید و در مقابل ابرقدرت‌ها مستقیم باشید و همه تبلیغات بر ضد ماست و این برای آن است که فضیه [...] <sup>9</sup> اسلام و کفر است نه ایران و عراق. امروز همه ما رسالتی بزرگ برای دفاع از اسلام که حاصل خون هزاران شهید و مجروح است بر دوش داریم. بیاییم از قید و وابستگی به دنیا خود را نجات دهیم که امام صادق (7) می‌فرماید: «دوستی دنیا ریشه و سرمنشأ خطاهاست»<sup>10</sup> و مگر این نیست که قرآن در سوره مؤمن می‌فرماید [...] <sup>11</sup> آنچه در سینه‌هاست خدا می‌داند و مگر حضرت علی (7) نمی‌فرماید یاد آخرت [...] <sup>12</sup> در سوره المنافقون می‌فرماید: «عزت مخصوص خدا و رسول و اهل ایمان است»<sup>13</sup> و برای [...] <sup>14</sup> و قرآن بلایی نیست. امت قهرمان و مسلمان نماز جمعه و اجتماعات مذهبی را فراموش ننمایید که و در صحنه‌های پرشکوه و مقدس انقلاب به رهبری‌های پیامبرگونه

1- ر.ک. تعلیقات.

2- ر.ک. تعلیقات.

3- ر.ک. تعلیقات.

4- ر.ک. تعلیقات.

5- خوانا نیست.

6- ر.ک. تعلیقات.

7- خوانا نیست.

8- خوانا نیست.

9- خوانا نیست.

10- «حب الدنيا رأس كل خطیئه».

11- خوانا نیست.

12- خوانا نیست.

13- ترجمه فرازی از آیه 8 سوره منافقون است. «و الله العزة و لرسوله و للمؤمنین و لكن المنافقین لا یعلمون».

14- خوانا نیست.

امام امت باشید و رزمندگانی به دلاوران صحنه‌های شرف و حریت را با حضور خود و کمک‌های مالی پشتیبانی نمایید و خانواده‌های شهدا را دلگرم نمایید و پشتیبان ولایت فقیه باشید و همان‌طوری که حضرت علی (7) فرموده‌اند که پیش از آنکه امام به نماز جمعه حاضر می‌شود و با سکوت و آرامش گوش فرا می‌دهید این‌گونه شرکت در نماز کفاره عمل از جمعه تا جمعه است به اضافه سه روز دیگر، زیرا خداوند فرموده اگر عمل روز جمعه به درستی انجام شود ثواب ده روز را دارد و پیام دلنواز و روح‌بخش امام امت که نمازهای جمعه را هرچه باشکوه‌تر به جای آورید، تبلور و سرمنشأ کارهای خود قرار داده و پشت و ستون فقرات ابرقدرت‌ها و منافقین<sup>1</sup> و جناح‌های مخالف اسلام را بشکنید و ندا و رسالت اسلام و مجروحین را به گوش جهانیان برسانید و چون امروز روزی است که همه باید قیام کنند و وقتی که دین در معرض خطر قرار گرفت هر کس در هر لباس و وظیفه‌ای که دارد به پا خیزد و این وظیفه همگانی و عمومی است که باید قیام کرد چون قیام و انقلاب و پاسداری از جبهه به عشق حسین (7) و لبیک به ندای او می‌باشد.

خانواده عزیزم، صابر باشید و چون کوه در مقابل سختی‌ها و رنج‌ها مقاومت کرده و افتخار نمایید که از اسلام و مکتب خمینی دفاع کرده و فرزندی تربیت شده را فدای اسلام نموده‌اید. آفرین بر شما و درود خدا بر شما باد. از پدرم و مادرم که سال‌های سال با بنده حقیر و سراپا تقصیر زحمت کشیده‌اند بی‌نهایت تقدیر و تشکر می‌کنم و از اینکه نتوانسته‌ام زحمات شما را جبران کنم سخت شرمندهم و اما برادرانم شما نیازی به راهنمایی و نصایح ندارید انشاءالله تعالی در کارتان موفق باشید و تا آنجایی که می‌توانید پاسدار خون شهدا باشید.

چهار سال روزه قضا دارم در صورت امکان اعاده نمایید. همسرم شما هم مثل حضرت زینب (3) عمل کن و حافظ اسلام باش و داعیه سلامت را به جامعه بشناسان و از تمامی برادرانی که با آنها سر و کار داشته‌ام چه در جبهه و پشت جبهه از همه حلالیت می‌طلبم چون سخت محتاج گذشت و مغفرت شما می‌باشم. خداوند تبارک و تعالی اسلام را پیروز نماید و ریشه کفر و الحاد و نفاق را در جامعه بخشکاند. پروردگارا، ایزدا، ای



محبوب محبان و ای معشوق عاشقان و ای پناه بی‌پناهان و ای درمان دردمندان و ای سرمایه و غنای مستمندان و ای روشنی دل عارفان امام امت و امت اسلام را از گزند روزگار و توطئه‌های ناحق دشمنان محافظت فرما و حربه و توطئه توطئه‌گران را خنثی و خیانتکاران و توطئه‌گران و جانیان را نابود گردان و به مسئولین و خدمتگزاران اسلام استقامت و اجر اخروی عنایت فرما.

به امید شکست آمریکای جنایتکار برقرار باد پرچم لاله‌الله و محمد رسول‌الله. نابود باد ابرقدرت‌ها و وابستگان به آنان و پیروز باد لشکریان اسلام و آزاد باد کربلای حسینی و نجف و قدس<sup>1</sup> شریف.

کیوتر آستان حسینی سرباز وفادار امام خمینی

جاسم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ - نام الله مستون عاشقون، صبره عالمی، رحمتانه خود را معانی هم  
 اللَّهُمَّ لَكَ أَشَقْتُ وَبِكَ آسَأْتُ تَعَلُّيكَ، تَوَلَّيْتُ وَبِكَ خَاصَمْتُ، وَإِلَيْكَ خَالَفْتُ  
 يَا رَبِّ يَا رَبِّ يَا رَبِّ إِنِّي غَفِلْتُ مَا مَدَّيْتُ وَأَخْرَيْتُ وَأَسْرَرْتُ وَأَعْلَنْتُ أَنْتَ إِلَهِي لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَافْتَرِّقْ وَأَرْحَمْنِي وَتَوَلَّ عَلَيَّ إِنَّكَ أَنْتَ الْغَنِيُّ  
 حکم خود را بتسلیم نمود و بتو ایمان آوردم و در تو توکل نمودم و بر سبیله ترا با خصم بودم و تو هم بر من  
 زاری کنی که آدم - ای پروردگارم ای پروردگام، ای پروردگم - بیانم بر این آیه پیش رویم که در بیان  
 آدم را تسکین کردم توفیق میدهم من نسبت معصومی جز تو در دوزخ نیستی برسد و خداوندان معصومینند  
 را در بهمن حکم کن، نظری بر من، نماز تو را تو بیاید آریه پذیر بخیزند،

آمدند بر ایلات و اسبابان معصوم طیب اسم دارد بر من علم بشریت خودی بر خود ز صفت و حقش انما است  
 تا سخن را بیج بگویند تا همان کتابت حضرت علیها و در هر کس که حکم است که از جلیل و محکم است که علی  
 در هر کس که حکم است که علیها و در هر کس که حکم است که از جلیل و محکم است که علی  
 صفت با حکم همیشه در اول بیج بفرماید و چنانچه در کتابت آن در تشریح است انما است این لقب بقدر معنی  
 این است که هیچ در حدیث حکم نمود، اقتضای نامی که در طرف خداوند بفرماید که در آن که در آن است  
 داشت که در حدیث است که در آن است که در آن است که در آن است که در آن است که در آن است که در آن است  
 نه در آن است که در آن است که در آن است که در آن است که در آن است که در آن است که در آن است که در آن است  
 در حدیث است که در آن است که در آن است که در آن است که در آن است که در آن است که در آن است که در آن است  
 در حدیث است که در آن است که در آن است که در آن است که در آن است که در آن است که در آن است که در آن است







نام: عبدالامیر  
نام خانوادگی: امیدی  
نام پدر: فاضل  
نام مادر: عطیه  
تاریخ تولد: دوازدهم مرداد 1346  
محل تولد: شهر بغداد از توابع کشور عراق  
تحصیلات: چهارم متوسطه  
ارگان اعزام کننده: بسیج  
تاریخ شهادت: یکم بهمن 1365  
محل شهادت: شلمچه  
نحوه شهادت: اصابت ترکش  
مزار: گلزار شهدای امامزاده سیدحسین از  
توابع ایلام



## عبارت های کلیدی

- ۱ همانا راه امام خمینی (حفظه الله) راه نجات از فتنه انگیزی و مکتب های گمراه کننده است.
- ۱ هر کس از خط امام جدا شود شکست [می خورد] و نابود می شود.
- ۱ سفارش می کنم خود و شما را بتقوی الهی و چنگ زدن به ریسمان خدا.
- ۱ راه امام خمینی که راه ائمه اطهار است جانم فدایش باد.
- ۱ دعا برای طول عمر امام و ظهور امام زمان [را] فراموش نکنید.
- ۱ پدر و مادر عزیزم مرا به عنوان قربانی در راه خدا به شمار آورند.
- ۱ من به ندا سیدالشهدا که در روز عاشورا فریاد زد «هل من ناصر ینصرنی» لبیک گفتم.

## عبدالامیر امیدى

## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ترجمه<sup>1</sup> وصیت‌نامه پاسدار رشید اسلام عبدالامیر امیدى  
 «وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزُقُونَ»<sup>2</sup> «صدق الله العلى  
 العظيم»

«الحمد لله رب العالمين و الصلاة و السلام على أشرف الخلق و سيّد المرسلين ابى القاسم  
 محمّد ( 6 ) و آله الطيبين الطاهرين و اللعنة الدائمة على اعدائهم اجمعين من الآن الى  
 قيام يوم الدين» سلام بر امام امت خمينى بزرگوار از سلاله پاک مصطفى ( 6 ) اما بعد  
 پيروى از راه ائمه معصومين كه همانا راه امام خمينى (حفظه الله) است، راه نجات از  
 فتنه‌انگيزى و مكتب‌هاى گمراه كننده كه به ظاهر خود را به لباس اسلام پوشانده‌اند و بدانيد  
 كه هر كس از خط امام جدا شود شكست [مى خورد] و نابود مى شود. به همين دليل  
 سفارش مى كنم خود و شما را بتقوى الهى و چنگ زدن به ريسمان خدا و راه امام خمينى  
 كه راه ائمه اطهار است جانم فدايش باد.

و از شما مى خواهم دعا براى طول عمر امام و ظهور امام زمان [را] فراموش نكنيد.  
 وصيت من به پدر و مادر عزيزم اين است كه هرگز براى از دست دادن فرزند خويش  
 ناراحت نباشند و مرا به عنوان قربانى در راه خدا به شمار آورند. همانطوري كه قربان  
 هابيل<sup>3</sup> ( 7 ) از طرف خدا پذيرفته شد. از مادرم مى خواهم غمگين نباشد، چون من از  
 على اكبر<sup>4</sup> فرزند سيدالشهدا ( 7 ) بهتر نيستم كه در جلو ديدهگان پدر كشته شد. و از پدر و  
 مادرم مى خواهم ناراحت نباشند، چون من به نداء سيدالشهدا كه در روز عاشورا فرياد زد

1- اصل وصیت‌نامه شهید امیدى به زبان عربی نوشته شده است. در عين حال كه اصل عربى وصيت آورده مى شود.  
 ترجمه فارسى آن نيز گوياسازى مى گردد. ترجمه فارسى و اصل عربى وصيت مهمور به مهر مركز اسناد ايثارگران  
 است.

2- آل عمران/ 169.

3- ر.ك. تعليقات.

4- ر.ك. تعليقات.

«هل من ناصر ينصرني»<sup>1</sup> لبيك گفتم و هيچ وقت تنها نمی گذارم امام امت [را] و جانم [را] در راهش فدا می کنم و از شما حلالیت می طلبم، چون در حق شما، کوتاهی کردم و از خدا می خواهم مرا شفاعت دهد به شما و شفاعت دهد شما را به من. و از خدا می خواهم مرا با سیدالشهدا و ائمه اهل بیت (:) مشحور کند تا به وسیله آنها در روز قیامت شفاعت طلب کنم. وصیت من به برادرانم [این است که] راه امام [را] در پی گیرند و در کارهایشان از او تقلید کنند. و از برادرم عباس می خواهم که افراد خانواده را تربیت اسلامی صحیح دهد و از خواهرانم می خواهم حجاب را رعایت کنند. زیرا حجاب حافظ خون شهدا است و زهرا (3) [را] الگو قرار دهند و از شما می خواهم به هر کس مرا می شناسد، بگویید که برایم دعا کند، تا خدا گناهم را بپارزد. خدایا خدایا تا انقلاب مهدی (عج) خمینی را نگهدار.

«والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته»<sup>2</sup>

---

1- ر.ک. تعلیقات.

2- در انتهای وصیت نامه به زبان عربی مطالبی وجود دارد که ترجمه نشده است مثل: «22 روز قضای روزه، یک ماه کامل نماز قضا، کفاره افطار عمومی روزه ماه رمضان: (مقدارش 360 تومان) از شما می خواهم که کفاره خوردن روزه را بپردازید که 180 تومان می شود».







بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ  
 (وَلَا تَحْسِبَنَّ الَّذِیْنَ قَتَلُوا فِی سَبِیْلِ اللّٰهِ اَمْواتًا بَلْ اَحْیاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ  
 یُرِزِقُونَ) صدق الله العلی العظيم  
 المرسلین لله رب العالمین والصلاة والسلام علی أشرف الخلق وسید  
 المرسلین ابی القاسم محمد (ص) وآله الطیبین الطاهرین واللعنه  
 الدائمة علی اعدائهم اجمعین من الآن الی قیام یوم الدین )  
 سلام بر امام امت ضیعی نوزگوار از سلاله پاک مصطفی (ص)  
 اما بعد پیروی از راه ائمه معصومین که همانا راه امام خمینی  
 حفظه الله است . راه نجات ارفتنه انگیزی و مکتبهای  
 گمراه کننده که بظاهر خود را به لباس اسلام پوشانده اند  
 و بدانند که هر کس از خط امام جدا شود شکست و نابود  
 می شود . و بهین دلیل سفارش می کنم خود و شما را بتقرای  
 الهی و حیدر زدن به ریمان خدا و راه امام خمینی که راه  
 ائمه اطهار است جانم فدایش باد .  
 و از شما می خواهم دعای برای طول عمر امام و ظهور امام زمان  
 فراموش نکنید . وصیت من به پدر و مادر عزیزم که هرگز برای  
 اودست دادن فرزندان خویش ناراحت نباشند و مرا بعنوان قربانی  
 در راه خدا بشمار آورند همان طوریکه قربان ها بیل علیه السلام  
 از طرف خدا پذیرفته شد . از مادر می خواهم ممکن نباشد چون



۲  
میرزا علی اکبر فرزند سید الشهدا علیه السلام بهتر نیستیم که  
میرزا علی اکبر فرزند سید الشهدا علیه السلام  
نارامت نباشند چون من به خدای سید الشهدا که در روز  
عاشورا فریاد رد هل من ناصر یصری لبیک گفتیم و هیچ  
وقت آنها نمیگزارم امام امت و جانم در راهش فدایم  
دار شما علالت می طلبم چون در حق شما کوتاهی کردم  
و از خدا می خواهم مرا شفاعت دهد بشما و شفاعت دهد  
شما را بنده . و از خدا می خواهم مرا با سید الشهدا و ائمه اهل  
بیت علیهم السلام محشور کنند تا بوسیله آنها در روز  
قیامت شفاعت طلب کنم . و صبح من به برادرانم راه  
امام در پی گیرند و در کارهایشان از او تظلمه کنند .  
و از بوازم عباسی می خواهم که افراد ضامون را بوسیله اسلامی  
صمدی دهد و از خواهران می خواهم حجاب را رعایت  
کنند و بر حجاب حائضه خون شهدا است و دروغ (ع) اللوه زود دهند  
دار شما می خواهم به هر کسی را می شناسد بگویند که برایم  
دعاء کند تا خدا گناهانم ببامزد  
خدا یا تا انقلاب هجری (هج) خمینی را بگذرد  
و السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته .

نام: غلامرضا  
نام خانوادگی: انصاری  
نام پدر: محمدباقر  
نام مادر: فاطمه  
تاریخ تولد: یکم فروردین 1340  
محل تولد: بخش صالح آباد از توابع  
شهرستان مهران  
تحصیلات: چهارم متوسطه  
ارگان اعزام کننده: بسیج  
تاریخ شهادت: یکم مهر 1359  
محل شهادت: زادگاهش  
نحوه شهادت: اصابت ترکش  
مزار: گلزار شهدای همان بخش



## عبارت‌های کلیدی

- ا جهان همیشه عرصه پیکار حق و باطل بوده است.
- ا وظیفه هر کس این است که موضع خویش را در برابر این جبهه‌ها مشخص کند.
- ا به‌درستی که رمز پیروزی و سعادت انسان در جهاد است.
- ا چه بهتر شهادت در این راه [باشد] که شهادت انسان را به درجه اعلا می‌رساند.
- ا مادر مهربانم اگر در این راه به هدف احسن خویش، همین شهادت رسیدم، هیچ‌وقت ناراحت نباشید.
- ا برادران بعد از من از این امانت الهی «انقلاب اسلامی» به رهبری ولایت فقیه درست نگهداری کنند.

## غلامرضا انصاری

### بسم الله الرحمن الرحيم

بنام الله پاسدار خون شهیدان

اینجانب غلامرضا انصاری درحالی که خداوند این سعادت را نصیب نموده که با پیکارگران حق بر علیه باطل راهی جبهه شوم، بر خود لازم دانستم که وصیت‌نامه‌ای بنویسم. با سلام بر صاحب برحق انقلاب اسلامی امام زمان (عج الله) و نایب برحق آن بزرگوار، حضرت امام خمینی. اگر شهادت نصیب<sup>1</sup> شد امیدوارم که هر وقت خواستید برای من گریه کنید، برای امام حسین (7) و حضرت عباس<sup>2</sup> (7) و اهل بیت آن بزرگواران گریه کنید، جهان همیشه عرصه پیکار حق و باطل بوده است و هریک از این جبهه‌ها پیروانی داشته است، زمانی هابیل<sup>3</sup> در مقابل قابیل<sup>4</sup> و زمانی حسین (7) و حسینیان در مقابل یزید و یزیدیان، و امروز هم شاهد درگیری جبهه حق یعنی ایران اسلامی به‌پا خاسته<sup>5</sup> به رهبری امام خمینی و جبهه باطل یعنی کفر به رهبری ابرجنایتکاران، چون آمریکا و انگلیس و صدام یزید است. وظیفه هر کس این است که موضع خویش را در برابر این جبهه‌ها مشخص کند، و با عمل خویش ادعای خویش را به اثبات برساند. اگر کسی ادعا می‌کند که پیرو جبهه حق [است] و رهبری حسین (7) زمان خمینی بت‌شکن است. به‌درستی که رمز پیروزی و سعادت انسان در جهاد است، چونان‌که علی (7) می‌فرماید: «جهاد دری است از درهای بهشت که خداوند آنرا برای دوستان خاصش می‌گشاید.»<sup>6</sup> چه بهتر شهادت در این راه [باشد] که شهادت انسان را به درجه اعلا می‌رساند. مادر مهربانم

1- در اصل وصیت «نسیب».

2- ر.ک. تعلیقات.

3- ر.ک. تعلیقات.

4- ر.ک. تعلیقات.

5- در اصل وصیت «پا خواست».

6- ترجمه عبارت آغازین در خطبه 28 نهج البلاغه. «فَأَنَّ الْجِهَادَ بَابٌ مِنْ أَبْوَابِ الْجَنَّةِ فَتَحَهُ اللَّهُ لِخَاصَّةِ أَوْلِيَائِهِ.» (ص 27، ترجمه نهج البلاغه، سیدجعفر شهیدی).

اگر در این راه به هدف احسنِ خویش، همین شهادت رسیدم، هیچ وقت ناراحت نباشید. چون به آرزوی دیرینه خود رسیده‌ام. امیدوارم مرا حلال کنید و برادران بعد از من از این امانت الهی «انقلاب اسلامی» به رهبری ولایت فقیه درست نگهداری کنند. در جهت دفاع از مرزهای جمهوری اسلامی و هم در جبهه مبارزه با هوای نفس که به فرمایش حضرت رسول (ﷺ) جهاد اکبر است و سلام مرا به دوستان و آشنایان برسانید.

«والسّلام<sup>۱</sup> علیکم و رحمة الله برکاته»

حقیر غلامرضا انصاری نوه حاج شیخ انصاری

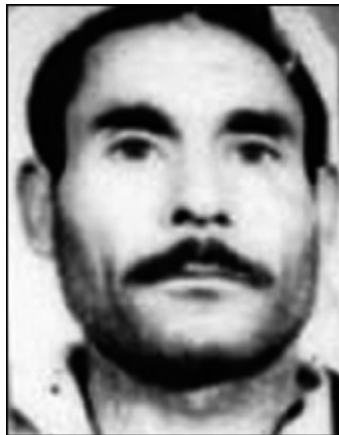
---

1- در اصل وصیت «و سلام».





نام: نامدار  
نام خانوادگی: اوحام  
نام پدر: احمد  
نام مادر: نازی  
تاریخ تولد: سوم تیر 1325  
محل تولد: بخش بدره از توابع شهرستان دره شهر  
تحصیلات: در حد خواندن و نوشتن  
ارگان اعزام کننده: بسیج  
تاریخ شهادت: بیست و سوم اسفند 1366  
محل شهادت: شاخ شمیران عراق  
نحوه شهادت: اصابت ترکش  
مزار: گلزار شهدای شهرستان زادگاهش



## عبارت‌های کلیدی

- ا تا کسی از منبع غیبی الهام و نیرو نیابد محال است که بتواند چنان مقاومت و استقامتی به خرج بدهد.
- ا امامان هم به قدر قدرتشان در راه احیای اسلام کوشیدند و شربت شهادت را نوشیدند.
- ا پس از هزار و چهارصد سال می‌رود تا اصول فقه حکومت علی (7) در ایران به رهبری نوح دوم ما حضرت امام خمینی که داشت به فراموشی کشیده می‌شد، احیا شود.
- ا خداوند مهربان و خالق جهان هستی به ما توفیق عطا فرموده تا در رکاب خمینی کبیر با دشمنان اسلام بجنگم.
- ا همیشه یار و پشتیبان ولایت فقیه باشید.
- ا مقید به انجام واجبات و ترک محرمات باشید.
- ا فرزندان عزیزم شما را وصیت می‌کنم تقوی و پرهیزگاری را پایه و اساس زندگی خود قرار دهید.
- ا ملت مسلمان را وصیت می‌کنم که وحدت کلمه داشته باشید و پیرو مرشد پیرتان امام خمینی باشید و از هم متفرق نشوید.

## نامدار اوحام

### بسم الله الرحمن الرحيم

وصیت نامه تاریخ 1366/12/21

با سلام و درود فراوان به رهبر کبیر انقلاب اسلامی حضرت امام خمینی

نامدار اوحام 66/02307

تا کسی از منبع غیبی الهام و نیرو نیابد محال است که بتواند چنان مقاومت و استقامتی به خرج بدهد و چنان مردمان را تربیت کند که مانند کوه هر نوع عذاب را تحمل کنند و از فکر و عقیده خود دست برندارند. حضرت محمد (6) در اثر تفکرات فراوان و مشاهده فسادى که در ارکان مذاهب رخنه کرده بود و از طرفی هم صحبتی با یهودیان و مسیحیان و زرتشتیان او را قانع نمی کرد، انزوا گزید، تا سرانجام اولین آیه قرآن به نام «أَفْرَأَ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ خَلْقَ الْإِنْسَانِ مِنْ عَلَقٍ»<sup>1</sup> «بخوان به نام پروردگارت که انسان را از خون بسته آفریده» در کوه حرا به او نازل شده و به پیامبری برانگیخته شد. دنباله این هدف مقدس را علی (7) دنبال کرد که به زخم شمشیر ابن ملجم مرادی<sup>2</sup> در محراب خون پاکش به زمین ریخت پس از او حسن (7) و حسین (7) راه پدر و جد بزرگوارشان را دنبال کردند. اما یکی با زهر معاویه<sup>3</sup> و دیگری در میدان جنگ و نبرد نابرابر در مقابل سپاه یزید به شهادت رسیدند و با شهادت خویش فصلی درخشان در تاریخ اسلام بوجود آوردند. امام موسی در زندان هارون الرشید بدرود حیات گفتند و حضرت امام علی ابن موسی الرضا (7) به زهر مأمون فرزند هارون شهید شدند. بقیه امامان هم به قدر قدرتشان در راه احیای اسلام کوشیدند و شربت شهادت را نوشیدند. تاریخ اسلام و خط ولایت فقیه گاهی فراز داشته و گاه نشیب و اکنون که پس از هزار و چهارصد سال می رود تا اصول فقه حکومت علی (7) در ایران به رهبری نوح دوم ما حضرت امام خمینی که داشت به فراموشی کشیده می شد، احیا شود.

1- علق/2-1.

2- ر.ک. تعلیقات.

3- ر.ک. تعلیقات.

پدر، برادران، خواهران، همسر و فرزندانم اکنون که خداوند مهربان و خالق جهان هستی به ما توفیق عطا فرموده تا در رکاب خمینی کبیر با دشمنان اسلام بجنگم و اگر خدا توفیق شهادت را نصیب کند و به شهادت برسم، شما را به خون پاک حسین (7) قسم می‌دهم که بی‌صبری و بی‌قراری نکنید و همیشه یار و پشتیبان ولایت فقیه باشید و مقید به انجام واجبات و ترک محرمات باشید.

فرزندان عزیزم شما را وصیت می‌کنم که در راه کسب علم و دانش کوشا باشید و تقوی و پرهیزگاری را پایه و اساس زندگی خود قرار دهید و از ولایت خمینی حمایت کنید و با مادر دلسوز و مهربانتان با مهربانی رفتار کنید و در مشکلات زندگی یار و یاور مادر مهربانتان باشید که منجی عالیقدر بشریت حضرت محمدبن‌عبدالله (6) می‌فرمایند: «بهشت زیر پای مادران است» و به این گفته حضرت محمد رسول خدا عمل کنید و موجب آزار و اذیت مادران را فراهم نکنید.

به همسر عزیزم وصیت می‌کنم که چنانچه در دوران زندگی پرمشقت‌مان خطایی از ما دیده و موجب ناراحتی ایشان شده‌ام مرا به لطف خود عفو نموده و ببخشایند و از اینکه بار سنگین خانواده و سرپرستی بچه‌ها به عهده او سپرده می‌شود به نحو احسن از آنها سرپرستی کنید و در راه ارزش‌های اسلامی و مکتبی رشد کنید، کوشا باشید. و در پایان ملت مسلمان را وصیت می‌کنم که وحدت کلمه داشته باشید و پیرو مرشد پیرتان امام خمینی باشید و از هم متفرق نشوید. با عرض معذرت و پوزش از نارسائی قلم. فرصت کم و وقت اندک. با سلام و دعای خیر.

نامدار اوحام

تاریخ 1366/12/21

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

تاریخ ۲۱، ۱۲، ۱۳۴۶

وحدت نامه

با سلام و درود فراوان به نهضت کبیر انقلاب اسلام حضرت امام خمینی

نامدار اوحام ۲۶/۰۲۳۰۷

تا کجا از منبع عجب الهام و نیرو نیاید محال است که بتواند جهان سخاوت و استقامت بفرم

بدهد و چنان مودت را تربیت کند که مانند کوه هر نوع عذاب را تحمل کند و از فکر و محکمه خود

دست برنهد و حضرت مهدی (عج) در نشر تفکرات و اولاد و مشاهده فایده در ایمان مذهب

رحمة کرده بود و از طرف هم بعضی با یهودیان و مسیحیان و زرتشتیان او را قانع می کردند و او

گرمینا سرانجام او این آیه قرآن بنام اقراء باسم ربک الذی خلق خلق الالاس من لعلق

بخوان بنام پروردگارت که انسانی را از خون بست آورده در کوه فراوان او نازل شده و به پیامبر

برانگیخته شد و بنام این هدف سخن را علی (ع) دنبال کرد که به زخم شمشیر این علم مراد می

در جواب خون پاکش بر زمین ریخت پس از او حسن (ع) و حسین (ع) را به در وجود

بزرگواران و ادبانی که در این راه زجرها و بیگانه‌ها را دیده‌اند و در مقابل سب و  
 بی‌شکوهی شهادت را پذیرفته‌اند و شهادت فریضه‌ای در راه تاریخ اسلام بوجود آورده‌اند، ام‌سوی  
 عزیزان ما را در این راه بدرستی هدایت کنند و حضرت ام‌سوی ما را در این راه بدرستی هدایت کنند  
 محکم شده بقیه ما را هم به قدر قدرتشان در راه اعیان اسلام کوشیده و شهادت را  
 نوشیده، تاریخ اسلام و خط ولایت فقیه کاهن فراز داشته و ماه سب و آنگون که سب از هزار  
 چهار صد سال می‌رود تا امروز همه حکومت علی‌رضی در این راه به جری نوح روم با حضرت ام  
 عینی که داشت به فداکاری شد، همه اعیان خود پدر برادر و خواهران و همسر و فرزندان آنگون  
 که خداوند مهربان و خالق جهان هستی به ما توفیق نگاه فرموده تا در این راه ضعیف کبر با دشمنی  
 اسلام بجنگیم و اگر خدا توفیق بدارد را نصیب کند و به شهادت برسیم شایسته خون پاک حسین  
 قسم می‌دهم که بی‌مهری و بی‌انگیزگی و حیثیت یار و پستان ولایت فقیه باشیم و

مختار: انعام و انبیاء و بزرگ سعادت باشید و  
وزیران عزیزم شایسته و کرامت و کرم که در راه کتب علم و دانش بگوشاید و تسبیح و تضرع و تضرع

سازید و اساس زندگی روزگار معی و از ولایت خیر است کنید  
و به سادگی و سوز و محبتان با هم درین راه بکنید و در مشکلات زندگی با توفیق و مکر و مهربانی  
باشید که منی مایه قدر بشریت حقیقت هم بر عدالت (من) فرومایه بخشش ازین  
مادان است و بهین گفته حقیقت هم در سوزند که عمل کند و موجب آرزو و ازیت مادان با  
نظام کنید

بهمه عزیزم و کرم که خیالی در دوران زندگ بر مشقت مان صفا را میدید و  
موجب ناراضی اینان تمام مراد با لطف خود عنون فرمود و بیعت کرد و از اینک با ستمین خانواده

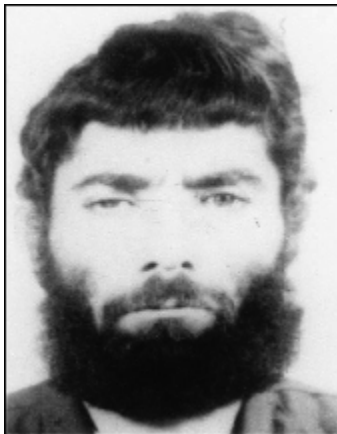
در سرپرستی بیخدا او مردمان شود بدینو اسیر از اینها سرسری کنید و راه از زندگان

اسلام و کشتی رفته گفته گوشه باشید در میان ملت هم در راه کتب و کرم که در وقت

کم داشته بیکه و بیرون سر کشته بفرمان نام غیبی بگید و از هم حقوق بشوید  
به عرض معذرت و بیزارگی از کارهای نام فرجه کرم و وقت است با سلام و دران

خیر  
تاریخ ۱۳۶۴، ۳، ۲۱  
نامدار اوجام

نام: رستم  
نام خانوادگی: ایملگی  
نام پدر: شیخ حسین  
نام مادر: مروارید  
تاریخ تولد: دهم فروردین 1339  
محل تولد: روستای باولگ از توابع  
شهرستان مهران  
تحصیلات: بیسواد  
ارگان اعزام کننده: بسیج  
تاریخ شهادت: چهاردهم مرداد 1362  
محل شهادت: کله قندی  
نحوه شهادت: اصابت ترکش  
مزار: بخش صالح آباد شهرستان زادگاهش



## عبارت های کلیدی

- ۱ هر فرد مسلمان باید از جمهوری اسلامی دفاع کند.
- ۱ شما هم باید زینب وار به زندگی ادامه دهید.

## رستم ایمگی

### بسم الله الرحمن الرحيم

از طرف برادر رستم ایمگی «وصیت نامه». من به خانواده خودم سلام می‌رسانم.<sup>1</sup> برادر عزیز شما مسئول هستید اگر قرض<sup>2</sup> کسی پهلوی ما باشد، شما باید او را پرداخت<sup>3</sup> کنید. از قول بنده<sup>4</sup> به همسر سلام فراوان می‌رسانم. [و] همسر اگر من شهید شدم، شما ناراحت نباشید، چون هر فرد مسلمان باید از<sup>5</sup> جمهوری اسلامی دفاع کند و شما هم باید زینب‌وار<sup>6</sup> [به] زندگی ادامه دهید. از قول بنده<sup>7</sup> به فرزندم علی رضا ایمگی و علی آقا و حیاط ایمگی و علی محمد ایمگی سلام من را به همه<sup>8</sup> آنها برسان و در پایان، برادر جان چون شما سرپرست خانواده‌ای را<sup>9</sup> بر عهده<sup>10</sup> داری مسئول هستید<sup>11</sup> که بچه‌های من را حمایت کنید. «والسلام علیکم بر<sup>12</sup> خانواده خودم»

رستم ایمگی

- 
- 1- در اصل وصیت «سلام من از خانواده خودم می‌رسانم».
  - 2- در اصل وصیت «قرضی».
  - 3- در اصل وصیت «پرزار».
  - 4- در اصل وصیت «بنده».
  - 5- در اصل وصیت «در».
  - 6- در اصل وصیت «مانند زینب‌وار».
  - 7- در اصل وصیت «بنده».
  - 8- در اصل وصیت «سلام من از همه».
  - 9- در اصل وصیت «خانواده ایرا».
  - 10- در اصل وصیت «برآهد».
  - 11- در اصل وصیت «مئول هستم».
  - 12- در اصل وصیت «از».



بسمه تعالی

**وصیتنامه**

مرکز اسناد ایثارگران

این وصیتنامهها انسان را می نورزند و انبیا میدان میکنند.

(امام خمینی)

---

برادر بزرگوارم و دوست من بودم و در نوشتن وصیتنامه خود را به شما سپردم و در این وصیتنامه خود را به شما سپردم و در این وصیتنامه خود را به شما سپردم.

از طرف برادر ارجمندم **علی بیگلری** سلام من از شما فرزاده خودم

می رسانم برادر عزیزم مثل همیشه اگر قومی منی

بوده و من را از شما باید در امری از خودم از قول بند

دستم منم سلام برادر عزیزم و منم از منم

شما ناراحت نباشید چون منم از شما باید در حضور

اسلام دفاع کند و منم از شما باید در حضور

ادامه دهید از قول منم از شما باید در حضور

و احیای ایمل و علی محمد ایمل سلام من از شما ایمل

و در پایان برادر منم از شما ایمل

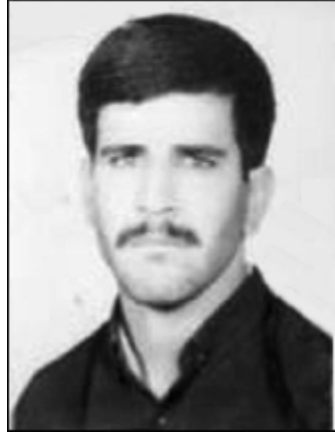
دارم مثل همیشه از شما ایمل

و سلام علیکم از شما ایمل

میتوانید ریشتم و در استفاده شما

سدر لطفاً وصیت نامه را داخل پاکت گذاشته و حقوق و جویز روایتی بی جنبه

نام: محمد کریم  
نام خانوادگی: بابایی ملکان  
نام پدر: احمد  
نام مادر: عصمت  
تاریخ تولد: بیست و هفتم فروردین 1351  
محل تولد: روستای محمودآباد از توابع  
شهرستان ایلام  
تحصیلات: دیپلم  
ارگان اعزام کننده: نیروی انتظامی  
تاریخ شهادت: پانزدهم اسفند 1379  
محل شهادت: میمک  
نحوه شهادت: انفجار مین  
مزار: بخش صالح آباد شهرستان مهران



## عبارت های کلیدی

- ۱ روزی [بیاید که] به امید خداوند به بزرگترین آرزویم یعنی شهادت برسم و در میان شما نباشم.
- خواهشم این است که در غیابم ناراحت نشوید.
- ۱ خواهران گرامیم قدر پدر و مادرم را بدانید.
- ۱ امیدوارم در تمام مراحل زندگی با پاکدامنی و آبرومندانه رو سفید باشید.
- ۱ به وظیفه شرعی خودتان پایبند باشید و قدر این آب و خاک را بدانید.
- ۱ لبخند بزنید، خنده بر هر درد و غمی دواست.

## محمد کریم بابایی ملکان

## بسم الله الرحمن الرحيم

مادر عزیزم سلام و از درگاه خداوند بزرگ و تعالی سلامتی شما را خواستارم که به یاری خداوند و محبت‌های شما توانستم لباس مقدس [سربازی]<sup>1</sup> صاحب الزمان<sup>2</sup> را در تن خود جویا شوم.<sup>3</sup> هر چند هر چه دارم از شما دارم، اما این وصیت‌نامه را می‌نویسم که روزی به امید خداوند به بزرگترین آرزویم یعنی شهادت برسم و در میان شما نباشم. خواهشم این است که در غیابم ناراحت نشوید<sup>4</sup> و خوشحال باشید که فرزندان به آرزوی شما رسیده. خواهران گرامیم سلام. نصیحت‌های برادران را فراموش نکنید. قدر پدر و مادرم را بدانید. امیدوارم در تمام مراحل زندگی با پاکدامنی و آبرومندانه روسفید باشید، و برادران بزرگوار، سلام مراقبت از پدر و مادر و خواهر به‌عهده هر برادری است. پس به وظیفه شرعی خودتان پایبند باشید و قدر این آب و خاک را بدانید. امیدوارم که نصیحت‌هایم را فراموش نکنید و اگر روزی بر سر مزارم آمدید خوشحال باشید، که من هم خوشحال باشم لبخند بزنید، خنده بر هر درد و غمی دواست.

## التماس دعا

محمد کریم بابایی ملکان<sup>5</sup>

1- در اصل وصیت «سربازی» افتاده است.

2- در اصل وصیت «الصاحب الزمان».

3- در اصل وصیت «شدم».

4- در اصل وصیت «شوید».

5- در اصل وصیت «ملکیان» اما در فرهنگ اعلام شهدای استان ایلام ملکان قید شده است.

### بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سلام عرض کنم سلامت و از درگاه خداوند بزرگ و تعالی تسلطی  
 شما را خواستارم که بیاری خداوند و محبتهای شما ترا ضمیمه لباس مقدس  
 للعجب الزمان را در تن خود جو یا بشدم هر چند هر چه دارم از شما  
 دارم اما این وصیت نامه را می نویسم که معنی به امید خداوند بزرگترین  
 آرزویم یعنی شهادت بر رسم و در میان شما فاش کنم خواهش می این است  
 که در فیایم ناراحت نشدید و خوشحال باشید که فرزندان به آرزوی رسیدن  
 خواهند که ایسم سلامت نصیحتهای برادران را فراموش نکنید قدر پرورد  
 مادرم را بداند میدارم در تمام مراحل زندگی با او کلامی را بگویند از روی سفید  
 باشید و برادران بزرگوار اسلام را بطلب از پدر و مادر و خواهر بریده هر برادری  
 است پس به وطنه شری خودتان یاغید باشید و قدر این آب و خاک را جانید  
 امیدوارم که نصیحتهایم را فراموش نکنید و آن روزی بر سره زارم که می آید  
 خوشحال باشید که من هم خوشحال باشم بکنند نیند که چینه بر در دروغ است  
 التماس دعا محمد کریم بابایی ملکان

نام: سلمان  
نام خانوادگی: بارانی  
نام پدر: غضبان  
نام مادر: خاتون  
تاریخ تولد: ششم تیر 1345  
محل تولد: شهرستان مهران  
تحصیلات: پایان دوره ابتدایی  
ارگان اعزام کننده: بسیج  
تاریخ شهادت: بیست و نهم خرداد 1367  
محل شهادت: زادگاهش  
نحوه شهادت: اصابت ترکش بمباران هوایی  
مزار: گلزار شهدای بخش صالح آباد از  
توابع همان شهرستان



## عبارت‌های کلیدی

- ۱ سپاس خدایی را که به ما توفیق شرکت در جبهه [را] عنایت نمود، تا هم‌دوش با فرزندان امت اسلامی به ندای مظلومیت حسین (7) عزیز لبیک گوئیم.
- ۱ بارالها، تو را حمد و ثنا که خلعت گرانبهای شهادت را که بر تن ابرمرد حماسه و قیام حسین بن علی (7) [بود] زینده قامت ما نمودی.
- ۱ من خود نیز با شناخت کامل و بنا به وظیفه و مسئولیت خطیر دفاع از میهن اسلامی این طریق را انتخاب نمودم.
- ۱ بر همه ما تکلیف است که به ندای امام عزیز لبیک گوئیم.
- ۱ امام عزیز را تنها نگذارید.
- ۱ خواهرانم - زینب (3) را الگوی خود قرار دهید و صبر و شکیبایی داشته باشید.

## سلمان بارانی<sup>1</sup>

### بسم الله الرحمن الرحيم

«شهدان لاله الله و اشهد انّ محمداً رسول الله و اشهد انّ علياً ولي الله»

سلام بر مهدی (عج الله) آخرین ذخیره الهی و منتظرانش، سلام بر خمینی نام همیشه محبوب قلبها و قرن‌ها و یارانش.

سپاس خدایی را که به ما توفیق شرکت در جبهه [را] عنایت نمود، تا هم‌دوش با فرزندان امت اسلامی به ندای مظلومیت حسین (7) عزیز لبیک گوئیم.<sup>2</sup>

خداوندا، تو را سپاس که علم خونین بزرگ پرچمدار توحید، مولای متقیان را زینت بخش جامعه اسلامی ما نمودی. بارالها، تو را حمد و ثنا<sup>3</sup> که خلعت گرانبهای شهادت را که بر تن ابرمرد حماسه و قیام حسین بن علی (7) [بود] زینده قامت ما نمودی.

برادرانم، من خود نیز با شناخت کامل و بنا به وظیفه و مسئولیت خطیر دفاع از میهن اسلامی این طریق را انتخاب نمودم و اکنون که خصم ذبون با همه امکانات پا به عرصه ستیز نهاده، بر همه ما تکلیف است که به ندای امام عزیز لبیک گوئیم و با حضور در میادین نبرد با دشمن که جز زبان [زور]<sup>4</sup> نمی فهمند، هجوم آوریم و و مجال فرصت [به او] ندهیم. مواظب کارهایتان باشید. مبدا دل امام زمان را به درد آورید. امام عزیز را تنها نگذارید.

خواهرانم - زینب (3) را الگوی خود قرار دهید و صبر و شکیبایی داشته باشید، در پایان از همه برادران و خواهران اقوام و دوستان تمنا دارم که این بنده حقیر را حلال<sup>5</sup> نمایید.

1- در بالای برگ وصیت‌نامه یادآور شده‌اند «قسمتی از وصیت‌نامه پاسدار شهید اسلام، شهید سلمان بارانی».

2- در اصل وصیت «گوئیم».

3- در اصل وصیت «ثنای».

4- در اصل وصیت واژه «زور» افتاده است.

5- در اصل وصیت «حلالیت».

### بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

هستی از وصیت نامه پادشاه رشید اسلام تقی میرسلطان پادشاه  
اعتماد لاله الا الله و الله ان محمد بن رسول الله و ان محمد بن عبد الله  
سلام بر مهدی روح آفرین ذخیره امر مستطابین.

سلام بر عصی نام محمد محمودی و قرنها و باران  
میان خدایان که با توفیق شرکت در بهر عنایت سرور ناصر بن با  
نزدان امت اسلامی بندهای مظلومیت میان عزیز لیک گویشم.

خداوند استوار یاس که علمه من بین جزرگ بر عید توفیق و ولای مستعان را  
نویز بخش جامعه اسلام نمودی. با لفظ تو را احد و یسای که خلعت  
کرانهای سخاوت را از تن بر مرد عامه و قیام حسین بن علی روح  
بر بیدار قامت مانوریدی.

بارداری من خود نیز با شناخت کامل و بنابه و نلیقه و مستولیت نظیر در  
انرا مین انگلا این طریق را استعاره نمودم و احکون که خصم دین با همه امکانات  
یا به هر چه که مستیز خادای بر همه ما تکذیب است که بندهای امام عزیز لیک  
گویشم و با حضور میادین بنبرد ما دشمن که بنزبان نسی محمد هجوم آوریم و

مجال فرصت نسیم.

مواظب کارهایتان باشید ما دایم اسامی زبان را به یاد آورید.

اسامی عزیز را تقاضا می‌کنیم.

خواهران - زلال - العزیزین خود را در سید و سبزوکی‌ها داشته باشید.

همایان از همه برادران و خواهران - اقوام و دوستان شما داریم که

این بند را همواره ملائمت نمایند



نام: علی  
نام خانوادگی: بارانی  
نام پدر: عزیزبیگ  
نام مادر: خدیجه  
تاریخ تولد: دهم تیر 1337  
محل تولد: روستای چالسرا از توابع شهرستان ایلام  
تحصیلات: پایان دوره ابتدایی  
ارگان اعزام کننده: سپاه  
تاریخ شهادت: هفتم مهر 1366  
محل شهادت: شهرستان مهران  
نحوه شهادت: اصابت ترکش  
مزار: بخش صالح آباد از توابع شهرستان مهران



## عبارت‌های کلیدی

- ۱ | جهاد در راه خدا شیوه انبیا و مسلمین است.
- ۱ | زمین همواره میدان نبرد حق و باطل است.
- ۱ | تا استمرار حکومت جهانی حضرت امام زمان (عج الله) که منجر به نابودی عوامل شرک و کفر و نفاق است، مبارزه لازم است.
- ۱ | همواره در مسیر انقلاب چون کوه استوار بمانید.
- ۱ | وصیت من به شما این است که لحظه ای از زندگیتان امام خمینی را تنها نگذارید.
- ۱ | تا نابودی دشمنان اسلام مبارزه [را] ادامه دهید.
- ۱ | مانند دیگر شهیدان به ندای «هل من ناصر ینصرنی» حسین (7) که از حلقوم فرزندش خمینی کبیر سر می زند پاسخ بگویید.

## علی بارانی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

«وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّىٰ لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ فَإِنِ انْتَهَوْا فَإِنَّ اللَّهَ بِمَا يَعْمَلُونَ بَصِيرٌ»  
(انفال / 39)

«ای مؤمنین با کافران جهاد کنید که در زمین فتنه و فسادى دیگر باقى نماند و آیین همه دین خدا گردد. و چنانچه دست از کفر کشیدند خدا به عملشان بصیر و آگاه است.»  
به‌درستی که جهاد در راه خدا شیوه انبیا و مسلمین است و زمین همواره میدان نبرد حق و باطل است و تا استمرار حکومت جهانی حضرت امام زمان (عج‌الله) که منجر به نابودى عوامل شرک و کفر و نفاق است، مبارزه لازم است خوشا به‌حال مبارزان راه حق خصوصاً حاضران صحنه پیکار حق، در محضر آن یگانه منجى عالم بشریت که شاهد استمرار حکومت حضرت مهدى (عج) هستند.»

قسمتى از وصیت‌نامه شهید علی بارانى فرزند عزیز بیگ ساکن چالسرا حومه ایلام با درود به پیشگاه امام زمان و نائب برحقش حضرت امام خمینی و شهدای اسلام از هابیل<sup>1</sup> تا امام حسین (7) و شهدای جنگ تحمیلی. وصیتم را با ذکر آیه قرآن مجید آغاز می‌کنم. «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ وَاغْلُظْ عَلَيْهِمْ وَمَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَبئسَ الْمَصِيرُ»<sup>2</sup>  
من کوچکتر از آنم که در باب جهاد و امام و ارزش‌های انقلاب سخن بگویم و لیکن وضعیتم اقتضا می‌کند تا چند جمله‌ای به‌عنوان وصیت‌نامه بنویسم تا اگر در این دفاع مقدس شهید شدم، خوانده شود.

حمد و سپاس خدای را که حیات و ممات به‌دست اوست. همیشه به فکر هدایت ما، به صراط مستقیم است.

1- ر.ک. تعلیقات.

2- توبه/ 73. ترجمه: «ای پیامبر با کافران و منافقان جهاد و مبارزه کن بر آنها بسیار سخت‌گیر مسکن آنها دوزخ است که بسیار بد منزلگاهی خواهد بود.»

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيُبْلُوَكُمْ أَئِنَّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا»<sup>1</sup> همواره در مسیر

رودخانه انقلاب چون کوه استوار مقاوم بمانید.

به<sup>2</sup> پدر و مادر فرزند و همسر و خواهر و برادران و هم‌زمان و آشنایان سلام می‌رسانم و امیدوارم مراببخشند و حلالم کنند. از پدر و مادرم مصرانه تقاضا دارم در مقابل زحماتم مرا ببخشند. من که در زندگی به آنها چندان خدمتی نکرده‌ام، شاید مرگم موجب نیک‌نامی و افتخار آنها بشود. از آنها انتظار دارم دختر خردسالم را طوری نوازش کنند که احساس یتیمی نکند و برادرانم در تعلیم و تربیت و تحصیل او به موقع اقدام کنند. هم‌چنین از پدر و مادر پیرم بیشتر حمایت کنند. مجدداً از دوستان و برادران و آشنایان می‌خواهم مرا ببخشند و حلالم نمایند که انشاءالله همه مورد عفو و بخشش خداوند قرار بگیرند. وصیت من به شما این است که لحظه‌ای از زندگیتان امام خمینی را تنها نگذارید - فرمانش را اجرا نمایید<sup>3</sup>. تا نابودی دشمنان اسلام مبارزه را ادامه دهید. مانند دیگر شهیدان به ندای «هل من ناصر ینصرنی»<sup>4</sup> حسین (7) که از حلقوم فرزندش خمینی کبیر سر می‌زند پاسخ بگویید.<sup>5</sup>

1- ملک/2. ترجمه: «به خدایی که مرگ و زندگی را آفرید که شما بندگان را بیازماید تا کدام نیکوکارتر است و او مقتدر و آمرزنده (گناه بندگان) است».

2- در اصل وصیت «از».

3- در اصل وصیت «نمائید».

4- ر.ک. تعلیقات.

5- در اصل وصیت «بگوئید». ضمناً صحت وصیت‌نامه شهید علی بارانی با این عبارت از سوی برادرش تأیید و امضاء شده است «بسمه تعالی، اینجانب سعید بارانی برادر شهید علی بارانی تأیید می‌نمایم که وصیت‌نامه مذکور مربوط به شهید علی بارانی می‌باشد».

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
 وَذُكِّرْتُمْ حَتَّى لَا تُلَاقُوا فِتْنَةً فَتُنْكِرُوا لَوْلَا ذَلِكَ لَفَسَدَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ وَالنَّاسُ وَبَارِحُوا فِيهَا لَوْلَا أَنْزَلْنَا عَلَيْكُمُ الْحَقَّ لَكُنْتُمْ مِنَ الْخَاسِرِينَ  
 ای مؤمنین! با افراد مجاد کنید که در زمین فتنه و فساد را درگذاشتند و بگریزیدند  
 همه دین خدا گردید و دنیا بجز دست درگرفتگی شد خدای اعانتان نصیر و نگاه است  
 برکتی که جاد کرده خدا صیوة انبیاء و مسلمین است و زمین هر چه میدانید بخرد و بدهد  
 و تا استمرار حکومت شما حضرت امام زمان (عج) که بجز ناپویی حاصل شرک و کفر و فتنای است مبارکند  
 خصوصاً حال میانان را حق حصصاً صراحتاً بفرمایید در کفر و ایمان و کلامی عام بشریت که شاهه  
 استمرار حکومت حضرت امام زمان (عج) است  
 قتی از دنیا بگریزید و فرزندان عزیزان را  
 باد دعوت و اسما را و نام بر حضرت امام زین و شکار سلام از جابلی تا امام حسین و شکار حیات  
 وصیت و یاد در کتب قرآن مجید آغازی کنیم یا ایها النبوی خلیفه و الخلیف و اولادنا فطین و اعطی علیهم  
 و اسما و الصغیر و بشی السیر من کویله زانم که در باب مجاد و امام و از شما انقلب  
 سخن بگویم و لیکن وضعیتم افضل من کتب تا حیدر جدار نصیر و صیفا هم بگویم تا شد این ذریع منکر  
 صیفا هم خوانده شود هر دو یک بر خدای را که حیا و عفت است پیرم بفرموده ما به هر مسلم است  
 الورد لله الذی خلق الموتی الحیات و لیسئلکم انکم احسن عملاً : هر چه در میان است  
 چون که بگویم و بگویم با نیک و از پیر و سرگشته و گریان و همزبان و آشنایان سوم برنام اسیران را یعنی  
 و حلال کند و پیر و برادر و معتزله تقاضای سلام در صیفا زحمت را بجا بیاورد من که در دنیا و آخرت  
 خدمت می کردیم تا پیر که موجب نیکبختی و دنیا را که نبود از آن استقامت دارم و خیر خواهم را هر چه از شما  
 بجهت کند و بگذارد و تعلیم و تربیت و تعلیم او بیخود است که همی از پیر و برادر بزم بشریت کند محمد (ص)  
 و برادران و آشنایان بفرمایم مرا بخند و حلال نماید که است و الله همه مرد عفو و بخشش جلوه قرآن  
 صیفا هم شما این است که لحظه از زندگیشان امام محمدی را تریا بگذرد و فراموشی آنرا  
 تا نابودی و ششای سلام مبارک از راه رهبر مانند لکر محمدی به ندای کل بین ناصرا نصیرین حسین که



نام: پرویز  
نام خانوادگی: باقری  
نام پدر: اسماعیل  
نام مادر: والیه  
تاریخ تولد: دوم تیر 1330  
محل تولد: روستای جان جان از توابع شهرستان  
شیروان و چرداول  
تحصیلات: پایان دوره ابتدایی  
ارگان اعزام کننده: بسیج  
تاریخ شهادت: هفتم آذر 1366  
محل شهادت: گیلانغرب  
نحوه شهادت: اصابت ترکش  
مزار: گلزار شهدای زادگاهش



## عبارت‌های کلیدی

- ا من با خدا معامله می‌کنم.
- ا در این مدت دراز که در جبهه بوده‌ام شاهدیم که چگونه امدادهای غیبی رزمندگان اسلام را کمک می‌کند.
- ا به حقانیت دفاع رزمندگان اسلام ایمان دارم.
- ا برای بدن و جان بی‌قابلم در راه خدا و اسلام عزیز کوتاهی ندارم.
- ا با امام عزیز پیمان بسته‌ام که ای امام عزیز آنقدر در این سنگر می‌مانم تا بدنم تکه‌تکه شود و بر تکه‌های بدنم غنچه بروید.
- ا از حمایت خود از رهبری پیامبرگونه امام امت کوتاهی نوزید.
- ا او حق است و هر کس که در راه او نباشد در راه کفر و نفاق است.
- ا مادرم اکنون با قلبی سرشار از علاقه به تو خاک پایت را می‌بوسم.
- ا مبدا از یاد خدا غافل شوی که بهترین پناهگاه فقط اوست و بر او توکل کن.

## پرویز باقری

### بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

«وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قَاتَلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزُقُونَ»<sup>۱</sup>

«کسانی که در راه خدا کشته می‌شوند مرده نپندارید بلکه زنده هستند و نزد خداوند روزی می‌خورند».

مادر گرامیم، همسر و فرزندان دلبندم: با عرض سلام به پیشگاه امام زمان (عج الله) و رهبر محبوبم امام خمینی و درود بر دیگر مسئولان نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران. اکنون که این نوشته را برای شما می‌نگارم در حالی هستم [که] دشمن تا دندان مسلح با چنگال‌های آغشته به خون جوانان و عزیزان این مملکت انقلابی و دیار اسلام آماده ضربه زدن بر پیکر انقلاب اسلامی است تا بدینوسیله جیره خود را از اربابان غربی و شرقی خود بگیرد. مادرم خدا می‌داند که در دلم جای داری و در حالی که هنوز نتوانسته‌ام فرزند لایقی برای تو باشم از هر کاری برای بهبود وضعیت زندگی و رفاهی و آسایش شما کوتاهی نکردم، اکنون با قلبی سرشار از علاقه به تو، خاک پایت را می‌بوسم و بر آن پیکر پیرت که برای رشد من و برادرانم بدین‌صورت درآمده است سلام عرض می‌کنم. حال که به فرمان رهبرم آن پدر فرزانه که بهترین فرزند خود را برای اسلام و انقلاب اسلامی تقدیم نمود، به جبهه‌های حق علیه باطل آمده‌ام (مادرم) خود را به خدای واحد رحمان و منان سپرده‌ام و از او می‌خواهم تا مرا عفو نموده و پیکر ناقابل را در راه خدا و احیاء دین اسلام پذیرا باشد تا هم دینم را به رهبر عزیزم، پدر مهربانم، امام خمینی کبیر ادا نمایم و از طرف دیگر قطره‌ای باشم از خیل پویندگان راه حقیقت. مادرم، می‌دانم که فرزندت را دوست داری و داغ پسر از دست دادن بسیار سخت و جگرسوز است اما از تو می‌خواهم که بر مرگ شیون نکنی زیرا که خون من از خون فرزند حضرت زهرا (س) امام حسین (ع) رنگین‌تر نیست و در عوض برای طول عمر همراه با برکت برای امام خمینی دامت افاضاته دعا نمائید. همسر، مادر فرزندانم، شریک زندگیم، آنکه با مشکلاتم ساختی در حالی که بار فقر

کمر خانواده‌ام را خم کرده بود، حال در جبهه هستم و به فرمان رهبرم آماده دفاع از کیان مقدس جمهوری اسلامی و انقلاب اسلامی هستم همانند سال‌های گذشته دفاع مقدس بعد از جبهه‌های ایلام، کردستان، خوزستان و حال گیلانغرب با تمام ایمان قلبی و با علاقه‌ای که به شما و فرزندانم دارم و با آن که می‌دانم فرزندانم به‌خصوص دخترانم منتظر آمدنم خواهند بود و با پیاده شدن هر مسافری از ماشین انتظار پدر به سفر رفته‌شان را دارند آنها و شما را و خودم را به خدا می‌سپارم و از خدا می‌خواهم که بعد از گذشت نزدیک به حدود هفت سال حضور در جبهه توفیق شهادت و قربت و نزدیکی جوار رحمتش را به من عطا فرماید تا بدین وسیله با قطرات خون بی‌قابلم درخت انقلاب اسلامی را آبیاری نمایم.

همسرم، نکند که بر مرگم شیون و ضجه کنی اگر ناراحت شدی در آن هنگام به حال پریشان حضرت زینب (3) گریه کن که در آن صحرا بهترین گل‌های باغ نبوت را در راه خدا هدیه به اسلام نمود. از تو می‌خواهم که اگر خواستی بمانی فرزندانم را با دین اسلام و عشق و علاقه به انقلاب اسلامی و رهبری الهی‌گونه و پیامبروار امام خمینی تربیت کنی.

در پایان دستهایم را به<sup>1</sup> طرف بالا گرفته و با صمیم قلب از خداوند متعال این دعا را تکرار می‌کنم و از شما می‌خواهم در هر حال آنرا فراموش نکنید.  
خدایا، خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگهدار.

در پایان از جانبم روی فرزندانم را ببوس و با آنها طوری رفتار کن که احساس یتیمی نکنند. روح‌اله جان که در هنگام ورود امام به ایران به دنیا آمده‌ای امیدوارم که همیشه رهرو روح‌الله بت‌شکن باشی.

#### خداحافظ

پدرتان پرویز باقری<sup>2</sup>

1- در اصل وصیت «بر».

2- شهید در بالای صفحات دوم تا چهارم وصیت به ترتیب نوشته است: «دعای خیر برای طول عمر امام را هرگز فراموش نکنید زیرا او بالاترین و بهترین پناهگاه و یاور محرومان و ایتم است»، «جانم فدای رهبر»، «مادرم، همسرم و همگی فرزندانم دوستان دارم»، «امیدوارم که فرزندی صالح باشید» و «تنها وارثان من شما هستید».



## [وصیت‌نامه‌ای دیگر]

بسم الله الرحمن الرحيم

«وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قَتَلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزُقُونَ»<sup>1</sup>

سلام بر رهبر عزیز امام خمینی طول عمر همراه با برکت برای ایشان تا انقلاب حضرت مهدی (عج)

مادر مهربانم، همسر و فرزندان عزیزم اکنون که بعد از چند سال که از دفاع مقدس ملت مسلمان ایران به رهبری امام عزیز در برابر تهاجم سرسپردگان عراقی به میهن اسلامیمان<sup>2</sup> که برای نابودی انقلاب اسلامی آغاز شده بود، می‌گذرد. خود شاهد بوده‌اید که لحظه‌ای از یاد جبهه غافل نبوده‌ام و همراه با برادران دیگرگم احمد و قباد شریفی در جبهه به سر برده‌ام و با لحظات تلخ و شیرین جبهه و رزمندگان اسلام انس گرفته‌ام. حال که بعد از چند روز مرخصی به سوی جبهه برمی‌گردم، با ایمان به خدا و رهبری امام برای لیبک گفتن به صدای حسین زمان برمی‌گردم. مادر جان می‌دانم مشکلات و سختی‌های بسیار برای بزرگ کردن من کشیده‌ای و در دل آرزوی بسیار داری. شاید دیگر تو را زیارت نکنم. امیدوارم به خدای بزرگ توکل کنی و صابرانه از همسر و فرزندانم نگهداری نمایی تا بتوانند سربازانی وفادار برای اسلام باشند. از تو می‌خواهم که زحمت‌های خود و شیرت را حلالم کنید. از خدا می‌خواهم که به تو صبری بزرگ عنایت فرماید. من با خدا معامله می‌کنم، آن هم چه معامله‌ای. خریدن بهشت به بهای اهدای خونم. اما همسر، می‌دانم چشم به راه بازگشت من هستید. به فرزندان نوید بازگشتم [را]<sup>3</sup> می‌دهی اکنون که به جبهه برمی‌گردم شاید آخرین دیدار باشد از تو می‌خواهم زینب‌وار صبر نموده در تربیت فرزندان کوشا باشی و مبادا از یاد خدا غافل شوی که بهترین پناهگاه فقط اوست و بر او توکل کن. من فرمان امام و رهبر جان اسلام را شنیدم و در این مدت دراز که در جبهه بوده‌ام شاهد

1- آل عمران/ 169. «آنان که در راه خدا کشته می‌شوند مرده نپندارید بلکه زنده‌اند و نزد خدایشان روزی می‌خورند».

در اصل وصیت «قتلوا».

2- در اصل وصیت «اسلامیان».

3- در اصل وصیت «را» افتاده است.

که چگونه امدادهای غیبی رزمندگان اسلام را کمک می‌کند و به حقانیت دفاع رزمندگان اسلام ایمان دارم و برای بدن و جان بی‌قابلم در راه خدا و اسلام عزیز کوتاهی ندارم و در پایان با امام عزیز پیمان بسته‌ام که ای امام عزیز آنقدر در این سنگر می‌مانم تا بدنم تکه‌تکه شود و بر تکه‌های بدنم غنچه بروید دیگر در پایان با دیگر برادران هم‌سن و سال خود پیامی دارم که از حمایت خود از رهبری پیامبرگونه امام امت کوتاهی نورزید زیرا او حق است و هر کس که [در] راه او نباشد [در راه] کفر و نفاق است.  
خدایا خدایا تا انقلاب مهدی حتی کنار مهدی (عج‌الله) خمینی را نگه‌دار.

«والسلام»

تاریخ 66/1/1

پرویز باقری



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

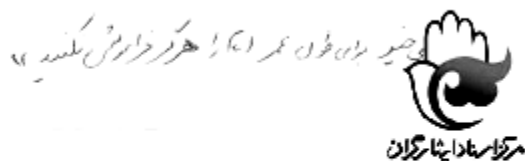
مرکز اسناد و کتابخانه ملی

وَلَا تَحْسِبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْواتًا بَلْ أَعْيَاءٌ مُجْتَدِدِينَ بِكُمْ يَسْرِعُونَ  
لِقائِكُمْ فِي دَرَجَاتٍ خُصِّصَتْ لِمَنْ شَاءَ اللَّهُ يَوْمَ يُنْفَخُ الْأَشْجَارُ عَنْ عُرْوَةِهَا وَمَنْ يَرْجُو

روزى و خود خندد. مادر فرانس، محسن و فرزندان دلشده  
با عرض سگاه پیشگاه انوار کعبه و در حضور محراب امانت و درود بود و تیرم سگاه نهادن که در اسلام  
الذوق که این رشته را برای شما می بخارم و روحی هستم و سخن نادانان مسلح  
با جنتهای آغشته به خون جوانان و فرزندان این مملکت انقلابی و دینار اسلام  
آساده فر به زل بر بیکر انقلاب اسلامی است تا به نرسید چوپان خود را از  
اربابان غوی و شرع خود بگوید

مردم خدای دادند که مردم های داری و هر حال که حضور شماست ام خوزدو لایحه  
لای زرم از همکاری برای بهبود وضعیت زندگی و رفاهی و آب شرب شما کردی

محمد علی  
محمد علی محمد علی محمد علی  
محمد علی محمد علی محمد علی  
محمد علی محمد علی محمد علی



نگردم، اکنون با قلبی سرشار از علاقه به تو خاک پایت رای بوسم و بر آن  
بیکر بیست که برای بند من در برابر تو برینفورست درآمده است سدا عرض کنم  
حال که به قول رستم آن پر هوزانه که بیرون فرزند خود را برای اسلام و انقلاب  
اسلامی تقدیم کرد به جبهه‌های حق علیه باطل آمده‌ام (مادم) خود را به خدای واحد رحیم  
رسان سپرده‌ام و از ارسن خواهم تا تو را مرا غم نوره و دیگر نا قابلم را در راه خدا واجباً  
دین امداد پذیرا باشد تا هم زینم را به رهبر عزیزم پروردگار تقیبنی کبیر ادا نمایم  
و از طرف دیگر قطره‌ای باطم از خیل یونیه گان راه حقیقت  
مادم های دلم که غمزهت را دوست داری و باغ پسران دارک با رحمت و خوروز  
است اما از تو می‌خواهم که در حد ممکن سبک تکلیفی زودا، خون من از



«حاجم زاری رحمت»  
 «صدیق حسنا و حقیقی فرزندانم درستی و ایمان»  
 «در اسناد و ایمان که فرزندانم را معجزه و شکر»  
 «تقدیر و ارادت من و فرزندانم»

را به سر عطا فرساید تا بدینوسیله با قطرات خون بی تمام درخت انقلاب اسلام  
 را آبیاری نمایم و همسرم و کلمه بر سر من استیون و زجه کنی اگر ناراحت شدی  
 در آن هنگام به حال بیرون حضرت زینب رو آورم کن که در آن همرا بهتر  
 مری بیغ نبوت را در راه خدا حقه اسما نمود از نوی خواهم که آخر خاستی بدی  
 فرزندانم را با دین اسما و معنی علاقه به اسباب اسلامی در همی الهی کون و بود و اراده  
 ای که شنیخ تربیت کنی در بیک دستهای موقوف با لاف و در همی قلب  
 از خداوند متعال این دعا را نگراری کنم از شای خواهم در همان آنرا فراموش نگین  
 خدایه خطای تا اسباب مهدی شنیخ را نگهدار

در روز یک از جسم روی فرزندانم را بر یک و آنرا طوری رفتی کنی که احسان بیغی بکنند  
 روح ام جان که در هنگام ورود دنیا با بویان به دنیا آمده ای اسودام همی رهرو روح الهی  
 است شکر من بی خطای خطای  
 بیژان پرویز بگری





بسم الله الرحمن الرحیم شاید آخرین دیدار باشد از تویی خواهم زینست و از صبر میزده  
 مرکز اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران و میاد اریاد و منا نامل شوی که تیرین پناهگاه فقط  
 اوست و نزار توکل کن من فرمان امام رهبران اسلام را شنیدم و در این مدت دراز که در  
 حصار بوده ام شاهدیم که چگونه افرادهای بی زینستگان اسلام را ملک می کشد و بی حقیقت  
 دفاع از زندگان اسلام ایستادام و برای بدن جانمایی تا بلم در راه خدا و اسلام عزیز  
 کوتاهی ندادم و در ایام با امام عزیز پیمان بسته ام که ای امام عزیز آنقدر در این سلا  
 می مانم تا بدستم خنده نده شود و برنده های بدیم غنیمت ببرید و دیگر در این با دیگر برادران هم سوال  
 نمود پیامی دادم که از خاستن خود از رهبری یا سرگونه امام است که تا همی فرود نریزید بر ارض است  
 و هر کس که راه را با شکر کند در فراق و السلام

خدا ای - خدایا تا انقلاب سرخا حق جا رهدی جمنی را بگذار ~~...~~

تاریخ: ۱۳۶۹/۹/۹  
~~...~~

نام: حاجی  
نام خانوادگی: باقری  
نام پدر: مراد  
نام مادر: گل نبات  
تاریخ تولد: هفتم آبان 1348  
محل تولد: روستای جان جان از توابع  
شهرستان شیروان و چرداول  
تحصیلات: پایان دوره راهنمایی  
ارگان اعزام کننده: بسیج  
تاریخ شهادت: هفتم آذر 1366  
محل شهادت: گیلانغرب  
نحوه شهادت: اصابت گلوله  
مزار: گلزار شهدای زادگاهش



## عبارت‌های کلیدی

- ا وصیت‌نامه نوشتن به معنی آن است که خود را برای شهادت در راه خدا آماده کنم.
- ا مرگی که [من] او را انتخاب کرده‌ام، نه او مرا انتخاب کرده باشد.
- ا با نوشتن وصیت‌نامه من خود را اگر لایق باشم، برای دیدار با خدای متعال، آماده می‌سازم.
- ا خود را در این مسیر که صراط‌المستقیم است قرار دهید که در کنار اسلام محفوظ هستید.
- ا ذره‌ای غم و اندوه به خود راه ندهید زیرا کسی که به من زندگی داد اینک جانم را خریده.
- ا اگر توسط دشمن شهید شوم آنگاه احساس آرامش می‌کنم.
- ا خداوند وعده زنده بودن شهیدان را داده است.
- ا هرگز امام را تنها نگذارید که منافقین از این کار شما خوشحال شوند.



## حاجی باقری

### بسم الله الرحمن الرحيم

ای خوشا با فرق خونین در لقای یار رفتن سر جدا پیکر جدا در محفل دلدار رفتن

شاید نوشتن وصیت‌نامه برای نوجوانی مانند من که هنوز عمری و سالی را نگذرانده‌ام مشکل باشد ولی به‌خوبی می‌دانم که وصیت‌نامه نوشتن به معنی آن است که خود را برای شهادت در راه خدا آماده کنم. مرگی با افتخار مرگی که [من]<sup>1</sup> او را انتخاب کرده‌ام. نه او مرا انتخاب کرده باشد. با نوشتن وصیت‌نامه من خود را اگر لایق باشم، برای دیدار با خدای متعال، خداوندی که به من نعمت حیات عطا فرمود آماده می‌سازم. امیدوارم این سلام آخر مرا بپذیرید<sup>2</sup> و راهم را ادامه دهید چون اگر راهم کم راهرو باشد ناراحت می‌شوم. بیایید خود را در این مسیر که صراط‌المستقیم است قرار دهید که در کنار اسلام محفوظ هستید اگر از من ناراحتی داشتید مرا عفو کنید و از خداوند خویش عفو گناهانم را خواستارم. اگر در بین شما نیستم ذره‌ای غم و اندوه به خود راه ندهید زیرا کسی که به من زندگی داد اینک جانم را خریده و من با کمال میل و اشتیاق جانم را تقدیم می‌کنم و به‌سوی او باز می‌گردم که اگر توسط دشمن شهید شوم آنگاه احساس آرامش می‌کنم. زمانی که من در بین شماها نیستم ولی روحم در بین شما هست چون خداوند وعده زنده بودن شهیدان را داده است و من تنها خواهشی که از شما داریم این است که هرگز پشت سر امام را تنها نگذارید که منافقین<sup>3</sup> از این کار شما خوشحال شوند همیشه طول عمر با عزت را از خدای تعالی برای امام خمینی بخواهید.

«والسلام»<sup>4</sup>

1- در اصل وصیت «من» افتاده است.

2- در اصل وصیت «بپذیرد».

3- ر.ک. تعلیقات.

4- در اصل وصیت «و سلام».



شبهه‌نمایی

مرکز اسناد و انتشارات مجلس شورای اسلامی

سرحد آینه‌ها در محفل بلندار رفتن

شاید نوشتن وصیت نامه برای نوجوانان ما نغمه‌ای که هنوز محرمی و سالی را نگذرانده‌ام

شکل باشد و می‌تواند برای من دایم که وصیت نوشتن به معنی آن است که خود را برای

شهادت در راه خدا آماده کنم هرگز با اقتضای مرگ که او را انتخاب کرده‌ام نه او مرا

انتخاب کرده باشد با نوشتن وصیت نامه من خود را اگر لایق باشم برای دیدار با

خدا می‌توانم خداوندی که به من نعمت حیات عطا فرمود آماده می‌سازم امید دارم این

و سلام آخر مرا بپذیرد و راحم را روان دهد چون در راحم کم راهرو باشد ناراحت

می‌شوم بیا آید خود را در این مسیر که صراط‌الاستقیم است قرار دهد که در کنار اسرار

محفوظ هستید آرزوی من نه اینست داشته‌ها را عفو کنید و از خدا و فرخ خویش عفو



مرکز اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

با تمام احترامات و ادب عرض می‌کنم که در روز غم و اندوهم خدایا راه نرهید

زیرا کسی که به من زندگی داد ایک جانم را خرابیده و من با کل میل و اشتیاق

جانم را تقدیم می‌کنم و بسوی او بازمی‌گردم که اگر توفیق در من ~~باشد~~ شهید شوم

ان شاء احسان آگاهی می‌کنم زمانی که من در بین شما هستم ولی در هم

در بین می‌هست چون خداوند وعده زنده بودن شهیدان را داده است

و من نیز خواهش می‌کنم که درم این است که هرگز پشت سر ایام را ننزداید

که شاقین از این کارها خوشی شوند همیشه ه طره عمر عزت دارند

خداوند تعالی بر سر ایام همین بخواند . و سلام



نام: حسن  
نام خانوادگی: باقری  
نام پدر: کرم‌رضا  
نام مادر: زرین‌تاج  
تاریخ تولد: هشتم خرداد 1340  
محل تولد: شهرستان دره‌شهر  
تحصیلات: اول راهنمایی  
ارگان اعزام‌کننده: سپاه  
تاریخ شهادت: سوم تیر 1366  
محل شهادت: بانه  
نحوه شهادت: اصابت ترکش  
مزار: گلزار شهدای زادگاهش

## عبارت‌های کلیدی

- ۱ می‌دانید که الان همانند امام حسین (7) و دیگر امامان، دچار تهاجم لشکر کفر شده‌ایم.
- ۱ گروهک‌ها و سازمان‌ها و دولت‌های غاصب، بر ضد ولایت فقیه و روحانیت مبارز و متهد برخاسته‌اند و بر ضد امام عزیزمان توطئه می‌نمایند.
- ۱ پدر و برادرم شما به راه من که همان راه امام حسین (7) و دیگر امامان می‌باشد، ادامه دهید.
- ۱ باید توجه نکنید به حرف منافقین و کفار که هر لحظه، توطئه‌ای بر ضد اسلام و مسلمین می‌چینند.
- ۱ خواهر مهربان و همسر [یگذارید] زینب وار باشید و همانند زینب (3) زندگی نمایید.
- ۱ بهترین کاری که شما در برابر کفر می‌توانید انجام دهید، همان رعایت اصل حجاب و ناراحت نشدن است.
- ۱ هدف ما از رفتن به جبهه نابودی کفر بوده است.
- ۱ چه بهتر است که این جان دادن برای رضای خدا باشد.
- ۱ شهید شدن فوزی عظیم است.

## حسن باقری

### بسم الله الرحمن الرحيم

تاریخ 66/3/28

«وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قَاتَلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرَوِّقُونَ»<sup>1</sup>

«کسانی که در راه خدا کشته می‌شوند مرده مپندارید بلکه آنان زنده‌اند و نزد پروردگارشان روزی دارند».

با سلام و درود به رهبر کبیر انقلاب اسلامی و به رزمندگان کفرستیز انقلاب و به روان پاک [و] مقدس شهیدان راه حق و شهادت و پاسداران راه حق.

پدرم و برادرانم می‌دانید که الان همانند امام حسین (7) و دیگر امامان، دچار تهاجم لشکر کفر شده‌ایم و به تبعیت از آنها و ولایت فقیه به مبارزه علیه ظلم و استکبار جهانی بر خاسته‌ایم. شما می‌دانید که در داخل و خارج از کشور اسلامی ایران، گروهک‌ها و سازمان‌ها و دولت‌های غاصب بر ضد ولایت فقیه و روحانیت مبارز و متهد برخاسته‌اند و بر ضد امام عزیزمان توطئه می‌نمایند. می‌خواهند اسلام و قرآن را از صحنه گیتی براندازند اما کور خوانده‌اند زیرا نور حق با حرکت‌های مذبحخانه<sup>2</sup> خاموش نمی‌شوند و قلب‌هایی<sup>3</sup> که از مرگ نترسند برای دشمن از هر نوع سلاحی برنده‌تر و پیروزتر است. باری پدر و برادرم شما به راه من که همان راه امام حسین (7) و دیگر امامان می‌باشد ادامه دهید و گوش به حرف منافقین<sup>4</sup> و کفار که هر لحظه، توطئه‌ای بر ضد اسلام و مسلمین می‌چینند، شما باید توجه نکنید که آنان می‌خواهند بر ضد اسلام، [و در جهت]<sup>5</sup> پایمال نمودن خون شهیدان کار کنند به فرمان ولایت فقیه و امام امت و روحانیت خط امام، گوش فرا دهید.

1- آل عمران/ 169.

2- در اصل وصیت «مذبحخانه».

3- در اصل وصیت «قلبهای».

4- ر.ک. تعلیقات.

5- به اصل وصیت «و در جهت» اضافه شده.

باری خواهر مهربان و همسرم زینب وار باشید<sup>1</sup> و همانند زینب (3) زندگی نمایید. زیرا اگر ناراحتی بکشید، دشمن از ناراحتی شماها خوشحال می‌شود و بهترین کاری که شما در برابر کفر می‌توانید انجام دهید، همان رعایت اصل حجاب و ناراحت نشدن است. اما شما ای ملت قهرمان و شهید پرور اسلامی ایران: هدف ما از رفتن به جبهه نابودی کفر بوده است. شما هم باید دنباله‌رو شهیدان راه حق باشید. باور کنید که ما برای رضای خدا جان خود را فدای اسلام نمودیم. که هر لحظه مرگ سراغ ما را می‌گیرد<sup>2</sup> چه بهتر است که این جان برای رضای خدا باشد و این شهید شدن فوزی عظیم است. همسرم چنانچه من شهید و یا اسیر شدم، برای من ناراحت نباش. بچه‌هایم را خوب تربیت کن و آنها را تحویل جامعه بده، تا زمانی که بزرگ شدند<sup>3</sup> همانند من برای اسلام خدمت نمایند. باری همسرم این وصیت‌نامه را خوب نگهداری کن. تا زمانی که بچه‌هایم بزرگ شدند<sup>4</sup> به آنها تحویل بده. تا آنها ادامه<sup>5</sup> دهند راه شهیدان باشند. به امید پیروزی حق علیه باطل.

«والسلام»<sup>6</sup>

حسن باقری

---

1- در اصل وصیت «... و همسرم بگذارید زینب وار باشید».

2- در اصل وصیت «سراغ ما را می‌نماید».

3- در اصل وصیت «شده‌اند».

4- در اصل وصیت «شده‌اند».

5- در اصل وصیت «عدمه».

6- در اصل وصیت «و سلام».







نام: عبدالرضا  
نام خانوادگی: یاقری  
نام پدر: غلام  
نام مادر: گل پری  
تاریخ تولد: ششم آذر 1344  
محل تولد: شهرستان آبدانان  
تحصیلات: پایان دوره ابتدایی  
ارگان اعزام کننده: سپاه  
تاریخ شهادت: پنجم تیر 1366  
محل شهادت: پانه  
نحوه شهادت: اصابت ترکش  
مزار: گلزار شهدای زادگاهش



## عبارت‌های کلیدی

- ۱ از خداوند غفور سپاسگزارم که بنده را در صفوف شهدای راه حق و حقیقت بدانند.
- ۱ این جانب بنا به وظیفه شرعی و برای پاسخ دادن به ندای امام امت، به سوی جبهه های حق علیه باطل اعزام شدم.
- ۱ بنده برای این به جبهه آمده‌ام که از حریم دین اسلام و انقلاب اسلامی و آب و خاک کشورم تا سر حد جان دفاع و مقاومت نمایم.
- ۱ امت حزب‌الله قدر رهبر کبیر انقلاب را بدانید.
- ۱ ما هر چه داریم از راهنمایی‌های پیامبر گونه این پیر جماران است.
- ۱ چند وصیت به برادرانم دارم که همیشه پشتیبان ولایت فقیه باشند.
- ۱ اگر من شهید شدم برای من ناراحت نباشد. زیرا من در راه خدا شهید شده‌ام.
- ۱ نماز جمعه را فراموش نکنید.

## عبدالرضا باقری<sup>1</sup>

### بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

62/6/15

«آنهایی که در راه خدا کشته می‌شوند مرده میندازید بلکه آنان زنده‌اند و نزد خدای خود روزی می‌خورند». (قرآن کریم)<sup>2</sup>

اولاً که از خداوند غفور سپاسگزارم که بنده را در صفوف شهدای راه حق و حقیقت بدانند و با سلام و درود به رهبر کبیر انقلاب اسلامی ایران، یگانه پرچمدار مهدی (عج) و با عرض سلام به ارواح پر فتوح شهیدان راه حریت و آزادی که راه حسین (7) سرورشان را ادامه دادند و با سلام بر سلحشورمردان جبهه‌های نبرد حق علیه باطل. چند کلمه‌ای را به‌عنوان وصیت به حضور شما امت حزب‌الله تقدیم و هدیه می‌دارم.

این جانب بنا به وظیفه شرعی و برای پاسخ دادن به ندای امام امت، به سوی جبهه‌های حق علیه باطل اعزام شدم و از همان اول که به جبهه آمدم راه خود را تشخیص و تمیز داده‌ام. بنده برای این به جبهه آمده‌ام که از حریم دین اسلام و انقلاب اسلامی و آب و خاک کشورم تا سر حد جان دفاع و مقاومت نمایم<sup>3</sup>. صدام<sup>4</sup> مزدور<sup>5</sup> حمله وحشیانه به کشورمان [را] در سال 57 شروع کرد. هر انسان مسلمانی را وا داشت، تا خود را برای دفاع از اسلام مهیا و آماده سازد. بنده هم برای دفاع از اسلام و کشورم به جبهه آمده‌ام. امت حزب‌الله قدر رهبر کبیر انقلاب را بدانید و همیشه سخن‌های او را با جان [و دل] بپذیرید و به آنها عمل کنید. زیرا که ما هر چه داریم از راهنمایی‌های پیامبر گونه این پیر جماران<sup>6</sup> است. چند وصیت به برادرانم دارم که همیشه پشتیبان ولایت فقیه باشند و راه بنده را ادامه

1- بالای وصیت هم تاریخ 62/6/15 را تاریخ ثبت وصیت نوشته است و هم 1365/6/20 آمده است.

2- ترجمه آیه 169 در سوره آل عمران. «وَلَا تَحْسِبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْواتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ».

3- در اصل وصیت «نمائیم».

4- ر.ک. تعلیقات.

5- در اصل وصیت «صدم مزدور به حمله وحشیانه...».

6- ر.ک. تعلیقات.

دهند. وصیتی به همسرم دارم که اگر من شهید شدم برای من ناراحت نباشد. زیرا من در راه خدا شهید شده‌ام. وصیتی به برادرانم دارم که برای من ناراحت نباشند و همیشه از امام امت و سخن‌های او پشتیبانی نمایند. برادران گرچه می‌دانم داغ برادر از دست دادن برای هر انسان سخت است، ولی باید صبور باشید. نماز جمعه را فراموش نکنید و صدام باید بداند که به قول شهید رجایی «ما سرنوشت جنگ را در میدان نبرد تعیین<sup>1</sup> می‌کنیم»<sup>2</sup> اگر من شهید شدم از برادرانم می‌خواهم که از همسرم حمایت کنند و اگر همسرم خواست شوهر کند، از آن جلوگیری نکنند. زیرا اسلام این اجازه را به هیچ احدی نمی‌دهد و بعد از من سرپرست بچه‌هایم برادر علی میرزا باقری می‌باشد و نیز کسی که ادعا کرد پول به بنده قرض داده به او بدهید و از همه اقوام می‌خواهم که «برای بنده سیاه بپوشند»<sup>3</sup> و فقط مادرم و همسرم و مادر همسرم و دو خواهر بزرگم و دخترم می‌توانند زن عمویم و عمویم می‌توانند تا چهلم برایم سیاه بپوشند و دیگر کسی حق ندارد سیاه بپوشد.

تاریخ 65/1/1

عبدالرضا باقری

---

1- در اصل وصیت «تعیین».

2- این عبارت منسوب به شهید رجایی است که وقتی ایران را بدون احقاق حقیقش به صلح تحمیلی دعوت می‌کردند گفت: «ما سرنوشت جنگ را در میدان نبرد تعیین می‌کنیم».

3- ر.ک. تعلیقات.





نام: نصرالله  
نام خانوادگی: باقری  
نام پدر: میران  
نام مادر: خاور  
تاریخ تولد: سوم تیر 1336  
محل تولد: روستای جان جان از توابع  
شهرستان شیروان و چرداول  
تحصیلات: بیسواد  
ارگان اعزام کننده: بسیج  
تاریخ شهادت: هفتم آذر 1366  
محل شهادت: گیلانغرب  
نحوه شهادت: اصابت گلوله  
مزار: گلزار شهدای زادگاهش



## عبارت‌های کلیدی

- ا من به‌عنوان سرباز اسلام گوش به فرمان امام به‌علت لازم بودن نیروی انسانی در جبهه حضور دارم و این جبهه جنگ، «جنگ بین اسلام و کفر است».
- ا تمام کافران دنیا بر علیه انقلاب اسلامی ما قیام کرده‌اند و باید در مقابل آنها مقاومت کنیم.
- ا این جنگ مثل جنگ امام حسین (7) در مقابل یزید است.
- ا مادرم اگر سعادت نصیبم شد هنگامی که خبر شهادت مرا شنیدید به یاد علی اکبر (7) امام حسین (7) عزاداری کنید.
- ا هرگز غمگین مباشید بلکه افتخار کنید که شما هدیه‌ای به اسلام تقدیم کرده‌اید.
- ا اسلحه‌ام بر زمین نماند که دشمن شاد می‌شود و در تمام لحظه‌ها مقاومت کنید که شما حق هستید.
- ا بجنگید تا پیروزی کامل و برقراری حکومت اسلامی در دنیا به رهبری امام.
- ا همیشه قدر نعمت وجود امام را بدانید که ما را از دست بیگانگان آزاد کرد.
- ا همیشه و در همه زمان پیرو روحانیت عزیز باشید.
- ا در تمام حالات شما را به تقوا که بزرگترین سرمایه است دعوت می‌کنم.

## نصرالله باقری

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خدای شهیدان

مادر و پدر و خواهران و برادرانم و همسر:

از آنجا که وظیفه هر مسلمان است که در هر موقع وصیت‌نامه‌ای داشته باشد، مخصوصاً موقعی که در جبهه حضور دارد و هر لحظه مرگ در انتظار است. من به‌عنوان سرباز اسلام گوش به فرمان امام به‌علت لازم بودن نیروی انسانی در جبهه حضور دارم و این جنگ، «جنگ بین اسلام و کفر است»<sup>۱</sup> که از یک طرف آن تمام کافران دنیا بر علیه انقلاب اسلامی ما قیام کرده‌اند و باید در مقابل آنها مقاومت کنیم که این جنگ مثل جنگ امام حسین (۷) در مقابل یزید است که در آن امام حسین (۷) و یارانش شهید شدند. مادرم اگر سعادت نصیب شد و شهید شدم هنگامی که خبر شهادت مرا شنیدید به‌یاد علی‌اکبر (۷) امام حسین (۷) عزاداری کنید و برای من ناراحتی نکنید که من پیرو امام هستم و به فرمان او به جبهه می‌روم. هرگز غمگین مباشید بلکه افتخار کنید که شما هدیه‌ای به اسلام تقدیم کرده‌اید و برادرانم<sup>۲</sup> جبهه‌ها را خالی نگذارید و اسلحه‌ام بر زمین نماند که دشمن شاد می‌شود و در تمام لحظه‌ها مقاومت کنید که شما حق هستید و بجنگید تا پیروزی کامل و برقراری حکومت اسلامی در دنیا به رهبری امام.

و همیشه قدر نعمت وجود امام را بدانید که ما را از دست بیگانگان آزاد کرد و با برقراری حکومت اسلامی آزاد شدیم همیشه و در همه زمان پیرو روحانیت عزیز باشید و امام را تنها نگذارید و گوش به فرمان او باشید و هرچه گفت به آن عمل کنید که دستور اسلام است.

1- امام خمینی معتقد بود جنگ ایران و عراق جنگ بین اسلام و کفر است. (تبیان دفتر 24، جنگ و دفاع در اندیشه امام خمینی، ص 70).

2- در اصل وصیت «برادرانم».

خدایا تو را شکر می‌کنم که به من لیاقت و سعادت سربازی اسلام عطا<sup>1</sup> فرمودید که  
جانم را در راه خدا فدا کنم. خدایا به من ایمانی ده که بتوانم مشکلات راه خدا را تحمل  
کنم و تا آخر در صراط مستقیم قدم بردارم بر هوای نفسم غلبه کنم. در تمام حالات شما را  
به تقوا که بزرگترین سرمایه است دعوت می‌کنم.  
خدایا خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگه‌دار

27 آبان 1366

بنده خدا: نصرالله باقری





بسم خداي شهيدان

مركز اسناد و ايتارگران

مادر و پير و شولهران و برادرانم و همسر

از آنجا که وظیفه هر مسلمان است که در هر موقع وصیت نامه ای داشته باشد  
عموماً موفقی که در جبهه حضور دارد و هر کجا مورد انتظار است، من به عنوان  
سر باز اسلام گوش به فرمان امام به علت لزوم بودن نیروی انسانی  
در جبهه حضور دارم و این همه جنگ جنگ بین اسلام و کفر است که اگر یک طرف  
آن تمام کافران دنیا بر علیه انقلاب اسلامی ما قیام کرده و با ما در مقابل  
آنها مقاومت کنیم که این جنگ مثل جنگ امام حسین در مقابل یزید  
است که در آن امام حسین و یارانش شربت شهادت شدند ما هم اگر سعادت  
نسیم شد و شربت شهادت همندی که خوشتر است مرا شربت شهادت علی اکبر  
امام حسین عزاداری کنید و برای من ناراحتی نکنید که من



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَبِهِ فَرَعَانِ لَوَلَمْ يَجْعَلِ اللَّهُ لِلنَّاسِ عَلَىٰ آخِلِهِمْ حَقًّا لَغَلَبَتِ الْفِتْنَةُ وَكَانُوا كَالْهِيَاطِ الْمُرْتَمِلِينَ  
اعتقاد کنید که شما هم بیایم به اسلام نقد بزنیم و بعد و برادریم جبرها  
را خالی بگذاریم و اسلامی ۹ ام بر زمین نماند که دین اسلام شود (و در تمام  
اینها ما مقاومت کنید که شما حق هستید و نگنید تا بیروزی کامل و  
بقراری حکومت اسلامی در دنیا بر سرک امام .

و همیشه قدر نعمت و عود امام را بدانید که ما از دست بیگانگان  
اگر اذکرد و با بقول علمت اسلام اگر چه شدیم همیشه بودیم ما  
بسر و جانیت عزیز باشید و امام را تنها خدا بدید و گوشت و پشم  
او باشید و هر چه گفت بر آن عمل کنید که دستور اسلام است  
خدا یا ترا مستخری کنم که بی من لیاقت و سعادت نصیب از اسلام



خودم را به خاتم راه خدا فدا کنم خدا یا من ای من ده که بتوانم  
مشکلات راه خدا را تحمل کنم و تا آخر در صراط مستقیم قدم بردارم هر دو  
نفسم غلبه کنم در تمام حالات شما را بگویم که بزرگترین سرور است و چشم  
خوابا خدا یا تا آخر هر دو نفس را بدهد

۲۷ آذر ۱۳۶۶  
بنده خدا ، نصرالله باقری

نام: حمید  
نام خانوادگی: بالوی زاده  
نام پدر: جعفر  
نام مادر: زکیه  
تاریخ تولد: یکم فروردین 1346  
محل تولد: شهرستان دهلران  
تحصیلات: دوم راهنمایی  
ارگان اعزام کننده: بسیج  
تاریخ شهادت: ششم اسفند 1366  
محل شهادت: شهرستان مهران  
نحوه شهادت: اصابت ترکش  
مزار: گلزار شهدای بهشت آباد شهرستان اهواز



## عبارت های کلیدی

- ا از شوق رفتن در راه پاک و مقدس الهی و قدم گذاشتن در آن، زبانم بند آمده.
- ا مسرورم که توانستم این آگاهی را به یاری الله کسب کنم و به فرمان امام عزیز لبیک گویم.
- ا مرگ و شهادت حقیقت تولد من است.
- ا این مرگ را نیز من از غسل بر خود گواراتر می دانم.
- ا ملت عزیز شما را به خدا قسم می دهم که از راه امام خارج نشوید.
- ا ادامه دهنده راه شهدا باشید تا بتوانید سربلند و پیروز در این دنیا و در آخرت روسفید و خندان باشید.
- ا از مرگ نهراسید زیرا همه رفتنی هستیم.
- ا چه بهتر که مرگ در راه خدا باشد.
- ا خواهر گرامی به قول شهدا حجاب شما کوبنده تر از خون سرخ ماست.
- ا سنگر حجله من است، که در آن عروس شهادت را به آغوش می کشم.
- ا کسی که می خواهد گریه کند، برای مظلومیت حسین (7) که واقعاً مظلومانه شهید شد، گریه کند.
- ا مردم عزیز، مبادا مانند اهل کوفه، امام عزیز را تنها بگذارید.

## حمید بالوی زاده

## بسم الله الرحمن الرحيم

با درود و سلام بر امام زمان و نایب برحقش امام عزیز «روحی له الفداء». با سلام بر امت شهید پرور ایران و با سلام بر خانواده‌های شهدا که به قول امام عزیزمان «خانواده‌های شهدا چشم و چراغ ملت هستند»<sup>1</sup> و با سلام از ته دل بر رزمندگان راه حق و حقیقت که به راستی سربازان امام زمان (عج) هستند و با سپاس و سلام و درود فراوان بر شهیدان گلگون کفن، که به حق با نثار خون سرخ مبارکشان درخت سرباز اسلام را آبیاری کردند. من این وصیت نامه را در موقعی می‌نویسم که از شوق رفتن در راه پاک و مقدس الهی و قدم گذاشتن در آن، زبانم بند آمده و نمی‌توانم چیزی بنویسم و مقام این راه را که هست بیان کنم. خوشحال و مسرورم که توانستم این آگاهی را به یاری الله کسب کنم و بتوانم به فرمان امام عزیز لبیک گویم و بدانم که فرمان امام عزیز بلادرنگ اجرا شدنی است و با خوشحالی و رضایت کامل، مجری آن هستم. امام می‌فرماید «من خدمتگزار شما هستم»<sup>2</sup> [...] چه هست مرگ و شهادت که به حقیقت تولد من است. در خودم احساس می‌کنم و این مرگ را نیز من از غسل<sup>4</sup> بر خود گواراتر می‌دانم. ای ملت عزیز شما را به خدا قسم می‌دهم که از راه امام خارج نشوید. و پای امام را محکم بگیرید و ادامه دهند راه شهدا باشید تا بتوانید سربلند و پیروز در این دنیا و در آخرت روسفید و خندان باشید و از مرگ نهراسید زیرا همه رفتنی هستیم و چه بهتر از مرگ که در راه خدا باشد.

همه این را بدانند که اگر بدنم را قطعه قطعه کنند و آن را در دریا بریزند باز هم قطعه‌های بدنم سر از دل<sup>5</sup> امواج غرآن برداشته و ندای لبیک یا امام سر خواهد داد. سخن را با خانواده باز می‌کنم نمی‌دانم از کجا با سوز دل با آه و ناله با شما خانواده عزیز طلب عفو

1- صحیفه امام، ج 14، ص 8.

2- صحیفه امام، ج 6، ص 76.

3- خوانا نیست.

4- در اصل وصیت «عمل».

5- در اصل وصیت «بدن».

و بخشش نمایم. شما حق بزرگی بر گردن این حقیر دارید. زیرا من نتوانستم حق شما را آنطور که هست، برای شما ادا کنم. مادر جان شیرت را حلالم کن. مرا ببخش و خطاهای مرا نادیده بگیر خواهی جان اگر می خواهید در حفظ حجاب خود دقت [کن] که به قول شهدا حجاب شما کوبنده تر از خون سرخ ماست. برادران مهربانم امیدوارم که مرا ببخشید که حق برادر بزرگتر را [نسبت] به شما ادا نکردم و شما درس خود را بخوانید. مادر عزیزم می دانم که دوست داشتید که عروسی کنم و این آرزوی شما بود که شاهد عروسی فرزندان باشید این موضوع را به صراحت میگویم که عروسی من شهادت و صفیر گلوله‌ها [ی] دشمن در بین [...] می خوانند و بارش تیر و ترکش نقل بر سرم می باشد و سنگر حجله من است، که در آن عروس شهادت را به آغوش می کشم. مادر مهربانم برای من ناراحت نشوید. مادر وقتی با رفتن من به جبهه رضایت دادید و با دست خود مرا تا ناحیه بسیج بردید در حقیقت رضایت خود را برای شهادتم اعلام کردید من به چنین مادری افتخار می کنم. دوست ندارم کسی برایم گریه کند. مادر جان نمی گویم گریه نکنید. گریه خوب است، ولی جلوی چشم دشمنان گریه و زاری نکنید. کسی که می خواهد گریه کند، برای مظلومیت حسین (7) که واقعاً مظلومانه شهید شد گریه کند. مگر خون من رنگین تر از خون پاک و مطهر آبی عبدالله (7) است کسی اگر می خواهد گریه کند برای کمر شکسته مادرم زهرا (3) و برای علی اصغر<sup>2</sup> (7) شهیدان کربلا و برای یاران امام حسین (7) گریه کند. مردم عزیز، مبدا مانند اهل کوفه<sup>3</sup> امام عزیز را تنها بگذارید.

وصیت نامه شهید حمید بالوی زاده

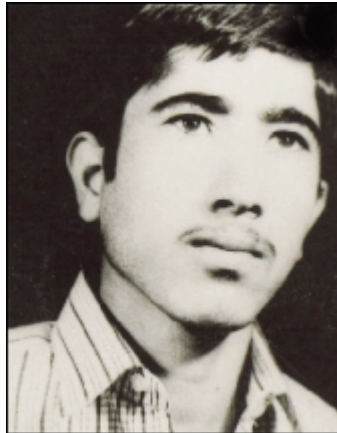
1- خوانا نیست.

2- ر.ک. تعلیقات.

3- ر.ک. تعلیقات.



نام: مهدی  
نام خانوادگی: بانقلائی  
نام پدر: محمد  
نام مادر: خدابس  
تاریخ تولد: یکم شهریور 1343  
محل تولد: روستای بانقلان از توابع شهرستان ایلام  
تحصیلات: دیپلم  
ارگان اعزام کننده: سپاه  
تاریخ شهادت: شانزدهم اردیبهشت 1363  
محل شهادت: قصر شیرین  
نحوه شهادت: انفجار مین  
مزار: بخش صالح آباد از توابع شهرستان مهران



## عبارت های کلیدی

- ای حجت خدا، این امت شمشیرهای خود را تیز نموده اند، تا در کنار تو با دشمنان تو و خدا بجنگند.
- ای خمینی بت شکن، تویی بت شکن که تمام قدرت های استکباری دنیا از دست تو انمند تو به تنگ آمده اند.
- ای فرمانده کل قوا، ندای تورا مبنی بر شرکت در نبرد حق علیه باطل شنیدم و لبیک گفتم.
- ای والدین عزیزم، فرزندی که به عنوان امانت از خدا گرفته بودید، به خودش بازگردانید.
- والدین عزیزم، با شهادتم توانستم بزرگترین افتخار را برای شما کسب نمایم.



## مهدی بانقلائی

### بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

#### بِسْمِ تَعَالَى

بدین وسیله صحبت‌های خود را خلاصه می‌کنم من می‌خواهم فقط مسأله شرعی خودم را به انجام رسانم. مسلماً مسائلی بعد از مرگ هر کس برای اجتماع و خانواده‌اش به وجود خواهد آمد که همانا شخصی با پیام و صحبت‌هایش تا حدودی در حل کردن نارسایی‌ها و ناراحتی‌ها دخالت دارد «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ»<sup>1</sup> با درود فروان و سلام خدمت رهبر عزیزمان و مرجع<sup>2</sup> جهان تشیع، در این زمان و در آینده تمام امت حزب‌الله بایستی بدانند [...] پس از 1400 سال به گوش شنیدم و آن را لبیک گفتم، شاید توانسته باشم به آن حرف‌هایی که مکرر می‌گفتم: «ای کاش می‌بودیم و حسین (7) را یاری می‌کردیم»<sup>4</sup> حسین جان به ندای تو بعضی‌ها مان به سرعت و بعضی‌ها ایمان با کمی تاخیر و بعضی دیگر نیز مانده‌اند و در آینده لبیک خواهند گفت و ما منتظر جواب لبیک آنها به شما هستیم تا آنها را در جبهه‌ها در آغوش گرم خود بگیریم. حسین جان یاری کن تا آنها نیز جوابت دهند که «بهشت در زیر سایه‌های شمشیرها هوبدا می‌شود»<sup>5</sup> و ای حجت خدا، ای دوازدهمین پیشوای عالم تشیع، دیگر زمان غیبت بس است. دیگر این امت شمشیرهای خود را تیز نموده‌اند، تا در کنار تو با دشمنان تو و خدا بجنگند. باز آی، ای منجی گیتی، باز آی ای یاور امت، ای امام زمان شبها ضجه زدم و در تاریکی‌ها اشک ریختم و در مسجد در نماز ناله کردم تا بتوانم چهره‌ی منور تو را دیدار کنم، اما لیاقت دیدن ترا تا این لحظه نداشتم و شاید با این اعمال هرگز نداشته باشم.

1- عنکبوت/ 69.

2- در اصل وصیت مقلد.

3- خوانا نیست. گویا قسمتی از وصیت‌نامه افتاده است.

4- ترجمه «یا لیتنی کنت معکم فافوز فوزاً عظیماً» (فرازی از زیارت ششم حضرت امام حسین (7)، مفاتیح الجنان).

5- ترجمه این حدیث نبوی است «ان ابواب الجنة تحت ظلال السیوف» (نهج‌الفصاحه، ص 87، حدیث 577).

ای امام زمان، ای حجت خدا، در پیشگاه خداوند مرا شفاعت کن که به شفیع شدن تو بسی محتاجیم. اماما، ای خمینی بت شکن، ملت اسلامیمان در داشتن چنین<sup>1</sup> نعمتی به همه کشورهای مسلم و غیر مسلم دیگر، فخر می‌فروشد. تویی بت شکن که تمام قدرت‌های استکباری دنیا از دست توانمند تو به تنگ آمده‌اند. تویی عارف که تمام وجود تو از عرفان و معنویت مملو است و با دعایت از خدا کمک می‌خواهی تا اسلام و مسلمین سرافراز باشند و با دعا‌های عارفانه‌ات بارها دشمنان را در مناطق مختلف به ورطه نابودی کشاندی. درود بی‌کران خدا بر تو باد، ای امام، ای فرمانده کل قوا، ندای تورا مبنی بر شرکت در نبرد حق علیه باطل شنیدم و لبیک گفتم، چون وظیفه‌ای بود، می‌بایست انجام شود و تو ای امام قوایت در سرزمین‌های اسلام علیه خصم می‌شورند. تو با دعایت به قوای خود کمک می‌کنی و چون پتکی محکم بر سر دشمن فرود می‌آوری دعایی که بُردش از همه سلاح‌ها بیشتر است. از خدا برای ما که بسویش شتافتیم طلب مغفرت کن و ای والدین عزیزم، فرزندی که به عنوان امانت از خدا گرفته بودید، به خودش بازگردانید و به امانت خیانت نورزیدید، در زندگی آنقدر بد بودم که مرا لیاقت فرزندی شما نبود، اما حالا با شهادتم توانسته‌ام بزرگترین افتخار را برای شما کسب نمایم و پرچم پر افتخار خانواده شهید بودن را بر تارک خانواده‌تان به اهتزاز در آوردم<sup>2</sup> و ای مادر عزیز تحمل از دست دادن فرزندی<sup>3</sup>[...]

1- در اصل وصیت «در دل داشتن چنین نعمتی».

2- در اصل وصیت «می‌آورد».

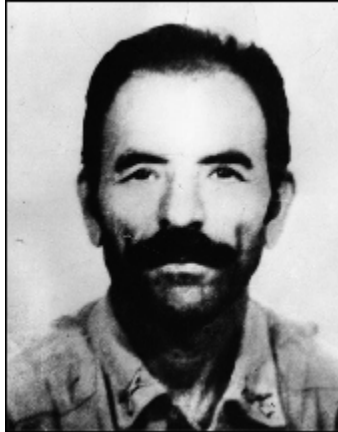
3- ظاهراً وصیت‌نامه نیمه تمام است.







نام: موسی  
نام خانوادگی: باولگ زاده  
نام پدر: صفر  
نام مادر: زینب  
تاریخ تولد: 1326  
محل تولد: بخش ملکشاهی از توابع شهرستان مهران  
تحصیلات: بی سواد  
ارگان اعزام کننده: ژاندارمری  
تاریخ شهادت: ششم آبان 1367  
محل شهادت: شهرستان زادگاهش  
نحوه شهادت: ایست قلبی  
مزار: امامزاده پیرمحمد بخش ملکشاهی



## عبارت های کلیدی

- ا پشت سر امام خمینی حرکت کنید.
- ا امام را تنها نگذارید و هم چنین راه شهدا [را] ادامه دهید.
- ا نماز را اول وقت بخوانید.
- ا هرگز از خدا غافل نشوید.
- ا با هم اتحاد داشته باشید.
- ا فرزندانم خوش اخلاق و خوش رفتار و با مردم مهربان باشند.
- ا فرزندانم به فقرا و تهی دستان کمک کنند.

## موسی باولگ‌زاده

بسم الله الرحمن الرحيم

به نام خدا

سال نو مبارک

وصیت‌نامه موسی باولگ‌زاده در ساعت 5:30 دقیقه بعدازظهر در تاریخ 62/12/29 در خط مقدم جبهه مهران.<sup>1</sup>

وصیت من به ملت شریف و عزیز ایران این است که پشت سر امام خمینی حرکت کنند، امام را تنها نگذارید و هم‌چنین راه شهدا [را] ادامه دهید.

وصیت من به همسر و فرزندانم این است که نماز را اول وقت بخوانید و هرگز از خدا غافل نشوید. پیرو خط امام خمینی باش و از دستاوردهای امام حمایت و دفاع کنید.

با هم اتحاد داشته باشید، چون رمز پیروزی مردم ایران در اتحاد و همبستگی بوده است. مردم ایران با اتحاد حکومت شاهنشاهی [را] با دست خالی، سرنگون کردند و حکومت

جمهوری اسلامی به رهبری خمینی کبیر در سال 57 به پیروزی رسید. قدر خود را بدانید که در چه دولتی دارید زندگی می‌کنید. هرگز خود را فراموش نکنید. توصیه و سفارش

آخرم این است، فرزندانم خوش اخلاق و خوش رفتار و با مردم مهربان باشند. به فقرا و تهی‌دستان کمک کنند و از طرفی بنده به هیچ‌کس بدهکار نیستم و دیگر عرضی ندارم، در

ضمن چون در منطقه عملیاتی هستم، هم‌چون سال‌های گذشته نتوانستم در ایام نوروز پیش خانواده‌ام بیایم، مرا مورد عفو و بخشش قرار دهند. در پایان برای شادی روح شهدای صدر

اسلام و شهدای ایران اسلامی صلوات می‌فرستم.

به امید شهادت در راه خدا

با احترام موسی باولگ‌زاده

بنام خدا سال نو مبارک

و صیت نامتوس صومعه باوگف راده در ساعت ۵:۴۵ دقیقه بعد از ظهر تاریخ ۲۹، ۱۲، ۶۲

در خط مقدم جبهه خمران

و صیت من به ملت شریف و عزیز ایران این است که پشت سر امام خمینی **دکتر** گنبد امام را تنها نگذارید و همچنین راه شهدا ادامه دهید.

۲- و صیت من به همسر و فرزندانم این است که نماز را اول وقت بخوانید و هرگز از خدا غافل نشوید. پیرو خط امام خمینی باشید و از دستاوردهای امام حمایت و دفاع کنید.

۳- با هم اتحاد داشته باشید چون روضه پروری مردم ایران در اتحاد و هم بستگی بوده است مردم ایران با اتحاد حکومت شاهنشاهی با دست خالی سرنگون کردند و حکومت جمهوری اسلامی

به رهبری خمینی کبیر در سال ۵۷ به پیروزی رسید. قدر خود را بدانید که در چه دولتی دارید.

زندگی من کفیه هرگز خود را خرابه‌هاش نکنید. توسعه و سفارش آخر این است فرزندانم خوش اخلاق و خوش رفتار و با مردم مهربان باشند. به فقرا و تهی رستان کمک کنید و از طرفی



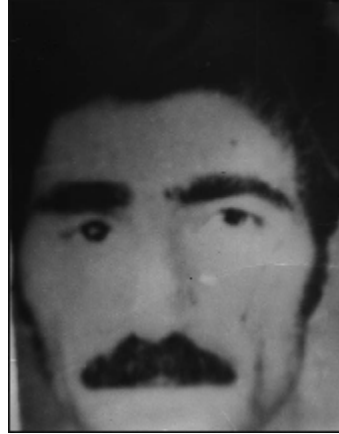
بنده به هیچ کس بدهکار نیستم و دیگر عرض ندارم در ضمن چون در منطقه عملیاتی هستم  
هم چون سابقهای گذشته تقاضایم در ایام نوروز پیش خانواده ام بیایم مرا مورد عفو  
و بخشش قرار دهید در بیان برای تسلی روح شهادت‌آمیز اسلام و تحریک اول

اسلامی صلوات بر شماست

بی‌امید سعادت در راه خدا

با احترام  
موسوی باوشی زاده

نام: عبدالعلی  
نام خانوادگی: باوه پیرمحمدی  
نام پدر: صید کریم  
نام مادر: مرجان  
تاریخ تولد: یکم فروردین 1325  
محل تولد: روستای گنبد پیرمحمد از توابع  
شهرستان مهران  
تحصیلات: در حد خواندن و نوشتن  
ارگان اعزام کننده: بسیج  
تاریخ شهادت: بیست و ششم مرداد 1361  
محل شهادت: چنگوله  
نحوه شهادت: اصابت ترکش  
مزار: زادگاهش



## عبارت‌های کلیدی

- ۱ در جمهوری اسلامی فرمان امام بر ما واجب است.
- ۱ برای دفاع از خاک و وطن خود اعزام به جبهه مهران شدم.
- ۱ امیدوارم فرزندانم پس از بلوغ بتوانند خدمت به اسلام نمایند.

## عبدالعلی باوه پیرمحمدی

### بسم الله الرحمن الرحيم

اینجانب عبدعلی فرزند سیدکریم شهرت باوه پیرمحمدی دارای شماره 51048/325 بغداد چون در این موقع جمهوری اسلامی به فرمان و رهبری امام خمینی در ایران برقرار است بر ماها واجب شده طبق دستور امام رفتار و اطاعت بکنیم. بنده که دارای زن و سه فرزند خردسال هستم جهت خدمت به شکل بسیج آماده شده بودم که این مدت دو سال است [...] <sup>1</sup> و در این موقع که شهرستان مهران از دست کفار صدام یزید آزاد شده و برای دفاع از خاک وطن خود اعزام به جبهه مهران شدم. این وصیت‌نامه [را] <sup>2</sup> به جا گذاشته چنانچه در راه اسلام و دفاع از حقوق اسلام شهید شدم، فرزندانم را به جمهوری اسلامی می‌سپارم که از آنها نگه‌داری شود که پس از بلوغ بتوانند خدمت به اسلام بنمایند و زوجهام به نام حمیده نورمحمدی از فرزندانم نگهداری و سرپرستی نماید و هیچ‌کس حق دخالت در اموال منقول و غیرمنقول ندارد غیر از زوجهام و فرزندانم.

عبدعلی باوه پیرمحمدی <sup>3</sup>

---

1- خوانا نیست.

2- در اصل وصیت «را» افتاده است.

3- ذیل وصیت آمده است «تصویر با اصل مطابقت دارد».

بسم الله الرحمن الرحيم

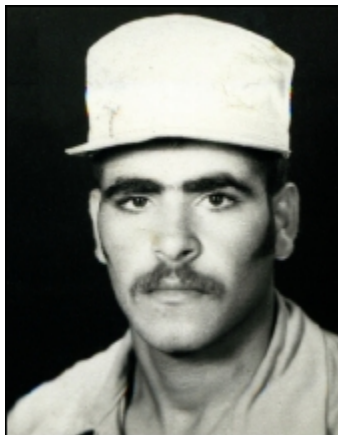
و حقیقتاً نه

عبدالعلی باوه پیر محمدی 1117/1170  
رضیات عبدعلی زنده میر کرم نرسد باوه پیر محمدی دانستند  
۵۱۰۴۸  
۲۸۵

چون در این طرح عبوری از سوی...  
ببر قرار است بر آن واجب شده...  
از آن جهت که...  
فردی...  
از آن جهت که...  
شماره...  
راه...  
همچون...  
ضمیمه...  
سنگ...  
مستقل...  
عبدعلی باوه پیر محمدی



نام: حجت الله  
نام خانوادگی: برتنی  
نام پدر: محمد  
نام مادر: قزی  
تاریخ تولد: پنجم اسفند 1339  
محل تولد: روستای زرانگوش بالا از  
توابع شهرستان دره شهر  
تحصیلات: پایان دوره ابتدایی  
ارگان اعزام کننده: ارتش  
تاریخ شهادت: نوزدهم دی 1359  
محل شهادت: کنجان چم  
نحوه شهادت: اصابت ترکش  
مزار: گلزار شهدای زادگاهش



## عبارت های کلیدی

- ا اگر من لیاقت شهید شدن را داشتم خواهشمندم که برای من ناراحتی نکنید.
- ا من این راه را که برای پیروی از نهضت حسینی است، خودم انتخاب کرده ام.
- ا افتخار کنید که بعد از هزار و چند سال ما توانسته ایم با رهبری امام خمینی عزیز راه امام حسین (7) و یارانش را ادامه داده باشیم.
- ا امروز که بعثیان عراقی به دستور جهان خواران شرق و غرب، کمر به نابودی انقلاب نوپای عزیز ما بسته اند، بر ما واجب است تا قطره [ای] خون داریم از انقلاب و دین مقدس اسلام و میهن عزیزمان دفاع کنیم.
- ا پشتیبان ولایت فقیه باشید.
- ا آنهایی که توانی دارند به جبهه بیایند. جبهه را خالی نکنند.
- ا قدر این رهبر محبوب و پیامبرگونه را بدانید و از دستورات او پیروی کنید.

## حجت‌الله برتنی

### بسم الله الرحمن الرحيم

«وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرَزِّقُونَ»<sup>1</sup>

پدر گرامی و برادران و خواهران و تمام اقوام<sup>2</sup> و خویشان مرا ببخشید و حلال کنید زحماتی که برای من کشیده‌اید، به خصوص پدر و مادر عزیزم و اگر من لیاقت شهید شدن را داشتم خواهشمندم که برای من ناراحتی نکنید و صبر و حوصله خود را حفظ کنید من این راه را که<sup>3</sup> برای پیروی از نهضت حسینی است، خودم<sup>4</sup> انتخاب کرده‌ام، و به جای ناراحتی افتخار کنید که بعد از هزار و چند سال ما توانسته‌ایم<sup>5</sup> با رهبری امام خمینی عزیز راه امام حسین و یارانش را ادامه داده باشیم و به قول برادران ایرانی خودمان ما مردم کوفه<sup>6</sup> نیستیم، امام تنها بماند.

من از پدر گرامی‌ام معذرت می‌خواهم که با آنهمه سختی و بیچارگی مرا بزرگ کرد و نتوانستم که خدمتی به او بکنم و دیگر برادران و خانواده باید مرا ببخشید و حلال کنید زحماتی که برای من کشیدید و امروز که بعثیان<sup>7</sup> عراقی به دستور جهان‌خواران<sup>8</sup> شرق و غرب، کمر به نابودی انقلاب نوپای عزیز ما بسته‌اند، بر ما واجب است تا قطره [ای] خون داریم از انقلاب و دین مقدس اسلام و میهن عزیزمان دفاع کنیم.

و پیام من به عنوان یک برادر کوچک در کنار این رزمندگان شجاع به ملت ایران این است که پشتیبان ولایت فقیه باشید و جبهه را خالی نکنید. آنهایی که توانی دارند به جبهه

---

1- آل‌عمران/ 169. در اصل وصیت «قتلو».

2- در اصل وصیت «قومان» و «خیشان».

3- در اصل وصیت «که» قبل از «من» آمده است.

4- در اصل وصیت «خود را».

5- در اصل وصیت «توانسته باشیم».

6- ر. ک. تعلیقات.

7- ر. ک. تعلیقات.

8- در اصل وصیت «جهان‌خاران».

بیایند و آنها که ندارند جبهه را تقویت کنند و قدر این رهبر محبوب و پیامبرگونه را بدانید  
و از دستورات او پیروی کنید.

خداحافظ و نگهدارتان باشد

59/9/20

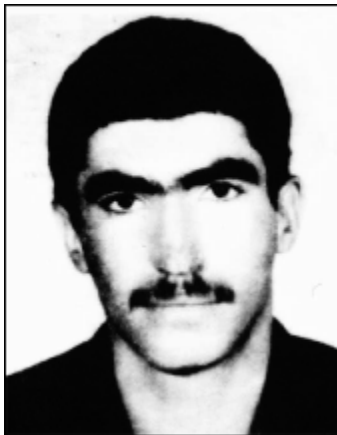
حجت‌اله برتنی



ان‌الدین قتلوه سبیل‌الهدی الی اجدادنا علی‌احدنا محمد بن‌حوقن  
 مرکز استان ایلام ۱۴۵۹ هجری قمری و برادران و خواهران و تمام محلمان و خویشان باید  
 را بپوشید و حلال کنید زنجاری که برای من کشیده اند بپوشید و اگر من لیاقت  
 ننهید شدن را داشته‌ام حاضرم که برای من ناراضی کنید و صبر حوصله خود را حفظ کنید  
 که من این راه را پیروی از نهضت حسین است خود را انتخاب کرده‌ام و بجای ناراضی  
 دشمنان کنید که بعد از هزار خنده عدالت ما دانسته باشیم ~~ببینیم~~ ! رهبر امام خمینی عزیز  
 را از امام حسین و ع و یاران با وفایش را ادامه داده باشیم و بگویم برادران ایرانی  
 خودمان ما مردم که هستیم امام تنها با من از پیروگرام مفید می‌خواهم که با کف  
 سفید و بجا کسی را نریخت کرد و نداشتیم خدمت به او کنیم و دیگر برادران و خانواده ما را  
 را بپوشید و حلال کنید زنجاری که برای من کشیده اند و امروزه ایمان عراقی به دست خودمان  
 خدا را شرف و عزت بگرم بود که انقلاب و بیای عزیز ما بسته اند بر ما واجب است تا ظهور  
 خون داریم از انقلاب دین مقدس اسلام و همین عزیزان دعای کنیم و بیایم مع عدوان  
 که برادر کوچک در کنار این زمینگان شجاع به ملت ایران این است و پیشانی و حلال ~~عقیده~~  
 و جهود را حلال کنید آنگاه که توانایی دارند به حیره بیایید و کارها در حیره در انقیاد  
 شد و قدر این رهبر کجرب و بیایم که در این راه واد ~~حکومت~~ او پیروی کنید  
 خدا حفظ و تکریم آن باشد ۲۰ و ۹ ر ۱۴۵۹ هجرت (شهر برتنی)



نام: عبدالولی  
نام خانوادگی: برجی  
نام پدر: پیرولی  
نام مادر: عطیه  
تاریخ تولد: یکم تیر 1338  
محل تولد: روستای زنجیره علیا از توابع  
شهرستان شیروان و چرداول  
تحصیلات: دوم متوسطه  
ارگان اعزام کننده: ژاندارمری  
تاریخ شهادت: بیستم اردیبهشت 1361  
محل شهادت: خرمشهر  
نحوه شهادت: اصابت ترکش  
مزار: گلزار شهدای زادگاهش



## عبارت های کلیدی

- ا بارالها! از تو خواهانم با کمک این ملت غیور و مسلمان، انقلاب اسلامیمان به رهبری نایب امام زمان، پرچمش فراتر از مرزها رود و ندای اسلام و اسلام محمدی، سراسر منطقه را در برگیرد.
- ا بارالها! خدایا مستضعفان جهان را بر مستکبرین پیروز فرما.
- ا خدایا ما را در برقراری و پا بر جا شدن راه علی (7) کمک کن.
- ا خدایا، پروردگارا! من به خود می بالم، که سرباز اسلام هستم.
- ا بارالها! مرگ و شهادت من [را] در راه [خودت] قرار بده.
- ا افسوس که یک جان بیشتر نداشتم که در راه نایب امام زمان و در راه اسلام که راه برپا شدن حق و عدالت است، هدیه نمایم.
- ا من به خود می بالم که سرباز امام زمان و در ارتش حکومت اسلامی خدمتگزارم.

## عبدالولی برجی

### بسم الله الرحمن الرحيم

درود به روان پاک امام امت، رهبر مستضعفین جهان و رهبر دردمندان و رهبر مصیبت‌زدگان و رهبر زحمت‌کشان و مظلومین جهان، چرا که این طبقه دل به او بسته‌اند و امیدوارند که به رهبری و قیام حضرت صاحب‌زمان مهدی موعود (عج) متصل گردد. بارالها! از تو خواهانم با کمک این ملت غیور و مسلمان، انقلاب اسلامیمان به رهبری نایب امام‌زمان، پرچمش فراتر از مرزها رود و ندای اسلام و اسلام محمدی، سراسر منطقه را در برگیرد و نمونه‌ای از حکومت علی (7) در این منطقه استوار یابد. بارالها! خدایا، مستضعفان جهان را بر مستکبرین پیروز فرما، تا<sup>1</sup> مستضعفین خود سرنوشت خود را به دست گیرند، حضرت باری تعالی وضعیت ما را تغییر نمی‌دهد مگر آن‌که خود تصمیم بگیریم و اراده کنیم و با عزم راسخ و استوار راه علی (7) و صراط مستقیم را انتخاب نماییم. خدایا ما را در برقراری و پابرجا شدن راه علی (7) کمک کن. افسوس که من بیشتر از یک<sup>2</sup> جان در کالبدم وجود ندارد، که بتوانم با ایثار و از خودگذشتگی، اسلام عزیز را یاری نمایم. خدایا مرا ببخشید، اگر خدای ناکرده، حرفی بر علیه اسلام یا قدمی را بر علیه اسلام برداشته‌ام، چرا که از جهل و کوتاهی من بوده است. خدایا<sup>3</sup> پروردگارا! من به خود می‌بالم، که سرباز اسلام هستم، سرباز امام‌زمان و در ارتش حکومت اسلامی خدمتگزارم، بارالها! مرگ و شهادت من [را] در راه [خودت] قرار بده و بارالها، مرا برای کمک به احتزاز درآوردن پرچم مهدی (عج‌الله)، پرچم مستضعفین جهان یاری فرما. و خدایا، شهادت مرا جزء شهادت صدر اسلام ثبت بنما! جزء شهادت زمان حضرت ختمی مرتبت که از کل موجودات افضل و اشرف مخلوقات است، قرار بده. افسوس که یک‌جان بیشتر نداشتم که در راه نایب امام‌زمان و در راه اسلام که راه برپا شدن حق و عدالت است، هدیه نمایم.

1- در اصل وصیت «و».

2- در اصل وصیت «ین».

3- در اصل وصیت «خدا».

خدایا! من هر چه از تو خواستم در زندگی به من عطا فرمودی، حتی شهادت در راه خودت. لذا دریغ ننمودی، من چطور بتوانم از عهده شکر تو برآیم.

پدر عزیزم! می‌دانم که محبت من در<sup>1</sup> دل تو بسیار است و رنج و اندوه از دست رفتن من، برایت سنگین است، ولی در راه الله و در راه به ثمر رسیدن حکومت اسلامی، ناچیز است و از درگاه خداوند شما باید تشکر کنی که این نعمت را به شما ارزانی داشته و [شهادتم]<sup>2</sup> شما را از این ثواب برخوردار گردانیده است. پدر عزیزم تو را به حضرت باری تعالی سوگند می‌دهم که مرا فراموش کنی و مبادا خدای ناکرده گریه کنی و اجر و منزلت خود را در برابر پروردگار از میان ببری. پدر عزیزم از تو سپاسگزارم که این‌طور فرزندی تربیت نمودی و در راه اسلام عزیز، فدا کردی.

ای مادر عزیزم هم‌چون پدرم شما هم<sup>3</sup> برای من رنج‌های بسیار فراوان کشیده‌اید و شب‌های کوتاه و دراز پهلوی من نشسته‌اید و بی‌خوابی و زحمت‌های بسیار فراوان کشیده‌اید که من را به سن 18 سالگی یا بیشتر رساندی و من بی‌نهایت از آن لطف پر مهر و محبت شما ممنونم، که این چنین مادری [که] فرزند خود [را] به حد سربازی رساندی و او را در راه اسلام تقدیم داشتی. سلام بر تو ای مادر عزیز. امیدوارم که مرا فراموش کنی و مبادا که گریه و زاری نمایی و امیدوارم که چند ماهی که شیر حلال و نمک عزیز دل<sup>4</sup> تو را خوردم حلال نمایی و امید است که مرا فراموش کنی.

«والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته»<sup>5</sup>

1360/8/8

عبدالولی برجی

1- در اصل وصیت «از».

2- در اصل وصیت واژه «شهادتم» افتاده است.

3- در اصل وصیت «را».

4- در اصل وصیت «دلت».

5- در اصل وصیت «رحمت الله و برکات».

و است اسرار خودی و اسرار محمدی و اسرار علیی  
 و امام است رهبر مستضعفین جهان و رهبر ددمنان و رهبر مصیبت  
 مرگزاران و مظلومین جهان چرا که این طبقه دل بدو بسته اند و امید دارند که رهبری و پیام  
 حضرت صاحب خان مهدی موعود متصل گردد. بارالها! تو خوارانم با کمک این ملت عبود  
 و سلطان انقلاب اسلامیان به رهبری نائب امام زمان پرورش و تربیت مرزبانان و فدای  
 اسلام و مردم محمدی سراسر منطقه را در برگیرد و فدای آن حکومت علمی در این منطقه استوار  
 یابد بارالها خدایا مستضعفین جهان را بر سنگین ترین نیروز فریاد مستضعفین خود مرزبانان  
 خود را بدست گیرند حضرت یار تقیانی و ضعیف ما را عزیز می کند مگر آنکه خود تقسیم کنیم  
 دل را که کم و باغی را سع و استوار راه علی (ع) و در راه مستقیم و انتخاب نامیم.  
 خدایا ما را در برورانی و یار جباران راه علی (ع) کمک کن. افسوس که من بیشتر از  
 این جهان در کالبدیم وجود نداشته بودم با ایشان که خود نزد منی اسلام عزیز را باران نامیم. خدایا  
 مرا نبش که اگر خدایا ناکره حرفی علیه اسلام یا قدسی را علیه اسلام برآوردم. میگرداند که جهل و کورگی  
 منی من بوده است خدا پروردگار من به خود میبایم که سزاوار اسلام هستم سزاوار امام زمان و در  
 زین حکومت اسلامی خود شکر کنم بارالها مرز و شوارت من در راه و کار بد و بارالها مرا  
 بر آن کمک به اعتراف دعا کردنم میم مهدی پریم مستضعفین جهان یاری فرما. خدایا شوارت  
 مرا خیزه شوارتی عهد اسلام ثبت بنما چه شد ای زمان حضرت حق امرت که در کل وجودت  
 افضل و اشرف مخلوقات است. فرکر بدو. افسوس که یک جهان شکر نداشتم که در راه  
 نایب امام زمان و در راه اسلام کرده برای شدن حق و عدالت است هدیه نیام خدایا  
 من عرض از تو خواندم در زندگم ایمن اعطا نمود ائمه انوارت در راه خودت ای.



مخدوم من سید محمد تقی باقری از عهده شکر تو آمی .



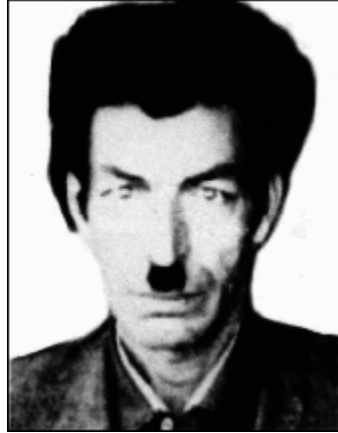
میدان که محبت من از دل تو سبب است و روح ما زنده اند است رحمت من است  
هرگز استغناء از تو ندارم - ای دل من که در راه شهادت ایستاده ای و در راه شهادت ایستاده ای  
خداوند شکر کند که کسی که این نعمت را به ما داد زانی ما را شکر و شکر تو را شکر و شکر تو را شکر است  
بید عزیزم تو را به ~~خداوند~~ حضرت ما را تقاضای شکر می‌کنم که مرا فراموش کنی و معافا خدا را نکرده  
گردد کنی و اجر و منزلت خود را در برابر پروردگار از میان ببری. بید عزیزم لذت بسیار شکر تو را که  
ایع خود روزی تری نیست مخدوم من در راه اسلام عزیز خدا کردی .

ای مادر عزیزم همچو مادری که در دنیا بسیار فرزندان کشته دادید و شبها گریه و دراز  
بهدوشی می‌نشسته‌اید و بخوابی و زحمت‌های بسیار فرزندان کشته دادید که من را بس  
۱۸ سالگی با تیر شادمانی و من ای ناست لذت آن لطف پر مهر و محبت شما محمودم  
که ای چنین مادری که فرزندان خود را در راه شهادت و راه اسلام تقدیم داشتی .  
سلام بر تو ای مادر عزیز امید دارم که مرا فراموش نکند و مبارک کند و در راه شهادت نماید  
و امید دارم که چند ماهی که در راه شهادت و جنگ عزیز دلت تو را حضورم هلال نماید  
و امید است که مرا فراموش کنی .

بسلامت و رحمت الله و برکات

۱۳۹۱ / ۱ / ۸

نام: کریم  
نام خانوادگی: برگگی  
نام پدر: سردار بک  
نام مادر: خاور  
تاریخ تولد: سوم مهر 1309  
محل تولد: روستای فاطمیه از توابع  
شهرستان شیروان و چرداول  
تحصیلات: بی سواد  
ارگان اعزام کننده: بسیج  
تاریخ شهادت: نهم مرداد 1366  
محل شهادت: گیلان غرب  
نحوه شهادت: اصابت گلوله  
مزار: گلزار شهدای زادگاهش



## عبارت‌های کلیدی

- ا اگر بعد از شهادتم بتوانم باز هم به دنیا برگردم دوباره راه امام را دنبال می‌کنم.
- ا می‌دانم راه امام خمینی راه حسین بن علی (7) است.
- ا ای مردم زنده دل و هوشیار، فرامین حضرت امام را با گوش و جان شنیده و در راه آن جان را فدا کنید.
- ا نگذارند این انقلاب اسلامی، به دست ناهلان و نامردان بیفتد.
- ا این انقلاب اسلامی احتیاج به نگهداری و پاسداری دارد.
- ا به دنیا ننگرید، چون که آخرتی در پیش دارید.
- ا آخرت را از یاد نبرید.
- ا اگر دنیا و مقام‌ها ماندنی بود، پس کو پدرانتان و یا اجدادتان؟

## کریم برگی

### بسم الله الرحمن الرحيم

من اگر بعد از شهادتم بتوانم بازهم به دنیا برگردم دوباره راه امام را دنبال می‌کنم، چون‌که می‌دانم راه امام خمینی راه حسین بن علی (7) است و راه حسین (7) راه محمد رسول‌الله (6) است. ای مردم زنده دل و هوشیار، فرامین حضرت امام را با گوش و جان شنیده و در راه آن جان را فدا کنید. وصیت من مخصوصاً به قشر نونهال و نوجوانان آگاه می‌باشد، که در برابر هر تهاجم سیاسی و نظامی شرق<sup>1</sup> و غرب<sup>2</sup>، با مشت‌های گره کرده، بایستند. نگذارند این انقلاب اسلامی، به دست ناهلان و نامردان بیفتد. امام خمینی کسی بود که نگذاشت بیشتر شما را استعمار کنند و شماها را از زیر چکمه‌های غرب و شرق نجات داد. پس این انقلاب اسلامی احتیاج به نگهداری و پاسداری دارد. از مشکلات<sup>3</sup> آن فرار نکنید، اگر مشکلی برایتان پیش آمد، اسلام [را] در رأس کلیه مسائل قرار دهید، چون‌که برای به‌دست آوردن آن شهدای بسیاری داده‌ایم. هرگز از این راهی که فرا راه خویش قرار داده‌ایم، عدول نکنید، که پیروزی شما در این راه است. این راه، راه تمام معصومین است. دنیا برای این راه خلق شده است. به دنیا ننگرید، چون‌که آخرتی در پیش دارید. اگر دنیا و پست‌ها و مقام‌ها ماندنی بود پس کو پدرانتان و یا اجدادتان، دنیا محل کشت است، آخرت را از یاد نبرید. در آخر، وصیت بنده به فرزندانم می‌باشد راهی را که انتخاب کرده‌اید از آن عدول نکنید. چون راه سعادت شما در این راه است. خداحافظ به امید دیدار در بهشت برین زهرا (3) و رسول (6).

1- ر.ک. تعلیقات.

2- ر.ک. تعلیقات.

3- در اصل وصیت «مشکلاتهای».

در زمانه کهنه...  
 من آن روز خدایم بر آنم بازم بر منا بزم و دیوار...  
 حسن علی دوست در صحنه اول...  
 این روز...  
 خدا کند...  
 دست...  
 اینست...  
 اما منی...  
 راه...  
 برای...  
 سوار...  
 نما...  
 در...  
 در...  
 در...  
 در...



نام: اسد  
نام خانوادگی: پرّه  
نام پدر: علی کاظم  
نام مادر: فرصت  
تاریخ تولد: یکم فروردین 1340  
محل تولد: روستای قلعه دره از توابع شهرستان مهران  
تحصیلات: در حد خواندن و نوشتن  
ارگان اعزام کننده: سپاه  
تاریخ شهادت: سی ام بهمن 1362  
محل شهادت: چنگوله  
نحوه شهادت: اصابت ترکش  
مزار: گلزار شهدای امامزاده پیرمحمد از توابع  
شهرستان زادگاهش



## عبارت های کلیدی

- ا پیام من این است که در راه خدا کوشا باشید.
- ا خدا با ماست.
- ا بنده روانه کربلا شدم و امیدوارم در این راه بکوشید.
- ا تا آخرین قطره خون خود باید بجنگیم.

## اسد برّه<sup>1</sup>

### بسم الله الرحمن الرحيم

با [آرزوی]<sup>2</sup> طول عمر و موفقیت کامل امام امت و با سلام به مردم شهید پرور ایران. اینجانب اسد برّه نام پدر علی کاظم ساکن ارکواز ملکشاهی قلعه دره. پیام من این است که در راه خدا کوشا باشید که خدا با ماست و بنده روانه کربلا شدم و امیدوارم در این راه بکوشید و تا آخرین قطره خون خود باید بجنگیم.<sup>3</sup> بدهکار به چند نفر 1- عسکر آرامیده 200 تومان 2- علی میرزا کریمی 90 تومان 3- صادق زینیان 70 تومان و برادران عزیزم هم یک به یک، علی زمان، عبدالله، سیف الله و فرج الله و کرم الله و مادر مهربانم از دل و جان عزیزترم و پدر عزیزم و خواهران عزیزم و تمام فامیل ها و اقوام<sup>4</sup> خویشان سلام مرا از پشت کوه های سر به فلک کشیده بپذیرید و جوابگوی آن باشید.

62/11/25

قربان شما اسد برّه

---

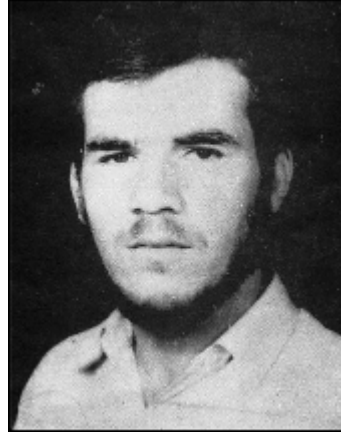
1- بالای وصیت دست نویس این جمله از حضرت امام خمینی تایپ شده است «هرگز از دشمن هراسی نداشته باشید، کسی که خدا با اوست از هیچ قدرتی جز قدرت او هراس ندارد».

2- برای صحت عبارت لازم است واژه «آرزوی» اضافه شود.

3- در اصل وصیت «باسلام».

4- در اصل وصیت «قومان».





نام: عبدالرحیم  
نام خانوادگی: بزرگی مقدم  
نام پدر: کریم  
نام مادر: نورخاص  
تاریخ تولد: یکم اردیبهشت 1342  
محل تولد: شهرستان آبدانان  
تحصیلات: پایان دوره کاردانی  
ارگان اعزام کننده: بسیج  
تاریخ شهادت: بیست و سوم فروردین 1362  
محل شهادت: شرفانی  
نحوه شهادت: اصابت ترکش  
مزار: امامزاده سیدصلاح‌الدین محمد زادگاهش

## عبارت‌های کلیدی

- ۱ امام رهبری [بود] که ستون‌های غرب [را] به لرزه انداخت و ریشه [نبی] عدالتی و ظلم را ریشه کن کرد.
- ۱ امام پرچمدار فیضیه قم، این میعادگاه انقلاب سازان و نقطه آغاز مسجد است.
- ۱ من امام را مسلمانی مجاهد، مجاهدی مومن، عابدی سرکش، سرکشی متواضع، متواضعی پیروز، پیروزی ساکت، ساکتی خروشان، می‌دانم.
- ۱ آمریکا وقتی دید یارای مقاومت با انقلاب را ندارد، با تحریک صدام کافر، جنگی خانمان‌سوز را بر ما تحمیل کرد.
- ۱ به‌خاطر خدا و با بینشی خالص به سوی جبهه شتافته‌ام.
- ۱ در «مراسم عبادی و سیاسی» [نماز جمعه] در پشت جبهه، رشد، آگاهی انقلابی و میزان تعهد و مسئولیت خود را به انقلاب نشان دهید.
- ۱ مشت محکمی بر دهان یاهوگویان شرق و غرب بکوبید.
- ۱ اگر تکه تکه تک‌ه‌ام کنند، مرا بسوزانند و به خاکستر تبدیل بشوم، در میان آتش، ذره‌های خاک‌ستر من صدا می‌زند: الله اکبر، خمینی رهبر.

## عبدالرحیم بزرگی مقدم

## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

«إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًّا كَأَنَّهُمْ بُتْيَانٌ مَرْصُومٌ»<sup>1</sup>

با نثار صمیمانه‌ترین سلام‌ها به رهبر کبیر انقلاب که فریاد آزادانه و جاودانه‌ای است بر ضد استکبار.

[...]<sup>2</sup> است که در دنیا طنین افکن شد و رهبری که بزرگترین رهبر برای نسل نو و یگانه راهنما و رزمنده‌ای دلیر و ابرمرد قرن بیستم و پیشوای سیاست رهبری که ستون‌های غرب [را] به لرزه انداخت و ریشه [بی]عدالتی و ظلم را ریشه کن کرد و رنگ شهرداری پهلوی را طرد کرد. رهبری که نور جاودانش از سرزمین مقدس ایران درخشیدن آغاز کرد و می‌رود تا بر سرزمین‌های اسلامی نور افشانی کند و بر کُلّ جهان پرتو افکند. رهبری که پرچمدار [ی] آزادی و داعی‌رهای و دعوت‌کننده مسلمین به وادی خوشبختی و به‌سوی قله‌های انسانیت [بود]، رهبری که نهضت اسلامی از اعماق اسلام عزیز جوشید. گویا «ستاره درخشانی بود که هم چون چراغی فروزان که سوختنش را از درختی مبارک که نه شرق و غرب است، روشن شد»<sup>3</sup> بالاخره رهبری که پرچمدار روحانیت مبارز است. روحانیتی که در طول تاریخ، حامل پیام سرخ حسین (7) بوده‌اند. روحانیتی که دست استعمار انگلیس [را] از سر عراق کوتاه کرد.<sup>4</sup> انحرافات قانون اساسی مشروطه [را] با خون خویش اصلاح کردند و سلطه انگلستان را بر رگ حیاتی ایران قطع کرد. بالاخره امام پرچمدار فیضیه قم، این میعادگاه انقلاب‌سازان قیام کرد و نقطه آغاز آن مسجد بود چون پایگاه تبلیغ پادگان ولی عصر محل تربیت انسان‌های محرک و متحرک است. من امام را

1- صف/4. ترجمه «خداوند کسانی را که در راه او در صف جهاد با کافران مانند سد آهنین هم‌دل است و پایدار بسیار دوست می‌دارد».

2- خوانا نیست.

3- عبارت شهید ترجمه بخشی از آیه 35 از سوره نور است: «كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبَارَكَةٍ زَيْتُونَةٍ لَا شَرْقِيَّةٍ وَلَا غَرْبِيَّةٍ».

4- در اصل وصیت «برید».

مسلمانی مجاهد، مجاهدی مومن، مومنی زاهد، عابدی سرکش، سرکشی متواضع، متواضعی پیروز، پیروزی ساکت، ساکتی خروشان، می دانم. پس او را دعا کنید و با سلام به ارواح مطهر شهدای انقلاب، این شاهدان همیشه زندهٔ صفحه‌های تاریخ، بنده عبدالرحیم بزرگی، طبق وظیفه‌ام وصیت‌نامه و تذکرات خود را به شرح ذیل معروض می‌دارم.

1- انقلاب اسلامی ایران به دلیل داشتن اصالت اسلامی و جوهر مکتبی و ارائه یک تیز جدیدی برای مستضعفین جهان، که به حق انقلابی است در [بین] انقلاب‌ها والگویی برای سایر انقلاب‌ها از همان روزهای اول مورد تهاجم نظامی اقتصادی فرهنگی سیاسی دشمنان قرار گرفت و می‌خواستند به نحوی از آنجا به صورتی از صُور، انقلاب را از تحرک منع و از مسیر اصلی منحرف سازند. البته با حربه‌های مختلف. یک روز غائله کردستان، یک روز توطئه گنبد، تحریم اقتصاد [ی]، حمله نظامی، که اینها همه با اتکای به خدای واحد و با الهام از رهنمودهای پیامبر گونه امام و ایثار بی‌دریغ امت مسلمان خنثی و نتوانست کارساز باشد. آمریکا وقتی دید یارای مقاومت با انقلاب را ندارد. با تحریک صدام<sup>1</sup> کافر جنگی خانمان سوز را بر ما تحمیل کرد، که ما به وضوح دست آمریکا را پشت این جریان مشاهده می‌کنیم و در این که صدام نیرویی است باطل و ما حق هستیم، هیچ شک و شبهه‌ای نداریم. بنابراین وظیفه شرعی و دینی اقتضا می‌کند که با قلبی مملو از ایمان به خدا، به‌سوی جبهه‌های جنگ شتافته و با نبرد و پیکار بی‌امان خود. این جرثومه فساد را نابود ساخته و کربلای عزیز [را] که زیارت آن آرزوی همه است، از حاکمیت صدامیان کافر آزاد کنیم و با لطف و عنایت پروردگار، پرچم اسلام را بر فراز عراق به احتزاز درآوریم، لذا اعلام می‌کنم، بنده با آگاهی کامل و عشق و علاقه به اسلام و لبیک به پیام امام و به‌خاطر خدا و با بینشی خالص به سوی جبهه شتافته‌ام و آمده‌ام که نشان دهم که تا آخرین قطره‌های خون از این انقلاب حمایت نموده و با نثار جان خود نشان دهم که حاضریم مادران ما داغدار و در سوگ عزیزان بسوزند و فرزندان یتیم از بهر پدر ناله کشند<sup>2</sup> و مردم ما از شهرها هجرت

1- ر.ک. تعلیقات.

2- در اصل وصیت «کشد».

کنند و هر روز دشمن، جنایت فجیعی مرتکب شود، ولی به تبع از سرور شهیدان صدا بزیم «هیئات منّا الذکّه».

بنابراین از کلیه برادران عزیز می‌خواهم (به‌خصوص همشهریان) با حضور مستمر خود و با تقویت جبهه‌های جنگ، مردانه به‌سوی جبهه بشتابند و ثابت کنند که ایران اسلامی حاضر است واقعاً با قامتی بلند، در مقابل کفر جهانی بایستند. برادران عزیز آبدانانی از شما می‌خواهم با حضور خود در جبهه‌های جنگ و با شرکت خود در «مراسم عبادی و سیاسی»<sup>1</sup> در پشت جبهه، رشد، آگاهی انقلابی و میزان تعهد و مسئولیت خود را به انقلاب نشان داده و مشت محکمی بر دهان یاوه‌گویان شرق و غرب بکوبید و تنفر و انزجار خود را از دشمنان اسلام اعلام بدارید و بدانید عدم حضور در صحنه، خیانت به قرآن و امیدوار کردن دشمن است. بدانید فردا قیامتی در پیش است و داستان قیامت داستانی حقیقی است، اگر نمی‌دانی سعی کن بدانی، اگر می‌دانی سعی کن ببینی، اگر می‌بینی سعی کن عمل کنی. به خدا، به خدا، به خدا فردا دفترچه اعمال [را] جلویت می‌گذارند. تو چیزی نداری، جوابی نداری، جز یک چیز و آن افسوس بر عمری که گذشت و بدانید به قول شهید بهشتی<sup>2</sup> «بهشت را به بهانه ندهند به بها دهند».<sup>3</sup>

آبدانانی‌های عزیز با شرکت فعال خود مراسم پر صلابت و وحدت‌آفرین<sup>4</sup> را به‌نحو احسن برگزار نمایند و با امام جمعه که به‌حق فردی است مؤمن و متعهد همکاری لازم مبذول بدارید.

2- به همه برادران و خواهران، توصیه می‌کنم که به رهنمودها و فرامین امام کاملاً توجه داشته و او را تنها نگذارند و فرمایشات او را جهت خودسازی در وجود خود پیاده نموده و به آن مقید بوده و بدانید تخلف و عدم اطاعت از این رهبر، این سلاله پاک رسول‌الله، عدم

1- غرض از مراسم عبادی و سیاسی، نماز جمعه است. امام خمینی در حکم انتصاب امام جمعه شهر دمشق فریضه نماز جمعه را فریضه‌ای عبادی سیاسی معرفی می‌کند (صحیفه امام، ج 20، ص 493).

2- ر.ک. تعلیقات.

3- عبارت بهشت را به بها دهند نه بهانه، ترجمه‌ای است از این حدیث نبوی (6): «حَفَّتِ الْجَنَّةُ بِالْمَكَارِهِ وَ حَفَّتِ النَّارُ بِالشَّهَوَاتِ». (نهج‌الفصاحه، حدیث 1378، ص 384).

4- غرض از مراسم پر صلابت و وحدت‌آفرین، نماز جمعه است.

اطاعت از رسول است و تنها کسی که می‌تواند جامعه را از منجلابِ فساد، بیرون آورد و به سیر الی‌الله هدایت کند، اوست و یقیناً خط او منطبق با<sup>1</sup> خط اسلام اصیل است.

3- به جوانان عزیز توصیه می‌کنم که افکار التقاطی و انحرافی که از چهار چوب و بعد حیوانیت انسان تجاوز نمی‌کند و به مغز آنها القاء نموده بیرون ریخته و به قرآن کریم تمسک جویند و به خط امام روی آورید که همانا شاه راه سعادت بشر، در همین است و هر خط دیگری مطرود و طاغوت است و بدانید انقلاب اسلامی ایران به هیچ وجه شکست نمی‌خورد و تا انقلاب مهدی (عج) به قوت خود باقی و مستدام و بعد به صاحب اصلی تحویل داده می‌شود. سپس به فکر این نباشید، فردا این جمهوری شکست می‌خورد و آنها قدرت را به شما اغفال شدگان می‌دهند، خیر، این خیال واهی و خواب به روز نرسیده [را] از مغز پُرت دور<sup>2</sup> کنید<sup>3</sup> نگذارید عده‌ای فراری سرمایه‌دار، در کرملین<sup>4</sup> پاریس و واشنگتن<sup>5</sup> برای آنها خط و جهت تعیین<sup>6</sup> نمایند و ملعبه دست عده‌ای خود فروخته نباشید. جای تاسف و افسوس است که جوان با اصالت خاص اسلامی فکرش را بدست رجوی خائن بدهد. به هوش بیایید و گرنه خدا شما را به عذاب دردناک مبتلا می‌سازد و بدانید جهان‌بینی ما چنان قوی و محکم است، که هیچ مکتبی نمی‌تواند، در مقابل آن عرض وجود نماید. شما مانند تکه‌های ابر مقابل آفتاب و کف روی آب و قطره‌های از دریا جدا هستید، که اگر به ملت متصل نشوید، هلاک و محو خواهید شد پس چه بهتر است، به خود بیایید. شخصیت خود را در یابید و ملت حاضر است با کمال صمیمیت شما را در آغوش بگیرد.

4- به معلمین و محصلین عزیز، توصیه می‌کنم که با تمسک [به] قرآن کریم و تبعیت کامل از امام عزیز و تزکیه نفس و مسلط شدن بر وساوس شیطانی و هواهای نفسانی و مسلح شدن به سلاح آگاهی و تأمل و تعمق در متون اسلامی و کتاب‌های درسی و با مد نظر

1- در اصل وصیت «به».

2- در اصل وصیت «بدور».

3- در اصل وصیت «نگهدارید».

4- ر.ک. تعلیقات.

5- ر.ک. تعلیقات.

6- در اصل وصیت «تعیین».



داشتن و آویزه گوش کردن<sup>1</sup> این سخن امام که «علم و تهذیب مانند دوبالی است که با یکی نمی‌شود پرواز کرد» و این مملکت [را] به‌سوی استقلال فرهنگی سوق داده و در سنگر آموزش و پرورش از اسلام عزیز و ملت مظلوم دفاع نمایند و مواظب افکار انحرافی و غیر اسلامی بوده که خدای نخواستہ درون این ارگان که پایه و اساس مملکت است نفوذ نکنند و [آمادگی] خود را برای جهاد و پیکار و مبارزه مستمر فکری و عقیدتی با دشمنان اسلام اعلام بدارید.

5- از پدر و مادر و خواهران و برادران عزیزم که این حقیر آنها را زیاد اذیت و آزار داده‌ام می‌خواهم، مرا عفو و حلال نمایند. اگر نافرمانی از فرزند حقیر دیدید<sup>2</sup> مرا ببخشید و از آنها می‌خواهم در سوگ من گریه نکنند و من گریه نمی‌خواهم، احتیاج به پیرو دارم. با رفتن من سلاح به‌دست گیرید و از اسلام عزیز دفاع کنید و به مادرم می‌گویم من از حسین (7) که بیشتر نیستم. باید با صبر و طاقت و تحمل در سوگ من دین خود را به انقلاب ادا کنند. مادر مگر خون من<sup>3</sup> گلگون‌تر است از خون حسین (7) است.<sup>4</sup> مادر افتخار کن. شاد باش. خوشحال باش که خدا این سعادت را به شما داده، فرزندان را در راه او نثار نمایند و همه کس این سعادت را ندارد. مادر حلالم کن، حلالم کن، پدر حلالم کن پدر حلالم کن. هم‌چنین از کلیه برادران آبدانانی و برادران جهاد سازندگی که مدت زیادی با هم بودیم و غیر از نیکی چیزی از آنها ندیده‌ام می‌خواهم اگر اذیت و آزاری از بنده دیده‌اند مرا عفو نمایند اگر حقی بر گردنم دارند مرا حلال کنند و از آنها می‌خواهم بر سر قبرم بیایند و از صمیم قلب خالصانه مرا حلال نمایند و از خدا بخواهند مرا عفو نمایند و بنده هر حقی و چیزی بر گردن کسی دارم در رضایت کامل حلال می‌نمایم امیدوارم حلال کنید.

1- در اصل وصیت «آویزه دادن».

2- در اصل وصیت «دارید».

3- در اصل وصیت «خون من» افتاده است.

4- در اصل وصیت «بی رنگم».

6- در مراسم تشیع جنازه بنده گریه وزاری و شیون ننمایند، فقط برای امام شعار دهید و از همه می‌خواهم هنگامی که کربلای حسین (7) به همت رزمندگان عزیز، آزاد شد، کنار قبر حسین (7) عزیز رفته و مرا دعا کنید.

7- از برادران عزیز دهلران که سروران ما هستند، حلالیت می‌طلبم و از خدا می‌خواهم هر چه زودتر به وطن خود رجعت نموده و آنها بدانند در پیشگاه خدا اجر عظیمی دارند، خدا شما را توفیق دهد. بنده از نزدیک اخلاص و فداکاری و تعهد شما بالاحض جوانانتان را مشاهده نموده‌ام. مرا حلال نمایید.

8- در آخر و پایان از کلیه مسئولین می‌خواهم به «پیام 8 ماده‌ای امام»<sup>1</sup> خوب توجه کرده و آن را یک پیام و نصیحت ندانند. آن را یک حرکت نوینی از انقلاب و مرحله‌ای جدید از انقلاب که جریان‌های انحرافی را اصلاح کرد و خوب است آن را انقلاب چهارم بدانند. اگر تکه تکه کنند، مرا بسوزانند و به خاکستر تبدیل بشوم، اگر در میان آتش ذره‌های خاکستر [م] صدا می‌زنند: الله اکبر خمینی رهبر. امیدوارم صحنه جهان با وسعتش به یک دادگاه الهی مبدل شود که حاکمان آن مسلمین و محکومین آن کافران باشند. آنها را به اشد مجازات برسانند. خدایا خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگه‌دار «هیئات منّا الذّله»

همه مرا حلال کنید

عبدالرحیم بزرگی مقدم

---

1- اشاره دارد به پیام تاریخی و مهم حضرت امام که به پیام هشت ماده‌ای معروف شد. در این پیام حضرت امام رهنمودهای بسیار مهم و سرنوشت‌ساز و راهگشایی برای مردم و به‌خصوص دستگاه‌های دولتی صادر کردند و از انحراف و افراط و تفریط در شیوه‌های اجرا و تعامل با مردم جلوگیری شد.



من امام راستی را میباید چاهدی مؤمنان مؤمنان را هر جا که در سرزمین سرزمین سرزمین  
 میماند پیروز پیروز، سادات سادات، زوربانان میروند پس ایام و ایام به ارفع ارفع  
 سرگای انتداب این شاهزادگان، سینه زدن و سرفه های تاریخ نیز عبدالرحیم بزرگی صاحب امام و سزا  
 و مدد لای خضر و شمشیر ذیل معروف میباشم

۱- انعقاد اتحاد ایوان مجید در شرف امامت اسلامی روح پرورگی و اراده و در هر یک  
 برای سستیفی کردن اتحاد اسلامی در ایلام و برای سستیفی کردن اتحاد اسلامی در ایلام و برای سستیفی کردن اتحاد اسلامی در ایلام  
 امل بودیم تا همه سادات و ساداتی در شان قرار گرفت و در شان قرار گرفت و در شان قرار گرفت  
 به صورت انبساط از آنرا منع و از سستیفی معروف سازند و با دیدهای مختلف سستیفی  
 کوشش های رضوانه اندر حقوق امام در خطبه های که اینها میباشند و ایام و ایام  
 از همه و های دیگر فواید امام و اینها در تاریخ سستیفی و در شان قرار گرفت و در شان قرار گرفت  
 تمامت با انطباق با اتحاد و اتحاد با فریبی خاندان شور و در شان قرار گرفت و در شان قرار گرفت  
 در شان قرار گرفت و در شان قرار گرفت و در شان قرار گرفت و در شان قرار گرفت  
 هیچکس در شان قرار گرفت و در شان قرار گرفت و در شان قرار گرفت و در شان قرار گرفت  
 به سوی همه های جنب سستیفی و با شرف و در شان قرار گرفت و در شان قرار گرفت  
 و در شان قرار گرفت و در شان قرار گرفت و در شان قرار گرفت و در شان قرار گرفت  
 و در شان قرار گرفت و در شان قرار گرفت و در شان قرار گرفت و در شان قرار گرفت  
 با اتحاد کامل و سستیفی سستیفی و سستیفی سستیفی و سستیفی سستیفی و سستیفی سستیفی  
 سستیفی سستیفی و سستیفی سستیفی و سستیفی سستیفی و سستیفی سستیفی و سستیفی سستیفی  
 جان خود را فدای اتحاد و اتحاد با اتحاد و اتحاد با اتحاد و اتحاد با اتحاد و اتحاد با اتحاد  
 از سر و پای اتحاد و اتحاد با اتحاد و اتحاد با اتحاد و اتحاد با اتحاد و اتحاد با اتحاد  
 حتی به تبع ایلام و سستیفی سستیفی و سستیفی سستیفی و سستیفی سستیفی و سستیفی سستیفی



بسم الله الرحمن الرحيم

۱۳۶ / /

خداوند!... تو خود میدانای عملکرد ما، نه برای آن است که بذر باست و سلطنت

دست پاییم و یا از روی دشمنی و کینه نوزی، سخن بگوئیم، لیکن، پیکار ما برای این است که

پرچم آئین تو را بر افراشته گردانیم.

(حضرت امام حسین علیه السلام)

### امریکا هیچ غلطی نمی تواند بکند

(امام خمینی)

دنبال این انقلاب بودم، عزیزی میام (مجلس) با منور ستر نور و با شرف

پیکار می کردیم، بودند بسجده ما ضیا بند، بود بافت لنگ، نماز اسلام و اما امام می گفت

و ما با شرف و با شرف بودم، عزیزی میام (مجلس) با منور ستر نور و با شرف

جانت با شرف و شرف بودم، عزیزی میام (مجلس) با منور ستر نور و با شرف

و مسئولیت خود را بجا آورده، نه تنها که داده است، حتی بدیدمان میاوه، در میان ستر

بک پیروید و از جا میزدند، از اسلام، اسلام، بدارند، و بدارند، خدا هست و در میان

به خدا، که ما بدو را در دعوت، بداند، خود را میبندد، در میان، و بداند، که ما بدو را

ابو محمد، که میگویند، بداند، انور، میگویند، بداند، انور، میگویند، بداند، انور

نزد خدا، که ما بدو را در دعوت، بداند، خود را میبندد، در میان، و بداند، که ما بدو را

امین، که بدو را در دعوت، بداند، خود را میبندد، در میان، و بداند، که ما بدو را

و السلام علیکم و الرحمة اللہ وبرکاته

اعوان سپاه پاسداران لشکر ۳۱ عاشورا









نام: علی  
نام خانوادگی: بنده  
نام پدر: حسین  
نام مادر: قدم  
تاریخ تولد: پنجم شهریور 1294  
محل تولد: روستای پشتکوه از توابع  
شهرستان مهران  
تحصیلات: در حد خواندن و نوشتن  
ارگان اعزام کننده: بسیج  
تاریخ شهادت: دوم اسفند 1363  
محل شهادت: چنگوله  
نحوه شهادت: اصابت گلوله  
مزار: بخش صالح آباد شهرستان زادگاهش



## عبارت‌های کلیدی

- ۱ من وظیفه خود می‌دانم که بروم و می‌روم، تا به گفته امام امت لبیک گفته باشم.
- ۱ خدایا عبادتم، حرکتم و جبهه رفتنم، تمام به خاطر رضای توست.
- ۱ خدایا درهای رحمت، دریای شفاعت را بر روی من حقیر بگشا.
- ۱ امام عزیزم ای نجات دهنده محرومان جهان و ای چراغ پر فروغ امامت، بدان که با تو پیمان بسته‌ام تا قطره خونی که دارم نثارت کنم.
- ۱ ای امام گفته‌هایت را به جان و دل می‌خرم و هر چه بگویند همان است.
- ۱ گفته تو گفته پیامبر اسلام است و گفته پیامبر اسلام از گفته خداست.
- ۱ ای مردم مسلمان ایران خداوند بر همه ما منت نهاد و راهنمایی دلسوز و رهبری بیدار برایمان در این عصر فرستاده است.
- ۱ ای مردم مسلمان پشت سر او حرکت کنیم و پیرو خط او باشیم که هستیم.
- ۱ من امانتی بیش نبودم در این دنیا، روزی [که] آمدم، به امید ماندن برای همیشه نیامدم، آمدم که بازم بروم ولی چه بهتر که با عاشقان خدا بروم.

## علی بنده

### بسم الله الرحمن الرحيم

من وظیفه خود می دانم که بروم و می روم، تا به گفته امام امت لبیک گفته باشم. می روم تا با خدایم معامله کنم. یعنی جان بدهم و آنچه لیاقت آن را دارم بدهم. نه به خاطر بهشت نه به خاطر شفاعت، بلکه آنچه لیاقت آنرا دارم به من عطا کند. خدایا! تو بزرگتر از آن هستی که من بخواهم تو را بزرگ کنم. زبان حقیر من گویای همه لطف و صفای تو نیست. خدایا عبادتم، حرکتم و جبهه رفتنم، تمام به خاطر رضای توست. پروردگارا خانه و زن و بچه را فدای تو می کنم [...] <sup>1</sup> و آنها را تنها می گذارم و می دانم سرپرست و محافظ آنها بعد از من، تویی و این تویی که روزی رسان همه بندگان ضعیف و بیچاره می باشی <sup>2</sup> خدایا درهای رحمت، دریای شفاعت را بر روی من حقیر بگشا. «الهی آمین یا رب العالمین».

امام عزیزم ای نجات دهنده محرومان جهان و ای چراغ پرفروغ امامت، بدان که با تو پیمان بسته ام تا [قطره خونی که دارم نثارت کنم و با تو پیمان می بندم که جانم را فدای راهی که به من داده اید بکنم تو کسی هستی که چراغ روشنایی زندگی ما هستی <sup>3</sup>. ای امام گفته هایت را به جان و دل می خرم و هر چه بگوئید همان است و گفته تو گفته پیامبر اسلام است و گفته پیامبر اسلام از گفته خداست.

و اما ای مردم مسلمان ایران خداوند بر همه ما منت نهاد و راهنمایی دلسوز و رهبری بیدار برایمان در این عصر فرستاده است. قدرشناس باشیم، گفته هایش را با جان و دل پیروی کنیم. مبدا یک لحظه خدای ناخواسته قلبمان از او جدا شود. پشت سر او حرکت کنیم و پیرو خط او باشیم که هستیم، در دعاها و نیایش ها او را فراموش نکنیم و از خدا بخواهیم وجود نازنین او را برایمان حفظ کند.

و اما شما خانواده عزیزم من امانتی بیش نبودم در این دنیا، روزی [که] آمدم، به امید ماندن برای همیشه نیامدم، آمدم که بازم بروم ولی چه بهتر که با عاشقان خدا بروم. و بدانید

1- چند واژه در اصل وصیت افتادگی دارد.

2- در اصل وصیت «می باشید».

3- در اصل وصیت «هستید».

که دیگر پیکر من با سنگ ریزهای داغ بیابان جبهه، انس نگرفته است، به سوی شما باز نخواهم گشت، مگر بی جان و بی روح، مگر غلتیده در خون خود و آنگاه می‌فهمید که من امانتی در بین شما بوده‌ام. هر امانتی باید روزی به صاحب اصلی آن برگردد و من هم چون امانتِ خدا در پیش شما هستم، لذا باید بروم. بگذارید با شهادت من، از همیشه سر بلندتر باشید. بگذارید پیمانتان با رهبر محکم‌تر باشد. عبادت شما بگذارید برای آنهایی که نفهمیده‌اند در این دنیا امانتی بیش نیستند، نمونه باشد. اخلاقتان آنطوری که خواست خدا [است]، باشد. حجابتان کاملاً اسلامی باشد که این سفارش همه شهیدان است نه فقط من، برخورداران با مردم حرکتتان در جامعه بگذارید حسین‌وار و زینب‌گونه باشد. حضرت زینب (3) با اسارت خود خون حسین (7) را به دنیا صادر نمود. دنیا را به لرزه درآورد. نوجوانان را به سوی میعادگاه شهادت جبهه‌ها سوق<sup>1</sup> دهید و بدانید که نصرت خداوند از آن ملت مسلمان ایران است. دیگر از این بیشتر نمی‌خواهم مزاحم شوم. و از تمام برادران و خواهران مسلمان طلب حلالیت دارم. دعای همیشگی را فراموش نکنیم.

خدایا، خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگه‌دار

«وَالسَّلَامُ عَلَیْكُمْ»

علی بن‌دمه (میری)

به امید پیروزی خون بر شمشیر.



مرکز اسنادی ایلام

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

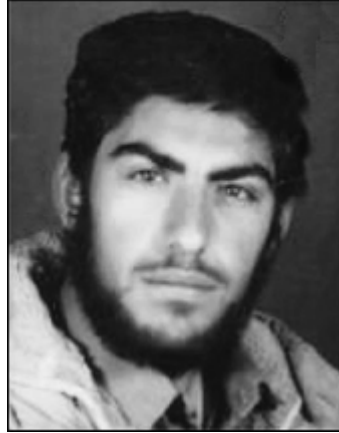
خود می دانم که بروم و میروم تاریخ گفته امام است لبیک گفته باشم میروم تا با خدایم معامله کنم یعنی من بدهم و آنچه لیاقت آنرا دارم بدهم نه بخاطر بهشت نه بخاطر شفاعت بلکه آنچه لیاقت آنرا دارم به من عطا کند ، خدایا تو بزرگتر از آن هستی که من بخواهم تورا بزرگترم زبان حقیر مسن گویای همه لطف و سفای تو نیست خدایا عبادتم حرکت و جبهه رفتنم تمام به خاطر رضای توست پروردگارا خانه وزن و بجه را فدای تو می کنم . . . و آنها را تنها میگذارم و میدانم سرپرست و محافظ آنها بعد از من تویی و این تویی که روزی رمان همه بتنگان شعیف و بیچاره میراشد، خدایا درهای رحمت دریای شفاعت را بر روی من حقیر بگشا اللهم آمین یا رب العالمین . . .

امام عزیزم ای نجات دهنده محرومان جهان و ای چراغ پر فروغ امامت بدان که با تو پیمان بسته نظیره غویی که دارم نثارت کنم و با تو پیمان می کنم نه خانم را فدای راهی که به من داده اید بکنم تو کسی هستی که چراغ روشنائی زندگی ما هستی ای امام گفته هایت را به جان و دلم می برم و هرچه بگویم همان است و گفته تو گفته پیامبر اسلام است و گفته پیامبر اسلام از گفته خداست  
و اما ای مردم مسلمان ایران خداوند بر همه ما امانت داد و راهنماش دلسور و رهبری بیدار برایمان در این عصر فرستاده است قدر شناس باشیم گفت . . . پس را یا جان و دل پیروی کنم میانه تک لحظه خدای ناخواسته قلیمان از او جدا شود پشت سر او حرکت کنیم و پیرو خط او باشیم که هستیم در دعاها و نیایش ها او را فراموش نکنیم و از خدا بخواهیم وجود نازنین او را بر ایمان حفظ کند .

و اما شما خانواده عزیزم من امانتی بیش نبودم در این دنیا روزی آدمم به امید ماندن برای همیشه نیادمم آدمم که باز بروم ولی چه بهتر که با عاشقان خدا بروم و بدانید که دیگر بیکر من یا سنگریزه های نایب بیابان جبهه انس گرفته است، به سوی شما باز نظاره گشت مگر بی جان و روح ، مگر غلبه در خون خود و آنگاه می فهمید که من امانتی در بین شما بوده ام هر امانتی یا پیروزی به صاحب اصلی آن برگردد و من همچون امانت خدا در پیش شما هستم لذا باید بروم بگذارید یا شهادت من از همیشه سر بلندتر باشید، بگذارید پیمانتان با رهبر محکمتر . شد، عبادت شما بگذارید برای آنها کسی که نفهمیده اند در این دنیا امانتی بیش نیستند نمونه باشد اخلاقشان آنطوریکه خواست خداست باشد ، حجابتان کاملاً اسلامی باشد که این سفارش همه شهیدان است نه فقط من ، برخوردارتان با مردم حرکتتان در جامعه

حسین وار و زینب گونه باشد ، حضرت زینب با اسارت خود خون حسین (ع) را به دنیا صادر  
نموده ما را به لوزه در آورده و جوانان را به سوی میعادگاه شهادت جبهه‌ها شوق دهد و بداند  
مرکز اسناد ایثارگران  
برای ایران و خواهان مسلمان طلب حلالیت ارم ..  
خدایا همیشه را فراموش نکنیم %  
خدایا خدایا تا انقلاب موعودی غمینی را نگه دار  
والسلام تالکیم  
فلسی بنظرم سوزی  
به امید پیروزی خون بر شمشیر

نام: علی  
نام خانوادگی: بیگزاده  
نام پدر: مهدی خان  
نام مادر: سکینه  
تاریخ تولد: نهم آذر 1348  
محل تولد: روستای بیسه دراز از توابع  
شهرستان دهلران  
تحصیلات: پایان دوره راهنمایی  
ارگان اعزام کننده: سپاه  
تاریخ شهادت: دوم تیر 1366  
محل شهادت: ماوت عراق  
نحوه شهادت: اصابت ترکش  
مزار: گلزار شهدای شهرستان آبدانان



## عبارت‌های کلیدی

- ۱ حالا که موقع جنگ است و احتیاج می‌باشد که ما در جبهه باشیم، باید برویم، حتی اگر کشته شویم و یا نشویم و به پیروزی برسیم.
- ۱ معتقدیم حق مظلوم را باید از ظالم گرفت.
- ۱ این جنگ بر ما تحمیل شده و ما هم با کفار می‌جنگیم و سازش نمی‌کنیم.
- ۱ از همان روزهایی که همراه دیگر برادران رزمنده عازم جبهه شدم، خودم را آماده شهادت در راه خدا ساختم.
- ۱ کاش بنده هم لیاقت داشتم که شهید شوم.
- ۱ برادران مرا به اسلام و قرآن و کتاب‌های دینی فراخوانند و آنها را علی‌اکبر (7) و علی‌اصغر (7) وار به بار آورند.
- ۱ در ضمن خواهرانم را با حجاب بار بیاورند، تا خداوند از شما خشنود گردد.
- ۱ چون در آخر مرگ به سراغ ما می‌آید، بهتر آن است که ما در راه خدا کشته شویم.

## علی بیگزاده

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ رَبِّ الشَّهَدَاءِ وَالصَّادِقِينَ

قرآن کریم «وَيُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُحِقَّ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ وَيَقْطَعَ دَابِرَ الْكَافِرِينَ لِيُحِقَّ الْحَقَّ<sup>1</sup> وَيُبْطِلَ الْبَاطِلَ وَلَوْ كَرِهَ الْمُجْرِمُونَ»<sup>2</sup>

«خداوند می‌خواهد به وسیله جهاد و قتال، حقیقت اسلام و صدق گفتارش بر همه آشکار و روشن گردد و ریشه کفر و تجاوز و اساس ظلم و قطع و نابود شود، تا حقیقت دین اسلام را ثابت و پایدار گرداند و باطل را نابود سازد. هر چند خیانتکاران و بدکاران ناراحت شوند».

با درود و سلام به پیشگاه مقدس ولی عصر (عج) با درود و سلام بر امام امت خمینی بت شکن و با درود و سلام بر شهدای کربلا و این جنگ تحمیلی.

ابتدا وصیتم را آغاز می‌کنم با مسایلی از شهادت در راه خدا بنده کوچکتر از آنم که به مردم نصیحت<sup>3</sup> کنم بنده باید از حسین (7) درس بگیرم که توانست با کفار بجنگد و شهید شود و نزد خدایش برود و حسین (7) وقتی می‌خواست به طرف معرکه جنگ برود، به اصحابش گفت: (آیا نمی‌بینید که حق و حقیقت از نظرها افتاده است و دیگر عمل به آن نمی‌شود و این که باطل رواج گرفته و جایگزین حق شده، بنابراین مؤمن متعهد حقیقی در چنین وضعیتی باید خود را آماده ملاقات با پروردگار خویش نماید)<sup>4</sup> یعنی وظیفه مؤمن در مقابل باطل جهاد و قتال با باطل است، گرچه [منجر] به کشته شدن و شهادت باشد.

پس حالا که موقع جنگ است و احتیاج می‌باشد که ما در جبهه باشیم، باید برویم، حتی

1- در اصل وصیت «الحق» افتاده است.

2- قسمت آخر آیه 7 و تمام آیه 8 از سوره انفال است. واژه «لیحق» را هم جابجا آورده است و قسمت آخر آیه را نیز نیاورده، اما ترجمه آن را آورده است.

3- در اصل وصیت «وصیت» بجای نصیحت آمده است.

4- ترجمه این سخن حضرت امام حسین (7) است: «لا ترون أن الحق لا يعمل به و أن الباطل لا يتهي عنه ليرغب المؤمن في لقاء الله». (بحار الأنوار، ج 75، ص 116، باب مواعظ حسین بن علی (7)).

اگر کشته شویم و یا نشویم و به پیروزی برسیم و در هر دو صورت پیروزی از آن اسلام است و چون در آخر مرگ به سراغ ما می آید، بهتر آن است که ما در راه خدا کشته شویم و در این مورد علی (7) می فرماید: (ای مردم مرگ همه را فرا می گیرد، [در] هیچ کس توانایی نجات از چنگال مرگ را ندارد و هرکس در هر وضعیتی و حالتی باشد به چنگال آن گرفتار خواهد شد، پس متوجه باشید که باشرفترین مرگها را انتخاب کنید، که همانا کشته شدن در راه خدا خواهد بود و انسان از موقع به وجود آمدن در مقابل دو نیروی متضاد (حق و باطل - عقل و نفس اماره و پیغمبر و شیطان) قرار گرفت و از همان اول عداوت و عدم سازش بین آن دو بوده است و در هر حال جنگ و گریز بوده است و هستند. همانند هابیل<sup>1</sup> و قابیل<sup>2</sup> ابراهیم و نمرود، موسی و فرعون<sup>3</sup>، عیسی و... و رسول اکرم (6) و امام علی (7) و خلاصه در هر زمان بین حق و باطل مبارزه بوده و است و خواهد بود و این دو سازش با یکدیگر نخواهند داشت و ما هم معتقد نیستیم به<sup>4</sup> این که حق فقط دادنی است، بلکه معتقدیم حق مظلوم را باید داد و حق را از ظالم باید گرفت و اکنون این جنگ بر ما تحمیل شده است و ما هم با کفار می جنگیم و سازش نمی کنیم، تا آخرین قطره خون که در بدن داریم تا بر دشمن غلبه کنیم و مانند حسین (7) که فرمود: «هیئات منا الذلّة»<sup>5</sup> یعنی «زیر بار ذلت نخواهیم رفت» ما هم زیر بار ذلت نخواهیم رفت، تا به پیروزی برسیم. بنده از همان روزهایی که همراه دیگر برادران رزمنده عازم جبهه شدم، خودم را آماده شهادت در راه خدا ساختم و چه زیبا مرگی و چه مرگ با عزتی که خداوند در قرآن کریم توصیه های فراوانی درباره شهادت فرموده است. در پایان از ملت غیور ایران خواهانم که هرگز با دشمن اسلام و قرآن سازش نکنند و با آنان به مبارزه پردازند.

«والسلام»

65/1/15 الحقییر بیگزاده

1- ر.ک. تعلیقات.

2- ر.ک. تعلیقات.

3- ر.ک. تعلیقات.

4- در اصل وصیت «بر».

5- ر.ک. تعلیقات.



وصیتی به مادرم... مادرم بنده نمی‌توانم، یعنی زبان من قادر به گفتن زحمات شما نیست، که از کودکی تا موقعی که به جبهه آمده‌ام، برایم کشیده‌اید. چون بیش از حد می‌باشند که شمارش شوند انشاءالله که خداوند تو را غریق رحمت خود بگرداند و من هم می‌دانم که تو برایم ناراحت می‌شوی<sup>1</sup> چون عاطفه مادری و فرزندگی در تو اثر می‌گذارد. اما باید خودت را دلداری بدهی، چون حسین (7) جنگید و شهید شد و پس از شهادت حسین (7) طفل‌ها را می‌زدند و با پای برهنه حرکت می‌دادند و اسرا را بر شترهای برهنه سوار می‌کردند سر حسین (7) را بریدند، بر سرنیزه کردند ولی بنده سرم را برسر نیزه نمی‌کنند و در جلوی چشمان تو خوشحالی و شادی نمی‌کنند، بلکه مردم تو را دلداری می‌دهند و تو باید وقتی به یاد من افتادی به یاد زینب و اسرا و سر بریده حسین (7) بیفتی و خودت را دلداری بدهی و بنده امیدوارم که تو خودت را زیاد ناراحت نکنی<sup>2</sup> و صورت خود را زخم نکنی<sup>3</sup> یقه خود را پاره نکنی<sup>4</sup> و امیدوارم به درگاه ایزد منان که تو را اجر و پاداش عظیمی بدهد.

«والسلام»<sup>5</sup>

(خداحافظ آیا مادر نمی‌بینی مرا دیگر)

وصیتی به پدرم: پدرم، بنده از همان روزی که وارد سپاه شدم، تمام فکرم را روی جنگ و شهادت قرار می‌دادم که آیا بنده لیاقت شهادت را دارم یا خیر؟ و همیشه می‌گفتم کاش بنده هم لیاقت داشتم که شهید شوم و اگر تو مرا دوست داری، برایم ناراحت نشو. چون من در راه خدا و قرآن کشته می‌شوم و از مولایم امام حسین (7) درس می‌گیرم که تا آخرین لحظه عمرش، با دشمن اسلام جنگید و شهید شد. و تو باید مادرم را دلداری دهی،

1- در اصل وصیت «می‌شوید».

2- در اصل وصیت «نکنید».

3- در اصل وصیت «نکنید».

4- در اصل وصیت «نکنید».

5- در اصل وصیت «و سلام».

چون او مرا بزرگ کرده و بیشتر برایم ناراحت می‌شود و امید است که خداوند هم به تو و هم به مادرم صبر عاجل عنایت فرماید.

### «والسلام»

اما از پدر و مادرم می‌خواهم که برادران و خواهرانم را طوری [به] بار آورند که در آینده واقعاً به درد جامعه اسلامی بخورند و مورد استفاده جامعه قرار گیرند و برادران مرا به اسلام و قرآن و کتاب‌های دینی فراخوانند و آنها را علی‌اکبر (7)<sup>1</sup> و علی‌اصغر (7)<sup>2</sup> وار به بار آورند. و خواهرانم را با حجاب بار بیاورند تا خداوند از شما خشنود گردد و همانند زینب (3) و حضرت سجاد (7) استوار و صابر باشید.

### «والسلام»

#### شعر هدف و آرزو

باید از فیض شهادت دین خود احیا کنم	جان خود تقدیم آن یکتا کنم
باید از جان بگذرم در راه استقلال دین	می‌روم تا با جهادم عالمی شیدا کنم
گر شهادت آرمان ماست از مردن چه باک	می‌روم تا در بهشت قدسیان مأوا کنم
میستیزم با هر آنکس دشمنی با حق کند	گر چه باشد یار من از یاریش منها کنم
می‌روم مادر دل خود را مرنجان از فراق	گر گُشم یا کشته گردم با خدا سودا کنم
می‌روم تا جان خود سازم فدای رهبرم	جان رهبر این سخن با خون خود امضا کنم
مهر مهدی (عج) تا بدل دارم بود حق حامیم	گر خسی باشم چو در آن قعر دریا جا کنم
گر نه ای دوست باور می‌کنی این ایده ام	حاضرم گفتار خود را با عمل امضا کنم

محل دفن: امامزاده سیداکبر

الحقیر بیگزاده

1- ر.ک. تعلیقات.

2- ر.ک. تعلیقات.

بسم الله الرحمن الرحيم  
۱۰/۱۰/۶۵

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
يُرِيدُ اللَّهُ أَفْئِدَةً نَجِيَّةً يَكْفِيهَا تَبَهُ عَ يَقَطُّعُ دَائِرَةَ الْبَاطِلِينَ لِيُصِيقَ الْعَقْبُ وَيَبْطُلَ الْمَبْطِلُ

خداوند من خواهد بود بر سر راه جهاد و قتال حقیقت اسلام در صحن کفایتش بر همه  
آتشبار و روشن گردد و ریشه کافران و تجاوز و اساس ظلم قطع و نابود گردد  
تا حقیقت دین اسلام را ثابت و پایدار گرداند و باطل را نابود سازد هر چند  
خاکتباران و بی کاران ناراحت شوند .  
خداوند در اسلام به پیشگاه مقدس و بی نظیر و بااراد و مردمی بر امام امت حسین  
بیت شریف و آرزو و مردم بر سر راهش گردید و این است حقیقت حقیقی .  
استاد و صمیم را آغاز می کنم با صلواتی که در راه خدا دینداران و کوشندگان اند و نعم  
کلام مردم و وصیت کنم . بنده باید از حسین درین بگیرم که توانست

با کفار بجنگد و شهید شود و نزد خدا سیر برود. حسین<sup>ع</sup> وقتی هم خوار است اطف  
معه شین بود به اقی سیر گفت: (آیا نمی بیند که حق و حقیقت از نظرها)  
افتاده است و درین عمل به آن می شود و اینکه باطل بر واجب کفره و حاکم بر حق  
شده تا بر این مؤمن متقه حقیق در چنین وضعیتی باید خود را آماده هلاکت  
باید دید که با خود سیر نامه بعضی وظیفه مؤمن در مقابل باطل چه دوستی با باطل  
است که خود را کشته کند و شهادت کند (سیر حالاً تا مجموع چیست است  
و احتیاج می، که که مادر چه، سیر باید برویم حقاً اگر کشته شویم و یا نسویم  
و به سیر سیریم و در هر دو صورت سیر سیر از آن اسم است و  
چون در هر صورت به سیر ما می آید که بهتر آن است که ما در راه خدا  
کشته شویم و در این مورد علی<sup>ع</sup> می فرماید: (ای مردم هرگز همرا

فراغی نبود و هر کس توانائی بجای آن خیال مرگش را ندارد هر کس در هر  
 وصیت و حاجتی باشد به خیال آن گرفتار خواهد شد بین متوجه باشد  
 که ما شرافت ترین مرگها را انتخاب کنیم که همانا کشته شدن در راه خدا خواهد  
 بود  
 و انسان از موقع بوجود آمدن در مقابل دو نیروی متضاد (حق و باطل) عقول نفسی آماده  
 و پیغمبر (شیطان) قرار گرفت و از همان اول عبادت و علم با حق است  
 آن دو بوده است و هست و در حال حیات و کفر نیز بوده و هستند همانند حایل  
 و قایل، ابراهیم و یسوع، موسی و هرون، عیسی و... رسول اکرم و... امام  
 علی و... و خدایه در هر زمان بین حق و باطل مبارزه بوده است و تمام  
 بود و این مبارزه با کفر و باطل است ما هم معتقد هستیم بر اینکه حق  
 فقط دادن است با کفر و باطل مبارزه است پس بیاطلاق را باید داد و حق را از ظالم

باید گرفت و گفت که ایوه خبثت بر ما عمیق شده است و ما هم با کفار و مجنومین  
و سارقین و کلبه‌ها تا آخرین خون در بدن داریم تا بر دشمنان علیه کنیم و  
هائند حسین که فرموده (و هیات من الذم) یعنی زیر اعدایم کفاحم روفت  
ما هم زیر اعدایم کفاحم روفت ایوه بروزی برسیم.  
بنده از همان روزها تنگه همراه دستیارانم رزیده حاتم حیدر کلام  
خودم را آماده شهادت در راه خدا کردم و چه ریا مری و چه  
موت از غیبت من خواهند در قدامت تو صیبه‌های فراوان در راه شهادت  
فرموده است در این کتاب که دولت عبود ایران خواهد بود که هرگز با دشمن  
اسم و قرآن ساریش نکند و با آنکه ما از خود بیخبریم و از خدا  
دویم ۱۵/۱۵  
[Signature]


وصیت نامه مادرم  
 مادری که می توانم بگویم قادر بر کشتن زحمت شما نیست که اگر کودکی  
 شاد و خوش خلق و با حبه آینه ام برام کشیده ام چون شیران حوری باشد که  
 شکرش بخورد است و الله که خداوند دانا و خیر است تو را غریق رحمت خود گرداند  
 و منزه می دافم که تو را هم با رحمت می گوید چون عاقله و مادی و غیره بنده  
 شد تو را می گذارد او باید خودت را در عالم بدی چون حسین علیه و  
 شهید شد و بی پر شهادت حسین گفتند را فی زنده و باغ برهنه است  
 می دادند و اسرار باید شده بر برهنه او را کردند. بعد حسین را بر برهنه  
 سر نیزه کردند و دلی بنده ستم را بر سر نیزه کردند گفته و در دلش چنان  
 آتش کمالی داشت دی نمی گفته بلکه مردم تو را در عالم می دهد تو باید رفتی  
 بی عبادت و ما را در سر بریده حسین پیش تو است  
 را در عالم بدی

و بنده امیدوارم که آن تو جویست از یاد ما این کتبه و جزای صورت خود را  
 ز عزم نگین و توفیق خود را بهره کنی و امیدوارم بدین امید دست کنی که تو را  
 امر روی دانش عظیم برسد و مستم (خداوند تعالی را سپاس بگویم)

و صیغه ۲۰۰۰  
 به نام من از حاجت روزگار که در این عالم هم کلام را در این عین و صفت  
 بفرستد و در آن دنیا بنده لایق آن کرامت دارم با جبر و حق که کتبه  
 کما شکر من هم لایق آن دارم که شکر تو هم و اکثر تو همه با دوست  
 سایر برانم تا از این کتبه تو هم در راه خدا و تو را کتبه ایلام  
 و لایق ایلام حسین از این کتبه که با امر و جمله عرش است و کتبه ایلام  
 ایلام کتبه و شکر تو هم که با امر و جمله عرش است و کتبه ایلام  
 کتبه ایلام کتبه که در این عالم با امر و جمله عرش است و کتبه ایلام  
 ۴۰ تو هم که در این عالم با امر و جمله عرش است و کتبه ایلام

اما از نامه و پیغام می خواهم که این نامه در مقام ایلام را کتبه ایلام  
 در آن کتبه واقعا در جامعه کتبه ایلام وجود است و کتبه ایلام کتبه ایلام  
 و کتبه ایلام کتبه ایلام که در این عالم با امر و جمله عرش است و کتبه ایلام  
 و کتبه ایلام کتبه ایلام که در این عالم با امر و جمله عرش است و کتبه ایلام  
 که کتبه ایلام کتبه ایلام که در این عالم با امر و جمله عرش است و کتبه ایلام



مهر خود را آرزو  
 باید از فیض شهادت دین خود احیا کنم  
 جان خود تقدیم آن دنیا کنم  
 باید از جان بگذرم در راه استقلال دین  
 می روم تا جایی که عالمی بشود کنم  
 کفر شهادت آرم آن ماست از مردن میماند  
 می روم تا در بهشت خداوند با او کنم  
 هر سیزم با هر آنکه دستش با حق کند  
 کفر چه با برادر من از بر سر من دنیا کنم  
 می روم با دل خود را می بخان از فراق  
 کفر کنم یا نشسته کردم با خدا سودا کنم  
 می روم تا طایفه خود سازم فدای می روم  
 جان و هر ایوبه سخن با خود خود افضا کنم  
 مهر فخری تا بیل دارم بر در حق جامع  
 کفر خشن باشم چو در آینه معرکه دریا خاکم  
 کفر نه ای دوست بجز هم کنی این ایام  
 حاضرم گفتار خود را با عمل امضا کنم  
 تاریخ شهادت: ۱  
 محل شهادت: ۱  
 امضا: 

نام: جمال  
نام خانوادگی: بیگی  
نام پدر: صیدمحمد  
نام مادر: طاوس  
تاریخ تولد: بیستم اسفند 1340  
محل تولد: روستای جوب شتران از توابع شهرستان  
قصرشیرین  
تحصیلات: دیپلم  
ارگان اعزام کننده: ارتش  
تاریخ شهادت: بیست و دوم فروردین 1362  
محل شهادت: فکه  
نحوه شهادت: -  
مزار: روستای حاجی حاضر از توابع شهرستان ایوان



## عبارت های کلیدی

- ا این نوشته را به گوش انسان های دنیا برسانید که هرگز پذیرای ظلم و جور جباران و خودکامگان نشنوند.
- ا ای انسان ها پاسدار نوامیس بشری باشید.
- ا با شمشیرهای برآن و سلاح های آتشین بر ظلم و ظالم بتازید.
- ا بگذارید شما را به مسلخ و قربانگاه برند، اما پذیرای ظلم نشوید.
- ا دین را بر پای دارید که سرچشمه زندگی جاوید شماست.
- ا مادرم بدان که با ریختن خون ما، حق و حقیقت پا برجا می ماند.
- ا ای مسلمانان! به پا خیزید و به استقبال شهادت روید.
- ا باید جان را فدای آزادی، فدای حق و عدالت نماییم.
- ا باید خونمان را در پای درخت نونهال انقلاب بریزیم، تا هر چه بیشتر پرثمرتر و بارورتر گردد.
- ا وحدت را حفظ کرده و سخنان و رهنمودهای امام را آویزه گوش خود سازید.
- ا دینتان را به دنیایتان نفروشید و به خاطر دنیا اختلاف نداشته باشید.
- ا خواهرم حجاب تو از خون سرخ من کاربردش بیشتر و از اسلحه من سوزان تر و برنده تر است.

## جمال بیگی

### بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

«إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَئِكَ يَرْجُونَ رَحْمَتَ اللَّهِ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ»<sup>1</sup>

ابتدا شروع می‌کنم به نام خدای یکتا یاری‌گر مستضعفان و درهم کوبنده ستمگران سپس گرمترین و آخرین درودها و سلام‌هایم را که از قلبی خروشان بر می‌خیزد، نثار ابراهیم زمان، خمینی بت‌شکن و شهدای راه حق و حقیقت و ملت سلحشور و شهید پرور ایران می‌نمایم. پدرم و مادرم قبل از هر چیز نصیحتی به شما دارم که امیدوارم بپذیرید. بعد از این جایز نمی‌دانم که گریه و شیون کنید، چون امانتی هستم که خدا مرا به شما سپرده است و شما هم زمانی باید مرا به صاحبم برگردانید. پس خداوند هر وقت صلاح بداند، امانت خود را پس بگیرد و این نوشته را به گوش انسان‌های دنیا برسانید که هرگز پذیرای ظلم و جور جباران و خودکامگان نشوند. چه، پذیرفتن ظلم و بیداد خود خیانت است و جنایت. اگر بنی نوع بشر، در برابر ظلم ساکت بنشینند، به آرمان‌های انسانی بشر و به انسانیت خیانت کرده‌اند، پس ای انسان‌ها پاسدار نوامیس بشری باشید و با شمشیرهای برآن و سلاح‌های آتشین بر ظلم و ظالم بتازید. تا حق زندگی را ادا کرده باشید. بگذارید شما را به مسلخ و قربانگاه برند، اما پذیرای ظلم نشوید. دین را بر پای دارید که سرچشمه زندگی جاوید شماسست. سرچشمه راز و رمز و بقای زندگی شماسست. هان ای انسان‌ها، به همراه هر طلوع و غروب خورشید، دستورات زندگی‌ساز دین را راهنمای زندگی خویش قرار دهید و با فریادی بلند در زیر این سقف نیلگون آسمان، ندا در دهید که ای بشر! چون رنج و درد، چون بیداد و ظلم، فزونی گرفت، دستورات دین را به خاطر آور و به خاطر آور که شهیدان خونین کفن، برای پاسداری چه آرمان‌هایی به خاک و خون غلتیده‌اند. به خاطر آور که نباید به سوگ این شهدا بنشینید. آنها پاسدار ناموس عدل الهی هستند. آنها حافظ و

1- بقره/218. ترجمه «همانا کسانی که ایمان آورده‌اند و کسانی که هجرت کرده و در راه خدا جهاد کرده‌اند، آنها به مهر و بخشایش خدا امید دارند، و خدا آمرزگار و مهربان است». در اصل وصیت «آمنو».

نگهبان دین خدایند، تا نگذارند دین حسین (7) و حسینیان در تاریخ زارهای سکوت خفته، محو و نابود گردد. پس مادرم بدان که با ریختن خون ما، حق و حقیقت پا برجا می ماند. دیگر نباید اشک ریخت. نباید شیون کرد. نباید زاری و بی تابی کرد. مگر جز این است که به پیروی از حسین (7) و به دستور رهبر بزرگوارمان خمینی بزرگ دامن همت، بسته ایم و با دشمنان اسلام به جنگ برخاسته ایم. مادرم مرگ برای من هم چون شب زفاف است. پس به جای مجلس عزاء، مجلس شادی و مهمانی بر پا کنید و باید افتخار کنید که فرزندی در راه اسلام تقدیم انقلاب کرده اید. حسین (7) سالار شهیدان فرموده است که «مرگ برای انسان های راستین همچون گردبندی است در گردن دوشیزگان» زیرا دوشیزگان گردبند را بسیار دوست می دارند و شهادت هم برای چنین مردانی لذت بخش و شیرین است. پس ای انسان ها! ای مسلمانان! به پا خیزید و به استقبال شهادت روید، برخیزید و سعی کنید همانند حسین (7) چون شهابی نورانی بر سینه تاریکی ها، ظلم ها و خفقان ها فرو روید و تن خاکی را برای حراست از اسلام و ارزش های انسانی به قربانگاه برید. به میادین نبرد بروید، و در آرزوی پیروزی مسلمانان و غلبه آنان بر کفار و مشرکان اسلحه برکشید، تا هنگامی که نوک سوزان گلوله های دشمن بی دین بر قلب شما بوسه زند و آنگاه به مهمانی خدا روید، که چه مقامی بالاتر از این. به پا خیزید که گروهی از انسان های بی گناه در زیر چکمه های ظلم بیداد خونخواران آخرین نفس های زندگی را از سینه های گرم و پر تلاطم خویش می کشند و به انتظار شما سپاهیان از جان گذشته، می باشند. باشد تا با رسیدن کمک و با دیدن رأیت فتح [و] پیروزی، دامن همت بر کمر زده و با مشت های گره کرده و با سلاح های آتشین خود بر متجاوزین و جنایتکاران یورش برده و کارشان را یکسره کنند و بدین سان آخرین برگهای ظلم و جور و بیداد را از دفتر زمان جدا نموده و در آتش خشم و نفرت خود، نیست و نابود کنند. آری باید جان را فدای آزادی، فدای حق و عدالت نماییم. باید خونمان را در پای درخت نونهای انقلاب بریزیم، تا هر چه بیشتر پرثمرتر و بارورتر گردد. خواهران و برادرانم به قول امام عزیزمان «شما امید اسلام و ایرانید» وحدت را حفظ کرده و سخنان و رهنمودهای امام را آویزه گوش خود سازید. گول گروهک ها را نخورید و با آنان به مبارزه برخیزید. دیتتان را به دنیایان نفروشید و به خاطر دنیا اختلاف نداشته باشید. و دشمنان اسلام بدانند، تا اسلام پدر و مادرانی هم چو پدر و

مادران ایرانی و جوانان از جان گذشته‌ای هم‌چون جوانان ایرانی را دارد، هیچوقت نمی‌توانند<sup>1</sup> افکار پوچ و پوسیده خود را برمسلمانان تحمیل کنند و هیچگاه در صفوف فشرده مسلمین رخنه کنند. نه هرگز، هرگز. برادرم تو اسلحه خونینم را از زمین بردار و تا پیروزی نهایی راهم را ادامه بده و تو ای خواهرم با حفظ حجابت، زیرا حجاب تو از خون سرخ من کاربردش بیشتر و از اسلحه من سوزان‌تر و برنده‌تر است و آخرین وصیتم این است که این فرزانه مرد را که مردی است از تبار نیکان و پاکان که قد مردانگی برافراشته و بر بلندای مناره اتحاد و ایمان امت اسلام، اذان و ارستگی و رستگاری توده‌های مستضعف را سر می‌دهد که: «حی علی الفلاح و حی الفلاح» و شما را به مصلای قیام و عصیان، علیه همه طواغیت ظاهر و باطن و شکستن و فرو ریختن همه بت‌های سرّ و علن، فرا می‌خواند، ندای او را لیبک گویند و برخیزید، گوش فرا دارید و به نسیم قدسی وحی که از فراز چهارده قرن، هم‌چنان در وزش است، نفس جان تازه کنیم که می‌گوید «وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أُمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ»<sup>2</sup> خدا تو را با این آیه قسم می‌دهم که این مرد پارسا و ظلمت شکاف‌قرن، خمینی روح الله را تا انقلاب مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، برای امور اسلام و مسلمین نگاه‌دار.

«وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ»

تاریخ 1362/1/1

1- در اصل وصیت «نمی‌تواند».

2- قصص / 5. ترجمه «می‌خواستیم بر کسانی که در آن سرزمین ناتوان شمرده می‌شدند منت نهیم و آنان را پیشوایان و آنان را وارثان سازیم». در اصل وصیت «استضعفوا».



استادایثارگران  
و صینامه

ان تباران ما وادی من تلج و سوس، عسب و عسب  
سوس و باعوسی دسا هر خواهی گران و لغت اور سوس  
امام حسن (ع)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اِنَّ الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا وَالَّذِيْنَ هَاجَرُوْا وَجَاهَدُوْا  
فِيْ سَبِيْلِ اللّٰهِ اَوْ لِنَا نَّكَرِيْهِمْ رَحْمَةً مِّنْ اللّٰهِ  
وَاللّٰهُ عَظِيْمٌ رَّحِيْمٌ

استاد شروع می کنم به نام خدای مهربان و مهربان  
و در هم گویند و ستمگران پس از آن و آخرین  
درود ها و صلواتم را که از طریق خردشان بر من میزد  
نما را بر اهدم زبان جنتی است گن و ستمگران را، حق و  
حقیقت و ملت مسکوت و ستم پرور ایران عزیزم  
پیرا که با در آفتاب از هر چه نصیب منی به یاد دارم که بعد تمام  
چیز بر سر بعد از این حایرتی دانه که نمید و ستمگران کنید





مرکز اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

مدان: تاریخ: محل: شماره: و: رجوع: برگ: کتبی: /  
باصرف: /

سر عیبه نازد در نیا که نندگی گامست. جان ای ایسان  
 به هر آه هر طلوع و غروب خویشید دستورات نندگی  
 سازدین را از اینها که نندگی خوش قرار دهد و با فریاد  
 بلند در زیر این سقف نطقون آسمان نداد دهد  
 کاه شراب چون رخ و درد، چون بیداد و ظلم فرزند  
 گرفت دستورات دین را به خاطر آورد. به خاطر آورد  
 که ستمی آن خونین لفظی برای به سر راه چه آرد و لای به  
 خاک و خون سفیدمانند به خاطر آورد که نباید به سر  
 این نهاد اینش آنها با سر راه را سرک عدل الهی هسته  
 اگر حافظان نهمان دین خدا نبند تا نندگی از نندگی حسین  
 و حسین در تاریخ را راهها که کسوت خفته محرومان بود  
 گرد پس ما دم بدانی که با بر حقن خون ما حق و





مرکز اسناد ایثارگران

حاج آقا جان بطینی از نو بر خواهد که به طاعت است  
است باشد و بخواند و نماز دهد و عطار و عبادت کند  
بسیار است

حقیقت بیرون ماندن من در دنیا به آنست که بخت نباشد  
مشورت کرد نباشد زانکه او بی تا بود مگر جز این است که به  
بیرون کار حسن و به دستور و غیر بزرگواران چنین بزرگواران  
حمت است ام و دیدگانی است که بخت بر خاسته ام  
مادر آنست که بر آنست همچون رب ز طاف است این  
چندی محسن مرا بخش شده که در دنیا بر اینست و باید اعتماد  
کنید که فرزند لا در را احسانم تقدیم انقدر است کرده ام  
حسن شده و بگشاید فرموده است که هر که بر او است  
و استی چون که در دنیا است در کردن و دیگران  
زیرا که دیگران که در دنیا است در دست و در دست  
هم بر اینست که در دنیا است در دست و در دست  
لا در آنست که در دنیا است در دست و در دست



مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی

مرکز با اسرار حاکم مازندران با مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی  
مطالعات و تحقیقات اسلامی

بر عجز و سستی گشاید خاندان حسن (ع) چه نه لایق نورانی  
 بر سینه تکریم، ظلم هاد و خفقا با فرود و درین حاکم را بر این  
 طاعت از استم و داند ز کوی اسانی به قربان هاد برود به  
 عیادت میزد برود و در آن روزی بیرون از حدان و غلبه  
 آنان بر کفار و مشرکان استم بر سینه تا هفتاد و نود  
 سوزان کلمه های دکن بی دین بر طلب نه با آرزو  
 کفایت به معانی خوار بود که چه صفای بالاتر از این  
 به پا خیزد که گروهی از اسان کوی بر نیاید در زیر حکمیه های  
 ظلم و ستم او خود بخوان آن کفرین حقهای زنده را از سینه های  
 برآمده و بلاطم خویش بر کشند و با انتظار شامیایان از جان  
 بدشته بر باشند. استم تا بسدن کند و با بدین  
 راست فتح و پیروزان این است بر کمر زده و در دست های



مرکز اسناد و کتابخانه ملی  
جمهوری اسلامی ایران



تور جوانمردی اهل اسنان مانند سارکان اسنان برای  
اهل رهن، سرور حقه .  
ایمانداران


گرم کردن خود و با سه حلال، آتشش خود بر حقان و دین و  
خدا بنظر آن بوش برده و کارش که را اگر کشند و هیچ  
سنان آتش بر گناه ظلم و جور و سیداد را از دفتر سنان  
خدا محروم و در آتش خشم و نفرت محروم نیست و نابود  
گشته است که به بدین راه که از راه خدا حق و عدالت  
نمانیم به بد خوفاً را در پناه دین تو کمال اتقاد  
بر رسم آفریده بیشتر نموده بود و تر کرد خوابیران و  
برادرانم به قول امام عزیزان من امید است که او را امید  
و عدت را حفظ کرده در سخنان و در همه زحمات اعاکارا کفره  
تو شایسته زنده بودی که را بخورید و با آن که  
جبارند بر چیز بدینسان را به دنیا بیایان تو و سید و  
خاطر دنیا اخذ نمی داشتند




مرکز اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

مرکز اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران  
کتابخانه مرکزی  
تهران

عدسنان اسه که بداند تا اسه که پیدر و پیدر انی همیشه پیدر و  
 عاده که اریانی و جوانان از جان گذشته ام همیشه  
 جوانانی اریانی را دار و هیچ وقت نمی تواند افسوس بویج  
 و پیسیده خود را بر مسدانی تحمل کنند و هیچگاه  
 در صفوف فشرده مسلمانان رخنه گشته نه هرگز  
 بر آدم تو اسدی خونیم و از این بر دل و کاپروری  
 مگر نه را هم را ادا به بد و تو ای خواهرم با حفظ  
 حمایت و بر احباب تو از خون رخسارین کار بردش  
 بجز تو از اسلام من سوزان تر و برنده تر است  
 و آخرین وصتم این است که این فرزانه مرد را که مردی  
 است از تبار سگان و باکان که قدم و آتش برافراشته  
 و بر لبهای خنده ناخجاده ایمان امت اسلام





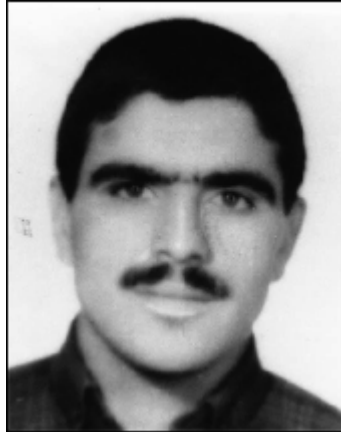
مرکز اسناد ایثارگران  
وصیتنامه

ما ملئنا من هذه' مردم کنی است که از عسر احوال جهان ...  
بگذرد ...

اذان و اراستنی و سفاکانا توده های مستضعف را بر  
میدهد که حی علی الفلاح، حی علی الفلاح و شمار اجماع  
قیام و عصیان علیه همه طواغیت ظاهر و باطن و کشتن  
و فرود بختی همه تهاوس سر و عنق فراموش خوانند، ندانی  
امر البیت گویند و بر خزیند، گوش فرا دارید و بنیم  
قدسها و حی که از فرزندان در دستان هم چنان در دستان  
است نفس معانی از گنیم که من گویند: «و نریقانی  
نفس علی الذین استضعفوا فی الارض فتعلمهم انما و  
نجعلهم الوارثین» «حدا تو را به خواص آقام علیه هم  
همین مردیاری ما و ظلت تکاف قرین صفتی روح الله را  
تا انقلاب بعدی برای امور اسلام و مسلمین تکوین  
والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته  
تاریخ ارا، ۶۳

(۱۱۷)

نام: رحمان  
نام خانوادگی: بیگی  
نام پدر: محمدبیگ  
نام مادر: جیران  
تاریخ تولد: هفتم آبان 1348  
محل تولد: روستای چوب سرخ از توابع شهرستان  
شیروان و چرداول  
تحصیلات: دیپلم  
ارگان اعزام کننده: سپاه  
تاریخ شهادت: بیست و پنجم اسفند 1369  
محل شهادت: مهران  
نحوه شهادت: انفجار نارنجک  
مزار: گلزار شهدای روستای شباب شهرستان زادگاهش



## عبارت های کلیدی

- ا وظیفه ملت مسلمان ایران است [تا] به داد این مظلومان [عراقی] برسند.
- ا بنده حقیر بنا به وظیفه شرعی و به دستور نایب امام خمینی حضرت خامنه‌ای مدظله، در راه  
الله و از بین بردن این حزب [بعث] کثیف، خون خود را نثار راه حق می‌کنم.
- ا آفرین بر چنین مادر و پدری که فرزند گرامی خود را پرورش داده‌اند و آن را نثار راه حق  
کرده‌اند.
- ا وصیت بنده به جوانان حزب الله این است که همیشه به یاد قیام شهیدان باشند.
- ا راه آنان را تا انقلاب حضرت مهدی (عج) ادامه دهند.
- ا مایه افتخار آنان است که این چنین فرزندان غیور خود را هدیه فی سبیل الله کرده‌اند.
- ا بدانید که شهید جایگاه ویژه‌ای در بهشت دارد.

رحمان بیگی<sup>1</sup>

## بسم الله الرَّحْمَن الرَّحِيم

«وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزُقُونَ»<sup>2</sup>

«آنان که در راه خدا کشته شدند نمرده‌اند بلکه زنده هستند که در نزد پروردگارشان روزی می‌خورند».

هم‌رزم و شریک ثواب رزمنده شهید آن است که وصیت‌نامه شهید را به خانواده‌اش رساند. با نام یگانه خالق که تمام هویت جهان از آن اوست و تمامی قضا و قدرها را با قلم خود بر مخلوق منعکس می‌کند. می‌خواهم چند نکته [ای] به‌عنوان وصیت بنده حقیر اولاً به جوانان حزب الله. ثانیاً به خانواده محترم و دیگر خویشان عرض نمایم.

## بسم الله الرَّحْمَن الرَّحِيم

خداوند منان با قدرت لایزال خویش در این پهن دشت بر و سوزان [...] <sup>3</sup> دمید تا فردی به اسم آدم بر دامن دنیای خلق کرد و مادری به اسم حوا جهت ادامه زندگی با وی شریک کرد، تا این‌که سلاله پاک آنان به بعثت پیامبری در میان قوم عرب و جاهل رسید و از آن پس کافران<sup>4</sup> در تمامی اوقات، برای نابودی دین مقدس الهی، نقشه‌هایی طرح‌ریزی کردند، ولی به همت خداوند و این مردان اسلام، نقشه‌ها بر آب شد و بعد از چند قیام خونین فرزندان پاک ائمه اطهار، در ایران اسلامی به وقوع پیوست و انفجاری به اسم انقلاب اسلامی در سرزمین ایران رخ داد.<sup>5</sup> و باز دشمنان اسلام برای نابودی این انقلاب نشأت گرفته از انقلاب ناب طرح‌هایی ریختند، ولی به نتیجه نرسید و با<sup>6</sup> تحریک شخصی کافر،

1- بالای وصیت‌نامه «تاریخ 69/12/24» آمده است.

2- آل عمران/ 169.

3- خوانا نیست.

4- در اصل وصیت «کفاران».

5- در اصل وصیت «به احتزاز درآمد».

6- در اصل وصیت «آنهم».

به اسم صدام عفلقی<sup>1</sup> بود که هشت سال جنگ را بر مملکت ما تحمیل کرد. ولی بنده حقیر، در آن زمان در سنگری به اسم مدرسه مشغول درس خواندن بودم و به علت مشکلات شخصی و خانوادگی نتوانستم دین [به] انقلاب را ادا کنم. تا این که به پایان دوران تحصیلی دبیرستان رسیدم، با چند سال زحمت بی دریغ دیپلم را گرفتم و در سال 68 به خدمت مقدس سربازی اعزام و هم اکنون در این لحظه و برهه از زمان، بعد از بحران خلیج فارس و آزادسازی کویت، شخص متعفن صدام جاهل دارد به مردم بی گناه و مظلوم عراق ظلم های زیاد می کند و تمامی اموال آنان را به باد داده و اینک وظیفه ملت مسلمان ایران است، به داد این مظلومان برسند و هم چنان که ملت شریف خود را از زیر یوغ اسارت طاغوت آزاد کردند وظیفه دارند این ملت بیچاره را از زیر چکمه های بعثیون آزاد کنند و در حال حاضر بنده حقیر بنا به وظیفه شرعی و به دستور نایب امام خمینی حضرت خامنه ای<sup>2</sup> مدظله، در راه الله و از بین بردن این حزب کثیف، خون خود را نثار راه حق می کنم.

و از مادر گرامی خود و پدر عزیزم که این مدت زمان با بنده حقیر زحمت کشیده اند، عاجزانه خواستارم که بنده را مورد عفو و بخشش قرار دهند. اگر کوتاهی از دستور آنان کرده ام، و آفرین بر چنین مادر و پدری که فرزند گرامی خود را پرورش داده اند و آنرا نثار راه حق کرده اند، صبر را پیشه سازید و «بدانید فرزند شما نمرده است، بلکه نزد خدای تبارک زنده است و روزی می خورند».<sup>3</sup>

و در ضمن وصیت بنده به جوانان حزب الله این است که همیشه به یاد قیام شهیدان باشند و راه آنان را تا انقلاب حضرت مهدی (عج) ادامه دهند و آری ای برادرم، شما هم باید صبر را پیشه سازید و مواظب پدر و مادر گرامی خود بعد از بنده حقیر باشید. هر چند بنده به علت نرسیدن به اوقات مطالعه (آن هم به علت اینکه هنوز به آرزوی نرسیده ام) نتوانسته ام دین گران پدر و مادر را که بر گردن فرزندان دارند، ادا کنم. الهی تو خودت مایه

1- در اصل وصیت «فلقی»، ر.ک. تعلیقات.

2- ر.ک. تعلیقات.

3- ترجمه آیه 169، از سوره آل عمران است.



صبر و طاقت برای خانواده‌های تمامی شهیدان هستید و مایه افتخار آنان است که این چنین فرزندان غیور خود را هدیه فی سبیل الله کرده‌اند. در پایان خواستارم که شیر مادر و رنج پدر بر من حلال شود و سلام الفراق این دنیای ناسوت را به دوستان و صدیقان عزیزم می‌رسانم. بدانید که شهید جایگاه ویژه‌ای در بهشت دارد.

1 «والسلام»

2 رحمان بیگی

---

1- در اصل وصیت «و اسلام».

2- ذیل وصیت‌نامه شهید رحمان بیگی این عبارت نوشته شده است: «وصیت‌نامه دیپلم وظیفه شهید رحمان بیگی تاریخ نوشتن وصیت‌نامه توسط خود شهید 69/12/24 در منطقه عمومی مهران، روحش شاد و یادش برای همیشه تاریخ گرامی باد».



نام: کرم  
نام خانوادگی: بیگی  
نام پدر: شیخه  
نام مادر: نوریجان  
تاریخ تولد: یکم مهر 1347  
محل تولد: روستای خوشادول از توابع  
شهرستان مهران  
تحصیلات: در حد خواندن و نوشتن  
ارگان اعزام کننده: سپاه  
تاریخ شهادت: بیست و سوم اسفند 1366  
محل شهادت: شاخ شمیران عراق  
نحوه شهادت: اصابت ترکش  
مزار: بخش صالح آباد شهرستان زادگاهش



## عبارت‌های کلیدی

- ۱ در این مقطع حساس تاریخ رسالت پاسخگویی به ندای «هل من ناصر ینصرنی» سرور آزادگان و سالار شهیدان حسین بن علی (7) را عهده داریم.
- ۱ جبهه‌های جنگ بهترین معبد برای نیایش و بهترین دانشگاه برای کسب معارف است.
- ۱ ابعاد نظامی و معنوی جنگ، مسائلی هستند که به هیچ وجه نباید به دست فراموشی سپرده شود.
- ۱ خدایا ترا به حقیقت دین مقدس اسلام و به عظمت قرآن و به مقام وجود مقدس خاتم الانبیاء، قسم می‌دهم که ما را از فیض رهبری وجود مقدس خاتم الانبیاء بهره‌مند فرما.
- ۱ معبودا تو را شکر می‌گویم که راه سعادت را از شقاوت به من نمایاندی.
- ۱ از شهادت دوستانم دلتنگ نیستم، بلکه از اسیری خویش رنج می‌برم.
- ۱ من این راه را با دید و آگاهی کامل انتخاب نموده و هیچ کس مرا در این راه تهدید یا مجبور نکرد.
- ۱ همیشه پیرو امام و ولایت فقیه باشد.

## کرم بیگی

### بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

«وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قَاتَلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزُقُونَ»<sup>1</sup>

رزمندگان عزیز، حماسه آفرینان صحنهٔ پیکار و شهادت، مجاهدان فی سبیل الله، در این مقطع حساس تاریخ رسالت پاسخگویی به ندای «هل من ناصر ینصرنی»<sup>2</sup> سرور آزادگان و سالار شهیدان حسین بن علی (7) را عهده داریم و به فضل الهی در جبههٔ جهاد با نفس و از خود گذشتگی و جهاد با دشمنان خدا و اسلام موفق هستید و امیدوارم که با تلاش روز افزون خود، توفیق بیشتری به دست آورید. مخصوصاً در بُعد اخلاقی و کسب معنویات. زیرا که جبهه‌های جنگ بهترین معبد برای نیایش و بهترین دانشگاه برای کسب معارف است. عظمت پیروزی‌هایی<sup>3</sup> که با اراده و مشیت الهی و به دست پر توان شما شیردلان به دست آمده است، ایثار و فداکاری شهامتی که از رزمندگان اسلام و خذلان<sup>4</sup> و خواری و پستی و رذالتی<sup>5</sup> که از دشمنان اسلام مشاهده می‌کنید، حالات و احوال شهدا قبل از شهادت و در هنگام شهادت، آخرین وصیت شهدا شب زنده‌داری سنگرنشینان ناله و زاری رزمندگان در دل شب‌های تار و مشاهده دیدارهای غیبی و جلوه‌هایی<sup>6</sup> از الطاف و عنایات حضرت مهدی (عج)، ابعاد نظامی و معنوی جنگ، مسائلی هستند که به هیچ وجه نباید به دست فراموشی سپرده شود. خدایا ترا به حقیقت دین مقدس اسلام و به عظمت قرآن و به مقام وجود مقدس خاتم الانبیاء، قسم می‌دهم که ما را از فیض رهبری وجود مقدس خاتم الانبیاء بهره‌مند فرما و به مسلمین سرافرازی و عزت عنایت فرما و به همه کسانی که در این جلسه و امثال این جلسات و همه کسانی که به دین مقدس اسلام خدمت

1- آل عمران/169. در اصل وصیت «له» ترجمه: «آن‌ان که در راه خدا می‌جنگند مرده مپندارید بلکه زنده‌اند و نزد خدایشان روزی می‌خورند».

2- رک. تعلیقات.

3- در اصل وصیت «پیروزی‌هایی».

4- در اصل وصیت «خزلان».

5- در اصل وصیت «رذالتی».

6- در اصل وصیت «جلوه‌های».

می‌کنند توفیق عنایت فرما. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا لَقِيتُمْ الَّذِينَ كَفَرُوا فَلا تُؤْكِرُوهُمْ  
الْأُدْبَارَ».<sup>1</sup>

«ای اهل ایمان هرگاه با انبوه دشمنان روبرو شوید مبدا به آنان پشت کنید». (انفال 15)<sup>2</sup>  
و سپاس مخصوص خداوند قهارِ کریم است. به جاست که پروردگار عبودیتش سالکان  
ره عشق یابند و برخوان ضیافتش جمع آیند. سپاس پرودگاری که انسان را از «صَلْصَالِ  
كَأَفْخَارٍ»<sup>3</sup> (گل خشک شده) پدید آورد و بارواح والای الهی عجینش نمود، تا که اشرف  
مخلوقات لقب گرفت و به او اکمل کمالات، یعنی شهادت عطا نمود. الهی تو را شکر  
می‌گویم که راه چگونه زیستن را با «إِنَّا هَدَيْنَا السَّبِيلَ»<sup>4</sup> و راه چگونه مردن را با «الَّذِينَ  
آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ»<sup>5</sup> به من نمایاندی. معبودا تو را شکر می‌گویم که راه  
سعادت را از شقاوت به من نمایاندی. معشوقا لسان خاکی‌ام عاجز است، که بتواند  
شکرگزار<sup>6</sup> انعام بیکران تو باشد. ای آرام بخش دل وحشت‌زدگان، تو خود می‌دانی که چه  
می‌کشیم. از شهادت دوستانم دلتنگ نیستم، بلکه از اسیری خویش رنج می‌برم. من اعتقاد  
دارم که پاداش انسان به اندازه همان درد و رنجی است که در راه خدا کشیده و می‌بینم که  
مردان خدا کسانی هستند که بیش از همه تحمل درد و رنج و گرفتاری شده‌اند. «يَا أَيُّهَا  
الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ»<sup>7</sup> «ای اهل ایمان در پیشرفت کار  
خود صبر و مقاومت پیشه کنید و به ذکر و نماز توسل جوئید، که خدا یاور صابران است».  
پدر گرامی و مادر مهربانم برادران و خواهران، در شهادت من گریه و زاری نکنید، که مبدا  
دشمنان من شاد شوند، بلکه مقاوم و پایدار باشید، چون که من این راه را با دید و آگاهی  
کامل انتخاب نموده و هیچ کس مرا در این راه تهدید یا مجبور نکرد و از پدر و مادر

1- در اصل وصیت «انفال 14».

2- در اصل وصیت «انفال/ 14» آمده است.

3- جزئی از سوره الرّحمن / 14.

4- جزئی از آیه 3 سوره انسان.

5- جزئی از آیه 20 سوره توبه.

6- در اصل وصیت «شکرگزاری».

7- بقره/ 153.

مهربانم طلب بخشش می‌نمایم، که زحمات زیادی برای من کشیدند، ولی نتوانستم یک ذره از این زحمات را جبران کنم. امید است که این فرزند حقیرتان را ببخشید و همیشه پیرو امام و ولایت فقیه باشید. خدایا خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگهدار

من آن شمعم که خاکستر ندارم      شهیدم من ولی پیکر ندارم

الحقیر کرم بیگی

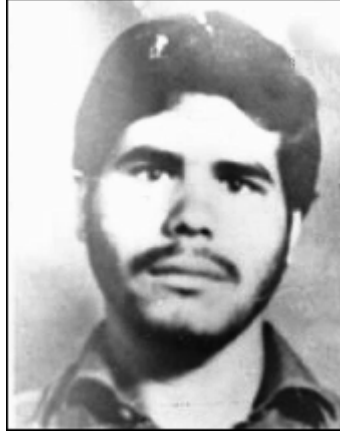
67/12/15







نام: عبدالحسین  
نام خانوادگی: پالیزبان  
نام پدر: علی قاسم  
نام مادر: گل گل  
تاریخ تولد: پنجم مرداد 1346  
محل تولد: روستای قلعه تسمه از توابع  
شهرستان دره شهر  
تحصیلات: دوم متوسطه  
ارگان اعزام کننده: بسیج  
تاریخ شهادت: نوزدهم مرداد 1362  
محل شهادت: کله قندی  
نحوه شهادت: اصابت ترکش  
مزار: گلزار شهدای زادگاهش



## عبارت‌های کلیدی

- ای پدر و ای مادر امیدوارم که از این شهادت من شادی کنید.
- ای پدر و ای مادر از این شهادت پر افتخار من خوشحال و خوشبخت باشید.
- «لباس سیاه» برای اینجانب نپوشند. زیرا که این لباس سیاه روحم را اذیت خواهد کرد.
- برادرانم به حرف این بزرگ رهبر انقلاب گوش فرا دهید.
- هیچ گونه تسلیم زور و تسلیم بی عدالتی نشوید.
- من به فرمان امام امت لبیک گفتم و آمدم برای جبهه که خداوند شهادت را در راه خودش نصیب کند و گناهانم [را] بریزد.

## عبدالحسین پالیزبان

### بسم الله الرحمن الرحيم

با سلام و درود به رهبر کبیر انقلاب اسلامی ایران حضرت الله العظمی امام خمینی مدظله العالی<sup>1</sup> و با سلام و درود به شهدای حق علیه باطل و با سلام و درود به امت همیشه در صحنه و قهرمان و شهیدپرور ایران، متن وصیت نامه را چنین توصیف می‌کنم:

ای پدر و ای مادر امیدوارم که از این شهادت من شادی کنید و خدای نخواستہ این نباشد که ناراحت شوید<sup>2</sup>. شما باید افتخار کنید. از این شهادت پر افتخار من خوشحال و خوشبخت باشید. چونکه افتخار است که در این روستایی که واقعاً عدم آگاهی دارند. اینجا به جبهه بیایم و به شهادت که فوزی عظیم است برسیم و از برادران گرامی و ارجمند و قومان و خویشانم خواستارم «لباس سیاه»<sup>3</sup> برای اینجانب<sup>4</sup> نپوشند. زیرا که این لباس سیاه روحم را اذیت خواهد کرد.

برادرانم به حرف این بزرگ رهبر انقلاب گوش فرا دهید و هیچ گونه تسلیم زور و تسلیم بی‌عدالتی نشوید و گوش [به] این منافقین<sup>5</sup> ندهید زیرا آنها مخالف اسلام هستند. مخالف روحانیت [و] ولایت فقیه هستند. پدرم و مادرم کسی [که] به زور من را به جبهه نیاورده است. همچنان که خودتان شاهد بودید من به فرمان امام امت لبیک گفتم و آمدم برای جبهه که خداوند شهادت را در راه خودش نصیب<sup>6</sup> کند و گناهامم بریزد. در پایان دعا به جان امام امت و پیروزی برای رزمندگان اسلام.

با تقدیم احترامات عبدالحسین پالیزبان

1- در نسخه تاپیی و مورد تأیید بنیاد شهید «العالمی».

2- در نسخه تاپیی و مورد تأیید بنیاد شهید «شهید».

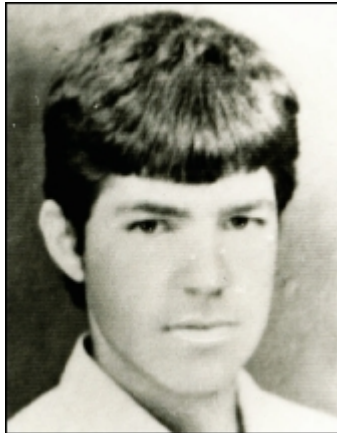
3- ر.ک. تعلیقات.

4- در نسخه تاپیی و مورد تأیید بنیاد شهید «اینجاب».

5- ر.ک. تعلیقات.

6- در نسخه تاپیی و مورد تأیید بنیاد شهید «تصمیم».

نام: سعداالله  
نام خانوادگی: پدرام‌فر  
نام پدر: محمد  
نام مادر: زینت  
تاریخ تولد: دوم آذر 1347  
محل تولد: روستای زنجیره علیا از توابع  
شهرستان شیروان و چرداول  
تحصیلات: سوم متوسطه  
ارگان اعزام‌کننده: بسیج  
تاریخ شهادت: بیست‌وسوم اسفند 1366  
محل شهادت: شاخ شمیران عراق  
نحوه شهادت: اصابت ترکش  
مزار: گلزار شهدای زادگاهش



## عبارت‌های کلیدی

- ۱ من از شما مردم مسلمان می‌خواهم که امام خمینی را دعا کنید.
- ۱ قدر امام خمینی را بدانید.
- ۱ ای مسلمانان بر علیه دشمنان اسلام بجنگید که پیروز می‌شوید و یا شهید که باز هم پیروزید.

## سعدالله پدرام‌فر<sup>1</sup>

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِهِ تَعَالَى

من از شما مردم مسلمان می‌خواهم که امام خمینی را دعا کنید و راه امام را دنبال نمایید و دعا کنید که خدا از عمر ما بکاهد و به عمر او بیفزاید.

برادران و خواهران مسلمان:

قدر امام<sup>2</sup> خمینی را بدانید و کمکش کنید و امام نماینده‌ای است از جانب خدا، که برای اسلام خدمت می‌کند.

ای مسلمانان بر علیه دشمنان اسلام بجنگید که پیروز می‌شوید و یا شهید که باز هم پیروزید.

امروز ما مثل اصحاب امام حسین (7) در محاصره اقتصادی و نظامی قرار داریم.

سعدالله پدرام‌فر

---

1- بالای وصیت‌نامه آمده است «وصیت‌نامه شهید سعدالله پدرام‌فر» و در پایان 2 بار نوشته است «خمینی».

2- در اصل وصیت «اما».





نام: علی اکبر  
نام خانوادگی: پرک  
نام پدر: نورمحمد  
نام مادر: طولان  
تاریخ تولد: یکم خرداد 1330  
محل تولد: روستای قلعه جوق از توابع  
شهرستان مهران  
تحصیلات: پایان دوره ابتدایی  
ارگان اعزام کننده: بسیج  
تاریخ شهادت: چهارم اردیبهشت 1366  
محل شهادت: روستای گامو بانه  
نحوه شهادت: اصابت ترکش  
مزار: بخش صالح آباد شهرستان زادگاهش

## عبارت های کلیدی

- ۱ بار پروردگارا! توفیق خدمتگزاری به اسلام و رزمندگان عزیز را نصیبم گردان.
- ۱ بار خدایا! بپذیر جان بی ارزشم را، در راهت. که چیز دیگری ندارم که به درگاهت تقدیم کنم.
- ۱ مرگ حق است و شهادت در راه معشوق افتخاری است که نصیب هر کس نمی شود.
- ۱ مولایم حسین (7) است، که درس شهادت و آزادگی را از آن بزرگوار آموختم.
- ۱ همسرم امیدوارم زینب وار باشید و هیچ گاه غمی به دل راه ندهید و مواظب فرزندانم باشید.
- ۱ همیشه طرفدار حق و حقیقت و پشتیبان مستضعفان و محرومان و دشمن مستکبر و منافقین از خدا بی خبر باشید.
- ۱ هیچ گاه زیر بار ظلم و ستم دشمنان خدا نروید.
- ۱ خواهشی که از شما دارم [این است که] راهم را تا آخرین قطره خونی که در بدن دارید، ادامه دهید.
- ۱ سلام بر مولایم حسین (7) که چنین درس آزادی و شهادت به همه مسلمانان یاد داد.
- ۱ روز شهادتم را عزا مپندارید، که مدت ها انتظار چنین روزی را می کشیدم.

## علی اکبر پرک

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

«وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قَاتَلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزُقُونَ»<sup>۱</sup>

«مپندارید کسانی که در راه خدا کشته می‌شوند مرده اند بلکه زنده‌اند و نزد پروردگارشان روزی می‌گیرند».

با سلام به پیشگاه مقدس حضرت مهدی (عج الله تعالی فرجه الشریف) و نایب بر حقش امام خمینی و با سلام و درود بر رهبر کبیر انقلاب بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران و با سلام بر شما رزمندگان کفر ستیز جبهه‌های نور علیه ظلمت و با سلام بر شما امت دلاور ملکشاهی،<sup>۲</sup> بالاخص<sup>۳</sup> مردم قهرمان رسولوند، شهیدان خود می‌سوزند و نورافشانی می‌کنند.

وصیت‌نامه برادر رزمنده علی اکبر پرک

اینجانب علی اکبر پرک، فرزند نورمحمد این‌چنین وصیت می‌نمایم: در زمانی این را می‌نویسم که خون در عروقم به جوش آمده و خود را در مقابل خدای تنهاترین تنها احساس می‌کنم.<sup>۴</sup> زمانی این را می‌نویسم که بیش از پیش به نصرت و یاری او نیازمندم. زمانی این را می‌نویسم که خود را گناهکار و او را بخشنده‌ترین می‌بینم و بالاخره<sup>۵</sup> در زمانی این را می‌نویسم که تنها امیدم را او می‌دانم و تنها از او یاری می‌جویم.

بار پروردگارا! مرا در راهی که قدم نهادم، یاری بنما و توفیق خدمتگزاری به آستانت را نصیبم گردان. بار پروردگارا! توفیق خدمتگزاری به اسلام و رزمندگان عزیز را نصیبم گردان. بار خدایا! اگر در زمان ظهور مهدی (عج الله) عزیز بودم که مرا از یاران و اعوانش

1- آل عمران/ 169.

2- ر.ک. تعلیقات.

3- در اصل وصیت «بلاخس».

4- در اصل وصیت این جمله تکرار شده است «خود را در مقابل خدای تنهاترین تنها احساس می‌کنم».

5- در اصل وصیت «بلاخره».

قرار ده و گرنه، پس بیرونم آر از گورم، کفن به خود پیچیده با شمشیر آغشته و نیز بر همه پاسخ [...]»<sup>1</sup>

بار خدایا! بپذیر جان بی‌ارزشم را، در راحت. که چیز دیگری ندارم که به درگهت تقدیم کنم. که ای کاش هزاران جان داشتم و فدای تو می‌کردم. بار خدایا! امامان را تا ظهور دولت حق در کنار مهدی (عج) عزیز حفظ بفرما و اما، مادر عزیزم: مرا ببخش که اگر اذیت کردم و حلالم کن و برایم دعا کن، که بسیار محتاج دعایم. بر مرگم گریه و زاری نکن، که مرگ حق است و شهادت در راه معشوق افتخاری است که نصیب هر کس نمی‌شود. بر مرگم عزاداری نکنید که عزاداری و گریه و سیاه پوشیدن سزاوار مولایم حسین (7) است، که درس شهادت و آزادگی را از آن بزرگوار آموختم. روز شهادتم را عزا مپندارید، که مدت‌ها انتظار چنین روزی را می‌کشیدم و اما بعد از دار دنیا هیچ ندارم خدا را شکر مرا نیز در جوار شهدای صالح آباد (امامزاده علی صالح<sup>2</sup>) دفن کنید. شاید که به واسطه آنان، مورد لطف خدا قرار گیرم و آمرزیده شوم. از همه حلالیت می‌طلبم و به همه بگوئید که برایم دعا کنند. که بسیار محتاج دعایم و اما چند کلمه‌ای با هم‌سرم: هم‌سرم امیدوارم زینب‌وار باشید و هیچ‌گاه غمی به دل راه ندهید و مواظب فرزندانم باشید. بلاخص<sup>3</sup> دختران عزیزم منیره و صبریه و مریم و پسر عزیزم علی. باری پسر عزیزم علی جان، امیدوارم که یک فرزند خوب و ایده‌ال و با تربیت باشید که بتوانید راه پدرت را ادامه دهید و در جامعه فرد مخلص و با ایمانی باشید و همیشه طرفدار حق و حقیقت و پشتیبان مستضعفان و محرومان و دشمن مستکبرین [و] منافقین از خدا بی‌خبر باشید و هیچ‌گاه زیر بار ظلم و ستم دشمنان خدا نروید. حسین (7) می‌فرماید: «هیئات من الذلّه»<sup>4</sup>. هرگز زیر بار ظلم نروید و بردبار و صبور و شکیبیا و با استقامت باشید و تنها خواهشی که از تو دارم [این است که] راهم را تا آخرین قطره خونی که در بدن دارید ادامه دهید و اسلحه رزم را

1- در اصل وصیت یک سطر از وصیت خوانا نیست.

2- ر.ک. تعلیقات.

3- در اصل وصیت «بلاخص».

4- ر.ک. تعلیقات.



بر زمین نگذارید و هم‌چنان مثل فرزندان حسین (7) باشید که چگونه پیکار و اسقامت کردند و هیچگاه زیر بار ظلم و ستم نرفتند و جان پرارزش خودشان را فدای حق کردند و عاقبت هم به شهادت نائل گشتند، سلام بر مولایم حسین (7) که چنین درس آزادی و شهامت به همهٔ مسلمانان یاد داد و ماها را از زیر یوغ استعمارگران و طاغوت‌های از خدا بی‌خبر، نجات داد. آفرین بر شهدای خونین کربلای حسین (7) با رشادت و دلیری از امامشان حسین (7) پشتیبانی کردند و همه‌شان در راه رضای الله جان فدا کردند، روحشان شاد و راهشان پر رهرو باد و سلام به امید زیارت کربلا و نجف.<sup>1</sup>

«نَصْرٌ مِنَ اللَّهِ وَفَتْحٌ قَرِيبٌ»<sup>2</sup>

تاریخ 65/9/25

وصیت برادر رزمنده علی پرک

1- ر.ک. تعلیقات.

2- قسمتی از آیه 13 سورهٔ صف.

من به الله الرجوع المرجع تاریخ ۲۵، ۹، ۷۵  
 ولا تخشع الذریع فاقبلوه اخی دینار و احوالنا بل احوالنا  
 بر مردم بریز خون. همین آری که گمانی که در خدا کشته می شود مردم  
 بدکار زنده داند و سر و پروردگار من بعد از جگر من  
 با سلام به پیشگاه مقدس حضرت مهدی علی الاعمال نیز با شکر و با تبر حرکت  
 دنیا خستید و با سلام و درود بر سر خیم کبیر اقتدار بسیار اندازید چه بدوری تم  
 لست از من ایران و با سلام بر شما از دست ما آن کفر ستیز جیره های نو را  
 علیه ظلمت و با سلام بر شما لغت دلاوری جاکتای بی باطن مردم  
 زنده اند و سر و پروردگار من در روز قیامت و نورافشانی می کشید  
 دنیا و میخانه برادر زنده علی اکبر برک  
 ایامی که خون در هر رقیم محو تر آمده و خود را در مقابل خدا تنها می بیند

عجل

بعد از اینها احسان می کنم و خود را در مقابل خداوند متعال (حق تعالی) -  
 رعایت این را می خواهم که بیستم از بیست و نه فقرت و باری او بیست و نهم  
 از بیست و نهم را می خواهم که حدود و اقصای کار و راه را بر بفرماید (تشریح غم) ۱۳  
 داخله در زبانی این را می خواهم که تنها احبدم را او می دانم و تنگنا او  
 زنی می خواهم که با پروردگارا را در راهی که قدم نهادم باری بنا و توفیق  
 در ستراری می آید تا او بیست و نهم را با پروردگارا (بیتن) نگاهدارم  
 بیست و نهم را می خواهم و مادام ما را پروردگارا توفیق حد متعلقاری به اسلام  
 در زندگان عزیز را بیست و نهم کردن با پروردگارا در زمان ظهور  
 لای (عجل) عزیزم که مرا از یاد او خدایتی قرار دهی منم  
 اگر از گم کنم خود را بچیزه با سینه اشسته و نیزه بر عهدی  
 تا که ...

عشر

باز خدا بیا پیوسته جای از ستم را چه راحت که خیر و بدی بنامم که بهر کس  
 خدیم گفتم که ای کاش من هزاران جادو شوم و فدای تو می کردم تا حطای  
 ما عا رانا ظهور دولت حق در کنار مهدی (عج) عزیز حقیقت نما و  
 اعا ما در عمر بنیم خدا بسوی که اند ازینست کردم و حلا می کن در سلام دی  
 کن که بسیار محتاج معون بر منم که به وزارت کن که برگ حق است  
 و شما دست در راه معشون افتی بدی است که نصیب منم کن که بر من  
 بر منم عزاداری نکنیم که عزاداری و کربیه و سیاه یوسفین بسزاوار  
 معراج حسین (ع) است که شهادت در س شهادی و کزاد کن را  
 آن نردگوار آمد و ختم روز شهادت را فراموش ازیر که مدتها انتظار حسین زود  
 طهر کشیدم و اما بعد از دار دنیا هیچ نماند عباد را شکر منم از خوار  
 صالح آباد (اما مزاد علم صباری) اد من کثیر منم که پوانم

بسم الله الرحمن الرحیم  
 اینک صورت الحقیقه و قرارگیری و اکثریتم در شهر و از همه جدا نیست  
 بگویم و میگویند که برایم دعا کنند که بسیار عمامه می خواهم اما چند نفر  
 همسرم همسرم امیروارث که زینب و ارانه باشند و هیچ تک  
 سر بددل راه ندهید و موافقت فرزند ام با سید بهر شخص احترام از  
 نزد و مسر به و هر چه میسر تر است علی و ناری پسر من از علی جان امیروارث  
 در یک فرزند خوب و جود دارد و کمال در یاد است تا سید که بتواند  
 به نیت را ادامه دهد و در جامعه فرد مجلس و با ایمانی باشد و همیشه  
 در راه حق و حقیقت و راستی استقامت و عمر ما و دستخمس که کبریا  
 به اوقات از حد ای خیر باشد و در هر کجا که زیر نام عالم و ستم دهد تا حد از زیر  
 عیب و عیب فرزند (همچنان در آن) هرگز زیر نام عالم  
 در بد و بدبار و مسر و شکلیه و با استقامت تا سید و سقا

بسم الله الرحمن الرحيم

حواله هستی که گزیند دارم را هم را تا آخرین قطره خونم که در سینه است  
 ادا می دهیم و استی از هم از بر زمین نماند از بر و همه فرزندان  
 عیسی (ع) باشد که چو سینه پندار و هاستقامت کردند و هیچ گاه زیر بار ظلم و  
 ستم نرفتند و جان بر آرزوی خودشان از فدای محلی کردند و عاقلان به سعادت  
 نماند که شکر تمام بر مولای حسین که چنین درس کزادی و شجاعت به ما  
 مسلمانان یاد داد و صاهارا را در برابر جوع استعمارگران و طغیانهای  
 از کف خدای خنجر یاد داد اگر هیچ بر شهیدای خونین نکرده ای  
 حسین که چنین بار سعادت و دلگیری از امامت حسین (ع) استیفا  
 کردند و سعادت را در راه رضای الهی جان فدا کردند و حجتاً شدند و  
 بافتن بر هر چه بود و سوره به امید زیارت کرد او کس  
 تا به ۸، ۹، ۱۰ و ۱۱ و ۱۲ و ۱۳ و ۱۴ و ۱۵ و ۱۶ و ۱۷ و ۱۸ و ۱۹ و ۲۰ و ۲۱ و ۲۲ و ۲۳ و ۲۴ و ۲۵ و ۲۶ و ۲۷ و ۲۸ و ۲۹ و ۳۰ و ۳۱ و ۳۲ و ۳۳ و ۳۴ و ۳۵ و ۳۶ و ۳۷ و ۳۸ و ۳۹ و ۴۰ و ۴۱ و ۴۲ و ۴۳ و ۴۴ و ۴۵ و ۴۶ و ۴۷ و ۴۸ و ۴۹ و ۵۰ و ۵۱ و ۵۲ و ۵۳ و ۵۴ و ۵۵ و ۵۶ و ۵۷ و ۵۸ و ۵۹ و ۶۰ و ۶۱ و ۶۲ و ۶۳ و ۶۴ و ۶۵ و ۶۶ و ۶۷ و ۶۸ و ۶۹ و ۷۰ و ۷۱ و ۷۲ و ۷۳ و ۷۴ و ۷۵ و ۷۶ و ۷۷ و ۷۸ و ۷۹ و ۸۰ و ۸۱ و ۸۲ و ۸۳ و ۸۴ و ۸۵ و ۸۶ و ۸۷ و ۸۸ و ۸۹ و ۹۰ و ۹۱ و ۹۲ و ۹۳ و ۹۴ و ۹۵ و ۹۶ و ۹۷ و ۹۸ و ۹۹ و ۱۰۰

نام: محمد  
نام خانوادگی: پرکاسی  
نام پدر: حسین  
نام مادر: نرگس  
تاریخ تولد: نهم خرداد 1348  
محل تولد: روستای سیاه گل از توابع  
شهرستان آبدانان  
تحصیلات: پایان دوره راهنمایی  
ارگان اعزام کننده: بسیج  
تاریخ شهادت: سوم مرداد 1367  
محل شهادت: میمک  
نحوه شهادت: اصابت ترکش  
مزار: زادگاهش



## عبارت‌های کلیدی

- ۱ به نام خدا آن یگانه معشوق عشاق که در مقابلش به رکوع و سجود می‌افتند.
- ۱ به نام او که خود وجودی است جاوید و آفریده است موجودی بین دو عدم را.
- ۱ سلام، سلامی به زیبایی سپیده دم پیروزی، بر خمینی کبیر این مرد حق و حقیقت.
- ۱ شب است شب عزیمتِ مردانی که چون شیر در روز می‌خروشدند و شب هنگام در مقابل معشوق، خود به راز و نیاز می‌پردازند.
- ۱ مردان خدا خوب درک کرده‌اند که دنیا دو روز است.
- ۱ خمینی راه راست را نشان داده و چهره واقعی انقلاب حسین (7) را تشریح کرده است.
- ۱ عزیزان تقوا پیشه کنید.
- ۱ آنکه تقوا پیشه کرد، چیزی نبیند به جز وجود خداوند.
- ۱ پس تو را دعوت می‌کند «ارْجِعْ إِلَيَّ رَبِّكَ» و با تو حرف می‌زند.
- ۱ پدرم برخیز و هدیه خویش را با روی شاد تقدیم معبود خود نما.
- ۱ ای رفقا ای کسانی که این وصیت را می‌خوانید یا گوش می‌کنید، بدانید و از یاد نبرید که در قبال این خون‌ها وظیفه شرعی دارید.
- ۱ ای کسانی که تاکنون در خواب غفلت به سر برده‌اید، برخیزید.

## محمد پرکاسی

### بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

«وای بر هر عیب جوی هرزه زبان. همان کسی که مالی جمع کرده و دائم بشمارش سرگرم است پندارد که مال<sup>1</sup> و داراییش او را عمر جاویدان خواهد بخشید»<sup>2</sup>.

به نام خدا آن یگانه معشوق عشاق که مردان شب، با او به عشق بازی برمی خیزند و در مقابلش به رکوع و سجود می افتند. آن یگانه معبودی که همه در معبد او به حمد و ستایش مشغولند. به نام او که خود وجودی است جاوید و آفریده است موجودی بین دو عدم را.

سلام، سلامی به گرمی خورشید بر رزمندگان اسلام این بازوان پرتوان خمینی. سلام، سلامی به لطافت گلبرگ های سرخ روپیده از خون شهیدان به آقا امام زمان (عج الله). سلام، سلامی به زیبایی سپیده دم پیروزی، بر خمینی کبیر این مرد حق و حقیقت. سلام به کسانی که می خوانند و می شنوند<sup>3</sup> حدیث خونبار گران عشق را.

خدایا من گواهی می دهم که غیر از تو خدایی نیست و محمد (6) رسول و بنده توست و علی (7) ولی توست.

شب است شب عزیمت مردانی که چون شیر در روز می خروشدند و شب هنگام در مقابل معشوق، خود به راز و نیاز می پردازند.<sup>4</sup>

مردان خدا خوب درک کرده اند که دنیا دو روز است و به هیچ کس وفا نمی کند و می دانند که دنیا خالقی دارد که بر آن ناظر است و از روحشان به جسمشان نزدیک تر است، آنها می دانند که خمینی آنها را از زیر بار ننگ رهانیده او به آنها شخصیت داده و راه<sup>5</sup> راست را نشان داده و چهره واقعی انقلاب حسین (7) را تشریح کرده.

1- در نسخه تاپپی و مورد تأیید بنیاد «ماتل».

2- ترجمه آیات اول تا سوم سوره همزه: «وَيُلْ لِكُلِّ هُمَزَةٍ لُمَزَةٌ الَّذِي جَمَعَ مَالًا وَعَدَّدَهُ يَحْسَبُ أَنَّ مَالَهُ أَخْلَدَهُ».

3- در نسخه تاپپی و مورد تأیید بنیاد «می شنونده».

4- در نسخه تاپپی و مورد تأیید بنیاد «می پردازند».

5- در نسخه تاپپی و مورد تأیید بنیاد «راه».



آگاه باشید که چشم مستضعفان جهان به شما دوخته شده است. پس به دنیا بفهمانید دستورات اسلام را، آیین خدا را تشریح کنید.

ای عزیزان: اگر دنیا در نزد خداوند به اندازه یک بال پشه‌ای ارزش داشت، خداوند حتی یک قطره آب هم به کافران نمی‌داد، عزیزان تقوا پیشه کنید که آنکه تقوا پیشه کرد، چیزی نبیند به جز وجود خداوند و به هر چیز نظر کند خدا را ببیند. آیا دوست داری خالق این دنیا و آن دنیا را ببینی آیا دوست داری خالق خود را ببینی. یک لحظه فکر کن چستی<sup>1</sup> و کیستی و این دنیا چیست؟ فوراً خدا را می‌شناسی و تا<sup>2</sup> شناختی دوستش داری و چون دوستش شدی عاشقش می‌شوی و عاشق و معشوق شدی تو و... آن وقت است می‌شود به جز خدا را نمی‌بینی پس تو را دعوت می‌کند «ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ»<sup>3</sup> و با تو حرف می‌زند.

ای پاسداران ای بسیجیان و ای سربازان امام و ای کسانی که این نوشته را می‌خوانید. حتی<sup>4</sup> شما برادرم بدانید که شهداء امام عزیزمان را به رسم امانت پیش شما گذارده‌ایم<sup>5</sup> از خدا کمک<sup>6</sup> بخواهید و پشت به دستورات او نکنید. چون او دستورات قرآن را پیاده می‌کند. دهان منافقین را خرد کنید و هیچ ابا نداشته باشید. اما اگر خلاف دستورات عمل کنید و به او پشت کنید و فرزند پاک زهرا (3) را به این دنیا [ی] ظالم‌پرور مظلوم‌کش بفروشید، بدانید که به خدایی که خمینی را آفریده و مهرش را در دل ما قرار داد، از شما گذشت نخواهیم کرد و آن هنگام که بر روی پل صراط می‌روید و آن پل به اندازه یک مو باریک می‌شود در آن هنگام شهداء بنا به آن امانتی که پیش شما گذاشته و شما به آن خیانت کردید از خدا می‌خواهیم که فرشته عذاب بر آن موی شمشیر زند (پس وای بر احوال تو ای بدبخت) در آن موقع است که می‌گویید به قول قرآن: ای کاش با پیامبر راهی را باز می‌کردیم.

1- در نسخه تاپیی و مورد تأیید بنیاد شهید «چیستس».

2- در اصل وصیت «ما».

3- بخشی از آیه 28 سوره فجر.

4- در نسخه تاپیی و مورد تأیید بنیاد شهید «حتش».

5- در نسخه تاپیی و مورد تأیید بنیاد شهید «گذارده‌ایماز».

6- در نسخه تاپیی و مورد تأیید بنیاد شهید «مکم».

و اما شما پدر و مادر عزیزم [ملتمسانه]<sup>1</sup> از شما تقاضامندم که پسران را عفو کنید. پدرم دست بر جبین حسرت مگذار، قامت استوار دار و نگاه از زمین به آسمان گردان. تا نور وجودت را تماشا کنم، پدرم برخیز و هدیه خویش را با روی شاد تقدیم معبود خود نما. تبریک به تو که در انتخاب هدیه پیروز شدید. پدرم برخیز و مادرم و خواهرانم را دلداری ده و انشاءالله<sup>2</sup> در گوش آنها بخوان و شما ای برادران و ای دوستان و رفیقان عزیز من، دایم فکر نکنید در مرگ من که آخ و آه را پیشه کنید و درباره سفر خودتان فکر کنید. ای رفقا ای کسانی که این وصیت را می خوانید یا گوش می کنید، بدانید و بدانید و بدانید و از یاد نبرید که در قبال این خون‌ها وظیفه شرعی دارید. ای کسانی که تاکنون در خواب غفلت به سر برده‌اید، برخیزید و هر سلاحی را که می‌توانید بر علیه مشرکین به کار گیرید که در روز موعود از شما سؤال می‌شود از تمام رفقا و عزیزان طلب حلالیت می‌کنم و همه را حلال کرده‌ام.

الهی:

فرزند عیال و خانمان را چه کند <sup>3</sup>	آنکس تو را شناخت جان را چه کند
دیوانه تو هر دو جهان را چه کند	دیوانه کنی هر دو جهانش بخشی

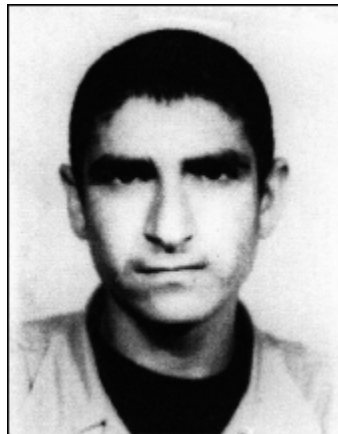
الحقیر محمد پرکاسی

1- در نسخه تاپی و مورد تأیید بنیاد شهید «بطور التماس».

2- در نسخه تاپی و مورد تأیید بنیاد شهید «انا شاءالله».

3- شعر از رباعیات خواجه عبدالله انصاری است. در اصل وصیت «آنکه تو را شناخت...».

نام: صادق  
نام خانوادگی: پورزند  
نام پدر: منصور  
نام مادر: خیره  
تاریخ تولد: دوم شهریور 1347  
محل تولد: شهرستان شیروان و چرداول  
تحصیلات: دیپلم  
ارگان اعزام کننده: بسیج  
تاریخ شهادت: دوم اسفند 1364  
محل شهادت: مهران  
نحوه شهادت: اصابت گلوله  
مزار: بخش صالح آباد از توابع شهرستان مهران



## عبارت‌های کلیدی

- ۱ ای خدای بزرگ به عزّت و جلالت این کشور و ملت عزیز را از رحمت واسعه خود، دور مگردان.
- ۱ ای دست گیر مستضعفان و واماندگان از راه، دل‌های رزمندگان ما به عشق حسین (7) می‌تپد.
- ۱ یاد مهدی (عج‌الله) و انقلاب او زخم‌های دل شیعیان را التیام می‌بخشد.
- ۱ بارالها! به دعا‌های سحرگاهان عارفان شب زنده‌دار و به سوز دلِ مادران شهید، لباس فرج را به قامت مولی امام زمان (عج‌الله) بپوشان.
- ۱ چه بهتر که با روی گشاده به استقبال مرگ با شرافت رفته و وظیفه خود را در مقابل اسلام پیامبر (6) و ائمه و امام بزرگوار انجام دهیم.
- ۱ اقوام را به صبر توصیه می‌کنم.
- ۱ ترک این دنیا همان ورود به جهان آخرت و ابدی و حساب و کتاب است.
- ۱ اقوام را از انجام اعمال حرام و گفتن اقوال کفرآلود در مرگم بر حذر می‌دارم.

## صادق پورزند

### بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

#### بِسْمِ تَعَالَى

با سلام و درود فراوان به پیشگاه رهبر کبیر انقلاب اسلامی ایران و با سلام فراوان به ارواح شهدای انقلاب و جنگ تحمیلی ای خدای بزرگ ای هستی بخش بر این ناچیز و ای «رب الغنی الحمید» بر این فقیر فقید رحم نما و در پیشگاه حسین بن علی (7) روسیاهش مگردان.

پروردگارا! ای قادر متعال تو خود گواهی که ملت ایران از اول این نهضت با دست خالی و فقط با توکل بر تو، در این راه گام نهاده و ای خدای بزرگ به عزت و جلالت این کشور و ملت عزیز را از رحمت واسعۀ خود، دور مگردان. و از رحمت بی کرات بر آنان نازل بگردان.

پروردگارا! ای ربّ الغفور الرحیم، ای دست گیر مستضعفان و واماندگان از راه، دل‌های رزمندگان ما به عشق حسین (7) می‌تپد. چشمانشان به یاد او گریان می‌شود و اشک‌هایشان جاری، خدایا آمدن به جبهه‌ها را و تشنگی‌ها و خستگی‌ها را عشق حسین (7) بر کام ایشان شیرین می‌کند. اینان رخسارشان با یاد او ملتهب می‌شود و قلبشان آرام می‌گیرد: خدایا تو را به مظلومیت حسین (7) و به پهلوی شکسته زهرا (3) قَسَمَت می‌دهم، رزمندگان ما را با پیروزی نهایی به کربلای معلا برسان

یاد مهدی (عج الله) و انقلاب او زخم‌های دل شیعیان را التیام می‌بخشد. لذت امیدواری به انتقام او از ظالمان و مستکبران شیعیان را مسرور می‌گرداند. بارالها! به دعاهای سحرگهان عارفان شب زنده‌دار و به سوز دل مادران شهید، لباس فرج را به قامت مولی امام زمان (عج الله) بپوشان. «ربّ اغفر لنا و لوالدینا یوم یقوم الحساب»<sup>1</sup> و اما سخنی کوتاه با پدر و مادرم، ابتدائاً از آن که نتوانستم حقوق شما را ادا کنم، از شما معذرت می‌خواهم و امیدوارم با بزرگواری خود مرا ببخشید و حقوق خود را بر من حلال کنید.

1- عبارت شهید قسمتی از آیه 41 از سوره ابراهیم است: «رَبَّنَا اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِلْمُؤْمِنِينَ يَوْمَ يَقُومُ الْحِسَابُ».

مگر این نیست که همه باید این دنیای فانی را ترک کنیم و مگر نه این است که ترک این دنیا همان ورود به جهان آخرت و ابدی و حساب و کتاب... آری.

پس چه بهتر که با روی گشاده به استقبال مرگ با شرافت رفته و وظیفه خود را در مقابل اسلام پیامبر (ﷺ) و ائمه و امام بزرگوار انجام دهیم، شاید در آخرت دستمان گیرند و نجاتمان دهند. اقوام را به صبر توصیه می‌کنم و آنان را از انجام اعمال حرام و گفتن اقوال کفر آلود در مرگم بر حذر می‌دارم.

باز هم پدر و مادر و خواهر شما را به صبر وصیت می‌کنم و امیدوارم ای پدر و ای مادر گرامی رنج‌تان را بر من حلال گردانید و صبر کنید که «إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ»<sup>1</sup>

صادق پورزند

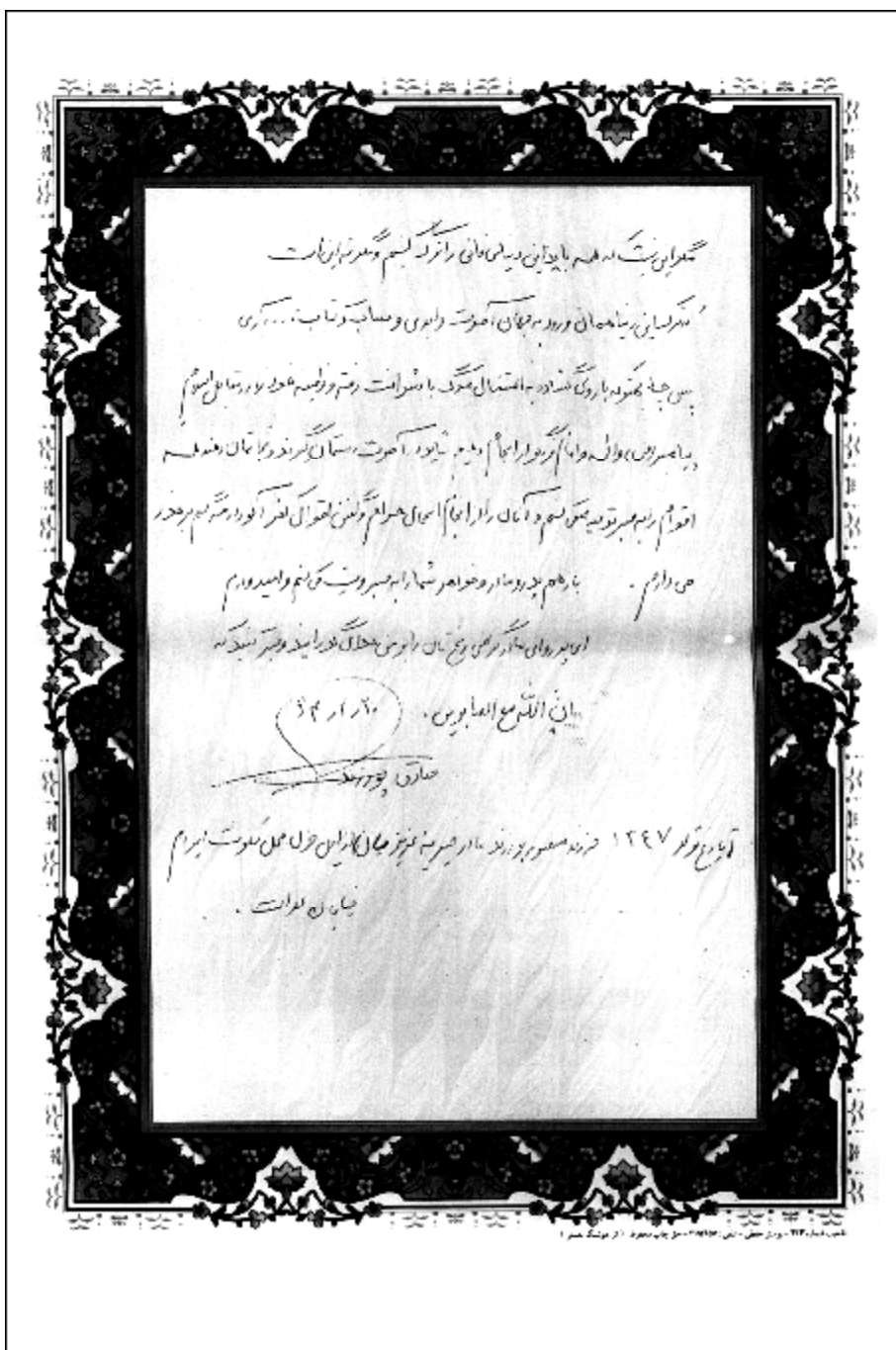
64/2/20

تاریخ تولد 1347 فرزند منصور پورزند، مادر خیریه عزیزان از ایل خزل، محل سکونت ایلام خیابان عدالت.

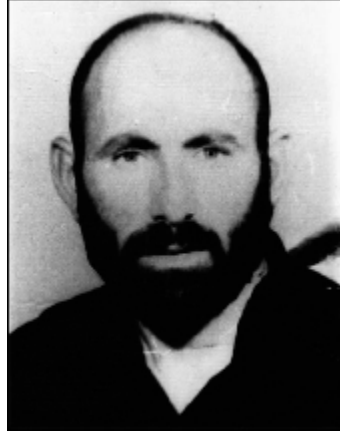
---

1- بخشی از آیه 153 سوره بقره یا آیه 46 از سوره انفال است.





نام: محمد یار  
نام خانوادگی: پورقاسمی  
نام پدر: علیرضا  
نام مادر: والیه  
تاریخ تولد: بیست و نهم فروردین 1323  
محل تولد: روستای تونه علیا از توابع  
شهرستان مهران  
تحصیلات: بی سواد  
ارگان اعزام کننده: بسیج  
تاریخ شهادت: بیست و سوم اسفند 1366  
محل شهادت: شاخ شمیران عراق  
نحوه شهادت: -  
مزار: بخش صالح آباد شهرستان زادگاهش



## عبارت های کلیدی

- ا اگر سعادت یاری نمود دشمن را مغلوب کردیم مراجعت می کنم و اگر هم شهادت نصیبم شد مرا حلال کنید.
- ا پدر از من مهربانتر پیر جماران است. غم مخورید.
- ا برادرانم اخطار می کنم که راهی در پیش بگیرید که در خط امام باشد.
- ا هیچ موقع گوش به حرف منافقین ندهید که باعث تباهی دین شما بشود.
- ا همه باید برویم، چه بهتر ادامه گر خون شهدا باشد.
- ا سلاح ما را نگذارید دیگران به دست بگیرند.
- ا هم چون کوهی استوار در برابر جمیع حوادث ایستادگی کنید.



محمد یار پور قاسمی<sup>1</sup>

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ رَبِّ الشَّهَدَاءِ وَ الصِّدِّيقِينَ

«وَكَلَّا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قَاتَلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزُقُونَ»<sup>2</sup>

اکنون که می‌بینیم به موجب کلام خداوند، جهاد در راه خدا و محافظت از دین و ناموس و شرف از جمله واجبات است، این چند کلمه را [برای] یادآوری به کلیه فامیل محترم و آشنایان و دوستان خود می‌نمایم. گرچه برای شماها خدمتی از دستم بر نیامده، اگر مزاحمتی فراهم آورده‌ام مرا ببخشید و از یاری به امام عزیزتان مسامحه نکنید که دنیا اعتباری ندارد. در روز قیامت درباره جهاد فی سبیل [الله] از شماها سوال می‌شود، باری عرایض قلبی بنده به حضور مادر مهربانم در کاغذ نمی‌گنجد، ولی مجبورم مختصر عرض کنم. مادر عزیز زحمات شبانه روزی شما برای<sup>3</sup> من، طاقت فرساست. گرچه بنده یک فرزند شایسته نبودم برای تو، ولی اگر مرا ببخشید، خدا از من راضی می‌شود و خواهرانم، انسان یک‌دفعه بیشتر نمی‌میرد، چه بهتر هدف راه حق و خدایستدانه<sup>4</sup> باشد. امید است برای من رو نخراشید و گریه زیاد نکنید، که باعث شادی روح من می‌شوید و همسر مهربانم در کلیه امور زندگی کمتر کمک به شما کردم و اکثر زحمات و سرپرستی بچه‌ها [به] عهده شما بوده، اگر سعادت یاری نمود دشمن را مغلوب کردیم مراجعت می‌کنم و اگر هم شهادت نصیب شد مرا حلال کنید و پدر از من مهربانتر پیر جماران است. غم مخورید و به کلیه فامیل مخصوصاً برادرانم اخطار می‌کنم که راهی در پیش بگیرید که در خط امام باشد

1- بالای وصیت شهید تاریخ 66/12/15 آمده است و قید شده که این وصیت‌نامه از زبان پاسدار رشید اسلام برادر محمد یار پور قاسمی گویا متن وصیت‌نامه را شهید نقل کرده و فردی دیگر تحریر نموده است.

2- آل عمران/169.

3- در اصل وصیت «به».

4- در اصل وصیت «پسندیده».

و هیچ موقع گوش به حرف منافقین<sup>1</sup> ندهید<sup>2</sup> که باعث تباهی دین شما بشود و اگر بنده در جهادی که در پیش دارم، سعادت یاری نمود، به درجه رفیع شهادت رسیدم، در برابر دشمنان اسلام بی طاقتی نکنید و قلب منافقین را شاد نکنید. به یاد بیاورید از آبا و اجداد، کسی باقی نمانده و همه باید برویم، چه بهتر ادامه گر خون شهدا باشد و سلاح ما را نگذارید دیگران به دست بگیرند و آخرین امانت من این است. هیچ گونه ناراحتی نکنید و هم چون کوهی استوار در برابر جمیع حوادث ایستادگی کنید.

«والسَّلام»

این بود وصیت نامه برادر شما محمدیار قاسمی

---

1- ر.ک. تعلیقات.

2- در اصل وصیت «نزنید».

محرره ۱۳۶۱/۱۲/۹ بسمه تعالی

این وصیت نامه از زبان یا سردار شهید اسلام برادر محترم و ارادتمند  
بسمه رب منعم و رحیم و رحیم رحمت زاهدین قنبر علی بن ابراهیم

عبدالرحیم نوری کون کوی حیدرآباد و در جوار در راه خدا و شهادت

در این نامه در وصف از عفو و رحمت است این چند کلمه را حسب یاد آوری بکلمه کامل

مخبر در کتب ایان و در شان خود می نامم که بر سر خطها حدیثی از دستم برشته اند اگر در حدیثی خودم آوردم

در این خطبه در زبان می نامم عزیزان ما می گویند که زنیای و عیبای اولاد رسیده روز قیامت از آن

جوار بی سبب از آنها سوال می کند یا می عزیزان صبی سیده بجز زوره در راه می نامم و در آن

نمی گویند که در جمیع محضر عرض کنم ما در عزیز رحمت شبانه روزی تا برین طاقت فرسای

گرچه بنده با کفر زنده است نبودم برای تو می در در بخشید و خداوند زمین را می سرشته و خدایم انسان

بگویند بیشتر نیمی در به بعد در حق خدا بسزیه باشد و دست را چون معجز است و در

زیاد بگویند که باعث شناسی روح من می توید بر سر مرگم در بگویند بعد از آن که کفر کف است و نام

در آن روز است و بر سر منی بچه ها سوزد تا بچم که در سعادت یا می نمیدانم در معلق است که انجام می

میکنم در آن روز شهادت بضم شد در حلال شد و بعد از این می توانم بر همه اعمال آن سبب می خورد

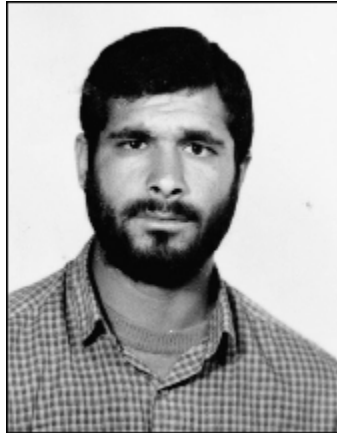
دیگر حاصل نمودم برادرانم از خطای منم که راهی در می بینم که در خط امام با سوره در روح

کون بجز ضایعین نرسند که باعث با همی بین ظهور در آن بنده در حواصطه پیش

دارم بقیه در صفحه پشت

صفت یاری بخد بد رجم کرفج مشهور است در سیم در برابر دشمنان اسلام بی طاقی نکند  
و قلب منافقین بر شاد نکند بیاد یاری در روز کباب و اجلا کجی با حق نماند مهم  
باید بروم چه بهتر درام گر خون شهیدان با منم علاج ما را غلظت بد در دکان بدست گیرند  
در کفری امانت من این نیست میگویند نلاجحی نکند بی مویه و کوهی در کوه در برابر  
جمع حواری استیاده کند و سلام این بود صفت نام برادرنا هر بار قاسمی

نام: عزیزالله  
نام خانوادگی: پورمند  
نام پدر: موسی  
نام مادر: خاتون  
تاریخ تولد: یکم اسفند 1342  
محل تولد: روستای وزیرآباد از توابع  
شهرستان دره شهر  
تحصیلات: پایان دوره راهنمایی  
ارگان اعزام کننده: سپاه  
تاریخ شهادت: بیست و سوم اسفند 1366  
محل شهادت: شاخ شمیران عراق  
نحوه شهادت: اصابت ترکش  
مزار: گلزار شهدای شهرستان زادگاهش



## عبارت های کلیدی

- ۱ ای مردم به آمریکا ثابت می کنیم که ایمان و شهادت بالاتر از سلاح های آمریکاست.
- ۱ دنیا دار امتحان است و یک روز همه ما باید در مقابل ثانیه ای که از عمرمان می گذرد، جواب بدهیم.
- ۱ سعی کنید که از امتحان های الهی نیکو و سر بلند بیرون آید.
- ۱ خدا در این مقطع حساس امتحان بزرگی را برای شما پیش آورده و آن امتحان میزان و درجه ایمان شماست.
- ۱ تمام حيله گری ها از آمریکاست.
- ۱ امید این که در روز قیامت، همگی در پیش امام حسین ( 7 ) و 72 تن سرافراز باشیم.
- ۱ یکی از پایه های ایمان به قول حضرت علی ( 7 ) صبر است.
- ۱ نسبت صبر به ایمان، مانند نسبت سر به بدن است.
- ۱ تا بنده خدا خالص نشود، شهید نمی شود.
- ۱ امام را همیشه دعا کنید.

## عزیزالله پورمند

### بسم الله الرحمن الرحيم

ای خدای بزرگ، دستم را بگیر و از گمراهی نجاتم بده. خدایا مرا مورد عفو و رحمت خود قرار ده و ای مردم ما به آمریکا ثابت می‌کنیم که ایمان و شهادت بالاتر از سلاح‌های آمریکاست و همانطور که امام می‌گویند: «این وصیت‌نامه‌ها انسان را می‌لرزاند و بیدار می‌کند»<sup>1</sup> و باز هم توصیه من به پدر و مادر و برادران عزیزم و همه کسانی که این متن را می‌خوانید این است که این دنیا دار امتحان است و یک روز همه ما باید در مقابل ثانیه ثانیه‌ای که از عمرمان می‌گذرد جواب بدهیم. سعی کنید که از امتحان‌های الهی نیکو و سربلند بیرون آید. خدا در این مقطع حساس امتحان بزرگی را برای شما پیش آورده و آن امتحان میزان و درجه ایمان شماست. یکی از مهمترین این پایه‌های ایمان، به قول حضرت علی (7) صبر است که نسبت صبر به ایمان مانند نسبت سر به بدن است. پس در مقابل تمام مشکلات تحمل کنید که پیروزی از آن ملت رنج دیده ایران است.

و در پایان شما ای دوستان واقعی‌ام و شما ای هم‌زمانم ای نور چشمانم از اینکه برای شما دوست خوبی نبودم و چه از لحاظ برخورد و چه از لحاظ محبت معذرت می‌خواهم. خودم می‌دانم برای شما دوست خوبی نبودم، حلالم کنید و از تمام بچه‌هایی که با هم در یک روستا زندگی می‌کردیم معذرت می‌خواهم. اگر از من برخورد تندی دیده‌اید مرا به بزرگی خود ببخشید.

ای کسانی که در تشییع جنازه من شرکت کرده‌اید، اگر پیکر خاموش شهیدی را که از دیدار کربلای حسین (7) آورده‌اند و در این شهرستان بر دوش شما گذاشتند و شما هم او را به خاک سپردید وسط راه «تمام فریاد خود را بر سر آمریکا بکشید»<sup>2</sup>، چون که تمام حيله‌گری‌ها از آمریکاست و از تمام شما معذرت می‌خواهم چون که سخن را زیاد کردم و این وصیت‌نامه تکلیف است بر همه ما. به امید این که در روز قیامت همگی در پیش امام

1- صحیفه امام، ج 16، ص 13.

2- عبارت امام این است: «هر چه فریاد دارید سر آمریکا بکشید» (صحیفه امام، ج 11، ص 121).

حسین (7) و 72 تن سرافراز باشیم. در پایان وصیت نامه خدایا خدایا تو را به حق زهرا (3) از عمر ما بکاه و بر عمر رهبر افزا.

66/12/23

### [وصیت‌نامه‌ای دیگر]

#### بسم الله الرحمن الرحيم

سپاس خدای را که به ما قدرت و استقامت داده، این جانب عزیز الله پورمند که اگر خدای تبارک و تعالی قبول کند به عنوان یک سرباز امام زمان (عج الله) و حتی کوچکتر از سرباز، یک خادم، افتخار می‌کنم به این که در لشکر پر عظمت روح اله هستم و بسیار افتخار می‌کنم به خدمتگزاری.

خداوندا، تو شاهد باش سپاه دشمن به ایران هجوم آورده‌اند و شهرها و منزل‌ها را ویران می‌کنند و کودکان، زنان، پیرزنان و پیرمردان را کشتند و به اسارت بردند و بنده هم این تحمل را از خود دور نمودم و لباس سبز مقدس امام زمان (عج الله) را به تن کردم و الان که این وصیت‌نامه را می‌نویسم، آماده کارزار می‌باشم که به سوی دشمن هجوم بریم و غسل شهادت کرده‌ام هر چند که می‌دانم که لیاقت شهادت را ندارم. خداوندا، معذرت می‌خواهم که کلمه شهادت را به خود چسباندم و این را می‌دانم که تا بنده خدا خالص نشود، شهید نمی‌شود، پس همه کس شهید نمی‌شود، ولی ای خدای من، تو شاهد باش که بنده گنه‌کار هستم و لایق این نیستم که سرباز امام زمان باشم.

باری ای عزیزان مخلص! بنده از این که مطلبی را در این کاغذ می‌نویسم، معذرت می‌خواهم و این مطلب را به عنوان یک حقیر که این را نوشته و وظیفه داشتم قبول فرمایید.

ای ملت غیور! هم وطنان عزیزم! هرگز پشت رهبر و ولایت فقیه را خالی نگذارید. امام عزیزمان را نگران نکنید. امام را همیشه دعا کنید مهدی (عج الله) را صدا کنید، در اعزام به جبهه از نیروی انسانی دریغ نفرمایید. فرزندانان را رهسپار جبهه کنید.

ای مردم! امروز دفاع بر زن و مرد بسیار واجب می‌باشد. جنگ اسلام و کفر، جنگ یک

کشور مسلمان با کفر جهانی، جنگ مسلم با ظالم است.

وصیت من به تمام مردم ایران به خصوص مردم شهید پرور شهرستان درّه شهر<sup>1</sup> و روستاهای تابع این است، «سنگر مساجد را خالی نگذارید»<sup>2</sup> صفوف نماز جمعه را پر کنید. از همدیگر سبقت بگیرید. این مساجد و این دعاها ما را تا الان زنده نگه داشته است. برادران عزیزم! خودتان بهتر می دانید الان جنگ شدت یافته، احتیاج به نیرو دارد. احتیاج به خون دارد باید کشته شویم باید خون بریزیم، باید دفاع کنیم، جهاد کنیم و مبارزه کنیم تا اسلام پیروز شود و حکومت عدل الهی برقرار شود.

ای مردم مسلمان و انقلابی ایران! این را بدانید و می دانید ملتی که این بسیج مردمی را دارد و این سپاه و ارتش قوی را دارد و این همه ایثار را دارد، مسلماً پیروز می شود و خواهد شد. ما رزمندگان این قول را می دهیم که تا پیروزی اسلام در جبهه [می مانیم و] خواهیم ماند.

و اما شما دوستانم! ای عزیزانی که مرا می شناسید، از این که دوست خوبی برای شما نبودم معذرت می خواهم و مرا باید ببخشید. این را بدانید که دنیا زود گذر می باشد و نباید محلی به این دنیا گذاشت. ای برادران نسل جوان! شما باید امام را یاری کنید و جبهه را خالی نگذارید و با رزم بی امان خود دشمن را شکست بدهید. پس جبهه را فراموش نکنید. اما شما ای پدرم! ابراهیم گونه<sup>3</sup> باش که فرزند خود اسماعیل<sup>4</sup> را قربانی درگاه خداوند نمود و پدرم! از اینکه مرا تربیت نمودی و به این سن و سال رسانیدی و مرا تربیت اسلامی دادی و نگذاشتی خدای ناکرده گمراه شوم کمال تشکر می نمایم.

پدر جانم! به خدا موقعی که به یاد شما می افتم و الان که این وصیت نامه را می نویسم اشک از چشمانم جاری می شود و توان نوشتن و حتی قادر به سخن گفتن نیستم. به خدا قسم پدرم از این که بنده هم برای شما فرزندی خوب و به تمام معنا نبودم، عذر می خواهم.

1- ر.ک. تعلیقات.

2- تعبیر سنگر بودن مساجد برگرفته از سخنان حضرت امام خمینی است «مسجد سنگر است، سنگر را حفظ کنید» (صحیفه امام، ج 12، ص 393).

3- ر.ک. تعلیقات.

4- ر.ک. تعلیقات.



پدر! تو را به خون شهیدان اسلام، از سر تقصیراتم بگذر.

و اما تو ای مادر عزیزم ای نور چشمانم! ای مادری که شب و روز مرا در گهواره جنابندی و خواب را بر خود حرام کردی. مادر مادر! به خدا قسم من می‌دانم<sup>1</sup> و کاملاً آگاه هستم که کاری برای تو نکرده‌ام<sup>2</sup> و فرزندى خوب برای شما نبوده‌ام، معذرت می‌خواهم. مادر جان ترا به پهلوی شکسته زهرا (3) قسمت می‌دهم، که مرا ببخشی چون که رضایت شما، موجب رضایت خدا می‌باشد. مادر، مادر بعد از مرگ فرزندت از شما خواهشی که دارم این است که هیچ نگران نباشی و در برابر منافقین<sup>3</sup> گریه و زاری نکن، چون که موجب نگرانی من و تمام شهدا می‌باشد.

مادر به این وصیت عمل کن، چون که گریه هیچ دردی را دوا نخواهد کرد. [مگر] مادرم من از شهید بهشتی<sup>4</sup> و شهید باهنر<sup>5</sup>، و شهید رجایی<sup>6</sup> و شهیدان محراب<sup>7</sup> بهتر که نیستم. من از تمام آنان کوچکتر می‌باشم. مادر از شما حالیت<sup>8</sup> می‌طلبم. و اما برادران و خواهران عزیزم! از شما می‌خواهم هیچ ناراحت نباشید. نگران نباشید از مرگ برادرتان. برادرانم! از شما می‌خواهم اسلحه به زمین افتاده‌ام را بردارید و ماشه آن را فشار دهید و سینه دشمن را هدف قرار دهید.

و خواهر تو هم چنین زمانی که احتیاج مبرم برای اعزام نیرو برای جبهه افتاد به جبهه بیا و جنگ کن و در صف رزمندگان قرار بگیر و برادر، خدای ناکرده یک موقع نکنند که جبهه را فراموش کنی. خواهر و برادر! از شما می‌خواهم که مرا ببخشید، چون که برادری خوب و دلسوز برای شما نبوده‌ام.

1- در اصل وصیت «نمی‌دونم».

2- در اصل وصیت «کرده‌ام».

3- ر.ک. تعلیقات.

4- ر.ک. تعلیقات.

5- ر.ک. تعلیقات.

6- ر.ک. تعلیقات.

7- ر.ک. تعلیقات.

8- در اصل وصیت «حالی».

الهی! اول از شما عفو و معذرت می‌خواهم دوم از دوستانم و سوم از پدر و مادرم و برادر و خواهر. خلاصه ای کسانی که در تشییع جنازه بنده شرکت نموده‌اید از تک تک شما معذرت می‌خواهم. شما را به خدا قسم می‌دهم تا از قبرم دور نشده‌اید مرا ببخشید چون که طاقت دوزخ و آتش را ندارم.

فرزند ملت ایران اسلامی

عزیزالله پورمند - 66/12/15

عزیزا - پسر من - خاندان دیندار بود و در سال  
۱۳۲۳ - ۱۲ - ۱۳۲۱

از هنای بزرگ دستم را بگیر و لذتگویی نمانم به . بعد مرا حدود عقود هستند و یاد ده و اگر  
مردم ما بگیرند که است می قسم که ایان بگردد البته از مساعدا که طاعت و حق نظر که امام می گویند البته در وقت  
ها است و از ای لرزاند و میرای می کند و باز هم و کسی من بر عهد دارد و برادران عزیزم و حمدی که این حق را -  
می خواند است که این دنیا دارا که این است و یک روز خدا ما را بر مصلحتی که می آید و نیز از کله بخوان سلفه در  
جواب برجم . نمی کشید که از آن می آید و سر طبقه بر روی آید . خدا مصلحت قطع هر کسی که در آن بودگی  
داری که حقش آورده و آن آنگاه میزان در هم از آن است . اگر کسی از آن بیرون آید و این حقش  
حق مصلحت که نشاید بر این مانند نیست که بر این است پس به مصلحت تمام مصلحت عمل کشید که بر روی  
لذات است بیخ و بود و بر این است .

در روز بیانی که از دستتان و لطفی که در آن همه ساله از دستهایم از آن دستهای خودم و چه لذت  
لذت بود و چه در آن وقت مصلحت می خواهم . خدمت می دانم را از آن دست خودی خودم و چه لذت کشید  
و لذت می بخاشی که با هم در آن دستهای می گردم مصلحت می خواهم . از آن دستهای خودی خودم و چه لذت  
مرا به بر این حق کشید .

از آن که در دستهای خودم از آن دستهای خودم از آن دستهای خودم از آن دستهای خودم از آن دستهای خودم  
آورد و در آن دستهای خودم از آن دستهای خودم از آن دستهای خودم از آن دستهای خودم از آن دستهای خودم  
سر آن که کشید و چه لذت کشید و چه لذت کشید و چه لذت کشید و چه لذت کشید و چه لذت کشید و چه لذت کشید  
کردم و در آن دستهای خودم از آن دستهای خودم از آن دستهای خودم از آن دستهای خودم از آن دستهای خودم  
۷۳ حق بر آن که کشید و چه لذت کشید و چه لذت کشید و چه لذت کشید و چه لذت کشید و چه لذت کشید و چه لذت کشید

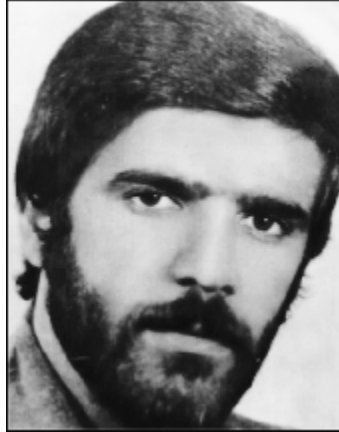


و اما من در وقت ! از عزیزانی که مرا می شناسید از اینکه دوست خوبی بر شما میزدم  
 خدمت می خواهم و در این بجهت . این را بدید که دنیا زودگذر می رسد و شبیه قطعی بیرون دنیا  
 گذشت . اگر برادری سن جوانا ! شناسم ایام را یاد کنید و صیبه را خالی نگذارید و با مردم بی ایمان  
 خود دشمنی را شکست بر دهید پس عهد را فراموش نکنید .  
 و اما من از این ! ابراهیم گویم تا آن که هرگز نه خدا و جلال را قربانی کند و خداوند بخندد و مردم !  
 در آنکه مرا تربیت بخشیدم این سخن در سال رسالتی در این تربیت آمدی دلای و کلماتی بسیار ناگوار کرده  
 شدم تا آنکه سگرمی نام . بدو خاتم ! به خدا برمی گردم به یاد من می آیدم و آنکه در دستهای مردم انگشت  
 گذاشتم جاری می شود و قوتان فرستای و قوتی قادر به سخن گفتن شستم . - در قسم بگویم که من برای شهرت نمی  
 خواهم و به تمام دنیا نروم ، عهد می خواهم . بدو ایام فرسخ بگردانم ایام که سر تقصیر آید بگذرد .  
 و اما تو مادر عزیزم ! ای روز خاتم ! ای ساری که است در روز مرا در گوارا حساسی و خواب را در خود  
 حرام کردی . مادر مائده ! به خدا قسم من عهد کنم و کاسه آنگاه هشتم که گاهی مرا تو از زهدم و فرزندگی برار شما  
 بدوام خدمت می خواهم . مادر جان ! ترا به کلی فرستادم و در آن وقت می خواهم که مرا خوشی . چو که  
 رفیقیت من موجب رفیقیت می باشد . و مادر مادر ! بعد از مرگ من تربیت از شما خواهد بود که مردم بی ایمان  
 که هیچ کس از شما دور نگذارد و من می خواهم که در این دنیا و آنجا تمام تمام و تمام باشد . مادر ! این  
 دست عمل کنی چو که بر همه مردمی را دعا خواهد کرد . هر مادرم منی از همه محبتی و محبتی با من و محبتی و محبتی  
 و محبتی بخواب هر چه که شستم . من در تمام دنیا و محبتی ایام . ~~محبت~~ مادر که شما محبتی می طلبم .  
 و اما برادران و خواهران عزیزم ! از شما می خواهم هیچ نخواست نباید ، گران نباید که مرگ بردارید  
 بر دلانم ! از شما می خواهم ایام در زمین اسناد تمام و در اولدی و مانند آنکه در افکار لطیفه داشته و من  
 را خدمت قرار دهید . و خواهر تو چشم منم که ایام امتیاح مردم را اعلم شود و همه لغت و همه با و کلمات  
 کنی و در صفت دستکاری قرار بگیرد و برادر جان ناگفته است موقع بگذرد و از این پس کنی . خواهر و برادر !  
 از شما می خواهم که را بنویسد چو که برادری خوب و دانشم برار شما میزدم .  
 ای که اول از شما نمود عهد می خواهم لایق از دوستانم و منم که در مورد مادر و برادر و خواهر .  
 مفروضه است که در شمع ضایع شده برکت نموده . دست است که خدمت می خواهم . شما را به خدا  
 قسم می دهم که تا مردم قدر ندانند و مرا بنویسد چو که کفایت دفعه و آتش را در مردم .

کا  
 عزیزان  
 ۳۳

خزانه ایران اسلامی

نام: عبدالمهدی  
نام خانوادگی: پیرحیاتی  
نام پدر: جاسم  
نام مادر: فرخنده  
تاریخ تولد: سوم آذر 1336  
محل تولد: شهرستان ایلام  
تحصیلات: دیپلم  
ارگان اعزام کننده: بسیج  
تاریخ شهادت: بیست و هشتم آبان 1359  
محل شهادت: روستای سارات سومار  
نحوه شهادت: اصابت گلوله  
مزار: روستای حاجی حاضر از توابع شهرستان ایوان



## عبارت‌های کلیدی

- ا خدای مهربان، عازم جنگ و نبرد با کفار و دست پرورده‌های امپریالیسم و سوسیال امپریالیسم جهان هستم.
- ا برادران هیچگاه دست از یاری دین اسلام بر ندارید.
- ا با امام امت خمینی کبیر پیوندتان را محکم‌تر نمایید.
- ا هیچگاه چون مردم کوفه که به حضرت علی (7) و مسلم بن عقیل (7) و حضرت امام حسین (7) پشت نمودند و از پیمان خود گذشتند، عمل نکنید.
- ا شهادت را تولدی دوباره می‌دانم.
- ا شهادت را آغاز یک زندگی نوین، همراه با سعادت ابدی می‌دانم.

## عبدالمهدی پیرحیاتی

### بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

«ما اراده کرده‌ایم تا سرانجام مستضعفان زمین را وارثان حقیقی زمین قرار دهیم»<sup>1</sup> (قرآن مجید سوره قصص آیه/5)

اکنون که به لطف خدای مهربان، عازم جنگ و نبرد با کفار و دست‌پرورده‌های امپریالیسم و سوسیال امپریالیسم جهان هستم، چند کلمه‌ای به‌عنوان وصیت با نزدیکان خود را دارم البته منظور از نزدیکان خودم یعنی برادران جهان و کسانی که به پیامبری (6) و کتاب آسمانی وی، قرآن ایمان آورده‌اند.

برادران هیچگاه دست از یاری دین اسلام بر ندارید و با امام امت خمینی کبیر پیوندتان را مستحکم‌تر نمایید و هیچگاه چون مردم کوفه<sup>2</sup> که به حضرت علی (7) و مسلم بن عقیل<sup>3</sup> (7) و حضرت امام حسین (7) پشت نمودند و از پیمان خود گذشتند، عمل نکنید و پیوند شکن نباشید. به خدا قسم مطمئن هستم که در صورت مرگ ما باز هم لشکر امام حسین (7) پیروز و سرافراز هستیم.

شهادت را تولدی دوباره می‌دانم و شهادت را آغاز یک زندگی نوین، همراه با سعادت ابدی می‌دانم. پس چرا به سوی سعادت ابدی نشتابم. این دنیا و آن دنیا را نصیب خود نگردانم. شب‌های جمعه برادران مسلمان برایم از خداوند درخواست آمرزش نمایید و سوره فاتحه نیز فراموش نشود. امیدوارم سعادت دنیا و آخرت نصیب تمام مسلمانان جهان گردد.

عبدالمهدی پیرحیاتی

1359/7/13

1- قصص/5. عبارت شهید ترجمه این آیه است «وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُّوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أُمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ».

2- ر.ک. تعلیقات.

3- ر.ک. تعلیقات.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

« ما اراده کرده ایم تا سرانجام مستضعفان زمین را وارثان حقیق زمین قرار دهیم »

توکل نبیه سوره تسعین آیه (۵)

آنگون که به لطف خدا ای مهران ما زیم خب و خبرد با کنار دست پرورده های امیرالاسلام

و موسیال امیرالاسلام جان مستقیم خنده که ای مهران و وصیت با تیره ایان خود را

دارم البته منظور از تیره ایان خودم یعنی برادران مسلمان جهان و کسانی که با پیروی محمد (ص)

و کتاب آسمانی وی قرآن ایان آورده اند.

برادران همگیا دست از تازی روی اسلام برنارید و با امام است خمینی لبر پیروزتان استقامت

نمائید و همگیا ه چین مردم لوفه که به حضرت علوی (ع) و مسلم بن عقیل و حضرت امام حسین (ع)

بیت مخدومه و از میان خود گذارند عمل نمائید در پی پیروز شدن با سید . بجز اقسام مکه من هکتم در

صورت مکه ما با زحم کشر امام حسین (ع) پیروزه و سرانداز هستیم .

شمارت را تو لدی دوباره و دانم و شمارت را کافزب زنگی نروزه همراه با سعادت ابری من دانم من بر ا

به سوی سعادت ابری نشایم را قنار این دنیا کن دنیا را نصیب خود گردانم . سبای جمع برادر ا

مسلمان بر ایم از خدا رضاست آرزوی من نمائید و سوره فاتحه نیز قرائت فرمائید و سرود امید دارم سعادت

دنیا و آخرت نصیب تمام مسلمانان جهان گردد.

پیرحیاتی و سرحیاتی  
۱۳۵۶/۷/۱۳





نام: محمود  
نام خانوادگی: پیرنیا  
نام پدر: شاه منصور  
نام مادر: نجیمه  
تاریخ تولد: چهارم شهریور 1344  
محل تولد: روستای جوق از توابع شهرستان مهران  
تحصیلات: پایان دوره راهنمایی  
ارگان اعزام کننده: سپاه  
تاریخ شهادت: هفتم خرداد 1367  
محل شهادت: شهرستان زادگاهش  
نحوه شهادت: اصابت ترکش  
مزار: بخش صالح آباد همان شهرستان

## عبارت های کلیدی

- ا شهادت بالاترین راه رستگاری و سعادت مند شدن است.
- ا شهادت در راه خدا چقدر زیبا و پرمعناست وجهانی پر از شور و شوق در این کلمه جذاب نهفته است.
- ا هیچ قطره ای در مقیاس حقیقت نزد پروردگار از قطره خونی که در راه خدا ریخته شود بهتر نیست.
- ا اکنون می روم که با خدایم ملاقات کنم. می روم تا آتش را که در درونم مشتعل شده خاموش کنم.
- ا مادرم بعد از شنیدن خبر مرگ من اشک نریز، زیرا حجت عصرم رهبرم و امام بزرگوارمان در سوگ فرزندش اشک نریخت.
- ا بعد از شهادت من به رهبرم، به دوستان ارزنده و خویشاوندان گرامیم تبریک بگویید.
- ا ای پدر پیرم روز قیامت پیش سرور و سالار شهیدان عالم سرافکنده و سرشکسته نیستی.
- ا به خواهرانم توصیه می کنم که زینبی حرکت کنند.
- ا شهادت تنها نتیجه زندگی من در طول حیات می باشد.
- ا هیچ گونه مقصدی و هدفی جز شهادت در زندگی نداشتم.

## محمود پیرنیا

### بسم الله الرحمن الرحيم

«وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قَتَلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرَزِّقُونَ»<sup>1</sup>

شکر خداوند را به جای می آورم و به سپاسگزاری و ستایش درگاهش می نشینم که مرا در چنین عصری و زمانی قرار داد و چنین رهبری و هدایتگری به من، نه تنها به من، بلکه به تمامی مسلمانان روی گیتی عنایت فرمود. و از رهبرم و هدایتگرم (امام خمینی) تشکر و قدردانی می کنم که مرا از سیاه چال ها و گودال های خفه کننده، آزاد ساخت و به دنیای آزاده و سعادت مند دعوت نمود و در این دنیا و این سفره که رهبرمان ما را به آن دعوت کرده هزاران راه برای رستگار شدن وجود دارد. یکی از این راه ها شهادت یعنی کشته شدن در راه احیای دین اسلام می باشد، که بالاترین راه رستگاری و سعادت مند شدن است. شهادت در راه خدا چقدر زیبا و پرمعناست و جهانی پر از شور و شوق در این کلمه جذاب نهفته است، به راستی که هیچ عملی صالح برتر و ارزنده تر از شهادت نیست و هیچ قطره ای در مقیاس حقیقت نزد پروردگار از قطره خونی که در راه خدا ریخته شود بهتر نیست و من می خواهم با این قطره خون به معشوقم برسم که «الله» است و من اکنون می روم که با خدایم ملاقات کنم. می روم تا آتش را که در درونم مشتعل شده خاموش کنم. ای مادر یادم هست با اینکه در بزرگ شدن من زحمت ها کشیده ای نکند در مرگم بی تابی کنی و جامه مشکی<sup>2</sup> بپوشی و تا آخر عمر خودت را در آتش ناراحتی بسوزانی. مادرم بعد از شنیدن خبر مرگ من اشک نریز، زیرا حجت عصرم رهبرم و امام بزرگوارمان در سوگ فرزندش اشک نریخت،<sup>3</sup> چون می دانست که رضای خدا در این امر می باشد.

1- آل عمران/ 169. «آنان را که در راه خدا کشته می شوند کشته نپندارید، بلکه زنده اند و نزد خدایشان روزی می خورند». در اصل وصیت «قتلو».

2- رک. تعلیقات.

3- اشاره دارد به شهادت فرزند حضرت امام آیت الله سید مصطفی خمینی و نوع شکیبایی حضرت امام در شهادت ایشان.

وصیت می‌کنم، هر چند من کوچکتر از آنم که به شما وصیت کنم، اما با کمال حقارت و شرمساری به شما توصیه می‌کنم که بعد از شهادت من به رهبرم، به دوستان ارزنده و خویشاوندان گرامیم تبریک بگویید، بگویید که دوست شما به سوی جدش و سرور و سالار شهیدان حسین ابن علی (7) سفر کرده است. تو ای پدر زحمت‌هایی را که در بزرگ شدن من کشیده‌ای یاد می‌کنم اما وجدانم به من اجازه نمی‌دهد که سکوت را رعایت کنم و سنگر هم‌رزمم را خالی بگذارم به هر حال در سوگ من ناراحتی به خودت راه مده و خودت [را] همدم و هم‌صدا با دیگر خانواده‌های شهدا قرار ده. و تو ای مادر حلالم کن و در سوگم ناراحت مباش چون در روز قیامت حضرت زهرا (3) از تو گله‌ای ندارد و تو ای پدر پیرم روز قیامت پیش سرور و سالار شهیدان عالم سرافکننده و سرشکسته نیستی، زیرا فرزندان راهی را پیمود که حسین ابن علی (7) این راه را پیمود و در صحرای بی‌آب و علف کربلا سرانجام مقام بلند و پرافتخار شهادت را کسب کرد و به معشوقش رسید و با «الله» ملاقات کرد. در پایان از برادرانم قدردانی می‌کنم که راه مرا ادامه دهند و به خواهرانم توصیه می‌کنم که زینبی حرکت کنند. یعنی مثل حضرت زینب (3) دین مبین اسلام را تبلیغ کنند و حجاب را سرلوحه ایمان به خدا و برپای داشتن واجبات را منشأ رستگاری بدانند چون شهادت تنها نتیجه زندگی من در طول حیات می‌باشد. زیرا تلاش من برای رسیدن به این آرزوی دیرینه‌ام یعنی شهادت می‌باشد و گرنه هیچ‌گونه مقصدی و هدفی جز شهادت در زندگی نداشتم و شهادت آخرین نتیجه و میوه زندگی من است که خوشبختانه در کوچکترین فرصتی که پیدا کنم به این مقام بلند و باارزش دست خواهم یافت.

«والسلام علی‌الحسین و علی‌ابن‌الحسین و علی‌اصحاب‌الحسین و علی‌اولاد‌الحسین (7)»<sup>1</sup>

«والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته»

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
وَصَلَّى عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَسَلَّمَ

« وَفِي تَفْسِيرِ الْعَرَبِيِّ خَدِيُّ سَيِّدِ اللَّهِ مُحَمَّدٍ وَأَوْلِيَّيْهِ عَمْرٍو سَمِعْتُ سَيِّدِي وَرَسُولِي ... »

شکر خداوند را بجا می آورم و به سید شکراری و سنانش در فاضل ششم که مرا در حسن نصیری و سنان خود یاد  
 و جز در سر و دریا پیران من به آنها که من بکمال استای سلطان و روی گوی سنان است منور و از هر سر  
 و جانم بگرم را نام حسن و شکر و قدر دانم که همگرا از سید جانها و قدالما بی خطه کند که از ادا ساخت و به  
 و نایب آراود و ساد شکر دعوت منور و دایم دنیا جان منور که در صبر با آن راه آن دعوت کرده جلوه  
 راه برین بنگار من و دهد بار کنی را این راهها شهادت من گشته شدن در راه احای درون هم می باشد که  
 افترین راه بنگاروی و ساد شکر من است . شهادت در راه خدا بجز دنیا و برده ساخت و سنان بر ساد  
 و شرف دایره که خاندان من است به راستی که هیچ عملی صالح بجز بجز خدا شهادت نیست و هیچ طهارتی  
 دینی با حق نیست منور و گلزارن تداوم که در راه خدا پیوسته شود بهتر است من خود را با او ظهور داده  
 معلوم بپرسم که « الله است و حق آموختن نیست که با علم مطلق است . سید تا آنکه در دین من شغل شده  
 تا سون کنم . آن را در اوست « الله در بزرگ شدن من زحمت کشید و کند در سنان من با حق و جان من  
 بوی حق که آخر صفت تا در کشتن تا با حق سوزان . ما هم صلوات کنیم خبر شکر من از کعب نیر و برکت  
 مسلم و هر دو نام بر تو داران در سونت بر منی انکه برکت و چون من است که رضای تو را در او ایستاد  
 و است و من خرمید من که بجز آن کم که با ساد است که با آن اذکار عبارت در شکراری و شاکه  
 بکم که ساد است . شهادت من به جرم « در دستاوردن و خوشیا و ساد آن نام شکر نیست . خود نمک  
 دست شایسته در حق در دین ما در سنان حسن این عملی و حق سکر کند است . « مقارن بود زحمتی  
 بلکه در بزرگ شده که کشته و یاد من آنرا و جانی با حق احای که شکر است در اوست که من و شکر  
 هر یک با حق شکریم . هر حال در سونت من با حق . خودت را در دین خودت منم و هم با شکر  
 خانواد های شکر را قرار د . و تقوی ما در علم کن و در سونت ما دست ما من خود در دین ما است منور  
 زما در آن از تو که ای ناز و تقوی بر پریم روزی است پیش سرود « الله رحیم و با عالم ملک کند و در کت  
 یسیر و زبانه زنده با من با سید که حسن این عملی و حق را پیروز در سونت من است . و دست که در اسلام  
 نام بلند مرا خدا شهادت است با حق . کرده با معشو حق در بر « الله ملاقات کرد . در با این و از  
 ساد است و قدانی شکر که راه مرا امانه کند و خدا را من در میان کم که زنی حرکت کند من مثل حضرت زینب  
 در میان اسلام و بیخ کند و حجاب با حق و با میان خدا و بر این داشتن و احای استاد و نگاروی با حق چون  
 شهادت است شایسته زنی من در خط ساد است . بر کلام من سوزی در سونت با حق که در دین ام من شکر  
 من است و بر این شکر به سونت و در حق من شهادت . در بزرگ ساد است . و ساد است . سید سید من  
 است که در ساد به در کعب من در حق من است که با این مقام بلند و با ارتقا دست خاتم با حق .

« وَالسَّلَامُ عَلَى الْعَرَبِيِّ وَعَلَى عَلِيِّ بْنِ أَبِي التَّمِيمِ وَعَلَى أَحِبَائِهِ الْعَرَبِيِّ وَعَلَى أَوْلَادِ الْعَرَبِيِّ وَج ... »  
 « خَا سَلَامٌ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ »

در کتب معتبره  
در کتب معتبره

نام: یارمحمد  
نام خانوادگی: پیروزی  
نام پدر: چهارشنبه  
نام مادر: گوهرخانم  
تاریخ تولد: یکم دی 1327  
محل تولد: روستای سیکان از توابع  
شهرستان دره شهر  
تحصیلات: پایان دوره ابتدایی  
ارگان اعزام کننده: بسیج  
تاریخ شهادت: هشتم مرداد 1362  
محل شهادت: مهران  
نحوه شهادت: اصابت ترکش  
مزار: گلزار شهدای زادگاهش



## عبارت های کلیدی

- ۱ مبدا بر شهادتم بگریید و زاری کنید، که دشمن شاد می شود.
- ۱ شما نباید این شهیدان و ملت حزب الله را تنها بگذارید.
- ۱ باید همبستگی داشته باشیم.
- ۱ برعلیه رژیم های کثیف آمریکایی و امپریالیستی قیام کنیم.
- ۱ سلام بر شما خواهران حجابدار زینب صفت.
- ۱ خواهرم حجاب تو از خون من کوبنده تر است.
- ۱ شهید خونس را در راه این انقلاب نثار کرده است، و باید شما جوابگوی خون این شهیدان باشید.
- ۱ پیامم به ملت ایران این است که پیرو ولایت فقیه باشیم.

## یارمحمد پیروزی

### بسم الله الرحمن الرحيم

سلام بر حضرت مهدی رهگشای ملت محروم و مسلمان ایران و جهان و سلام بر حضرت امام خمینی (مد ظله العالی) و سلام بر پیروان پاک امام حسین (7) و سلام بر ملت شهیدپرور، سلام بر خانواده ام که عمری برای من زحمت کشیدند و چنین روزی را بمن عطا کردند و مرا به این رتبه رساندند. مبادا بر شهادتم بگریید و زاری کنید، که دشمن شاد می شود و شما نباید این شهیدان و ملت حزب الله را تنها بگذارید. باید همبستگی داشته باشیم و برعلیه رژیم های کثیف آمریکایی و امپریالیستی قیام کنیم و آنها را سرکوب نماییم، همانطوری که تاکنون کرده ایم. درود بر شما ای رهروان راه حسین (7) و ای پیروان خط سرخ انبیاء، سلام بر شما خواهران حجابدار زینب صفت که حجابتان کوبنده تر از خون سرخ من است باید حجابتان را حفظ کنید، که شهید خونس را در راه این انقلاب نثار کرده است، و باید شما جوابگوی خون این شهیدان باشید. مادر حلالم کن و من نمی دانم چطور از شما عذرخواهی کنم، مادر در این دم آخر مرا ببخش و پیامم به ملت ایران این است که پیرو ولایت فقیه باشند، این است وصیت من به شما.

«والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته»

بیاد محمد

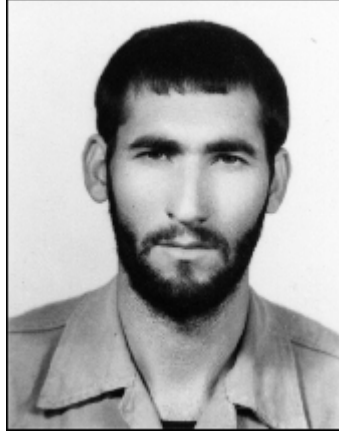
پیروز می

وصیت نامه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (عز) رهکنای ملت محرم و مسلمان ایران و جهان و سلام بر حضرت امام خمینی مد ظله العالی و سلام بر پیروان پاک حسین (ع) و سلام بر ملت شهید پرور و مسالم پر خائز و دام که عمری بزی من زحمت کشیدند و زانین روزی راه من عطا کردند و مراد این رتبه رسانندند . بیاد ابرشهاد تم بفرقید وزاری کنید که دشمن شاه میشوند شما نیاید این شهیدان و ملت حزب ۰۰۰ را تنها بگذارید که دشمنان ما شاد شوند . باید همیشه داشته باشیم و بر علیه رژیم خان کثیف امریکایی و امیر بالیستی تمام کنیم و آنها را سرکوب نمائیم همانطوری که تاکنون کرده ایم . درود بر شهادت پیروان راه حسین (ع) و ای پیروان خشن انبیا حسام بر شما خسوا حمران حججا باند ازینب صفت که حججا باندان گویند و نراز خون سرن من است باید حججا باندان را حفظ کنید که شهید خسرتش را در راه ایس انقلاب نشا و کرده است و شما باید - جوابگوی خون این شهیدان باشید . ما در حال کن من نوبت اسم و جگسوز از شما خذ رخواهسن کم تمام رد را پس در آخر مرا ببخش .

پيام به ملت ايران اين است که پيرو ولايت فقيه باشند اين است وصيت من بشما .

( و سلام خاتمه و رحمه ۰۰۰ برکات )



نام: رحمان  
نام خانوادگی: تاراج‌نسب  
نام پدر: علی کرم  
نام مادر: سکینه  
تاریخ تولد: یکم بهمن 1336  
محل تولد: روستای کلک از توابع شهرستان مهران  
تحصیلات: پایان دوره ابتدایی  
ارگان اعزام‌کننده: سپاه  
تاریخ شهادت: دوم بهمن 1365  
محل شهادت: چنگوله  
نحوه شهادت: اصابت گلوله  
مزار: امامزاده پیرمحمد شهرستان زادگاهش

## عبارت‌های کلیدی

- ا می‌خواهم مانند مولایم امام حسین (7) با سری از تن جدا، شهید شوم.
- ا صدها سپاس که خدا ما را با امام حسین (7) آشنا کرد.
- ا کسانی که بر سر یتیمان دستی بکشند، آنها را خدا پاداش نیکو می‌دهد.
- ا خوشا به حال آن پدری که به فرزند خود نان حلال بدهد و او را به راه امام حسین (7) فدا کند.
- ا می‌خواهم مانند حضرت عباس (7) با دستی از پیکر جدا، شهید شوم.
- ا راهی که من انتخاب کرده‌ام راه حسین (7) است.
- ا خوشا به حال آن زنی که شوهر را در راه خدا بدهد.
- ا من معشوقی دارم که تقوای او را در جبهه می‌توانم بیایم.



## رحمان تاراج‌نساب

### بسم الله الرحمن الرحيم

حمد سپاس بی‌کران خداوندی را که از عالم ملکوت نوری را برای هدایت قومی که در فساد غوطه‌ور بودند، فرستاد. تا آنان را از جهل و نادانی رهایی بخشید و سیره‌اش موجب عزت ما گشت و صدها سپاس که ما را با امام حسین (7) آشنا کرد. چرا که دوستی امام حسین (7) موجب<sup>1</sup> نجات از آتش جهنم است.

بارالها، به عشق وصل دوست، ترک یار و دیار نمودم و به هوای دوست آواره<sup>2</sup> شدم بارالها، مولایم حسین (7) را با سری از از تن جدا، شهید و حضرت عباس<sup>3</sup> (7) را با دستی از پیکر جدا، شهید نمودند. خدایا، من را نیز این‌گونه شهید کن، تا در روز محشر شرمنده امام حسین (7) و حضرت عباس (7) نباشم.

اگر پیکرم در منطقه به یادگار ماند، پدر و مادرم از این جهت که فاطمه زهرا (7) نیز جسدش ناپدید است و اولین شهید گمنام است، خوشحال باشند. عزیزانم من را حلال کنید راهی<sup>4</sup> که من انتخاب کرده‌ام راه حسین (7) است. از من گله‌ای نداشته باشید. از این‌که نتوانستم با شما خداحافظی کنم، معذرت می‌طلبم. خوشا به حال مادری که پسر خود را بزرگ کند و در راه خدا بدهد. خوشابه حال آن پدری که به فرزند خود نان حلال بدهد و او را به راه حسین (7) فدا کند خوشا به حال آن زنی که شوهر عزیزش را در راه خدا بدهد.

عزیزانم بچه‌های من را دوست بدارید. کسانی که بر سر یتیمان دستی بکشند، آنها را خدا پاداش نیکو می‌دهد.

1- در اصل وصیت «مُجوب».

2- در اصل وصیت واژه «هوای» ناخواناست اما به سیاق کلام آوردیم. و نیز در اصل وصیت «آوره».

3- ر.ک. تعلیقات.

4- در اصل وصیت «راهی من انتخاب کرده‌ام».

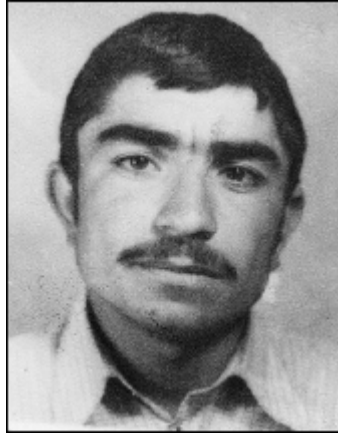
برادرانم اگر من به فوز عظیم شهادت رسیدم. اسلحه من را بردارید و راه مرا ادامه بدهید و نگذارید که بی‌پدری، بچه‌هایم را زجر بدهد، کاری کنید که بچه‌ها من را از یاد نبرند و همیشه مرا یاد کنند. من معشوقی دارم که تقوای او را در جبهه می‌توانم بیایم.

«وَالسَّلَامُ عَلَیْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَکَاتُهُ»<sup>1</sup>

---

1- در اصل وصیت «و سلام علیکم و رحمت الله و برکات».

این بیرون خورده و در راه عالم خلافت نورانی و ابرار و اهل عدالت قومن که در راه  
 (بزرگ فرستاد تا آنگاه از جهل و نادانی و غمگینی بگذرد و سواران موجب عزت  
 و کرامت و شرف و آبروی ما را با امام حسین (ع) آنگاه در جرایه دوستی امام حسین (ع) که  
 محبوب نبات از آتش معنی آبار اللطافه عشق و محبت دوستی که یار و یار محترم و معتمد  
 دوست آورده محترم بار اللطافه و محبت حسین (ع) را با صبر از زنی جو امضید و حضرت عباس (ع) را  
 با باد مستی از بیکر جو امضید نمودند فرمایند را نیز اینگونه امضید کنی تا در روز محشر شوی عزت امام  
 حسین (ع) و حضرت عباس (ع) ما بشم او در منطقه بیاد ما را نیز یاد آوریم از این محبت  
 ظاهر و راه (ع) نیز حسین (ع) و از این همه و تمام استغفار و استغفار از این محبت  
 حلال کند از من غی انتقاب کردیم (ام حسین (ع) از منی لطف با این راه که توانستم با شما فرا حافظ  
 که حضرت مسلم فرمود بحال مادر که سر خود را برت کند و در راه خدا بدهد فرمود بحال آن بیرون که به  
 خودمان حلال بدهد و او را با راه حسین (ع) خدا کند فرمود بحال آن زنی که شعور عزیزش را در راه خدا  
 بدهد عزیزانم بجای من غی را دوست بدار و کسانیه بر سر زمین دوش بکشند آنهارا خدا باقی بگذرد  
 برادران و از من با نوز عظیم سعادت رسیدم اسلحه من را بردارید و او را ادایم بدهد و بگذارد  
 که من بدین بجایم را از خود جدا کند که بجای من غی را از یاد بگذرد و همیشه مرا یاد کند غی  
 محسوس دارم که تقوا را او را در جمیع من توانم بیایم  
 و سلام علیکم و رحمت اللطیفه و بركات



نام: جعفر  
نام خانوادگی: تام  
نام پدر: صفرعلی  
نام مادر: شاپری  
تاریخ تولد: یکم فروردین 1336  
محل تولد: روستای درگه از توابع شهرستان ایوان  
تحصیلات: بیسواد  
ارگان اعزام کننده: بسیج  
تاریخ شهادت: چهاردهم اردیبهشت 1362  
محل شهادت: چنگوله  
نحوه شهادت: اصابت ترکش  
مزار: امامزاده پیرمحمد شهرستان مهران

## عبارت‌های کلیدی

- ا شاید با ریختن خونمان بتوانیم به ساحل آزادی و آزادگی شرافت و احیای دین اسلام و زنده کردن قرآن کریم دست یابیم.
- ا از ملت شریف ایران بخواهید که فرمان رهبر عزیزمان را با دل و جان قبول نمایند.
- ا از ملت شریف ایران بخواهید که در جبهه‌ها جای خالی ما را پر کنند.
- ا پرچم اسلام را تا فراز آسمان‌ها بلند نگه دارند.
- ا جنگ و مبارزه با کفر یک دستور الهی است.
- ا اگر دنیا لذت معنوی در آن وجود می‌داشت پس چرا اینقدر امام علی (7) از آن می‌نالید.
- ا مرگ و شهادت باعث بهتر از زندگی باذلت است.
- ا در حد توانم برای یاری دینم فدا می‌شوم.
- ا روحم در داخل قفسی به نام بدن زندانی شده و آماده و مهیای پرواز می‌باشد.
- ا خدایا هر چند من لایق نیستم ولی تو عاقبت همه ما را ختم به خیر بگردان.
- ا خواهران و برادرم کاری نمایید که واقعاً خون ریخته شده عزیزان را که مظلومانه شهید شده‌اند پایمال نکنید.

## جعفر تام

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم رب الشهداء و الصديقين

اینجانب جعفر تام فرزند صفرعلی این چند کلمه را به‌عنوان وصیت‌نامه نوشته‌ام که امیدوارم اگر انشاءالله این افتخار عظیم نصیبم گردد و در راه خداوند و دستورات اسلام شهید شدم این وصیت‌نامه را به دست اقوام و همسرم بدهید، تا محتوای آن را قرائت و به اطلاع ملت شهیدپرور ایران برسانند.

در ابتدا سلام گرم و صادقانه مرا به حضور رهبر کبیر انقلاب اسلامی ایران حضرت امام خمینی برسانید و بعد از ملت شریف ایران بخواهید که فرمان رهبر عزیزمان را با دل و جان قبول نمایند و فرزندان‌شان را به جبهه بفرستند و بقیه پشت جبهه‌ها را حفظ کنند و از قول من از ملت شریف ایران بخواهید که در جبهه‌ها جای خالی ما را پر کنند و پرچم اسلام را تا فراز آسمان‌ها بلند نگاه‌دارند و بنده که در حال حاضر در جبهه به‌سر می‌برم و دارم وصیت‌نامه را می‌نویسم از اقوام و فامیلم می‌خواهم که بعد از مرگم از پدر و مادر و همسر و فرزندی که در بین راه دارم نگاه‌داری نمایند و چون همسرم حامله می‌باشد که احتمال دارد بعد از خودم بچه‌اش به دنیا بیاید که اگر زنده بماند به‌طور درست همسرم از وی نگاه‌داری کند و حتماً اسم یکی از ائمه اطهار (3) را بر وی بگذارد.

و در پایان از همسرم خواهش دارم که از پدر و مادرم نگاه‌داری کند و احترام آنها را همچون قبل داشته باشد.

«والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته»

[وصیت‌نامه‌ای دیگر]

بسم الله الرحمن الرحيم

جنگ و مبارزه با کفر یک دستور الهی است که انسان‌های هدایت شده را به سوی خود فرامی‌خواند و چنین انسان‌های آواره، دنیا را هم چون زندانی تاریک و پر درد می‌بینند. اگر دنیا لذت معنوی در آن وجود می‌داشت پس چرا اینقدر امام علی (7) از آن می‌نالید و اگر جنگ در راه اسلام و مکتب از لذت اخروی برخوردار نبود چرا امام حسین (7) با

هفتاد و دو تن از یاران با وصف اینکه جمع دشمنان خیلی هم زیاد بود و می‌دانست که حتماً علی‌الظاهر شکست می‌خورد و نمی‌شود با دشمنانی به این زیادی روبرو شد، ولی هم‌چون شیر شرافتمندانه اول دعوت به حق و بعد به سرکوبی دشمنان دین خدا پرداخت؟ چرا؟ چون مرگ و شهادت با عزت بهتر از زندگی باذلت است.<sup>1</sup>

لازم به تذکر است که این سخنان را با جان دل و با گوشت و خون و در قلب خود جای دهیم و صدای حسین (7) که در گوش‌ها طنین‌انداز است همیشه با دیده بصیرت در ذهن خود ثبت نماییم که «هل من ناصر ینصرنی...»<sup>2</sup> آیا کسی هست که به یاری من و دین من بشتابد و اکنون خودم «جعفر تام» با استخوانی باریک و بدنی ضعیف ولی مشتاق، در حد توانم برای یاری دینم فدا می‌شوم تا شاید ریختن خون این حقیر بتواند هم‌چون یک آزاده بتواند به دریای خون بیوندد و بتوانیم به یاری شهدای دیگر شجره طیبه را آبیاری نماییم و دیگران و ما هم بتوانیم از دریای خون بگذریم و به ساحل آزادی و آزادگی [و] شرافت و احیای دین اسلام و زنده کردن قرآن کریم دست یابیم. انشاءالله.

روح از بدنم گریزان است گویا میل لقاءالله دارد، حالت اضطرابی به من دست داده است، این [را] دیگر نمی‌شود منکر شد چون در این مدتی که در خدمت برادران و سرداران گرامی و رزمندگان بوده‌ام حالت دگرگونی در من به وجود آمده است، گویا روحم در داخل قفسی به نام بدن زندانی شده و آماده و مهیای پرواز می‌باشد، چون انسان و فطرت انسانی هدایت شده است، چه بسا اینکه بدن و جسم هم او را کمک نماید.

خدایا هر چند من لایق نیستم ولی تو عاقبت همه ما را ختم به خیر بگردان. تو ای پدر و ای مادرم: چه بگویم از زحمتتان، چه کنم از آن‌همه رنج و دردی که برای بزرگ شدنم کشیدید. شرمندهم که نتوانستم جبران نمایم حلالم کنید. به خاطر رضای خدا و آرامش در آخرت حلالم کنید.

خواهران و برادرم کاری نمایید که واقعاً خون ریخته شده عزیزان را که مظلومانه شهید شده‌اند پایمال نکنید.

1- ترجمه این شعار عاشورایی از حضرت امام حسین (7) است.

2- ر.ک. تعلیقات. در اصل وصیت «ناصرأ».

و اما تو ای همسر: سلام به تو که به حق از تو راضی هستم چرا که تو در مسیر حق مرا راهنمایی کردی و نه فقط همسر بلکه چون خواهری مهربان مرا در خیلی از مسائل و موارد دلگرمی دادی به شما توصیه می‌شود که راهم و روشم را ادامه دهید و فقط تو نیستی که بی همسر شده‌ای، بلکه خیلی از خواهران هستند که تمام عمر را بدون شوهر گذرانده‌اند و به تربیت فرزندانشان پرداخته‌اند. اگر کسی تو را سرزنش نمود صبر کن در تربیت فرزندی که در راه است و امکان دارد من او را نبینم، کوشا باش، کاری کنی که واقعاً در مسیر خط پدرش حرکت نماید، در قبالش مسئول و مدیون هستی. مبادا بگذاری احساس یتیمی کند. مبادا بگذاری گرد و غبار یتیمی بر صورتش نمایان گردد.

فقط خواهشمندم که بر مزارم قرآن بخوانید و به جای مراسمات بزرگ و تشریفات محلی برایم دعا خوانی و روضه‌خوانی بر گزار نمایید.

«والسلام»<sup>1</sup>

[وصیت‌نامه‌ای دیگر]

### بسم الله الرحمن الرحيم

وصیت‌نامه شهید جعفر تام فرزند صفرعلی، ساکن درگه سکونت فعلی کرداز. تا آنجایی که من اطلاع دارم، جنگیدن و کشته شدن در راه خدا اجر و ثواب عظیم و بزرگ دارد و این آرزوی انسان خداشناس و وطن‌پرست است که چون کشورش مورد هجوم بیگانگان قرار گیرد برای دفاع از آن بپا خیزد.

امروز روزی است که تمام اسلام و وطن اسلامی به خطر افتاده است من وظیفه دانستم به‌عنوان یک انسان مسلمان مطیع امر رهبر به‌سوی جبهه رفته و به صفوف مجاهدان در راه خدا بپیوندم و با یک قطره خون ناقابل در راه قرآن، آزادی و حقیقت را برای آیندگان به ارمغان آورم و یا حداقل در کنار برادران رزمنده درس خداشناسی و اسلام را یاد بگیرم و چه بهتر اینکه انسان می‌میرد و در راه حقیقت و خدا بمیرد و نیت من همین است پس [و] تو ای برادر و خواهر، ای پدر و ای مادر و ای فرزندم گوش به فرمان رهبر باشید و به غیر از راه اسلام و امام عزیز و بزرگوار راه دیگری نروید.

1- در اصل وصیت «و سلام».

همسرم در آینده مواظب فرزندم باش و آن را اسلامی تربیت کن. ای پدر و مادر مرا  
بیخشید و اگر نتوانسته‌ام خدمتی برای شما انجام دهم از من گذشت کنید.

«والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته»





سازمان اسناد و کتابخانه ملی  
جمهوری اسلامی ایران

بسم الله الرحمن الرحيم

وصیت نامه

ایمان است خضر تا هم فرزین و خضر علی ابن حمزه که را بعنوان وصیت نامه نوشته ام

که امیدوارم اگر شاه الله شایسته افتخار عظیم بنامش گردد و در راه خداوند دوستی اسلام

شهادت کنم این وصیت نامه را به دست اقوام و همسران به یادگار داشته باشید که از راه

قرائت و با اطلاع ملت شهید پرور ایران برساند در استوار شدن اسلام و مسانعت با

حضور رهبر کبیر انقلاب اسلام ایران حضرت امام خمین را در مسانعت و مبارزه ملت شهید

ایران خواهی که همان رهبر عزیزمان را در دل و جان قبول نمایند و فرزندان

را به همه بفرستند و بقیه است همه همان فقط کشته و اقول من از ملت شریف

ایران که در جبهه های خالی ما را پر کنند و پیروم اسلام را تا مرز آسمان و جفا

بلند نگذارند و نبه که در حال حاضر در جبهه سرزمین ما در وصیت نامه را می نویسم



۱۳۶۵/۱۲

مقام عالی مقام

درین راه درم بگمارای مانند معجون همسرم جلدی بشیر که افعال دلزدی را درم

بپوش بدینا بیاید کم اگر روزه نماید جلد در دست همسرم لذتی بپوشد

کنند و عقیق اسمع بنی از تو اهلها در عی (را الهیوی بلند کرد)

در این میان از همسرم عواض دارم که از پدر و مادرم نمانده ای کنده و احترام

آنها هم چون قبل داشته میسر

و سلام بر شما و خانواده محترم و بیعت



مرکز اسناد و کتابخانه ملی  
عنوان خاطره

بسم رب الشهداء.

وصیت‌نامه

کلمه  
جد و باره با لایحه دستور الهی است که انسان کا عدالت شده  
را به سو خود برای خواند و حسین اسانهای آواره ، دیا لامح حرن  
زبان می نماند و برید می بیند ، اگر دیا لوت معنوی در کن وجود  
می داشت پس چرا انبیه امام علی (ع) از آن می نماند و اگر جد در  
بلاه اسلام و ملت از لوت اخوی بر خورد انبیه چرا امام حسین (ع)  
با افتاد و دین از نایالان با وجود اینکه جمع دشمنان خلی هم زیاد بود  
و بر داشت که حبا علی الطاهر نسبت من خود و من شود با دشمنان  
بر این زیاد که بر و شود ولی هم چون شری شرافتندانه اول (عوی)

نام و نام خانوادگی و امضاء مهیجیه کننده:

نام و نام خانوادگی و امضاء راوی: محمود علی مصدق



حزب الله می  
سید حسن محمد حسین



مرکز استان ایلام

به خون و بعد به سر کوبی دشمنان دین خدا پرداخت حرا خون

گرد و شهادت با غرور سپهر از زمین با ذلت است .

لازم به تذکر است که این نخل را با جان دل و با پشت و خون و در

قلب خود جای دهیم و صدای حسین در درون شیطانی ابراز است

همیشه با دیده بصیرت در خون خود ثبت کنیم و جل من یا مؤمن

بغیر من ... که با کس هست که بیاری من و دین من بشناسد

و انزل خودم و جعفر نام ، با استخوانی با برید و دینی صغیر

و کی مستحق در حد تو کلمه بیاری دینم فدای تووم تا شایده عین

خون این حقیر بر این حم چون که آله تو ایوب بر آ خون

عروضا علی

نام و نام خانوادگی و امضاء راری:

نام و نام خانوادگی و امضاء مصاحبه کننده:

محمد اقصی  
بی بی محمدیان



مرکز اسناد و ایثارگران - تهران  
 میسریند و توانم بباری شهرای دیر شجره طیبه بباری غایم  
 و سیران و ما هم توانم از درباری خون بلذیم و به ساحل آبادی  
 و دلاگری شرافت و احای دین اسلام و زنده کردن قرآن مجید  
 دست یابم . ان شاء الله .

دو هم از بدیم گریزان است بواصل لقاء الله دارد ، حالت امراضی  
 به من دست داده است ، این دگر نمی شود صورتی چون در این  
 صدمه که در خدمت برادران و سرداران گرامی و در زندگان بوده ام  
 حالت دگرگونی در من وجود کرده است ، توانم در داخل مقبره  
 جام بدن زنای شده و رماره و مجاری پر از من باشد ، چون



نام و نام خانوادگی و مشخصات مصاحبه کننده: نام و نام خانوادگی و امضاء رومی

نجم افندی  
 سیارسی



میراثی که از پدران ما رسیده است و فطرت انسان حریت شده است، چه بسا ایند

این و جسم صم او را نگه دارید.

خدا را هر چیزی من لایق نیستم ولی تو عاقبت همه را حاکم بر خیر

گردان.

تو ای پسر و مادرم چه بگویم از زحماتان، چه کنم از آنهمه رخ و درد

که برای خورد شدنم کشیدید. نرسیده ام به توانستم حیران عام حلالم کنید.

به خاطر رضای خدا و تلاش در آخرت حلالم کنید.

خواهران و برادران گرامی غایبید واقعا خون ریز شده عزیزان.

دلگرم مطلوبان شهنشده از باحال نلتند.

نام و نام خانوادگی دانش‌آموز/مصاحبه کننده:

نام و نام خانوادگی دانش‌آموز/مصحف راوی:

محمد علی محمدی  
مصحف راوی

محمد علی محمدی  
مصحف راوی



مرکز اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

و اما تو ای حسین ؛ سلام بر تو که بحق از تو بلاصی همتم  
 چرا که تو در مسیر حق سربلایانمانی خردی و نه فقط عمر سینه  
 چون خواهرها مرا برادر حلی از مسایل و موارد دگر می رادگی  
 به نما تو صبر می شود که بلا هم در روشم را ادامه دهد و فقط تو سینه  
 که می صبر شده ای بیکه حلی از خواهران هستند که عام عمر را  
 بدون شوهر نذر اندازد و به تربیت فرزندانش سرافرازند  
 اگر کسی تو را سرزنش نمود تو صبر کن در تربیت فرزندی در راه است  
 و امکان دارد من دوبار بنیمن ، کوشا باش ، کاری کن که در امانت  
 در مسیر خط ~~خود~~ حرکت نماید در قبالتش مسئول و صدور هستی  
 بیدیش

نام و نام خانوادگی و مشخصات صحابه کتبه: \_\_\_\_\_ نام و نام خانوادگی و امضاء راوی محفوظ است

محمود احمدی نژاد  
 رئیس هیئت مدیره  
 ۱۳۸۳



کتابخانه ملی و اسناد ایران  
مرکز اسناد ایلام

بیتس بر صورتش نمایان خورد.

نقطه خواهشندم که بر بر ارم خزان نمائید و بر جا بر اسماست خورد.

و شرفیات مملی بر ارم دعا خوانی و روضه خوانی بر هزار نمائید.

و سلام





بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

والتیات لله المجهودین فی سبیل الله الذین یؤتوا المال جهاداً

میرزا اسدالله ایثارگران  
ملا علی بابا حسن الخواجه حیدرین و کشته شدن اردلان فدوی ابرو شاداب سلیم و برکت داری و ائین آرزوی

انسان خدمت ساس و وطن پرست است که چون کشورش که حرم حاکمان قرار بردارند و دنان آینه بیچاره

مردان این است که بخانه اسلام و وطن اسلحه بنگرانند و است من و فیلد با دستم ببولان یک کشتی است

طیج امر و جبر میسی حج، زنده به خوف مجاهدان را میبندم و با یک تیر خزان نامتوا در راه فرانسه آرزوی

حقیقت را ایران آینه گاه با رغبتم و با صلواتی که کنایه برادر زنده در دین قدر است می و

اسلام را با یاد بگیرم و چه بود است که است میباید و در راه حقیقت و در پیرو و نیست من عین است

پس و توای برادر و خواهری با برادران ما و در راه عزیزم که تویم بنزد برادر با میسر و در پیرو از

جاسوسان و امام عرفان برادران و دیگران منم در چشم که کشیده مواجب مرده باشی و آنرا امداد زینت کنی

تو ای پسر من در هر ایستاده بودی که سوزاننده من خدای برای من اینم و هم از من گفت که سوزاننده من است

در حقه اش در بر کاتره



نام: مهرعلی  
نام خانوادگی: تندرو  
نام پدر: بهرام  
نام مادر: نصرت  
تاریخ تولد: نهم بهمن 1341  
محل تولد: روستای تنگه قبر از توابع  
شهرستان شیروان و چرداول  
تحصیلات: پایان دوره ابتدایی  
ارگان اعزام کننده: سپاه  
تاریخ شهادت: یکم آذر 1366  
محل شهادت: ماووت عراق  
نحوه شهادت: اصابت ترکش  
مزار: گلزار شهدای روستای شباب  
شهرستان زادگاهش

## عبارت‌های کلیدی

- ا گوش به فرمان رهبر عالیقدر و یادگار امام حسین (7) حضرت امام خمینی باشید.
- ا تا آخرین نفس که در بدن دارید، با ستمکاران و ابر جنایتکارهای شرق و غرب مبارزه کنید.
- ا اطاعت از دستورهای امام، اطاعت از دستورهای پیامبر بزرگ اسلام حضرت محمد (6) است.
- ا خواهان من، بعد از شهادت من، زینب‌وار اهداف مقدس جمهوری اسلامی ایران را برای مردم بیان کنید.
- ا از انقلاب و آب و خاک میهن اسلامیمان دفاع کنید.
- ا شرکت در جبهه و جنگ یک امر واجب است.
- ا جهانخواران شرق و غرب از این انقلاب بسیار ترسناک هستند.

## مهرعلی تندرو

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ تَعَالَى

وصیت نامه سردار رشید اسلام مهرعلی تندرو به پدر و مادر برادران و خواهرانم. پدر و مادر گرامی ام سلام<sup>1</sup> علیکم و امید است که حالتان خوب باشد. می‌خواستم چند کلمه در این آخر عمر که می‌دانم، چند روز دیگر باقی نیست، برای شما بنویسیم و بجا بگذارم و وصیت و خواهش من این است که اولاً گوش به فرمان رهبر عالیقدر و این سرمایه گرانبها و یادگار حسین (7) حضرت امام خمینی، مثل گذشته بوده باشید و تمامی سخنان و حرف‌های او را از اعماق دل پذیرفته و فراموش نکنید و تا آخرین نفس [که] در بدن دارید، با ستمکاران و ابرجنایتکارهای شرق و غرب و در رأس آنها آمریکای جنایتکار که شرارت‌ها را در منطقه بیشتر کرده است و همه با هم برای ویران کردن ایران و از بین بردن انقلاب اسلامی یک دست شده‌اند، مبارزه<sup>2</sup> کنید. بخاطر داشته باشید که انقلاب اسلامی به رهبری مرجع تقلید بزرگ اسلام، حضرت امام خمینی، بنیانگذاری شده و اطاعت از دستورهای امام، اطاعت از دستورهای پیامبر بزرگ اسلام حضرت محمد (6) می‌باشد. هان ای پدر و مادر، برادران و خواهران من، مبادا در موقع شهادت من و یا بعد از آن ناراحت بشوید یا گریه کنید. بعد از شهادت من واقعه کربلا را در ذهن‌ها مجسم کنید که حضرت امام حسین (7) و یاران اندکش چگونه در مقابل لشکریان کفار ایستادند و شهید شدند و با خون سرخ شهادت خود اسلام را پیروز کردند و دشمنان اسلام [را] برای همیشه شرمگین ساختند، به یاد داشته باشید که بعد از شهادت من شما را به اسارت نخواهند برد. پدر و مادر، برادران و خواهران من، بعد از شنیدن خبر شهادت حقیر ناراحت نشوید و گریه نکنید. زیرا از این گریه شما دشمنان اسلام و منافقین<sup>3</sup> کوردل شاد می‌شوند.

1- در اصل وصیت «سلامم».

2- در اصل وصیت «دفاع کنید».

3- ر.ک. تعلیقات.

خواهران من وصیت من به شما این است زینب‌وار اهداف مقدس جمهوری اسلامی ایران را برای مردم بیان کنید و از آن دفاع کنید برادرانم وصیت من به شماها این است که سنگرم [را] در جبهه خالی نکنید و اسلحه‌ام [را] بر زمین نگذارید. به جبهه بشتابید. از انقلاب و آب و خاک میهن اسلامیمان دفاع کنید. چرا که جهانخواران شرق و غرب از این انقلاب اسلامی بسیار ترسناک هستند و برای نابودی آن از هر وسیله‌ای استفاده می‌کنند همیشه و در همه حال به رزمندگان کفرستیز اسلام کمک برسانید و مردم را ارشاد کنید تا به جبهه بروند و خودتان نیز حضور فعال داشته باشید در جبهه‌های حق علیه باطل، «این جنگ، جنگ کفر با اسلام است»<sup>1</sup> به حق شرکت در جبهه و جنگ یک امر واجب است. مادر مهربانم می‌دانم که در طول زندگی زحمتهای بسیاری برای من کشیده‌اید بعد از شهادت من ناراحت نشوید و گریه نکنید، بلکه باید خوشحال باشید که توانسته‌اید فرزندی در دامن خود پرورش بدهید که جان خود را در راه اسلام هدیه کرده است و این سخن پیامبر بزرگ اسلام به یاد داشته باشید که فرموده‌اند «هنگامی که آخر زمان فرا رسد شهادت امت خوبان مرا گلچین می‌کند» خوشا به حال آن کس که شانس و اقبال بزرگی دارد در این زمان که نایب امام زمان، خمینی بت‌شکن هستند، به شهادت برسد. هرگونه فرار در برابر دشمن یا تسلیم در مقابل آن گناه بزرگی است پدر و مادر برادران و خواهران من بیشتر از این مزاحم وقت گرانبهای شما نمی‌شوم و امید پیروزی رزمندگان اسلام خداحافظ.

امدادگر گردان 505 از لشکر 11 امیرالمومنین (ع)

مهرعلی تندرو

مورخه 66/5/22

---

1- امام خمینی در فرمایشی جنگ ایران و عراق را جنگ اسلام و کفر می‌دانست: «امروز جنگ بین اسلام و کفر است» (صحیفه امام، ج 19، ص 113).

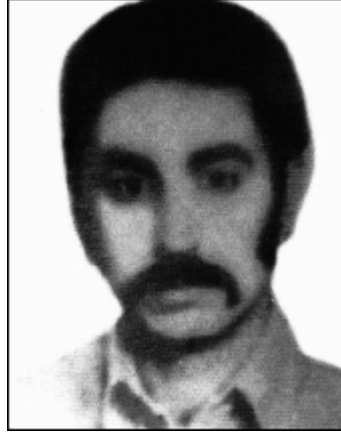
بسمه تعالی

موضوع ۲۲/۵/۶۶

وصیت نامه سردار شهید اسلام مریدی تقدیر و بیدرمادر بیدرمادر و بیدرمادر  
 بیدرمادر بیدرمادر سلام علیکم امید است که جانشین خوب باشد و بیدرمادر بیدرمادر  
 در این آخر عمر که در این خیمه نورانی باقی نماند در شایسته‌ترین و بجا تقدیرم و وصیت  
 خواص مرا در وصیت که در این گوشه‌ها نوشته‌ام به پسران و بزرگان و بزرگان و بزرگان  
 حسین حضرت امام حسین علی‌ه‌السلام و با شهادت و علم سخنان و عرفان و لولوز ایمان دل  
 پذیرفت و در این دنیا و آخرت نفس در بدن دلیر با ستمگران و بیدرمادر بیدرمادر  
 شرق و غرب و در رأس آنها امرهای جناب که در شرارتها در ضلعه بیشتر مرده است  
 وضع با هم برین و برین کردن و برین برین انقلاب اسلام یک دست شادمان  
 دفاع کنید بخاطر داشته باشید که انقلاب اسلام به هر یک مرجع تقلید بزرگ  
 اسلام حضرت امام حسین بنیادگذار شده و لطافت کند دستورهای امام الهی است  
 که دستورات پیام بزرگ اسلام حضرت محمد (ص) من باشد همان لوی بیدرمادر بیدرمادر  
 و جواهر از من مبادا در موقع شهادت من و یا بعد از آن ناراحت بشوید یا گریه  
 کنید بعد از شهادت من واقعه کرد یا راه ذهنی مجسم کنید که حضرت امام  
 حسین (ع) و یاران اندکش چگونه در مقابل لشکر یاران افسار ایستادند و شهید  
 شدند و با خون سرخ شهادت خود اسلام را پیروز کردند و دشمنان و ستمگران  
 همیشه شرمگین ساختند با یاد داشته باشید که بعد از شهادت من شمارا  
 به اسارت نخواهند برد بیدرمادر بیدرمادر خواهان من بعد از شهادت من خیرتر است  
 حقیر ناراحت نشوید و گریه نکنید زیرا از این گریه شما دشمنان اسلام



نام: سامی  
نام خانوادگی: تورتیز  
نام پدر: فرهاد  
نام مادر: زهرا  
تاریخ تولد: 1324  
محل تولد: عراق  
تحصیلات: دوم ابتدایی  
ارگان اعزام کننده: بسیج  
تاریخ شهادت: دوم خرداد 1359  
محل شهادت: قصر شیرین  
نحوه شهادت: اصابت ترکش  
مزار: بخش صالح آباد از توابع شهرستان مهران



## عبارت های کلیدی

- ا خداوندا، فقط تو طیب دردهایم هستی.
- ا حس می کنم در این تاریکی شب. احساس تقرب به فرشته ای از آسمان کردم.
- ا حس کردم امشب به خداوند نزدیکترم و یا شاید هم به سویش صعود خواهم کرد.
- ا از اینکه در راه اسلام و مسلمین جانم را نثار می کنم، بی نهایت احساس رضایت دارم.
- ا خداوندا مرا که بنده حقیر هستم، از انسان های خاکی، امشب به ضیافت حضورت بپذیر.
- ا خداوندا می آیم و بر سر سفره هفت رنگ ضیافتت می نشینم.
- ا خداوندا می آیم و در جمع شهدای عزیز دیگر قرار می گیرم.

## سامی تورتیز

### بسم الله الرحمن الرحيم

امشب هم شبی است مثل تمام شب‌ها، با این تفاوت که من آزاده‌تر و پریشان‌تر از شب‌های گذشته‌ام. در کنار نور کم‌رنگ شمعی به گذشته‌ام می‌اندیشم و خاطرات گذشته را مرور می‌کنم. در تنهایی با قلب مجروح سخن می‌گویم، اما او نیز بی‌تفاوت از کنار حرف‌هایم می‌گذرد، خدایا می‌ترسم که در گذشته از طاعت تو نافرمانی کرده باشم و یا از عبادت تو کاهلی ورزیده‌ام، خداوندا فقط تو طیب دردهایم هستی، فقط تو می‌توانی آرامش از دست رفته‌ام را امشب به من باز گردانی.

پس معبودم! بندهٔ تنهایت را تنها مگذار و آرامش از دست رفته‌ام را به من بازگردان. حس می‌کنم در این تاریکی شب، احساس تقرّب به فرشته‌ای از آسمان کردم. حس کردم امشب به خداوند نزدیک‌ترم و یا شاید هم به سویش صعود خواهم کرد. به آن می‌اندیشم که چگونه فرزندان قد و نیم‌قدم بعد از من طاقت بی‌پدری را تحمل می‌کنند و چگونه بر این داغ جگرسوز سینه می‌کوبند. اما خوشحالم که فکر شهید شدن به مغزم خطور کرده، از اینکه در راه اسلام و مسلمین جانم را نثار می‌کنم، بی‌نهایت احساس رضایت دارم و می‌دانم که خداوند هم سایهٔ لطف خود را بر سر فرزندان و همسرم می‌گستراند و آنها را در پناه الطافش حفظ می‌کند.

خداوندا، مرا که بندهٔ حقیرت هستم، از انسان‌های خاکی، امشب به ضیافت حضورت بپذیر. چرا که می‌دانم مرا می‌طلبی و این افتخار را به من می‌دهی که امشب بربال فرشته‌ای سوار شوم<sup>1</sup> و به بیکران‌های آزادی پرواز کنم. من می‌آیم و بر سفرهٔ هفت رنگ ضیافتت می‌نشینم. می‌آیم و در جمع شهدای عزیز دیگر قرار می‌گیرم.

خداوندا، در این شب بی‌ستاره دست‌هایم را به دعا برمی‌دارم و می‌گویم: بعد از من فرزندان کوچکم را به تو می‌سپارم. آنها را به راه راست هدایت فرما. همسرم را طاقت و

1- در اصل وصیت «شدم».



صبر و تحمل ده، که بعد از رفتن من برای فرزندان، خردسالم هم پدر باشد و هم مادر. درست است که هنوزم جوانم و آرزو بر دل، ولی آرزوی دیدن معبود از تمامی آرزوهایم گرانقدرتر است.

پیکرم را آرام و بدون دغدغه به خاک بسپارید و برای طلب آمرزش من، دعا کنید.

ای عزیزان بعد از مرگم شیون و زاری چرا	گریه بی حاصل و بانگ عزاداری چرا
من که در جمع شما بیگانه بودم تا کنون	این زمان از بهر این بیگانه غمخواری چرا
روح سرگردان من یکدم سروسامان نداشت	بوسه بر خاکم زدن با شیون و زاری چرا
جان بیمار مرا درمان و بیماری نبود	از تن بی جان من اینسان پرستاری چرا
شیوه مرده پرستی تا به کی آئین ماست	این که از زندگانی دوری و بیزارای چرا

سامی تورتیز

دساجی تورتیز (۵۹) "جمع الله الصلح الیهم" وصیت نامه

اشب هم بی، است مثل تمام بجا، بدایف، تعلوت که حق اگر زرد و بر شایک تر از شریک  
گوشتم ام در سار، تو هم رنگ ششم به غنچه ام بر ادریشم و خالوات که غنچه و اعرور و کهن  
در تغایر، قلب صبر هم سخن بودیم اما اونیز به تفاوت که کار خدایم بود  
خدا را هر زم که گوشتم از طاقت تو نافرمان کرد، بشم و با از عبادت تو که اهل و بر بود  
خدا را غنچه غوطیب در ما هم هسته فقط تو ای توانی که اشک از دست زدنم  
را اشب به غنچه تو ای

پس معلوم با بدی، تعلوت را سزا که در او است از دست رفتن ما این که توان  
صبر کنیم در این تاریک شب اصدی که توبه و غنچه ای از کسب ما هم  
صبر کنیم اشب و خدا را زود بگویم به ای سواد هم به سزای حق خدا هم  
به آن که اندیشم که چگونه فرزندان قدیم خود بعد از من غناقت بود بر که تحمل  
و کینه و کینه و این غنچه صبر بر سینه که جز از غنچه ام که غنچه شریک و هم  
شعور که در این که در راه اسلام و مسلمین بدین را تا که کهن به غنچه و فصلی  
و نهایت دهم در راه که غنچه هم به لطف خدا را هم هر روز است و هم که غنچه  
و کتا را در غنچه الهام حفظ کرد، جنگ بودا که غنچه غنچه است از

استادان، تا که اینست به پیافیت حضرت ~~ص~~ پدرم و برادران و برادران  
و این افتخار را به من هر کسی که نصیب برادر عزیزم شود و در این راه  
آغازی برود که

من در این راه و در صورتی که اینها نصیب من شود و در هر دو  
مغفرتی که در هر دو قرار دهم

خداوند را این است که در هر دو دستم باشد و برادران و برادران  
فرزندانم کوچک را به تو و منم که در هر دو راه و راست هر دو  
هم در راه است و هر دو در هر دو که بعد از آن وقت است که فرزند  
نعمت من برود باشد و هم هر دو دست است که هر دو در هر دو  
و در هر دو دست هر دو که در هر دو است که هر دو در هر دو است

پس هر دو را در هر دو دست و هر دو در هر دو دست طلب است که هر دو  
در هر دو است

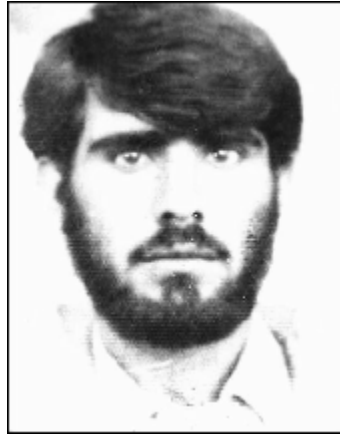
اینها در هر دو دست است که هر دو در هر دو دست است که هر دو در هر دو دست است

اینها در هر دو دست است که هر دو در هر دو دست است که هر دو در هر دو دست است

اینها در هر دو دست است که هر دو در هر دو دست است که هر دو در هر دو دست است

اینها در هر دو دست است که هر دو در هر دو دست است که هر دو در هر دو دست است

نام: اسماعیل  
نام خانوادگی: جابری  
نام پدر: سبزی  
نام مادر: فردوس  
تاریخ تولد: سوم مهر 1346  
محل تولد: روستای جابرانصار از توابع  
شهرستان دهلران  
تحصیلات: دوم راهنمایی  
ارگان اعزام کننده: سپاه  
تاریخ شهادت: سی ام دی 1365  
محل شهادت: روستای قلاویزان  
نحوه شهادت: اصابت ترکش  
مزار: گلزار شهدای امامزاده سیداکبر  
شهرستان زادگاهش



## عبارت‌های کلیدی

- ا خدایا من خواهان شهادتم.
- ا می‌خواهم شهید شوم تا اگر زنده بودم موجب رشد دیگران نشد، خونم بتواند این موضوع را جبران کند.
- ا می‌خواهم شهید شوم تا خونم به علی (7) و حسین (7) گواهی دهد که رهرو راهشان بوده‌ام.
- ا بجای اینکه برای من سیاه بپوشید و گریه کنید، برای حسین بن علی (7) سیاه بپوشید و گریه کنید.
- ا ای مادر عزیز ای فرشته خوبی‌ها، بعد از من چشم‌های معصومت را آلوده به اشک مکن.
- ا همیشه در مراسمات و دعاها کمی و توسل شرکت کنید.
- ا پشت جبهه را محکم نگهدارید.
- ا مبدا این ضد انقلابیون به این میهن اسلامی ضربه وارد کنند.

## اسماعیل جابری

## بسم الله الرحمن الرحيم

می‌خواهم به نام خداوند جهانیان قسمتی از وصیت‌نامه خودم را در این چند سطر بنویسم: با سلام و درود بیکران بر یگانه منجی عالم بشریت و نایب برحقش امام خمینی و تمام ملت شهیدپرور ایران و مسلمانان جهان «یا ولی المؤمنین و یا غایة آمال العارفين و یا غیاث المستغیثین و یا حبیب قلوب الصادقین و یا اله العالمین»<sup>1</sup>

خدایا شاهد باش به عشق تو در مسیر تو حرکت کردم و اینکه پیوستن به تو را انتظار دارم. خدایا، این فیض بزرگ شهادت را نصیبم<sup>2</sup> کن. آمین یا رب العالمین.

خدایا من خواهان شهادتم نه به این معنی که از زندگی خسته شده‌ام و یا خواسته باشم که از این دنیا فرار کنم بلکه می‌خواهم گناهایی که انجام داده‌ام به وسیله رنج کشیدن در راه تو و ریختن خونم به خاطر تو پاک گردد. می‌خواهم شهید شوم تا اگر زنده بودم،<sup>3</sup> موجب رشد دیگران نشد خونم بتواند این موضوع را جبران کند و درخت انقلاب را آبیاری نماید. می‌خواهم شهید شوم تا خونم به علی (7) و حسین (7) گواهی دهد که رهرو راهشان بوده‌ام مادرم در شهادتم گریه نکن همچون زینب (3) شجاع باش و دیگر مادران شهدا را نصیحت کن و دلداری بده مادر جان اگر نمی‌توانم دوباره شما را ببینم مرا حلال کن و از تو معذرت می‌خواهم که نتوانستم وظیفه ام را نسبت به تو انجام دهم و در این لحظات آخر احساس می‌کنم که دیگر بین شما و برادران و خواهرانم نخواهم بود و از پدر عزیز و بزرگوaram می‌خواهم که برای اینجانب ناراحت نباشد و پدر جان از شما معذرت می‌خواهم که نتوانستم شما را ببینم و از برادران و خواهرانم خواهش دارم که هیچ‌وقت برای من گریه و سیاه نپوشید<sup>4</sup> که راهی که من می‌روم راه تمام شهدای صدر اسلام بود و از شماها حلالیت می‌طلبم و امیدوارم که مرا حلال کنید و از تمام دوستان و

1- فرازی از دعای کمیل، مفاتیح‌الجنان.

2- در اصل وصیت «تسبیم».

3- در اصل وصیت «زنده‌ام».

4- رک. تعلیقات.

آشنایان حلالیت می طلبم و امیدوارم که مرا حلال کنید و من راضی نیستم که کسی برایم سیاه بپوشد، بجای اینکه برای من سیاه بپوشید و یا گریه کنید برای حسین بن علی (7) سیاه بپوشید و گریه کنید.

باز ای پدر عزیزم و ای پدری که از جانم بهتر بودی همیشه شکیبیا و صبور باش و خدای بزرگ را شکر کن.

ای مادر عزیز و ای آرام بخش وجود ای مهربان و ای کسی که زبان من توان سخن گفتن درباره تورا ندارد و هرچه فکر می کنم می بینم سخنی نمی توانم بگویم که با آن قدردانی از محبت های بی دریغ تو بکنم. ای مادر عزیز، ای فرشته خوبی ها، بعد از من چشم های معصومت را آلوده به اشک مکن چون من گنه کارم و مرا دعا کن که خداوند بزرگ مرا ببخشد. امیدوارم که همیشه در مراسمات و دعا های کامل [و] توسل شرکت کنید و به مساجد بروید و حضرت امام و منتظری<sup>1</sup> را دعا کنید و برای رزمندگان دعا کنید.

پشت جبهه را محکم نگهدارید که مبدا این ضد انقلابیون به این میهن اسلامی ضربه وارد کنند. من این چند خط وصیت را در یکی از سنگرهای جبهه جنوب غرب نوشتم.

امیدوارم که خداوند مرا در آن دنیا ببخشد. در خاتمه، خدایا، خدایا، تا انقلاب مهدی (عج الله) خمینی را نگه دار. آمین

خداوندا، تو را به حق محمد (6) و خاندانش قسمت می دهیم رزمندگان اسلام را به پیروزی برسان. انشاء الله.

روز شنبه - ساعت 8/30 دقیقه

65/7/12

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم

مخدا هم به نام اخوانند جهانم قسمتی که وصیت نامه خودم را

در این چند سطر بنویسم

به سلام و درود بیدار بر نگان منی عالم نبوت و نایب

و حقش کما حقینی و تا املت استجد برود ایلام و

مسلمانان جهان

یا ولی المؤمنین یا غایب مال العارفین یا عمیقات المستعین

یا حبیب قلب الصادقین یا اله العالمین

خدا یا شاهد باش به عشق تو در صبر تو حرکت که دم و اینک بیوست

به تو را انتظار دارم . خدا یا لیل فیض بزرگ شهادت

۲۴

و انسیبم کن ایمنی برب العالمین  
 خدای من خاتم انبیاء دتم نه با این معنی که از زلفی خسته شوه ام  
 و با خاسته باشم که از زلف دنیا فرار کنم بلکه میخواهم کنایه ای انجام بدهم  
 به سید زین العابدین در راه تو در نیت خودم خاطر تو پاک گردد...  
 میخواهم ششبه شوم تا از زنده ام مدعیب رشتی که میران نشی خودم  
 بتداند زلف من را جبران کند و درخت انقطاع را آبیارش نماید.  
 می خواهم شهید شوم تا خودم به علی علیه السلام و حسین علیه السلام  
 که گاهی که در هر دو راه شلی بوده ام. مادرم در شهادت من بر سون  
 همچون زینب در سلیم شجاع باش و دیگر مادران شهید را



۳۲

وصیت کنی و دلگرمی بده مادرجانبی که در خدمت تو بودم و شهادت  
 بینم در حال کنی و از تو معذرت میخواهم که نتوانستم  
 در خدمت تو باشم به دلگرمی دهیم و در خدمت تو باشم  
 می کنی که در خدمت تو باشم و خواهانم نخواهم بود  
 و لذت بر عزیزم و در خدمت تو باشم که برای این بنا نهادت باشد  
 و ببردیم از شما معذرت میخواهم که نتوانستم شریک باشم  
 و از برادران و خواهانم خواهش دارم که هیچوقت برای من  
 گریه و سیاه فیته نشوند که راهی بکنم میروم و آنجا شهدای صمد  
 کسلاک بود و ارزشها حلالیت من طلبم و امیدوارم که در راه

مرغ

حداکثر کند . و از تمام درستان آشنایانم عدالت می طلبم

و امید دارم که صاحبان کفایت و حسن راغبی نسبت کنی و این

سیاه بیوشتر بجای آفتاب برامی من سیاه بیوشترید و یا کتیر کتیر

بدان حسین علی سیاه بیوشترید و کتیر کتیر

از ای پیر عزیزم و ای پیر عزیزم از عالم بهتر بودی همیشه شکلیبا و صبور باشی

و خواهی برگ را گستر کنی این مادر عزیز و این آگرا همش وجود

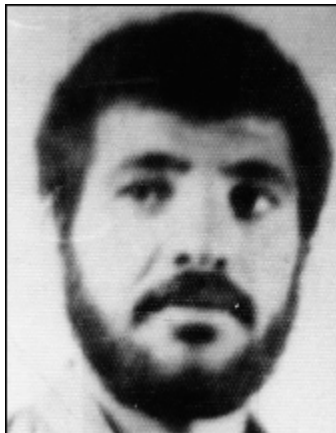
ای مودبان ای کسی که زبان من طاق سخن گفتن در باره کلان دارد و هر چه

نقد می کنی می بیند سخنی نمی تواند بگوید که با آن قدر دانی از محبت های بی دریغ

قوهتم ای مادر عزیز ای فرشته خونده ها بود از من چشمهای موعود است  
آلوده است چون من گنهگار و سواد کنی که خود را نوبت مرا بخورد

لیس  
 ۶۵،۸۶۹۱  
 اسیران و حبس در سراسر و در تمام کتب و کتب قدسی  
 و به سجد بر روی و حضرت امام و منتظری را در کتب و برای از زندگان  
 در کتب سبقت حبس با محکم نند دارم که مبارک است این خداوند  
 به این سبب اسلای ضرب و کاردانند. من این چیزها وصیت با  
 در کتب اسناد / حبس عزیز و دوست  
 رزق شهر - سات ۸،۳۰ نصف ۲، ۷، ۶۵  
 و امید که خداوند در ساله ای دنیا فی  
 در خانه - خواب - خواب - تالاندا - محمدی خندان که در این  
 خانه تا اینجی محمد و خاندانش صفت میره  
 کار و زمان اسلام را به پیروزی برساند - تسبیح

نام: حجت‌الله  
نام خانوادگی: جابری  
نام پدر: پنجشنبه  
نام مادر: گل‌نازار  
تاریخ تولد: هفدهم بهمن 1340  
محل تولد: روستای پشت‌قلعه از توابع  
شهرستان آبدانان  
تحصیلات: در حد خواندن و نوشتن  
ارگان اعزام‌کننده: سپاه  
تاریخ شهادت: سی‌ویکم خرداد 1366  
محل شهادت: بانه  
نحوه شهادت: اصابت ترکش  
مزار: گلزار شهدای شهرستان زادگاهش



## عبارت‌های کلیدی

- ۱ از شما خواهش می‌نمایم، موقعی که من کشته یا شهید شدم، شما برای من گریه نکنید.
- ۱ همیشه به یاد شهیدان کربلا بوده و هیچ‌وقت روحیه خود را از دست ندهید.
- ۱ مانند کوه استوار، پشتیبان دین مبین اسلام بوده و تا جان در بدن دارید، از این حسین زمان، پیر جماران آیت‌الله العظمی امام خمینی نگهداری نمایید.
- ۱ ای پدر اگر من شهید شدم تو افتخار کن که یک هدیه به اسلام تقدیم نمودی.
- ۱ ای پسر کوچکم حسین جابری، تو مانند پدرت که در راه خدا شهید شد تو هم چنان برای اسلام و جامعه بشری اسلام خدمت کن.
- ۱ هیچ‌وقت از نماز و رفتن به جبهه خودداری نکن.
- ۱ گویا سرزمین ایران را حسین (7) نگاه می‌دارد.

## حجت‌الله جابری<sup>1</sup>

### بسم الله الرحمن الرحيم

با درود و سلام بر آقا امام زمان (عج الله) و با درود و سلام بر فرستاده خدا، خاتم النبیین و با درود و سلام بر سرور آزادگان حسین بن علی (7) و مادرش حضرت فاطمه زهرا (3) و با درود و سلام بی‌پایان بر خانواده عزیزم. و حالا چند کلمه‌ای با پدر و مادرم: من نمی‌دانم با چه زبانی از شما تشکر نمایم و امیدوارم که قلم عفو بر بدی‌های من بکشید به ابهت و یا به بزرگی خودتان، فرزندان را ببخشید و اما تو ای برادر عزیزم اگر من کشته شدم پرچم مرا که به زمین افتاده تو آن را بلند کرده و آن چنان راه مرا ادامه دهید، که تا موقعی که امام زمان (عج الله) آن پرچم را بر دست گرفته و جهان را پر از عدل و قسط نماید و از شما خواهش می‌نمایم، موقعی که من کشته یا شهید شدم، شما برای من گریه نکنید، چون گریه کردن موجب شادی دشمنان اسلام می‌گردد. «هم‌چنین لباس سیاه بر تن نکنید»<sup>2</sup> و همیشه به یاد شهیدان کربلا بوده و هیچ‌وقت روحیه [خود را] از دست ندهید، که خداوند عزوجل در قرآن می‌فرماید که هرگاه روحیه خوب و عالی بود هم‌چنانکه نیمی از پیروزی گرفته‌اید و از شما خواهش می‌نمایم که مانند کوه استوار به دین مبین اسلام بوده و تا جان در بدن دارید، از این حسین زمان، پیر جماران<sup>3</sup> آیت الله العظمی امام خمینی نگهداری نمایید<sup>4</sup> و حالا چند کلمه با هم‌شهری‌هایم: ای برادر که در تشیع<sup>5</sup> جنازه من شرکت داری، اگر از من بدی [دیدی] یا این که نسبت به شما بی‌احترامی کردم، شما را به خدا قسم می‌دهم، که مرا حلال کنید و یا اگر حقی بر گردن من دارید، آن را به خانواده‌ام بگویید<sup>6</sup>

1- در بالای وصیت نوشته شده است: «وصیت‌نامه برادر حجت‌الله جابری» و تاریخ «65/10/5».

2- ر.ک. تعلیقات.

3- ر.ک. تعلیقات.

4- در اصل وصیت «نمائید».

5- در اصل وصیت «تشیع».

6- در اصل وصیت «بگوئید».

چون که در روز قیامت هیچ چیزی با تو نیست، تا اگر کسی حقی بر گردن دیگری دارد، آن را پس بدهد. پس از شما خواهش می‌نمایم که مرا به بزرگی خودتان ببخشید.

حالا وصیت به پدر و مادرم و همسرم: ای پدر اگر من شهید شدم تو افتخار کن که یک هدیه به اسلام تقدیم نمودی و شما از خدا خواستار شوید و بگویید خدایا این قربانی [را] از من بپذیر و آن را قبول کن و هم‌چنین او را با شهیدان کربلا محشور بگردان و اما تو ای مادر مهربان، چون تو با درد و رنج مرا بزرگ کرده‌ای و اگر شما را ناراحت نمودم تو مرا به آبروی فاطمه زهرا (3) قسم می‌دهم که مرا ببخش و شیرت که به دهنم نمودی و مرا بزرگ کرده‌ای تو، مرا ببخش. تو حلالم کن، مادر من وقتی این وصیت‌نامه را می‌نوشتی، اشک در دیدگانم حلقه زد و اشک چشمانم سرازیر شد و اما ای همسرم تو مرا ببخش و تو از فرزندم نگهداری کن تا شاید بزرگ شد و خادمی شد برای اسلام. تو مرا حلال کن و اگر شهید شدم مرا هر جا که هم‌زمانم را [در آنجا] دفن نمودند مرا آنجا دفن کنید. و اما تو ای پسر کوچکم حسین جابری، تو مانند پدرت که در راه خدا کشته شد تو هم‌چنان برای اسلام و جامعه بشری اسلام خدمت کن و هیچ‌وقت از نماز و رفتن به جبهه خودداری نکن. پدرت آن کسی بود که در سرزمینی کشته شد که حسین (7) آن را گویا نگاه می‌کرد.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
۷۵، ۱، ۵

وصیت نامه جگر دلت الله جاوی

۱. درود سلام بخدا که انوار عالم را در بر جمع کرد و با درود سلام و نیت سوره

خدا خاتم النبیین (ص) و با درود سلام و سرود آرزو دارم

حسین بن علی (ع) و مادرش حضرت فاطمه زهرا (ع) و با درود

سلام بچشمه نایاب و خانوادہ عزیزم. و حالاً چند خطہ از یادگار

مادرم سر من دارم با چه زبانی از شما سخن بنام و امید دارم

که تم محوری بدید می من بقصد به اہلبیت و با بزرگ خردگان

نزد خردگان بقصد. و اما تو ای بولد عزیزم اگر من شکر شدم

تو در هم من که بر زمین افتاد که آن بلند کرد. آن چنان راه

مرا ادامه دهید که تا موقع امر اما از زمان آن دوری مرا

برداشته‌ترند و جفا را بر از عدل و سفاک‌نمایند و از شما خواهانانان  
 موقعی من گشته باز شکرند شما جوانان من شرم نیند چون که ز بر کرد موجب  
 شکر و ثنا است و ای مردم درم صبر با من بسیار بران نیند و همه  
 بیار شکر را که برود. و هیچ وقت بگویم از دست ندرند، فراموش  
 در فرکان در زمان هرگاه رویم خوب و عالی بود هم چنان هم از

پیروز ترند و از شما خواهانانان  
 سین اسلام برود و تا جان ندم زرد ز این حسنه را بر جلال است  
 انشاء العلی حسنه را بفرستد نماید و جلا چیدند ما هم شکر کنیم  
 در دل و در دست بیست حازه شرکت دلور است از این برجا با اسم  
 نیست شما به آخر کرد انما خداست ما در صورت بر جلال است



۳۲

و در امر حق بر سر راه من دارم آن را نخواه بودم آنچه بودم چه بودم در حق

جمع چیزها نویسم تا در کسی حق بر سر راه من بودم  
بر آن نما خواهم نمودم تا در حق خود تا نخواهم نمودم

حالا وصیت به پدر و مادر و همسر

پدر بودم من بچه شوم تو افتخار کن که سب خود را نمودم

تقدیم نمودم و همان از خدا ضامن است که بودم و نبودم خدا را

پس قربان از من بگذر و آن را قبول کن و هم چنین

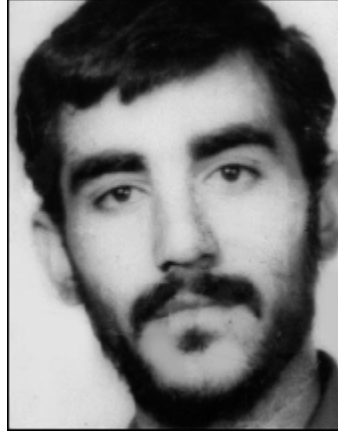
اود را با بچه را که بودم و نبودم و آن را قبول کن

هر چه چو قربان بودم و آن را بزرگ کرده در و آن نما را تا که نمودم تو مرا

به آن بودم تا فقه زهر استم تا درم که مرا بخش و در حق خود به درم



نام: نعمت‌الله  
نام خانوادگی: جابری  
نام پدر: شیخ طهماسب  
نام مادر: عنبر  
تاریخ تولد: نهم بهمن 1348  
محل تولد: روستای پشت قلعه از توابع  
شهرستان آبدانان  
تحصیلات: پایان دوره ابتدایی  
ارگان اعزام‌کننده: بسیج  
تاریخ شهادت: بیست و پنجم اسفند 1369  
محل شهادت: مهران  
نحوه شهادت: -  
مزار: شهرستان آبدانان



## عبارت‌های کلیدی

- ۱ پدر و مادرم اگر مرا دوست دارید پس به‌خاطر رفتنم گریه نکنید.
- ۱ شاد باشید و افتخار کنید که جوانی تقدیم اسلام و قرآن نموده‌اید.
- ۱ فریدون جان پیام من به تو این است که اسلحه من قلم من است.
- ۱ پسرم اسلحه مرا بردار و بجنگ، که عزت و شرف در [گرو] جنگ با کفر است.
- ۱ امت قهرمان پرور در این برهه از زمان که تمامی کفر بر ضد اسلام برخاسته، پیام من به شما این است که در انجام وظایف اسلامیتان کوشا باشید.
- ۱ کار شما مقابله با کفر است.
- ۱ به بچه‌های خود درس شجاعت و مردانگی بیاموزید.
- ۱ آنها را برای جنگ آماده کنید که جنگ با کفر مثل عبادت است.
- ۱ پشتیبان ولایت فقیه و پوینده راه اسلام، باشید.

## نعمت‌الله جابری

### بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

«وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّىٰ لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ لِلَّهِ»<sup>1</sup>

سخنم را با نام خدا و یاد رهبر کبیر انقلاب اسلامی ایران آغاز می‌کنم ای پدر و مادر وصیت مرا که بعد از مرگ می‌خوانید، هیچ‌وقت نگران نباشید. اما خودم ناراحت هستم و تا جایی که فکر می‌کنم، چیزی به نظرم نمی‌رسد که برای شما انجام داده باشم. نمی‌دانم در نظرتان چگونه بوده‌ام؟ آیا خواسته‌های سطح پایین شما را اجرا کرده‌ام؟ پدر و مادرم! فقط خودم از یک نظر راحت و دل‌شادم این‌که تا جایی که توانسته‌ام احترام شما را بر خود واجب دانسته، ولی از این نظر کمتر ناراحتی دارم. پدر و مادر، امیدهای<sup>2</sup> وجودم، تکیه‌گاه‌های من، مادر گل محبت، پدر، مرد خستگی‌ناپذیر، مادر زحمت کشیده و پدر رنج برده، بدانید که اگر هجده بهار را پشت سر گذاشتم و در شادی‌ها و غم‌های من شریک بوده‌اید، از مهد مرا گذرانیده و به میدان جنگ فرستادید، نگران نباشید و هیچ غم به خود راه ندهید و اگر من مردم خاطره هجده بهار زندگی را در پیش شما دارم و روح همواره پیش شماست. اگر مرا دوست دارید پس به خاطر رفتنم گریه نکنید. چون گریه نهایت عجز و گریه کردن شما باعث شادی منافقین<sup>3</sup> می‌شود. پس شاد باشید و افتخار کنید که جوانی تقدیم اسلام و قرآن نموده‌اید. فریدون جان پیام من به تو این است که اسلحه من قلم من است. هیچ‌وقت آن را بدون جوهر نگذارید. اگر بماند پوسیده می‌شود. پس آن را بردار و بجنگ که عزت و شرف در [گرو] جنگ با کفر است. امت قهرمان پرور در این برهه از زمان که تمامی کفار<sup>4</sup> بر ضد اسلام برخاسته‌اند، پیام من به شما این است که در انجام وظایف اسلامی‌تان کوشا باشید یأس و نوامیدی را به خود راه ندهید، که باعث تقویت

1- بقره/193. ترجمه: «با فتنه‌گران بجنگید تا فتنه از میان برود و دین از آن خدا باشد». در اصل وصیت «یکون دین کل الله».

2- در اصل وصیت «میدان».

3- ر.ک. تعلیقات.

4- در اصل وصیت «کفر».

دشمن می‌شود و کار شما مقابله با کفر است. و هم این که به بچه‌های خود درس شجاعت و مردانگی بیاموزید هم آنها را برای جنگ آماده کنید که جنگ با کفر مثل عبادت است. پس یار و یاور امام و پشتیبان ولایت فقیه و پوینده راه اسلام، باشید، که خداوند به شما توفیق بدهد. ملت قهرمان اگر جوانی می‌رود به جای او گلی می‌روید. پس احساس نکنید که جای خالی است و جای خالی او با دست و وجود شما قهرمانان پر می‌شود. خود جایش [را] می‌گیرید انشاءالله و تعالی که اسلام پیروز و خاطره جوانان در دل ملت ایران زنده است.

خدا یار و نگه‌دار پویندگان راه اسلام باد.

«والسّلام»

نعمت‌الله جابری

مهران 66/11/4 یکشنبه<sup>۱</sup>

تاریخ 67/3/30

---

1- ذیل وصیت تاریخ 67/3/30 علاوه بر تاریخ 66/11/4 آمده است. احتمال می‌رود وصیت در تاریخ مذکور تمدید شده باشد یا تاریخ دوم پس از شهادت ذیل وصیت نوشته شده است.

بسم الله الرحمن الرحيم

« وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ وَرَبُّكَ كُلُّ شَيْءٍ بِحَسَابٍ »

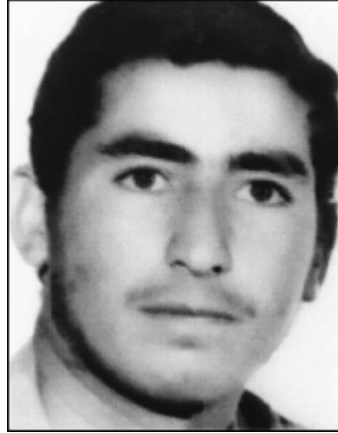
کسب ما نام خداوند یار چه کسب کسب از تو است ای عزیز ای کسب ما هر چه بود و صفت ما  
 که بعد از تو من می‌ماند و چو تو من نیامد که تو را راحت هستم و ای عزیز که کسب ما  
 چه کسب نظر نمی‌دهد که ما را تمام دارد بهر چه در هر طرفی بظهور تو آمد ای عزیز  
 سطح با من تا را در هر کسب ما بود و تمام حق حرم از کسب ما است و در تمام کسب  
 آنچه که تو هستی ام چه تو را ما را هر چه در همه و در این نظر کمتر از تو  
 دارم. پدر و مادر، (پدر) و حرم ما کسب ما حرم، مادر کسب ما. پدر و مادر کسب ما  
 مادر زلفت کشیده و پدر و مادر کسب ما که در هر چه در تمام کسب ما در تمام کسب ما  
 و کسب ما من کسب ما که در هر چه در تمام کسب ما که در هر چه در تمام کسب ما  
 علم خود را نه کسب ما در هر چه در تمام کسب ما که در هر چه در تمام کسب ما  
 پیش ما است که در هر چه در تمام کسب ما که در هر چه در تمام کسب ما  
 است و اگر ما کسب ما است ما در هر چه در تمام کسب ما که در هر چه در تمام کسب ما  
 کسب ما کسب ما کسب ما کسب ما کسب ما کسب ما کسب ما کسب ما کسب ما کسب ما  
 من است چه وقت آنرا در هر چه در تمام کسب ما که در هر چه در تمام کسب ما  
 و کسب ما که در هر چه در تمام کسب ما که در هر چه در تمام کسب ما  
 که نامی کسب ما کسب ما کسب ما کسب ما کسب ما کسب ما کسب ما کسب ما کسب ما

بایم در لودی را بخود راه زنده نه عفت تویت دشمن می شود و کار ما تمامه بکفر است  
و حمله به بیچم خود بوس شجاعت و مردانگی بایزود و هم آنها را برای جلب آماده کند  
جلب بکفرش عبارت است - پس بدو یاد از هم و پستیان ولایت فقیه و پرهیز راه اسلام  
استند که خداوند بمانا تو حق بود - ملک قسره در جزیره ای رود به جای او علی می رود پس  
او را کشتند که جایش عالی است و جای عالی او بادلت و خود ما همسره میری نمود  
و خود جایش می گیرد از شاه و الله و عالی که بلام - بسوزد و خاطر خود چون مدد ملت ملک  
در این زنده است . خدا بجزو نماید بر سرش که بلام در

سلام  
شماره ۱۰۰

تاریخ ۱۳۰۲

نام: اسحاق  
نام خانوادگی: جاسمی  
نام پدر: جاسم  
نام مادر: جیانو  
تاریخ تولد: یکم آذر 1348  
محل تولد: شهرستان مهران  
تحصیلات: در حد خواندن و نوشتن  
ارگان اعزام کننده: بسیج  
تاریخ شهادت: سوم اردیبهشت 1366  
محل شهادت: بانه  
نحوه شهادت: اصابت ترکش  
مزار: گلزار شهدای زادگاهش



## عبارت‌های کلیدی

- ا خدایا می‌خواهم قدمی را که در راه دین تو برداشته‌ام، مرا در این راه یاری کن تا به آرزوی خود که همانا قرب الی الله است، برسم.
- ا ای مادر جان امروز اسلام به مادرانی چون تو نیاز دارد، که ثمراتشان را در راه اسلام تقدیم نمایند.
- ا شما برادران و خواهران عزیزم، امیدوارم شجاعانه در شهادتم صبر داشته باشید.
- ا اگر همه ما در این راه کشته شویم، نباید بگذاریم که صورت امامان را غمگین ببینیم.
- ا پروردگارا من چیزی جز جانم ندارم که تقدیمت کنم. با این کار کوچکم، گناهانم را ببخش.
- ا ملت عزیز ایران، اگر از پشتیبانی این امت دست بردارید، به خون شهدا خیانت کرده‌اید.



## اسحاق جاسمی

## بسم الله الرحمن الرحيم

«وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قَاتَلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرَزِّقُونَ»<sup>1</sup>

خدایا می‌خواهم قدمی را که در راه دین تو برداشته‌ام و به راستی که خود شاهد عقیده من هستی مرا در این راه یاری کن تا به آرزوی خود که همانا قرب الی الله است، برسم. پروردگارا، با کوله باری از گناه به سویت آمده‌ام، از تو می‌خواهم که مرا مورد عفو قرار دهی. به خدا سوگند اگر زانوهایم بیوسد و اگر بخواهد کمرم در زیر بارهایی که بر دوشم هست، بشکند، آنقدر در سطح دشت مهران راه خواهم رفت و آنقدر از تپه‌های کردستان بالا و پایین خواهم رفت، تا به قافله‌ای که همانا قافله شهادت است، برسم. تو ای مادر بدان گرچه برای بزرگ کردن من رنج فراوان کشیدی و الآن تو را در این دنیا به‌جا می‌گذارم و می‌دانم که بعد از مرگ سال‌ها در عزایم می‌نشینی، اما امروز اسلام به مادرانی چون تو نیاز دارد که ثمراتشان را در راه اسلام تقدیم نمایند. و اما شما برادران و خواهران عزیزم، امیدوارم شجاعانه در شهادتم صبر داشته باشید، مبادا گریه کنید و دشمن را بر خودتان شاد کنید. چرا که اگر همه ما در این راه کشته شویم، نباید بگذاریم که صورت امامان را غمگین ببینیم و من به ملت عزیز ایران سفارش می‌کنم، که اگر از پشتیبانی این امت دست بردارید، به خون شهدا خیانت کرده‌اید.

پروردگارا من چیزی جز جانم ندارم که تقدیمت کنم. با این کار کوچکم، گناهانم را

بیخش.

سید اسحاق جاسمی

تاریخ 65/12/25

1- آل عمران/ 169. ترجمه: «آنان که در راه خدا کشته می‌شوند مرده مپندارید بلکه زنده‌اند و نزد خدایشان روزی می‌خورند». در اصل وصیت «الذین» از قلم افتاده است.

2- در اصل وصیت «شید».

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَلَا تَحْسَبَنَّ قَتْلَهُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَمَوْتًا بَلْ

أَحْيَاؤُهُ عِنْدَ رَبِّكُمْ فَبَشِّرْهُ بِأَحْسَنِ

خبرایا می خواهم خدمت بر آن در راه دین تو بود از آنرا ام و بی درستی خود را شاعر عمیق

من صحت مرا در راه بارای کن تا به آرزوی خود را همانا قریب الهی دهنده است بر من

اسحاق جاسمی ۹۶۱۰۴۶۷۸

بزرگدارا با کون باری در گناه به کوشش آمده از تویی خاتم و مرا مورد عفو قرار ده

به خدا برگرد اگر زانوهایم پیوسته و اگر نگاهم کنم در زیر بارای که بر دوشم

هست که گداز آندم در سطح دست در بالای راه خاتم روست و آندم در دستهای

کردستان ایلام باشی خاتم روست تا به نمانده ای همانا طایفه ای که در دستهای

دو تنه ای که در دستهای من در این روزگار که در این من رفیع خواران که در این روزگار

در این دنیا جای کدام می توانم که بگذرد هر که سالها در غم ایستاده استی اما امروز

اسوم به مادرانی چون ما نیاز دارد و تمرکز استان را در راه ایستادم تقدیم ما کنید و اما ما می توانیم

و خواجهان عزیزم امیدوارم که بجایمان در یادتم به یادش با سید مجاهد که در این روزگار

را به خودمان نگاه کنید چرا که اگر چه مادر این راه گشته میسوم نباید بگذردیم هر چه ما ما

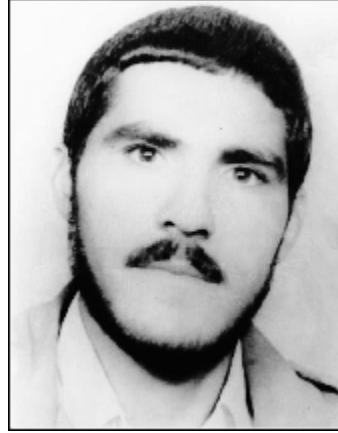
را خدایا بسپار و من به وقت عزیز ایران ستاد می کنم که اگر که در این روزگار

این است دست بر دلید به قول که در یاد فیاضت کرده ای

بزرگدارا من چیزی میز جانم ندارم که تقدیمت کنم با این کار و چه نگاه کنم از

۷۹۷  
تجدید اسحاق جاسمی تاریخ ۲۵، ۱۲، ۷۵

نام: جوزعلی  
نام خانوادگی: جاسمی  
نام پدر: سیزعلی  
نام مادر: صاحب  
تاریخ تولد: دهم شهریور 1334  
محل تولد: مهران  
تحصیلات: در حد خواندن و نوشتن  
ارگان اعزام کننده: بسیج  
تاریخ شهادت: یکم خرداد 1366  
محل شهادت: زادگاهش  
نحوه شهادت: اصابت ترکش  
مزار: گلزار شهدای بخش صالح آباد از  
توابع همان شهرستان



## عبارت‌های کلیدی

- ا همیشه مردم را به کارهای خیر در راه خدا دعوت کنید.
- ا پدر گرامی و مادر مهربان همیشه یار و یاور رزمندگان باشید.
- ا مادر مهربانم همیشه به خواسته خدا شکر کن.
- ا مادر اگر این فرزند ناقابل شما شهید شد، شکر خدا را به جای بیاورید.
- ا همیشه امر به معروف و نهی از منکر کنید.
- ا امام را در پایان نماز دعا کنید.
- ا غیبت نکنید.
- ا نه ظالم باشید و نه مظلوم.

## جوزعلی جاسمی<sup>1</sup>

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ تَعَالَى

بِه نام خدای مَنان

خدمت پدر بزرگوارم<sup>2</sup> مشهدی سبزه‌علی جاسمی، سلام فراوان می‌رسانم به خدمت مادر مهربانم صاحب سلام فراوان می‌رسانم از تمام برادران و خواهران و اقوام<sup>3</sup> و خویشان عموها<sup>4</sup> و دایی‌ها<sup>5</sup> سلام فراوان می‌رسانم. باری پدر گرامی امیدوارم پدری باشید همچون کوه و ستون آهنی در برابر سختی‌ها و راهنمای کارهای خیر برای پسرانت و همیشه مردم را به کارهای خیر در راه خدا دعوت کنید. باری مادر عزیز! امیدوارم مادری شایسته در راه اسلام باشید و تنها خواهش من این است، اگر از من می‌پذیرید، باید شیرت را حلالم کنید. ولی خود احساس شرمندگی می‌کنم که چون شما حق فراوانی در گردن من دارید. باید مرا به نادانی خودم ببخشید. پدر گرامی و مادر مهربان همیشه یار و یاور رزمندگان باشید<sup>6</sup>. مادر مهربانم من اگر خدا خواست<sup>7</sup> [و] شهید شدم، برای من گریه نکنید. اگر خواستی گریه کنی<sup>8</sup> به یاد امام حسین (7) و طفلان<sup>9</sup> لب تشنه گریه کن<sup>10</sup> و باید به این فرزند ناقابل ننازید، همیشه به خواسته خدا شکر کن. من که عازم میدان نبرد هستم هیچگونه

---

1- بالای وصیت با خطی متفاوت با خط شهید نوشته شده «از طرف جوزعلی جاسمی مورخه 65/9/2».

2- در اصل وصیت «بزرگم».

3- در اصل وصیت «قومان».

4- در اصل وصیت «عمویان».

5- در اصل وصیت «دایمان».

6- در اصل وصیت «باشین».

7- در اصل وصیت «کرد».

8- در اصل وصیت «کنید».

9- در اصل وصیت «تلفان».

10- در اصل وصیت «کنید».

ناراحتی ندارم، جز این که شما پدر و مادر خود را با پولی که سهم خودم باشد به مشهد مقدس ببرم و یک ناراحتی دیگر من 11 روز روزه قرض دارم 5 روز بدون کفّاره و 6 روز با کفّاره. ضمناً با پول خودم آن 11 روز را بخرید. همیشه امام را دعا کنید. پشت سر امام هم چون<sup>1</sup> کوه استوار باشید<sup>2</sup>. از دخترهای من خوب مواظبت کنید چون دختر زینت است. باری مادر اگر این فرزند ناقابل شما شهید شد، شکر خدا را به جای بیاورید. در پایان خداحافظی، این چند کلمه را متذکر<sup>3</sup> می‌شوم:

همیشه امر به معروف و نهی از منکر کنید.<sup>4</sup> امام را در پایان نماز دعا کنید. از کمک به رزمندگان و مسلمانان کوتاهی نکنید.

غیبت نکنید. نه ظالم باشید و نه مظلوم.

خدایا خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگهدار

«والسلام»<sup>5</sup>

فرزند حقیر شما، جوزعلی جاسمی

1- در اصل وصیت «هم چو گو».

2- در اصل وصیت «باشین».

3- در اصل وصیت فعل «متذکر» افتاده است.

4- در اصل وصیت «باشید».

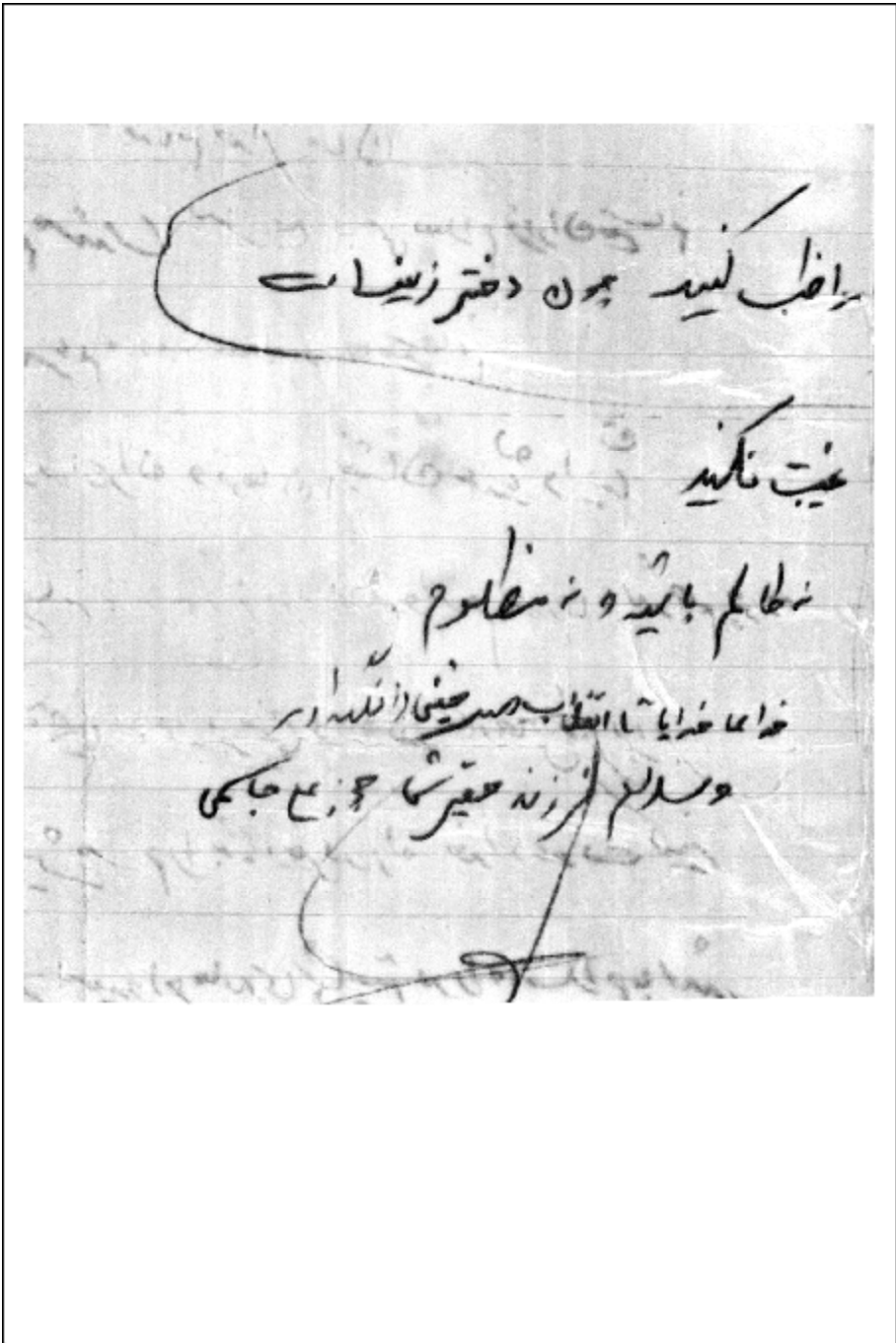
5- در اصل وصیت «وسلام».

سگتالی  
 طوفان ۲۹۸۶  
 از طرف جوزعلی جاسمی به نام خدا در شان  
 حضرت بزرگوار حضرت علی بن ابي طالب سلام خدا بر او و آله  
 و سلم است بابت مهر نام محمد با سلام خدا بر او و آله  
 و سلم در تمام بارگاه و خواهران و فرزندان و بنیان عمره در این  
 سلام خدا بر او و آله و سلم با هر سوگرمی امیدوارم پیوسته و پیوسته چون  
 که در گذشته آهسته در برابر منتهی و اعتماد کارهای خود را در  
 پرانت و صبر مردم را به کار خود در راه خدا دعوت کنید  
 با هر صبر و غیر از امید و ایمان ساری شایسته در راه اسلام با امید  
 و شوقی من این است که مردم را ببرد باید شریعت را اصلاح کنید  
 و دل خود را اساس شرف منی من کنم چون شما حق فرادانی در گردن  
 من دارید باید مرا به نادانی خودم بپسندید

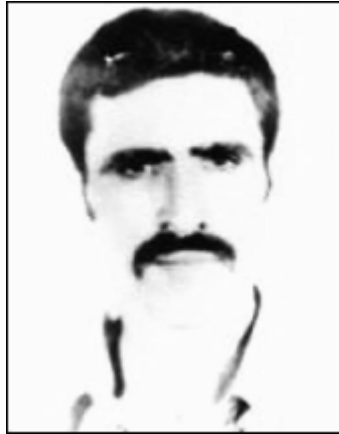
میر گلستان و صاحب میران همه زود یاور از منقاد <sup>بانی</sup> <sup>بانی</sup>  
 صاحب میران منی از خدا کرد شکر کردم بر این منی که به نیکو  
 از خدای گویید بیدار تمام صلوات الله علیکم و آلائه  
 و باید به این فرزند نامتعلق نوازید همه به خواسته خدا  
 خدای من که از من صدق آن نیز و به صلوات ناراضی ندارم  
 جز این که نماینده صاحب خودم را با بیل که سینه خودم باشد  
 من مشورتی بهم و که ناراضی دیگر من "روز روز  
 عرض دارم ۵ روز بدون کفاره و هر روز با کفاره  
 محتاج بیل خودم آن " روز را بخیرید

صحت امام را آید کنید  
نیت بر امام هم چو گو استوار بینی از دقتها من نور  
باید اگر الحی فرزند قابل شاکند نذر خدا را بجا بیدید  
در پایه حفاظت ای چید که را مسکن من است  
صبر بر صرف باید  
دین از شکر  
امام را در پایه نماز دعا کنید  
از ملک به روز منی که در صفایان کو تا من نلیه





نام: رضا  
نام خانوادگی: جاوید  
نام پدر: خوشیار  
نام مادر: حمیلا  
تاریخ تولد: دوازدهم شهرستان 1335  
محل تولد: شهرستان دهلران  
تحصیلات: بیسواد  
ارگان اعزام کننده: بسیج  
تاریخ شهادت: پانزدهم فروردین 1362  
محل شهادت: مهران  
نحوه شهادت: اصابت ترکش  
مزار: گلزار شهدای امامزاده  
سیدصلاح الدین شهرستان آبدانان



## عبارت های کلیدی

- ۱ در همه لحظه های زندگی خود، قرآن و دستورات اسلام و زندگانی ائمه اطهار و شهدا را الگو و سرمشق زندگی خود قرار دهید.
- ۱ یک لحظه امام خمینی را تنها نگذارید.
- ۱ ابرقدرت های شیطانی توسط عوامل داخلی و خارجی درصدد توطئه هستند که به هر طریقی شد، بین روحانیت و مردم جدایی و تفرقه بیندازند.
- ۱ وصیت من مادر جان این است که برای من زیاد ناراحت نباشید.
- ۱ من از این همه جوان که در راه خدا کشته شدند، زیباتر نیستم.
- ۱ از روحانیت اصیل و مبارز دست بردارید.

## رضا جاوید

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِهِ تَعَالَى

«الَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ أَكْبَرًا عِنْدَ اللَّهِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ».

یعنی آنان که ایمان آوردند و از وطن هجرت گزیدند، در راه خدا به مال و جانشان جهاد کردند، آنها را نزد خدا مقام بلندی است و آنان بالخصوص رستگاران و سعادت‌مندان عالمند». (سوره توبه آیه 20)<sup>1</sup>

پیام من به شما امت مسلمان و شهیدپرور و غیور ایران این است که در همه لحظه‌های زندگی خود، قرآن و دستورات اسلام و زندگانی ائمه اطهار و شهدا را الگو و سرمشق زندگی خود قرار دهید و یک لحظه امام خمینی رهبر آگاه و بیدار انقلاب اسلامی را تنها نگذارید و از روحانیت اصیل<sup>2</sup> و مبارز دست بردارید و این اصل را فراموش نکنید که آنها بودند که به ما آگاهی و حرکت در همه مسائل دادند و به همین منظور که قدرتها و ابرقدرتهای شیطنی توسط عوامل داخلی و خارجی در صدد توطئه هستند که به هر طریقی شد، بین روحانیت و مردم جدایی و تفرقه بیندازند. و شما<sup>3</sup> ملت غیور ایران مسئول هستید که در برابر آنها بایستید. وصیت من مادر جان این است که برای من زیاد ناراحت نباشید. من از این همه جوان که در راه خدا کشته شدند زیباتر نیستم. مادر جان اگر من شهید شدم 40 روز لباس سیاه<sup>4</sup> برایم بپوشید و بیشتر حق نداری و اگر بیشتر بپوشید، در برابر خداوند مسئول هستید. مادر جان، من سه هزار و صد بیست و پنج تومان در بانک صادرات دارم و 200 تومان پهلوی برادر نصرت‌زاده و 150 تومان پهلوی برادر حسن چاغان دارم و

1- در اصل وصیت «توبه آیه 19».

2- در اصل وصیت «صل».

3- در اصل وصیت «بشما».

4- ر.ک. تعلیقات.

چاغان دارم و 3000 هزار تومان به عنوان قرض از بانک کشاورزی پهلویم هست، او را پس دهید و آدرس من آبدانان اردوگاه رسالت<sup>1</sup> برسد به دست محمد علی جاوید. خداوند در حدیث قدسی می فرماید:<sup>2</sup>

این چنین فرمود رب العالمین	با همه اقشار بر روی زمین <sup>3</sup>
هر کسی کو بهر من عاشق شود	رمز حب داند به من لایق شود
او شود محبوب، من عاشق بر او	تا کنم آزادش از نفس عدو
من گشتم او را بهایش می دهم	نزد خود خوانم صفایش می دهم

در مورخه 61/10/19

---

1- در اصل وصیت «رسالت».

2- در اصل وصیت «خداوند در حدس از حدس قدسی».

3- اشعار ذیل وصیت ترجمه آثار حدیث قدسی من طلبنی و جدنی. رک. تعلیقات.



و ۲۰۰ تومان بهای برادر نرفت زانو و ۵۰ تومان پلری  
میلور طینی چایغان درازم ~~۳۳~~ و ۳۰۰ هزار تومان  
به عینان قرصن از بانک کشاورزی به پایلوم دست  
اورا برده و آدرس من آذربایجان اردوگاه در حالست  
بنگربدرست محمد علی جاوید در خداوند در حدس  
از حدس قدسی

۱۹۸۸ این چنین فرمود در الفانی با همه اقشار بیرون از منی  
هر کسی که به منی نماند شود لا رند حیدر از منی نماند شود  
او شود محبوب من مانده بر او لا تا کنم اگر ادنی از نفس بخرد  
منی کنم او را بهایش میهم میدهم در نزد خود خوانم بهنایش میدهم

۱۹۸۸

نام: علی  
نام خانوادگی: جرایه  
نام پدر: سوخته‌زار  
نام مادر: شهریانو  
تاریخ تولد: یکم مهر 1350  
محل تولد: روستای سراب باغ از توابع  
شهرستان آبدانان  
تحصیلات: اول راهنمایی  
ارگان اعزام‌کننده: بسیج  
تاریخ شهادت: یکم اسفند 1362  
محل شهادت: چنگوله  
نحوه شهادت: اصابت ترکش  
مزار: گلزار شهدای شهرستان زادگاهش



## عبارت‌های کلیدی

- ۱ با دلی سرشار از ایمان و با اعتقاد و آگاهی که از اسلام عزیز داشتیم، راهی [جبهه] شدم.
- ۱ دنیا باید بداند که ما در راه عقیده و ایمان با انتخاب خط سرخ شهادت تا آخرین قطره‌های خون از اسلام دفاع می‌نماییم.
- ۱ هیچ وقت امام عزیزمان را تنها نگذارید.
- ۱ پیرو مکتب ولایت فقیه و قرآن باشید.
- ۱ برای من گریه نکنید چون گریه کردن باعث شادی منافقین خواهد بود.
- ۱ همیشه بعد از نماز امام و رزمندگان را دعا کنید.
- ۱ من که راه امام حسین (7) پیمودم و این راه را انتخاب کردم.
- ۱ تابع دستور امام باشید.
- ۱ نماز را اول وقتش بخوانید.

## علی جرایه

### بسم الله الرحمن الرحيم

موقعی که خواستم به جبهه بروم این را نوشتم.

هر کس در راه خداوند قدم بردارد خداوند راه را به او نشان می‌دهد.

جمهوری اسلامی با این خون‌ها آبیاری می‌شود.<sup>1</sup> (امام خمینی)

سلام بر پیامبر بزرگ اسلام و درود فراوان بر رهبر کبیر انقلاب اسلامی ایران خمینی بت شکن و سلام بر پدر و مادر مهربانم. من علی جرایه فرزند سوخته‌زار<sup>2</sup> من با دلی سرشار از ایمان و با اعتقاد و آگاهی که از اسلام عزیز داشتم، راهی جنوب کشورمان جهت<sup>3</sup> سرزمین عزیزمان و دفاع از نوامیس<sup>4</sup> اسلام از چنگال غاصبان و غارتگران و نوکران آمریکا شدم و می‌روم تا به آنها درسی بدهم که عبرتی باشد برای دیگر تجاوزگران که قصد [تجاوز به] سرزمین‌های محروم جهان دارند.

دنیا باید بداند که ما در راه عقیده و ایمان با انتخاب خط سرخ شهادت تا آخرین قطره‌های خون از اسلام دفاع می‌نماییم.

پدر جان و مادر عزیزم، خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید «وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ...»<sup>5</sup> یعنی «گمان نکنید کسانی که در راه خدا کشته می‌شوند، مرده‌اند، بلکه زنده‌اند و از جانب پروردگارشان روزی می‌گیرند» آری ما مرده نیستیم ما از لطفی که خداوند به ما کرده پاداشی بزرگ خواهیم داشت. وصیت من به شما این است که هیچ وقت امام عزیزمان را تنها نگذارید و پیرو مکتب ولایت فقیه و قرآن باشید. به سخنان عزیز و شیرین او و از دستورات رهبر بزرگ اطاعت کنید. پدر مادر عزیزم برای من گریه نکنید چون گریه کردن

1- صحیفه امام، ج 15، ص 227.

2- در اصل وصیت ناخواناست باید «سوخته‌زار» یا «سوخزار» باشد.

3- در اصل وصیت «حجت».

4- در اصل وصیت «فرامین».

5- آغاز آیه 169 از سوره آل عمران.



باعث شادی منافقین<sup>1</sup> خواهد بود. شادی کنید که شما هم به<sup>2</sup> خدای متعال هدیه‌ای تقدیم کرده‌اید. مادر جان و پدر جان من رفته‌ام، من را حلال کنید و ببخشید همیشه بعد از نماز امام و رزمندگان را دعا کنید.

خدایا خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگه‌دار، رزمندگان اسلام پیروزشان بگردان (آمین یا رب العالمین)<sup>3</sup>

علی جرایه  
مورخه 62/11/12

### [وصیت‌نامه‌ای دیگر]

#### بسم الله الرحمن الرحيم

آدرس خانواده برادر شهید علی جرایه ایلام در شهر آبدانان سراباغ خانه سوخته‌زار جرایه با سلام درود فراوان بر امام امت و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران امام خمینی و با سلام درود بیکران بر شهیدان حق بر باطل و با سلام [و] درود فراوان بر پیامبر اکرم. سلام بر پدر مادر عزیزم سلام وصیت من به شما این است که هیچ وقت امام عزیزمان را تنها نگذارید چون دشمن داخلی زیاد است.

پدر مادر عزیزم همیشه نماز بخوانید و روزه بگیرید. پدر مادر عزیز و گرامیم برای من ناراحت نباشید چون شما هم شکرگزار<sup>4</sup> باشید که هدیه‌ای به خداوند متعال کرده‌اید. من که راه امام حسین (7) پیمودم و این راه را انتخاب کردم وصیت من به شما این است همیشه تابع دستور امام باشید. پدر مادر عزیزم من چند تومان که پیش من بود اسامی آنها [را] به مادرم دادم. قرض‌ها را بدهید تا بتوانم در جهان آخرت از نعمت‌های بهشتی استفاده کنیم.

---

1- ر.ک. تعلیقات.

2- در اصل وصیت «با».

3- در اصل وصیت «المین».

4- در اصل وصیت «شکرگذار».

پدر مادر عزیزم مرا حلال کنید. پدر مادر عزیزم نماز را اول وقتش بخوانید. پدر مادر عزیزم مرا ببخشید. پدر مادر عزیزم از تمام اقوام<sup>1</sup> و خویشان بخواهید که اگر من آبی از خانه‌شان خوردم مرا حلال کنند و ببخشند. پدر مادر عزیزم وصیت من بیشتر به شما این است هیچ وقت نماز را فراموش نکنید و از تمام قوم‌ها و رفقا [بخواهید] مرا حلال کنند و ببخشند.<sup>2</sup>

موفق باشید. انشاءالله، آمین یا رب العالمین<sup>3</sup>

نمی‌بینم تو را دیگر  
که روزی رسد هنگام پیروزی

خدا حافظ ایام مادر  
چرا مادر ز غم سوزی

علی جرایه

---

1- در اصل وصیت «قومان».

2- در اصل وصیت «ببخند» افتاده است.

3- در اصل وصیت «ببخند».

صورتی که خواستم به همه مردم این را نوشتم  
بسم الله الرحمن الرحيم

در وصیت نامه برادر سعید مع جرایه

هر کس در راه جنت خود چشم برادر دختا ند راه را با او نشان مرده

جمهوری اسلام با این خون خونی آبیاری مر شده (اما جنبی)

سلام بر پیامبر بزرگ اسلام و در روز قیامت بر همه کسیر انقلاب اسلام ایران چنین

بست انگیزم و سلام بر همه برادر و برادره و همکاران عزیز و فرزندان و همکاران ما با دین شریک

کتابخانه و کتابخانه و کتابخانه که از اسلام عزیز داشتیم را هر چه در جنت خود در روز قیامت

مردمان و زنان و بچه ها و همه را از اسلام از جنت ~~کتابخانه~~ ما صبا و غار و تاران و تاران که کاشتم

به دست ما و آنها در حق این مردم که همیشه با ما بوده و با ما بوده و با ما بوده که قصد سر زنیها

شریم جوان و از خود دنیا باید بداند که علم را با عقیده و ایمان با انتخاب خط سرخ

شهداست تا آخرین قطره جان خویش را از اسلام دفاع می‌نمایم  
 پدر جان و مادر عزیزم خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید ولاتحبن الدین  
 یعنی همان ننگینه گسائی که در راه خدا کشته می‌شوند پیروزند ایندی که  
 زنده اند و از جاسات سرور کارشان روزی برآید آنروز ما سرور هستیم  
 ما از لطفی که خداوند به ما کرده یاداشی بفرستد خواهیم داشت بر حسب حق  
 و شهادت است که هیچ وقت تمام عمر من در راه خدا نماند و در پیوسته ولایت  
 فقیه و مقلدان با شکر و استغفار می‌نویسم و شکر می‌کنم او را که من را مستر و عزیز کرد  
 و اطمینان کنی پدر ما که عزیزم برابر خود کرده ننگینه جانم که در راه خدا  
 نما در من فقیه ای خواهد بود شما در ننگینه که بنام هم با متعال خود را از تقیم  
 کرد و ایو مادر جان و برادر جان من رفتم مرا احلال کنید و بیخندید همیشه بعد از آنکه  
 در زندگان دعا کنید بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لله رب العالمین  
 خدا یا خدا یا تا انتهای صبر چشم را تقصیر از دستگان اسلام بیروزستان بگردان  
 (این را در این روز)

بسم الله الرحمن الرحيم ... در صورتی ۱۱/۲۴/۶۲

بروید بطرف نبرد با دشمن با دلی محکم و قلبهائی مصلو  
از محبت خدا، قلبهائی که از هیچ قدرتی ترس ندارد.

اعلام خمینی



مستأجر  
آدرس: خانواده برادر شهید، هیئت خیریه اعلام در شهر ایدان، مسواریاغ خانه مسو خد تراجریک  
با سلام درود فراوان بر اهل بیت و بنیادگذار جمهر اسلام و صلوات  
امام خمینی و باسلام درود بیستون بر شهید این مشوق بر باطل و باسلام درود  
فراوان بر پیاپی بر اکرم ...

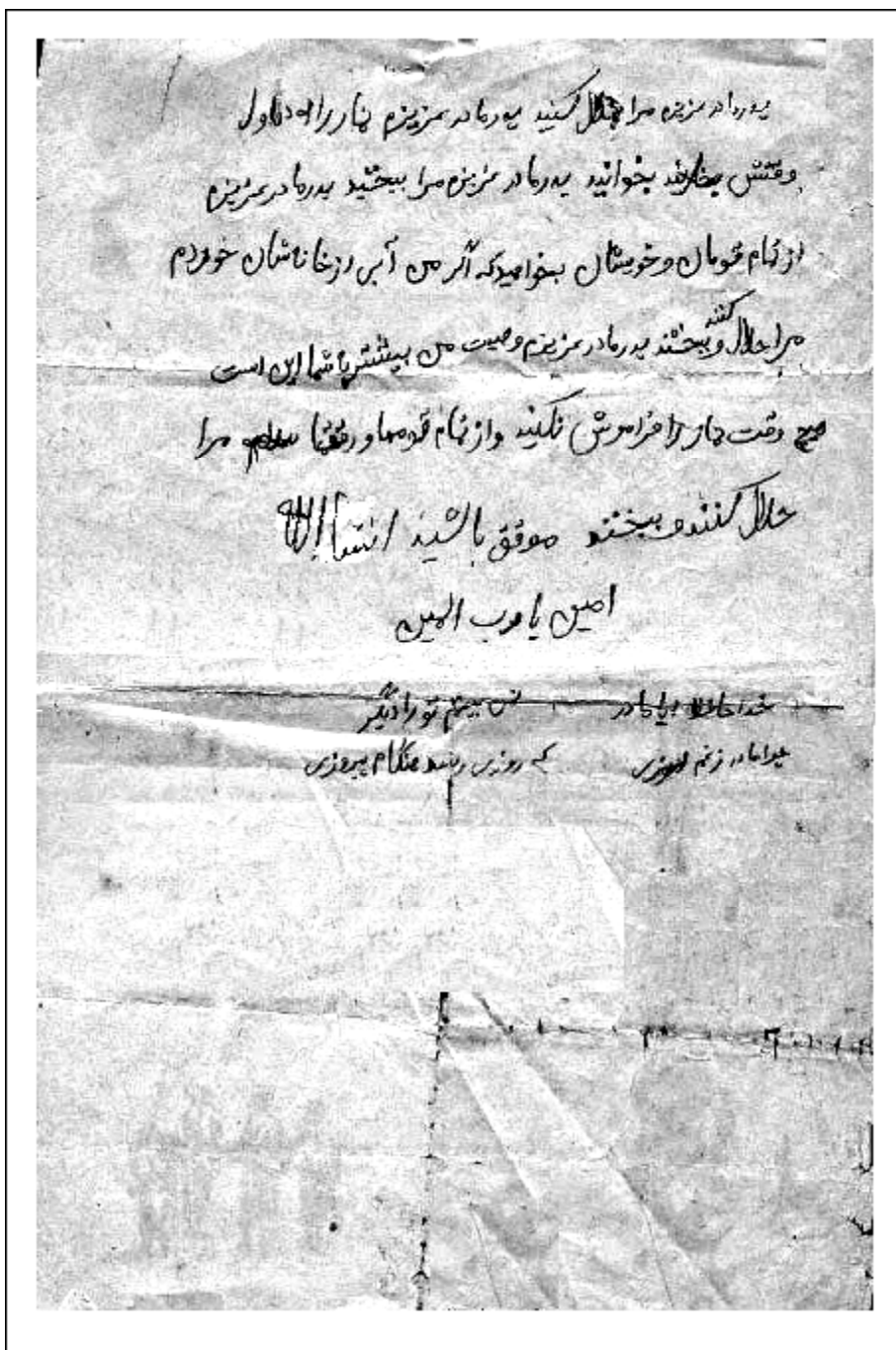
وصیت نامه برادر شهید علی جبارک

سلام بر پدر مادر عزیزم سلام بر محبت من به شما این است که هیچ  
وقت امام عزیزان را تنها نگذارید چون دشمن زیاد است  
بهر حال هرگز عزیزم همیشه باز بخوانید و روزه بگیرید بدوام عزیز و گرامیم  
سرازم من تا راحت نیاشد چون شما هم هر چه میسر شود شکر گذار باشید  
بیکه صدق این به خداوند متعال کرده اید بجز محکم من که راه امام حسین  
میروم و این راه را انتخاب کردم و محبت من به شما این است  
همیشه تابع دستورات امام باشید بدینا در عزیزم من خسته توانم که پیش من بود  
اسلام آنها با امام دادم شرمنا را بدهید تا بتوانم در جهان آخرت از نعمت های  
بهشتی استفاده کنم

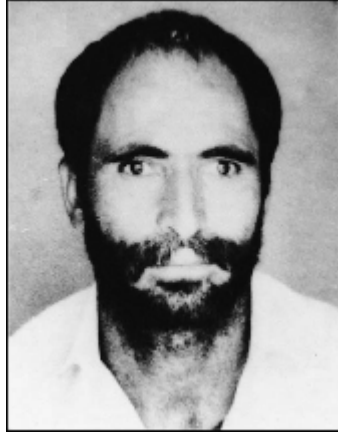
ای عجبای بزرگ ما به اسلام و امام و قاطع خواهیم ماند

عبدالله رحمان



نام: جعفر علی  
نام خانوادگی: جعفری  
نام پدر: نادعلی  
نام مادر: خان بانو  
تاریخ تولد: سوم آذر 1325  
محل تولد: شهرستان دره شهر  
تحصیلات: بی سواد  
ارگان اعزام کننده: بسیج  
تاریخ شهادت: بیست و سوم بهمن 1360  
محل شهادت: گلان مهران  
نحوه شهادت: اصابت ترکش  
مزار: گلزار شهدای زادگاهش



## عبارت‌های کلیدی

- ۱ از امام خمینی می‌خواهم که از درگاه خداوند برای من و سایر رزمندگان طلب بخشش بنماید.
- ۱ تمام دار و ندار من بعد از مرگم به دست همسرم می‌رسد تا فرزندانم را بزرگ کند.

## جعفرعلی جعفری

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

«إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ»<sup>1</sup>

از او هستیم و بسوی او باز می‌گردیم.

نام: جعفرعلی، نام خانوادگی: جعفری، نام پدر: نادعلی، شماره شناسنامه: 1256.

مبلغ 2000 تومان به نریمان نوروزی و دو هزار تومان شیخ نبی رحیمیان و دو هزار تومان به رمضان زینیوندی و صد و پنجاه تومان شیخ عباس کردی و 1000 تومان به سید مراد بهزادی که تقاضا می‌کنم در صورت شهادت من به آنها پرداخت نمایید.

من 10 روز روزه قرض دارم که از دامادمان علی حسین طبیبیان تقاضا می‌کنم که این ده روز روزه را برایم به جا بیاورد و بیست سال نماز قرض دار<sup>2</sup> هستم که از خانواده‌ام تقاضا می‌کنم برایم بخوانند.

از امام خمینی می‌خواهم که از درگاه خداوند برای من و سایر رزمندگان طلب بخشش بنماید.

تمام دار و ندار من بعد از مرگم به دست همسرم می‌رسد تا فرزندانم را بزرگ کند. وقتی فرزندانم بزرگ شدند دارو ندارم به آنها می‌رسد.

بعد از من اختیاردار خانه من خواهرم می‌باشد. از همسرم و خواهرم و برادرم تقاضا می‌کنم که مرا حلال کنند.

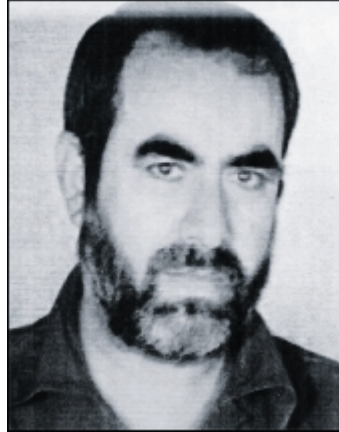
---

1- بخشی از آیه 156 سوره بقره.

2- در نسخه تاپی بنیاد شهید «قرصدار».



نام: یاسین  
نام خانوادگی: جعفری  
نام پدر: منخی  
نام مادر: خداره خانم  
تاریخ تولد: پنجم مهر 1317  
محل تولد: شهرستان مهران  
تحصیلات: پایان دوره ابتدایی  
ارگان اعزام کننده: بسیج  
تاریخ شهادت: بیست و سوم خرداد 1367  
محل شهادت: شهرستان زادگاهش  
نحوه شهادت: سوختگی  
مزار: بخش صالح آباد همان زادگاهش



## عبارت های کلیدی

- ا خدایا ما جز یک بنده ضعیف بیش نیستیم، همه آرزوهایم فقط خدمت در راه ذات اقدس او می باشد.
- ا من آرزوی زیارت کربلا و نجف اشرف را داشتم.
- ا خدایا شهادت را که یکی از بزرگترین آرزوی هر فرد مسلمان است، نصیبم گردان.
- ا خداوند بعد از هفت سال جنگ مزد مرا که همان شهادت بود، عنایت فرمودند.
- ا مقلد رهبر، امام خمینی هستم و از فرامین او اطاعت کردم.
- ا من راه روشنی را در پیش دارم.

## یاسین جعفری<sup>1</sup>

### بسم الله الرحمن الرحيم

#### بسمه تعالی

بازگشت همه به سوی اوست.<sup>2</sup>

خدایا من<sup>3</sup> جز یک بنده ضعیف بیش نیستم، همه آرزوهایم فقط خدمت در راه ذات اقدس او می باشد. خدایا اگر من نتوانستم صادقانه در راه تو انجام وظیفه نمایم، تو با لطف و عنایت با من رفتار نما، من آرزوی زیارت کربلا و نجف اشرف را داشتم، اگر قسمت شد زیارت کربلا اگر زنده موفق نشدم زنده زیارت کنم، خدایا شهادت را که یکی از بزرگترین آرزوی هر فرد مسلمان است، نصیبم گردان. چه خوش است که انسان از [سوی]<sup>4</sup> خدا بیاید و دوباره پیش خدا برود. لذا من به همه بستگانم وصیت می کنم «در شهادتم سیاه پوشی»<sup>5</sup> نکنند و گریه و زاری هم نکنند. بلکه بچه هایم را دلنوازی کنند، که برای من ناراحت نباشند. چون که خداوند بعد از هفت سال جنگ مزد مرا که همان شهادت بود، عنایت فرمودند. من از خدای خود سپاسگزارم که به من توفیقی عنایت کردند، که بدو پیروزی انقلاب اسلامی، توانستم در کمیته امداد امام خمینی به مستضعفین و هم چنین به رزمندگان اسلام خدمت نمایم. گرچه این خدمت بسیار ناچیز بود، اما امیدم به خدا بود که من راه روشنی را در پیش دارم. مقلد رهبر، امام خمینی هستم و از فرامین او اطاعت کردم.<sup>6</sup>

---

1- وصیت نامه شهید جعفری توسط همسرشان «... عزیزمی» با این عبارت تأیید شده است «هوارد بالا مورد تأیید اینجانبه ... عزیزمی می باشد».

2- ترجمه «إِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ» بخشی از آیه 153 سوره بقره است.

3- در اصل وصیت «ما».

4- از سیاق کلام برمی آید واژه «سوی» افتاده باشد.

5- ر.ک. تعلیقات.

6- وصیت نامه شهید در سربرگ کمیته امداد امام خمینی نوشته است. ذیل وصیت این عبارت از امام خمینی چاپ شده است «کسانی که در طول تاریخ محروم بوده اند، نباید در جمهوری اسلامی محرومیت بکشند».

بسم الله الرحمن الرحيم



شاخه

وصیت نامه

تاریخ  
شماره  
پیوست

بازگشت همه بسوی خداست

خدا یا ما جز یک بنده ضعیف بیش نیستیم همه آرزوهایم فقط خدمت در راه ذات  
 اقدس او میباشد خدا یا اگر من توانستم بعبادتخانه در راه انجام وظیفه نمایم تو  
 با لطف و عنایت بمن رفتار فرما من آرزوی قدرت و کلاه نجف الشرف را دارم اگر  
 خدمت من زیادت بود که آرزو من صرف نشد بظرف زیادت نام خدا یا منهدمست ما کنی  
 از بزرگترین آرزوی هر فرد مسلمان است نصیبم کردن چه خوشی است که این  
 از خدا است و دعا براه پیش خدا بردن به از من بهیچ وجه و وصیت مسلم در هر جا دم  
 سیاه پوشی ننگند در صورت و در راه هم ننگند بلکه بهم هم را در نخواستی ننگند که برای من  
 ناراحت نباشد چنانکه خداوند بعد از هفت سال چند مرد مرا که همان شهداست بود  
 حمایت فرمودند من از خدا این خود سیاه گوارم که بمن توفیق عبادت کردند که از بدو  
 هر روزی انقلاب اسلامی توانستم در کلبه امداد امام خمینی مستضعفین و همجین  
 به در رسیدگان اسلام خدمت نمایم گویم این خدمت بسیار ناچیز بود اما امیدم بخیر بود  
 که من به راه روشن در پیش دارم **مطلق** رهبر امام خمینی استم دارم فراموشی ارا طاعت را

کسانی که در طول تاریخ محروم بوده اند نباید در جمهوری اسلامی محرومیت بکشند

امام خمینی

سوریه لائرون بیروسی شهید



نام: علی محمد  
نام خانوادگی: جمال‌دینی  
نام پدر: جهان  
نام مادر: پری  
تاریخ تولد: دهم بهمن 1334  
محل تولد: بخش صالح‌آباد شهرستان مهران  
تحصیلات: پایان دوره کاردانی  
ارگان اعزام‌کننده: بسیج  
تاریخ شهادت: نهم مرداد 1362  
محل شهادت: قلاویزان  
نحوه شهادت: اصابت گلوله  
مزار: زادگاهش

## عبارت‌های کلیدی

- ا تسلیم محض ولایت فقیه باشید.
- ا نماز بخوانید. قرآن را خوب بخوانید. پیام‌های امام عزیز را ضمن خواندن، عملی کنید.
- ا از پدر عذر می‌خواهم که به وی خدمت نکردم. مرا حلال [کنند] چون روز قیامت سوال می‌شود.
- ا مسجد را خالی نگذارید.
- ا چراغ و سراج هادی نمی‌شوید، مگر در پرتو تزکیه و تقوی.
- ا نماز بخوانید. قرآن را خوب بخوانید.
- ا کار کنید برای خدا و کار دیگران را هم برای رضای خدا انجام دهید.
- ا استدعا دارم با هم برادر باشید.
- ا بوی تعفن تفرقه را از بین خودتان بردارید و بوی گل اعتصام را با وحدت خویش متصاعد کنید.
- ا دانش‌آموزان تا نسوزید نور هدایت به جامعه نمی‌بخشید.

علی محمد جمال‌الدینی<sup>1</sup>

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ رَبِّ الشَّهَدَاءِ وَ الصِّدِّيقِينَ

«وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ أُولَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ»<sup>2</sup>

اینجانب دارای یک پسر به نام محمد باقر جمال‌الدینی هستم که انشاءالله خداوند وی را یاری دهد و هدایتش کند. و اما خواهشی که دارم از برادران این است با وی خوش رفتاری بکنند و نگذارند تلخ<sup>3</sup> به وی بگذرد.

به<sup>4</sup> برادرانم در چالسرا تماماً سلام برسانید به دوستانم تمام سلام برسانید به مادرم<sup>5</sup> سلام برسانید. اما شما را به مقدسات اسلام قسم می‌دهم شما را به عزت اسلام و عصمت اولیاء خدا قسم می‌دهم تسلیم محض ولایت فقیه باشید.

دانش آموزان عزیز امید آینده اجتماع، به شما وصیت می‌کنم چراغ هدایت اجتماع باشید. چراغ و سراج هادی نمی‌شوید مگر در پرتو تزکیه و تقوی در مقام عبودت الهی قرار گیرید. مطالعه کنید. نماز بخوانید. قرآن را خوب بخوانید. پیام‌های امام عزیز را ضمن خواندن، عملی کنید. کار کنید برای خدا و کار دیگران [را] هم برای رضای خدا انجام دهید. از همکاران فرهنگی ضمن عرض سلام، استدعا دارم با هم برادر باشید. بوی تعفن تفرقه را از<sup>6</sup> بین خودتان بردارید و بوی گل اعتصام را در وحدت خویش متصاعد کنید، تا دانش آموزان مست [و] شیدای شما شوند. چون تا نسوزید نور هدایت به جامعه

1- در بالای وصیت نوشته شده است «قسمتی از وصیت‌نامه علی محمد جمال‌الدینی فرزند جهان شماره شناسنامه 7 صادره از صالح آباد».

2- واقعه 10-11.

3- در اصل وصیت «تلخی».

4- در اصل وصیت در این پاراگراف تمام واژه‌های «از»، «به» هستند.

5- در اصل وصیت «مادرانم».

6- در اصل وصیت «در».

نمی‌بخشید. از پدر عذر می‌خواهم که به وی خدمت نکردم. مرا حلال [کند] چون روز قیامت سوال می‌شود.

هم‌چنین مادرم<sup>1</sup>... مردم صالح آباد قدر برادرانی<sup>2</sup> که کارهای صالح انجام می‌دهند را بدانید و با هم وحدت داشته باشید. برادران عزیز قطع رابطه با چالسرا نکنید. صله رحم هم‌دیگر باشید. از برادران چالسرایبی جداً عذر می‌خواهم. انشاءالله رابطه‌تان با برادران چالسرایبی زیاد شود... دانش‌آموزان عزیز سعی کنید «مسجد را خالی نگذارید»<sup>3</sup> و همیشه مایه هدایت مردم باشید، به تمام مردم صالح‌آباد و چالسرا سلام می‌رسانم انشاءالله... از مادرم تقاضا می‌کنم مرا ببخشند از دوستانم خواهش می‌کنم که با برادرانم در تماس باشید.

به امید پیروزی رزمندگان اسلام بر سپاه کفر  
اللهم ارزقنا توفيق الشهادة في سبيلك (الهي امين)

علی محمد جمال‌دینی

---

1- در اصل وصیت «مادرانم».

2- در اصل وصیت «برادرانیکه».

3- امام خمینی، صحیفه امام، ج 12، ص 392.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ رَبِّ الشَّهِدَاءِ وَ مَدِيَّتَيْنِ الْمَأْبُوتَيْنِ الْمَأْبُوتَيْنِ الْوَالِدَيْنِ الْعَرِيفَيْنِ

=====

تستی از وصیت نامه ..... علی محمد \* حامد دینبی \* فخرزاد

چهار شماره شناسنامه ۷ صادره از صالح آبساز

ایجاب دارای یک پسر نام \* محمد باقر \* حامد دینی \* حتم که در ادامه

انشاء الله خداوند ویرا یاری دهد و مدایت کند .....

و اما خواستی که دارم از برادران ایمن نسبت با وی عیون

رفضاری نکنند و نگذارند تلخی به وی بگذرد .....

از برادرانم در چالسرا تمام \* سلام برسانید از دوستانم

تمام سلام برسانید از مادرانم سلام برسانید .....

اصلاً شما را به مریضی از سلام قسم میدهم شما

رأبه عزت اسلام و عمت اولیاء \* شهدا \* قسم میدهم تسلیم

عذر و ایست \* فقیه \* باشم

دانش آموزان عزیز و استادانم سلام به شما وصیت می کنم

چراغ هدایت اجتماع باشم چراغ و چراغ نادانی نمی شود گم

در سرتو ترکیه و تقوی در منا بود بیست الهی تکرار گیرید

دالعه کنید نماز بخوانید قرآن را خوب بخوانید پیامهای \* امام

عزیز را سخن \* خواندن طبی کنید کار کنید برای خدا و کار دیگران

م برای رفای خدا انجام دهید از جنگاران فراموشی ایمن عرض

سلام استند ما دارم با هم برادر باشم بروی نصفن تفرقه در بین

خودتان بر دارید و بروی گل اعتنا م را در وحدت خویش تمام کنید

تا دانش آموزان مست شیدای شما شوند و چون تا نوزده

نور هدایت به جامعه نمی بخشید از پدر عذری خواهم کنم

بروی خدمت نکردم صراحت لال ..... چون روز قیامت سوال میشود بهترین

مادرانم . . . . . مردم صالح آباد قدر برادر اینک که کارهای ،  
صالح انجام میدهند را بداند با تمام وجودت دانتسه  
باشید ، برادران عزیز ذالغ را اُسَه با چالسه را  
نکنید بلکه به رحم و مهربانی از برادران جالسرافی  
حدا" غسدری خواهم انشاء الله . . . . . را اُسَه تان  
با برادران جالسرافی زیاد مسود . . . . . دانسه آمسوزان  
عزیز سعی کنید مسجد را خالصی نگذارید و همیشه  
طایه هدایت مسردم باشید ، به تمام مردم صالح آباد  
و جالسرافی سلام بفرستیم انشاء الله . . . . . از مادرانم  
تقاضا میکنم مرا ببخشید از دوستانم خواهش میکنم  
که با برادرانم در تماس باشید

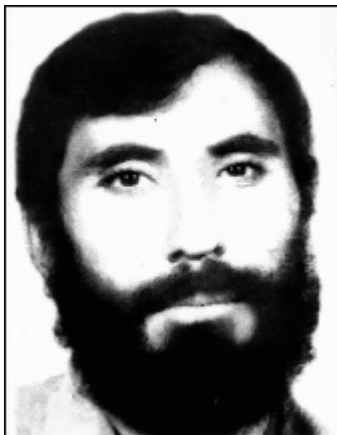
به امید پیروزی رزمندگان اسلام بر سهوا کفر

اللهم ارزقنا توفيق الشهادة غنى سبيلك (الهي امين)

علی " محمد " خالدینسی



نام: قنبر  
نام خانوادگی: جم‌زاده  
نام پدر: امامعلی  
نام مادر: ریحان  
تاریخ تولد: 1337  
محل تولد: روستای قلعه‌در از توابع  
شهرستان مهران  
تحصیلات: پایان دوره ابتدایی  
ارگان اعزام‌کننده: سپاه  
تاریخ شهادت: پانزدهم فروردین 1366  
محل شهادت: قلاویزان  
نحوه شهادت: اصابت ترکش  
مزار: امامزاده پیرمحمد شهرستان  
زادگاهش



## عبارت‌های کلیدی

- ا سلام بر خدا جویانی که اسلام و قرآن را زنده کرده‌اند.
- ا سلام بر خداجویانی که با ریختن خون خود روشنایی را از خورشید گرفتند.
- ا پروردگارا من با چشمانی باز و با آگاهی و طرفداری از حق و مبارزه با کفر بدین راه آمدم.
- ا نه به‌خاطر خودنمایی و خودپرستی، بلکه به‌خاطر خدا و مبارزه با نفس و کامل کردن ایمان خود، این راه را انتخاب کردم.
- ا اسلام با چنین خون‌هایی پایدار و برافراشته می‌شود.
- ا می‌روم و خون خود را به پای درخت اسلام می‌ریزم و او را با خون خود سیراب می‌کنم.
- ا پشتیبان انقلاب و اسلام باشید.
- ا از خط امام خارج نشوید.
- ا دوستان و آشنایان ادامه‌دهندگان راه شهدا باشند.
- ا مرگ، امری الهی است و برای همه است ولی چه بهتر از همه، مرگی که در راه خدا و برای رضای او باشد.

## قنبر جم‌زاده

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

«وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ» (قرآن کریم)<sup>1</sup>

به نام الله پاسدار حرمت خون شهیدان.

سلام بر رهبر بزرگ انقلاب و سلام بر تمامی رزمندگان کفرستیز اسلام و سلام و درود خدا بر تمامی شهدای گرانقدر جنگ تحمیلی، که زنده کننده کربلای حسین و به وجود آورنده کربلای جدیدتری شده‌اند و سلام بر آن خون‌های ریخته شده‌ای که بیابان‌ها و صحراها و کوه‌های سر به فلک کشیده را پاک و خوشبو نموده‌اند و سلام بر خداجویانی که اسلام و قرآن را زنده کرده‌اند و با ریختن خون خود روشنایی را از خورشید گرفته و خود روشنی بخش راه آیندگان شده‌اند و سلام و درود خداوند بر ادامه‌دهندگان راه حسین (7) باد. اول رو به پروردگار کرده و می‌گویم: پروردگارا، من با چشمانی باز و با آگاهی بر این‌که چه راهی را می‌روم و با ایمان به تو و طرفداری از حق و مبارزه با کفر بدین راه آمدم. نه به خاطر خودنمایی و خودپرستی، بلکه به خاطر خدا و مبارزه با نفس و کامل کردن ایمان خود، این راه را انتخاب کردم. پس پروردگارا، گناهانم را بیامرز و از سر گناهانم درگذر و جزء اولیاء خودت قرار ده. ابتدا سخن با مادر گرامی‌ام: ای مادر، مادری که در آغوشت چنین فرزندی را بزرگ کرده‌ای، شما سال‌ها رنج و زحمت کشیدی تا چنین فرزندی را تربیت و بزرگ نمودی ولی گرچه استفاده‌ای از این حقیر نمودی باید افتخار کنی که توانستی چنین فرزندی را بزرگ و تحویل اسلام دادی که جان خود را نثار درخت اسلام کند. بله اسلام به چنین خون‌هایی احتیاج دارد و با این خون‌ها پایدار و برافراشته می‌شود. پس حالا که اسلام با این خون‌ها پایدار می‌ماند، من می‌روم و خون خود را به پای درخت اسلام می‌ریزم و او را با خون خود سیراب می‌کنم. مادر اگر سالار شهیدان در کربلا جان داد امروز جوان‌های ایران در کربلای ایران جان می‌دهند و هم‌چون حسین (7) و یاران حسین (7) در خون خود می‌غلطند چون سرور و فرمانده و آموزگار این عزیزان

1- آل‌عمران/169. در اصل وصیت «قوتلو».

حسین (7) است به این خاطر است که این عزیزان با شور و شوق فراوانی که دارند، در شب‌های عملیات از یکدیگر سبقت گرفته و به میدان نبرد می‌تازند و جان خود را فدا می‌کنند و ای مادر از تو می‌خواهم که مرا حلال و مرا ببخشد. و ای مادر عزیزم به حق، حق مادریت را به اسلام ادا کردی، من از تو خیلی راضی هستم. زیرا تو در آخرت در پیش فاطمه زهرا (3) سربلند و روسفید هستی و به شما بشارت می‌دهم، راهی را که پیموده‌ام راه سرورم حسین (7) است و امیدوارم که خداوند از تو راضی باشد و این قربانی را که در راه اسلام و برای اسلام و برای برپایی حق، هدیه کرده‌ای، به درگاه خداوند قبول و مورد رضایت و لطف او باشد. و سخنی با برادرانم: برادران عزیزم، پشتیبان انقلاب و اسلام باشید و از خط امام خارج نشوید و این برادر کوچک خودتان را حلال کنید. و از خواهرانم و همسرم می‌خواهم که مانند زینب (3) این مصیبت را تحمل کنند و صبر داشته باشند که خداوند با صابران است و از فاطمه زهرا (3) درس بگیرند که او بهترین الگو می‌باشد و هر وقت که خواستید برای من گریه کنید برای فرزند زهرا گریه کنید. از برادران و مادرم و خواهرانم و همسرم می‌خواهم هرچند که من در میان شماها نیستم، اما برای من ناراحت نباشید، زیرا من بهترین راه را انتخاب کرده‌ام ولی از شماها می‌خواهم که دخترانم را به نحو احسن تربیت کنید و تحویل جامعه بدهید و با روحیه‌ای عالی و استوار و با ایمانی قوی، خاری باشید در چشم دشمنان اسلام و قرآن، زیرا مرگ امری الهی است و برای همه است ولی چه بهتر از همه، مرگی که در راه خدا و برای رضای او باشد. در پایان از تمامی دوستان و آشنایان و کسانی که مرا به نحوی می‌شناسند تقاضا می‌کنم که مرا حلال کنند و ادامه‌دهندگان راه شهدا باشند.

«والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته»<sup>1</sup>

خدایا خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگه‌دار.

قنبر جم‌زاده

1- در اصل وصیت بخشی از «والسلام علیکم» افتاده است. ضمناً در اصل وصیت «له» است.

(حسنه از وصیای میر محمد حسن عینی)

تاریخ

و السلام علی الرسل و علی آله

و در فاطمین آنروز خدا توفیق سبیل اتم استقامت علی اعیان عند و بهم برزق (م)

(قرآن کریم)

بنا و الم یاسر و فرقت خود استقامت

سلام بر رهبر برکت انقاد بر سلام بر تمام رزندگان که کفر کشیدند اسلام و سلام و درود بر  
بر قاضی المشایخ که آنقدر در حاکمیت فقیه که زنده کنند که برای حسین و با خود که قدر که کفر است  
عبدی بر روی شده از و سلام بر آن که خدا تعالی از سینه ستم ساز که میان نهاد محمد را که هدی  
بنام که کشیده را پاک و عذر قبول کرده از و سلام بر خدا اعظمی چون که اسلام و قرآن را  
زنده کرده اند در این عهد خود و وقت نواز از حدیث گرفته و خود در راه استقامت راه کشیده  
شده اند و سلام و درود خداوند بر او باشد و همه نگاه راه عینی یاد

انکه بود پروردگار کرده می گویم پروردگار من با حقیقت و بار و بار که هر که ایمان می راه را  
و با ایمان بیست و هفتاد این از حق و سار و با کفر بی پایه که در همه بی جا فرزندانی و سلام  
بهم بر خدا و سار و با نفس و کمال کردن دنیا خود این راه را انقیاد که در همه  
بجود و کارگاهها بر با هم در همه سرگشته ایم در گذر و میز او ایام خود دست فرار و  
اندک سخن با ما از گرامیم ای سالار ما من جلاله که در کمال است چنین فرزندان را از  
کودان سر سالها رنج در حمت کشید و تا چنین فرزندان را از حمت و مهر از همه دور  
و که گریه استنداده اند از این حقیر بنده من باید انقیاد کشید که خداست چنین فرزندان را  
زادگان و خدای اسلام و این کذبان خود را نشان بر وقت اسلام کنند بعد اسلام به  
چنین خود نهایی استقامت با او و با این حدیث با بنابر در این استقامت حیل و حیل و با  
که اسلام با این فرزندان یا نیز از همه در همه و خود را این چنین در وقت اسلام  
و او را خود خود استقامت می گویم جلاله که در کمال است چنین فرزندان را از

یا منزه امیران در گردن ایران جان من رهمنده و همپایان حسین و یاران حسین  
 رحمت خود من تلقین چون سرور و خاندان و اکوئیدان این عزیزان حسین است  
 این قاضی است که این عزیزان با همه شور و شوق فراوانی که دارند در شیوهای محلیت  
 ابدی است که فرشته و پیر میدان منور و تازنده و جان خود را فدای کشته و ان مادر از تو  
 خدایم که مرا هدایت و مرا بختی و ان مادر عزیزم محبت حق مادریت را به اسلام ادا کرده  
 چه لذت نهایی این هستم زیرا تو در آخرت در پیش ما خدیو زما را (رحم) سر بلند و در پیش  
 تبه بر شمایا است و هم راهی را که بسودر ام راه سرورم حسین است و امید دارم  
 که او روزی که زاهدی باشد و این قربانی را که در راه اسلام و برای اسلام و برای برپائی حق  
 کردی بر نگاه خداوند قبول و صددر بر خاست و لغت او باشد

در حق ما را بر ما بگردان عزیزم پیشانی انقلاب و اسلام با شکی و از خدا ام خارج  
 تر که بر ما این برابر که یک خودتان را اصلاح کنید و از خدا هر انهم و هر سر من خدایم که ما تبه  
 و تبه (رحم) این صحبت را تحمل کنند و عمر داشته باشند که خداوند با ما باران است و از  
 آنچه هر درسی بگیرد که او بهترین الگو می باشد و هر وقت که خداست بران من گوید که  
 در نزد برادر تو به گنبد و از برادران و کارم و خدا هر انهم و هر سر من خدایم که ما تبه  
 در میان ما با شکی ما بران من تا وقت نباشد در راه و بهترین راه را انتخاب  
 کنیم و در آن سبب ما من خدایم که در قرآن را به نمودن اصلی ترین گنبد و محتوی ما بعد از  
 در میان ما و استوار ما ایمانی خود را خدایم با شکی در حقیقت دشمنان اسلام و قرآن زیرا

یا ایها العبادت و بران هدایت و که هر بهتر از همه من که در راه خدا و بران او باشد  
 یا ایها العبادت و بران هدایت و که هر بهتر از همه من که در راه خدا و بران او باشد  
 یا ایها العبادت و بران هدایت و که هر بهتر از همه من که در راه خدا و بران او باشد  
 یا ایها العبادت و بران هدایت و که هر بهتر از همه من که در راه خدا و بران او باشد

نام: شیرزاد  
نام خانوادگی: جمالی زاده  
نام پدر: پاپا  
نام مادر: سنگینه  
تاریخ تولد: سوم مهر 1343  
محل تولد: روستای شیلاب از توابع  
شهرستان آبدانان  
تحصیلات: اول راهنمایی  
ارگان اعزام کننده: بسیج  
تاریخ شهادت: بیست و سوم اسفند 1366  
محل شهادت: شاخ شمیران عراق  
نحوه شهادت: اصابت ترکش  
مزار: گلزار شهدای زادگاهش



## عبارت‌های کلیدی

- ۱ تا آخرین قطره خون در مقابل دشمنان اسلام و جمهوری اسلامی ایران بجنگیم.
- ۱ من نه تنها برای بهشت جنگ کردم بلکه برای خدا و عزت و شرف خاک و میهن جمهوری اسلامی ایران جنگیدم.

## شیرزاد جمالی‌زاده

### بسم الله الرحمن الرحيم

بنده در عملیات بدر<sup>1</sup> در مورخه 63/12/17 شرکت کردم و با دوستانم عهد بستیم که تا آخرین قطره خون در مقابل دشمنان اسلام و جمهوری اسلامی ایران بجنگیم که همان شب ساعت 1/5 عملیات شروع شد و بنده که از گردان خیبر یک بودم و راننده قایق 150 یاماها<sup>2</sup> بودم و پل شناور تا پاسگاه ترابه وصل کردیم و چندین هزار از دشمنان به هلاکت رسید و چندین هزار به اسارت رزمندگان اسلام درآمد و من نه تنها برای بهشت جنگ کردم بلکه برای خدا و عزت و شرف [و] خاک و میهن جمهوری اسلامی ایران جنگیدم. او نوشته بود که: دست‌های مرا از تابوت بیورید و به مردم نشان دهید و بگویید چیزی از دنیا با خود نبرده است و تنها چند متر کفن با خود برده‌ام و به مادرم بگویید که شیرت را حلالم کن.

همچنین نوشته که: به فامیل‌های من از بزرگ تا کوچک بگویید که دعا‌های کمیل و توسل در مسجدها برگزار کنند. و باز هم آمریکا و شوروی و اسرائیل و صدام بدانند که من هم مانند دوستانم در بهشت هستم.

---

1- ر.ک. تعلیقات.

2- در اصل وصیت «یاماها».

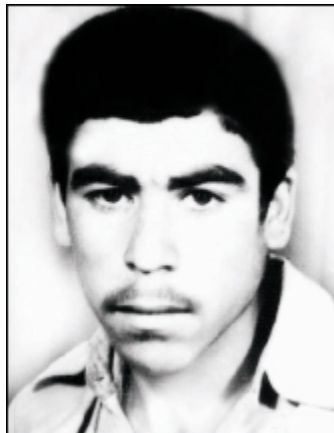
بنده در عملیات بدر در مورخه ۱۷/۱۲/۴۳ شرکت کردم و با دوستانم  
 محمد بیستم که تا آخرین قطره خون در مقابل دشمنان اسلام و سر  
 اسلام ایلام بجنگیدیم که همان شب ساعت ۱۵ عملیات شروع شد  
 و بنده که از گردان غیر تک بودم و با لشکره قالیق ۱۸ ایلام میروم  
 و با لشکر غیر تک با یک تانک و تانک و تانک و چندین هزار از دشمنان  
 به حملات رسید و چندین هزار به اسارت بر زمینمان اسلام  
 در آمد و من نیز با یکی از دوستانم که در آن جنگ کردم یکی از خدای  
 عنایت و شرف فدا شدیم و جمهوری اسلامی ایران خدیویم

نام و نام خانوادگی و امضاء کننده: محمد بیستم  
 نام و نام خانوادگی و امضاء داوی: محمد بیستم

که او نوشته بود که در میان و علا از تابوت بیرون بیایم و بگویم  
 به مردم نشان دهید و بگویم که چیزی از دنیا با خود نبرده  
 است او تمام خدمتگشایی با خود برداشتم و به مادرم بگویم که  
 سیرت را ملاکم کن  
 هر چند نوشته که به فاضلهای من از این بزرگ تا آنجا که بگویم که  
 دعا های قبول و توبه و توبه در مسجدها بر گزار کنند و باز هم  
 اگر کسی و شوروی و سایرین و سلام تا فرزندان من که من هم هانند  
 دوستانم در کتبت استم



نام: محمد  
نام خانوادگی: جندی پور  
نام پدر: ولی  
نام مادر: رقیه  
تاریخ تولد: بیستم اسفند 1349  
محل تولد: روستای سراب باغ از توابع  
شهرستان آبدانان  
تحصیلات: چهارم متوسطه  
ارگان اعزام کننده: بسیج  
تاریخ شهادت: دوم آذر 1366  
محل شهادت: یانه  
نحوه شهادت: اصابت ترکش  
مزار: گلزار شهدای شهرستان زادگاهش



## عبارت‌های کلیدی

- ۱ ای جوانان عزیز، مبادا خدای ناکرده در غفلت بمیرید که علی (7) در محراب عبادت شهید شد.
- ۱ ای مادران عزیز زینب‌وار باشید.
- ۱ از اعزام فرزندان حسین زمانه به جبهه‌های نور علیه ظلمت جلوگیری نکنید.
- ۱ مانند مادر «هوب» باشید موقع [ی] که جسد فرزندش را به او تحویل دادند، جسد را تحویل نگرفت.
- ۱ نگذارید که منافقان در بین شما تفرقه‌اندازی کنند.
- ۱ خون شهیدان درخت تنومند اسلام را آبیاری کرده و می‌کنند.
- ۱ نماز و روزه را به پای دارید که خیر مؤمنین در دنیا از این دو عبادت است.

## محمد جندی پور

### بسم الله الرحمن الرحيم<sup>1</sup>

«آنان که رفتند کاری حسینی کردند و اینان که ماندند [د] باید کاری زینبی کنند و گرنه کافزند.»<sup>2</sup>

از وصایای نبی اکرم (6) به علی (7): یا علی، مؤمن باید هشت<sup>3</sup> خصلت داشته باشد: به هنگام حوادث سخت، در وقت بد شکیبا، به موقع راحتی شکرگزار خدا باشد و بر روزی خدا قانع و بر دشمنان ستم روا نداده و بر دوستان [مزاحم نشود] و خود را برای راحت دیگران به رنج افکند.<sup>4</sup>

ای جوانان عزیز، مبدا خدای ناکرده در غفلت بمیرید که علی (7) در محراب عبادت شهید شد و فرمود اگر با [...] دشمنان و چندین بار تکه پاره شوم، بهتر از اینکه در بستر بیماری بمیرم، و ای مادران عزیز زینب وار باشید و از [...] فرزندان حسین زمانه به جبهه‌های نور علیه ظلمت جلوگیری نکنید. زیرا در روز جزا جواب زینب کبری (3) را [...] داد. زیرا زینب تحمل 72 تن شهید را نمود و مجلس یزید را با خطبه آتشین خود درهم کوبید و مانند مادر «وهب»<sup>8</sup> باشید موقع [ی] که جسد فرزندش را به او تحویل دادند جسد را تحویل نگرفت و فرمود که من [پسرم] را در راه خدا هدیه کرده‌ام و پس نخواهم گرفت.

1- در بالای وصیت آمده است: «قسمتی از وصیت‌نامه پاسدار شهید محمد جندی پور».

2- جمله از دکتر شریعتی است.

3- در اصل وصیت «شش».

4- وصیت نبی اکرم (6) به حضرت علی (7) بدین شرح می‌باشد: «مؤمن باید هشت صفت داشته باشد: وقار در حوادث سخت، صبر به هنگام بلاها، شکر به هنگام گشایش و قناعت به روزی‌ای که خداوند والا داده است، به دشمنان ستم نکند، مزاحم دوستان نشود. تنش به رنج باشد و مردم از او در آسایش باشند».

5- خوانا نیست.

6- خوانا نیست.

7- خوانا نیست.

8- ر.ک. تعلیقات.

و همیشه حرف‌های منافقین<sup>1</sup> را در دهانشان خفه نمایید و نگذارید که منافقان در بین شما تفرقه‌اندازی [کنند] و ای عزیزان و همسفران، سلام مرا به امام امت در جماران برسانید و بگویید که محمد تا آخرین قطر[ه] خونش [جبهه]<sup>2</sup> ترک نخواهد کرد و با خداوندش پیمان بسته است که جانش را در راه اسلام و مسلمین فدا خواهد کرد. و اما پدر عزیزم، تو خود بهتر می‌دانی که خون شهیدان درخت تنومند اسلام را آبیاری کرده و می‌کنند و من [...] <sup>3</sup> خدای متعال قبول کند خون خود را برای این درخت تنومند به ارمغان ببرم تا سایه این درخت جهانگیر شود و مسلمین در همه عالم سرفراز و پرتوان گردند و ای مادرم، بعد از من مواظب برادر کوچکم علی باش و به آقا بگو که شما برادری به اسم محمد داشته‌اید که در راه اسلام هدیه خدا گشته است و تو هم‌اکنون باید سلاح بر زمین افتاده<sup>4</sup> او را بوسیده و بلند کرده و آن را علیه ستمکاران زمانه در سینه کثیفشان هدف گیر [ی]د.

و باز ای مادر و خواهرانم همچون زینب (3) صبور و مقاوم باشید و در برابر توطئه‌های<sup>5</sup> دشمنان اسلام صبر کرده و برای من گریه نکنید زیرا منافقان بر گریه شما شاد می‌شوند و حجابتان را حفظ نمایید که حفظ حجابتان<sup>6</sup> از سرخی خون من بر روی زمین بارزتر است و نماز و روزه را به پای دارید که خیر مؤمنین در دنیا در این دو عبادت است و بار دیگر ای همسفران من سلام مرا به امام امت هادی قلب مؤمنین [برسانید].

«و من الله التوفیق»<sup>7</sup>

خدایا خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگاه‌دار.

1- ر.ک. تعلیقات.

2- خوانا نیست اما به سیاق عبارت باید «جبهه» باشد.

3- خوانا نیست.

4- خوانا نیست به سیاق عبارت باید «زمین افتاده» باشد.

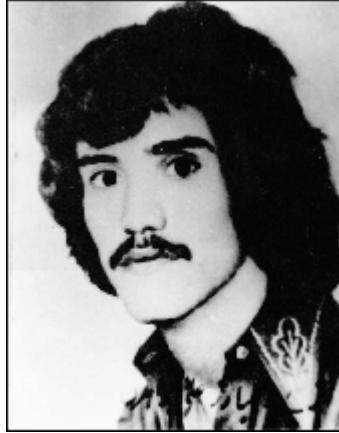
5- در اصل وصیت «طوطئه‌های».

6- خوانا نیست به سیاق عبارت باید «حجابتان» باشد.

7- در انتهای وصیت آمده است: «تاریخ شهادت: 66/9/2، محل شهادت [...] کردستان».



نام: علی  
نام خانوادگی: جواهری  
نام پدر: موسی  
نام مادر: ریحان  
تاریخ تولد: یازدهم فروردین 1335  
محل تولد: بخش ملکشاهی از توابع  
شهرستان مهران  
تحصیلات: پایان دوره ابتدایی  
ارگان اعزام کننده: بسیج  
تاریخ شهادت: نوزدهم بهمن 1359  
محل شهادت: میمک  
نحوه شهادت: اصابت ترکش  
مزار: بخش صالح آباد شهرستان زادگاهش



## عبارت‌های کلیدی

- ۱ | برادرانم هیچ وقت بعد از شهادتم ناراحت نباشید.
- ۱ | شما باید افتخار کنید که برادری را برای اسلام هدیه کرده‌اید.
- ۱ | رهبرم را تنها نگذارید.
- ۱ | از رهنمودهای او اطاعت کنید.
- ۱ | همسرم، فرزندانم را چنان تربیت کن که راه پدرش را که همان راه حق و اسلام است، ادامه دهد و با مستکبران بجنگد و راه انحراف را پیش نگیرد.

## علی جواهری

### بسم الله الرحمن الرحيم<sup>1</sup>

وصیتم به همسرم؛ چنانچه به تو گفته‌ام فرزندانم را چنانکه<sup>2</sup> آرزو داشتیم، تربیت و بزرگ کن. به او بگو که پدرش در اولین ماه پیروزی امت مسلمان ایران چه فعالیت‌هایی که با ضد انقلابیون، این اجیرشدگان استعمار، که نکرده است. ضد انقلابیونی که مردم بی گناه کردستان را زیر آتش گلوله‌ها قرار داده‌اند و چه‌ها که نکردند. چگونه پاسداران جان بر کف را سر بریدند و آخر که با سربازان اسلام چگونه به جنگ با اشغال‌گران به مرزها رفت. همسرم در رابطه با فرزندانم اگر دختر بود زینب و اگر پسر بود منوچهر نام بگذار و چنان او را تربیت کن که راه پدرش را که همان راه حق و اسلام است، ادامه دهد و با مستکبران بجنگد و راه انحراف را پیش نگیرد که راه پدرش و هزاران شهید دیگر را زیر پا بگذارد و به رهبرش خمینی بزرگ و وطنش ایران و به ملتش خیانت کند، که فرزندی داشته باشیم که مایه افتخار و سربلندی ما باشد. مادرم، ای طپش دهنده قلبم، امیدوارم که بعد از شهادتم برایم اشکی نریزی و هیچ‌گونه ناراحتی نداشته باشی. تو شاد باش که فرزندت [را] در راه حق داده‌ای و اما برادرانم هیچ وقت بعد از شهادتم ناراحت نباشید. شما باید افتخار کنید که برادری را برای اسلام هدیه کرده‌اید و با ادامه دادن راهم مرا شاد نمایی خداوند شما را حفظ کند و مرا به آرزویم برساند. رهبرم را تنها نگذارید، از رهنمودهای او اطاعت کنید. به امید پیروزی حق بر باطل.

«السلام علیک [م] و رحمة الله و برکاته»<sup>3</sup>

همسرت علی جواهری

تاریخ 59/11/12

جبهه میمک<sup>4</sup>

1- در بالای وصیت آمده است: «وصیت‌نامه علی جواهری».

2- در اصل وصیت «چنانچه».

3- در اصل وصیت «برکاتو».

4- ر.ک. تعلیقات.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَصِيَّةٌ نَامِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ

وصیت م به همسر م - چنانچه به تو گفته ام فرزندان

را چنانچه آرزو داشتید تربیت و بزرگ <sup>کنید</sup> کنید به او بگو که بدو

در اولین ماه پیروزی امت مسلمان ایران چه فعلی

با <sup>اینها</sup> <sup>چون</sup> <sup>آن</sup> <sup>است</sup> <sup>که</sup> <sup>مردم</sup> <sup>بر</sup> <sup>آن</sup> <sup>تلقین</sup> <sup>کرده</sup> <sup>است</sup> <sup>ضد</sup> <sup>انقلاب</sup> <sup>مستقیم</sup> <sup>که</sup> <sup>مردم</sup>

بی گناه کردستان را ~~بجهد~~ زهر آتش گونه ها قرار داده اند

و چه <sup>که</sup> <sup>نکردند</sup> <sup>بگونه</sup> <sup>یا</sup> <sup>سواران</sup> <sup>جان</sup> <sup>برکف</sup> <sup>لا</sup> <sup>سور</sup> <sup>بر</sup> <sup>بند</sup>

و آخر که با سربازان اسلام چگونه به جنگ با اشتغال

ران به مرزها رفت همسرم در زابطه با فرزندان



اگر دختر بود از نیت و اگر پسر از چهر نام بگذار  
 و چنان او را ~~بیت~~ <sup>بیت</sup> کن راه پدرش <sup>که همان راه</sup> حق و اسلام است  
 ادامه ده و با سنگبران پیچکه و راه انحراف را پیش <sup>د</sup> نبرد  
 که راه پدرش و هزاران شهید دیگر را زیر پا بگذارد و ~~بهر~~  
~~بهر~~ رهبری <sup>برند</sup> جنی و وطنش ایران و به ملتش خیانت کند  
 که فرزندی داشته با نسیم که ما <sup>بیت</sup> افتخار و سربلندی  
 ما <sup>طین</sup> ~~ما~~ ما درم ای <sup>طین</sup> ~~تپش~~ دهنده <sup>طین</sup> ~~طین~~ امیدوارم که بعد از  
 شما دم برایم افسی نریزی و هیچگونه ناراحتی <sup>طین</sup> ~~طین~~ نداشته  
 باشی <sup>طین</sup> ~~طین~~ خوشاد باشی که فرزندان در راه حق <sup>طین</sup> ~~طین~~ ای و



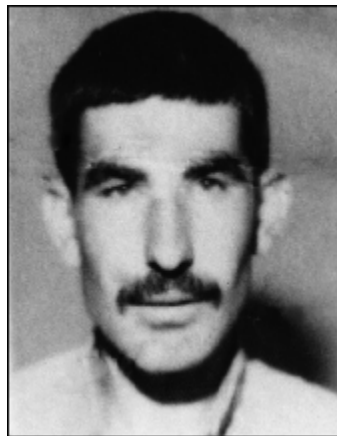
اما برادرانم هیچ وقت بعد از شهادتیم ناراحت نباشید  
شما جایه افتخار کنید که برادری را برای اسلام هدیه  
کرده اید و با ادامه دادنند رانم بر اسلادتائی خداوند شما  
را حفظ کند و مرا به آرزویم برساند. رهبرم را تنها نگذارید  
به رهنمودهای او اطاعت کنید به امید پیروزی حق بر  
باطل. السلام علیک ورحمة الله وبرکاتو

همسرت علی جواهرت

تاریخ ۸۹/۱۱/۱۳

جبهه میمک

نام: ابراهیم  
نام خانوادگی: جهانی  
نام پدر: جعفر  
نام مادر: صاحب  
تاریخ تولد: چهارم خرداد 1345  
محل تولد: روستای باقله از توابع شهرستان  
شیروان و چرداول  
تحصیلات: دوم ابتدایی  
ارگان اعزام کننده: سپاه  
تاریخ شهادت: یکم مرداد 1367  
محل شهادت: میمک  
نحوه شهادت: اصابت ترکش  
مزار: گلزار شهدای روستای سیاه شهرستان  
زادگاهش



## عبارت‌های کلیدی

- ۱ وصیت من به همه آن است که در راه آزادی و استقلال با جان و دل کوشش و فداکاری کنند.
- ۱ امر امام بر همه واجب و لازم است برای دفاع از میهن اسلامی.
- ۱ با چنگ و دندان به متجاوز بتازند به آمریکا و ایادی آن بفهمانند که ایران سربلند است و ایرانی آزاده.
- ۱ ما راهی را انتخاب کرده‌ایم که راه ائمه اطهار سلام الله علیها و امام حسین (7) است.
- ۱ مادران شهدا بدانند فرزندان آنها قربانی راه خط امام حسین (7) شده‌اند.

## ابراهیم جهانی

### بسم الله الرحمن الرحيم

با سلام به پیشگاه آقا امام زمان (عج الله) و نایب برحقش امام امت و امت شهیدپرور. وصیت من به همه آن است که در راه آزادی و استقلال با جان و دل کوشش و فداکاری کنند. امروز که بلاد اسلامی به خصوص مملکت اسلامی ما، که از هر سو مورد تجاوز غارتگران و چپاولگران قرار گرفته، بنا به امر امام بر همه واجب و لازم است برای دفاع از میهن اسلامی با چنگ و دندان به متجاوز بتازند به آمریکا و ایادی آن بفهمانند که ایران سربلند است و ایرانی آزاده.

و نیز به مادرم سفارش می‌کنم که پس از شهادتم نگران من نباشند، چون ما راهی را انتخاب کرده‌ایم که راه ائمه اطهار سلام الله علیها و امام حسین (7) است. مادران شهدا بدانند فرزندان آنها قربانی راه خط امام حسین (7) شده‌اند و آنها در روز قیامت در پیشگاه خدای تبارک و تعالی روسفیدند.

در پایان، از مادرم و همه برادران و خواهرانم حلالیت می‌طلبم و اگر چنانچه در حقشان قصورات نموده‌ام مرا عفو و برایم طلب مغفرت و آمرزش نمایند.

«والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته»

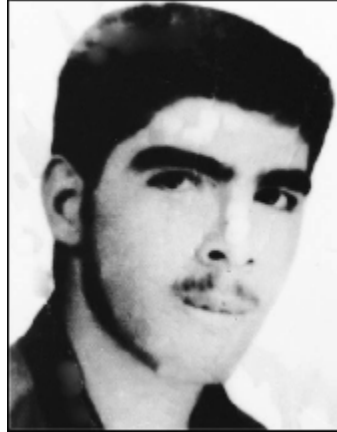


مرکز اسناد ابراهیم کرمان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
 هستی از دست ناله پامدار رسیده املا و قرآن مهیند ابراهیم جهانی  
 با سلاخ بیستگاه آقا اما از ما ریح و نائب برخص اما است و انت صیغی بر  
 دست من به حس آن است که در راه آزادی و استقلال با جان و دل خدمتی  
 در داری کند . امروز که بلاد املائی ظهوری مملکت املائی ما که از هر سو  
 مورد تجاوز غارتگران و چپاولگران قرار گرفته باید ابر اما بر همه واجب و لازم  
 است برای دفاع از مین املائی با حکم و دندانی به به ستان باز در دست  
 و ایادی آن نهادند که ایران بیلد است و ایرانی آزاده  
 دیندار مادم مسافری می کنم که بی از نشاد تم نندان می باشد چون ما راهی را  
 انتخاب کرده ایم که راه الله الهی سلام الله علیها و آلهما و سلم است  
 ما را مهلا بدانند فرزندان آنها در طایفه راه رخص اما حسین ریح شده اند و آنها در  
 روز قیامت در هیئتگاه خدای تبارک و تعالی رو مضیدند .  
 در پایان از ما هم ره برادر و خواهرانه خلالت می طلبم و اگر جیبی درختا قدرت  
 ندویم ما حق و برافم طلب بقصدی و آرزوی ما میند  
 والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

1357/71

نام: ناصر  
نام خانوادگی: جهانی  
نام پدر: هادی  
نام مادر: شریتی  
تاریخ تولد: یکم تیر 1347  
محل تولد: روستای صیدنظری از توابع  
شهرستان شیروان و چرداول  
تحصیلات: اول راهنمایی  
ارگان اعزام کننده: سپاه  
تاریخ شهادت: دوم آذر 1366  
محل شهادت: گره شیر مهران  
نحوه شهادت: اصابت ترکش  
مزار: گلزار شهدای امامزاده پیرحمزه  
شهرستان زادگاهش



## عبارت های کلیدی

- ا شهادت برایم یک سعادت است.
- ا مواظب باشید که خون این همه شهیدی را که در راه اسلام ریخته شد زیر پا نگذارید.
- ا با وحدت و یکپارچگی خود پوزه مستکبران را به خاک بمالید.
- ا وصیت من به شما این است که نماز را به پای دارید.
- ا همیشه به یاد خدا باشید.
- ا کارهایتان را فقط و فقط برای خدا انجام دهید.
- ا قرآن را بخوانید.
- ا کارهای مستحبی انجام دهید.
- ا همیشه در نماز جمعه و دعای کمیل و جلسات مذهبی شرکت کنید.
- ا ای خواهر این را بدان که حجاب تو کوبنده تر از خون من است.
- ا رادمردانی که تا بحال از دست ما رفته و شهید شده اند همه اش برای رضایت ایزد متعال و حفظ شعائر اسلام بوده است.
- ا تزکیه مقدم بر همه چیز است.

## ناصر جهانی

### بسم الله الرحمن الرحيم


آنقدر به جبهه می‌روم و می‌جنگم تا شهید شوم. قسم به آنکه جانم در دست اوست و هستی و نیستیم را در راه اطاعت از فرامین او فدا می‌کنم و شهادت برایش یک سعادت است. خواهران و برادران عزیز مواظب باشید که خون این همه شهیدی را که در راه اسلام ریخته شد زیر پا نگذارید و با وحدت و یکپارچگی خود پوزه مستکبران را به خاک بمالید. وصیت من به شما این است که نماز را به پای دارید و همیشه به یاد خدا باشید و کارهایتان را فقط و فقط برای خدا انجام دهید و در همه حال خدا را مد نظر قرار دهید قرآن را بخوانید و کارهای مستحبی انجام دهید و همیشه در نماز جمعه و دعای کمیل و جلسات مذهبی شرکت کنید و دست از حمایت<sup>1</sup> از روحانیت برندارید و از آنها پشتیبانی کنید و تو ای خواهر این را بدان که حجاب تو کوبنده تر از خون من است این همه رادمردانی که تا بحال از دست ما رفته و شهید شده‌اند همه اش برای رضایت ایزد متعال و حفظ شعائر اسلام بوده است پس سعی کن شعائر اسلامی را حفظ کنی و تو ای دانش آموز عزیزم در سنگر مدرسه کوشش کن تا این مملکت را از زیر یوغ استعمار بیرون آورده و خود کفا سازید و بدان که تزکیه مقدم بر همه چیز است میزان فعالیت‌های خود را در ارگان‌های انقلابی زیاد کنید و خلاصه و به هر طریق ممکن، خدا را از خود راضی سازید و جلسات قرآن را رها نسازید و عمر را به باد فنا نسپارید.

بیشتر از این حرفی ندارم قربان شما.


«من الله التوفيق وهو المستعان»

جانثار ناصر جهانی

64/12/5



ای مازان با وفای من طبع و شرف، نعمت و نعمت  
 مومن و ماعوضی دنیا جز عوای گران و نطفه آور نیست.  
 امام حسن (ع)



مرکز اسناد و ایثارگران  
 و وصیت‌نامه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

110

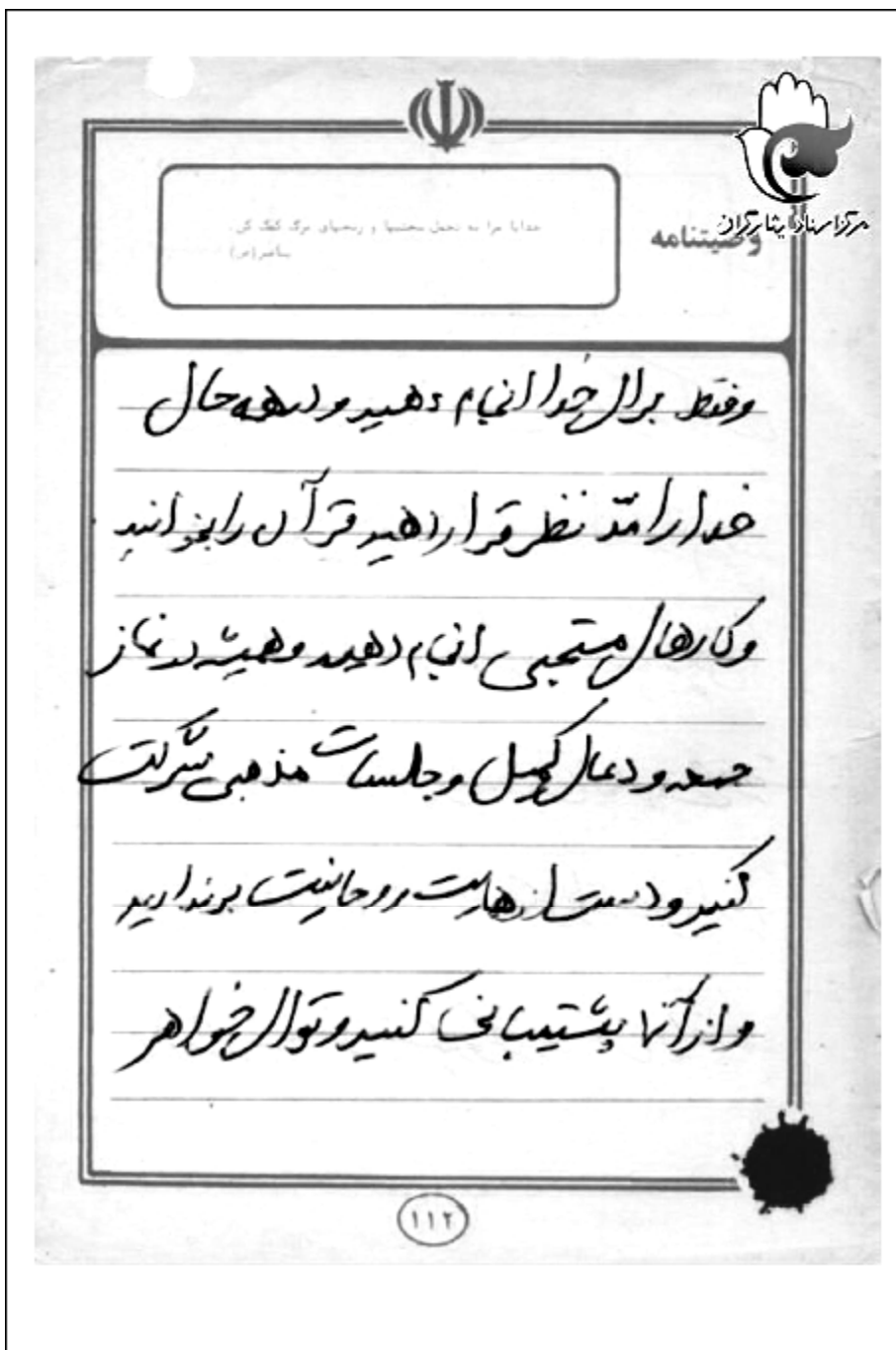


مرکز اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

سخت نویسی بر پوست و اجود - امام باقر (ع)

و برادران عزیز در اطب به سید کتوبه  
 این همه سید را که در راه اندام برین  
 شد زیر پا گذارید و به خودت و یکدیگر چلی  
 خود پیروزه مستوران را به خاک بکاید و حسرت  
 من به سزا این است که ما ز را به پی می دارید  
 و هر که به بیاد خدا بماند و کارها بماند و اضعاف



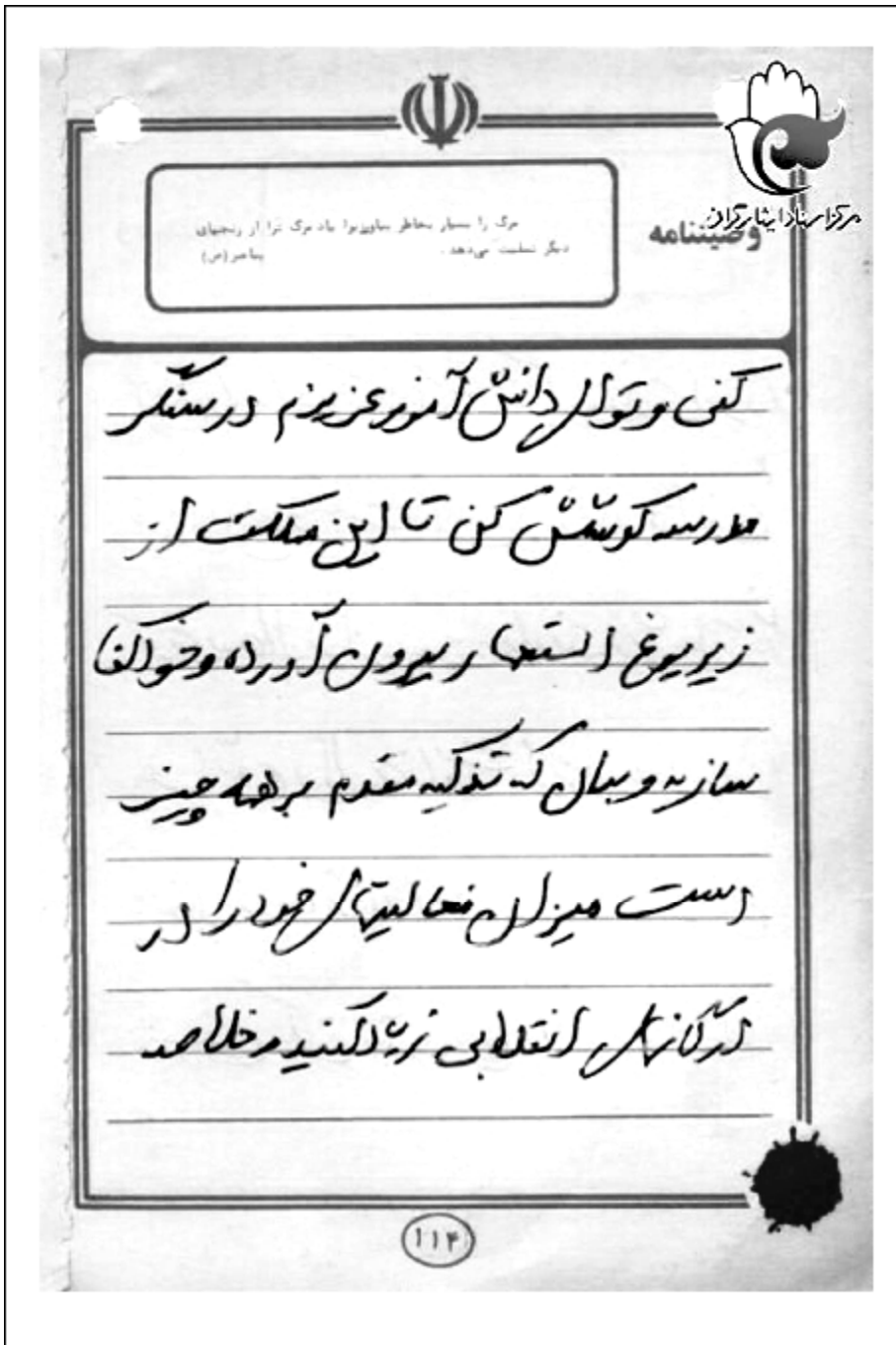




مرکز اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

معاذ جان نظمی از تو می‌خواهم که به جاد استن  
دانه باشد و بختی تو بر ما دهد و بختی تو نماند کند  
بیاثر (ص)

این را بدان که حجاب تو گویند تو را  
خون من است این همه را در دانی  
که به حال از دست ما رفت و سید شده  
هستی بر آن ضایع از درد من جان و  
حفظ سحائر آدم بوده است پس  
سعی کن سحائر آدمی را حفظ





مرکز اسناد و کتابخانه ملی

خورشید برای اهل آستان باشد خورشیدان آستان برای  
اهل ریس - نور درخشد  
(امامعلی و اوج)

و بر هر طریق ممکن فدا را از خود راضی

سازید و جلساتی قرآن را راهتان سازید

و عمر را به یاد فغان نسبی و میریز

بیشتر از این حرفی نماند فرمایید

بانتشار کتاب

من الله المستعان

۱۳۷۵/۳/۲۵

دکتر دستگیر ۳۰۹۶۵  
۶۶ / ۶  
۱۰۱۵  
دکتر

نام: احمد  
نام خانوادگی: جهشی  
نام پدر: نورعلی  
نام مادر: سکینه  
تاریخ تولد: نهم فروردین 1340  
محل تولد: روستای باولگ از توابع  
شهرستان مهران  
تحصیلات: پایان دوره ابتدایی  
ارگان اعزام کننده: سپاه  
تاریخ شهادت: هفدهم بهمن 1366  
محل شهادت: قلاویزان  
نحوه شهادت: اصابت ترکش  
مزار: امامزاده پیرمحمد شهرستان زادگاهش



## عبارت‌های کلیدی

- ۱ من تنها چیزی که می‌خواهم فقط قرآن برایم بخوانید، هیچ چیز دیگری لازم ندارم.
- ۱ من شهید درگاه خدا در راه اسلام می‌شوم.
- ۱ از شما دختر جان می‌خواهم همچون دختری نمونه مثل فاطمه (3) باشید.
- ۱ در این دنیا دنبال هیچ‌گونه خلاف [و] غیر اسلامی نروید.
- ۱ همیشه صالح باشید.
- ۱ از برادران می‌خواهم که همیشه کارهای نیک مثل روزه، نماز و زکات و خمس و سایر کارهای اسلامی انجام دهید زیرا خدا جای حق است.

## احمد جهشی

### بسم الله الرحمن الرحيم

این وصیت‌نامه از برادر یار احمد جهشی در مورخه 66/10/17 است [...] <sup>1</sup> وصیت‌نامه لازم به یادآوری است که من تنها چیزی که می‌خواهم فقط سوره قرآن برایم بخوانید دیگر هیچ چیز دیگری لازم ندارم. مادر جان از شما می‌خواهم اگر من شهید شدم برای من [...] <sup>2</sup> به صورت نزنید فقط اگر ناراحت شدید به سینه خود بزنید.

به نام الله پاسدار حرمت خون شهیدان عزیز کربلا.

«وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قَاتَلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرَوِّقُونَ»<sup>3</sup>

به نام خداوند بخشنده مهربان و به نام خدایی که ما را آفرید و به نام کسی که ما را می‌برد که آن خداست. اینجانب برادر یار احمد جهشی می‌باشم که هیچ‌کس چیزی در نزد بنده ندارد از لحاظ پولی. پدر و مادر گرامی، چنانچه من شهید شدم، برای من ناراحت نباشید چون که من شهید درگاه خدا در راه در راه اسلام می‌شوم زیرا خدا ما را داده و ما را می‌برد و کسی نمی‌تواند چیزی بگوید. از خواهران مهربانم و برادران گرامی ام می‌خواهم که هیچ‌گونه ناراحتی برای من نداشته باشند. از اقوام<sup>4</sup> و خویشاوندان و رفیقان می‌خواهم که همیشه یاد من بکنند و من از یادشان نروم و اما دخترم مرضیه برای پدرت ناراحت نباشید و از شما دختر جان می‌خواهم همچون دختری نمونه مثل فاطمه (3) باشید و در این دنیا هیچ‌گونه خلاف غیر اسلامی نروید و همیشه صالح باشید و از برادران می‌خواهم که همیشه کارهای نیک مثل روزه، نماز و زکات و خمس و سایر کارهای اسلامی انجام دهید، زیرا خدا جای حق است یار و یاور شما باشد. انشاءالله

1- خوانا نیست.

2- خوانا نیست.

3- آل عمران/ 169. «لبته نپندارید که شهیدان راه خدا مرده‌اند، بلکه زنده‌اند و در نزد خدا متعمم خواهند بود».

4- در اصل وصیت «قومان».

## پکار و ملکوت

این وصیت‌نامه را بطوریکه در پیش از این  
است و در صورتیکه لازم باشد که در  
توسعه و گسترش آن اقدام فرمایید و هر  
گاه که لازم باشد در آن اقدام فرمایید  
و هرگاه که لازم باشد در آن اقدام فرمایید  
و هرگاه که لازم باشد در آن اقدام فرمایید  
و هرگاه که لازم باشد در آن اقدام فرمایید

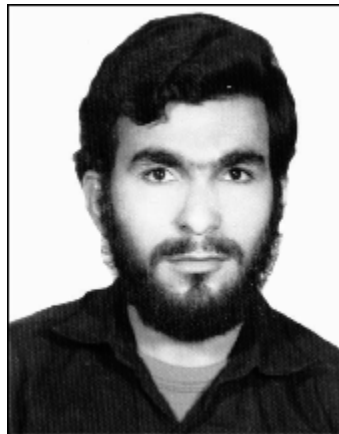


این تصویر به نام «سجده» در کتاب «توسعه و گسترش» درج شده است.





نام: رابع  
نام خانوادگی: جیواد  
نام پدر: مهدی  
نام مادر: فضیله  
تاریخ تولد: ششم خرداد 1340  
محل تولد: کشور عراق  
تحصیلات: دوم متوسطه  
ارگان اعزام کننده: بسیج  
تاریخ شهادت: نوزدهم اسفند 1364  
محل شهادت: اروند رود  
نحوه شهادت: اصابت ترکش  
مزار: بخش صالح آباد از توابع شهرستان مهران



## عبارت‌های کلیدی

- ۱ جنگ حق و باطل آغازش از خلقت انسان شروع شده (از جنگ هابیل و قابیل) و ادامه و پایان آن نیز معلوم است (تا روز قیامت).
- ۱ مرگم را در این راه جز سعادت و نجات از اسارت‌های گوناگون این دنیا نمی‌دانم.
- ۱ اگر خدا با عدلش با ما رفتار کند حتی انبیا نیز راهی برای نجات نداشتند.
- ۱ تمام ما حتی انبیا نیز به شفاعت خاتم آنان محمد (ص) و آل محمد (ع) نیازمندند.
- ۱ تنها و تنها امیدم به فضل پروردگارم و شفاعت محمد و آل محمد (ع) می‌باشد.
- ۱ این را بدانید که من با مرگم به آرزویم رسیده‌ام.
- ۱ به امید برپا شدن حکومت عدل الهی به دست مولایم مهدی صاحب‌الزمان (عج‌الله).
- ۱ من در آمدنم به جبهه جز رضای او را نخواستم و نخواهم خواست.

## رابع جیواد

### بسم الله الرحمن الرحيم<sup>1</sup>

با درود و سلام بیکران بر تنها منجی عالم بشریت مهدی موعود (عج الله) و نایب برحقش امام خمینی و سلام به روحانیت مبارز در خط او و سلام به ارواح طیبه تمام شهدا از صدر اسلام و کربلای حسین (7) تا کربلاهای خونین ایران و آرزوی پیروزی نهایی برای رزمندگان اسلام و آرزوی شفای عاجل مجروحین و جانبازان این انقلاب شکوهمند اسلام سخن را آغاز می‌کنم. سخن از جنگ حق و باطل این سخن آغازش از خلقت انسان شروع شده (از جنگ هابیل<sup>2</sup> و قابیل<sup>3</sup>) و ادامه و پایان آن نیز معلوم است (تا روز قیامت) و این مساله ای است که برای همه مشخص بوده که کدام حق و کدام باطل بود یا لااقل برای هر انسان با وجدان، انبیاء و اوصیاء نیز این راه را نشان داده‌اند به خصوص این راه برای ما در این عصر از زمان واضح و واضح تر گشته و این راهی است که خاتم انبیا محمد (6) و علی و حسن و حسین (7) تا غایب و منتظر آنان که ما تابع آن هستیم به وضوح برای ما نشان داده‌اند و به حمدالله ما به این راه هدایت شدیم «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ...»<sup>4</sup> البته بنده به این حقارتی که دارم نمی‌توانم شکر این نعمت بزرگ را به جا آورم و این را مطمئن هستم که اگر تمام شب‌ها و روزها را به عبادت مشغول باشم شکر یک نعمت از نعمت‌های خدا را نمی‌توانم به جا بیا [و] ارم و اما این راهی را که انتخاب کرده‌ام تا جایی که یادم می‌آید<sup>5</sup> از همان دوران کودکی در خود شوری احساس می‌کردم که آن شور و غوغا با مراسم حسین (7) از همان اوان کم کم بزرگ شد تا انقلاب شکوهمند ایران در سال 57 به پیروزی رسید که با پیروزی انقلاب عشقی که

1- در بالای وصیت آمده است: وصیت‌نامه «رابع جی واد».

2- ر.ک. تعلیقات.

3- ر.ک. تعلیقات.

4- بخشی از آیه 43 سوره اعراف. «ستایش خدای را که ما را بر این مقام راهنمایی کرد و اگر هدایت و لطف الهی نبود ما به خود به این مقام راه نمی‌یافتیم».

5- در اصل وصیت «میاد».

داشتم شدت گرفت و بعد از آنکه ابرقدرت‌ها این جنگ را بر ما تحمیل کردند، این عشق شکوفه زد و مرا به میدان جنگ با باطل کشاند و این را برادران و خواهران بدانند که من در آمدنم به جبهه جز رضای او را نخواستم و نخواهم خواست و این را می‌دانم که راهی را که انتخاب نمودم راه پر پیچ و خمی است و اگر نظر لطف خدا نباشد، هر آن ممکن بود به گمراهی بیفتم و اما مرگم را در این راه جز سعادت و نجات از اسارت‌های گوناگون این دنیا نمی‌دانم. البته ناگفته نماند که من امیدی به اعمال خود ندارم و نخواهم داشت مگر به لطف و عنایت خدا و شفاعت محمد (6) و آل او و این را خوب می‌دانم که اگر خدا با عدلش با ما رفتار کند حتی انبیا نیز راهی برای نجات نداشتند و این را نیز خوب می‌دانم که تمام ما حتی انبیا نیز به شفاعت خاتم آنان محمد (6) و آل محمد (6) نیازمندند و اما در خاتمه کلام تنها و تنها امیدم به فضل پروردگارم و شفاعت محمد (6) و آل محمد می‌باشد و انشاءالله که ما را جزء نجات‌یافتگان قرار بدهد. انشاءالله.

سخنی با پدر و مادر: پدر و مادر عزیزم، این را می‌دانم که شما با چه خون<sup>1</sup> جگر خوردن‌ها مرا بزرگ کردید و بدین جا رساندید و این را نیز می‌دانم که من هرگز نتوانستم [جبران]<sup>2</sup> یک محبت از محبت‌های شما در زندگی ام جبران کنم و جز اذیت برایتان چیزی نداشتم خلاصه از شما شرمنده ام و از شما طلب آمرزش و حلالیت<sup>3</sup> دارم که مرا ببخشید و [از] ازدست‌دادن من زیاد ناراحت نباشید و اگر خواستید بر من گریه کنید، اول صحنه کربلای مولایم حسین (7) را به یاد بیاورید و آن‌گاه هر قدر که دلتان می‌خواهد گریه کنید و این را بدانید که من با مرگم به آرزویم رسیده‌ام.

اما هیچ‌کس از من طلب مالی و جنسی ندارد و مقدار پولی که دارم برای خرج امر خیر برادرم صالح خرج گردد. امیدوارم آن [را] زیاد به تاخیر نیندازد.

«والسلام علی من اتبع الهدی»

1- در اصل وصیت «و» اضافه است و حذف شده.

2- در اصل وصیت جبران تکرار شده و چنین آمده «هرگز نتوانستم جبران یک محبت از محبت‌های شما در زندگی ام جبران کنم».

3- در اصل وصیت «حلیت».

در خاتمه، از تمام دوستان و آشنایان و خلاصه هر کس که از این حقیر بدی دیده امیدوارم که به بزرگی خودشان ببخشند تا که شاید باری از گناهانم با این کارشان بردارند و بارم را سبک گردانند.

به امید پیروزی هر چه زودتر رزمندگان اسلام و فتح کربلا و قدس<sup>1</sup> و پیروزی حق بر باطل، در تمام جهان و به امید برپا شدن حکومت عدل الهی به دست مولایم مهدی صاحب الزمان (عج الله).

مدتی بی حرمتی بسیار شد	این زمان از خواب، دل بیدار شد
محو کن بی حرمتی های مرا	عفو کن دون همتی های مرا
ای عطا از تو، خطا بر ما نگیر	ای وفا از تو، جفا بر ما نگیر
آید از ما آنچه آید از لئیم	تو بکن نیز آنچه آید از کریم

«و نصر من الله»



نام: جعفر  
نام خانوادگی: چراغی  
نام پدر: یافر  
نام مادر: سیما  
تاریخ تولد: 1344  
محل تولد: روستای پارده از توابع شهرستان ایلام  
تحصیلات: سوم ابتدایی  
ارگان اعزام کننده: بسیج  
تاریخ شهادت: هفدهم مرداد 1362  
محل شهادت: مهران  
نحوه شهادت: اصابت ترکش  
مزار: روستای حاج بختیار شهرستان زادگاهش



## عبارت‌های کلیدی

- ۱ ما باید به فرمان امامان لبیک گفته و آنرا تنها نگذاریم. کو سعادتى که شهادت را نصیب من گرداند.
- ۱ هر لحظه مرگ و شهادت در چند قدمی و چند وجبی ماست.
- ۱ بنده هم عاشق شهادت شده‌ام.
- ۱ خیلی غیرت و شجاعت جبهه آمدن را ندارند.
- ۱ تا وقتی شهرهایی چون گیلان غرب، قصرشیرین و شهر عزیز خودم سوسنگرد [در اختیار دشمن است] مگر می شود جبهه را خالی گذاشت.

## جعفر چراغی

### بسم الله الرحمن الرحيم

به حضور برادر ارجمندم جناب قادر چراغی و پدر بزرگوام باقر چراغی و مادر مهربانم و از جان و دل عزیزترم آنکه مرا با همه سختی‌های زندگی نه 9 ماه چند روز در جوار قلب خود جای داد و مرا سال‌ها با شیر پستان خود تغذیه نمود و بطور خلاصه بگویم من حقیر<sup>1</sup> را به این جا رسانید آن مادری که هر لحظه خواب شهادت من بسیجی را می‌بیند و از خواب می‌پرد و از این و آن سؤال می‌کند، می‌دانم که احوال این جگر گوشه ناچیز را می‌پرسد.

و به خواهران عزیزم سلام عرض می‌کنم سلامی که از دشت گرم و سوزان مهران<sup>2</sup> در میان دود و آتش و خاک و خون پاسداران عزیز و سربازان بزرگ و بسیجیان جان بر کف جبهه حق علیه باطل روانه می‌کنیم، امید است که پذیرا باشید.<sup>3</sup>

برادر جان از اینکه روزی که به مرخصی آمده بودم و قول جنابعالی را [گوش] نگرفتم شما به بنده گفתי که جعفر تو دیگر دین خودت را ادا نموده‌اید، دیگر به جبهه نرو من از فرمان تو برادر، سرپیچی نمودم. برادر<sup>4</sup> جبهه و جنگ حال و هوای دیگری برای من دارد و من به تفنگ و عملیات مغرورم و [به] دشمن کشی انس گرفته‌ام و نمی‌دانم به‌زودی از جنگ دست بکشم. تو کم‌تر می‌دانی برادر<sup>5</sup> من کسانی را از دست داده‌ام که از شما پدر و مادر و همه کس و همه چیز برای من مهمتر بوده‌اند. برادر من هم از شما کمی دلخور شدم چون به من این جمله را گفתי تو گفתי دیگر بس است به جبهه نرو آخر مگر می‌شود

1- در نسخه تاپی بنیاد شهید «حقیر».

2- ر.ک. تعلیقات.

3- در نسخه تاپی بنیاد شهید «باشین».

4- در نسخه تاپی بنیاد شهید «بردار».

5- در نسخه تاپی بنیاد شهید «بردرم».

جبهه را خالی گذاشت؟ برادر قصرشیرین<sup>1</sup> گیلان غرب<sup>2</sup> و شهر عزیز خودم سوسنگرد<sup>3</sup> و هویزه<sup>4</sup> یادت رفته است.

زنان، دختران و کودکان بی گناه این شهرها چه گناهی داشتند؟ و چرا حق آنها را نگیریم و اگر بنده [و] شما و امثال ماها نباشیم و با آنها بجنگیم مسلماً<sup>5</sup> با<sup>6</sup> شهر ایلام همه این کار[ها را] می کنند. بنابراین چرا باید من پشت خط باشم. در ضمن قادر جان خود چند ماهی در جبهه بودی، آیا بجز فقرا کسی دیگر را [در] جبهه مشاهده نمودی؟ به خدا قسم برادر، مدت چند سال است خودم در تمام خطهای غرب<sup>7</sup> بوده ام، بجز ما مستضعفان و حامیان امام امت<sup>8</sup> خمینی بزرگ، شاید یکی از عیاشان و مستکبران به جبهه نیامده اند و آنها نیز خود فروشانی<sup>9</sup> هستند که آب از سرشان گذشته و غیرت و شهامت و شجاعت جبهه آمدن را نداشته و ندارند. پس ما باید به فرمان امامان لیبک گفته و آنها تنها نگذاریم. و این چند کلمه را چون خودم سواد خاصی ندارم و توسط یکی از بسیجیان هم سنگرم بنام برادر علی بسطامی در ورقی به عنوان وصیت برایتان نوشتم «بر هر کسی واجب [است] که از خانه بیرون [وی]<sup>10</sup> می رود تمام وصیت خود را بنویسد» [ما که] هر لحظه مرگ و شهادت در چند قدمی و چند وجبی ماست. اما کو<sup>11</sup> سعادتی که شهادت را نصیب من گرداند. برادرم یکی عاشق جبهه و جنگ است، بنده هم عاشق شهادت شده ام.

1- ر.ک. تعلیقات.

2- ر.ک. تعلیقات.

3- ر.ک. تعلیقات.

4- ر.ک. تعلیقات.

5- در نسخه تایی بنیاد شهید «ثلماً».

6- در نسخه تایی بنیاد شهید «با».

7- خطهای غرب یعنی جبهه و مناطق غرب کشور.

8- در نسخه تایی بنیاد شهید «است».

9- در نسخه تایی بنیاد شهید «فردشانی».

10- اشاره دارد به این حدیث «انه لاینبی ان یبعث الا وصیة تحت رأسه» (بحارالانوار، باب 1، فضل الوصیة و آدابها).

11- در نسخه تایی بنیاد شهید «تو».



به هر حال برادر جان این چند جمله را به عنوان وصیت به حضورتان می‌نویسم<sup>1</sup> امید  
است راه حق را<sup>2</sup> همیشه بپیمایید.<sup>3</sup>

برادر حقیرت چراغی

---

1- در نسخه تاپی بنیاد شهید «می‌نوشتم».

2- در نسخه تاپی بنیاد شهید «ره».

3- در نسخه تاپی بنیاد شهید «بپیماید».

نام: امیر  
نام خانوادگی: چماچم  
نام پدر: ابراهیم  
نام مادر: طاوس  
تاریخ تولد: یکم مهر 1348  
محل تولد: روستای بلوطستان از توابع  
شهرستان مهران  
تحصیلات: دیپلم  
ارگان اعزام کننده: سپاه  
تاریخ شهادت: یکم مرداد 1367  
محل شهادت: میمک  
نحوه شهادت: اصابت گلوله  
مزار: گلزار شهدای بخش صالح آباد  
شهرستان زادگاهش



## عبارت های کلیدی

- ا چرا در راه خدا نمی جنگید و ساکتید در حالی که ضعفا، زن و مرد اطفال ناتوان در شهرها، اسیر کفارند.
- ا با آغوش باز به استقبال شهادت می روم.
- ا شهادت دعوتی است به تمام هدایت شدگان در راه خدا.
- ا می روم به جبهه برای پیروزی حق و اگر در این راه شهادت بال هایش را گشود و مرا همراه خود به پرواز درآورد، چه خوب و نیکوست.
- ا رفته ام با کفر مبارزه کنم و بکشم کافران را.
- ا امام عزیزمان فرموده اند: «اگر بکشیم یا کشته شویم پیروزیم».
- ا هنگامی که من شهید شدم از هرگونه گریه و زاری بپرهیزید.
- ا دیدم امروز اسلام به ماها احتیاج دارد من هم وظیفه دانستم به جبهه بروم.

## امیر چماچم

### بسم الله الرحمن الرحيم

وقتی که تو آمدی به دنیا عریان<sup>1</sup> جمعی به تو خندان و تو بودی گریان  
کاری کن که وقت رفتن، ای دوست<sup>2</sup> جمعی به تو گریان و تو باشی خندان

گمان نکنید آنان که در راه خدا جهاد کردند کشته شدند مرده‌اند، بلکه آنان زنده‌اند و نزد خدایشان روزی می‌خورند. (قرآن مجید سوره آل‌عمران، آیه 169)<sup>3</sup>  
«إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ»<sup>4</sup> «بازگشت همه به سوی خداست» و چه بهتر که انسان در میدان جهاد کشته شود نه در بستر زندگی.

با عرض سلام به ساحت مقدس ولی عصر امام زمان روحی و ارواح العالمین له الفداء و درود بر منجی انسانیت مهدی موعود و سلام بر حسین (7) و سلام بر امام امت خمینی عزیز و محبوب و درود فراوان بر شهیدان صدر اسلام از هابیل<sup>5</sup> تا حسین (7) و از حسین (7) تا کربلای ایران.

چطور نمی‌جنگید در راه خدا و ساکت می‌نشینید در حالیکه ضعفا، زن و مرد و اطفال ناتوان در شهرها اسیر کفارند و دائم می‌گویند خداوند ما را از شر دشمنان اسلام حفظ بفرما و فریاد می‌زدند و مرتباً می‌گویند بارالها از جانب خود برای ما یار و یاور بفرست و واقعاً ما باید درس عبرت بگیریم و با یک دست قرآن و با دست دیگر سلاح و به سوی جبهه‌ها مردانه و جانانه بشتابیم و تا سلاح شهادت همراه ماست پیروزیم. با نوشتن این وصیت‌نامه کوچک و جزئی با دشمن کفار و مزدور اتمام حجت می‌کنم و با آغوش باز به استقبال شهادت می‌روم و شهادت دعوتی است به تمام هدایت شدگان در راه خدا، اما تو

1- در اصل وصیت «آمدی به دنیا بودی عریان».

2- در اصل وصیت «حالا ای دوست هنگام مردن کاری کن».

3- در اصل وصیت شماره آیه وجود ندارد.

4- بخشی از آیه 156 سوره بقره.

5- ر.ک. تعلیقات.

ای پدرم و برادر و خواهرم و همسرم امیدوارم که با شنیدن خبر شهادت من افتخار کنید. باری پدر من می‌روم به جبهه برای پیروزی حق و اگر در این راه شهادت بال‌هایش را گشود و مرا به همراه خود به پرواز درآورد چه خوب و نیکوست. مادر که ندارم اما شما پدرم از اینکه فرزندی را به پیشگاه خداوند تقدیم داشتی رنجور و غمگین مباش بلکه شاد و مسرور باش و پدر عزیز و گرامیم متأسف و نگرانم و پریشان‌حالم از اینکه حقوق شما را آنچنان که خدا بر دوش من قرار داده بود نتوانستم انجام دهم مرا ببخشید. من این راه را انتخاب کرده‌ام که چشم انتظار من نباشید چون نرفته‌ام که زنده برگردم و رفته‌ام با کفر مبارزه کنم و بکشم کافران را و اگر نتوانستم من را بکشند چنانچه امام عزیزمان فرموده‌اند: «اگر بکشیم یا کشته شویم پیروزیم»<sup>1</sup> ما همه به این کلمه امام لبیک گفته و تا آخرین قطره خونی که در رگ داریم می‌جنگیم. و بنده تا انتقام خون عزیزان و شهیدانمان و تا آخرین نفس که دارم در راه خدا می‌جنگم و هنگامی که شهید شدم از هرگونه گریه و زاری بپرهیزید زیرا شما فرزندی را به اسلام و قرآن هدیه نموده‌ای و هدیه نمودن گریه و زاری ندارد آن هم در راه خدا، زیرا هر قطره اشکی که از چشمان شما بریزد دشمنان اسلام را شاد می‌کند پس گریستن در این مورد امری ناشایسته است. از اینکه من شهید شده‌ام شاد و شادمان باشید زیرا در آن جهان ابدی سربلند خواهید بود.

و اما چند کلمه با همسرم: شما بر گردن من زیاد حق دارید ولی بنده چون فکر کردم دیدم که اسلام امروز احتیاج به ماها دارد من هم وظیفه دانستم به جبهه بروم و اگر خدا قبول کند خدمتی کرده باشم و شما برای من ناراحت و نگران نباشید زیرا هدف من خدا می‌باشد و در راه خدا هر کس کشته شود باید نگران نشد و امیدوارم بعد از شهادت من گریه و زاری نکنید و نگهداری کامل از فرزندانم بنمائید. در پایان سلام مرا به همسایگان و اقوام<sup>2</sup> و دوستان برسانید. و اگر شهید شدم و جسد من به دست شما رسید جنازه‌ام را در جلوی خانه چند لحظه‌ای زمین بگذارید تا دوستان و آشنایان بر من فاتحه‌ای بخوانند و

1- جمله امام خمینی «چه کشته شویم و چه بکشیم حق با ماست، ما اگر کشته هم شویم در راه حق کشته شویم، پیروزی است و اگر بکشیم هم در راه حق است، پیروزی است». (صحیفه امام، ج 4، ص 492).

2- در اصل وصیت «قومان».

آنانکه از شهادت می‌ترسند بدانند که آخرش مردن است و چه بهتر که در راه خدا و دین کشته شویم و امیدوارم که تابوت جسد مرا باز نمائید تا دنیاخواهان بدانند هیچ از این دنیا نبرده‌ام و آنان هم نخواهند برد و بهتر است که به یاد آخرت باشید چون این دنیا محل آزمایش و امتحان است و آن دنیا محل حساب پس دادن.

در پایان از همه کسانی که با بنده آشنایی دارند می‌خواهم که مرا به بزرگواری خودشان ببخشند زیرا فرصت آن را نداشتم که بمانم و با آنها خداحافظی کنم و امیدوارم که پیرو خط امام باشید و امام را دعا کنید و خواهشمندم که این وصیت‌نامه را بخوانید و به دیگران بدهید. دیدار ما و شما در جهان ابدی.

الحقیر امیر چماچم

تاریخ 65/9/10



بیت  
لمن اراد صریحاً ما بعد با روزه بخورد یا صریحاً چه

دری و زیاده تو بود که عریان  
همی بر خندان تو بودی گریان

دادا پشاوران  
حالا ای صفت هم نام درن نامی کنی... کی میهمی با تو گریه ای و کوب با شما خندان

کمان طیفه آمانه در راه خدا چهار کوفت شده تنه میور، اندر یکم، کمانی زنده اندر نوز خندان دردی میخیزد پشاوران

انا لله وانا الیه راجعون : با گشت هم گریه فدایست و چه بصره انان در میدان محمد کشته شد

نه در سبز رنگی بل در طرز دست ساحت مقدس در عصر امام زمان دردی درواغ العالمین له العزاء

درد در منحنی انسانیت محمدی حکم و مصداق بر صیقلی است و رسم بر امام است خشنی عزیز و محبوب

درد در نردبان بر شمعیدان صبر اسلام از صابون تا حسین و از حسین تا کربلای ایران. چلچله نمی چنگد

در راه خدا کت می نشینید روحانیم ضعیف - زن مقدر و اطفال ناتوان در شمع کربلا زنده و در دم

مکینه خیز خدا و در مارا از محشر شورشمان اسروم حقیقی بغیر ما و فریاد می زنند و می تپانند از زنده بار احوال

جانب خود برای ما یا بر ما در غیرت رواق ما باید درین عبرت بگیریم و باید دست قرآن در دست دیگر

سواد در لریه صیبه صامدانه و طمانه بستانیم و تا سراج شهادت همراه ما است و بیرونیم

بارش من اینج صفت تا با او که به بجز او که در دست نگاه رور در انعام صفت که اندر با انفس باز

و اتصال شهادت هم درم و شهادت و غیرت است هم تمام همدانیت در کمان در راه خدا. اما

تو ای پدرم و برادر و خاوم و همسر (میدانم) که با شنیدن خبر شهادت من افتخار کنید با منی پدرم

ص ۲

میردم. عیب برای پسر من حق دارم و این راه سعادت باطنی را گشودم و مرا همراه خودم بودم و در -  
 گمانی چه خوب و زیور است. ماد که ندانم اما می یورم از اینم فرزند می را به بیگانه فداوند تقسیم راستی بخور  
 و تکلیف من صاحب میگه که در هر دردی من و پسر من را از اینم متا لف و کرامت و پسر من را حاتم  
 از اینم که حق من را که بخوان که خدا پسر من را من قرار داد بود منو استم انجام دم سوا بیخود  
 و لذت خدایم طلب مغفرت و نیز بخوانید که فرس بر این من حق راستی که نواستم او انهم سوا بیخود  
 من این راه را انتخاب کردم که هم نقطه من شایسته چون نرفتم ام که زندگ بر مردم و رفتم. ام با نگر  
 مدار که کنم و چشم کا خزان را در نواستم من بایستند خدایم که ام عزیز زانی و سوره اندک بفرست که  
 تویم پسر من ماهی به این کلمه امام بگویم گفته و تا آخر من قطره خونی که در دست دارم و چشم  
 و بنده تا انتقام خون عزیزان و عهد انان تا آخر من نفس که درم و در راه خدایم چشم و عهدا که  
 عهدی هم که نکرده ام به پسر من ز سران فرزند مبارک اسلام و در آن عهد بخورم امید هم  
 نمودن شریک و زار ما ندارد آن هم بعدا فدا نموده و قطره اشک که از چشمان ما بریزد  
 و در آن راه که درم او که در نواستم که در راه و در عهد و در عهد و در عهد و در عهد و در عهد  
 تمام و در عهد و در عهد و در عهد و در عهد و در عهد و در عهد و در عهد و در عهد و در عهد  
 اما چند کلمه با هم: همس شایسته من ز یاد حق که در عهد و بنده چون حرکت کردم





نام: علی نجات  
نام خانوادگی: چم‌سورکی  
نام پدر: منصور  
نام مادر: شاه‌بانو  
تاریخ تولد: سوم تیر 1348  
محل تولد: روستای چم‌سورک از توابع شهرستان  
ایوان  
تحصیلات: اول راهنمایی  
ارگان اعزام‌کننده: بسیج  
تاریخ شهادت: نهم مرداد 1362  
محل شهادت: کله‌قندی  
نحوه شهادت: اصابت ترکش  
مزار: روستای حاجی حاضر شهرستان زادگاهش



## عبارت‌های کلیدی

- ۱ چه بهتر با روی سفید و دستی پر، تن آغشته به خون و بدن قطعه قطعه شده به پیشگاه او هجرت کنیم.
- ۱ اگر مرا قطعه‌قطعه کنند و هر قطعه را در آتش اندازند و خاکستر آن بر باد دهند، دود این خاکستر به هوا خواهد رفت و در آسمان نقش خواهد بست «الله اکبر، الله اکبر».

## علی نجات چم سورکی

بسم الله الرحمن الرحيم<sup>1</sup>

«وَالَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ آوَوْا وَتَصَرُّوا أَوْلِيكَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ  
حَقًّا»<sup>2</sup>

«إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ»<sup>3</sup>

با نام او که از او اییم و به سوی او خواهیم بازگشت و چه بهتر با روی<sup>4</sup> سفید و دستی پُر، تنی آغشته به خون و بدن قطعه قطعه شده به پیشگاه او هجرت کنیم و چه زیباست که انسان این چنین با معبود خود دیدار کند و به سوی او پرواز نماید. ای خدا، ای رحمان، ای رحیم، ای محبوب و معبود، من تو را آن چنان که هستی و آن گونه که سزاوار آنی ستایش می کنم. تو را شکر می کنم که نیکبخت شوم و هم خانه و همنشین شوم. به خدا سوگند اگر مرا قطعه قطعه کنند و هر قطعه را در آتش اندازند و خاکستر آن بر باد دهند، دود این خاکستر به هوا خواهد رفت و در آسمان نقش خواهد بست [و] «الله اکبر، الله اکبر» به همه ثابت خواهد کرد که من از یاران حسینم.

1- در بالای وصیت آمده است: «برادر علی نجات چم سورکی اعزام از ایوان».

2- بخشی از آیه 74 سوره انفال. «و آنان که ایمان آوردند و هجرت گزیدند و در راه خدا کوشش و جانفشانی کردند و هم آنان که مهاجران را با فداکاری منزل دادند و از آنها یاری کردند آنها به حقیقت اهل ایمانند».

3- بخشی از آیه 156 سوره بقره. «ما به فرمان خدا آمده ایم و به سوی او رجوع خواهیم کرد».

4- در اصل وصیت «روش».

بِسْمِ تَعَالَى

بِسْمِ تَعَالَى

وصیت‌نامه

محل الصاق نقر


این وصیت‌نامه‌ها انسان را می‌گوزاند و انسان را بیدار میکند.  
 برادر علی بن حسین **دوسر** **اعوام از ایوان** (امام خمینی)

برادر رزمنده توصیه میشود نکات ذیل را در نوشتن وصیت نامه خود رعایت نمایند:

- ۱- هدف از آمدن به جبهه
- ۲- پیام
- ۳- رعایت جهات شرعی از جمله تعیین وصی، تعیین مقدار و طرف دیون، واجباتی که به‌کردن داشته از جمله نماز روزه، قضا و...، خیرات و صدقات نسبت به  $\frac{1}{3}$  مال ردمظالم و...

واللهین اکتو هاجرو اوجا همدواتی سبیل الله والذین اووا وضر اولئک هم السومول حقا  
 ((انا لله وانا لله وارجعون))

با نام او که از او ایم و به سوی او خواهیم رفت خوب از گسست و چه بهتر با رویش سفید و راستی  
 بی‌وقتی آتش به خون من قطع قطره شده به پیشگاه او هجرت کنیم و چه زیادت  
 که انسان این چنین با ممد خود دیدار کند و به سوی او غیر از نماز ای خدا  
 ای رحمان ای رحیم ای محبوب و مملو من ترا آنگیزانم که هستی و من گویم  
 که سزاوار این ستایش من کنم ترا شکر من کنم که نیک بخت شوم و همدان و همنش  
 شوم بخدا سوگند اگر مرا قطعه قطعه کنند و هر قطعه را در آتش اندازند و خاکتر آن برود  
 دهند در این خاکترم هوا خزا هر رفت فلان آسمان نقل خزا هر بست  
 الله اکبر الله اکبر به هله ثابت خزا هر کرد که من از طاران حسین

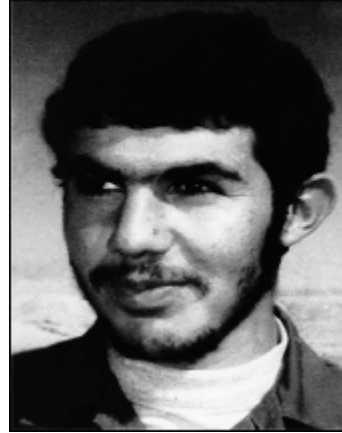


سازمان اسناد و کتابخانه ملی  
جمهوری اسلامی ایران

میتوانید آرشیف ورقه استفاده نمایند  
 تذکر: لفظ "وصیت نامه" داخل پاکت گذاشته و تحویل روابط عمومی نیت دهید.

خراسان (مقطع ۴)  
 لشکر مستقا ۸

نام: جعفر  
نام خانوادگی: چناری  
نام پدر: محسن  
نام مادر: والیه  
تاریخ تولد: بیست و هفتم اردیبهشت 1344  
محل تولد: عراق  
تحصیلات: چهارم متوسطه  
ارگان اعزام کننده: سپاه  
تاریخ شهادت: بیست و پنجم شهریور 1364  
محل شهادت: چنگوله  
نحوه شهادت: اصابت گلوله  
مزار: بخش صالح آباد از توابع شهرستان مهران



## عبارت های کلیدی

- ا مادرم، می خواهم پیش شهدای هویزه بروم.
- ا مادرم، می خواهم خدمت رسول الله ( 6 ) برسم.
- ا گویا شهادت نصیبم می شود و قرار است این مرگ اسلامی مرا دربرگیرد و قربانی دین خدا شوم.
- ا سلام بر خداجویان ایران که اکنون اسلام را زنده کرده اند.
- ا درود رسول الله بر حسین ( 7 ) و پیروان حسین ( 7 ) که به حق نامشان و حماسه شان باید در تاریخ بماند.
- ا این اسلامی که هم اکنون موجود است به وسیله دردها و رنج هایی به دست ما رسیده است.
- ا برادران و خواهران مسلمان، میراث شهدا را هیچ وقت به غارت شیطان ها نسپارید.
- ا از تفرقه بپرهیزید که تفرقه بر ضد صلاح اسلام و حکومت اسلام است.
- ا از نفوذ تابعین شیطان در بین خودتان جلوگیری کنید.
- ا فقط برای رضای خدا خدمت کنید.
- ا مبدا کاری کنید که آبروی اسلام برود.
- ا همیشه به دنبال رهبر دانای انقلاب و ولایت فقیه باشید.

جعفر چناری<sup>1</sup>

## بسم الله الرحمن الرحيم

به نام الله پاسدار حرمت خون شهیدان

ما مثل حسین (7) در این جنگ وارد شدیم و مثل حسین باید به شهادت برسیم.<sup>2</sup>  
(امام خمینی)

«ربنا افرغ علينا صبرا و ثبت اقدامنا وانصرنا على القوم الكافرين»

«فَلْيُقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يَشْرُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا بِالْآخِرَةِ وَمَنْ يُقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيُقْتَلْ أَوْ  
يَغْلِبْ فَسَوْفَ نُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا وَمَا لَكُمْ لِمَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ  
وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَهْلُهَا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ  
وَلِيًّا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ نَصِيرًا»<sup>3</sup>

مادر جان، می‌خواهم بروم. مادر جان، دلم برای دوستانم تنگ شده است، دلم برای فرشتگان تنگ شده. مادر جان، می‌خواهم بروم تا به همراهان برسم، می‌خواهم بروم تا از این تنهایی نجات پیدا کنم، می‌خواهم به بالا بروم. مادرم، از این غربت خسته شده ام، اجازه بده تا پیش بچه‌های اصفهان و مشهد و اهواز بروم. مادرم، می‌خواهم پیش شهدای هویزه بروم، می‌خواهم ثابت کنم که مسلمانم و پیرو خمینی‌ام. می‌خواهم همنشین قربانیان حق شوم. مادرم، می‌خواهم خدمت رسول‌الله (6) برسم، می‌خواهم خدمت حضرت امیر (7) برسم. مادر جان، طپش دلم زیاد شده است، گویا باید حتماً بروم، گویا آقا قبول کرده که من بروم، گویا رسول‌الله (6) مرا می‌خواند. مادرم، از شوق دارم پرواز می‌کنم.

1- در بالای وصیت تایپی آمده است: «وصیت‌نامه سردار رشید و پاسدار صدیق اسلام و قرآن شهید جعفر چناری».

2- صحیفه امام، ج 14، ص 525.

3- نساء / 74- 75. در اصل وصیت «نساء 74». ترجمه: «پس کسانی باید در راه خدا جهاد کنند که دست از جان شسته‌اند و زندگی این جهان را به آن جهان می‌فروشند. و هر کس در راه خدا جهاد کند و کشته شود یا فاتح گردد، زود باشد که او را اجری عظیم دهیم\* چرا در راه خدا جهاد نمی‌کنید و در راه آزادی جمعی ناتوان از مرد و زن و کودک که در مکه اسیر ظلم کفارند و دائم می‌گویند: بار خدایا، ما را از این شهری که مردمش ستمکارند بیرون آر و از جانب خود برای ما بیچارگان نگه‌دار و یآوری فرست.»

گویا شهادت نصیبم می‌شود و قرار است این مرگ اسلامی مرا دربرگیرد و قربانی دین خدا شوم.

سلام بر رهبر بزرگ اسلام، سلام بر تمامی رزمندگان اسلام، سلام و درود خدا بر تمامی شهدای بسیج و سپاه و ارتش که از سرزمین‌های اسلام اعم از لبنان و افغانستان و صحرا و ایران و عراق، کربلاها را به وجود آورده‌اند و ریگزارهای صحراها و کوهستان‌های افراشته را با خون شسته‌اند. سلام بر خداجویان ایران که اکنون اسلام را زنده کرده‌اند و با پروازهای ملکوتی خود، خورشید را بر بال خود نشانده‌اند و جهان را روشن کرده‌اند. سلام و درود رسول الله بر حسین (7) و پیروان حسین (7) که به حق نامشان و حماسه‌شان باید در تاریخ بماند تا آیندگان از آن درس گیرند.

برادران مسلمان بندیشید این اسلامی که هم‌اکنون موجود است به وسیله دردها و رنج‌هایی به دست ما رسیده است. برادران به زحمات رسول الله (6) و حضرت امیر (7) فکر کنید و مسئولیت خود را دریابید تا بلکه این زحمات به هدر نرود. برادران و خواهران مسلمان، میراث شهدا را هیچ وقت به غارت شیطان‌ها نسپارید و همیشه و در همه حال راه هایبیلیان<sup>1</sup> شهدا را از یاسر<sup>2</sup> گرفته تا حمزه<sup>3</sup> و از علی (7) گرفته تا حسین (7) و از مقداد<sup>4</sup> گرفته تا اباذر<sup>5</sup> و چمران<sup>6</sup> و موسی صدر<sup>7</sup> و مصطفی خمینی<sup>8</sup> و... کوشا باشید و تنها به دنبال هدف بزرگ و عالی این‌ها باشید. از تفرقه پرهیزید که تفرقه بر ضد صلاح اسلام و حکومت اسلام است و در عین حال از نفوذ تابعین شیطان در بین خودتان جلوگیری کنید. فقط برای رضای خدا کار کنید و مبادا کاری کنید که آبروی اسلام

1- ر.ک. تعلیقات.

2- ر.ک. تعلیقات.

3- ر.ک. تعلیقات.

4- ر.ک. تعلیقات.

5- ر.ک. تعلیقات.

6- ر.ک. تعلیقات.

7- ر.ک. تعلیقات.

8- ر.ک. تعلیقات.

برود و همان جایی برگردید که فقط اسلام بود که شما را نجات داد. همیشه به دنبال رهبر دانای انقلاب و ولایت فقیه باشید و در این مسیر تعارف را کنار گذاشته و گول شیطان درونی خودتان، که شما را به راحت‌طلبی و آسایش و عدم سختی و رنج جهت رضای خدا دعوت می‌کند، نخورید و مستقیم و استوار کاری کنید که زمین به وجود شما، که خلیفه الله هستید، بر خود ببالد و جوری آبروی رسول الله (ﷺ) را در میان جهانیان حفظ نمایید که همه از شما درس گیرند در هر کاری که انجام می‌دهید تعصب بی‌جا نداشته، انتقادهای سازنده را با گوش جان قبول نمایید و در اشتباه خود اصرار نورزید.

برادران، هم‌زمان، احترام یکدیگر را در تمام مراحل داشته باشید و در کمال اخوت و برادری سعی در عروج به سوی او بکنید و ایثار و از خود گذشتگی هیچ وقت فدای نفس خود نکنید که الحمدلله تا حالا این جور عمل کرده‌اید. شهیدان را همیشه ناظر اعمال و کردارتان در جامعه بدانید و در محضر شهیدان معصیت خدا را انجام ندهید. مادرم و خواهرم، برای من و رفتن من هرگز گریه و زاری نکنید. من امانتی بودم که هرچند وظیفه خود را در قبال مسئولیتم در این دنیا انجام ندادم ولی امیدوارم کشته شدنم باعث خدمتی به اسلام عزیز باشد و هم‌اکنون به سوی کسی که از سوی او آمده‌ام باز می‌گردم. پس در موقع ناراحتی، شکر خدا را همیشه به جا آورید. به جای گریه برای من برای امام حسین (ع) و تمام شهدای مظلوم کربلا گریه کنید.

ای کسانی که اکنون جنازه مرا به دوش دارید، به دست‌انم نگاه کنید که من هیچ چیزی را با خود نمی‌برم. به خون ریخته شده‌ام نگاه کنید و بدانید که من این را داشتم که در راه خدا اهدا نمودم. ای کسانی که جنازه من بر دوش شماست، سنگینی جسمم را حس کنید و ببینید که از خاصیت این جسم تنها مزاحمت برای شما مانده است و بس. پس بنابراین فقط به معنویات اهمیت اولی دهید و کمتر دنبال لذات زودگذر بروید.

سلام مرا به امام عزیز برسانید و به او بگویید که من آرزوی دیدن او را خیلی داشتم، اما موفق به خدمت رسیدن نشدم. به او بگویید که ما در کمال صداقت و راستی تا آخرین نفس با او هستیم و در کنار او به تمامی جباران و ظالمان می‌تازیم و هیچ چیزی نمی‌تواند جلوی ما را سد نماید. به او بگویید که ما پیرو مقداد و اباذر و سلمان هستیم و پیمان خود

را با امام خود به هیچ قیمت نخواهیم شکست اگرچه در میان باران تیر و یا در دورترین نقطه و یا در غریب‌ترین جا کشته شویم، اما همچنان به عهد خود وفاداریم.

از پدر و مادرم که زحمات زیادی را برای من متحمل شده‌اند خیلی ممنونم و امیدوارم که خدا اجر و پاداش خیر به آنها بدهد و من توانسته باشم دین خود را نسبت به فرزندى ادا کرده باشم. ضمناً از دوستان و آشنایان حلالیت می‌طلبم.

الله الله اسلام را.....

الله الله قرآن را.....

الله الله امام را.....

«والسلام على من اتبع الهدى»

خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگه‌دار

الحقیر جعفر چناری

فرزند حاج محسن

اعزامی از ایلام، سپاه پاسداران



### به نام الله با سدا رحمت خون شهیدان

ما مثل حسین علیها السلام در این جنگ وارد شدیم و مثل حسین باید به شهادت برسیم (امام خمینی)

( وصیت نامه سردار رشید و ماسدا رصدا بقا سلام و قرآن شهید جعفر چناری ) \*

وینا امرغ علینا صبرا \* ویت اعدانا وانصرنا علی القوا لکافرین \* فلیقاتل فی سبیل اللعالمین بشرین  
الحوما لدنیا بالآخره من یقاتل فی سبیل اللعقیتل و یغلبسوف نؤتیه اجرا \* هظها \* و ما لکم لا تقا تلسون  
فی سبیل اللعالمین من الرجال والنساء \* والولدان الذین یقولون ربنا اخرجنا من هذه القریه  
الظالمه اهلها واجعل لنا من لدنک ولیا \* واجعل لنا من لدنک نصیرا \* (نساء: 75)

مادر جان من خواهم بروم \* مادر جان دلم برای دستا تم تنگ شده است \* دلم برای فرستگان  
تنگ شده \* مادر جان من خواهم بروم تا به همراهان بروم \* من خواهم بروم تا از این تنهایی نجات پیدا  
کنم \* من خواهم به \* بالا \* بروم \* مادر جان از این غمبختی خسته شد تمام اجازه بده تا پیش بچه های اصحابان  
شهید و اهواز بروم \* مادر من خواهم پیش شهیدای هویزه بروم \* من خواهم تا پت کنم که مسلمانم و  
بیرو خمینیم \* من خواهم هشتین قربانیان حق شویم \* مادر من خواهم خدمت رسول الله (ص) بروم \*  
من خواهم خدمت حضرت امیر (ع) بروم \* مادر جان و طیب دلم زیاد شده است \* گویا باید حتما  
بروم \* گویا آقا قبول کرده که من بروم \* گویا رسول الله (ص) مرا می خواند \* مادر من از شوق دارم بسرواز  
من کنم \* گویا شهادت نصیب من شود و قرآراستانین مرگه اسلامی مرا در برگیرد و قربانی دین خدا

شو \*

سلام بر رهبر بزرگ اسلام \* سلام بر تمامی رزندگان اسلام \* سلام و درود خدا بر تمامی شهیدای  
سپه و سپاه و ارتش که از سرزمینهای اسلامی ام از لبنان و افغانستان و صحرای ایران و عراق کنایاها را بوجود  
آورد مانند زورگرا رهای صحراها و کوهستانهای افراشته را با خون شستند \* سلام بر خدا جوانان ایران  
کما کون اسلام را زنده نکرد مانند و با پروازهای ملکوتی خود خورشید را برپا ل خود نشان دادند و چنان را روشن  
کرد مانند \* سلام و درود رسول الله (ص) بر حسین و بیروان حسین که به حق ما نشان و حماسه نشان باید در تاریخ  
بماند تا آیندگان از آن درس گیرند \*

برادران مسلمانانمانند بشید این سلامی که ما اکنون موجود است به وسیله رد ها و زنجهای بدست ما  
رسید ماست \* برادران بهر حال رسول الله (ص) و حضرت امیر (ع) فکر کنید و مسئولیت خود را در پایداری بلکه  
این زحمت عهد و نردوم \* برادران و خواهران مسلمانان میرا تشدید \* را هیچ وقت به طاعت شیطانها بسیارید  
و همیشه در حال راهها بیلیان شهیدان را از اسرگرفتند حمزه و از علی گرفتند حسین و از زیندا گرفتند ابان در  
و جمران و بیوس صد روضه طی خمینی و ... \* گوشا باشید و نگاهها به دنبال هد فحالی و همزگما باشید \*

از تفرقه بپرهیزید که تفرقه بر ضد صلاح اسلام و حکومت اسلام است و درین حال از تفرقه تا بهمین شیطان در بین  
خودتان جلوگیری کنید \* فقط طریای رضای خدا آکا رکنید و سپاه آکا ری کنی که با پروی اسلام بود و همان جا کسی  
برگردد بدگفتن سلام بود که شما را نجات داد \* همیشه به دنبال رهبر اقایان نقلا سوزلا به تشقیه باشید و در این  
مسیر تا رفرا آکا رگد اشتهر کول شیطان در روش خودتان کنما را بهر احتیاطی و عدم سختی و رنج جهت رسیدن

خدا دعوت میکند نخورید و مستقیم و سقوا رکازی کنید کمزین بهر وجود شما که **مظلمینا لله** مستیها بر خود بهالد و جوری  
 ابروی رسول الله (مر) را در میان جهانیا ن حفظ نمائید که همما ز شما در رس گیرند \* در هر کار که انجام می د هیند  
 تحصیل جانداشته انتقا د های سازند مرا به گوشه جان قبول نمائید وداشتبا مخود اصرا رتورید \*

برادران همزمان \* احترام یکدیگر و در تمام مراحل داشته باشید و در کمال اخوت و برادری سعی در سرچ  
 بسوی او بکنید و ایثار و از خود گذشتگی را هیچ وقت سفید ای نفس خود نکند که الحمد للعا حالا اینجو عمل کرد ما بد  
 شبید از راه همیشه طراعمال و کرد ارتان درجا معبد انید و در محضر شهبید ان مصیبت خدا را انجام ند هید \*  
 ما درم و خواهری \* برای من و رفتن من هرگز گریه زاری نکنید منی مانتی بودم که هر چند وظیفه خود را در قبال مسئولیت  
 در این دنیا انجام ندادم ولی امیدوارم که کشتند نم با عشق منی به سلام عزیز باشد و هم اکنون بسوی کسی که از سوی  
 او آمد ما باری گرم \* پس رفوق تا راحتش شکر خدا را همیشه بجا آورید و به جای گریه برای من بر ای امام حسین و شهید <sup>کا</sup>  
 مظلوم کربلا گریه کنید \*

ای کسانی که جنازه مرا اکنون به دوش دارید به دستانم نگاه کنید کمن هیچ چیزی را با خود نمی برم \* به  
 خون ریختند نگاه کنید وید انید کمن انفرادا شتم که در راه خدا اهدا \* نمودم \* ای کسانی که جنازه من بردوش  
 شماست گیتی جسد مرا حس کنید و ببینید که از خاصیتا بن جسم تنها مزاحمت برای شما ماند ماستویس \* پس  
 بنا بر این فقط بصحنویا تا همیتا ولی د هید و کمتر دنبال لذت از خود گذر برورید \*

سلام مرا با ما عزیز برسانید و با و بگوئید کمن از روی دیدن او را خیلی داشتم اما موفق به خدا سترسید نشدم  
 با و بگوئید که ما در کمال صداقت و راستی تا آخرین نفسها او هستم و در کنار او و مقامی جباران و ظالمان میتا زیم  
 و هیچ چیزی نمی تواند جلوم را سد نماید \* با و بگوئید که ما بیروقتدا د با یاد رسولمان هستیم و بیجا ن خود را بسا  
 امام خود به هیچ قیمت نخواهیم شکست \* اگر چه در میان باران تیر و باد و در ورتین نقطهها در رفیقترین جسا  
 کشته شویم اما همچنان به عهد خویش وفاداریم \*

از پدر و مادرم که زحمات زیادی را برای من متحمل شده اند خیلی ممنونم و امیدوارم که خدا اجر و پاداش  
 خیر به آنها بدهد و من توانسته باشم دین خود را نسبت به فرزندی ادا کرده باشم \*  
 غنا \* از دوستان و آشنا یان حلالیت می طلبم \*

الله الله اسلام را .....  
 الله الله قرآن را .....  
 الله الله امام را .....

والسلام علی من اتبع الهدی  
 خدا یا تا انقلاب مهدی خمینی را تکمیل دار  
 الحقیق جعفر چناری فرزند حاج محسن اعزامی از  
 ایلام - سپاه پاسداران \*

نام: حمزه  
نام خانوادگی: چناری  
نام پدر: محسن  
نام مادر: والیه  
تاریخ تولد: هشتم اسفند 1340  
محل تولد: عراق  
تحصیلات: پایان دوره راهنمایی  
ارگان اعزام کننده: سپاه  
تاریخ شهادت: نوزدهم تیر 1364  
محل شهادت: چنگوله  
نحوه شهادت: -  
مزار: اثری از پیکرش به دست نیامد



## عبارت‌های کلیدی

- ا الهی به من ضعیف و معصیتکار توفیق ده تا بتوانم انتقام خون شهدا را البته نه برای احساساتم و هوای نفسم بلکه برای رهایی از دشمنان اسلام بگیرم.
- ا ای عاشقان مهدی (عج الله)، از شما می‌خواهم که همیشه در خط اسلام و مرجعیت و رهبریت امام عزیز خمینی کبیر باشید.
- ا بدانید که امروزه در حالت آزمایش عظیم الهی قرار گرفته‌اید.
- ا بدانید و هوشیار باشید که منافقین و مفسدین در بین شما رخنه نکنند. افراد ریاست‌طلب و فرصت‌طلب را بشناسید.
- ا الله الله شما را به خون شهدا قسم می‌دهم که امام عزیز را فراموش نکنید.
- ا جنگ راه، که از سرور شهیدان امام حسین بن علی (7) آموخته‌اید، مخلصانه‌تر و صادقانه‌تر و بدون انحراف ادامه دهید.
- ا مواظب باشید افرادی با چهره‌های صد درصد اسلامی در میان شما نفوذ نکنند.
- ا با قدرت الهی و تعهد به اسلام بزرگ و قدرت ایمانی و روحی ادامه دهید.
- ا به هیچ چیز الا مصالح اسلام و مسلمین فکر نکنید، چرا که در این صورت خداوند با شماست.

## حمزه چناری

### بسم الله الرحمن الرحيم

چند جمله‌ای به عنوان وصیت‌نامه

«رَبَّنَا فَاعْفُرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَكَفِّرْ عَنَّا سَيِّئَاتِنَا وَتَوَفَّنَا مَعَ الْأَبْرَارِ»<sup>1</sup> (قرآن مجید)

«بارخدا یا گناهان ما را ببامرز و بدی های ما را بپوشان و ما را با نیکان محشور بگردان».

با درود و سلام بر تمام عزیزانی که جز رضای خدا و خشنودی امام زمان (عج الله) عملی انجام نداده و نمی‌دهند. ای خداوند بزرگ، سه چیز از درگاه بی‌نیازت می‌خواهم:

- 1- به تمام مؤمنین توفیق ده که تا آخر عمر افرادی باشند مفید برای اسلام عزیز.
- 2- ای خداوند سبحان، ظهور حضرت مهدی (عج الله) را برای نابود کردن ظلم و ستم و هدایت کردن مؤمنین برای تقرب به درگاهت و برای نابود کردن منافقین<sup>2</sup> و مفسدین و برای برپایی حکومت جهانی اسلام تعجیل فرما.

3- الهی به من ضعیف و معصیت‌کار توفیق ده تا بتوانم انتقام خون شهدا را البته نه برای احساساتم و هوای نفسم بلکه برای رضای تو، از دشمنان اسلام بگیرم و به من ضعیف بخششی عطا فرما تا در راه اسلام مقدس تو شهد شهادت نوشم.

و اما ای جامعه اسلامی، مسلمانان ایران، ای مسلمانان جهان، ای عاشقان مهدی (عج الله)، از شما می‌خواهم که همیشه در خط اسلام و مرجعیت و رهبریت امام عزیز خمینی کبیر باشید.

بدانید که امروزه در حالت آزمایش عظیم الهی قرار گرفته‌اید. بدانید و هوشیار باشید که منافقین و مفسدین در بین شما رخنه نکنند. افراد ریاست‌طلب و فرصت‌طلب را بشناسید. آنان که فرهنگ آمریکایی در مغزشان فرو رفته است را ارشاد کنید. چنانچه ساخته شدند و

1- بخشی از آیه 193 سوره آل عمران.

2- ر.ک. تعلیقات.

انشاءالله در رحمت الهی به روی تمام بندگان باز است و در غیر این صورت «اشداء علی الکفار»<sup>1</sup> آنها را مجال پایداری ندهید.

الله الله شما را به خون شهدا قسم می‌دهم که امام عزیز را فراموش نکنید. جنگ را، که از سرور شهیدان امام حسین بن علی (7) آموخته‌اید، مخلصانه‌تر و صادقانه‌تر و بدون انحراف ادامه دهید. مواظب باشید که عملمان خدایی نکرده طوری نباشد که «خسر الدنیا و الآخرة» شویم. مواظب باشید افرادی با چهره‌های صددرد اسلام در میان شما نفوذ نکنند که ممکن است خدایی نکرده فاجعه به وجود آورند و راه خود را با قدرت الهی و تعهد به اسلام بزرگ و قوت ایمانی و روحی ادامه دهید و به هیچ چیز الا مصالح اسلام و مسلمین فکر نکنید چرا که در این صورت خداوند با شماست.

و اما سخنی با خانواده‌ام:

پدر عزیزم، مادر مهربانم، برادران و خواهران گرامی ام به‌عنوان کسی که ممکن است از او خوبی ندیده باشید می‌خواهم که مرا حلال کنید. چنانچه شهید شدم برای امام حسین (7) گریه کنید. بدانید در مقابل خونی که موقعی<sup>2</sup> که مجروح شدم، از شهید تدین<sup>3</sup> در آن موقع<sup>4</sup> به من تزریق شده بود مسئول بودم و لذا باید به جبهه می‌رفتم و دین خود را به اسلام ادا می‌کردم. اگر شهید شدم و جنازه ام به‌دستتان رسید، می‌دانم در آن موقع<sup>5</sup> دل‌تان شکسته است؛ می‌خواهم در آن حال فقط برای امام عزیزمان و پیروزی رزمندگانمان و فرج آقا امام زمان (عج‌الله) [و] آزادی اسرا دعا کنید. اگر با بدن لهیده و دست و پای قطع شده‌ام مواجه شدید بدانید که از شهید مظلوم بهشتی<sup>6</sup> عزیزتر نبوده‌ام. اگر با بدن سوخته‌ام مواجه شدید، بدانید که در نزد خدا از شهید رجایی<sup>7</sup> و باهنر<sup>8</sup> عزیزتر نبوده‌ام.

1- در اصل وصیت به صورت «اشداء و علل کفار» آمده است.

2- در اصل وصیت «موقه ایکه».

3- از دوستان صمیمی شهید بوده است.

4- در اصل وصیت «موقه».

5- در اصل وصیت «موقه».

6- ر.ک. تعلیقات.

7- ر.ک. تعلیقات.

8- ر.ک. تعلیقات.

و اگر جنازه‌ام پیدا نشد و در بیابان‌ها یا کوهستان‌ها به‌جای ماند، بدانید که امانتداری شما در نزد خدا بهتر مقبول افتاده است. لاله الا الله، در خاتمه از تمام اقوام آشنایان و دوستان حلالیت می‌طلبم و از همه طلب بخشش دارم. ضمناً<sup>1</sup> برادرانم، به درس خود ادامه دهید و سعی کنید همین‌طور که تا کنون از مساجد فاصله نگرفته‌اید، انشاءالله فاصله نگیرید.

«والسلام»

در ضمن حدود سی روز روزه قضا دارم و از طرفم 1500 تومان از پولی که در بانک دارم، به سپاه امام پرداخت کنید.

مورخ 1363/3/25

پاسدار حقیر اسلام، حمزه چناری

چند جمله ای بعنوان «وصیت نامه»

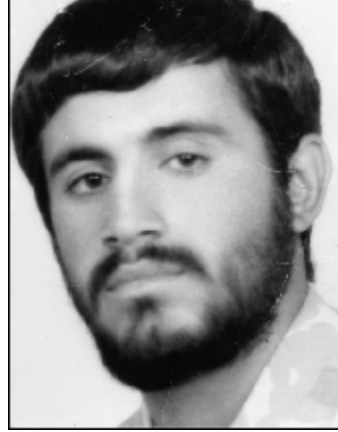
بسم الله الرحمن الرحيم

ربنا قاتلنا ذنوبنا و كفرنا سيئاتنا و توغنا مع الابار (قرآن مجید).  
 ما بعد از این گناهانی ما را بپای هر زودی بجزای ما را ببوشان و ما را با نیکیان مشهور و گروان  
 با بدود و سلام و تمام مزیزی که جز برای خدا و مشقود، با نام زبان علی ایام نداده و  
 بی دهند. ای خداوند بزرگ سه چیز از درگاه بی نیازت میخوانم:  
 1- به نام سوختن تو فریق ده که تا آخر هر انزادی باشد معنی برای اسلام مزیز -  
 (ای خداوند سبحان ظهور حضرت مهدی (عج) را برای ما بود کردن ظلم و ستم  
 و هدایت کردن مؤمنین برای تقرب به درگاهت و برای ما بود کردن ساقین  
 و مفسدين و برای برپائی حکومت جهانی اسلام تعجیل فرما -  
 2- الهی به من ضعیف و مستیگر تو منیع ده تا بتوانم انتقام خون شهدای  
 الهی را برای اصحابم و هوای نسیم بلکه برای رفقای از دشمنان اسلام بگیرم و به من  
 ضعیف و بختی مطافرا تا در راه اسلام مقدس تو شهد شهادت نمیشم.  
 3- ای جامعه اسلامی، مسلمانان ایران ای مسلمانان جهانی ای ناشتاق مهدی را  
 شما میخوانم که همیشه در حفظ اسلام و در رعایت و احترام امام مزیزی کبریا باشید  
 بدانید که امروزه در حالت آرزایش عظیم الهی قرار گرفته اید بدانید و هوشیار باشید  
 که ناخفیه و معتمدین در بین شما خفته نکنند انزاد ریاست طلب و فریب طلب  
 را بشناسید آنرا که فریب آمریکایی در مغزشان فرو رفته است را ارشاد کنید  
 چنانچه ساقیه شدند و ایشان در رحمت الهی به روی تمام بندگانشان باز است  
 و در غیر این صورت استعدا و عمل کفار است انظار امثال با بداری ندهید.  
 الله الله شماره خون شهدا منم بیدم که امام مزیز را فراموش نکنید مگر





نام: برزو  
نام خانوادگی: حاتمی  
نام پدر: محمدکریم  
نام مادر: آهوخانم  
تاریخ تولد: نوزدهم دی 1346  
محل تولد: روستای مورموری از توابع  
شهرستان آبدانان  
تحصیلات: پایان دوره ابتدایی  
ارگان اعزام کننده: سپاه  
تاریخ شهادت: بیست و نهم خرداد 1367  
محل شهادت: مهران  
نحوه شهادت: اصابت ترکش  
مزار: گلزار شهدای زادگاهش



## عبارت‌های کلیدی

- ا اگر شهید شدم، در راه قرآن و مکتب اسلام و برای سلامتی طول عمر رهبر عزیزم که تنها نماند، شهید شدم.
- ا دوست دارم به سوی جبهه بروم که نگذارم دشمنان اسلام، این اسلام ناب محمدی را از بین ببرند.
- ا تا آخرین قطره خون و تا آخرین فشنگی که دارم باید با این کوردلان و این وطن فروشان بجنگم.
- ا راهرو این رهبر پیر باشید.
- ا تا آخرین قطره خونی که در بدن دارید، باید به این رهبر عزیز و این اسلام و سرزمین اسلامی کمک کنید.

## برزو حاتمی

### بسم الله الرحمن الرحيم<sup>1</sup>

اینجانب برزو حاتمی، فرزند محمد کریم حاتمی، به شما برادران عزیز سفارش می‌کنم اگر من سعادت شهید شدن داشتم، در راه شرف و ناموس و خاک عزیز ایران اسلامی را دارم و اگر شهید شدم، در راه قرآن و مکتب اسلام و برای سلامتی طول عمر رهبر عزیزم که تنها نماند شهید شدم. شما برادران من نباید برای من گریه و ناراحتی کنید<sup>2</sup> و خودتان می‌دانید من وقتی که این عکس بزرگ را گرفتم، برای بالای قبرم هست و چون من در منطقه قلاویزان در جلوی دید تیر دشمن هستم و شب و روز با دوشکا هر ساعت بر سر دشمن تیراندازی می‌کنم و من به جای دوستان وقتی که طبل جنگ را می‌زنند، من دوست دارم به سوی جبهه بروم که نگذارم دشمنان اسلام، این اسلام ناب<sup>3</sup> محمدی را از بین ببرند. من تا آخرین قطره خون و تا آخرین فشنگ [ی که] دارم باید با این کوردلان و این وطن فروشان بجنگم و<sup>4</sup> این اسلام را پیروز نمایم. من به برادران و خواهرم و مادرم وصیت می‌کنم که راهرو این رهبر پیر باشید و تا آخرین [قطره] خونی که در بدن دارید باید به این رهبر عزیز و این اسلام و سرزمین اسلامی کمک کنید. برادرانم، اگر من شهید شدم، به کمک مادر پیرم و خواهرم و دو تا برادر کوچکم کنید، چون بعد از من سرپرستی ندارند. مادر پیرم و برادران و خواهرم من دیگر شما را نمی‌بینم و سعادت شهید شدن داشتم دیگر نمی‌آیم.

«والسلام»<sup>5</sup>

خدا حافظ

1- در بالای وصیت آمده است: «وصیت‌نامه شهید برزو حاتمی».

2- در اصل وصیت «نکنید».

3- در اصل وصیت «ناو».

4- در اصل وصیت «تا اگر» اضافه است و حذف شده است.

5- در اصل وصیت «وسلام».

درصیبتنامه شهید بزرگوار حاجی بسم الله الرحمن الرحیم  
 ایمنای بزرگوار حاجی عزیز محمد کریم حاجی به شما برادران عزیزم تفارش می کنم  
 اگر منی سعادت شهید شدن داشتم در راه شرف و ناموس و خاک عزیز  
 ایران ایستادن را دادم و اگر شهید شوم در راه قودت و مکتب اسلام هر یک  
 سواست طول عمر عزیزم که تنها نماز شهید شوم شما برادران منی نیا برادران  
 صفا کردید و ناراحت نگیند و خود را گم دانید منی عرقی که این عکس  
 بدینجا را گرفتم بیا این قبر هست و چون منی در منطقه  
 قلا و یونان در جلوس دیدم در شوم و شنب و روزها دو نگاه هر <sup>اعت</sup>  
 به سر دشمنی قیودان منی منی به جان دوستان فرقی که طبل جنگ  
 را من زنده منی دوست دلم به سون <sup>جسده</sup> هر چه هم فکر کنم دشمنان

اسلام این اسلام نام محمد را از بیت بیرون می تا آخرین قطره خون  
و تا آخرین فشنگ دارم باید با این کور دکان و این وطن فرودان  
بجنگم و تا در این اسلام را پدید فرماییم و من به برادران و خواهرم  
و مادرم و عیلت می گویم که راه برو این رحیم پیر با خرد و تا آخرین  
خونی که در بدن دارم باید به این رحیم عزیز و این اسلام و سر زمین  
اسلام کمک کنید و برادرانم اگر منی شکیه شدم  
کمک <sup>به</sup> مادر پریم و خواهرم و دو تا برادر کوچکم کنید  
چون بعد از من سر پرستی ندارم  
مادر پریم و برادران و خواهرم من دیگر شهادتی بینم و عبادت شکر  
داشتم دیگر منی آیم و سلام خدا حافظ

نام: کریم  
نام خانوادگی: حاتمی  
نام پدر: منصور  
نام مادر: نبات  
تاریخ تولد: چهارم فروردین 1343  
محل تولد: شهرستان دهلران  
تحصیلات: اول متوسطه  
ارگان اعزام کننده: سپاه  
تاریخ شهادت: دهم مهر 1359  
محل شهادت: زادگاهش  
نحوه شهادت: اصابت ترکش  
مزار: گلزار شهدای روستای چهارطاقی  
همان شهرستان



## عبارت های کلیدی

- ۱ از این دنیای تنگ و تاریک شما رفتم و رفتن من هجرت است.
- ۱ همچنان که برای این دنیا کار و تلاش می کنید، قدری هم برای دنیای آخرت اعمال خودتان را خالص گردانید.
- ۱ در همه حال گوش به فرمان امام خمینی باشید.
- ۱ انقلاب را با جان و دل پاسداری کنید.
- ۱ جنگ با کفار را فراموش نکنید.
- ۱ هدف ما تنها شکست عراق و صدام نیست بلکه هدف نهایی ما از بین بردن تمامی دول استعماری و استقرار پرچم لا اله الا الله در سر تا سر عالم است.
- ۱ اینک از میان شما رفتم ولی به جایگاهی روی آوردم که میزبانان آن ملائکه و فرشتگانند.
- ۱ خدایا این بنده حقیرت اگر جانی دیگر و روحی دیگر داشت، باز در راه تو اهداء می کرد.
- ۱ خون من و امثال من است که قلب دشمنان اسلام را آتش می زند.
- ۱ امت شهیدپرور، بکوشید و جدیت به خرج دهید که اسلام را از چنگال بیگانگان حفظ نمایید.

## کریم حاتمی

### بسم الله الرحمن الرحيم<sup>1</sup>

- 1- سلام بر مهدی (عج الله) مصلح جهان، سلام بر نایب خیمینی بت شکن زمان، سلام بر امت قهرمان پرور.
- 2- اینک ای کسانی که بعد از من زنده‌اند، من از این دنیای تنگ و تاریک شما رفتم و رفتن من هجرت است هجرتی که از دنیا و فضای محدود به دنیا و فضای گسترده و وسیع صورت گرفته است.
- 3- همچنان که برای این دنیا کار و تلاش می‌کنید، قدری هم برای دنیای آخرت اعمال خودتان را خالص گردانید.
- 4- دین خود را با تمام وجودتان حفظ کنید و در همه حال گوش به فرمان امام خمینی باشید.
- 5- انقلاب را با جان و دل پاسداری کنید و در برابر مشکلات تاب مقاومت داشته باشید.
- 6- جنگ با کفار را فراموش نکنید و این جنگ با صدام را ادامه دهید.
- 7- هدف ما تنها شکست عراق و صدام نیست بلکه هدف نهایی ما از بین بردن تمامی دول استعماری و استقرار پرچم لا اله الا الله در سرتاسر عالم است.
- 8- تو ای پدر و ای مادر، در بالین پیکرم گریه و ناله سر نده و در مقابل دشمنان اسلام خودتان [را] ضعیف نشمارید. مبادا که بگویند شما از مرگ می‌ترسید.
- 9- اما اینک از میان شما رفتم ولی به جایگاهی روی آوردم که میزبانان آن ملائکه و فرشتگانند.
- 10- مادر، علی اصغر (7) حسین (7) وقتی گلوی او را با تیر سوراخ نمودند، حسین (7) خون علی اصغر<sup>2</sup> (7) را به هوا پرت می‌نمود، این نشانه چیست؟ نشانه این است که هر قطره خون علی اصغر (7) که بر زمین ریخت بذر و نهال علی اصغرها را بیفزود.

1- در بالای وصیت آمده است: «وصیت‌نامه شهید کریم حاتمی».

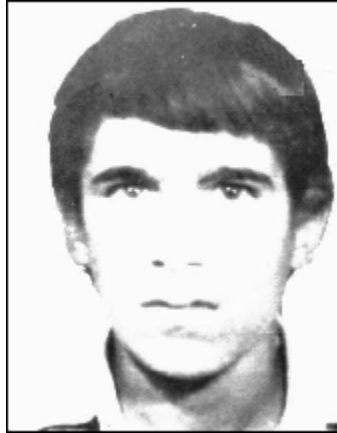
2- ر.ک. تعلیقات.

- 11- خدایا این جنگ و جهاد و شهادتم را قبول فرما.
- 12- خدایا این بنده حقیرت اگر جانی دیگر و روحی دیگر داشت، باز در راه تو اهداء می‌کرد.
- 13- پدر و مادر عزیزم، خون من و امثال من است که قلب دشمنان اسلام را آتش می‌زند.
- 14- اگر ما امروز برای اسلام خون ندهیم، چه کسی می‌خواهد خون بدهد؟ اگر ما از فرزند و برادر و پدر و مادر و دوستان در راه اسلام نگذاریم، پس پیروزی اسلام چگونه حاصل خواهد شد؟
- 15- ما برای احیای اسلام لازم است خون‌های بی‌شماری را تقدیم نمایم.
- 16- وصیت آخر من این است که شما مردم مسلمان ایران با آگاهی و قاطعیت تمام منافقین<sup>1</sup> داخلی و گروهک‌های وابسته به اجانب را شناسایی و به مقامات دولتی معرفی نمایید.
- 17- اینها (منافقین و گروه‌های وابسته) می‌خواهند ما را به اجانب بفروشند.
- 18- درخواست عاجزانه می‌نمایم که پدر و مادرم برایم نگیرند.
- 19- امت شهیدپرور، بکوشید و جدیت به خرج دهید که اسلام را از چنگال بیگانگان حفظ نمایید.
- 20- اگر مرا دوست دارید راهم را ادامه دهید.





نام: نادر  
نام خانوادگی: حاتمی  
نام پدر: امین  
نام مادر: مصری  
تاریخ تولد: یکم تیر 1348  
محل تولد: روستای کره‌پو از توابع  
شهرستان مهران  
تحصیلات: پایان دوره ابتدایی  
ارگان اعزام‌کننده: سپاه  
تاریخ شهادت: یکم تیر 1366  
محل شهادت: کردستان  
نحوه شهادت: اصابت ترکش  
مزار: بخش صالح‌آباد شهرستان زادگاهش



## عبارت‌های کلیدی

- ا به اسلام و انقلاب و امام عزیز وفادار باشید.
- ا با صبر و استقامت خود روح مرا شاد فرمایید.
- ا خواهران عزیزم، با رعایت حجاب و رفتار پسندیده از خون من پاسداری کنند.
- ا اسلام عزیز نیاز به خون من دارد.
- ا من امانتی بودم در میان شما و به‌سوی صاحب خویش باز خواهم گشت.

## نادر حاتمی

### بسم الله الرحمن الرحيم

اینجانب که هنوز سن زیادی<sup>1</sup> ندارم و تجربه‌هایی را کسب کرده‌ام و کوچک‌تر از آنم که بتوانم وصیت یا توصیه‌ای به شما داشته باشم، اما از آنجایی که در سنگر حق علیه باطل نشستیم و هر لحظه احتمال می‌رود در صورت سعادت مرگی که [آن را] شهادت باشد نصیبم گردد، لازم دیدم چند مطلبی را بیان نمایم:

پدر گرامی، مادر مهربانم، امیدوارم که هنگام شنیدن شهادت من صبر و پایداری کنید و به اسلام و انقلاب و امام عزیز وفادار باشید و با صبر و استقامت خود روح مرا شاد فرمایید و زحماتی که در طول تربیت من متحمل شده‌اید حلال کنید و مرا ببخشید. ضمناً خواهران عزیزم، با رعایت حجاب و رفتار و کردار پسندیده از خون من پاسداری کنند و از نیستی و نبودن من در میان شما ناراحت نباشید زیرا اسلام عزیز نیاز به خون من دارد و من امانتی بودم در میان شما و به‌سوی صاحب خویش باز خواهم گشت و شما از تحویل امانت نگران و ناراحت نباشید که خداوند متعال در کتاب آسمانی خود می‌فرماید:

«إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ»<sup>2</sup>. در پایان امیدوارم تک‌تک دوستان و اقوام مرا ببخشند و دعای خیر خود را شامل حالم گردانند.

«والسلام علیکم ورحمة الله<sup>3</sup> وبرکاته»

66/3/12

نادر حاتمی

1- در اصل وصیت «را» اضافه است و حذف شده است.

2- بخشی از آیه 156 سوره بقره. «ما از خدا هستیم و به‌سوی او رجوع خواهیم کرد».

3- در اصل وصیت «سلام علیکم و رحمت اله و برکاته».

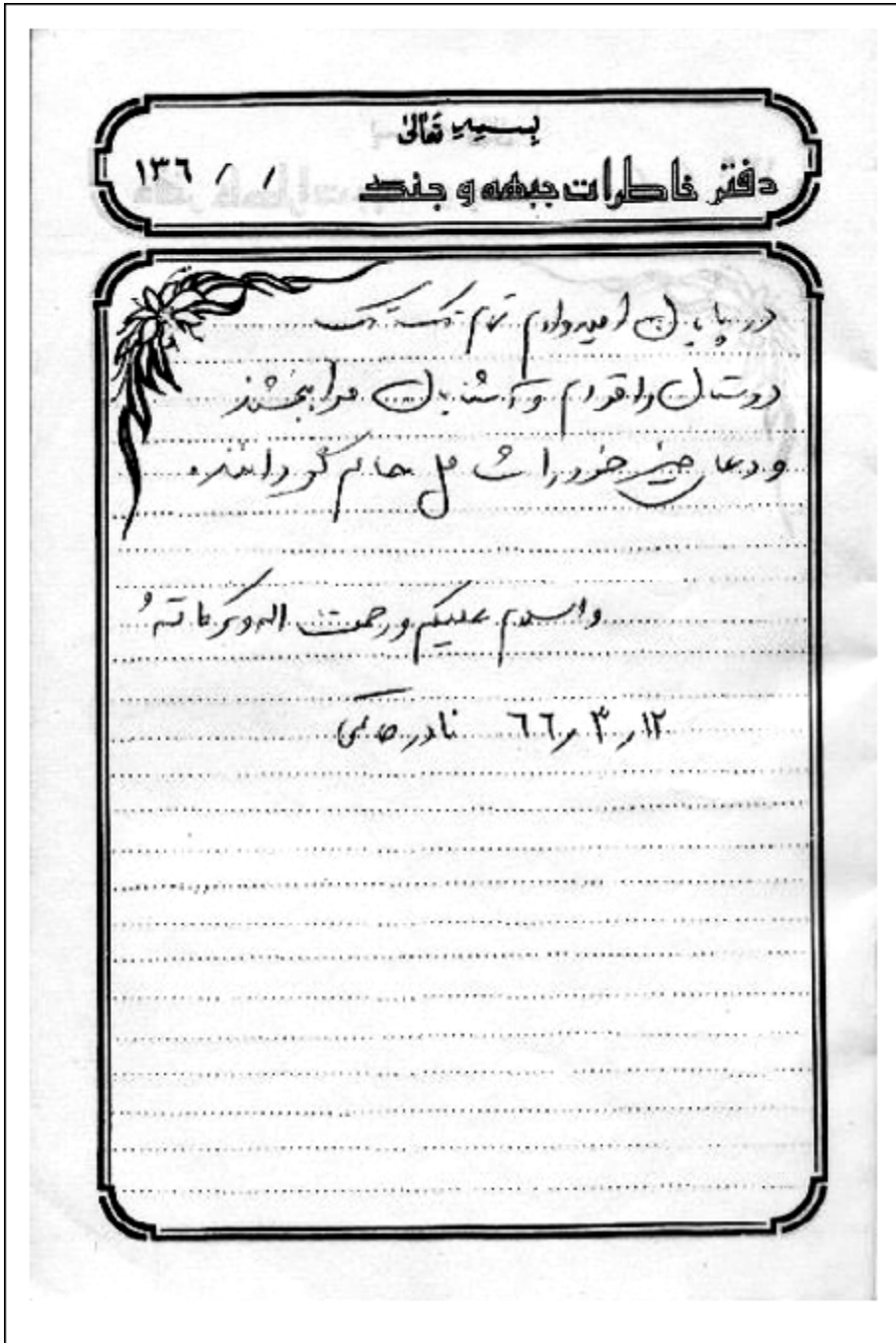
بِسْمِ اللَّهِ  
دفتر خاطرات جبکه و جنگ ۱۳۶ / /

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ای باب که حضور من ز یاد یک را بدارم و بجز بهر کاشی  
را کسب کرده ام و کز جگر لاریانم که بفرانم  
و صفت و بیا تو جگر را بهر در دستم چشم ارم  
از آسمانی چشم در دست حق علیه باطل شسته ام و  
هر کس از فضل اقبال می رود در صورت سعادت  
سرس که دل را شرف دست به شرف جسم گزرد  
از دم دریم حمید مطلق را بیدل ایم :

بدر گرامی و مادر هر چه نام از همه دارم که چندان  
شیرین شادان من صبر و پایداری که  
و بح اسم و افتخار و نام عزیز و مادر و شیر





نام: نصرت‌الله  
نام خانوادگی: حاتمی شیروانی فرد  
نام پدر: حسن  
نام مادر: فوزیه  
تاریخ تولد: هفتم دی 1347  
محل تولد: روستای نثار عمارت از توابع  
شهرستان شیروان و چرداول  
تحصیلات: دیپلم  
ارگان اعزام‌کننده: -  
تاریخ شهادت: هشتم دی 1367  
محل شهادت: کوه مانشت ایلام  
نحوه شهادت: بر اثر سرمازدگی  
مزار: گلزار شهدای امامزاده عباس  
شهرستان زادگاهش



## عبارت‌های کلیدی

- ا توشه سفر را بردارید و خود را مهیای سفر آخرت کنید.
- ا به دنبال هوی و هوس و مال‌پرستی نروید.
- ا برای رضای خداوند تلاش و کوشش کنید.
- ا کسی که برای خدا کار کند، خداوند حقیقتش را ضایع نخواهد گذاشت.
- ا نماز و روزه به پای دارید که پایه‌های دین شماست.
- ا دل هر چه سبک‌تر گردد به رحمت ایزدی (خداوند) نزدیک‌تر می‌شوید.
- ا قرآن چراغ و نوری است که هدایت می‌کند شما را.
- ا سعی کنید که دل‌هایتان با نور قرآن آشنا شود.
- ا حال شما ملت ایران، با خون‌هایتان اسلام را زنده کردید.
- ا به نماز جمعه و جماعت اهمیت فراوان بدهید.
- ا بر شماست که جبهه‌ها را پر نمایید و سنگر مساجد و مدارس را خالی نگذارید.
- ا در دعا‌هایتان همیشه امام را دعا کنید.
- ا امیدوارم که پشتیبان روحانیت باشید.

## نصرت‌الله حاتمی شیروانی فرد

بسم الله الرحمن الرحيم

«إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ لَمْ يَرْتَابُوا وَجَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ»<sup>1</sup>

سپاس و ستایش خداوندی را که بر عالم روزی بخشید و نعمت فراوان را در اختیار عالم گذاشت و بر مسلمین کتاب قرآن قرار داد و انبیا را واسطه قرار داد تا انسان‌ها بتوانند به کمال حقیقی برسند و جهانی قرار داد تا انسان‌ها توشه سفر خود را بردارند و به دنبال آخرت (معاد) بروند. پس توشه سفر را بردارید و خود را مهیای سفر آخرت کنید و زندگی خود را در آنجا شروع کنید و به دنبال هوی و هوس و مال پرستی نروید که در آنجا بازپرسی هست و برای رضای خداوند تلاش و کوشش کنید؛ کسی که برای خدا کار کند، خداوند حقیقتش را ضایع نخواهد گذاشت. پس نماز و روزه به پای دارید که پایه‌های دین شماست، زیرا با نماز و روزه است که منقلب می‌شوید و شما را از شیطان دور می‌رانند. آری، دل هر چه سبک‌تر گردد به رحمت ایزدی (خداوند) نزدیک‌تر می‌شوید. سعی کنید در زندگی‌تان از قرآن استفاده کنید، زیرا قرآن چراغ و نوری است که هدایت می‌کند شما را و سعی کنید که دل‌هایتان با نور قرآن آشنا شود.

خدایا سمیع و بصیری، آه دل من را می‌شنوی و خبر داری دردم را. خودت می‌دانی می‌خواهم چگونه بیان کنم که زندگی‌ام تمام با گناه و فساد به سر برده‌ام و قلبی ناپاک و عمری از گناه تباهی به سر برده‌ام و بر در لطف و کرم تو آمده‌ام. تو خودت به ضعف من رو کن و مرا از امتحانات نجات بده. خدایا، هر چه به توشه سفر خودم می‌نگرم چیزی جز گناه نمی‌بینم. خدایا، از تو می‌خواهم در این راه کمکم کنید، من جز تو کسی را ندارم و امید من به درگاه تو است.

1- حجرات/ 15. ترجمه «محصراً مؤمنان واقعی آن کسانی که به خدا و رسول او ایمان آوردند و بعداً هیچ‌گاه شک و ریبی به دل راه ندادند و در راه خدا با مال و جانشان جهاد کردند. اینان به حقیقت راستگو هستند».

و حال شما ملت ایران، با خون‌هایتان اسلام را زنده کردید و قلب امام امت را شاد کرده‌اید و دشمن را از کشورتان بیرون راند[د]. امیدوارم که با کمک امام عزیز بتوانید کشورمان را [به] کشوری واقعاً اسلامی و حسینی تبدیل نمایید و دست چپاولگران و زورگویان را از سر کشور مظلومتان دور نمایید، مخصوصاً شما امت شهیدپرور ایلام که تحمل مشکلات زیادی در جنگ نموده‌اید و در بمباران‌ها شهدای زیادی را تقدیم نموده‌اید و با همین شهدایتان اسلام را تقویت می‌نمایید و به نماز جمعه و جماعت اهمیت فراوان بدهید و صف‌های نماز جمعه را فشرده‌تر و وسیع‌تر نمائید و این بزرگ‌ترین ضربه‌ای است که به زورگویان وارد می‌آید.

شرق و غرب می‌خواهند به کشورتان ضربه وارد نمایند، بر شماست که جبهه‌ها را پر نمایید و سنگر مساجد و مدارس را خالی نگذارید و در کارهایتان از خدا کمک بجویید و در دعاهایتان همیشه امام را دعا کنید. دشمن در صدد است که میان شماها امت واحده پیامبر تفرقه بیندازد، می‌خواهد میان شما و روحانیت تفرقه بیندازد، امیدوارم که پشتیبان روحانیت باشید. دشمن خارجی و داخلی در میان شما نفوذ نکنند.

بر شماست که دست مستضعفین را بگیرید و فریاد مظلومیت خود را از این گوشه دنیا به آن گوشه جهان و کل جهان برسانید[د] و به خانواده‌های مستضعف کمک کنید. بگذارید همیشه هم صدا فریادهایتان هم‌سطح به گوش ستمگران برسد تا در آنها احساس وحشت شود.

و شما پدر و مادر عزیز و گرامی‌ام، زحمات فراوانی کشیده‌اید، از شما کمال تشکر را دارم. بنده که هیچ کاری برای شما نکرده‌ام و حق بزرگی بر گردن فرزندتان دارم. من برای شما جز اسباب زحمت نبودم. خداوند شما را بدون اجر نخواهد گذاشت شما تا فرزندی را بزرگ کرده‌اید، زحمت‌های زیادی را به‌خرج داده‌اید، اما من از شما شرمنده و خجل‌م که کاری برای شما نکرده‌ام.

از شما می‌خواهم که در حق این حقیر دعا کنید که من از یاران حسینی قرار گیرم. امیدوارم در دعاهایتان امام عزیز را دعا کنید و قدر او را هم بدانید و او را تنها نگذارید. او هم برای شما خانواده‌های محترم دعا می‌کند. به نماز اهمیت فراوان بدهید و در پرورش دیگر فرزندان کوشا باشید.



و از شما پدر و مادر، برادران، خواهران و دیگر اقوام و دوستان طلب حلالیت<sup>1</sup>  
می‌خواهم.

«والسّلام»

پسر حقیر شما، حاتمی

خدایا خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگه‌دار.

---

1- در اصل وصیت «هلالت».



نام: نعمت‌الله  
نام خانوادگی: حرمی  
نام پدر: یارمحمد  
نام مادر: عصمت  
تاریخ تولد: دهم تیر 1328  
محل تولد: روستای سلطانقلی سفلا از  
توابع شهرستان شیروان و چرداول  
تحصیلات: در حد خواندن و نوشتن  
ارگان اعزام‌کننده: بسیج  
تاریخ شهادت: بیست‌ونهم بهمن 1359  
محل شهادت: میمک  
نحوه شهادت: اصابت ترکش  
مزار: گلزار شهدای امامزاده پیرحمزه  
شهرستان زادگاهش



## عبارت‌های کلیدی

- ۱ خداوند تنها نعمتی که می‌تواند به من بدهد، عطا کردن شهادت است.
- ۱ بزرگ‌ترین آرزویی که دارم شهادت در راه خاک و بوم و اسلام عزیز و رهبر عالیقدر است.
- ۱ زیر بار ظلم و ستم نروند.
- ۱ از فرزندان عزیز می‌خواهم که همیشه برای اسلام زندگی کنند و نگذارند کشور ما دیگر زیر این بار ستم ابرقدرت‌ها رود.

## نعمت‌الله حرمی<sup>1</sup>

### بسم الله الرحمن الرحيم

[سلام]<sup>2</sup> بر شهیدان حق از حسین (7) و شهدای کربلا تا شهدای جنگ تحمیلی ایران. خداوند تنها نعمتی که می‌تواند به من بدهد، عطا کردن شهادت است و بزرگ‌ترین آرزویی که دارم شهادت در راه خاک و بوم و اسلام عزیز و رهبر عالیقدر است. تنها وصیت من به برادران ایرانی مخصوصاً کشاورزان عزیز این است که راه من را ادامه دهند و دیگر اینکه زیر بار ظلم و ستم نروند. از فرزندان عزیز می‌خواهم که همیشه برای اسلام زندگی کنند و نگذارند کشور ما دیگر زیر این بار ستم ابرقدرت‌ها رود. مرگ بر صدام خائن [و] نوکر امریکا.

«والسلام»

---

1- در بالای وصیت تایپی آمده است: «وصیت‌نامه شهید نعمت‌الله حرمی».

2- در اصل وصیت خوانا نیست اما به سیاق عبارت باید واژه «سلام» باشد.

" بسمه تعالی "

وصیت‌نامه شهید نعت‌الله حریمی



مرکز اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

خداوند تنها نعمتی که می‌تواند به من بدهد عطا کردن شهادت به من است و بزرگترین آرزویی که دارم شهادت در راه خاک و بوم و اسلام عزیز و رمیسم عالیقدر است .  
تنها وصیت من به برادران ایرانی مخصوصاً " کاشانیان عزیز این است که راه من را ادامه دهند و دیگر اینکه زیر بار ظلم و ستم نروند .  
از فرزندان عزیزم خواهم که همیشه برای اسلام زندگی کنند و نگذارند کشور ما دیگر زیر بار ستم و ابر قدرتها رود . سرگ بر صد ام خائن توکیر امیرکاس

" والسلام "

نام: سایه  
نام خانوادگی: حسینی پور  
نام پدر: حسین  
نام مادر: لوکه  
تاریخ تولد: سوم آذر 1338  
محل تولد: روستای چم کبود از توابع  
شهرستان آبدانان  
تحصیلات: بیسواد  
ارگان اعزام کننده: -  
تاریخ شهادت: نوزدهم اسفند 1363  
محل شهادت: دهلران  
نحوه شهادت: اصابت ترکش  
مزار: گلزار شهدای شهرستان زادگاهش



## عبارت‌های کلیدی

- ۱ امام را تنها نگذارید.
- ۱ دستورات امام را با جان و دل قبول و به آنها عمل کنید.
- ۱ خون شهیدان را محترم شمارید و در خط آنان از هیچ چیز کوتاهی نکنید.
- ۱ پسرم وصیتم به شما این است که هرگز از خط اسلام خارج نشو.
- ۱ پسرم راه پدر خویش را در پیش گیر و از خون همسنگران او دفاع کن.

## سایه حسینی پور

## بسم الله الرحمن الرحيم

به نام آنکه جان‌ها را آفرید و جان‌ها در حیطة قدرت اوست، سخن را آغاز می‌کنم، سخنی که سرچشمه از مکتب مولای شهیدم حسین (7) گرفته و سخنی که مرا آرامش<sup>1</sup> می‌بخشد.

صحبت خود را ابتدا با شما مردم قهرمان و شهیدپرور ایران شروع می‌کنم و از شما می‌خواهم که امام را تنها نگذارید و در همه موارد دستورات امام را با جان و دل قبول و به آنها عمل کنید. خون شهیدان را محترم شمارید و در خط آنان از هیچ چیز کوتاهی نکنید.

وصیت خود را به خانواده خویش چنین آغاز می‌کنم: همسرم صبور باش و هرگز در غم شهادت من ناراحت نباش، که از ناراحتی تو دشمن شاد و خوشحال می‌شود و این خود موفقیتی برای دشمن به شمار می‌رود. لذا توصیه من به شما این است که هرگز گریه نکنید و اگر گریه می‌کنید برای سردار شهیدان حسین (7) گریه کنید و چون زینب (3) صابر باش و با جدیت و قلبی مملو از ایمان از بچه‌ها نگهداری کن و به وظیفه خود طوری عمل کن که خدای زینب (3) از شما خشنود گردد. پسرم وصیتم به شما این است که هرگز از خط اسلام خارج نشو گرچه می‌دانم توانائی رفتن به جبهه را نداری، ولی با این وجود هر آنچه را که از دست برمی‌آید انجام بده، گوش به فرمان رهبر خود باش و از خواهر کوچکت مواظبت کن و راه پدر خویش را درپیش گیر و از خون همسنگران او دفاع کن و سعی کن با فرزندان دیگر شهدا دوست شوی و با آنان رفت و آمد داشته باشی و در آخر نسبت به مادرت مهربان باش.

نام: امید  
نام خانوادگی: حسینی  
نام پدر: جمشید  
نام مادر: نیم‌طلا  
تاریخ تولد: دهم خرداد 1345  
محل تولد: روستای نادرآباد از توابع  
شهرستان مهران  
تحصیلات: در حد خواندن و نوشتن  
ارگان اعزام‌کننده: سپاه  
تاریخ شهادت: سوم بهمن 1364  
محل شهادت: چنگوله  
نحوه شهادت: اصابت ترکش  
مزار: گلزار شهدای بخش صالح‌آباد  
شهرستان زادگاهش



## عبارت‌های کلیدی

- ۱ راه شهدا و هدف شهدا را فراموش نکنید این مهم میسر نیست مگر در سایه پیروی از خط امام.
- ۱ قلبم برای یاری امام و دینم و امت اسلامی می‌تپد.



امید حسینی<sup>1</sup>

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ رَبِّ الشَّهَدَاءِ وَ الصِّدِّيقِينَ

«وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزُقُونَ»<sup>2</sup>

با سلام به محضر مبارک ولی عصر (عج الله) و نایب برحقش امام خمینی و درود به ارواح مطهر شهدای اسلام و امت قهرمان ایران. اکنون که این وصیت‌نامه را می‌نویسم قلبم برای یاری امام و دینم و امت اسلامی می‌تپد و خداوند تفضل عنایت فرماید که قدم و قلبم [ما] تا آخرین نفس برای رضای او در خدمت اسلام عزیز باشد. [...] <sup>3</sup>مسلمان همیشه یار امام باشید و راه شهدا و هدف شهدا را فراموش نکنید.

این مهم میسر نیست مگر در سایه پیروی از خط امام. [و] تو ای خدای تعالی خود می‌دانی که برای رضای تو آمدم و خود فرمودی که حق را یاری کن پس در موعد وفای به عهدت به فضل و نصرت تو امید داریم.

اما <sup>4</sup>مادر گرامی گرچه فرزندی خدمتکار برای شما نبودم و احیاناً شما را رنجانده‌ام ولی امید عفو دارم و از شما می‌خواهم مرا ببخشید و دست بر پهنه خاک گذاشته و مرا حلال کنید اگر در راه خدا کشته شدم مادر ترا به خدا برای من گریه و زاری کمتر کنید و باعث شادی دشمنان<sup>5</sup> می‌شود زیرا من راضی نیستم و بدانید که من از خدا بودم و به فضل کرم او [...] <sup>6</sup>است و به نزد او می‌روم.

1- در بالای صفحه نوشته شده است: «وصیت‌نامه پاسدار قرآن شهید امید حسینی».

2- آل عمران/ 169. ترجمه: «البته نپندارید که شهیدان راه خدا مرده‌اند، بلکه زنده‌اند به حیات ابدی و در نزد خدا متمتع خواهند بود». در اصل وصیت «قتلو».

3- خوانا نیست.

4- در اصل وصیت «امام».

5- در اصل وصیت «دشمنان».

6- خوانا نیست.

برادران و خواهران، مرا ببخشید و اما<sup>1</sup> همسرم، شاید من در طول ایام وصال همسری شایسته برای تو نبودم امیدوارم مرا ببخشید و اما<sup>2</sup> تمام اقوام<sup>3</sup> و خویشان و آشنایان و دوستان شما را به خدا قسم می‌دهم<sup>4</sup> همه مرا [را] حلال و هر کس به هر عنوانی بر من حقی دارد برای رضای خدا مرا عفو کنید و انشاءالله همیشه در نمازها مخصوصاً نماز شب، مرا فراموش نکنید اگر به خدا من در این راه به آرزویم که شهادت است برسم و از انقلاب و جمهوری اسلامی [...] <sup>5</sup>بیشتر و قاطع‌تر در حمایت از نظام تلاش کنید.

«والسلام»<sup>6</sup>

64/10/30

امید حسینی

- 
- 1- در اصل وصیت «امام».
  - 2- در اصل وصیت «امام».
  - 3- در اصل وصیت «قومان».
  - 4- در اصل وصیت «می‌دم».
  - 5- خوانا نیست.
  - 6- در اصل وصیت «وسلام».

بِسْمِ رَبِّ الشَّهَادَةِ وَالسُّوْفِيَّةِ  
در اول الحسین الذی قتل فی صبیح الیوم انما بل اجداد غنور بهم برزقون  
باسلام به جعفر معارف ولی محمود معج ۷، منایب برحقش نام حسین و درود به ارواح  
صبر و طهر شهیدای اسلام و است قهرمان ایران اکنون که این وصیت نامه را می نویسم  
تقدم برای یاری انام و دینم و است اسلامی می قید و خداوند تو فضل عنایت فرماید  
که قدم و پیام ما را آخرین نفسی برای رضای او در خدمت اسلام عزیز باشد

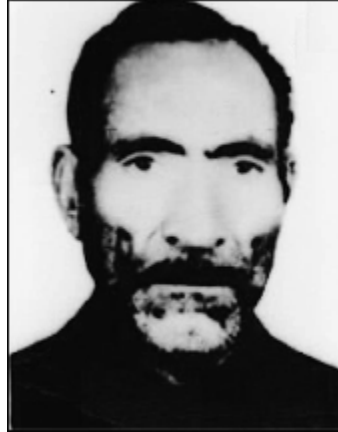


صفحه ۴

ایمان همیشه یار ایام باشید و راه شهداد و هدف شهداد را  
 هرگز فراموش نکنید این هم میسر نیست مگر در سایه پیروی از خط ختم ایام و قوال  
 ای خدای تعالی خودی دانی که برای رضای تو آمدیم و خود تو بودی که حق را برای  
 کن پس در موعد وفائی به عهدت به فضل و قدرت تو امید داریم ایام مادر تو ای  
 گرچه فرزندی خدمتکار برای شما نبودم و احیاناً شما را رنجانده ام ولی امید خود دارم  
 در شما می خواهم مرا ببخشید و دست بریده هایم را آغوشه و بر اعلا کند آنگاه  
 در راه خدا گذشته بشوم مادر تو را خدا برای من تو به وزاری کمتر کند و بابت شادی  
 دشمنان می خرد زیرا من راضی نیستم و مواخذه که من از خدا بدم و به فضل تو  
 او بیشتر است و به نودا و میروم بود در آن وقت احوال مرا ببخشید و ایام هم  
 شاید من در طول ایام و مهال هوسری شایسته برای تو نبودم امید دارم مرا ببخشید  
 و ایام تمام تو جان و خوشحال و آتشهایی و دستهای شما را بجا قسم میدهم هرگز  
 را حلال و هر کس به هر عنوانی بر من حقی دارد برای رضای خدا مرا عفو کنید  
 و انشاء الله همیشه در میان ما محرومی صابا ر شب، ما ذراتش و بگویم بر خدا انجا  
 من در این راه به آرزویم که تقاضای الهی بپرسم و از انقادی و جمهوری اسلامی  
 در این بیشتر در قاطع تر در می بینم از نظام دناش کنید بزرگوار است

امید حسینی

نام: رحمان  
نام خانوادگی: حسینی  
نام پدر: سلیمان  
نام مادر: نقره  
تاریخ تولد: دهم شهریور 1314  
محل تولد: شهرستان مهران  
تحصیلات: در حد خواندن و نوشتن  
ارگان اعزام کننده: بسیج  
تاریخ شهادت: بیست و نهم خرداد 1367  
محل شهادت: زادگاهش  
نحوه شهادت: اصابت گلوله  
مزار: گلزار شهدای بخش صالح آباد از  
توابع همان شهرستان



## عبارت‌های کلیدی

- ا خدایا به ما توانایی بده تا بتوانیم از اسلام و آب و خاک و وطنمان پاسداری کنیم.
- ا غیر از عدالت و شرع اسلام چیزی را نپذیریم.
- ا خدایا، به من توانایی بده که با دشمنان اسلام تا سرحد شهادت مبارزه کنم.
- ا حقیر جان را فدای اسلام خواهم کرد.
- ا به فرمان امام امت به پا خاسته‌ام و از حق و حقیقت تا جان در بدن دارم دفاع خواهم کرد.
- ا اهل بیت رسول خدا با یزیدیان و دشمنان دین خدا جنگیدند و زیر بار ظلم نرفتند و تا مرز شهادت پایداری نمودند، ما هم، که پیروان آنها هستیم.
- ا از شما تقاضا دارم که فرزندانمان و برادراتان همه و همه را به جبهه‌های حق علیه باطل بفرستید.
- ا از هیچ کس هنگام اعزام جلوگیری نکنید تا به جبهه بیایند و از اسلام دفاع کنند.
- ا چون خودمان این جمهوری اسلامی را خواسته‌ایم و باید خودمان اداره کنیم.
- ا ادامه‌دهنده راه شهدای صدر اسلام و شهدای انقلاب اسلامی باشید.

## رحمان حسینی

### بسم الله الرحمن الرحيم<sup>1</sup>

به نام خدایی که جان را می‌دهد و جان را می‌ستاند و همه آفریده او هستیم و اوست خالق خلق و [السموات] الارض.<sup>2</sup> خدایا، تو به وجود آوردی<sup>3</sup> همه نوع انس و جن<sup>4</sup> و بشر. خدایا، من در<sup>5</sup> راه تو گام برداشته و از تو کمک می‌خواهم که در راه اسلامت دفاع کنم و دشمنانت را سرکوب نمایم. خدایا، به ما توانایی بده تا بتوانیم از اسلام و آب و خاک و وطنمان پاسداری کنیم و غیر از عدل [و] عدالت و شرع اسلام چیزی را نپذیریم.<sup>6</sup> خدایا، به من توانایی بده که هدفم دفاع از آرمان اسلام و مسلمین باشد و با دشمنان اسلام تا سرحد شهادت مبارزه کنم که جنگ با دشمنان دین خود یک نوع عبادت واجب است در راه دین خدا و قرآن مجید! بلی، بنده حقیر جان‌نثار،<sup>7</sup> گام در راه دینم نهادم. خدایا، تو خود ما را یاری کن تا بتوانیم با دشمنانت بجنگیم و در راهت جان فدا کنیم. بنده حقیر جان را فدای اسلام خواهم کرد و به فرمان امام امت به پا خاسته‌ام<sup>8</sup> و از حق و حقیقت تا جان در بدن دارم دفاع خواهم کرد و تنها آرزویم این است. خدایا، تو خود می‌دانید و آگاه هستید و مشاهده می‌کنید که این بنده‌ات چه هدفی دارد. برادران و خواهران و مسلمانان، در هر کجا هستید خود اطلاع دارید همان‌طوری که اهل بیت رسول خدا با یزیدیان و دشمنان دین خدا جنگیدند و زیر بار ظلم نرفتند و تا مرز شهادت پایداری نمودند، ما هم، که پیروان آنها هستیم، باید در برابر دشمنان سستی نکنیم و به مبارزه ادامه دهیم؛ همان‌طوری که امام امت

---

1- در بالای وصیت‌نامه آمده است: «وصیت‌نامه پاسدار رشید اسلام برادر رحمان حسینی».

2- در اصل وصیت «العرض».

3- در اصل وصیت «آوردی».

4- در اصل وصیت «جنس».

5- در اصل وصیت «از».

6- در اصل وصیت «نپذیرم».

7- در اصل وصیت «جاننثار».

8- در اصل وصیت «به پا خواسته‌ام».

فرمود چه کشته شویم و چه زنده بمانیم پیروز هستیم.<sup>1</sup> برادران و خواهران، پدران و مادران عزیز، به شما عرض می‌کنم و از شما تقاضا دارم که فرزندانان و برادراتان همه و همه را به جبهه‌های حق علیه باطل بفرستی [د] و از هیچ کس هنگام اعزام جلوگیری نکنید تا به جبهه بیایند و از اسلام دفاع کنند، چون خودمان این جمهوری اسلامی را خواسته‌ایم و باید خودمان اداره کنیم و چون از طرف دشمن به ما تجاوز شده، باید جلوی آن را گرفت. بسیج شوید دست در دست هم تا نابودی حزب بعث<sup>2</sup> حاکم بر عراق از پا نشینید.<sup>3</sup> برادران و خواهران عزیز، ادامه‌دهنده راه شهدای صدر اسلام و شهدای انقلاب اسلامی باشید.

«و[ال]سلام»

وصیت‌نامه را در تاریخ 61/4/15 در جبهه مهران نوشتم و در تاریخ 67/3/7 دوباره در جبهه مهران آن را تجدید نمودم.

رحمان حسینی

---

1- صحیفه امام، ج 4، ص 492. اصل سخن امام این است: «چه کشته شویم چه بکشیم حق با ماست. ما اگر کشته هم شویم در راه حق کشته می‌شویم، پیروزی است و اگر بکشیم هم در راه حق است و پیروزی است».

2- ر.ک. تعلیقات.

3- در اصل وصیت «نشینید».

نام - پاسدار رشید اسلام بیادر رحمان حسینی

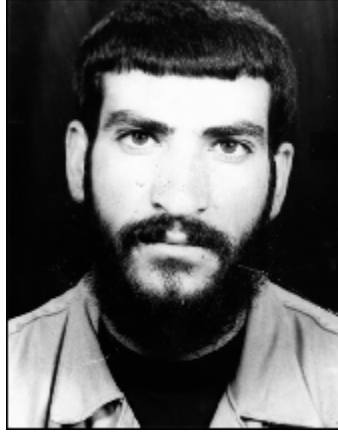


مرکز استان ایلام

بسم الله الرحمن الرحيم - بنام خدایي که جان را می دهد و جان را می ستاند  
 و همه را می گرداند و همه را دوست خالق و معبود العرش . خوابا تا بوجود آورد  
 همه نوع انبی جنسی و بشر - خوابا من از راه تو گام برداشته و از تو کمک می خواهم که  
 در راه اسلامت دفاع کنم و دشمنانت را سرکوب فرمایم خوابا به ما قرآنی ده تا بتوانیم از اسلام و آداب  
 خاکه و طمانی پاسداران کنیم و غیر از عدل عدالت و شرع اسلام عینت را بنیز داریم خوابا بین قرآنی  
 بود که هر دم دفاع تو آرمان اسلام و مسلمین باشد و ما دشمنان اسلام تا سرخوشی دست مبارک تو  
 که طلب ما دشمن دینی خود یک نوع عبادت واجب است در راه دینی خوابا قرآن مجید یکنه حقیر  
 جان شکر تمام در راه دینم بنیادم خوابا تا خود ما را یاری کنی تا بتوانیم با دشمنانت بجنگیم و در راه  
 جان فدایم بنده حقیق جان را فدای اسلام خواهم کرد و به فرمان امام است یا خواسته ام و از حق  
 حقیقت تا جان در بدن دارم دفاع خواهم کرد و تنها آن روزم این است خوابا تا خود من دانید و نگاه  
 بسید و شاهده می کنید که این بنده است چه خدمت دارد . بیاداران و خواهران و مسلمانان در هر لحاظی  
 خود اطلاع دارید ما نظری که اهل بیت رسول خدا با یزدیان و دشمنان دین خدا جنگیدند و در زیر بار ظلم  
 رفتند و کاسر شهیدان و یارهای خود شدند ما هم که پیروان آنها هستیم باید در برابر دشمنان سستی نکنیم  
 . مبارزه امام همام ما نظری که امام است فرمود چه گفته شویم و چه روزه ما بنیم میرز هستیم بیاداران و  
 داهران بدان و ما در آن عزیزان مشا هستند که هم از شما تقاضا داریم که فرزندان ما را بیاداران هر چه راه جبهه  
 بی طلب باطل نیستی و از هیچ کس هتاک اندام جلوتیری نکنید تا جبهه بیاداران اسلام دفاع کنند چون  
 خودمان این جمهوری اسلامی را خواسته ایم و باید خودمان (دوره کنیم و چون از طرف دشمن به ما تجاوز  
 دره با یزدیان جلوتی آنی را که دست میچیند دست در دست هم تا نمودن ضربت بیست حاکم بر عترت و فرزندان  
 اوران و خواهران عزیز اوامه دهنه راه شهیدان صدر اسلام و شهدای انقلاب اسلام باشد و سلام  
 وصیت ما معارف تاریخ 10 13 14 در جبهه معرکه نهم و در تاریخ 7 13 14 دوباره در جبهه معرکه آن را  
 خودی نمودم - رحمان حسینی



نام: سیدموسی  
نام خانوادگی: حسینی  
نام پدر: سیدنورالدین  
نام مادر: نصرت  
تاریخ تولد: سوم تیر 1341  
محل تولد: روستای هرمزآباد از توابع  
شهرستان مهران  
تحصیلات: دیپلم  
ارگان اعزام کننده: سپاه  
تاریخ شهادت: بیست و ششم مهر 1363  
محل شهادت: میمک  
نحوه شهادت: اصابت ترکش  
مزار: بخش صالح آباد شهرستان زادگاهش



## عبارت های کلیدی

- ا این را بدان که حساب پروردگار خیلی دقیق است.
- ا زندگی دنیا چند لحظه ای بیش نیست. همان طور که با چشم خود دیده ایم.
- ا دوستان و برادران سپاهی و غیر سپاهی: امام را تنها نگذارید.
- ا به هوش باشید که هوس ها و وسوسه ها شما را به زندگی دنیا مشغول نکند.
- ا پیوسته با نماز اول وقت و دعا و قرآن سروکار داشته و مستداما تا زمان مرگ ادامه دهید.
- ا خدای نخواستہ انقلاب اسلامی از دستتان نرفته، او را ارج نهدید.
- ا من با اراده و با خواست و اصرار زیاد به جبهه آمدم.
- ا قبرم را هم سطح زمین ساده درست کنید، زیرا من با سادگی انس زیادی داشتم.
- ا در مرگم شیون و زاری و بی تابی نکنید.
- ا همیشه دعاگوی امام خمینی و یارانش باشید.
- ا این را هم بدانید که نجات در راه حق است.

## سیدموسی حسینی

### بسم الله الرحمن الرحيم

### به نام خداوند هستی بخش و جهان آفرین

پس از حمد و ثنای پروردگار و با شکر و ارج نهادن به این همه نعمت‌هایی که به ما ارزانی داشته که هم فکر، هم زبان [و] هم قلم از بیان آنها عاجز و ناتوانند. نیروهای جان‌برکف اسلام (گردان خیبر) آماده و به‌خط شده‌اند که توضیحات مسئول گردان را بشنوند؛ به‌همین علت خیلی سریع و تند چند خط کوتاه را به‌عنوان وصیت به خانواده و دوستانم می‌نویسم: همسر خوب و مهربانم، ضمن سلام امیدوارم که در مرگم صبور و طمأنینه<sup>1</sup> به خرج دهید و بی‌تابی و شیون و زاری در میان مردم نکنی. در صورتی که در میان مردم شیون و زاری کنی، در روز حساب و روز قیامت باید جوابگو باشید. این را بدان که حساب پروردگار خیلی دقیق است و زندگی دنیا چند لحظه‌ای بیش نیست. همان‌طوری که با چشم خود دیده‌ایم که گذشتگان ما، دوستان ما، فامیل و از اقوام و دیگران چشم از جهان بسته‌اند و به دیار آخرت رفته و هرگز برنگشته‌اند، پس بی‌تابی نکن و از اینکه نتوانستم شوهر خوبی برای شما باشم از شما عذر می‌خواهم و امیدوارم که خداوند به شما صبر و اجر عطا فرماید.

و اما پدر و مادرم؛ برای شما نیز فرزند خوبی نبودم و حتی گوشه‌ای از زحمات شما [را] جبران نکردم، پس مرا حلال کنید و از خدا برایم طلب مغفرت و آمرزش نمایید. اما دوستان و برادران سپاهی و غیر سپاهی: امام را تنها نگذارید. ای کسانی که می‌گویید «ای کاش ما در زمان امام حسین (7) بودیم و در راه او کشته می‌شدیم»<sup>2</sup> این حسین زمان (امام خمینی) و این هم کربلای ایران، پس به‌هوش باشید که هوس‌ها و وسوسه‌ها شما را به زندگی دنیا مشغول نکند. پیوسته با نماز اول وقت و دعا و قرآن سروکار داشته و

1- در اصل وصیت «طمأنینه».

2- ترجمه این فراز از زیارت اول امام حسین (7) است «یا لیتنی کنت معکم فافوز فوزاً عظیماً»، (فرهنگ عاشورا، جواد محدثی، ص 511).

مستداماً تا زمان مرگ ادامه دهید. تا خدای نخواستہ انقلاب اسلامی از دستتان نرفته، او را ارج نهید و پاسداری‌اش کنید که حسرت بعدی فایده‌ای و سودی ندارد. من با اراده و با خواست و اصرار زیاد به جبهه آمدم. در حالی که از مأموریت گیلان برگشته بودم عازم مأموریت دیگری، حمله‌ای که انشاءالله در پیش است، شدم تا دین خود را هرچند کم به انقلاب و جمهوری اسلامی ادا کرده باشم.

امیدوارم که خداوند رحمان قلم عفو بر جرائم اعمال و خطاهای گذشته‌ام بکشد و مرا از تواین قرار دهد. از همه برادران و دوستانی که علاقه‌ای به این بنده حقیر دارند استدعا دارم برای بنده فاتحه و خیرات دیگری که برایشان میسر است بفرستند که خداوند به همه شما اجر عنایت فرماید. ضمناً در میان ساک بنده لباس‌های برادر حیدر حسنی از فرخ‌آباد مهران و برادر عیسی آستوی از معاودین ایلام وجود دارد که به خانواده‌های ایشان یا انشاءالله به خودشان تحویل گردد. بنده حدود چهار هزار تومان خمس دارم که از حقوق ماهیانه‌ام کم و به نماینده امام امت بدهید و حقوق بنده هم نصفش به همسرم و نصف دیگر به پدر و مادرم تعلق دارد. (تا زمانیکه همسر خودش بخواهد و ازدواج نکرده باشد) خود همسرم در انتخاب ازدواج مختار می‌باشد. نکته‌ای که فراموش کردم در وصیت‌نامه ذکر نمایم راجع به فرزند آینده‌ای است که انشاءالله خدا به ما عطا می‌فرماید؛ اگر دختر بود، پیشنهاد می‌کنم که اسم او را رقیه بگذارید و در تربیت او در وهله اول مادرش و در مراحل بعدی پدر و مادرم مسئول هستند که او را همانند سه ساله امام حسین (7) تربیت کنند که مورد رضای خدا واقع گردد و اگر پسر بود، پیشنهاد می‌کنم اسم او را عبدالله بگذارید و او را تربیت صحیح و اسلامی نموده [و] با ایثار و فداکار او را بار بیاورید و اگر اسم‌های دیگری هم گذاشتید، خودتان مختار هستید. اگر جسد من به دستتان رسید، هر جا که خودتان مایلید و برایتان آسان است دفن کرده و قبرم را هم سطح زمین ساده درست کنید، زیرا من با سادگی انس زیادی داشتم و همیشه سعی‌ام براین بوده که ساده باشم و ساده زندگی کنم. باز هم به شما توصیه می‌کنم که در مرگ شیون و زاری و بی‌تابی نکنید که من راضی نیستم همیشه دعاگوی امام خمینی و یارانش باشید و مطمئن باشید که اینان برحق‌اند و اگر بعضی از کارگزاران دولتی کارشکنی می‌کنند دوروبری از امام و یاران نزدیکش می‌باشد و این را هم بدانید که نجات در راه حق است. من آزادانه و آگاهانه این

راه را انتخاب نموده‌ام، امیدوارم که دوستان و همه کسانی که این جملات به گوششان می‌رسد راه این بنده حقیر [را]، که راه الی الله است، ادامه داده و سلاح خونین ما را زمین نگذارند. انشاءالله

خدایا خدایا تا انقلاب مهدی (عج الله) حتی کنار مهدی (عج الله)، خمینی را نگه‌دار، رزمندگان اسلام نصرت عطا بفرما.

خدایا مرا ببخش و قلم عفوت را بر گناهان و خطاهای اعمالم بکش، الهی آمین یا رب العالمین.

سیدموسی حسینی

63/7/24

بسم الله الرحمن الرحيم

بیام خطه بند هستی پیش و جهان آفرین .

پس از حدود نای پروردگار و با شکر و طرح نیا دن به اینجه نصیحت میکنم که به جا ابرای دانسته که هم نگر هم زبان  
 هم قلم از زبان آنها عاجز و ناتوانند. نیروهای جان برکت (اسلام دگرگران خیر) آماده و به خط شعله ای  
 که تو فرمایات ... قول کردان را بخوند به همین علت خیلی سردی و تند چند خط کوتاها را بعنوان وصیت  
 به خانواده و دوستانم میفریسم. همه خوب و صبر باشم همین سلام امیدوارم که در مگم عبور  
 و تمام نیست به خرج دهد و هیچ جای عقوبت و نزاری در میان مردم لکنی در صورتیکه در میان مردم  
 شیون و نزاری کنی در روز حساب و روز قیامت باید حوا نگویاشید انبار بدان که حساب پروردگار  
 خیلی تصیق است و زندگی دنیا چله لحظه ای بیش نیست ها نظور که با چشم خوب دیده ایم که که در جهان  
 ما درستان ما فانیل اولنا اقراریم و ما دیگران چشم از جهان فرستاده اند چه دیگر آخرت نیست  
 و هر عز بر گفته اند پس بر تاین کمن و از اینکه تو استم شود هر خورن برای تقابا تم (شما)  
 و ذری خواهد و امید دارم که خداوند به شما صبر و اجر عطا فرماید و ما پدر و مادرم برای شما  
 نیز فرزندان خوب نبودم و حتی گویشای از زحمات شما جبران نکردم پس صراحتا آن کفیه و  
 از خدا برایم طلب مغفرت و آمرزش بماند و اما درستان و برادران سیاهی و غیر سیاهی  
 اصاح را تنها نگذردی کسی که هر کوفته ای کاتس ما رغان (امام حسین) بودم و در  
 راه او کشته می شدیم اسع حسین زان (امام حسین) و اسن هم کربلای (برای ایمن بهوش با شکر که  
 هوسا و هوسا هاستما را پس زندگی دنیا مشغول نگذردیدند تا با از صود او ز وقت و دعا و قرآن  
 در و کار دانسته و مستعدا کما زمان مرگ اراصه دهد تا خدای توانست انقلاب اسلامی از  
 دستتان برفته بعد از رخ نهید و با سذرین گفتی که حسرت نوری فایده ای و سوزی ندارد  
 من با اراده و با خلوص و اصل از زیارت جبهه آدمم در حالیکه از ما عورت گیلان برگشته بودم  
 کازم ما عورت دیگری جمله ای که نشاء... در پیش است بشاء تا دس خود را هر چند کم با انقاد  
 و جهود بر ارضی را کرده با تم امید دارم که خداوند در جهان قلم مقور بر حراتم امان و مظلوما  
 گذشتام بکنه و مراد از تو اسن قرار دهد از همه برادران و رفقایان که علاقه ای به این نبوده  
 عقیر دارند استد کا دارم برای نبیده فائده و خیرات دیگر ای که برایشان سیر است نفرستد که  
 خداوند به هشتیا اجر عنایت فرماید فضلا در میان سناک نبیده لبای برادر حیدر حسینی از  
 فرسخ آباد مهران و برادر عمیق استوی (زه عاودین) ایلام وجود دارم که به خانزاده های ایشان  
 یا از شاه... به خودشان قول کرد نبیده و حصد چها رهزار تومان نفس دارم که از حقوق  
 ماهها تمام کم و به فایده امام است بدید و حقوق نبیده هم نصفتش به همسرم و نصفت



## تعليقات

- **آبادانان:** شهرستان آبادانان از شهرستانهای تابع استان ایلام است با جمعیتی بالغ بر 49153 نفر. دارای 3 بخش و 6 دهستان تابعه است. این شهرستان در 170 کیلومتری جنوب شرقی ایلام در میان ارتفاعات دینارکوه، کبیرکوه و سیاهکوه واقع شده است.
- **ابن ملجم:** عبدالرحمن بن ملجم مرادی حمیری از خوارج و در طریقه خود متعصب بود او و برک بن عبدالله تمیمی و عمر بن بکر سعدی در خانه کعبه سوگند یاد کردند که روزی معین علی بن ابی طالب (7)، معاویه ابن ابی سفیان و عمر بن عاص را به قتل برسانند و چنین می پنداشتند که بدین وسیله رفع اختلاف مسلمانان خواهد شد. ابن ملجم در 19 رمضان سال 40 هـ.ق هنگام نماز صبح به مقصود خود نائل شد و علی (7) را هنگامی که به نماز ایستاده بود با ضربت شمشیر به شهادت رساند. پس از همان ضربه ابن ملجم بود که حضرت علی (7) فرمود: «فزت برّب الكعبه» به خدای کعبه سوگند که رستگار شدم.
- **ابوذر غفاری:** از کبار صحابه و از مؤمنین قدیم بود ابوذر در شرایط بسیار سخت آغاز نبوت پیامبر و در آن فضای بسته بر سرجمع، با آواز بانگ شهادتین بگفت. مشرکین بارها او را زدند و او کوچکترین خللی بخود بر سر اسلام راه نمی داد. ابوذر را نفی بلد کردند به ربه. در همان جا درگذشت در اوج سختی و فقر. از رسول الله

نقل است که درباره او می‌فرماید: ابوذر در امت من بزهت چون عیسی بن مریم است علیه السلام. عثمان به تحریک معاویه او را تبعید کرد. (دهخدا)

- **ابوسفیان:** صخر بن حرب بن امیر بن عبد شمس از قبیله قریش بود. پدر معاویه و یزید و عتبه و برادران دیگر داشت. در ده سال پیش از عام الفیل متولد شد. از اشراف قریش در جاهلیت بود. در جریان فتح مکه مسلمانی پذیرفت. نقل است که ابوسفیان در زیر لوای پسر خود یزید جنگ می‌کرد. برخی گویند او به زمان جاهلیت مانوی و پس از قبول مسلمانی ملجأ و کھف همه منافقین بود. ابوسفیان مردی جاه طلب بود. ابوسفیان در دوران خلافت عثمان در سال 33 هجری درگذشت. گویند سبب اصلی جنگ اُحُد و غزوه احزاب ابوسفیان بوده است. (دهخدا).

- **ابوموسی اشعری:** عبدالله بن قیس بن سلیم صحابی است از مردم قریه رمع یکی از قرای یمن و از قبیله اشعر یمن است. پیش از هجرت از یمن به مکه شد و اسلام آورد. پس از فتح خیبر به یمن برگشت. سال دهم هجرت به امر رسول (6) والی قسمتی از یمن گردید. در خلافت عمر سال 17 ه.ق والی بصره و سال 22 ه.ق حکمران کوفه شد. در خلافت علی (7) حکم گردید و عمرو بن عاص او را فریب داد. پس از آن به مکه گریخت و پس به کوفه برگشت و در همانجا درگذشت. «دهخدا»

- **اسلام فقهاتی:** تعبیر اسلام فقهاتی از حضرت امام خمینی است. شأن بیان و تأکید حضرت امام در این موضوع این است که در سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی برخی از روشنفکران که آبشخور فکریشان متون و آثار غربی بود و به نوعی اختلاط در مبانی و اصول انقلاب رسیدند. به خصوص در مسائل و موضوع‌هایی که در ادامه انقلاب با آن روبه‌رو بودند از جمله مسائل سیاسی - اقتصادی و... به نوعی گرایش و وابستگی غربی دچار شده بودند، خطر این کار این بود در ادامه دراز مدت از مبانی اصلی دوری شدند و به نوعی نگاه و تلقی از اسلام فقهاتی رنگ می‌باخت و اسلام التقاطی حاکم می‌شد. در مواردی هم نسبت به نگاه و حکم اسلام فقهاتی تردید می‌کردند. حضرت امام صریحاً اعلام کردند که اسلام ما اسلام فقهاتی و فقه ما فقه جواهری است با این موضع علمی و محکم و مستند امام تمام حرف‌ها



و تلقی‌های ناخالص یا التقاطی رنگ باخت. امام بعدها از همین اسلام در قالب اسلام ناب محمدی در برابر اسلام آمریکایی دفاع کرد و به آن اصالت بخشید (صحیفه امام، دوره 22 جلدی).

- **اسماعیل (ذبیح‌الله):** اسماعیل فرزند بزرگ حضرت ابراهیم از هاجر بود سال تولدش را 2085 قبل از میلاد نوشته‌اند. شاخص‌ترین نکته در زندگی حضرت اسماعیل این است که وقتی خداوند حضرت ابراهیم را مبنی بر میزان اطاعت و فرمانبری او از خود امتحان کرد از ابراهیم خواست که فرزندش را قربانی کند. حضرت ابراهیم بدون کوچکترین درنگ کارد بر گلوی فرزند نهاد. اما خداوند چون اخلاص ابراهیم را دید، به جای قربانی اسماعیل پذیرفت که گوسفندی قربان کند. سنت قربانی در اعمال حج تمتع به همان موضوع برمی‌گردد. حضرت اسماعیل در تجدید بنای کعبه به پدر کمک می‌کرد.

- **اتیوپی:** از کشورهای آفریقای شرقی بین سودان، کنیا، اریتره و سومالی است. پایتخت آن آدیس‌آبابا، دارای حکومت جمهوری فدرال با جمعیت هفتادوسه میلیون و پانصد هزار نفر است. سال‌ها مستعمره ایتالیا بود. در سال 1941م پس از شکست ایتالیا در جنگ دوم جهانی از مستعمره ایتالیا آزاد شد. فقر و عقب‌ماندگی میراث سال‌ها استعمار این کشور است.

- **اصطلاح چپ و راست:** این تعبیر بعد از انقلاب فرانسه رواج یافت. در مجمع ملی نمایندگان فرانسه به نمایندگان تندرو که در طرف چپ پارلمان مستقر بودند «چپ» و به نمایندگانی که در طرف راست پارلمان بودند و با تندروها مخالف بودند «راست» می‌گفتند. بعدها به گروهی که خواهان حرکت‌های تند و انقلابی بودند جناح یا جریان چپ گفتند و به گروه مقابل و مخالف این سیاست‌ها جناح یا جریان راست گفتند. این اصطلاح در سایر کشورها هم به نوعی جای خود را باز کرد و خود مصادیقی یافت. البته هر دو جریان سیاسی در ایران تعاریف خاص بومی داشتند چپ‌ها و چپگرایان و راست‌ها و راستگرایان ایران، مانند فرانسه و سایر کشورها نبودند. ادبیات سیاسی روی کار آمده و نوع تعامل این دو جناح، با

دولت‌ها و موضعگیری‌های آنان در ایران با سایر کشورها اگر نگوئیم مغایر است، حداقل باید بپذیریم که متفاوت است. «مصحح»

- **الیاس:** نام پیغمبری است مشهور و او پسر زادهٔ سام بن نوح و عمه خضر است. همراه او آب حیات خورده از این رو همیشه زنده است. الیاس از پیامبران بنی‌اسرائیل است پانزده سال دورهٔ نبوتش را نوشته‌اند. الیاس صاحب کتاب نبود. پیامبری شجاع، امین، غیور و متعصب بود. از اهالی بعلبک بود 9 قرن قبل از میلاد می‌زیست. بنی‌اسرائیل را به ترک بت‌پرستی دعوت می‌کرد ولی قوم دعوت او را اجابت نمی‌کردند و او را آزار می‌رساندند تمام خوارق عادت و معجزاتش را انکار می‌کردند. در قرآن از او چنین یاد شده است و «ان الیاسَ کمن المرسلین». (دهخدا).

- **امامزاده سیداکبر (7):** بقعه زیارتی امامزاده سیداکبر (7) در نزدیک دهلران و در مسیر دهلران به اندیمشک قرار گرفته است. امامزاده سیداکبر را پسر امام موسی کاظم (7) می‌دانند که همراه حضرت معصومه (3) به منظور دیدار از حضرت امام رضا (7) از عراق به ایران آمده است، در دهلران بر اثر بیماری فوت کرده و در آنجا دفن شده است.

- **امامزاده علی صالح (7):** این امامزاده به خاص علی نیز معروف است در 35 کیلومتری جنوب شهر ایلام واقع است. ساختمان آن قبل از دوران قاجاریه بنا گردیده. زیارتگاه هزاران نفر از اهالی استان و دیگر استان‌های هم‌جوار است. امامزاده علی صالح فرزند عبیدالله الاعرج فرزند حسین الاصفهری فرزند امام زین‌العابدین (7) امام چهارم شیعیان است و در عصر امامت امام رضا (7) می‌زیسته لقب او صالح و کنیه‌اش ابوالحسن بوده است. مزار شهدای جنگ تحمیلی در جوار این بقعه است و همین امر اهمیت آن را بیش از پیش کرده است.

- **امام موسی صدر:** پس از سفر به لیبی به دست عوامل اطلاعاتی این کشور ربوده شد. امام موسی صدر در قم به دنیا آمد و بعد از تکمیل تحصیلات خود در دانشگاه تهران به دعوت حجت‌الاسلام «سید عبدالحسین شرف‌الدین» رهبر مذهبی و انقلابی شیعیان در شهر صور راهی جنوب لبنان شد. شیعیان لبنان در آن زمان در وضعیت نامناسب سیاسی - اجتماعی و فرهنگی بسر می‌بردند از این رو امام موسی صدر در

مقام رهبری شیعیان لبنان اقدامات اساسی و مهمی در این زمینه‌ها انجام داد. او موفق شد که قانون تشکیلات مربوط به امور اسلامی شیعیان را در مجلس لبنان به تصویب برساند و سپس با رای مردم به ریاست تشکیلات امور مسلمانان انتخاب شد. اما سرانجام مرتجعان عرب که از وقوع انقلاب اسلامی در لبنان وحشت داشتند، نقشه ربودن امام موسی صدر را طراحی کردند تا از فعالیت شیعیان در خاورمیانه جلوگیری کنند، چرا که مبارزات و موفقیت‌های امام موسی را مانع از توسعه اهداف خود می‌دانستند.

- **ام لیلی (لیلا):** لیلی دختر ابومرّه ثقفی، همسر امام حسین (7) و مادر حضرت علی‌اکبر (7) از زنان فاضل عصر خویش بوده است. برخلاف آنچه مشهود است در کتاب‌های معتبر و مقتل‌ها نامی از ایشان در جریان‌ات کربلا و کوفه و شام نیست. (فرهنگ عاشورا، جواد محدثی).

- **ام وهب:** همسر عبدالله بن حباب کلبی، یکی از زنان شجاع و مجاهدی که در روز عاشورا شاهد وقایع خونین آن روز بود. ام وهب در روز عاشورا در فرستادن فرزند خود به میدان اصرار داشت و وقتی فرزندش اسیر شد، عمرسعد ملعون سرش را از تنش جدا کرد و سر را به نزد ام وهب آوردند. پس از پاک کردن خون از صورت فرزند و حمد و ستایش خداوند، سر را به سوی دشمن افکند، یعنی آنچه در راه خدا داده‌ام باز پس نخواهم گرفت (بحارالانوار، ج 17، ص 17).

- **ام‌البین:** همسر علی بن ابی طالب است. دختر عامریه از خاندان آل وعید که در روز عاشورا چهار فرزند ایشان به نام‌های (عبدالله، جعفر، عثمان و عباس) یکی پس از دیگری در رکاب امام حسین (7) شجاعانه جنگیدند تا شهید شدند.

- **ام کلثوم:** دختر علی بن ابیطالب (7) از حضرت فاطمه (3) است. بنا به مشهور به همسری عمر خلیفه دوم درآمد. در تنقیح‌المقال آمده است که ام کلثوم کنیه حضرت زینب کبری (3) دختر حضرت علی (7) است که در کربلا با برادرش امام حسین (7) همراه بود. سپس به شام و مدینه رفت. برخی گویند حضرت علی (7) دو دختر داشت که کنیه هر دو ام کلثوم بود.

• **امینی، عبدالحسین:** علامه عبدالحسین امینی معروف به علامه امینی صاحب الغدیر در سال 1320 هجری قمری در روستای سروها از توابع شهرستان سراب به دنیا آمد. خاندانش اهل علم و فضل بود. مقدمات علوم را در تبریز خواند و عاقبت از تبریز راهی نجف شد. از مراجع بزرگی چون سیدابوالحسن اصفهانی، شیخ عبدالکریم حائری، شیخ محمدحسین کمپانی اصفهانی بهره علمی برد. علاوه بر دهها اثر عمیق، دقیق و ارزشمند علمی، از جمله: کامل الزیارات، سیرتنا، سیره نبینا، شهدای راه فضیلت، مدت چهل سال عمرش را به تألیف کتاب بی مانند الغدیر در 20 مجلد صرف کرد. برای اثبات حقانیت علی (7) و خاندان عصمت و طهارت و دفاع علمی از جایگاه علمی و ولایی آنان به دهها کشور و شهر در شرایط سخت سفر کرد. در نهایت امساک و ورع و زهد بسر می برد و شبانه روز حدود 20 ساعت به تحقیق و تفحص و پژوهش می پرداخت. سرانجام در 12 تیرماه 1349 در آستانه 70 سالگی دارفانی را وداع گفت و در محل کتابخانه عمومی خود به خاک سپرده شد.

• **ان کان دین محمد:** تاکنون در هیچ کتاب و منبع معتبری یافت نشده که این عبارت «ان کان دین محمد لم یستقم الا بقتلی فیا سوف و خذینی» را به صراحت به حضرت امام حسین (7) بدانند. در موسوعه کلمات الامام الحسین (7) و در کتاب دایرة المعارف تشیع چنین آمده است. «شیخ محسن (1335-1305ق) فرزند حاج محمد حونری حائری آل ابی الحب، از اعظام خطبا و شعرای شیعه و صاحب دیوان شعری به نام الحائریات است. قصیده معروفی دارد که زبان حال همه سوگواران در مجالس حسینی است. دو بیت شعر از زبان حال ابی عبدالله الحسین (7) دارد که چنین است:

اعطیت ربی موثقاً لاینتهی      الا بقتلی فاصعدی و ذریتی  
ان کان دین محمد لم یستقم      الا بقتلی یاسیوف خذینی

• **انسان سازی:** تعبیر «انسان سازی» را حضرت امام خمینی برای قرآن و اسلام بارها و به مناسبت های گوناگون به کار برده است از آن جمله اند: «اسلام مکتب انسانی سازی است» (صحیفه امام، ج 3، ص 237). اسلام یک مکتبی است که برای انسان سازی

آمده. (صحیفه امام، ج 4، ص 8) قرآن کتاب انسان‌سازی است (صحیفه امام، ج 5، ص 326). ابرقدرت‌ها از او [مکتب اسلام] می‌ترسند. از انسان می‌ترسند و اسلام را می‌کوبند چون مکتب انسان‌سازی است. (صحیفه امام، ج 6، ص 278) رزمندگان تحت تأثیر سخنان امام این تعابیر را قلمی کرده‌اند که «جبهه‌ها کارخانه انسان‌سازی است».

- **اهل کوفه:** از آنجا که جمله مورد نظر ادامه قسمتی است که حذف شده مفهوم عبارت باید این باشد که ما نباید مثل مردم کوفه با امام عزیزمان بیعت ببندیم. مردم کوفه در تاریخ اسلام نماد و سمبل عهدشکنی و بی‌وفایی‌اند. در سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی یکی از شعارهای رایج و پرمعنی که مردم در دیدار با حضرت امام خمینی سر می‌دادند این بود که «ما اهل کوفه نیستیم امام تنها بماند». امروز هم در ملاقات‌هایی که با حضرت آیت الله خامنه‌ای صورت می‌پذیرد یکی از شعارها این است که ما اهل کوفه نیستیم علی تنها بماند.

- **ایوان:** از جمله شهرستان‌های استان ایلام است. دارای 49763 متر جمعیت و در شمال شهر ایلام قرار دارد.

- **بازرگان، مهدی:** (1286 تهران - 30 دی 1373 زنو) معروف به مهندس بازرگان، سیاستمدار، استاد دانشگاه و پژوهشگر مذهبی بود. او نخستین نخست‌وزیر ایران پس از پیروزی انقلاب 1357ش (رئیس دولت موقت) و نخستین دانشیار دانشگاه تهران بود. بازرگان، در کنار آیت‌الله شهید محمود طالقانی و یدالله سبحانی، یکی از بنیادگذاران نهضت آزادی ایران و هم‌چنین از فعالان در ارتباط با انجمن اسلامی دانشجویان در دانشکده فنی دانشگاه تهران بود. وی تحصیلات ابتدایی را در مدرسه سلطانیه تهران و متوسطه را در دارالمعلمین مرکزی به پایان رساند و سپس در سال 1306 در میان نخستین گروه محصلان ممتاز اعزامی دولت پهلوی قرار گرفت و به کشور فرانسه رفت. او در مدرسه حرفه‌وفن شهر پاریس در رشته ترمودینامیک و نساجی تحصیل کرد و پس از هفت سال در سال 1313 به ایران بازگشت. بازرگان در دادگاه نظامی حکومت طاغوت به ده سال زندان محکوم شد. در پانزدهم بهمن 1357 با حکم حضرت امام خمینی به سمت وزیری منصوب شد.

• **باهنر، محمدجواد:** (1312-1360ش) در سال 1312 در کرمان متولد شد و در سال 1342 در پی تحصیل علوم حوزوی به قم عزیمت کرد و از محضر بزرگانی چون آیت الله بروجردی، امام خمینی و علامه طباطبایی تلمذ نمود و در عین حال توانست در رشته الهیات نیز حائز درجه دکترا شود. شهید باهنر در سال 1327 به علت سخنرانی علیه رژیم اسرائیل دستگیر شد و از سال 1341 فعالیت سیاسی خود را علیه رژیم شاه آغاز کرد. پس از پیروزی انقلاب سمت‌های مهمی چون عضویت در شورای انقلاب، نمایندگی مردم کرمان در مجلس خبرگان، نمایندگی مردم تهران در مجلس شورای اسلامی و نیز وزارت آموزش و پرورش را برعهده داشت و سرانجام در 8 شهریور 1360 در حادثه انفجار دفتر نخست‌وزیری به همراه شهید رجایی به شهادت رسید.

• **بختیار، شاهپور:** در سال 1293. ه. ش در شهرکرد متولد و در سال 1370 در پاریس درگذشت. از جمله بنیان‌گذاران نهضت مقاومت ملی بود. در 16 دی‌ماه 1357 با محمدرضا شاه بر سر پست نخست‌وزیری به توافق رسید. با پذیرش نخست‌وزیری از ورود هواپیمای حضرت امام به ایران ممانعت کرد. بختیار با هماهنگی آمریکا و شاه موقتاً در آن سمت قرار گرفت تا آمریکا و عوامل داخلی و سران رژیم پهلوی بتوانند از آتش خشم ملت مسلمان و انقلابی ایران بکاهند و با تسلط مجدد شاه ایشان را مجدداً به خارج از کشور بفرستند. به اصول مذهب و اعتقادات خاصی پای‌بند نبود. بختیار در دوران کوتاه مسولیت مذکور از عهده کار برنیامد و در برابر رهبری [...] امام و طوفان خشم مردم انقلابی نتوانست دوام بیاورد. پس از 6 ماه زندگی مخفیانه در تیر 1358 به پاریس گریخت و به فعالیت علیه نظام جمهوری اسلامی پرداخت. در سال 1370 در پاریس درگذشت. بی‌تردید بختیار از مهره‌هایی بود که سال‌ها در آب نمک خوابیده بود تا در فرازی به‌عنوان یک مهره به‌درد آمریکا و شاه بخورد اما در بهمن‌ماه 1357 با اعلام بی‌طرفی ارتش شاه، عملاً دولت او سقوط کرد و از قدرت برکنار شد.

• **بلال حبشی:** بلال ابن ریاح حبشی مکنی به ابو عبدالله بود. مادر وی حماته نام داشت. مؤذن و خزانه‌دار بیت‌المال رسول خداوند (ﷺ) بود. از سابقان و پیشی‌گیرندگان

در اسلام بود. رنگ پوست او به شدت گندم‌گون بود. در غزوه‌های مختلف از قبیل بدر، احد و خندق از همراهان پیامبر اکرم (6) بود. آخرین بار هنگام رحلت پیامبر (6) اذان گفت. از آن پس برای احدی اذان نگفت. در سال 20 قمری در سن 60 سالگی در دمشق و مرض طاعون درگذشت. مجموعاً از وی چهل و چهار حدیث نقل شده است. «دهخدا»

- **بنی صدر، ابوالحسن:** متولد 1312 همدان. در بهمن سال 1358 به‌عنوان نخستین رئیس جمهوری اسلامی انتخاب شد. خیلی سریع به علت مواضع مخالف با نظام و خروج از مسیر حرکت انقلاب، هم‌صدا با منافقین و برخی مخالفان نظام به نوعی مقاومت مسلحانه علیه نظام روی آورد. عدم کفایت سیاسی او از سوی مجلس شورای اسلامی تصویب شد. با تأیید حکم مجلس، از سوی حضرت امام و اجرای حکم، خلع مسئولیت شد. از کشور گریخت و با سایر مزدوران و معاندان و مخالفان ضدانقلاب همسو شد.

- **بیت المقدس:** «قدس»، نام دیگر آن مسجدالاقصی است. مسلمانان معتقدند معراج پیغمبر اکرم (6) از آنجا آغاز شده است و به‌عنوان قبله اول مسلمانان و دومین حرم است. اسرائیل بارها در صدد تصرف آن برآمده است و قسمت‌هایی از آن را اشغال کرده است. در قدیم آن را اورشلیم می‌خواندند. یهودیان آن را پایتخت یهود می‌دانند. در آنجا پرستش‌گاه‌هایی ساخته‌اند. کوروش شاه ایرانی در سال 445 قبل از میلاد این شهر را آزاد ساخت. امروز یکی از مراکز مقاومت مسلمانان در برابر صهیونیسم متجاوز و غاصب است.

- **پادگان دوکوهه:** در حدود بیست کیلومتری شهر اندیمشک واقع شده است. این پادگان در اصل خانه‌های سازمانی پادگانی از ارتش به همین نام بود که در شمال این ساختمان‌ها قرار دارد و مرکز پشتیبانی نیروی زمینی ارتش است و در دوران دفاع مقدس به‌طور موقتی در اختیار تیپ 27 محمد رسول‌الله قرار گرفت که بعدها به لشکر ارتقا یافت و تا پایان جنگ در همین مکان و ساختمان‌ها مستقر بودند و اکنون نیز در اختیار همان لشکر است.

- **پاریس:** پایتخت و شهر معروف فرانسه واقع بر ساحل رود سن و فاصله کمی از ملتقای دو رود «سن و مارن» مرکز حکومت فرانسه و اسقف‌نشین آن. یکی از قدیمی‌ترین و زیباترین شهرهای اروپایی غربی و دارای موزه‌ها، کتابخانه‌ها و مؤسسات علمی، ادبی و هنری است. پاریس مهم‌ترین بندر داخل فرانسه است و یکی از بزرگ‌ترین مراکز جواهرسازی جهان است.
- **پایگاه:** منظور پایگاه‌های بسیج و مقاومتی بود که از دوران دفاع مقدس به‌عنوان مراکز پشتیبانی و جذب نیرو تحت مدیریت و فرماندهی بسیج تشکیل شده است. بی‌تردید مردمی‌ترین مراکز نظامی و انتظامی در روزگار ماست که با ابتکار حضرت امام خمینی به‌عنوان فرمانده کل قوا تشکیل شد.
- **تنگه چزابه:** نام منطقه‌ای است در استان خوزستان. این تنگه در شمال غربی بستان و در راه جاده‌ای است که از مرز به بستان کشیده شده است. در دو سوی این تنگه تپه‌های شنی و هورهوریزه جای گرفته‌اند. جاده‌ای در خاک ایران، چزابه را به فکه و جاده‌ای دیگر این منطقه را به العماره در عراق می‌پیوندد. دهانه این تنگه نیز نزدیک به یک‌ونیم کیلومتر می‌باشد. از نقطه‌ای دید رزمی بسیار استراتژیک می‌باشد. در روند جنگ ایران و عراق تنگه چزابه یکی از پنج محور تازش عراق به ایران بود. عراق این منطقه را در دست داشت تا اینکه در عملیات طریق‌القدس در آذر 1361 ایرانیان این نقطه را بازپس گرفتند.
- **جالوت:** جباری در فلسطین، چون طالوت به پادشاهی بنی‌اسرائیل رسید آنان با جالوت و قوم او جنگیدند. اشموئیل نبی با طالوت موافق بود. جالوت در جنگ کشته شد و قوم او هزیمت کردند.
- **جبهه ملی:** از احزاب سیاسی ایران بود که نطفه اولیه آن از دوران فعالیت‌های دکتر محمد مصدق بسته شد. این سازمان تاکنون به علت نوسانات مختلف بیش از پنج بار تجدید حیات کرده است. فعالیت‌های این جبهه به علت تعارض و مواضع مخالف با نظام جمهوری اسلامی غیرقانونی اعلام شده است. در سال‌های دفاع مقدس نهضت آزادی و سایر تشکل‌های سیاسی جزو مخالفان جدی جنگ بودند.



وابستگی شدید آنان به جریان‌های سیاسی - حقوقی غرب، مواضعشان را از نظام جمهوری اسلامی بسیار دور کرده است. (مصحح)

- **جزیرهٔ مجنون:** منطقه‌ای است در استان بصره عراق که در نزدیکی میدان نفتی مجنون و شهر قرنه قرار دارد. دو رود دجله و فرات در این منطقه به هم می‌پیوندند و سرچشمه اروندرود را پدید می‌آورند. این منطقه از آن‌رو مجنون (دیوانه) نامیده شده است که به گونه‌ای دیوانه‌وار حجم عظیمی از منابع نفتی را در یک منطقه محدود جغرافیایی جای داده است. از سال 2009 کنسرسیومی از وزارت نفت عراق، رویال داچ شل و پتروناس استخراج آن را برعهده گرفته‌اند. در جریان جنگ ایران و عراق در سال 1362 این منطقه در پی عملیات خیبر به دست نیروهای ایرانی افتاد و ایران بر اتوبان العماره مسلط شد ولی یک‌سال بعد نیروهای عراقی آن را بازپس گرفتند.

- **جهاد اصغر:** اشاره دارد به حدیث مشهوری از پیامبر نقل شده است: «قال امیرالمومنین علیه‌السلام: ان رسول الله صلی الله علیه و آله بعث سربه فلما رجعوا قال: مرحبا بقوم قضوا الجهاد الاصغر و بقى عليهم الجهاد الاكبر قيل: يا رسول الله و ما الجهاد الاكبر؟ قال: جهاد النفس ثم قال صلی الله علیه و آله: افضل الجهاد من جاهد نفسه التی بین جنیه (الامالی ص 553)، ترجمه: گفت امیرالمومنین (7) که رسول خدا (6) گروهی را به مبارزه با کفار فرستاد و هنگامی که بازگشتند فرمود: مرحبا به گروهی که جهاد کوچک‌تر را به انجام رساندند و جهاد بزرگ‌تر برایشان باقی ماند. گفته شد: جهاد بزرگ‌تر چیست؟ فرمود: جهاد نفس، سپس فرمود: بهترین جهاد را کسی انجام می‌دهد که با نفس خویش، که در کنار دارد، جهاد می‌کند.

- **جوانرود:** نام قدیم منطقه‌ای است متشکل از شهرستان‌های جوانرود (قلعه جوانرود)، پاره، روانسر و ثلاث باباجانی در استان کرمانشاه است. مرکزیت این منطقه در طول تاریخ آن اکثراً قلعه جوانرود بوده است اما با اضافه شدن بخش‌هایی از اورامان لهون به مرکزیت شهر نوسود از اواخر دهه سی شمسی اورامانات خوانده شد. جوانرود از شمال به اورامان لهون و پل دو آب، از جنوب به سرپل ذهاب، از شرق به کرمانشاه و از غرب به خاک عراق متصل است. زبان مردم این منطقه کُردی (سورانی با

گویش جافی و اورامی) است. در آغاز انقلاب متأسفانه این منطقه جولانگاه گروهک‌های ضد انقلاب بود و بسیاری از پاسداران انقلاب اسلامی در منطقه جانورود توسط عوامل شرق و غرب به شهادت رسیدند.

• **چریک‌های فدایی خلق:** سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران، در سال 1350 برای مبارزه با رژیم پهلوی فعالیت خود را شروع کرد. از آغاز از جهت خط‌مشی وابسته به شرق بود. اندیشه مارکسیسم دانست به علت خیانت‌های متعدد و اعلام جنگ مسلحانه علیه نظام جمهوری اسلامی ایران غیرقانونی و منحل شناخته می‌شود. با سقوط ابرقدرت شرق (شوروی سابق) پایگاه اصلی خود را از دست داد. وابستگی شدید این تشکیلات به شرق آن روز و اندیشه مارکسیستی و عدم شناخت از ایران و مردم اسلام، آنها را به انزوا و نابودی کشید. «مصحح»

• **چریک‌های فدایی خلق، گروه پیکار:** این گروه کوچک از دل سازمان مجاهدین خلق (سازمان منافقین هکی) زاییده شد. ایدئولوژی اسلام را به مارکسیسم نینیم تغییر داد. تحت تأثیر شدید کشورهای کمونیستی و بلوک شرق در سال 1351 در انشعابی ایدئولوژیک عملاً مارکسیست شدند. سازمان پیکار برخلاف برخی از احزاب و جریان‌های چپ مارکسیستی در برابر نظام جمهوری اسلامی ایران موضع مخالف گرفت. برنامه‌ای در زمان دولت موقت مشابه برنامه جمهوری دموکراتیک خلق چین ارائه دادند. نشریه‌ای به نام پیکار چاپ می‌کردند. حتی اشغال لانه جاسوسی آمریکا را که امام آن را انقلاب دوم می‌دانست تأیید نکردند. انتخابات ریاست جمهوری را تحریم کردند. در برابر انقلاب اسلامی مَشی مسلحانه را پیش گرفتند. این سازمان به گروه اقلیت و اکثریت تقسیم شد. شدیداً از سوی امت مسلمان و انقلابی مورد تنفر بودند و به‌علت مخالفت با نظام جمهوری اسلامی از صحنه سیاسی ایران حذف شدند. برخی از افراد آن نیز به کشورهای بیگانه پناهنده شدند. (مصحح)

• **چمران، مصطفی:** در سال 1311 در خیابان 15 خرداد تهران متولد شد. تحصیلات خود را در مدرسه انتصاریه پامنار آغاز کرد و در مدارس دارالفنون و البرز دوران متوسطه را گذراند. وی در دانشکده فنی دانشگاه تهران ادامه تحصیل داد و در سال 1336 در رشته الکترونیک فارغ‌التحصیل شد. در سال 1337 با استفاده از بورس تحصیلی

شاگردان ممتاز به آمریکا اعزام شد و با درجه ممتاز علمی از دانشگاه برکلی مدرک دکترای خود را در رشته الکترونیک و فیزیک پلاسما اخذ نمود. وی در زمان اقامت در آمریکا، انجمن اسلامی دانشجویان آمریکا را تأسیس کرد که این اقدامات منجر به قطع بورسیه وی توسط رژیم شاه شد. شهید چمران از ابتدای نوجوانی از محضر اساتیدی چون مرحوم آیت‌الله طالقانی و شهید آیت‌الله مرتضی مطهری استفاده کرد. با آنکه او در آمریکا یکی از دانشمندان مطرح محسوب می‌شد، اما بدون توجه به این درجه علمی از آمریکا به مصر رفت و دوره آموزش نظامی را در آنجا تعلیم دید و از آنجا رهسپار لبنان شد و با کمک امام موسی صدر، سازمان امل را براساس اصول و مبانی اسلام پی‌ریزی کرد. این شهید بزرگوار از قلب بیروت تا قله‌های بلند کوه‌های جبل عامل و در مرزهای فلسطین اشغال شده از خود قهرمانی‌های بسیاری به یادگار گذاشته است. با پیروزی انقلاب پس از 21 سال دوری از وطن به ایران بازگشت و تمام تجربیات خود را در اختیار انقلاب اسلامی قرار داد. پس از حضور وی و خاتمه دادن غائله کردستان، از سوی حضرت امام (؛) به وزارت دفاع منصوب شد. او پس از چندی به نمایندگی حضرت امام خمینی (؛) در شورای عالی دفاع منصوب شد. با شروع جنگ تحمیلی با تشکیل گروه‌های داوطلب و استفاده از رزمندگان مخلص به جنگ‌های نامنظم و چریکی با ارتش بعثی در مناطق جنوب پرداخت و موفقیت‌های بسیاری را نیز کسب کرد. این شهید بزرگوار سرانجام در 31 خرداد 1360 بر اثر اصابت ترکش خمپاره در منطقه دهلاویه به فیض شهادت نائل آمد. شهید چمران نماینده مردم تهران در دوره اول مجلس شورای اسلامی نیز بود.

- **چنگوله:** از جمله مناطق مهم از استان ایلام است که عراق در پنج روز اول جنگ، بعد از شهریور 1359، در حمله سراسری خود آنرا به اشغال خود درآورد این منطقه هم سال‌ها در اختیار نیروهای عراقی بود. در عملیات والفجر 5 سپاه پاسداران عملیاتی با رمز یا زهرا (3) را در تاریخ 1362/11/27 اجرا کرد. در این نبرد چند روزه اهداف پیش‌بینی شده تحقق یافت و مناطق مهمی نظیر بندپیرعلی، تنگه و بلندی‌های چنگوله و جفعاesگر و... آزاد شدند.

- **چوار:** از جمله بخش‌های تابع شهرستان ایلام است دارای تفرجگاه زمستانی، قنات و نیز قبور باستانی موسوم به لاشکن است.
- **حبیب بن مظاهر:** از اصحاب رسول خدا و امیرالمومنین علی (7) بود و در جنگ جمل و صفین و نهران کنار امام علی (7) جنگید. حبیب از کسانی بود که برای امام حسین (7) نامه نوشت و هنگامی که مسلم بن عقیل، نماینده امام، به کوفه رسید، در منزل مختار به حمایت از او سخن گفت. او به همراه مسلم بن عوسجه در کوفه برای امام حسین (7) بیعت می‌گرفت و در واقعه عاشورا همراه دیگر یاران آن حضرت به شهادت رسید. (دهخدا)
- **حرین یزید ریاحی:** سردار طلیعه سپاه عبیدالله بن زیاد بود. روز عاشورا به ناگهان به سپاه اباعبدالله حسین بن علی (7) پیوست، در رکاب او به یوم الطف شهادت یافت. او را اول قتیل روز عاشورا به کربلا می‌دانند. بعدها حُر به عنوان نماد آزادگی مشهور شد. یقیناً وجود فطرت پاک حُر در تغییر موضع او و خروج از صف باطل و پیوستن به صف حق بسیار مهم بوده است. (دهخدا).
- **حزب بعث عراق:** (به عربی: حزب البعث العربی الاشتراکی) نام حزبی سیاسی بود که با کودتای سال 1347 (1968م) که منجر به حکومت درازمدت حزب بعث شد بر سر قدرت آمد. مبانی نظری این حزب بر پان عربیسم، نوسازی اقتصادی و سوسیالیسم استوار بود. صدام حسین تکریتی یکی از اعضای برجسته حزب بعث محسوب می‌شد که پس از پیروزی انقلاب اسلامی به‌عنوان عامل دست آمریکا و با همکاری و حمایت سایر قدرت‌ها به قصد تجربه ایران و شکست و جلوگیری از صدور انقلاب اسلامی به ایران حمله کرد. پس از تلفات و خسارات بسیار به دو کشور جای پای آمریکا و لشکرکشی و حضورش را در منطقه باز کرد. و سرانجام از ایران و نیروهای رزمنده ایران به تعبیر حضرت امام سیلی خورد که هرگز از جایش برنخواست. این حزب در طول تاریخ در خدمت اهداف استکبار بوده است از هر دو جریان شاخص شرق و غرب. «مصحح».
- **حزب توده:** این حزب در مهرماه 1320 تأسیس شد. در ابتدا به جهتی که چندین نفر از افسران ارتش شاه به عضویت این حزب درآمده بودند، تحت تعقیب قرار گرفتند و

به مجازات‌های حتی اعدام رسیدند. در طول حیات دچار انشعاب‌هایی شد. از قوی‌ترین تشکیلات سیاسی ایران بود که متکی بر خط و مشی سیاسی - سوسیالیستی بود. شدیداً وابسته به مشی سیاسی حزب کمونیست شوروی بودند و به تصورشان رسیدن به جامعه‌ای مانند شوروی سوسیالیستی تنها راه نجات ایران بود. با وجودی که به ظاهر خودشان را با نظام جمهوری اسلامی همراه می‌دانستند، اما هرگز نمی‌توانستند به لحاظ مشی سیاسی - عقیدتی با حکومتی که متکی بر اسلام و توحید بود همراه باشند. برخی از سران تئوریسین این حزب به جهت مخالفت با نظام اسلامی دستگیر و پس از تبیین جایگاه نظام، نسبت به عملکرد خود احساس شرمساری و حتی ندامت کردند، تا آنجا که احسان طبری به‌عنوان مغز متفکر تئوریسین شاخص این حزب از راه‌های رفته این حزب در طول تاریخ ایران به «کج‌راهه» یاد کرد. به علت موضع‌گیری‌های مخالف اهداف نظام جمهوری اسلامی ایران فعالیت این حزب غیرقانونی اعلام شده است. (مصحح)

• **حزب جمهوری اسلامی:** مهم‌ترین تشکل مسلمانان انقلابی، با محوریت روحانیت محسوب می‌شد. در 29 اسفند 1357 اعلام موجودیت کرد. بنیان‌گذاران آن روحانیونی چون آیت‌الله دکتر بهشتی، آیت‌الله عبدالکریم موسوی اردبیلی، آیت‌الله اکبر هاشمی‌رفسنجانی، آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای و دکتر محمدجواد باهنر بودند. علاوه بر هیأت مؤسس، آقایان شهید حسن آیت، اسدالله بادامچیان، دکتر عبدالله جاسبی، مهندس میرحسین موسوی، آقای مهدی کروی، حبیب‌الله عسگراولادی، دکتر سید محمود کاشانی، مهدی عراقی و علی درخشان از اعضای شورای مرکزی حزب بودند. با انفجار دفتر مرکزی حزب در 7 تیر 1360، تعدادی از اعضای اصلی حزب شهید شدند. پس از آن فاجعه، در 8 شهریور هم دکتر باهنر شهید شد. از آن زمان بود که عملاً حزب تعطیل شد. دبیر کل حزب پس از شهید بهشتی و شهید باهنر، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای شد. این حزب در دوران کوتاه حیات و فعالیت خود در سازمان‌دهی نیروهای انقلاب نقش شایان توجهی را ایفا می‌کرد و در اکثر استان‌ها دارای دفتر نمایندگی بود. تشکل‌های سیاسی چپ و ملی‌گرا حزب

جمهوری اسلامی را به عنوان اصلی ترین رقیب سیاسی خود تا قبل از تعطیلی محسوب می کردند.

• **حسینی بهشتی، سید محمد:** (1360-1307ش) در محله لومبان اصفهان به دنیا آمد و

تحصیلات خود را تا دوم متوسطه در آن شهر ادامه داد و پس از چندی در پی تحصیل علوم حوزوی راهی شهر قم گردید و چندی بعد برای تحصیل در رشته الهیات وارد دانشگاه شد و توانست تحصیلات خود را تا اخذ درجه دکتری ادامه دهد. دکتر بهشتی پس از فراغت از تحصیل، فعالیت گسترده خود را در آگاهی نسل جوان و نیز شرکت در فعالیت های سیاسی و مبارزاتی در رژیم پهلوی آغاز کرد و پس از انقلاب، پس از فعالیت های بسیار گسترده در تمام ابعاد اجتماعی و سیاسی و مذهبی، در هفتم تیرماه 1360 در انفجار دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی، به دست عناصر کوردل منافق به همراه یاران خود به شهادت رسید.

• **حسینیه جماران:** این حسینیه توسط سید ابراهیم جمارانی در دهکده ای به نام جماران

وقف شده است. در سال 1355 توسط اهالی دهکده بازسازی شد. تولید این حسینیه با حجة الاسلام امام جمارانی بود. از سال 1358 در اختیار حضرت امام خمینی قرار گرفت. این حسینیه محل دیدارها، ملاقات ها، سخنرانی ها و تمام مراسمی بود که مردم با امام داشتند. پس از استقرار امام در این حسینیه بود که وجهه و شهرت جهانی یافت. حتی برخی از شعرا به تناسب سکونت امام از امام به «پیر جماران» یاد می کردند.

• **حضرت علی اصغر:** فرزند شیرخوار امام حسین (7) بود که روز عاشورا از شدت

تشنگی بی تاب شده بود. امام حسین (7) وقتی تمام یاران را از دست داد، خطاب به دشمنان گفت: «ان لم ترحمونی فارحموا هذا الطفل» در همین حال که فرزند روی دست امام بود، حرمه تیری به سوی فرزند پرتاب کرد که گوش تا گوش علی اصغر (7) را شکافت و خون گلوی او را به آسمان پاشید. علی اصغر را باب الحوائج، طفل رضیع، شش ماهه، شیرخواره نیز می نامند. (فرهنگ عاشورا، جواد محدثی)

• **حضرت علی اکبر:** فرزند ابی‌عبدالله الحسین (7) بود و در سال 43 قمری در مدینه متولد شد. جوانی خوش چهره، زیبا و خوش‌زبان و دلیر بود. از جهت سیرت و خلق‌وخوی و صباحت رخسار شبیه‌ترین مردم به پیامبر اکرم (6) بود. علی اکبر (7) در روز عاشورا در کنار پدرش امام حسین (7) فعالانه به مبارزه می‌پرداخت. وی نخستین شهید بنی‌هاشم در روز عاشورا بود. نقل است که در نبرد روز عاشورا تا دویست تن از سپاه عمر بن سعد را به هلاکت رساند. پس از آنکه توسط مرتبه بن منقذ عبدی بر فرق مبارکش ضربه‌ای وارد آمد، دشمن جرأت پیدا کرد به او هجوم آورد. پس از آن توسط دشمن آماج تیغ شمشیر و نوک نیزه‌ها قرار گرفت و مظلومانه به شهادت رسید. در مورد سن شریف وی برخی 19 سال و برخی 25 سال نوشته‌اند.

• **حضرت قاسم:** قاسم (7) فرزند امام حسن (7) در واقعه عاشورا از امام حسین (7) اذن میدان گرفت. به قدری نوجوان بود که زره و لباس جنگی اندازه‌اش نبود. شجاعانه جنگید و توسط عمر بن نفیل اسدی به شهادت رسید.

• **حمزه:** عموی پیامبر مکرم اسلام (6) که به اسدالله و سیدالشهدا معروف است. او از اهالی محترم در بین قبیله قریش بود و به قدرت شکار شیر مشهور بود. (مربوط به بخش پنجم حمزه ص 576)

• **خامنه‌ای، آیت‌الله سیدعلی:** از شاگردان فقهی، اصولی و پیروان مشی سیاسی - مبارزاتی حضرت امام خمینی هستند. قبل از انقلاب، به‌عنوان یکی از مبارزان شاخص خطه خراسان فعالیت‌های چشمگیری داشت. بارها از سوی رژیم پهلوی بازداشت و چندین سال به ایرانشهر تبعید شدند. از اعضای شورای انقلاب بودند. مسئولیت‌های مهمی چون سرپرستی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، امام جمعه تهران، نماینده امام در شورای عالی دفاع، نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی، حضور فعالانه در جبهه‌های جنگ، ترور توسط منافقین در 1360، رئیس جمهوری اسلامی پس از شهادت شهید رجایی، رئیس شورای عالی انقلاب فرهنگی، رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام را بر عهده داشت. سرانجام در 14 خرداد 1368، پس از رحلت حضرت امام خمینی، توسط مجلس خبرگان رهبری به رهبری نظام جمهوری

اسلامی ایران انتخاب شدند. از آن تاریخ تاکنون با شایستگی تمام هدایت امت مسلمان ایران را عهده دار شد. (مصحح)

• **خلقی‌ها:** پس از پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی ایران گروه‌های متعدد متکثری که اکثراً وابسته به کشورها و قدرت‌های دیگر بودند با شعار دفاع از حقوق خلق ایران مانند قارچ قد کشیدند. به هر بهانه‌ای برای مسئولین نظام جمهوری اسلامی مانع تراشی می‌کردند. هریک با پسوند مُضائی از جمله خلق مسلمان، خلق کرد، خلق عرب، خلق ترکمن، خلق قهرمان، خلق زحمتکش، خلق مستضعف، خلق انقلابی به فریب برخی از افراد پرداخته حتی در مقابل نظام جمهوری اسلامی با بهانه‌های واهی قد علم کردند. به‌خصوص با اشغال لانه جاسوسی آمریکا مشخص شد بسیاری از آنها مزدور بیگانگان بوده و در جهت اهداف دشمنان انقلاب اسلامی فعالیت می‌کردند. یکی از این گروهک‌ها هم سازمان مجاهدین خلق بود که از همان آغاز پیروزی انقلاب اسلامی با پیگیری خط نفاق به مواضع معاندانه با نظام پرداختند و سرانجام در درون جنگ و پس از آن به‌عنوان سرسپردگان مزدور آمریکا کاملاً در خدمت اهداف آمریکا و صهیونیست‌ها به دشمنی آشکار و مسلحانه در مقابل نظام جمهوری اسلامی پرداختند. اشاره شهیدان به این گروهک‌های به اصطلاح «خلقی» است. (مصحح)

• **خمینی، آیت‌الله حاج سیدمصطفی:** در آذرماه 1309ش در قم به دنیا آمد و پس از گذراندن دوران ابتدایی، در 16 سالگی به تحصیل علوم اسلامی روی آورد. وی از سال 1330 در درس خارج پدر فرزانه خویش و آیت‌الله بروجردی حاضر شد و از محضر آیات عظام علامه طباطبایی، سیدمحمد محقق داماد، شیخ مرتضی حائری و سیدمحمدباقر سلطانی طباطبایی بهره برد. ایشان از سال 1341 همراه با امام به مبارزه با رژیم پرداخت. پس از تبعید امام به ترکیه ایشان نیز به آنجا و سپس راهی عراق شدند و به تحصیلات حوزوی ادامه دادند، ایشان از همان‌جا نیز شیوه‌های نوین مبارزه با شاه را دنبال می‌کرد و مشاوری برجسته و متعهد برای امام بود. در نجف، مدتی به دلیل کوشش‌هایی که علیه رژیم ضد اسلامی عراق انجام داد دستگیر شد و او را به شدت از فعالیت‌های سیاسی منع کردند. سرانجام آیت‌الله مصطفی



خمینی در اول آبان 1356ش برابر با 9 ذی القعدة 1397 ق در 47 سالگی به شکل مرموزانه‌ای به شهادت رسید. برخی از آثار به جای مانده شهید گرانقدر عبارتند از: مکاسب محرمة در 2 جلد، مبحث اجاره تفسیر قرآن کریم در 3 مجلد، تحریرات فی الاصول و چند اثر دیگر.

• **خوارج (مارقین):** نام فرقه‌ای است از مسلمانان که بعد از جنگ صفین و مسئله حکمیت به مخالفت خلیفه وقت برخاستند. به علی (7) اعتراض کردند که چرا به حکمیت گردن نهاده‌ای و فرقه‌ای شدند و به مخالفت علی (7) پرداختند. روزبه‌روز به شمار آنان افزوده شد. یک‌بار در حزورا گرد آمدند، با علی (7) جنگ‌بند و شکست سختی از حضرت علی (7) خوردند. در دوره بنی‌امیه قدرت بسیار به دست آوردند. به دو قسمت شدند قسمتی در عراق و فارس و کرمان تسلط پیدا کردند و دسته‌ای در جزیره‌العرب. این فرقه در عهد امویان یکی از مشکلات بزرگ دولت اسلامی بودند. در نهروان هم بین آنها و حضرت علی (7) جنگ افتاد و سرانجام شکست خوردند. در آخر یکی از خوارج نهروان به‌نام عبدالرحمن ابن ملجم، علی (7) را در مسجد کوفه در حین نماز به شهادت رساند. (دهخدا، با تلخیص).

• **دانشجویان مسلمان پیرو خط امام:** پس از پیروزی انقلاب اسلامی، عوامل داخلی استکبار جهانی به‌خصوص امریکا به کارهای ایدایی، توطئه، آشوب و تفرقه، ترور و حتی طرح کودتا و تخریب شخصیت‌های انقلاب و شایعه‌پراکنی متعدد می‌پرداخت. به تحریک قومیت‌ها و ناامنی در برخی مناطق از جمله کردستان و گنبد و مناطق مرزی و غیره می‌پرداخت. دانشجویان متعهد و انقلابی با تیزهوشی متوجه شدند این جریان‌ها باید یک مرکز فرماندهی و اطاق فکر داشته باشد پس از بررسی دریافتند که سرخ همه این مخالفت‌ها و دشمنی و تحرکات ضد انقلابیون در سفارت امریکا است. عده‌ای از دانشجویان متعهد، جان برکف و انقلابی و شجاع را که برای خنثی کردن شیطنت‌های امریکا حاضر بودند شهادت را به جان بخرند به‌عنوان «دانشجویان مسلمان پیرو خط امام» هم پیمان شدند و با نوشتن وصیت‌نامه با شور انقلابی به سفارت امریکا حمله کردند. سفارت امریکا را اشغال، و اسناد و مدارک

بسیار مهم و ارزشمندی از به اصطلاح سفارت امریکا به دست آمد. با وجودی که اسناد مهمی را در داخل سفارت خُرد کردند اما بعدها با حوصله و شکیبایی خارق العاده مدارک رشته رشته شده را کنار هم گذاشتند کوس رسوایی امریکا و بسیاری از عوامل داخلی و خارجی آن زده شد. از آن تاریخ به بعد به سفارت آمریکا «لانه جاسوسی» می گویند. ضمناً امام خمینی با وجود مخالفت آقای مهدی بازرگان به عنوان نخست وزیر، حرکت انقلابی دانشجویان را انقلاب دوم نامید. دانشجویان مسلمان پیرو خط امام در آن برهه خدمت بزرگی به انقلاب اسلامی کردند. (مصحح)

- **داود:** از انبیاء بنی اسرائیل بود که سلطنت را هم در خور جمع ساخت. در سال 1071 یا 1086 قبل از حضرت مسیح در بیت لحم متولد شد. ابتدا شبانی گوسفندان ایشا می کرد. در 15 سالگی دختر طالوت را نامزد کرد. بسیار خوش صدا بود. چون زبور خواندی، از خوش آوازی او مرغان هوا فرود می آمدند. در سال دوازدهم سلطنت او خداوند لقمان را حکمت داد و لقمان سی سال در خدمت داود نبی بود. داود استعداد فطری عالی داشت. با سخاوت و عدالت و تقوی و شجاعت و دلیری و ثبات حلم رفتار می کرد. زره را نیک می ساخت. (دهخدا)
- **در مسلخ عشق جز نکو را نکشند:** این شعر را پس از انقلاب به افراد متعدد نسبت دادند. از زندان سیاسی مخصوص افرادی که از سوی رژیم طاغوت اعدام می شدند تا برخی از شاعران. اما تاکنون مشخص نشده است شاعر و سراینده واقعی این شعر حماسی و مقاومت در ساحت مبارزات سیاسی کیست.
- **درّه شهر:** از شهرستانهای تابع استان ایلام است با 58961 نفر جمعیت. دارای 3 بخش و 3 روستای تابع است. این شهر در جنوب شرقی ایلام در منتهی الیه دامنه شمالی کبیرکوه در فاصله حدود 4 کیلومتری جنوب رودخانه سیمره، در فاصله 125 کیلومتری از ایلام واقع است.
- **دستغیب، عبدالحسین:** (1292-1360ش) فرزند مرحوم آقا سید محمدتقی دستغیب، در خانواده اهل علم و تقوا دیده به جهان گشود. تا سن 12 سالگی مقدمات علوم را نزد پدر فرا گرفت و سپس در شهر شیراز به تکمیل علوم حوزوی و نیز اقامه نماز

جماعت در مسجد باقرخان و تبلیغ احکام دینی و افشای ظلم و ستم دستگاه طاغوت و استبداد رضاخانی همت گماشت. بر اثر افشاگری‌های این عالم مجاهد، رژیم وی را مجبور به جلائی وطن و هجرت به نجف اشرف کرد. او بعد از سقوط رضاخان در سال 1321، دیگر بار به ایران مراجعت کرد. مصادف با مبارزات امام خمینی در سال 1342، به امام پیغام فرستادند که حاضر به همکاری در نهضت هستند و در مدت تبعید و زندانی شدن امام، شهید دستغیب نقش رهبری استان فارس را برعهده داشتند؛ تا آنجا که در سال 1356 مدتی در خانه خود حصر شدند. از سمت‌های ایشان در اواخر حیات خود امامت جمعه شیراز و ریاست حوزه علمیه فارس است. شهید دستغیب سرانجام در آذرماه 1360 به هنگام عزیمت به نماز جمعه مورد سوءقصد قرار گرفتند و همراه چند تن از یاران خود به شهادت رسیدند. این شهید سعید و عالم خبیر دارای آثار متعددی در تفسیر و احکام و اخلاق نیز هستند.

• **دمکرات:** این تشکیلات تحت عنوان «حزب دمکرات کردستان ایران» فعالیت داشته است. مأموریت اصلی این حزب از آغاز تأسیس، فعالیت خودمختاری برای کردستان بوده است. در سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی یکی از جریان‌هایی بود که آرامش را از کردستان سلب می‌کرد. وابستگی‌های شدید آن به سایر قدرت‌ها موجب شد که با نظام جمهوری اسلامی ایران به تقابل پردازد. حضور قدرتمند و با تدبیر و کارایی خاص نظام در کردستان فلسفه وجودی حزب را از بین برد و نبود پایگاه مردمی آن را به انحلال کشید. بارها با نیروهای مردمی و مسلح درگیر شد. اینک در ایران فاقد پایگاه است و بیشتر در عراق مستقر است.

• **دهلران (شهرستان):** از شهرستان‌های تابع استان ایلام است. جمعیت آن بالغ بر 64600 نفر می‌باشد. این شهرستان دارای 4 شهر و 3 بخش و 6 دهستان است. دهلران در دامنه جنوبی و جنوب غربی دینارکوه در فاصله 288 کیلومتری ایلام واقع است. از جمله بخش‌های آن که از مناطق مهم جنگی هم بوده‌اند: موسیان، میمه، دشت عباس، فکه و عین‌خوش را می‌توان نام برد.

- **رُبَاب:** رباب دختر امروالقیس عدی، همسر سیدالشهدا (7) مادر سکینه و علی اصغر (7) بود. او در سفر کربلا حضور داشت و همراه اسیران به شام رفت. سپس به مدینه بازگشت و مدت یکسال برای سیدالشهدا (7) عزاداری کرد. مرثیه‌هایی هم در سوگ آن حضرت سرود. خواستگارانی از اشراف و بزرگان قریش را رد کرد و حاضر نشد با کسی ازدواج کند. در سوگ ابا عبدالله (7) پیوسته گریان بود و زیر سایه نمی‌رفت، از فرط گریه و اندوه بر شهادت امام حسین (7) یکسال بعد (در سال 62 هجری) جان باخت. امام حسین (7) نیز حضرت سکینه و مادرش رُبَاب را بسیار دوست می‌داشت. (فرهنگ عاشورا، جواد محدثی)
- **رجایی، محمدعلی:** (1312-1360ش) در شهرستان قزوین متولد شد. تحصیلات ابتدایی خود را تا اخذ گواهی‌نامه ششم ابتدایی در همین شهرستان به اتمام رسانید و پس از عزیمت به تهران در سال 1338 وارد نیروی دریایی شد و هم‌زمان، تحصیلات خود را از طریق مدارس شبانه ادامه داد و توانست در رشته ریاضی در مقطع لیسانس فارغ‌التحصیل شود و به عنوان معلم در مدارس مشغول به کار شود. شهید رجایی چندی بعد فعالیت سیاسی خود را علیه رژیم شاه آغاز کرد. پس از انقلاب، شهید رجایی سمت‌های مهمی چون وزارت آموزش و پرورش، نمایندگی مردم تهران در مجلس شورای اسلامی و در سال 1359 نخست‌وزیری جمهوری اسلامی را برعهده داشت و سرانجام در 8 شهریور 1360 بر اثر انفجار دفتر نخست‌وزیری به دست منافقین کوردل به شهادت رسید.
- **رجوی، مسعود:** در سال 1327 در طبرس به دنیا آمد. به عضویت سازمان منافقین درآمد. پس از دستگیری به جهت همکاری صمیمانه با عوامل رژیم طاغوت به‌خصوص در معرفی شبکه سازمان با تخفیف به حبس ابد محکوم شد. پس از پیروزی انقلاب اسلامی از ابتدا به موضعگیری علیه نظام جمهوری اسلامی پرداخت. پس از آن که رهبری سازمان منافقین را به‌عهده گرفت، سعی کرد هواداران سازمان را علیه جمهوری اسلامی به صحنه عمومی کشور بکشانند. با عزل قانونی بنی‌صدر همراه او به پاریس گریخت و به فعالیت‌های سازمانی علیه ایران ادامه داد. دولت فرانسه فعالیتشان را غیرقانونی اعلام کرد. با هماهنگی و همکاری آمریکا برای مقابله با

ایران به عراق کوچ کرد و در حواشی بغداد برایشان اردوگاهی موسوم به اشرف از سوی صدام حسین ساخته و در آنجا مستقر شدند. با دریافت کمک از سوی عراق و آمریکا عوام‌لشان را در جبهه‌های جنگ به جمع‌آوری اخبار بسیج کرد. عملیاتی را علیه جمهوری اسلامی ایران به‌خصوص رزمندگان دلاور اسلام طراحی و اجرا کردند، در این عملیات متحمل شکست بسیار سنگینی شدند. با سازمان‌دهی مجدد از آن تاریخ تاکنون در خدمت منویات آمریکا و عوامل مزدور حزب بعث عراق به مزدوری مشغولند. در جریان ترورهای کور خیابانی و سازمانی در دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی و دفتر نخست‌وزیری شخصیت‌هایی چون شهید بهشتی، شهید باهنر و شهید رجائی را ترور کردند. علاوه بر این ائمه جمعه بسیاری و نیز پاسداران و نیروهای انقلابی و متعهد دیگری را از نظام جمهوری اسلامی ایران ترور کردند. اینک با رایزنی آمریکا و سایر کشورهای اروپائی درصدد انتقال از عراق به کشور دیگر هستند. (مصحح)

- **رقیه:** دختر امام حسین (7) بود. وی همان است که در خرابه شام پس از شهادت پدر، امام حسین را خواب دید. هنگامی که بیدار شد از حضرت زینب (3) پدرش را خواست. همه اسرا در خرابه شام به شیون و گریه آمدند. ناله و شیون طفلان را یزید شنید و دستور داد سر امام حسین (7) را در خرابه شام به اسرا مخصوصاً اطفال نشان دادند. وقتی حضرت رقیه (3) سر پدر را دید، به قدری منقلب و مضطرب گشت که از شدت گریه و اضطراب روح از تنش جدا شد. (فرهنگ عاشورا، جواد محدثی)

- **روز 13 آبان:** 13 آبان‌ماه از روزهای فراموش‌نشدنی در تاریخ معاصر ایران است. پیوند رویدادهای این روز به‌گونه‌ای است که به خوبی می‌توان از خلال آن تولدی دیگر را یافت. ریختن به بیت حضرت امام خمینی در قم و تبعید ایشان از ایران، حمله به تظاهرات دانشجویان و به خاک و خون کشیدن آنها و بالاخره در نهایت نیز تسخیر لانه جاسوسی آمریکا در این روز روی داد تا برگ دیگری از تاریخ ایران رقم بخورد. آنچه که از خلال این رویدادها به چشم می‌خورد کهنه‌نشدن آن است

و زندگی ای که دوباره از کنار این نعمت همیشگی نصیب مردم ایران شد. 13 آبان نشان داد که هنوز دانشجویان و دانش‌آموزان در تمام امور پیشقدم هستند. (مصحح)

• روز 15 خرداد 1342: کفن‌پوشان ورامین در لیبک به ندای انقلاب حضرت امام به سوی تهران حرکت کردند و نیروهای امنیتی و مسلح شاه بسیاری از آنان را شهید کردند. پانزده سال بعد از آن، خون شهیدان به ثمر نشست و امام با افتخار از تبعید بازگشت و در 22 بهمن 1357 انقلاب به پیروزی رسید. (مصحح)

• روز 17 شهریور: در 17 شهریور 1357 جمعیت عظیمی از مردم مومن و انقلابی تهران حکومت نظامی ران نادیده گرفتند و با از جان گذشتگی در میدان ژاله (شهدا) تجمع کرده و مزدوران رژیم شاه آنها را به گلوله بستند و تعداد زیادی از تظاهرکنندگان را به خاک و خون کشیدند. بدین ترتیب این روز به نام جمعه خونین یا جمعه سیاه در تاریخ انقلاب اسلامی ثبت شد براساس شواهد و قراین تاریخی در آن روز رژیم سفاک پهلوی از مزدوران رژیم صهیونیستی جهت کشتار مردم مومن استفاده کردند. (مصحح)

• روز 22 بهمن: پس از اعلان حکومت نظامی، حضرت امام خمینی (ره) اعلام کرد که مردم به حکومت نظامی اعتنایی نکنند. مردم نیز همچنان به یورش خود به مراکز دولتی و نظامی و انتظامی ادامه دادند و تقریباً تمام این مراکز با اندک درگیری و مقاومت، تسخیر شد و به دست مردم افتاد. این درگیری‌ها در روز بعد نیز به شدت ادامه یافت و در این روز هزاران زن و مرد و پیر و جوان، هر یک به اندازه توان خود برای سرنگونی نهایی رژیم ظلم و جور، کوشش کردند. آنها با سنگربندی در خیابان‌ها، سینه سپر کردن در برابر تانک‌ها و با فداکاری و جانفشانی، انقلاب را به پیروزی رساندند. نه فقط در تهران، بلکه در تمامی شهرهای ایران، درگیری مردم با بقایای رژیم شاه جریان داشت. هنگامی که خبر حرکت نیروهای نظامی از شهرهای مختلف ایران به سمت تهران برای سرکوب قیام مردم پخش شد، مردم شهرهای مسیر به درگیری با نیروهای نظامی پرداختند و با بستن راه، مانع حرکت آنها به سمت تهران شدند. برخی از فرماندهان رده بالای ارتش در این درگیری‌ها به دست مردم کشته شدند تا سرانجام، ارتش، بی‌طرفی خود را اعلام کرد. سرانجام روز

سرنوشت فرا رسید و در 22 بهمن 1357، نظام پوسیده ستمشاهی فرو ریخت و ریشه‌های فاسد دودمان سپاه پهلوی از این کشور اسلامی، کنده شده. مبارزه پانزده ساله ملت مسلمان ایران به رهبری امام خمینی (ره) به ثمر رسید و با سرنگونی نظام 2500 ساله شاهنشاهی، انقلاب شکوهمند اسلامی ایران پیروز گردید.

• **ریگان، رونالد:** (1911-2004) چهلمین رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا در دهه 80

میلادی بود. ریگان با اتکا به اوج‌گیری احساسات راست‌گرایانه در آمریکا در انتخابات ریاست جمهوری ایالات متحده آمریکا سال 1980 به پیروزی رسید. وی در سال 1989 در حالی کاخ سفید را ترک کرد که دوسوم مردم آمریکا عملکرد وی را در دوران زمامداریش مورد تأیید قرار دادند. این بالاترین نرخ رضایت افکار عمومی آمریکا از یک رئیس‌جمهور بازنشسته در دوران پس از جنگ جهانی دوم بود. ریگان تا سال 1975 فرماندار ایالت کالیفرنیا بود. وی در رقابت‌های انتخاباتی‌اش در مقابل جیمی کارتر شعارهای میانه‌رو داد و توانست از نارضایتی دموکرات‌ها علیه اقدامات کارتر بهره‌مند شود. وی در سال 1994 دچار بیماری آلزایمر شد و ده سال بعد بر اثر همین بیماری درگذشت.

• **ژبیر:** زبیر بن عوام قریشی، از خویشاوندان و از صحابه رسول اکرم (6) بود.

مادرش صفیه دختر عبدالمطلب عمه پیامبر بود. او یکی از شش تن اصحاب شوری است که عمر خلافت را بر یکی از آنان روا داشت. وی به حبشه مهاجرت کرد و در جنگ بدر، یرموک و فتح مصر شرکت داشت. سرانجام در جنگ جمل در سال 36 ه.ق به شهادت رسید.

• **زین‌الدین، مهدی:** در سال 1338 در تهران در خانواده‌ای مقید و مذهبی دیده به جهان

گشود. در دوران کودکی با قرآن آشنا و مأنوس بود. در سال 1356 موفق به ورود به دانشگاه شیراز شد اما چون پدرش کتاب فروش بسیار فعالی بود او را به خرم‌آباد و سقز و پس از آن به اقلید تبعید کردند. مهدی به تبع خانواده مجبور شد از ادامه تحصیل در دانشگاه شیراز منصرف شود. پس از پیروزی انقلاب اسلامی زین‌الدین به عضویت واحد اطلاعات و عملیات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی درآمد و در این رسته سازمانی تا عالی‌ترین درجه یعنی مسئولیت فرماندهی اطلاعات عملیات

در منطقه دزفول و سوسنگرد و پس از آن به فرماندهی تیپ علی ابن ابی طالب دست یافت. زین الدین فرماندهی خود ساخته، متخلق، مقاوم، خودساخته، باتقوا و صبور بود. همین ویژگی های والای اخلاقی او موجب شده بود که بسیاری از اطرافیانش نیز از او و سیره اخلاقی او تبعیت کنند. در آبان ماه سال 1363 مهدی زین الدین به همراه برادرش در منطقه سردشت کرمانشاه با گروه های مسلح مخالف جمهوری اسلامی ایران درگیر شود و هر دو به فیض شهادت نایل آیند.

- **سامری:** موسی بن زعفر، قریب مهتر حضرت موسی (7) بود. او گوساله ای زرین و مرصع از جواهر ساخته بود. خاک نعل براق جبرئیل (7) که در روز غرق فرعون به دست آورده بودند در اندرون آن دردمیده هر بانگی که ملایم گاو است از او برآمده با همین حيله، گروهی از قوم یهود گوساله پرست شدند. داستان سامری و گوساله او در قرآن ذیل داستان حضرت موسی (7) آمده است. در این داستان، سست اعتقادی قوم یهود نسبت به حضرت موسی مشهود است. «دهخدا»

- **ستون پنجم:** به نیروها، جریان ها و تشکل های رسمی یا غیررسمی می گویند که پس از انقلاب ها از سوی شکست خوردگان انقلاب سازماندهی، مدیریت، هدایت و حمایت می شوند تا به مقابله با جریان های پیروز بپردازند. این ستون پنجم می تواند اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، فکری باشد. نگاه منفی و تند و انتقادآمیز به هر حرکت، تصمیم و پیشرفت، سیاست و جریان حاکم را در دستور کار خود دارند. همیشه از سوی بیگانگان خارجی و حتی داخلی حمایت خاص می شوند تلاش می کنند که اطلاعات و اخبار و آمار داخلی را در جهت اهداف مخالفان و دشمنان تنظیم و نگارش کنند. بسیاری از کودتاها در کشورهای انقلاب کرده از سوی این افراد و نیروها سازماندهی می شود. (مصحح)

- **سعیدی، سیدمحمدرضا:** در سال 1308 شمسی به دنیا آمد و تحصیلات علوم دینی را در مشهد و قم به پایان رسانید. او از محضر آیت الله بروجردی و حضرت امام خمینی بهره برد و پس از وقایع 15 خرداد 1342 بر دامنه فعالیت های خود علیه شاه افزود. از این رو از جانب ساواک ممنوع المنبر گردید. مسجد او در خیابان غیاثی تهران کانونی برای مبارزه علیه رژیم پهلوی بود. آیت الله سعیدی در سال 1345



شمسی در پی سخنرانی علیه رژیم اشغالگر قدس مدت 61 روز در زندان‌های ساواک به سر می‌برد اما پس از آزادی فعالیت‌های خود را از سرگرفت و این بار به دلیل مخالفت با سیاست‌های استعمار رژیم پهلوی و آمریکای جنایتکار، دستگیر و به سبب شکنجه‌های شدید به شهادت رسید. از آثار این شهید مبارز می‌توان به «اتحاد اسلام»، «آزادی زن»، «کار در اسلام» و «چاپ و نشر جزوات آموزشی» اشاره کرد.

- **سفینه نوح:** نام یک کشتی در داستان‌های کتب مقدس در دین‌های ابراهیمی است. بنا بر این داستان‌ها، نوح پیامبر به فرمان خدا این کشتی را ساخت تا خود، خانواده خود، کسانی که بوی ایمان آورده بودند و نمونه‌ای از هر حیوان را از پیامدهای طوفان نوح نجات دهد. براساس تورات و قرآن، نوح پیامبر دستور ساخت کشتی بزرگی را از سوی یهوه (الله در قرآن) دریافت کرد که ساخت آن سالها طول کشید، کشتی می‌بایست آنقدر بزرگ می‌بود که علاوه بر آدمیان (خویشان و پیروان نوح) از همه گونه جاندار، جفتی نیز در کشتی جای بگیرد تا بعد از پایان سیل بزرگ ادامه حیات بر روی زمین ممکن باشد. کشتی بعدها بر روی قله کوه آرات نشست. هنوز برخی از باستان‌شناسان به جستجو برای یافتن بقایایی از این کشتی ادامه می‌دهند. در بین تمدنهای میانرودان نیز داستانی مشابه وجود داشته است. این داستان در بخش‌های 6 تا 9 کتاب پیدایش، اولین کتاب از تورات یهودیان، کتاب مقدس مسیحیان و قرآن (سوره‌های 11 و 71) آمده و نسخه‌ای دیگری از آن نیز دیگر منابع دیده می‌شود. داستان مذکور منجر شده تا تحقیقات بسیاری از سوی پیروان ادیان ابراهیمی برای یافتن بقایای کشتی نوح، به‌خصوص در منطقه آرات انجام شود. و در سال 2007 کشتی در ارتفاعات قله آرات در ترکیه پیدا شد که همه باستان‌شناسان می‌پندارن که این کشتی همان کشتی حضرت نوح است. (دهخدا)

- **سکینه:** دختر بزرگوار سیدالشهدا (7) بود. نام اصلی او را آمنه، امینه، امیمه یا امامه هم نوشته‌اند. لقب سکینه یا (سُکینه) از طرف مادرش رباب به او داده شد. او که خواهر علی‌اصغر (7) بود در کربلا حضور داشت. در عاشورا سن او را حدوداً ده تا

سیزده سال نوشته‌اند. امام حسین (7) روز عاشورا به او لقب «خیرة النسوان» داده است. همراه کاروان اسرای کربلا به کوفه و شام رفت و پس از شهادت سیدالشهدا (7) تحت کفالت امام سجاد (7) قرار گرفت. وی محضر سه امام (امام حسین، امام سجاد و امام باقر) را درک کرد. سکنه در پنجم ربیع الاول سال 117 هجری در زمان هشام بن عبدالملک در سن هفتاد سالگی در مدینه درگذشت و قبرش در مدینه است. (فرهنگ عاشورا).

- **سلطنت طلب:** به کسی اطلاق می‌شود که از پادشاهی خاص یا سلسله پادشاهی وی، به‌عنوان حاکم یک کشور مشخص، حمایت کند. سلطنت‌طلبی با واژه سلطنت‌خواهی که به معنی هواداری از نظام پادشاهی به‌عنوان دولت حاکم بر یک کشور است، تفاوت دارد. عموماً سلطنت‌طلب به حامی پادشاه حاکم کنونی یا پادشاهی که توسط یک دولت جمهوری خواه برکنار شده است، گفته می‌شود. سلطنت‌طلب‌ها در خارج از کشور به فعالیت علیه نظام جمهوری اسلامی مشغول هستند بی‌تردید از سوی ابرقدرت‌ها و سایر اقمارشان، مورد حمایت مالی - اقتصادی قرار می‌گیرند. (مصحح)

- **سمیه:** از جمله نخستین زنانی است که به اسلام ایمان آوردند. سمیه جزء مشهورترین مؤمنانی است که از سوی اشراف مکه شدیداً شکنجه شدند. سمیه همسر یاسر، نخستین شهید زن و اولین شهید در تاریخ اسلام است. (غلامحسین زرگری نژاد، تاریخ صدر اسلام عصر نبوت، چاپ اول، 1378).

- **سوسنگرد:** شهر سوسنگرد مرکز شهرستان دشت آزادگان و مهم‌ترین شهر آن است فاصله آن تا شهر اهواز 55 کیلومتر و تا شهر بستان 28 کیلومتر است. رودخانه کرخه از شمال آن می‌گذرد و شعبه‌ای از آن نیز از داخل شهر می‌گذرد. نام این شهر در ابتدا خفاجیه بوده که در دوران قبل از انقلاب اسلامی به سوسنگرد تغییر نام یافت. مردم این شهر شعبه‌نشین و اغلب عرب زبان هستند. از طوایف ساکن این شهر می‌توان به طوایف آلبوجلال، زبیدات، بنی‌طرف و سادات اشاره کرد. با آغاز جنگ تیپ 3 لشکر 93 زرهی خوزستان در حواشی شهر مستقر شد اما با حمله گسترده و سراسری دشمن مجبور به عقب‌نشینی شد. لشکر 9 مکانیزه ارتش عراق

کم‌کم به محور سویله، تنگه چزابه و ارتفاعات الله‌اکبر رسید و روی رودخانه کرخه و رمیم پل شناور نصب کرد. دشمن از شمال و غرب وارد شهر شد و با پیشروی در محور بستان - سوسنگرد شهر سوسنگرد را از غرب مورد تهدید قرار داد. با حمله شجاعانه و مقاومت وصف‌ناپذیر نیروهای سپاه اهواز به دشمن شیبخون زده شد و در تاریخ 1359/7/10 دشمن بعضی سوسنگرد را تخلیه کرد. بارها شهر و اطراف آن از سوی دشمن متجاوز مورد تهدید و تهاجم و حتی محاصره قرار داد اما با مقاومت مدافعان نیروهای دلاور عقب رانده می‌شد. مسجد جامع سوسنگرد در دوران جنگ پایگاه اصلی و مهم اعزام نیرو و مداوای مجروحین و مرکز هماهنگی و هدایت عملیات مدافعان سوسنگرد بود.

- **شرق:** وقتی دنیا از جهت سیاسی به دو قطب غرب و شرق تقسیم شده بود و هریک از این قدرت‌ها برای سلطه بر کشورها و مناطق بیشتری در جغرافیای جهان تلاش می‌کردند جنگ‌های متعددی را راه می‌انداختند تا با روشن شدن ماشین جنگی آنها سلاح‌های بیشتری را به کشورهای وابسته و اقماری خود بفروشدند. به قدرتی که زیر سلطه شوروی سابق بودند بلوک شرق می‌گفتند.

- **شریف‌امامی، جعفر:** فرزند محمدحسین موسوم به نظام‌العلماء در سال 1298 ش. در تهران به دنیا آمد. پس از شروع تحصیلات در ایران در مدرسه ایران و آلمان ادامه تحصیل داد. به همراه محصلین اعزامی به آلمان رفت و در رشته راه‌آهن تحصیل کرد. مدت‌ها رئیس بنیاد پهلوی را در رژیم طاغوت عهده‌دار بود. در بنیاد مذکور به صورت یک شبکه ماسونی و مخفی کمک‌های مالی آمریکا را به همراه وام‌های دولتهای خارجی به حساب دربار می‌ریخت. خود از چهره‌های شاخص فراماسونی در ایران بود. پس از برکناری منوچهر اقبال از سمت نخست‌وزیری، شریف‌امامی به نخست‌وزیری رسید. پس از برکناری از نخست‌وزیری سال‌ها رئیس مجلس شورای ملی را عهده‌دار بود. در روزهای شور و حماسه ملت ایران در سال 1357 شاه مجدداً او را به نخست‌وزیری منصوب کرد. با ترفندهای سیاسی درصدد انحراف جریان نهضت اسلامی بود و شریف‌امامی همیشه با تشکیلات مخفیانه از جمله تحت پوشش باشگاه سوار کاری به ثروت‌اندوزی برای خود و دربار می‌پرداخت.

در 13 آبان ماه 57 شریف امامی ناتوانی خود را از سمت نخست‌وزیری اعلام کرد، بلافاصله از ایران فرار کرد و در 26 خرداد 1377 در نیویورک درگذشت.

- **شلمچه:** روستا و منطقه‌ای مرزی در باختر خرمشهر و مرز میان عراق و ایران و نزدیک‌ترین نقطه مرزی به شهر عراق است. میان خرمشهر و شلمچه شهر تازه‌ای به نام مقاومت و روستایی به نام پل‌نو قرار گرفته است. شلمچه یکی از چند محور تاختن ارتش عراق به ایران بود.

- **شهدای محراب:** حضرت علی (7) در تاریخ اسلام به‌عنوان شهید محراب معروف است. مولای متقیان علی (7) در حالی که در محراب نماز به عبادت مشغول بود به شهادت رسید و پس از آن ضربه مهلک ابن ملجم مرادی بود که امام علی (7) فرمود: «فُزت و رب الکعبه» به خدای کعبه رستگار شدم. در دوران انقلاب اسلامی به‌خصوص پس از پیروزی انقلاب منافقین کوردل طی سلسله عملیاتی به ترور شخصیت‌ها و یاران امام پرداختند. از آن جمله به ائمه جمعه و جماعات و روحانیت آگاه و مبارز و در صحنه نیز رحم نکردند و به ترور شهدایی چون آیت‌الله دستغیب، آیت‌الله مدنی، آیت‌الله صدوقی، آیت‌الله اشرفی اصفهانی، آیت‌الله قاضی طباطبایی که چون حضرت علی (7) در محراب و در مراسم عبادی سیاسی نماز جمعه به فیض شهادت نائل آمدند.

- **شیروان و چرداول:** از شهرستانهای تابع استان ایلام است با جمعیتی بالغ بر 76758 نفر. این شهرستان در شمال شرقی ایلام واقع است و مرکز آن شهر سرابله است.

- **صانعی، آیت‌الله شیخ یوسف:** از مراجع تقلید متولد 1316ش در خانواده‌ای روحانی در روستای نیک‌آباد اصفهان است. پدرشان آقای شیخ محمدعلی صانعی عالمی وارسته و پرهیزکار بود. آیت‌الله صانعی در سال 1325ش وارد حوزه علمیه اصفهان شد و در سال 1330 برای ادامه تحصیل رهسپار حوزه علمیه قم و با جدیت و علاقه وافر دروس حوزه را تا سطح عالی با رتبه اول خواندند. از همان سال وارد درس خارج حضرت امام خمینی شدند و با جدیت تا سال 1342 مستمراً در دروس اصول و فقه و مبانی متقن حضرت امام حاضر بودند. محضر درس آیات عظام بروجردی، محقق

- داماد و اراکی را درک کرده‌اند. پس از پیروزی انقلاب از سوی امام خمینی به سمت دادستان کل کشور و شورای نگهبان و شورای عالی قضایی منصوب شدند. (مصحح)
- **صدام حسین:** رئیس جمهور کشور عراق بود که با اشاره آمریکا به طمع گسترش کشورش و برای اجرای اهداف آمریکا یعنی شکست یا جلوگیری از توسعه و صدور انقلاب اسلامی به‌خصوص در منطقه، قرارداد رسمی و قانونی الجزایر را غیرقانونی اعلام کرد و تصور می‌کرد ایران پس از انقلاب را می‌شود شکست داد. او جنون‌آمیز و با تمام توان نظامی به ایران لشکرکشی کرد و سرانجام با شکست سنگینی از ایران، فرصت حضور آمریکا را در منطقه فراهم آورد.
  - **صدوقی، شیخ محمد:** در سال 1327 قمری برابر با 1287 شمسی در یزد متولد شد. حدود سی سال در حوزه علمیه اصفهان و قم به فراگیری علوم اسلامی پرداخت، شهید صدوقی در مبارزات اسلامی به رهبری امام خمینی (ره) حضور فعالی داشت و در مبارزات مردم یزد همواره به‌عنوان اولین نفر پیشگام بود، در 31 مرداد سال 1358 از سوی امام خمینی به‌عنوان امام جمعه یزد و نماینده ولی فقیه منصوب شد. از تألیفات ایشان می‌توان به شرحی بر «مختصر النافع» محقق اول و «حاشیه بر مدارک» اشاره کرد. در آخرین نماز جمعه‌ای که اقامه کرد در 11 تیر 1361 بعد از اقامه نماز جمعه فرد منافقی با در آغوش کشیدن ایشان و رها کردن ضامن نارنجک وی را به شهادت رساند.
  - **صهیونیسم (صهیونیزم):** این جریان سیاسی و ملی‌گرا در اواخر قرن 19 میلادی تشکیل شد. عمده‌ترین هدف آن تشکیل یک کشور یهودی است. بر منابع تاریخی و مذهبی یهود تهیه دارد. این جریان به اشغال سرزمین فلسطین و مناطقی از لبنان پرداخته و سعی دارد یهودیان افراطی دنیا را در سرزمین واقعی فلسطین البته با عنوان اسرائیل گرد آورد. این جریان حتی از سوی سازمان ملل متحد به‌عنوان تشکیلی نژادپرستانه معرفی شده است. واژه صهیونیسم برگرفته از صهیون نام تپه‌ای است در اورشلیم که در تورات بدان اشاره شده است. این جریان در واقع جریانی سکولار است و برای رسیدن به اهداف شوم خود به هر کاری دست می‌زند. از سوی ثروتمندان و قدرتمندان آمریکا و انگلیس و سایر کشورهای اروپایی و حتی روسیه مورد حمایت

قرار می‌گیرد. با بهانه واهی و بی‌اساس رسیدن به «ارض موعود» یهودیان افراطی را به مناطق اشغال شده فلسطین فرا می‌خوانند و هر روز در همان مناطق اشغالی به شهرک‌سازی پرداخته و به تخریب خانه‌ها و اشغال زمین‌های مردم در فلسطین و لبنان می‌پردازند. پیروزی انقلاب اسلامی و مواضع قاطعانه و حق‌طلبانه حضرت امام خمینی همواره صهیونیست‌ها را به خوف واداشته و جریان بیداری اسلامی که در واقع استمرار و صدور انقلاب اسلامی در منطقه است هر لحظه حیات اشغالگران را به خطر انداخته است. همکاری و وابستگی برخی از سران کشورهای عربی منطقه با دولت غیرقانونی اسرائیل موجب تقویت صهیونیست‌ها شده است.

- **طالقانی، سید محمود:** در سال 1289 ش در روستای گلیرد طالقان دیده به جهان گشود. موفق به کسب اجازه‌نامه اجتهاد از آیت‌الله حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی گردیده و بعد از اتمام تحصیلات به تهران آمد و در مدرسه شهید مطهری (سپهسالار سابق) به تدریس علوم دینی مشغول شد. ایشان در کنگره جهانی شعوب‌المسلمین که در کراچی تشکیل می‌شد شرکت کرد و نیز در کنگره اسلامی قدس که سالی یک‌بار برگزار می‌شد، دوبار در مقام ریاست هیأت نمایندگی ایران به بیت‌المقدس سفر کرد. پس از تشکیل «دارالتقریب بین المذاهب الاسلامیه» که در نزدیکی تشیع و تسنن سهمی به سزا داشته، آیت‌الله طالقانی به نمایندگی مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی برای رساندن پیام ایشان به شیخ شلتوت به آن دیار سفر کرد. به پیروی از امام به مخالفت با رژیم پرداخت و به دلیل فعالیت‌های زیاد در همان سال به زندان افتاد. در زندان با نوشتن تفسیر «پرتوی از قرآن» سعی در آشنا کردن افراد به عظمت قرآن کرد. آیت‌الله طالقانی پس از آزادی از زندان نهایت تلاش خود را در جهت پیروزی انقلاب کرد. وی در انتخابات مجلس خبرگان قانونگذاری از سوی مردم تهران به‌عنوان نماینده انتخاب شد. اولین نماز جمعه در پنجم مرداد 1358 به امامت ایشان در دانشگاه تهران برگزار شد. سرانجام در نوزدهم شهریور 1358 مرحوم طالقانی پس از سال‌ها فعالیت‌های علمی و مبارزات سیاسی علیه رژیم ستم‌شاهی و عمری تلاش خستگی‌ناپذیر در راه پیاده کردن احکام اسلامی دار فانی را وداع گفت و به دیدار معبود شتافت.

- **طالوت:** (مشاعول) ابن قیس از بسط بن یامین طالوت اولین پادشاه از بنی اسرائیل که در نیمه دوم قرن 11 ق.م حکومت داشت و قلمرو خود را بسط داد و بارها با فلسطینیان جنگید و پس از او داود جانشین شد.
- **طباطبایی، سیدمحمدحسین:** در سال 1281 ه.ش در تبریز متولد شد. دروس مقدماتی را در ایران خواند و در 23 سالگی عازم نجف اشرف شد. طی یازده سال اقامت در نجف از محضر عالمان نامداری چون: میرزای نائینی، سید ابوالحسن اصفهانی، محمدحسین غروی اصفهانی و میرزا علی آقا طباطبایی استفاده برد. اصول روش رئالیسم و تفسیر المیزان از آثار علامه است. سرانجام در بیست و چهار آبان سال 1360 درگذشت.
- **طفلان مسلم:** محمد و ابراهیم، دو فرزند مسلم بن عقیل بودند که در حادثه کربلا اسیر شدند. ابن زیاد دستور داد آن دو را زندانی کردند. این دو نوجوان نابالغ مدت یک سال در زندان بودند با کمک «مشکور» زندانیان که هوادار اهل بیت بود، شبانه از زندان گریختند. به خانه زنی پناه بردند که شوهرش در سپاه ابن زیاد بود وقتی شوهرش حادث فهمید که آن دو را کنار رود فرات برد و بی رحمانه سر از تنشان جدا کرد و پیکرشان را در فرات افکند. سرهای آن دو را برای دریافت جایزه نزد ابن زیاد برد، گویند قبر محمد و ابراهیم پسران مسلم بن عقیل در چهار فرسنگی کربلا در شهر مسیب است. (فرهنگ عاشورا، جواد محدثی).
- **طلحه:** طلحه ابن عبیدالله بن عثمان بن عمرو بن کعب معروف به طلحه الجواد و طلحة الجواد. مکنی به به ابومجد. از کبار اصحاب رسول الله (6) بود. وی یکی از معدود افراد قریش بود که قبل از هجرت به نوشتن آشنایی داشت. در برخی از غزوات پیامبر (6) مانند احد و تبوک شرکت داشت. از اصحاب شش گانه شوری است در جریان تعویض و تفسیر خلفا نقش مهم داشت. پس از عزل و کشته شدن عثمان با ترفندهایی از بیعت با علی (7) خودداری کرد با وجودی که در آغاز با علی (7) بیعت کرد اما پس از آن به همراهی زبیر غالباً راه مخالفت با علی (7) را پیش گرفت حتی در راه مقابله با حضرت علی (7) به عایشه پیوست در مسجد بصره خواستند حضرت علی (7) را خلع کنند و طلحه را به

خلافت به جانشینی علی (7) اقدام کنند. طلحه به همراه زبیر و عایشه در جنگ جمل شرکت کرد و در این جنگ کشته شد. طلحه اموال فراوان اندوخته بود.

• **عباس بن علی بن ابیطالب (7):** فرزند حضرت علی (7) از ام البنین عامریه است. در صحرای کربلا پس از شهادت سه برادرش جعفر، عبدالله و عثمان نوبت به حماسه آفرینی و حضور قهرمانانه و دفاع جانانه اش از امام حسین (7) رسیده است. به طرف شط فرات حرکت کرد در حالی که با حضرت امام حسین (7) هم‌رکاب بود. با وجودی که نبردهای اشقیا آن دو را در مسیر فرات از یکدیگر جدا کردند اما حضرت عباس خود را به فرات رساند، مشک آب را پر کرد بدون آن که قطره‌ای آب بنوشد. به سوی امام و خیمه‌ها برگشت. در برگشت با نبردهای سپاه دشمن روبرو شد و در محاصره آنها قرار گرفت. در دو حمله دست راست و چپش را قطع کردند و با ضربه‌ای بر فرق مبارکش از اسب سقوط کرد. با وجود آن‌همه زخم و تیر، توان حرکت نداشت و دو نفر از اشقیا او را به شهادت رساندند. عباس به خاطر شجاعت و زیبایی فوق‌العاده به «قمر بنی هاشم» شهرت داشت. «حسین بن علی امام شهدا، مرضیه محمدزاده»

• **عبدالله بن جعفر:** همسر زینب کبری و داماد علی (7) و پسر جعفر طیار. وی، نخستین نوزاد مسلمان در حبشه بود. در ایامی که پدرش جعفر بن ابی‌طالب به حبشه هجرت کرده بود، در آن کشور به دنیا آمد. مادرش «اسماء بنت عمیس» بود. اسماء، پس از شهادت جعفر طیار در جنگ موته، به همسری ابوبکر، سپس علی بن ابی‌طالب (7) درآمد. عبدالله بن جعفر، مورد عنایت خاص پیامبر اکرم (6) بود، به‌ویژه که پدرش سردار بزرگ شهید جبهه اسلام به‌شمار می‌آمد. عبدالله جعفر، از جمله کسانی بود که به سیدالشهدا نامه نوشت و از او خواست که از سفر به عراق منصرف شود. گرچه خود در کربلا حضور نداشت، اما دو پسرش عون و محمد را همراه مادرشان حضرت زینب (8) به کربلا فرستاد و این دو فرزند، در رکاب سالار شهیدان روز عاشورا به شهادت رسیدند. او از اینکه نتوانسته بود در واقعه کربلا شرکت کند تأسف می‌خورد. پس از حادثه عاشورا و شهادت حسین بن علی (7) وی در مدینه به سوگ نشست و مردم برای تسلیت‌گویی نزد او



می‌آمدند. وی در سن 90 سالگی، در سال 80 هجری در مدینه درگذشت و در بقیع به خاک سپرده شد. برخی هم درگذشت او را در شام و قبر وی را در «باب الصغیر» دمشق، کنار قبر بلال می‌دانند.

• **عبیدالله بن زیاد:** والی کوفه در زمان حادثه عاشورا، که شهادت امام حسین (7) و یارانش به دستور او انجام گرفت. ابن زیاد را «ابن مرجانه» هم می‌گویند، زیرا نام مادرش کنیزی زناکار و مجوسی به نام «مرجانه» بود. در کوفه پس از عاشورا که اسرای اهل بیت را وارد دارالاماره کردند، حضرت زینب (8) در خطاب به ابن زیاد، او را «یابن مرجانه» خواند و این اشاره به نسبت ناپاک او بود و رسواگر حاکم مغرور کوفه. او از سرداران مشهور اموی بود که در سال 54 هجری از طرف معاویه به حکومت خراسان منصوب شد. در سال 56 از آنجا معزول و به حکمرانی بصره منصوب گشت. پس از مرگ معاویه و روی کار آمدن یزید، وقتی نهضت مسلم بن عقیل در کوفه آغاز شد، با حفظ سمت، والی کوفه نیز شد و اوضاع را تحت کنترل درآورد و مسلم بن عقیل را به شهادت رساند. پس از حرکت امام حسین (7) از مکه به سوی عراق، وی عمر سعد را با لشکری گسیل داشت تا با آن حضرت بجنگد یا او را به بیعت با یزید وا دارد. فرمان کشتن سیدالشهدا و یارانش و اسیر گرفتن اهل بیت او را به عمرسعد (که فرمانده سپاه کوفه در کربلا بود) داد. در یکی از درگیری‌ها با سپاه مختار، در سال 76 هجری خودش و جمعی از همراهانش کشته شدند. وی از کسانی است که در زیارت عاشورا، مورد لعن قرار گرفته است: «لعن الله ابن مرجانه» و «والعن عبیدالله بن زیاد و ابن مرجانه». «فرهنگ عاشورا، جواد محدثی».

• **عمار بن یاسر:** از قبیله ثعلبه بود، پدرش از نخستین کسانی بود که به اسلام گروید و در راه نشر دین خداوند رنج و عذاب فراوانی متحمل شدند. در مهاجرت پیامبر اکرم (6) از مکه به مدینه همراه رسول الله بود. در جنگ صفین و جمل همراه علی (7) بود. در سال 37 هجری در سن 93 سالگی در جنگ صفین به شهادت رسید. عمار به سبب زهد و تقوای بسیار در ادب فارسی نماد تعبد و پرهیزکاری است.

- **عمرو عاص:** عمر ابن عاص واثل سهمی قریشی، مکنی به ابو عبدالله از دُهات عرب. وی ابتدا از دشمنان سرسخت اسلام بود، سپس اسلام آورد و از جانب پیغمبر (6) به فرماندهی در چند غزوه فرستاده شد. از طرف خلیفه دوم والی فلسطین و پس از فتح مصر والی مصر گشت. خلیفه سوم وی را برکنار کرد. در جنگ صفین بین حضرت علی (7) و معاویه از سوی معاویه برای حکمیت معرفی شد. به علت تیزهوشی، ابوموسی اشعری نماینده حضرت علی (7) را فریب داد. در سال 38 (ه. ق) از جانب معاویه والی مصر گشت و سال 43 (ه. ق) درگذشت. «دهخدا»
- **عملیات بدر:** نام عملیاتی است که با رمز یا فاطمه الزهرا (3) در تاریخ 63/12/19 در شرق رودخانه دجله (حد فاصل بین قلعه صالح - الفزنه) انجام شد. این عملیات به آزادی بسیاری از مناطق مهم و نفت خیز هور الهویزه و ده روستا و تصرف جاده معروف به خندق شد.
- **عملیات بستان:** عملیات طریق القدس (بستان)، این عملیات در تاریخ هشتم آذرماه 1360 با رمز «یا حسین فرماندهی» در منطقه عمومی غرب شهرستان سوسنگرد و منطقه عمومی بستان انجام گرفت. آزادسازی شهر بستان و تأمین نوار مرزی و دسترسی به هورالهویزه از اهداف شاخص این عملیات بود. علاوه بر آزادسازی بستان و 70 روستای منطقه و 5 پاسگاه مرزی تنگه بسیار مهم چزابه نیز آزاد شد و حدود 800 کیلومتر مربع از خاک کشور از لوٹ وجود دشمن پاکسازی شد. مدت عملیات چهارده روز بود. بین نیروهای دشمن در شمال غرب و جنوب غربی خوزستان (جاده فکه، جفیر) نیز قطع ارتباط شد. در این عملیات تعدادی از نیروهای اسلام هم به شهادت رسیدند.
- **عملیات بیت المقدس:** در دوران دفاع مقدس سلسله عملیاتی که به این نام موسوم بود 6 عملیات بود. رمز این عملیات یا علی بن ابیطالب (7) بود. تاریخ عملیات از 1361/2/10 الی 61/3/3 بود. محور عملیات: غرب کارون، جنوب غربی اهواز و شمال خرمشهر. علاوه بر آزادسازی شهر بندری خرمشهر، شهر هویزه و پادگان حمیدیه، جاده مهم و تدارکاتی اهواز - خرمشهر، کرخه خور، جاده سوسنگرد -

هویزه، آزاد ساختن بخش وسیعی از مناطق جنوب میهن اسلامی در زیر آتش دشمن و تصرف و تأمین 8 پاسگاه مرزی نیز فراهم شد.

• **عملیات خبیر:** این عملیات در تاریخ 1362/12/3 ساعت 20/30 دقیقه با رمز عملیات یا رسول‌الله (ﷺ) (6) در محور عملیاتی هورالهوریه و جزایر مجنون آغاز شد. مناطق آزاد شده در اثر این عملیات عبارتند از: جزایر مجنون به وسعت 160 کیلومترمربع که دارای 50 حلقه چاه نفت بود و چندین روستای منطقه نقش بسیار مفید و کارآمد واحد مهندسی رزمی جنگ جهاد سازندگی در پیروزی این عملیات شایان توجه است به خصوص در احداث صدها کیلومتر خاکریز، احداث جاده، احداث 1322 مورد انواع سنگرهای انفرادی و جمعی. و سکوهای متعدد توپ و ضدهوایی، احداث قرارگاه کربلا و ترسیم اسکله‌های شماره 1 و 2 در جزایر مجنون را می‌توان یادآور شد.

• **عملیات رمضان:** این عملیات با رمز یا صاحب‌الزمان (عج) ادرکنی، در تاریخ 1361/4/23 در محور شرق بصره انجام گرفت. از جمله مناطق آزاد شده پس از این عملیات پاسگاه زید عراق و محورهای شمالی و شمال غرب این پاسگاه است. در این عملیات 1315 نفر از نیروهای دشمن به اسارت درآمدند، تعداد زخمی و کشته‌شدگان بیش از 7 هزار و 400 نفر بودند.

• **عملیات فتح‌المبین:** این عملیات با رمز یا زهرا (3) در تاریخ دوم فروردین 1361 با هدف تصرف ارتفاعات منطقه عملیاتی به منظور آزادسازی بخش وسیعی از جنوب غربی میهن اسلامی از دست نیروهای بعثی انجام گرفت. وسعت منطقه عملیات حدود 2 هزار و پانصد کیلومتر مربع بود. مناطقی چون جاده دهلران، دشت عباس، و مناطق دشت چنانه و زمین‌های سرخه و ارتفاعات شمال غربی خوزستان آزاد شدند. مناطقی چون شهرستان دزفول، اندیمشک، شوش، پایگاه چهارم شکاری دزفول، جاده سراسری اندیمشک - اهواز و صدها روستا از زیر آتش سنگین دشمن بعثی خارج شدند. به چاه‌های نفتی ابوغریب در ارتفاعات تینه دستیابی شد. در این عملیات بسیار مهم و سرنوشت ساز بیش از 25 هزار نفر از نیروهای دشمن کشته و زخمی شدند. تعداد اسرای این عملیات را پانزده هزار نفر ثبت کرده‌اند.

• **عملیات کربلای 1:** این عملیات در تاریخ 55/4/10 ساعت 22/30 دقیقه با رمز عملیاتی یا ابوالفضل العباس (7) ادرکنی در منطقه مهران آغاز شد. مناطق آزاد شده از اشغال دشمن بعضی عبارتند از: شهر مهران، جاده‌های دهلران مهران و مهران ایلام، چندین روستا و شهرک نیز در اثر همین عملیات آزاد شدند. پاسگاه‌های فرخ‌آباد و پاسگاه‌های تعاون و محمدقاسم و دراجی نیز در اختیار نیروهای ایران قرار گرفت. ده‌ها کیلومتر جاده و خاکریز و احداث جاده‌های متعدد و بکارگیری انواع ماشین‌آلات و سکوی تانک‌های زرهی و فعالیت گروه نیروهای امدادی و پشتیبانی را از سوی واحد رزمی جنگ جهاد سازندگی نباید در توفیق عملیات نادیده گرفت.

• **عملیات کربلای 5:** این عملیات در تاریخ 65/10/19 با رمز یا زهرا (8) در محور شلمچه و شرق بصره آغاز شد. از عملکرد پشتیبانی و مهندسی رزمی بسیار عظیم گسترده‌ای برخوردار بود. مناطق مهم آزاد شده در نتیجه این عملیات عبارتند از: جزایر بوارین، فیاض، ام‌الطویل، ده‌ها روستا و تصرف دریاچه بوییان و بخشی از کانال ماهیگیری 14 کیلومتر پیشروی به طرف بصره و آزادسازی 150 کیلومترمربع از مناطق اشغالی، آزادسازی پاسگاه‌های بوییان شلمچه، کوت‌سواد و خین.

• **عملیات والفجر 1:** این عملیات در تاریخ 62/1/20 ساعت 23/10 دقیقه با رمز یاالله یاالله یاالله در منطقه عملیاتی شمال غرب فکه شروع شد. هدف عملیات انهدام نیروهای دشمن و آزادسازی بخشی از اراضی نوار مرزی بود. ارتفاعات متعدد و چندین روستا در حاشیه رودخانه دویریج و پاسگاه پیچ‌انگیزه آزاد شد. در این عملیات 25 نفر از نیروهای عراقی اسیر شدند و هزاران نفر مجروح و زخمی و کشته شدند. فعالیت واحد مهندسی رزمی جنگ جهاد سازندگی و به‌کارگیری نیروها و ادوات جنگی، رزمی، پشتیبانی و امدادی در پیروزی نیروهای اسلام نقش شایان توجهی داشت.

• **عملیات والفجر 3:** این عملیات با رمز یا فاطمة الزهرا در تاریخ 1362/5/7 ساعت 23/15 دقیقه در منطقه عملیاتی مهران آغاز شد. هدف عملیات تصرف و تأمین ارتفاعات «الوآب» 343 و نمه کلان بوی کوچک و بزرگ بود. علاوه بر مناطق

مورد نظر پاسگاه‌های ایران فرح‌آباد، رضاآباد، پاسگاه‌های عراقی زال‌آب و دراجی و سد رودخانه کنجانجم و آزادسازی چندین روستای منطقه و خارج نمودن بخش وسیعی از جاده مهران، دهلران از کنترل دشمن انجام شد. واحد پشتیبانی و مهندسی رزمی جنگ جهاد سازندگی در پیروزی این عملیات نقش مهمی داشت.

• **عملیات والفجر 5:** این عملیات در تاریخ 62/11/27 در ساعت 24 با رمز یا زهرا (3) در منطقه عملیاتی چنگوله (حد فاصل مهران - دهلران) انجام شد. ارتفاعات مختلفی و پاسگاه‌های متعددی در اثر این عملیات در اختیار نیروهای ایرانی قرار گرفت. واحد پشتیبانی و مهندسی رزمی جنگ جهاد سازندگی با احداث پل، کانال و بازسازی جاده‌های منطقه در پیروزی این عملیات نقش بسیار مهمی ایفا کرد.

• **عملیات والفجر 8:** این عملیات در تاریخ 1366/11/20 در ساعت 22 در منطقه عملیاتی فاو با رمز یا زهرا (3) آغاز شد. مناطق آزاد شده در اثر این عملیات عبارتند از: شهر بندری فاو، اسکله‌ها و تأسیسات نفتی شمال و غرب شهر فاو، اسکله‌های قشله و رأس‌البیشه و کارخانه تصفیه نمک عراق و پاسگاه‌های نیروهای دریای دشمن در 3 سکوی پرتاب موشک سطح به دریا. در این عملیات حدود 2 هزار نفر از نیروهای عراقی اسیر شدند و کشته‌ها و زخمی‌ها بیش از 50 هزار نفر می‌شد. صدها کیلومتر جاده خاکی و برپایی ده‌ها اسکله و سد خاکی و پل و برپایی ده‌ها دکل دیده‌بانی از سوی واحد مهندسی رزمی جنگ جهاد سازندگی را باید یادآور شد.

• **عون بن جعفر:** از شهدای کربلاست. پسر جعفر بن ابیطالب (جعفر طیار)، مادرش اسماء بنت عُمَیس بود. در حبشه متولد شد. در جنگ خیبر به حضور رسول (6) معرفی شد. در جنگ «موتة» پیامبر فرزندان او را فراخواند، عبدالله، عون و محمد را حاضر کردند. پیامبر دربارهٔ عون فرمود: در خلقت و اخلاق شبیه من است. در دوران حکومت علی (7) به آن حضرت پیوست. علی (7) دخترش ام‌کلثوم را به همسری او درآورد. عون در زمان امام حسن مجتبی (7) و امام حسین (7) از یاران آن دو امام بود. همراه همسرش در کربلا حضور داشت.

روز عاشورا به میدان رفت و در نبردی دلاورانه به شهادت رسید. هنگام شهادت 56 ساله بود. «فرهنگ عاشورا، جواد محدثی»

• **غرب:** در ادبیات سیاسی جهان در سال‌هایی که جهان از نظر سیاسی به دو بلوک و قدرت غرب و شرق تقسیم شده بود، به آمریکا و کشورهای وابسته به آن از جهت سیاست‌های اقتصادی و نظامی بلوک غرب می‌گفتند. بسیاری از کشورهای اروپایی از جمله انگلستان، ایتالیا، فرانسه، آلمان و... به قطب غرب وابسته و گرایش داشتند. در مقابل این بلوک و جناح، کشورهایی هم بودند که به اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی سابق (روسیه فعلی و کشورهای تازه استقلال یافته) وابسته بودند. مثل لهستان، مجارستان، یوگسلاوی و حتی برخی از کشورها بر سر این تقسیم به جهان دوقطبی تفکیک شدند به دو کشور. از آنجمله آلمان شرقی و آلمان غربی، کره جنوبی و کره شمالی. این کشورها در موضعگیری و روابط دیپلماتیک و نظامی و فرهنگی و اقتصادی تابع قدرت برتری بودند که بدان وابستگی و تعلق داشتند. صنایع و تجهیزات نظامی کشورهای وابسته را نیز همان قدرت برتر تأمین و پشتیبانی می‌کرد. در خاورمیانه و آسیا هم کشورها از سیاست مذکور تبعیت می‌کردند. یکی از چالش‌های اساسی و اصلی دو قدرت مذکور در واقع وابسته کردن کشورهای دیگر به خود بود، حتی برخی در همین اوان به فکر این افتادند که خود را مستقل اعلام کنند که و از آنها به کشورهای عدم تعهد یاد می‌شد. ایران و عربستان، قطر و کویت و اردن و حتی مصر هم در جناح بلوک غرب آمریکا قرار می‌گرفتند. عراق و سوریه و لیبی و یمن خود را از جهت سیاسی و نظامی به شوروی مرتبط کرده بودند. در تحولات سیاسی و کشاکش روزگار حتی برخی از این کشورها تغییر وابستگی می‌دادند مثلاً پس از فروپاشی شوروی سابق برخی از کشورها از زیر سلطه و حکم شوروی (روسیه) فعلی خارج و به آمریکا وابستگی نشان دادند. ایران از جمله استثناء کشورهایی بود که پس از پیروزی انقلاب استقلال خود را حفظ و به هیچ قدرتی از دو بلوک سابق و یا قدرت‌های فعلی جهان وابستگی ندارد.

- **غزوهٔ احد:** یکی از غزوه‌های مشهور پیامبر اسلام (6) بود که در دامنه کوه احد در 4 کیلومتری شمال مدینه در روز هفتم شوال سال سوم هجری بین مشرکان قریش و سپاه اسلام رخ داد. در این جنگ دندان رسول خدا شکست، 74 تن از مسلمانان از جمله حمزه سیدالشهدا به شهادت رسیدند و بسیاری نیز مجروح شدند. این جنگ به دلیل غفلت محافظان تنگه احد با شکست مسلمانان مواجه شد. (دهخدا)
- **غزوهٔ بدر:** به جنگ بدر از غزوات پیامبر اکرم (6) اشاره دارد که در ماه رمضان سال دوم هجری بین مسلمانان و مشرکان مکه در سرزمین بدر، روستای کوچکی میان مکه و مدینه، رخ داد. رسول خدا همراه با 313 تن از یاران خویش از مدینه بیرون رفت. پرچم سپاه مسلمین را علی (7) بر دوش داشت. از سوی دیگر، وقتی سپاه ابوسفیان از حرکت مسلمانان آگاه شد، با فرستادن پیکی به مکه تقاضای کمک کرد. سران قریش هم بی‌درنگ با سپاهی 950 نفری عازم بدر شدند. جنگ سختی بین دو طرف درگرفت. مسلمانان با وجود تعداد اندکشان با امداد الهی بر قریش پیروز شدند. هفتادتن از آنان را کشتند و هفتاد تن را به اسارت گرفتند. ابوجهل و حنظله، پسر ابوسفیان، در میان کشتگان بودند. در این جنگ حضرت علی (7) پایمردی بسیار کرد و در پیروزی مسلمانان سهم زیادی داشت، به طوری که گفته می‌شود 36 تن از مشرکان در آن نبرد به دست او کشته شدند. در این جنگ 14 تن از مسلمانان به شهادت رسیدند. (المغازی، جلد 1، سیره ابن‌هشام، معجم‌البلدان، ج 1، تاریخ طبری، ج 2).
- **غزوهٔ حنین:** حنین محلی است بین طائف و مکه مکرمه که یکی از غزوات رسول خدا (6) بدان مکان بود. در این غزوه بزرگ جمعی کثیر از صحابه به شهادت رسیدند. در همین محل بار دیگر لشکریان اسلام با تدبیر خاص و مقاومت وصف‌ناپذیر رسول خدا توانستند شکست سختی به کفار بدهند و غنائم و اسیران فراوان گرفتند. گروهی از فرماندهان لشکر کفار به طائف گریختند. حضرت رسول (6) آنها را تا طائف تعقیب کرد. (دهخدا)
- **غزوهٔ خندق:** غزوهٔ احزاب همان غزوهٔ خندق است. این غزوه در سال پنجم از هجرت اتفاق افتاد. در آن غزوه عمرو بن عبدود به‌دست امیرالمؤمنین علی (7) کشته

گشت. وقتی یهود بنی‌نصیر و ابوسفیان و مشرکین به مخالفت با حضرت رسالت (6) عهد بستند و قبایل بسیاری را با خویش همراه ساختند از مکه به سوی مدینه حرکت کردند. در حالی که ابوسفیان چهارهزار کس با هزار و پانصد نفر شتر و سیصد رأس اسب به طرف مدینه حرکت کردند حصرت رسول (6) با مشورت سلمان فارسی حکم به کندن خندق کردند و با سه هزار نفر از مهاجرین و انصار در دامن کوه سلع که به مدینه متصل بود خندقی حفر کردند. علی (7) در نهایت رشادت و شجاعت عمر بن عبدود را کشت و پیامبر اکرم (6) در تحسین علی (7) فرمود: «لمبارزة علی بین ابیطالب یوم الخندق افضل من اعمال امتی الی یوم القيامة». نکته دیگر اینکه در همین غزوه بود که مردی از غطفان نام او نعیم بن مسعود بود از مهتران عرب بود، خدای او را مسلمانی اندر دل افکند به خدمت رسول الله (6) رفت و مسلمان شد و نیروهای مخالف و مشرکین را به ترک جنگ با رسول الله (6) تشویق کرد. در جریان همین غزوه نیز آیاتی نازل شد که پیامبر (6) فرمود دیگر قریش به حرب ما نیایند. «دهخدا با تلخیص»

- **غزوه صفین:** از مهم‌ترین نبردهای زمان خلافت امام علی (7) بود که در سال 37 هجری بین ایشان و معاویه بن ابی‌سفیان در سرزمین صفین - که در ناحیه غربی عراق بین رقه و بلس قرار دارد - رخ داد و به جنگ صفین شهرت یافت. این جنگ به سبب نقشه شوم عمرو بن عاص و توسل او به قرآن بر سر نیزه کردن و ماجرای حکمیت با شکست سپاه امام علی (7) به پایان رسید.
- **فرعون:** لقبی است که در دوره متأخر برای نام بردن از فرمانروایان سلسله‌های مصر باستان به کار می‌رود. هرچند، از نظر تاریخی، فرعون فقط در طی پادشاهی نوین مصر، به‌ویژه در میانه دودمان هجدهم مصر، پس از سلطنت حتچیسوت به عنوان یک لقب برای پادشاهان مورد استفاده قرار گرفت. فرعون مدیر ارشد، رئیس ارتش، و فرمانروای کل مصر تلقی می‌شده است و از نظر بسیاری از مردم به‌عنوان نماد دیکتاتوری، ظلم، ستم و جور معروف است.
- **فکه:** منطقه‌ای است بیابانی در شمال غربی خوزستان و جنوب شرقی استان ایلام. منطقه فکه، از جنوب به چزابه و شهر بستان، از شرق به میشداخ و رقابیه، از شمال غرب



به عین‌خوش و شهر موسیان، از شمال شرق به چنانه، برغازه و سپس به شهر شوش و از غرب به استان العماره عراق منتهی می‌گردد. طول و عرض جغرافیایی منطقه عمومی فکه از 31 درجه و 54 دقیقه شمالی تا 32 درجه و 15 دقیقه شمالی و 47 درجه و 25 دقیقه شرقی تا 47 درجه و 55 دقیقه شرقی امتداد دارد. ارتفاع آن از 0 تا 140 متر از جنوب به شمال، گسترده است. فکه به دو بخش شمالی و جنوبی تقسیم می‌شود. بخش جنوبی آن جزء استان خوزستان و شهرستان دشت آزادگان محسوب می‌شود، بخش شمالی آن جزء استان ایلام و از توابع شهرستان دهلران می‌باشد.

- **فهمیده، محمدحسین:** نوجوان سیزده ساله‌ای که از همان روزهای آغاز حمله صدام به ایران اسلامی ندای امام خمینی را لبیک گفت و علی‌رغم سن کم با اصرار و شگردهای متعهدانه‌اش در دفاع از خرمشهر شرکت نمود و در شرایطی که دشمن سرمست پیشرویهای اولیه برای تصرف خرمشهر با تانکها هجوم آورده بود، وی با شهامت اعجاب‌انگیز خود نارنجک به کمر بست و خود را زیر چرخهای تانک دشمن انداخت. این حادثه که در مهرماه 1359 اتفاق افتاد به‌عنوان سمبل ایمان، رشادت و روحیه شهادت‌طلبی سپاهیان اسلام در برابر کافران بعثی در تاریخ جنگ تحمیلی ثبت گردید. اضافه می‌شود که خانواده این شهید که اهل قریه سراجیه قم می‌باشند در زمان جنگ تحمیلی در شهرستان کرج ساکن بودند و این شهید عزیز بسرعت خود را از کرج به خطوط مقدم جبهه در حوالی خرمشهر رساند. این خانواده متدین توفیق آن را داشتند که پس از شهادت حسین، فرزند دیگرشان داوود را نیز روانه جبهه نمایند و افتخار تقدیم دو شهید را نصیب خود فرمایند.

- **قابیل:** فرزند آدم و حوا و برادر هابیل است. قابیل و اقلیما از حوا متولد شدند. بار دیگر که حوا باردار شد هابیل و لبودا را به دنیا آورد. حکم خدا این بود که هریک با دختری که از بطن دیگر متولد شده ازدواج کنند، یعنی هابیل با اقلیما و قابیل با لبودا. چون قابیل این حکم را نپذیرفت و خواهان ازدواج با خواهر بطنی خود بود. خدا گفت قربانی کنند، قربانی هرکس مقبول افتاد حق با اوست. قربانی قابیل پذیرفته نشد و خشمگین شد و برادرش هابیل را به مرگ تهدید کرد. سرانجام با

ضربه سنگی هابیل را کشت و او را دفن کرد. خداوند به سزای عمل زشت و گناه برادرکشی او را از درگاه لطف و مرحمت خود و از وطن و خانواده‌اش راند. (دهخدا)

• **قاسطین:** لقب آن دسته از اهل صفین که در صف معاویه بودند. امیرالمؤمنین علی (7) می‌فرماید: «مرت بقتال الناکثین و القاسطین و المارقین». و این لقبی است که گویند رسول خدا به آنان داده است. در یکی از روایات است که پیغمبر (6) علی (7) را فرمود: تو پس از من با قاسطین و ناکثین و مارقین جنگ خواهی کرد. (نهج البلاغه، شرح ابی الحدید چاپ بیروت).

• **قصر شیرین:** شهرستانی است که از شمال شرقی به بخش ثلاث (کرمانشاه) و از جنوب به بخش چوار (ایلام)، از مشرق به بخش گیلان و کرند و از مغرب و شمال به کشور عراق محدود است. از جمله بخش‌های آن سومار و سرپل ذهاب و بخش مرکزی است. در اطراف این شهر خرابه‌هایی است منسوب به خسرو پرویز سامانی. قصر شیرین کنار الوند رود سر شاهراه تجاری تهران به کرمانشاه و بغداد قرار دارد. این شهر همواره در حرکات اذیایی عراق در هر مناقشه‌ای محل مهاجرت یا اخراج معاودین ایرانی قرار داشت. با شروع جنگ تحمیلی و حمله سراسری عراق به ایران متأسفانه کاملاً تخریب و با خاک یکسان شد. و اهالی و ساکنان آن به مناطق و استان‌های هم‌جوار مهاجرت کردند. سال‌ها در اختیار رژیم بعثی صدام بود تا نیروهای رزمنده آنرا با انجام عملیات شجاعانه از اشغال عراق آزاد کردند.

• **قلاویزان:** منطقه قلاویزان دشت وسیعی است در دامنه کوه و قلعه قلاویزان. بخشی از دشت و منطقه قلاویزان در ایران و بخشی در عراق است. از مناطق مهم استراتژیکی در دوران دفاع مقدس بود. «اطلس نبردهای ماندگار».

• **قیام 19 دی:** قیام 19 دی ماه 1356 سرآغاز مرحله نوینی از انقلاب اسلامی می‌باشد که طی آن نخستین تظاهرات گسترده مردم مسلمان ایران بعد از قیام 15 خرداد 1342 علیه رژیم طاغوت در شهر قم برپا شد. این قیام به علت درج مقاله‌ای توهین‌آمیز در یکی از روزنامه‌های عصر تهران آغاز شد. روحانیون و مردم با گردهمایی در مسجد اعظم قم، آشکارا سرنگونی حکومت پهلوی را خواستار شدند و همین امر سرآغاز

اوج‌گیری نهضت اسلامی ایران شد و عاقبت در بهمن‌ماه 1357 به پیروزی منتهی گشت.

- **کاخ سفید:** اقامتگاه رسمی و محل کار رئیس جمهور آمریکا در واشینگتن دی.سی
- **کاخ‌های کرم‌لین:** محل استقرار روسای جمهور کشور شوروی است. سال‌ها به‌عنوان یکی از ابرقدرت‌های جهان مرسوم به جناح «کمونیستی و چپ» در سیطره بر برخی از کشورهای دنیا در همین مرکز تصمیم‌گیری‌ها صورت می‌گرفت. در واقع نماد قدرت شوروی در برابر آمریکا می‌بود که از طریق کاخ سفید مدیریت می‌شد.
- **کارتر، جیمی:** سی‌ونهمین رئیس جمهور ایالت متحده آمریکا بود، از سال 1981-1977 در این سمت بود. از جناح حزب دمکرات از مهمترین مسائل دوره ریاست جمهوری او، پیروزی انقلاب اسلامی در سال 1357، آغاز جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، تسخیر لانه جاسوسی آمریکا در ایران و کودتای نافرجام طبس را می‌توان نام برد.
- **کاشانی، سیدابوالقاسم:** روحانی مبارز و شخصیت معروف سیاسی تاریخ معاصر ایران در گذشته پس از فرار رضاشاه از ایران مبارزات سیاسی خود را آغاز کرد که در نتیجه این مبارزات توسط نیروهای اشغالگر انگلیسی دستگیر و زندانی شد اما پس از آزادی در مقام نماینده مردم تهران به مجلس شورای ملی راه یافت. با حمایت ایشان از دکتر مصدق و تشویق مردم در کمک به دولت صنعت نفت در سراسر کشور ملی اعلام شد. بعد از روی کار آمدن دولت سرکوب قوام‌السلطنه آیت‌الله کاشانی مردم را دعوت به قیام کرد که این قیام موسوم به 30 تیر بار دیگر دولت مردمی مصدق را به قدرت رساند. اما پس از کودتای آمریکایی زاهدی و بازگشت شاه، آیت‌الله کاشانی نیز خانه‌نشین شد تا اینکه سرانجام بعد از عمری مبارزه با استعمار در 80 سالگی بدرود حیات گفت.
- **کمونیسم:** یک ایدئولوژی است که می‌کوشد براساس مالکیت مشترک روش‌ها و ابزارهای تولید و در غیاب مالکیت خصوصی یک سازمان اجتماعی ضد دولت‌گرایی فاقد طبقه‌بندی‌های اجتماعی را ترسیم کند. کمونیسم را شاخه‌ای از مکتب سوسیالیسم می‌دانند. اشکال اولیه سازمان‌های اجتماعی انسانی در مکتب

مارکسیسم به «کمون اولیه» مشهور است. با این وجود، کمونیسم یک نوع سازمان اجتماعی را ترسیم می‌کند. این مکتب سال‌های سال به‌عنوان ایدئولوژی روسیه، چین و بسیاری از کشورهای وابسته بدان‌ها در برابر قدرت دیگر یعنی آمریکا بر مناطقی از جهان سلطه داشته است. این مکتب ساختار اجتماعی - اقتصادی را تبلیغ می‌کرد که در آن دولت (هیئت حاکمه) براساس مکتب اشتراکی ابزار تولید را ترویج می‌کرد. پس از فروپاشی روسیه و تغییر موضع و جهت اقتصادی چین این مکتب تا حدی در جهان تضعیف شده است.

- **کودتای طبس:** دانشجویان مسلمان پیرو خط امام در 13 آبان‌ماه 1358 سفارت آمریکا را که در واقع محل و مرکز توطئه و جاسوس بود اشغال کردند. آمریکا برای آزادی جواساس‌ها برنامه‌ریزی‌ای را در نظر گرفت. از جمله «دلتافورس» و عملیات «ایگل کل» به نیمه عقاب را می‌توان نام برد. عملیات را با 132 نفر نیرو در 1359/2/5 رد صحرای طبس شروع کردند. با همکاری بنی‌صدر و تعطیلی حوزه‌های راهداری هوایی ایران نیروهای آمریکایی ابتدا با 6 دستگاه هلی‌کوپتر را در طبس فرود آمدند. از آنجا که خداوند همواره انقلاب اسلامی را مورد لطف قرار داده است یکی از هلی‌کوپترها در حین برخاستن به هوایمای سی - 130 مستقر در محل برخورد کرد و انفجار عظیمی رخ داد. جیمی کارتر رئیس‌جمهوری وقت آمریکا عملیات را مستقیماً تحت نظر داشت. شهید محمد منتظر قائم فرمانده خبیر و شجاع سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نیرو خود را به محل فرود نیروهای آمریکا می‌رساند تا از مدارک و اسناد موجود و همراه آمریکایی‌ها استفاده کند. پس از انفجار و آتش گرفتن هواپیما و هلی‌کوپترها از سوی کاخ سفید اعلامیه توقف و عملاً شکست عملیات و کودتای طبس اعلام شد. بنی‌صدر که در موضع فرماندهی کل قوا بود دستور داد تا هلی‌کوپترهای به‌جای مانده آمریکایی‌ها را بمباران کنند. بسیاری از اسناد محرمانه در این خیانت آشکار بنی‌صدر در آتش سوخت و محمد منتظر قائم که از هلی‌کوپترها پس از فرار آمریکایی‌ها حفاظت می‌کرد به شهادت رسید. متأسفانه از قبل بنی‌صدر جریانی ناسالم را در نیروی هوایی به‌خصوص نیروهای بازمانده از رژیم شاه سازماندهی کرده بود. علاوه بر ازبین رفتن اسناد مهم و

شهادت محمد منتظر قائم پنج فرزند هلی کوپتر مدرن و پیشرفته نیز می‌توانست غنیمتی ارزشمند و تاریخی برای ایران باشد. شکست کودتا سند مبرهنی بر دخالت و رسوایی آمریکا در ایران و در برابر انقلاب اسلامی محسوب می‌گردد.

- **کومله:** در سال 1357 گروه کومله از ادغام سه گروه چپ‌گرای کرد تشکیل شد به‌نام‌های گروه زحمتکشان کردستان ایران، گروه چاوه و گروه اتحادیه کشاورزان و بعدها با اسامی حزب کمونیست ایران، اتحاد سوسیالیستی کارگری و حزب اتحاد کمونیست کارگری و با تعدد انشعاب فعالیت می‌کردند. در ابتدا پیرو اندیشه و مشی سیاسی مائوسیسیم بودند. این گروه از آغاز در برابر نظام جمهوری اسلامی ایران موضع مخالف داشت. حتی زمانی که به‌نام «سازمان کردستان حزب کمونیست ایران» فعالیت می‌کرد به‌ظاهر از خلق کرد دفاع می‌کرد اما به‌علت وابستگی به قدرت‌ها و کشورهای کمونیست بیگانه از منطقه کردستان ایران سلب آرامش و آسایش می‌کرد. در برابر فعالیت‌های سازندگی نیروهای انقلاب در منطقه موضع مخالف داشتند. در تمامی آشوب‌های منطقه دست داشتند. به بهانه استقلال کردستان بسیاری از نیروهای انقلابی پاسدار را به شهادت رساندند. به جنگ مسلحانه در برابر ارگان‌های انتظامی و نظامی پرداختند از جمله گروه‌هایی بود که نظام جمهوری اسلامی آنان را غیرقانونی اعلام کرد.

- **گیلان غرب:** یکی از شهرهای استان کرمانشاه است. واقع در باختر شاه‌آباد در این منطقه معادن نفت و ذغال‌سنگ و گوگرد و آهن یافت می‌شود. گیلان غرب قصبه مرکز بخش گیلان واقع در 94 کیلومتری باختر شاه‌آباد دارای دشت وسیع و گرمسیری است. این شهرستان نیز با شروع جنگ تحمیلی مورد تهاجم و اشغال عراق واقع شد و در تمام دوران جنگ تحمیلی یکی از پایگاه‌های مهم برای هر دو کشور درگیر بود.

- **لباس سیاه:** از احادیثی که در کراهت سیاه وارد شده و شیخ حر عاملی در رسائل الشیعه نقل کرده است یکی این حدیث است: «قال امیرالمومنین (7) فیما علم اصحابه: لا تلبس السواد فانه لباس فرعون» (ج 4، ص 382) ترجمه: «امیرالمومنین در

تعلیم یارانش گفت: سیاه نپوشید که رنگ لباس فرعون است. اما بعضی دیگر از احادیث پوشیدن رنگ سیاه در کفش و عمامه و کساء را روا دانسته‌اند.

- **لیبرالیسم:** به جریان و تفکری مرتبط با دولت، اطلاق می‌شود که آزادی شخصی را مهم‌ترین هدف سیاسی می‌دانند. لیبرالیسم مدرن در عصر روشنفکری ریشه دارد. به صورت کلی، لیبرالیسم به ظاهر بر حقوق افراد و برابری فرصت تأکید دارد. شاخه‌های مختلف لیبرالیسم ممکن است سیاست‌های متفاوتی را پیشنهاد کنند. لیبرال‌ها در نظام جمهوری اسلامی با وجودی که به قدرت رسیدند در ادامه نسبت به برخی مواضع و فتاوی‌ای امام موضع‌گیری کردند. از جهت مشی سیاسی چندان پایبندی به اصول و مبانی نظام جمهوری اسلامی ندارند.

- **مارگارت هیلدا تاچر:** (زاده 13 اکتبر 1925) رهبر سابق حزب محافظه‌کار بریتانیا بود. وی در سال 1975 به رهبری این حزب برگزیده و چند سال بعد در 1979 با شعار بهبود اوضاع اقتصادی از سوی محافظه‌کاران نامزد شد و به نخست‌وزیری انگلیس رسید و تا سال 1990 در هر سمت باقی ماند. تاچر تنها زنی در بریتانیا است که تاکنون دارای این دو پست به صورت همزمان بوده است. الگوی رفتار سیاسی وی به «تاچریسم» معروف است. در دوران مسئولیت خویش از کمک‌های شایان توجه به دولت صهیونیستی اسرائیل حمایت‌های همه‌جانبه می‌کرد.

- **ماژن (ماژین):** بخش ماژن از بخش‌های مرکزی شهرستان دره‌شهر است، در این بخش امامزاده معین صالح و امامزاده سیدممر کوه‌نشین و امامزاده شاه احمد واقع است.

- **مدرس، سیدحسن:** روحانی مبارز و عالمی آزادی‌خواه بود که در پی مبارزات خود علیه ظلم حکومت داخلی و دخالت‌های بیگانگان در زمان کودتای 1299 رضاخان دستگیر و زندانی شد. وی پس از سقوط کابینه سیدضیاء از زندان آزاد و به‌عنوان نماینده مردم تهران به مجلس راه یافت. سرانجام در پی تشدید مخالفت‌های خود علیه حکومت رضا شاه به خواف تبعید و سپس به کاشمر منتقل شد و همان جا به دست عوامل دولتی به شهادت رسید. مدرس از جمله حرفه‌ای‌ترین پارلمانتاریست‌های ایرانی بود که با وجود اقلیت همیشگی، با سخنان خود اکثریت

را به سمت خود می‌کشید. شعار معروف «سیاست ما عین دیانت ماست» از شهید مدرس است.

- **مدنی، سیداسدالله:** در سال 1293 هجری شمسی در آذرشهر آذربایجان شرقی دیده به جهان گشود. در آغاز جوانی برای کسب علم و کمال به شهر مقدس قم عزیمت کرد. دیری نپایید که از استادان معروف حوزه علمیه نجف شد و توانست از مراجع بزرگی چون آیت‌الله حکیم، آیت‌الله حجت‌کوه کمری و آیت‌الله خوانساری اجازه اجتهاد بگیرد. ایشان تمام عمر خویش را در راه ترویج اسلام و مبارزه با رژیم فاسد طاغوت گذراند. پس از پیروزی انقلاب اسلامی از سوی مردم همدان به‌عنوان نماینده مجلس خبرگان قانون اساسی انتخاب شد. پس از شهادت آیت‌الله قاضی به فرمان امام خمینی امامت جمعه تبریز را به عهده گرفت. آیت‌الله مدنی در بیستم شهریور 1360 پس از اتمام خطبه‌های نماز جمعه همدان با انفجار نارنجک منافقی کوردل به شهادت رسید.

- **مسجد الاقصی:** در شهر قدس و نخستین قبله مسلمانان بوده است. این مسجد را حضرت داود (7) بنا کرد. سپس فرزندش سلیمان تکمیلش کرد. در زلزله‌ای شدید ویران شد در سال 585 میلادی توسط صلاح‌الدین ایوبی مرمت شد. نام مسجد الاقصی در قرآن مجید آیه اول از سوره اسراء در آیات مربوط به معراج پیامبر اسلام (6) آمده است: «سبحان الذی اسرى بعبده لیلاً من المسجد الحرام الی المسجد الاقصی» این مسجد بارها از سوی یهودیان افراطی و صهیونیست مورد تهاجم قرار گرفته و در سال 1969 میلادی قسمت جنوب شرقی مسجد به آتش کشیده شد. امروز به‌عنوان یکی از مراکز و پایگاه‌های مهم مقاومت مسلمانان فلسطین نامیده می‌شود.

- **مسلم بن عوسجه اسدی:** اولین شهید عاشورا که در حمله نخست به شهادت رسید از طایفه بنی‌اسد و از چهره‌های درخشان کوفه و هواداران اهل‌بیت بود. از اصحاب پیامبر (6) و مسلمانان با سابقه به‌شمار می‌رفت. فردی پارسا، شجاع و سوارکاری نامی بود. در همه جنگ‌های امیرالمؤمنین (7) بیعت می‌گرفت. در کربلا پس از آنکه امام حسین (7) از یاران خواست تا با استفاده از تاریکی شب

از صحنه خارج شوند مسلم برخاست و سوگند خورد اگر هفتاد بار کشته شوم سوزانده شوم و خاکسترم بر باد رود هرگز تو را رها نخواهم کرد. سپاه دشمن چون یارای تن به تن جنگیدن با او را نداشت او را در سنگ باران کردند. در لحظه‌های آخر که حبیب بن مظاهر بالای سر او رفت او را توصیه کرد که مبادا حسین (7) را تنها گذارد. (فرهنگ عاشورا، جواد محدثی).

- **مشکینی (فیض)**، **علی اکبر**: آیت الله علی اکبر فیض معروف به مشکینی در سال 1300 در روستایی از توابع بلوک مشکین و در خانواده‌ای متدین و اهل علم دیده به جهان گشود. پدر وی نیز روحانی و اهل علم و تقوی بود. ایشان پس از کسب مقدمات علوم دینی در نجف به ایران بازگشت و پس از رحلت پدر به اردبیل مهاجرت کرد و در آنجا ادامه تحصیل داد. ایشان از نخستین افرادی بود که در نهضت سخنرانی از قیام روشنگرانه امام دفاع کرده و به همراه 27 نفر از اساتید حوزه به نقاط مختلفی مثل کاشمر، ماهان کرمان و گلپایگان تبعید شد. ایفای نقش ایشان در جریان‌ات مختلف بعد از انقلاب در مسئولیت‌هایی چون عضویت در خبرگان، تدوین قانون اساسی، عضویت در جامعه مدرسین حوزه علمیه قم و ریاست شورای بازننگری قانون اساسی مشهود است. در کارنامه علمی و فرهنگی ایشان تأسیس مؤسسه الهادی و تألیف، تصحیح و ترجمه ده‌ها جلد کتاب و مقاله را می‌توان مشاهده کرد.
- **مصدق**، **محمد**: دکتر محمد مصدق در اردیبهشت 1258 به دنیا آمد. در مدرسه سیاسی تازه تأسیس به تحصیل پرداخت. در دوره اول به نمایندگی اصفهان وارد مجلس شورای ملی شد. از مدرسه علوم سیاسی پاریس و از دانشگاه نوشاتل درجه دکترا حقوق و جواز وکالت گرفت. در کابینه مشیرالدوله به‌عنوان وزیر دادگستری معرفی شد. مدتی از سوی مردم فارس، والی (استاندارد) ایالت فارس شد. در کابینه قوام‌السلطنه به وزارت دارایی منصوب شد. مدتی والی آذربایجان شد. با وجودی که در کابینه سردار سپه به وی پست نخست‌وزیری پیشنهاد شد نپذیرفت و رحل اقامت در احمدآباد مستوفی افکند. مدتی به بیرجند تبعید شد اما به‌علت بیماری مجدداً او را به احمدآباد برگرداندند. در جریان سی تیر دولت قوام برکنار شد و دکتر مصدق با تصدی وزارت جنگ نخست‌وزیر شد و در 25 آذر تلفن را ملی



اعلام کرد و پس از کودتای 25 مرداد 1332 که منجر به فرار شاه از ایران شد. در کارنامه دکتر محمد مصدق ملی اعلام کردن صنعت نفت قابل توجه است. پس از 28 ماه زمامداری و کودتای دیگر شاه به ایران برگشت و مصدق برکنار و محاکمه شد، سرانجام در 14 اسفند سال 1345 چشم از جهان فرو بست. «دهخدا»

- **مطهری، مرتضی:** (1298-1357ش) در مشهد در خانواده‌ای روحانی متولد شد و در اوان کودکی به تحصیل علم پرداخت. وارد حوزه علمیه شد و چندی بعد، از محضر استادانی چون امام خمینی، آیت‌الله بروجردی و علامه طباطبایی بهره جست. استاد مطهری از سال 1331 بعد از عزیمت به تهران، تدریس و تبلیغ و سخنرانی‌های خود را در مدارس و محافل مذهبی آغاز کرد و در سال 1342 بعد از سخنرانی‌ای مهیج علیه رژیم شاه روانه زندان شد اما پس از آزادی فعالیت‌های فرهنگی و آموزشی و مبارزاتی خود را از سر گرفت و تا پیروزی انقلاب و پس از آن لحظه‌ای از آگاهی بخشی به جوانان و جامعه از پا ننشست تا آنجا که به‌عنوان مهم‌ترین نظریه‌پرداز جمهوری اسلامی نامبردار شد. اما سرانجام در 11 اردیبهشت 1358 به دست گروهک منحرف فرقان به شهادت رسید.

- **معاویه:** معاویه بن ابی‌سفیان زمامداری خودکامه و طاغوتی جبار بود پدرش ابوسفیان و مادرش هند جگرخوار از سرسخت‌ترین دشمنان اسلام بود از زمان عثمان والی شام گشت و با علی (7) جنگید. و همواره علیه او توطئه می‌کرد. معاویه به هیچ یک از تعهدات صلح‌نامه‌ای که به امام حسن (7) تحمیل کرد وفا نکرد. از جمله بدعت‌های معاویه بیعت اجباری از مردم گرفتن برای ولایت عهدی فرزند شراخوار و نالایقش یزید بود. قوی‌ترین گروه مخالفان بیعت با یزید حسین بن علی (7) که هرگز در برابر آن پدر و پسر سکوت نکرد. امام حسین (7) درباره بنی‌امیه فرمود: «انا وهم الحضان الذان اختصمانی ربهم» «ما و آنان در خصمی هستیم که نزاعمان بر سر مسئله خداست». معاویه در تحکیم سلطه بنی‌امیه بر مسلمانان و روی کار آمدن یزید و جنایتهای بعدی سهم عمده داشت.

- **مفتح، محمد:** در سال 1307 (ه. ش) در همدان دیده به جهان گشود. در آنجا به تحصیل دوره دبستان و مقدمات علوم اسلامی روی آورد. سپس به حوزه علمیه قم

مهاجرت کرد. درحالی‌که در این حوزه به درجه اجتهاد رسید، در دانشگاه تهران نیز موفق به اخذ درجه دکتری گردید. نقش شهید مفتاح در صحنه‌های مهم مبارزات انقلابی از جمله اقامه نماز دشمن‌شکن عید فطر 1357 بسیار حساس بود. در خطبه‌های نماز جمعه برای اولین بار نام امام خمینی را آشکارا بر زبان جاری کرد و رهبری امام را مورد تأکید قرار داد و مردم را به راهپیمایی برای روزهای بعد دعوت کرد. شهید مفتاح با تشکیل شورای انقلاب، از طرف امام به عضویت این شورا درآمد و در این سنگر منشأ خدمات شایانی شد. آیت‌الله مفتاح، به‌عنوان عضو هیأت علمی دانشگاه تهران، به تدریس و تحقیق می‌پرداخت. سرانجام در 27 آذرماه 1358 به همراه دو تن از پاسداران جان بر کف خود در مقابل دانشکده الهیات از سوی گروهک منافق فرقان به شهادت رسید و در صحن حرم حضرت معصومه (3) به خاک سپرده شد.

- **مقداد:** مقداد ابن عمرو بن اسود. صحابی است بدری از جمله اصحاب رسول‌الله (6) است که در نخستین سال‌های اعلام شریعت اسلام، به اسلام گروید. پدرش عمرو حلیف کنده بود لهذا اورا کندی هم نامند. از جمله هفت نفری است که در نخستین بار اظهار اسلام کردند. مقداد در غزوه بدر شرکت داشت. مقداد بن اسود و سلمان فارسی و ابوذر غفاری و عمار بن یاسر از اولین کسانی هستند که به شیعه علی (7) معروف شده‌اند اینان کسانی بودند که با وجود خلافت ابوبکر در مودت و ولایت علی (7) ثابت ماندند. مقداد در سال 33 ه.ق، در نزدیکی مدینه وفات یافت و جسدش به مدینه حمل شد و در مدینه مدفون گردید. در صحیحین از مقداد 48 حدیث نقل شده است.
- **من طلبنی وجدنی و...:** در هیچ‌کدام از کتب روایی حدیث یا عبارتی دقیقاً مثل این عبارت که به‌خصوص در سال‌های دفاع مقدس به «حدیث قدسی» مشهور بود یافت نشد. در وسائل الشیعه حدیثی شبیه به این نقل شده است: «ان الله تعالی قال: من دعانی احبته و من سألنی اعطيته و من اعطانی شکرته و من عصانی سترته و من قصدنی ابقیه و من عرفنی خیرته و من احببنی ابتلیته و من احبته قتلته و من قتلته فعلی دیته و من علی دیته فأنا دیته» (ج 18، ص 419).

- **ملک‌حسین:** پادشاه مراکش بود سال‌ها به‌عنوان دیکتاتور در جهت خدمت به اسکتبار جهانی به‌خصوص آمریکا بر جان و مال مردم مراکش حکومت جبارانه داشت. به‌عنوان فردی مزدور و وابسته به قدرت‌های جهانی به‌خصوص آمریکا و انگلیس ثروت ملی و منابع نفت این کشور را برای غارت آمریکا محافظت می‌کرد.
- **ملک‌حسین:** حسین بن طلال (زاده 14 نوامبر 1935، درگذشته 7 فوریه 1999). پادشاه اردن از 11 اوت 1952 تا پایان عمر خود به مدت 47 سال بود ملک‌حسین از پادشاهان جزء حلقه اقماری وابستگان آمریکا بود. همیشه جزء پادشاهان مرتجع عرب منطقه بود که منافع ابرقدرت‌ها را بر منافع مردم اردن ترجیح می‌داد.
- **ملک‌فهد بن عبدالعزیز:** پنجمین پادشاه عربستان سعودی و هشتمین فرزند «عبدالعزیز آل سعود» بنیانگذار عربستان جدید بود. زمان به سلطنت رسیدن ملک‌فهد مصادف با اوج رونق نفتی و افزایش دلارهای نفتی بود که عربستان سعودی را به یکی از قدرت‌های بزرگ اقتصادی جهان تبدیل کرد او در سال جنگ ایران و عراق با دلارهای نفتی از صدام‌حسین و سایر گروه‌های مرتجع منطقه حمایت کرد.
- **ملکشاهی:** از جمله شهرستانهای استان ایلام با جمعیتی بالغ بر 32991 متر.
- **منافقین:** در سال 1344 با عنوان سازمان مجاهدین خلق با هدف مبارزه با رژیم پهلوی تشکیل شد. اعضای آن در زندان دچار انحراف شدید فکری شدند. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، هر روز با جمهوری اسلامی زاویه مواضعشان بیشتر می‌شد تا در خرداد 1360 علیه جمهوری اسلامی به مشی مسلحانه روی آوردند. فعالیت‌های آنان از سوی حکومت ایران غیرقانونی اعلام شد. پس از آن تغییرات سازمانی وابسته به آمریکا و اقمارش در عراق مستقر شدند و شانه به شانه صدام علیه جمهوری اسلامی ایران فعالیت می‌کردند. سرسپرده صدام شده در تخلیه اطلاعاتی و شکنجه آزادگان و اسرای ایرانی فعالیت می‌کردند. اینک در اردوگاهی در عراق مستقرند به‌عنوان مزدوران آمریکا، انگلیس و اسرائیل همسو با استکبار جهانی و سلطنت‌طلب‌ها و سایر ضدانقلاب‌ها فعالیت دارند.
- **منتظری، حسین‌علی:** در 1364 از طریق خبرگان رهبری به سمت قائم مقام رهبری انتخاب شد و در 1368 به دستور امام خمینی از این مقام عزل شد؛ در مدتی که

ایشان سمت قائم مقام رهبری را برعهده داشتند مورد احترام و علاقه رزمندگان و مردم بودند.

- **موسوی، میرحسین:** در سال 1360 با رأی مجلس شورای اسلامی به نخست‌وزیری جمهوری اسلامی انتخاب شد و تا سال 1368 در این سمت بود. در مدتی که وی نخست‌وزیری را برعهده داشت مورد احترام و علاقه رزمندگان اسلام و مردم بود.

- **مهران:** از جمله شهرستانهای استان ایلام است با جمعیتی بالغ بر 27077 متر در جنوب شهرستان ایلام و صالح‌آباد واقع است.

- **میثم ابن یحیی از موالی:** بنی اسد از اجله اصحاب حضرت علی (7) بود. وی برده زنی از بنی اسد بود و حضرت علی (7) او را خرید و آزاد کرد و میثم نزد علی (7) باقی ماند سپس در کوفه سکونت گزید و به سبب علاقه و ارتباطی که با حضرت علی (7) داشت عبیدالله بن زیاد امیر کوفه او را زندانی ساخت و سپس بر چوبی به صلیب کشید و او در آن حال شروع به بیان فضایل بنی هاشم کرد و چون خبر آنرا به ابن زیاد دادند بدو گفتند که این برده شما را مفتضح ساخت، امر کرد که او لجام نهادند و این نخستین بار بود که در تاریخ اسلام کسی را لجام می‌زدند و سپس با نیزه او را بقتل رساندند و آن در سال 60 ه.ق. و ده روز پیش از ورود امام حسین (7) به عراق بوده است. (از الاعلام زرکلی، ج 8، ص 294). ابوسالم میثم از ایرانی‌های کوفه و از اجله اصحاب حضرت امیرالمومنین علی (7) بوده و او را عبیدالله زیاد ده روز قبل از آنکه حضرت امام حسین به عراق وارد شود در کوفه به قتل رساند. «دهخدا»

- **میثم تمار:** از صحابه خاص حضرت امام علی (7) بود. میثم تمار فرزند یحیی و اهل سرزمین «نهروان» - منطقه‌ای میان عراق و ایران - بود. بعضی او را ایرانی و از مردمان فارس دانسته‌اند. به او «ابوسالم» هم می‌گفتند. لقب «تمار» (خرمافروش) را هم از آن جهت به او می‌گفتند، که در کوفه خرمافروش بود. ابتدا غلام زنی از طایفه «بنی اسد» بود. حضرت علی (7) او را از آن زن خرید و آزاد کرد که بعد از آن از یاران و صحابه آن حضرت شد. هم‌چنین وی از اصحاب پیامبر اکرم (6) به‌شمار آمده است، هرچند از جزئیات زندگی او در سال‌های نخستین حیاتش و در

روزگار صدر اسلام، اطلاع مبسوطی در دست نیست. آشنایی میثم با علی (7) برای او توفیقی بزرگ بود. از این رو به شاگردی در مکتب علی (7) مشغول شد. علی (7) هم با مشاهده استعداد روحی و زمینه مناسب وی دانش و آگاهی‌های بسیاری را به او آموخت. میثم، علم تفسیر قرآن را نزد مولای خود علی (7) فرا گرفت. و از معارفی که از او آموخته بود کتابی تدوین کرد که کتابش را پسرش از او روایت کرد. به همین جهت، میثم یکی از مؤلفان شیعه به حساب می‌آید. نقل است که علی (7) چگونگی کشته شدن میثم را پیشگویی و به وی گفت: «تو را بعد از من دستگیر می‌کنند و به دار خواهند زد. در روز سوم از بینی و دهان تو خون روان خواهد شد و محاسنت را رنگین خواهد ساخت». میثم در آخر سال 60 هجری، ده روز قبل از ورود امام حسین (7) به عراق، توسط عبیدالله بن زیاد دستگیر شد و به همان نحوی که امام علی (7) خبر داده بود به دار آویخته شد و کشته شد.

- **میخائیل سرگنه ویچ گورباچف:** (متولد 2 مارس) 1931 از 1985 تا 1991 آخرین رهبر اتحاد جماهیر شوروی بود. تلاش‌ها و اصلاحات او باعث پایان جنگ سرد شد. اما همزمان یگانگی سیاسی حزب کمونیست اتحاد جماهیر شوروی را نیز پایان داد و نهایتاً باعث فروپاشی شوروی شد. گورباچف در سال 1990 جایزه صلح نوبل را دریافت کرده است.
- **میرزا کوچک جنگلی:** از مجاهدان مشروطیت و رهبر قیام جنگل. نامش یونس معروف به میرزا کوچک‌خان فرزند میرزا بزرگ از مردم رشت در سال 1298 هجری دیده به جهان گشود. مقدمات علوم دینی را در مدرسه صالح‌آباد رشت و مدرسه محمودیه شمیران فرا گرفت. پس از فراز و نشیب‌های بسیار تصمیم به تأسیس نهضت جنگل گرفت. با دکتر شمس‌الاطباء و میرزا کریم‌خان و سردار محیی‌الدین و سایر مجاهدین گیلان برای اخراج بیگانگان از ایران به مبارزه پرداخت. فردی معتقد به احکام شریعت بود. مدتی طلبه علوم دینی بود، اما از مقدمات فراتر نرفت. سرانجام در سال (1300 ش) با مرگ مشکوک او نهضت جنگل هم خاتمه یافت. «دهخدا با تلخیص»

• **میرلوحی، سیدمجتبی (نواب صفوی):** مشهور به نواب صفوی از رهبران اصلی سازمان فدائیان اسلام همراه سه تن از همزمانش شهید شد. بدین ترتیب رژیم طاغوت مبارزی متعهد و انقلابی را که فقط بر مبنای اسلام خواهی سخن گفته بود به شهادت رساند. شهید نواب صفوی در سال 1305 هجری شمسی در خانواده‌ای روحانی متولد شد و تحصیلات متداول را در کنار تحصیلات حوزوی ادامه داد. وی بنیانگذار اولین سازمان انقلابی - مکتبی است که راه‌گشای مبارزات مسلحانه اسلامی بود. فداییان اسلام مبارزه با شاه و عوامل او را در داخل و نیز مبارزه با استعمارگران و قدرت‌های خارجی و روشنفکرانهای وابسته به غرب را سرلوحه اهداف خود قرار داده بودند!

• **میمک:** از جمله مناطق استراتژیک و مهم در منطقه ایلام است. از آغاز تحرکات ارتش عراق این منطقه مورد توجه دشمن بود و برای اشغال ارتفاعات میمک عراق تلاش بسیار کرد. چندین بار به اشغال عراق درآمد و مناطقی از آن را نیروهای مبارز ارتش ایلام آزاد می‌کرد. در این منطقه عملیات نظامی بنام ذوالفقار - خوارزم انجام شد. رشادت‌های ایل خزل را در مبارزه برای باز پس‌گیری منطقه و ارتفاعات میمک نباید فراموش کرد. پس از گذشت 7 سال از آغاز جنگ هنوز بخش‌هایی از میمک در دست عراق بود. در عملیاتی بنام نصر 2 با رمز یا حسین مظلوم توسط ارتش جمهوری اسلامی ارتفاعات مشرف و خطوط مواصلاتی دشمن در منطقه میمک آزاد شد.

• **ناکثین:** لقبی است که امیرالمؤمنین علی (7) به اهل واقعه جمل می‌دهد. کسانی که در مدینه با علی ابن ابیطالب (7) بیعت کردند و در بصره عهد خود را شکستند و به جنگ با وی برخاستند.

• **نوری، فضل‌الله:** (حاجی شیخ) بن ملا عباس نوری مازندرانی معروف به شیخ نوری از فقهای امامیه و از مراجع تقلید اوایل قرن چهاردهم است. پس از تحصیل علوم دینی مقیم تهران گشت و در وقایع مشروطیت به حمایت و همراهی از محمدعلی شاه قاجار به مخالفت با طباطبایی و بهبهانی دو روحانی صاحب نفوذ و مشروطه‌خواه پرداخت. پس از فتح تهران گرفتار و در 13 رجب 1327 به دار آویخته شد و در قم

مدفون است. از تصانیف او تذکرة الغافل و ارشاد الجاهل، صحیفه مهدویت را می‌توان نام برد. «دهخدا».

- **نهیست آزادی:** حزبی سیاسی بود که در سال 1340 با جدایی از جبهه ملی ایران و تأکید بر هویت ایرانی - اسلامی تأسیس شد. اولین دبیرکل آن آقای مهدی بازرگان بود. که تا هنگام مرگ در این سمت قرار داشت. بعدها به علت خروج از مسیر کلی و جهت حرکتی جمهوری اسلامی و اخذ مواضع مخالف از سوی نظام فعالیتشان غیرقانونی اعلام شد.

- **واشنگتن:** چهل و دومین ایالت از ایالات متحده آمریکاست واقع در شمال غربی آن کشور. در شمال اقیانوس آرام. همچنین پایتخت ایالت متحده آمریکا نیز به همین نام است. مرکز اداره‌ها و کنگره و مقر رئیس جمهور می‌باشد. این شهر در کنار رود پوتوماک در کنار اقیانوس اطلس در شرق کشور آمریکا واقع شده است. کاخ معروف سفید در این شهر واقع است بسیاری از سیاست‌ها و تصمیم‌گیری‌های مهم به‌خصوص در جهت استثمار، اشغال و غارت منافع ملی کشورها در همین کاخ طراحی و مدیریت می‌گردد به همین جهت است که بسیاری از اندیشمندان از این کاخ به‌عنوان مرکز فرماندهی دولتمردان آمریکا یاد می‌کنند.

- **واجب کفایی:** آن است که با فعل بعضی از مکلفان منظور حاصل شود، هرکه باشد فرق نمی‌کند (عده مکلفان معین نیست) مانند جهاد. در هر صورت اگر افرادی در زمینه‌ای که حکم واجب کفایی بدان تعلق می‌گیرد انجام وظیفه نمایند، تکلیف از عهده بقیه ساقط می‌گردد. (لغت‌نامه دهخدا).

- **وراثت زمین:** تعبیر وراثت ارض در آیه‌های متعددی در قرآن به‌کار رفته است با دو نگاه ویژه: الف) وراثت زمین به آنان که هدایت شده‌اند. ب) بازپس گرفتن زمین از آنان که از پیشینیان آن را به ارث برده‌اند. در آیه 74 سوره زمر چنین آمده است: «وقالوا الحمد لله الذی صدقنا وعدة و اورثنا الارض...» ترجمه: «و گویند سپاس و ستایش خدای راست که وعده خویش را به ما راست داشت و زمین (بهشت) را به ما میراث داد.»

- **هابیل:** فرزند آدم و حوا، برادر قابیل است. هابیل و لُبودا از یک بطن از حوا زاییده شدند و قابیل و اقلیما از بطن دیگر به دنیا آمدند. حکم خدا این بود که برادر و خواهر تنی نمی‌توانند ازدواج کنند، باید هابیل با اقلیما و قابیل با لُبودا ازدواج کنند. قابیل نپذیرفت و در حسادت با برادر، قابیل هابیل را کشت. هابیل نخستین کسی بود که توسط برادر کشته شد. گویند جایی که قابیل هابیل را به خاک سپرد در کوهی حدود سرانندیب بود. وقتی قرار شد هر دو برادر (قابیل و هابیل) به درگاه خدا قربانی آورند، از هابیل که گوسفندی را آورده بود، قربانی پذیرفته شد و از قابیل پذیرفته نشد و همین امر قابیل را به قتل برادر تحریک کرد. هابیل شبان بود. هابیل فرزند دوم آدم و حواست. (دهخدا)
- **هاشمی‌رفسنجانی، علی‌اکبر:** از روحانیون مبارز قبل از انقلاب است که در جوانی پیرو مشی فکر سیاسی مبارزاتی حضرت امام شد. قبل از انقلاب مکرر از سوی رژیم پهلوی دستگیر شد. پس از انقلاب اسلامی عهده‌دار مسئولیت‌هایی چون: سرپرستی وزارت کشور، ریاست مجلس شورای اسلامی، ریاست جمهوری، ریاست شورای عالی انقلاب فرهنگی، امام جمعه موقت تهران، رئیس مجلس خبرگان رهبری و... شد. هم‌اکنون ریاست مجمع تشخیص مصلحت نظام را بر عهده دارند.
- **هاشمی‌نژاد، سیدعبدالکریم:** در سال 1313 در بهشهر متولد گردید. از سن 14 سالگی در محضر آیت‌الله کوهستانی، سپس در قم نزد آیات عظام بروجردی و امام خمینی (ره) به تحصیل علوم دینی پرداخت. وی از همان اوایل انقلاب در سال 1341 مبارزات خویش را علیه رژیم ستمشاهی آغاز نمود و با خطبه‌ها و سخنرانی‌های پرشور و انقلابی در نشر افکار انقلابی اسلام و افشای ماهیت رژیم پهلوی تمامی توان خود را به کار برد. کتاب مشهور وی «مناظره دکتر و پیر» یکی از کتب ممنوعه در زمان طاغوت به شمار می‌رفت. او پس از پیروزی انقلاب انقلاب اسلامی به عنوان نماینده خبرگان مشهد مقدس در مجلس قانونگذاری انتخاب و مسئولیت دبیری حزب جمهوری اسلامی مشهد را عهده‌دار شد. از دیگر آثار این عالم مجاهد می‌توان به کتاب‌های ذیل اشاره نمود: هستی‌بخش، مشکلات مذهبی روز، مسائل عصر ما، درسی که حسین به انسان‌ها آموخت.



- **هشت شهریور:** در 8 شهریور 1360 دفتر نخست‌وزیری بر اثر انفجار بمب که توسط منافقان کار گذاشته شده بود، دو هم‌رزم دیرینه، شهید محمدعلی رجایی به‌عنوان رئیس جمهوری اسلامی و دکتر محمدجواد باهنر به‌عنوان نخست‌وزیر در این حادثه دلخراش به درجه رفیع شهادت نائل آمدند.
- **هفت تیر (سرچشمه):** دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی واقع در سرچشمه تهران محل گردهمایی بسیاری از شخصیت‌های سرشناس کشوری بود که در شب هفتم تیر 1360 به‌وسیله بمب منفجر گردید و بیش از 72 تن از چهره‌های انقلابی و نمایندگان مجلس، اعضای هیأت دولت و اعضای حزب جمهوری اسلامی به‌دست منافقان به طرزی فجیع به شهادت رسیدند. در این حادثه غیر انسانی تعدادی از شخصیت‌های انقلاب اسلامی - که در رأس آنان شهید آیت‌الله دکتر سیدمحمد حسینی بهشتی قرار داشت - به درجه رفیع شهادت نائل آمدند.
- **هل من ناصر ینصرنی:** عبارتی که در کتاب «موسوعة کلمات الامام الحسین (7)» آمده این است: «هل من راحم یرحم آل الرسول المختار، هل من ناصر ینصر الذریة الاطهار، هل من مجیر لابناء البتول، هل من ذاب یذب عن حرم الرسول» (ص 506) ترجمه: آیا دل‌رحمی هست که بر آل رسول مختار رحم کند؟ آیا یاری‌کننده‌ای هست که ذریت پاک رسول (6) را یاری کند؟ آیا فریادرسی هست برای فرزندان بتول (3)؟ آیا مدافعی هست تا از حرم رسول (6) دفاع کند؟
- **هیئات من الذله:** از روایت‌ها مشهور و شعار حضرت امام حسین (7) است که در مقابل دشمنان خویش بیان شده است. (نفس‌المهموم، ص 131، متقل خوارزمی، ج 2، ص 7، بحارالانوار، ج 45، ص 83). مفهوم این عبارت برای شاعران مایه سرایش اشعار حماسی بلندی شده است. ترجمه «از من دور است که به ذلت تن بدهم». البته این تعبیر جزئی از سخنان گهربار آن حضرت است که در روز عاشورا فرمود: «لا و ان الدعی من الدعی قد رکزنی بین السله و الذله و هیئات له ذلک من، هیئات منا الذله...» (فرهنگ عاشورا، جواد محدثی، ص 505).
- **هویزه:** شهر هویزه جنوبی‌ترین شهر دشت آزادگان و مرکز بخش هویزه یا هوزگان است. این شهر 10 کیلومتری جنوب غربی سوسنگرد قرار دارد. این شهر در دوره

خلفای اسلامی آباد و سرسبز بود و کوشک هویزه و کوشک بصره دو قلعه محکم و دژ دفاعی این سرزمین به شمار می آمد. آب و هوای آن گرم و خشک است. اغلب ساکنان آن شیعه دوازده امامی هستند با آغاز جنگ هویزه آخرین شهر در دست آزادگان بود که به اشغال ارتش عراق درآمد. نیروهای عراقی پس از پیشروی در منطقه سوسنگرد و کرخه نور عملاً هویزه را در محاصره داشتند برای آزادسازی هویزه در عملیات 1357/10/15 با عنوان نصر ضربه ای اساسی به نیروهای عراقی وارد آمد اما در 1359/10/27 بار دیگر نیروهای متجاوز عراق با محاصره هویزه وارد شهر شدند و به غارت منازل پرداختند. طی دوران محاصره و اشغال تقریباً شهر تخریب شد. در تاریخ 1361/12/19 با اجرای مرحله دوم عملیات بزرگ بیت المقدس دشمن عقب نشینی کرد و شهر آزاد شد. در شهر هویزه به یادبود حماسه و مقاومت شهید حسین علم الهدی و یارانش پس از آزادسازی این منطقه پیکرهای مطهرشان شناسایی و در محل یادمان شهدای هویزه به خاک سپرده شد. یادگان معروف حمید در این منطقه است. پس از آزادسازی بلافاصله به فرمان حضرت امام خمینی بازسازی و کار ساخت شهر جدید هویزه به استان قدس رضوی واگذار شد.

• **یاسر:** پسر عامر از نخستین شهیدان تاریخ اسلام، پدرِ عمارِ یاسر و همسر سمیه بود. یاسر از اعراب عنسی مذحجی قحطانی یمن بود که همراه دو برادرش «حارث» و «مالک» از یمن به مکه راه افتاد تا برادر چهارمش را که بر اثر قحطی و خشکسالی و فساد اوضاع حکومت یمن، آواره شده بود، پیدا کند. پس از آنکه سه برادر از پیدا کردن برادر گمشده خود ناامید شدند، مالک و حارث بازگشتند، ولی یاسر در مکه ماند و با رئیس قبیله بنی مخزوم - ابی حذیفه بن مغیره - هم پیمان شد. ابو حذیفه، سمیه دختر خباط را، که بزرگوارترین و پاکدامن ترین کنیز وی بود، به ازدواج یاسر درآورد و پس از آن سمیه را نیز آزاد کرد و بنا گذاشت که فرزندان این زن و شوهر نیز جزء آزادگان (احرار) شناخته شوند. از این ازدواج، پسری به نام «عمار» زاده شد، که بعدها به یکی از یاران نزدیک پیامبر (ﷺ) تبدیل شد و در راه اسلام کشته شد. هنگامی که حضرت محمد (ﷺ) به پیامبری برگزیده شد و آیین اسلام را

به‌طور ناآشکارا وارد مکه نمود، یاسر و سمیه و فرزندشان عمار که در آن هنگام، جوانی رشید و قوی بود، جزء نخستین نفراتی بودند که به دین اسلام گرویدند و تمام خطرات احتمالی را با جان و دل پذیرا شدند. با اسلام آوردن این خانواده و پذیرش آیین توحید و یکتاپرستی و نفی و طرد کفر و شرک، آزار و اذیت‌ها و شکنجه‌های کفار قریش نسبت به آنها آغاز شد و روزبه‌روز فزونی می‌یافت و شدت می‌گرفت. هنگامی که یاسر و همسرش سمیه به پیشنهاد پسرشان عمار اسلام آوردند، مغیره، ابوحدیفه، حکم پسر هشام، و ابوجهل او و همسرش را به شکنجه گرفتند. مشرکان این سه نفر را در گرمترین مواقع مجبور می‌کردند که خانه خود را ترک بگویند، و در زیر آفتاب گرم و باد سوزان بیابان به‌سر ببرند. ابوجهل می‌گفت: یکی از این سه امر موجب رهایی و آسایش شما خواهد بود: 1. ناسزاگویی (سب و شتم) به حضرت محمد (6)؛ 2. بیزاری (تبری) جستن از او؛ 3. بازگشت به لات و عزی. ولی از زبان آنها سخنی جز «الله اکبر» و «لا اله الا الله» و بد گفتن به لات و عزی و یاد کردن نام حضرت محمد (6) با کمال احترام چیزی شنیده نمی‌شد. حضرت رسول (6) برای همدردی و جويا شدن از حال آنها به نزدشان می‌آمد و با رأفت و مهربانی می‌گفت: «ای افراد خاندان یاسر شکيبا باشید! موعده شما بهشت است».

- **یزیدبن معاویه:** فرزند معاویه بن ابی سفیان است پس از پدر به خلافت رسید جوانی بود عاری از علم و فضیلت و شهره به فسق و فجور مدتی حاکم بغداد بود. مردم عراق که از او ناراضی بودند به حسین به علی (7) نامه نوشتند و آن حضرت را برای بیعت به عراق فرا خواندند. امام حسین (7) پسر عمش مسلم بن عقیل را برای گرفتن بیعت به کوفه فرستاد نخست با مسلم بیعت کردند اما چون حاکم یزید عبیدالله بن زیاد به کوفه آمد از یاری و بیعت مسلم سرباز زدند و در دهم محرم به امر یزید عمر بن سعد عامل عبیدالله بن زیاد امام حسین (7) و یارانش را در کربلا به امر یزید شهید کردند. زنان و اطفال بجای مانده در واقع کربلا را نزد یزید به شام فرستادند و این کار نفرت عموم مسلمانان را برانگیخت. یزید حتی مردم مدینه را قتل عام کرد. سلطنت یزید سه سال و نیم طول کشید. در سال اول امام حسین (7)

را به شهادت رسانید. در سال دوم شهر مدینه را تاراج کرد و به قتل و غارت مردم پرداخت و در سال سوم هم به مکه حمله کرد.

• **یعقوب:** یعقوب بن اسحاق بن ابراهیم نام پسر اسحاق پیغمبر و او را اسرائیل نیز گویند با عیصو از یک شکم زاییده شدند. نام پیغمبری که پدر یوسف بود. یعقوب دارای دوازده فرزند بود، یعقوب یوسف را که از سایر فرزندان نیکوکارتر بود به جانشینی خود برگزید و همین امر موجب حسادت سایر فرزندان شد. داستان تعامل برادران یوسف با او در قرآن آمده است. یعقوب در 2206 پیش از میلاد مسیح بدنیا آمده است. در فراق فرزندش یوسف سالها گریست تا نابینا شد. وقتی یوسف به عزیزی مصر برگزیده شد پدر را از کنعان به نزد خویش فرا خواند و در آنجا چشمان یعقوب روشن گشت. نوشته‌اند که یعقوب 147 سالگی روح پاک را تسلیم کرد و جسد مبارکش را در حنوط نمودند و در مصر به خاک سپردند. (دهخدا).